

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: کاظم جلالی

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: حسین صدری‌نیا

اعضای هیئت تحریریه:

ابراهیم بیگزاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)
سیدبهزاد پورسید (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
فتح‌اله تازی (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
سعید سهراب‌پور (استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)
سیدمحمدرضا سیدنورانی (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
محمد قاسمی ششده (استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
ایروان مسعودی اصل (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
محمدقلی یوسفی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

داوران این شماره: غلامحسین الهام، لطفعلی بخشی، حسن بنیانیان، حمید بهره‌مندبگ‌نظر، رضا پورحسین، سیدبهزاد پورسید، محمدجعفر جوادی ارجمند، منصور خلیلی عراقی، حمید دیهیم، حسن سبحانی، حسین سلیمی، علی سوری، سیدمحمدرضا سیدنورانی، مهدی صادقی شاهدانی، محمدعلی صلح‌چی، حسن طائی، جعفر عبادی، قهرمان عبدلی، عباس عرب‌مازار، علیرضا علی‌احمدی جشققانی، حسین عیوضلو، محمد قاسمی ششده، مهدی مرتضوی، احمد مرکز‌المیر، محسن مهرآرا، هوشنگ نایی، علی نصیری‌ا قدم، محمدرضا ویژه

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

ویراستار: شیوا امین اسکندری

مترجم و ویراستار انگلیسی: وحیده اصغر دینداری

صفحه‌آرا: نسیم ثانوی

طراح جلد: علیرضا عاشورزاده

مسئولان اجرایی سایت: نسیم ثانوی و ناهید عطاردی

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، بعد از چهارراه شاداب،

پلاک ۱۳۱

دفتر فصلنامه: ۸۳۳۵۷۱۵۸

دورنگار: ۸۳۳۵۷۱۵۷ امور مشترکین: ۸۳۳۵۷۷۴۲

www.nashr.majles.ir

mremag@majlis.ir

rc.majlis.ir

□ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

□ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی - پژوهشی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی - پژوهشی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. در بردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

فهرست مطالب

● آموزه‌های ۱۶ دوره ارزیابی فضلی محیط کسب و کار در ایران طی پانزده سال ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳ / ۵

یدامیربیاح

● پیاده‌های نهادی انتخاب نظام‌های حکومتی / ۳۳

حسن وکیلان

● معرفی و مجامه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران / ۵۷

سید محمد رضا نوری و سید احسان خاندوزی

● تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر سلامت روانی در استان‌های ایران (۱۳۹۱-۱۳۷۸) / ۸۵

نادر مهران، شبنم قاسمی فرا، حسین سهرابی و فواد خسرو شید

● تحلیل تأثیرات پرداخت یارانه‌های تقدیمی بر بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی

(مطالعه موردی: روستاهای دهستان شیرنگ) / ۱۰۷

حماد سجادی قدری

● سرمایه اجتماعی، محیط کسب و کار و نهاد‌های دولتی: مبانی نظری، تجربیات علی و توصیه‌ها

(با تأکید بر قوه مقننه) / ۱۴۳

سید عطار

● تأثیر ساختار سرمایه‌گذاری بر شاخص عملکرد زیست محیطی در کشورهای نفتی / ۱۶۹

سلطان بلالی، نادرین امین رشتی و رویا سینی پور

● بررسی توزیع فضایی امکانات و زیرساخت های فرستکی در شهرستان های استان خوزستان / ۱۹۹

رضا احمدی، پنج‌الترابی، سعیدکللی، زینب ولی زاده و عبدالعلی رضایی

● تأثیر مکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری در حضور مکانه تولید: بررسی پدیده «واکراینی دوگان»

در اقتصاد ایران (۴: ۱۳۹۰-۱: ۱۳۶۹) / ۲۲۳

جعفر قادری، علی حسین صدیقی و بتول قادری ثانی

● جایگاه جایگزین های مجازات حبس بارویکرو فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران / ۲۴۷

حمید والهی و سیدرضا احسان پور

● انقلاب اطلاعات و ارتباطات؛ گذر از کفتمان اداره امور بین المللی به اداره امور جهانی / ۲۷۹

مرتضی نورمحمدی و روح‌الطالی آرنانی

● ارائه یک مدل ترکیبی برای اولویت دهی احداث نیروگاه بامنابع تجدیدپذیر با در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار

(مطالعه موردی: کشور ایران) / ۳۰۵

محمد علی بهشتی نیا، میثم شایبانی و آرمین عالی رضایی

آموزه‌های ۱۶ دوره ارزیابی فصلی محیط کسب‌وکار در ایران طی پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳

سیدامیر سیاح*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۸/۲۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۱۶

مقاله حاضر، نتایج ۱۶ دوره پیمایش فصلی با ابزار پرسشنامه است که از پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳، به‌طور مستمر با مشارکت حدود ۹۰۰ تشکل اقتصادی سراسر کشور اجرا شده است. در این مطالعه از تشکل‌های اقتصادی خواسته می‌شد ارزیابی خود را از مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران، ارائه کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد مشکل اصلی اداره بنگاه‌ها در ایران از نظر تشکل‌های اقتصادی، مسائل زیرساختی نظیر راه و برق نیست، بلکه مسائل نهادی و نرم‌افزاری است نظیر تأمین مالی تولید و نیز تضمین‌های حقوق مالکیت. تشکل‌های اقتصادی سراسر کشور که در این مجموعه پیمایش‌ها مشارکت کرده‌اند، مجموعاً محیط کسب‌وکار ایران را در دوره مورد بررسی بدتر از متوسط (۶/۰۴ از ۱۰) ارزیابی کرده‌اند. ارزیابی تشکل‌های بخش صنعت و معدن بدتر از متوسط (۶/۱۵) و ارزیابی تشکل‌های بخش کشاورزی نسبتاً بهتر از متوسط (۵/۹۵) بوده است.

در این شانزده دوره پیمایش فصلی مجموعاً، بدترین ارزیابی را تشکل‌های اقتصادی استان همداان و بهترین ارزیابی را تشکل‌های اقتصادی استان گیلان ارائه کرده‌اند.
کلیدواژه‌ها: محیط کسب‌وکار؛ ارزیابی؛ پایش؛ اقتصاد ایران

* مدیر گروه مطالعات محیط کسب‌وکار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

Email: amirsayah@gmail.com

مقدمه^۱

در سال‌های اخیر، مسئولان ارشد اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری از ضرورت و اهمیت بهبود محیط^۲ کسب و کار سخن رانده‌اند. به طوری که این اصطلاح در سیاست‌های کلی برنامه پنجم^۳ تصریح شده و مواد (۶۹ تا ۷۹) در قانون برنامه پنجم نیز تحت سرفصل «فضای کسب و کار» تدوین و تصویب شده است. علاوه بر این تصریح‌های قانونی، رئیس‌جمهور محترم نیز در هنگام تبلیغات انتخاباتی سال ۱۳۹۲ و بعد از آن، مکرراً اجرای «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» (مصوب ۱۳۹۱) را جزو اولویت‌های اقتصادی دولت اعلام کرده‌اند. با وجودی که در متون رسمی و نیز بیانات مسئولان ارشد اقتصاد ایران به طور پی‌درپی اصطلاح بهبود محیط کسب و کار به کار می‌رود اما ظاهراً برداشت واحدی در میان مسئولان ارشد اقتصادی کشور درباره تعریف و ماهیت مفهوم «محیط کسب و کار» وجود ندارد. شاهد مثال آنکه برخی مسئولان تصور می‌کنند بهبود محیط کسب و کار، به کاهش رتبه ایران در گزارش جهانی انجام کسب و کار^۴ محدود می‌شود و با کاهش رتبه ایران در گزارش یادشده، محیط کسب و کار نیز بهبود یافته است. حال آنکه در ادامه این مقاله نشان داده می‌شود شاخص‌ها و معیارهای بین‌المللی نظیر شاخص انجام کسب و کار بانک جهانی، برای سنجش میزان بهبود محیط کسب و کار در ایران چندان قابل اعتماد نیست و برای این مهم باید مؤلفه‌هایی مبتنی بر شرایط اقتصاد ایران تعریف و پایش کرد.

۱. نویسنده از زحمات همکاران گروه مطالعات محیط کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس به ترتیب خانم‌ها مریم احمدیان، زهرا و زینب نعیمی و آقایان شاهین جوادی، سیدمحمد رضا حسینی و موسی شهبازی که در طول ۴ سال اجرای این تحقیق مشارکت داشته‌اند و همچنین از خانم دکتر رؤیا طباطبایی یزدی و آقایان دکتر فتح‌اله تاری، دکتر جعفر خیرخواهان، دکتر محسن رنانی، دکتر احمد میدری، دکتر علی نصیری اقدم و دکتر فرخ قبادی برای مشارکت و راهنمایی در استنتاج از نتایج پیمایش‌ها، قدردانی می‌کند.

۲. برخی منابع و مسئولان از اصطلاح «فضای کسب و کار» نیز استفاده می‌کنند. از آنجاکه در ادبیات این موضوع، دو اصطلاح Business Environment و Investment Climate رواج دارد، برای هماهنگی با ادبیات بین‌المللی موضوع در این مقاله از اصطلاح «محیط کسب و کار» استفاده می‌کنیم.

۳. بخش ۳ بند «۲۱» سیاست‌های کلی برنامه پنجم: بهبود فضای کسب و کار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی، ارائه مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه.

این مقاله، نتیجه شانزده دوره پیمایش مستمر فصلی با مشارکت بیش از ۹۰۰ تشکل اقتصادی در سراسر کشور برای استخراج ادراک و ارزیابی آنها از «مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار» در ایران است. ارزیابی‌هایی که در این چهار سال برخی واقعیت‌ها را در بخش اقتصاد برای سیاستگذاران کشور آشکار کرده است.

۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

مسئله این تحقیق، براساس مقدمه اشاره شده، ارائه تعریف روشنی از «محیط کسب و کار» و ضرورت‌های سنجش آن در اقتصاد ایران و نیز ارزیابی وضعیت محیط کسب و کار در ایران طی دوره بررسی (پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳) براساس ادراک اداره کنندگان بنگاه‌ها در ایران است. به عبارت دیگر، وقتی در سیاست‌های کلی نظام، قوانین و بیانات مسئولان ارشد اقتصاد ایران به بهبود محیط کسب و کار اشاره می‌شود، ماهیت این مفهوم چیست و برای تحقق این هدف چه تمهیدات و اقداماتی اولویت دارد؟

سؤال اصلی این تحقیق چنین است: نتایج ۱۶ دوره پایش محیط کسب و کار در ایران، چه آموزه‌هایی برای سیاستگذاری به دست می‌دهد؟

سؤالات فرعی این تحقیق نیز چنین است: منظور از محیط کسب و کار چیست؟ مؤلفه‌های آن در اقتصاد ایران کدامند؟ با وجود گزارش‌های بین‌المللی محیط کسب و کار، تعریف مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار و ارزیابی آنها در اقتصاد ایران چقدر ضرورت دارد و از چه راهی امکان‌پذیر است؟

۲. پیشینه تحقیق

۱-۲. تعاریف و مبانی نظری

محیط کسب و کار، مجموعه عواملی هستند که به‌طور مشترک بر اداره و عملکرد همه بنگاه‌ها در جامعه مورد مطالعه اثر می‌گذارند اما تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها هستند (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷: ۱) نظیر قوانین و مقررات، میزان بارندگی، فرهنگ کاری در یک منطقه. محیط کسب و کار عمدتاً در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط

بررسی و مطالعه می‌شود چراکه بنگاه‌های بزرگ تا حدودی می‌توانند با صرف هزینه‌هایی مانند تبلیغات برای تغییر فرهنگ مصرفی و یا عملیات لابی در محافل سیاستگذار، عوامل خارجی مؤثر بر اداره و عملکرد بنگاه‌هایشان را مهار کنند اما بنگاه‌های کوچک و متوسط چنین قابلیت‌هایی ندارند و به همین دلیل بهبود محیط کسب و کار برای بنگاه‌های کوچک و متوسط تأثیر زیادی دارد (سیاح، ۱۳۹۰: ۴).

مؤلفه‌های محیط کسب و کار به عوامل متعددی بستگی دارند و نمی‌توان ادعا کرد برای همه بنگاه‌ها در کشورها، اقلیم‌ها، رشته‌های کاری و زمان‌های گوناگون یکسان هستند. به‌عنوان مثال «تشکیل پدیده ریزگرد» در عملکرد یا اداره بنگاه‌های فعال در استان‌های خوزستان و ایلام اثر دارد و در این استان‌ها مؤلفه محیط کسب و کار محسوب می‌شود، اما در استان‌های شمالی و شرقی کشور، مؤلفه محیط کسب و کار محسوب نمی‌شود به همین دلیل می‌توان ادعا کرد مؤلفه‌های محیط کسب و کار به منطقه‌ای که بنگاه در آن قرار گرفته بستگی دارد. مؤلفه‌های محیط کسب و کار به حوزه‌های کاری بنگاه‌ها هم بستگی دارد. به‌عنوان مثال «میزان بارش باران» برای تولیدکنندگان گندم دیم در هر نقطه از جهان، یک مؤلفه بسیار مؤثر محیط کسب و کار محسوب می‌شود، اما برای تولیدکنندگان خودرو، مؤلفه محیط کسب و کار نیست. همچنین می‌توان نشان داد مؤلفه‌های محیط کسب و کار به زمان هم بستگی دارد به‌عنوان مثال بیست سال پیش، «پهنای خطوط اینترنت» در صنعت بانکداری مؤلفه محیط کسب و کار محسوب نمی‌شد، اما امروزه محسوب می‌شود (همان).

لازم به یادآوری است محیط کسب و کار از منظر کلان و خرد و یا به عبارتی ملی و بنگاهی تفاوت‌هایی دارد. در منابع و کتاب‌های مدیریت، عمدتاً محیط کسب و کار برای یک بنگاه بررسی می‌شود، اما تعریف ارائه شده در ابتدای این مقاله، تعریفی در سطح منطقه‌ای، رشته کاری و نیز ملی است و مجموعه مؤلفه‌های برون‌زای مؤثر در اداره همه بنگاه‌های فعال در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ را دربرمی‌گیرد. بدیهی است «مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار» برای یک کشور، آن دسته از مؤلفه‌ها هستند که به‌طور مشترک عملکرد و اداره همه بنگاه‌ها در آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند و خارج از کنترل مدیران این بنگاه‌ها هستند. مانند امنیت، قانون کار و تعطیلات رسمی، اما مؤلفه‌ای مانند «میزان بارندگی» که فقط

بر عملکرد و اداره بنگاه‌ها در برخی رشته‌های کاری مؤثر هستند، «مؤلفه ملی» محیط کسب و کار محسوب نمی‌شوند. به عبارت دیگر، محیط کسب و کار را می‌توان در سطوح بنگاه، بازار، منطقه، استان، ملی و بین‌المللی تعریف کرد (همان: ۵).

مؤلفه‌های برون‌زا در اداره شرکت‌ها که در کتاب‌های مدیریت و به‌ویژه مدیریت راهبردی مورد بررسی قرار می‌گیرند، معمولاً با چهار فاکتور یا دسته اقتصادی، سیاسی، فنی و اجتماعی^۱ تقسیم می‌شوند. مؤلفه‌های محیط کسب و کار، علاوه بر تقسیم‌بندی متعارف (اجتماعی، فنی، اقتصادی، سیاسی و ...) به دو دسته اصلی دیگر نیز تقسیم می‌شوند:

- مؤلفه‌های ناشی از رفتار حکومت: نظیر ثبات سیاست‌ها، نرخ مالیات‌ها، تعرفه‌ها، فساد کارگزاران حکومتی و ...،

- مؤلفه‌های ناشی از کیفیت بازار: نظیر مهارت نیروی انسانی، دسترسی به زمین، خدمات زیربنایی و ... (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷: ۱).

برای آگاهی از نتایج نامساعد بودن محیط کسب و کار، لازم است در ابتدا ویژگی‌های یک محیط کسب و کار نامساعد را بشناسیم. محیط کسب و کار نامساعد دارای ویژگی‌های تقریباً شناخته شده‌ای است. آنچه محافل و منابع موجود روی آن اجماع دارند، از این قرار است:^۲

۱. **ریسک بالای فعالیت اقتصادی:** احتمال تغییر ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی مقررات، قیمت‌ها، رویه‌ها و شرایط کسب و کار و در نتیجه فرار سرمایه‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال. شریف آزاده و بحرینی نشان داده‌اند «سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران علاوه بر تأثیرپذیری از متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ ارز، حجم سرمایه‌گذاری دولتی، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از متغیرهای نهادی معطوف به امنیت محیط سرمایه‌گذاری نیز تأثیر می‌پذیرد و متغیرهای نهادی ثبات دولت، حاکمیت نظم و قانون، خطر بروز درگیری داخلی، خطر بروز درگیری خارجی و شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت، تأثیر مثبت و معنادار بر نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی دارند» (شریف آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

1. Economic, Political, Technological and Social (EPTS)

۲. این منابع عبارت‌اند از گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی، گزارش رقابت‌پذیری بین‌المللی، واحد اطلاعات مؤسسه اکونومیست، شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت و گزارش آزادی اقتصادی هریتج.

۲. **فقدان ضمانت‌های حقوق مالکیت:** ناکارآمدی یا فساد کلاتری‌ها و دادسراها به‌طوری که افراد مالباخته انگیزه و تمایلی برای پیگیری قضایی و شکایت از طرف کلاهبردار یا بی‌تعهد به وعده و قرارداد، نداشته باشند. نورث در این باره می‌نویسد: «در عمده کشورهای توسعه‌نیافته به دلیل بی‌ثباتی حقوق مالکیت، اجرای ضعیف قوانین، وجود موانع ورود به صنعت و محدودیت‌های انحصارطلبانه، بنگاه‌هایی را که در پی حداکثر نمودن سود می‌باشند، به سمت داشتن سرمایه اندک، اقل‌های کوتاه‌مدت تولید و تجارت و مقیاس‌های کوچک تولید سوق می‌دهد. در این جوامع، سودمندترین کسب و کار اقتصادی، احتمالاً فعالیت در جهت توزیع مجدد منابع و کالاها و یا حضور در بازار سیاه خواهد بود» (نورث، ۱۳۷۷: ۱۱۴).

۳. **فقدان ناکارآمدی:** مقررات و قوانین ضدتولیدی و پیچیده و فقدان و یا عدم کارایی بسترهای لازم برای تأسیس و اداره مطلوب بنگاه‌ها از جمله فقدان بازار سرمایه، ضعف گمرک و نظام ناسالم تجارت خارجی و در نتیجه وفور کالاهای قاچاق، فقدان سلامت اداری دستگاه‌های حکومتی، قوانین نامناسب گمرکی، مالیاتی، کار و تأمین اجتماعی که در نهایت باعث رشد اقتصاد زیرزمینی می‌شود. رشد اقتصاد زیرزمینی هم عوارض ناگوار بسیار گسترده‌ای در پی دارد از کاهش رفاه و اشتغال گرفته تا بدتر شدن توزیع عدالت و اتلاف منابع (اسفندیاری و جمال‌منش، ۱۳۸۹: ۳۵-۲۸).

دست‌و‌پا نشان داده است به دلیل قوانین و مقررات بسیار سخت و پیچیده برای فعالیت رسمی، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند به‌طور غیررسمی فعالیت کنند و به زیرزمین پناه ببرند. در اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی شده، سیاست‌های مالی (مالیات و یارانه‌ها) تقریباً از کار می‌افتند، فرار مالیاتی و قاچاق گسترش می‌یابد، تولیدکننده‌ها نمی‌توانند از صرفه‌های مقیاس استفاده کنند و بزرگ شوند و در نتیجه نسبت به رقبای خارجی خود قیمت تمام شده محصولاتشان بالاتر می‌رود و نیز نمی‌توانند از منافع رسمی بودن نظیر شرکت در نمایشگاه، دریافت وام، صادرات و ... بهره‌مند شوند (دست‌و، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۱۹۷).

۴. **فقدان رقابت و وجود درجات بالایی از انحصار:** رانت‌های گسترده از طریق منع ورود فعالان اقتصادی بالقوه به بازارها اعمال می‌شود و حاشیه سود بالا نصیب انحصارگران

می‌کند، قیمت به نفع عرضه‌کنندگان انحصاری در بازار افزایش و کیفیت محصولات و خدمات عرضه شده کاهش می‌یابد. کاهش رضایت مصرف‌کنندگان از دیگر نتایج این وضعیت است. در گزارش سال ۲۰۰۲ بانک جهانی تحت عنوان ساختن نهادها برای بازارها آمده است: سازمان‌های فعال در کشورهای توسعه‌نیافته بیشتر توسعه‌دهنده انحصارند تا رقابت و محدودکننده فرصت‌ها هستند تا خالق آنها. این سازمان‌ها کارآمد هستند، ولی در جهت افزایش سود خود و ناکارا نمودن نهادها موجود. بنابراین نهادها ناقص در این کشورها باعث بروز سازمان‌های ناکارا و عملکرد اقتصادی ضعیف این کشورها می‌شود (World Bank, 2002: 161).

۵. وجود فرهنگ نامناسب برای تولید و سرمایه‌گذاری: نظیر تعطیلات زیاد روزهای کاری، فرار گسترده از کار در محیط‌های کاری، میل به خرید کالاهای خارجی، میل به پس‌انداز کم در مردم و ...

۶. فقدان و یا ناکارآمدی زیرساخت‌های حمل و نقل، ارتباطات، انرژی: نتیجه این حالت، مقرون‌به‌صرفه نبودن سرمایه‌گذاری و نیز مشکلات فراوان برای رساندن محصول تولیدی به بازار و عرضه به مصرف‌کنندگان است.

می‌توان انتظار داشت با درپیش گرفتن راهبرد و سیاست «بهبود محیط کسب و کار»، یعنی افزایش ضمانت‌های حقوق مالکیت، ایجاد رقابت و مقابله با انحصار، بهبود فرهنگ مصرفی و کاری به نفع تولید، بهبود زیرساخت‌های لازم برای تولید و سالم و کارآمدسازی نهادهای مالی - اداری ناظر به تولید؛ انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری و اشتغال افزایش یابد (رهبر، محمدی و مظفری، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۲۸)، فرار مالیاتی و قاچاق کمتر شود، اقتصاد شفاف‌تر و رقابتی‌تر شود، قیمت تمام‌شده محصولات کاهش یابد و مصرف‌کنندگان از مزایای بازارهای رقابتی بهره‌مند گردند (Batra, Kaufmann and Stone, 2003: 29).

۲-۲. چگونه و چه زمانی توجه محافل اقتصادی به محیط کسب و کار جلب شد؟
تا اواسط دهه ۱۹۹۰، توصیه‌های بانک جهانی و اصطلاحاً «اجماع واشنگتنی» به کشورهای در حال توسعه، موفق و کارآمد تلقی می‌شد. منظور از اجماع واشنگتنی، مجموعه

توصیه‌هایی است که دو نهاد اقتصادی بین‌المللی مستقر در واشنگتن یعنی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به کشورها برای رسیدن به توسعه اقتصادی ارائه می‌کردند. محورهای اصلی این توصیه‌ها عبارت بودند از: سپردن اقتصاد به نیروهای بازار آزاد، بازبودن به روی جهان، کاهش حجم دولت، خصوصی‌سازی و انضباط اقتصاد کلان (رودریک، ۱۳۸۶: ۹۷).

این سیاست‌ها تا دهه ۱۹۹۰ میلادی در برخی از کشورهای در حال توسعه اجرا شده و موفق تلقی می‌شد، اما از میانه این دهه، به تدریج برخی از کشورهای شاگرد اول بانک جهانی در ایجاد اصلاحات اقتصادی دچار بحران شدند. مکزیک در سال ۱۹۹۵، کشورهای شرق آسیا در ۱۹۹۷ و آرژانتین و روسیه در سال ۲۰۰۰ میلادی نمونه‌هایی از این بحران‌های غیرمنتظره را شاهد بودند (ثارو، ۱۳۸۴: ۱۸).

در آن زمان سؤال مهمی که توجه محافل اقتصادی را به خود جلب کرد این بود که با وجودی که این کشورها رهنمودهای بانک جهانی را به دقت اجرا کرده بودند، چرا دچار بحران اقتصادی شدند؟

از میان تلاش‌های علمی برای یافتن پاسخ این معمای بزرگ، دو پاسخ برجسته‌تر بود. هر دو به‌طور غیرمستقیم تقریباً به یک مفهوم اشاره داشت و بعدها «محیط کسب و کار» نام گرفت. پاسخ اول را جوزف «استیگلیتز» استاد دانشگاه کلمبیا و اقتصاددان ارشد بانک جهانی در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ ارائه داد. استیگلیتز در مقاله «اصلاحات به کجا می‌رود» با مقایسه حرکت دو اقتصاد بزرگ بلوک شرق یعنی چین و روسیه به سوی اقتصاد مبتنی بر عمل بخش خصوصی نشان داد تجربه روسی حضور بخش خصوصی در اقتصاد، «واگذاری سریع بنگاه‌های دولتی» به ارث رسیده از شوروی سابق به داوطلبان خریداری این بنگاه‌ها بود. این روند که پس از فروپاشی شوروی از سال ۱۹۹۱ آغاز شد، سهم بخش خصوصی در اقتصاد روسیه را تا سال ۲۰۰۴ به ۸۰ درصد رساند، اما در همین مدت تعداد فقرا نیز ۵ برابر شد و به بحران اقتصادی سال ۲۰۰۰ انجامید. در مقابل جمهوری خلق چین، به جای «واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی»، راهبرد «زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری جدید بخش خصوصی» و تولد بنگاه‌های جدید را برگزید و نتیجه آنکه طی

سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴، سهم بخش خصوصی از اقتصاد چین به ۷۰ درصد رسید و ۵۰۰ میلیون چینی از زیر خط فقر نجات یافتند (استیگلیتز، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

استیگلیتز روش چینی حرکت به سمت بخش خصوصی را «خصوصی‌سازی از پایین» نامید و نشان داد کشورهایی که بدون توجه به اقتضانات بومی اقتصاد خود، توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (اجماع واشنگتنی) را اجرا کرده‌اند، به بحران و یا حداقل ناکامی اقتصادی رسیده‌اند (همان: ۱۳۵).

دومین پاسخ قابل توجه به این معما که چرا کشورهای پیشرو در اجرای توصیه‌های اجماع واشنگتنی دچار بحران اقتصادی شدند را محقق پرویی «هرناندو دسوتو» ارائه کرد.

دسوتو با تدوین نتایج پژوهش‌های میدانی گسترده‌اش در دو کتاب *راهی دیگر و راز سرمایه*، نشان داد که برخلاف تصور رایج در اجماع واشنگتنی، مشکل اصلی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، کمبود سرمایه نیست، بلکه فقدان «تضمین‌های حقوق مالکیت» است. دسوتو نشان داد که در پرو و دیگر کشورهای به ظاهر فقیر، مردم میل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و کسب و کار دارند، اما به دلیل فقدان حمایت از حقوق مالکیت، ناچارند در اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی فعالیت کنند در نتیجه از «منافع رسمی بودن» نظیر شرکت در نمایشگاه‌های تجاری، دریافت وام و ... محروم هستند و نمی‌توانند کسب و کارهایشان را توسعه دهند و یا حتی محصولشان را در یک بازار معتبر عرضه کنند (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۸).

دسوتو همچنین نشان داد آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها با تدوین قوانین رسمی و گسترده حقوق مالکیت و ابداع فرایند تبدیل در آن قوانین برای ایجاد سرمایه، از مرز رسیدن به سرمایه‌داری موفق عبور کرده‌اند (دسوتو، ۱۳۸۶: ۳۵).

در سال‌های اخیر، رهبران کشورهای مختلف هرناندو دسوتو را برای مشورت به ملاقات طلبیده‌اند. مهم‌ترین پیام دسوتو برای کشورهای در حال توسعه این بوده است که تلاش کنید نهادهای لازم برای توسعه، به خصوص مهم‌ترین آن یعنی نهاد حمایت از حقوق مالکیت را تقویت کنید و تولیدکنندگان را تشویق کنید از بخش غیررسمی خارج شوند و در بخش رسمی اقتصاد فعالیت کنند (همان: ۲۸۶).

۲-۳. تجربیات بین‌المللی ارزیابی محیط کسب و کار

در سال‌های اخیر محافل علمی و اقتصادی بین‌المللی به اهمیت و ضرورت «بهبود محیط کسب و کار» از جمله ایجاد رقابت و آزادی اقتصادی، گسترش حقوق مالکیت و ...، توجه زیادی اعمال می‌کنند. از اواخر قرن گذشته تجربیات مختلفی برای اندازه‌گیری و ارزیابی مؤلفه‌های مختلف محیط کسب و کار آغاز شده است. گروه بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، واحد اطلاعات مؤسسه اکونومیست از پیش‌تازان ارزیابی مؤلفه‌های محیط کسب و کار در کشورهای مختلف بوده‌اند. ارزیابی محیط کسب و کار معمولاً مبتنی بر نظرخواهی از فعالان کسب و کار انجام می‌شود، یعنی استعلام از کسانی که بنگاه‌های اقتصادی را اداره می‌کنند و براساس تعریف «محیط کسب و کار»، با عوامل برون‌زای مؤثر بر اداره و عملکرد بنگاه‌ها مستقیماً در ارتباط هستند. علاوه بر نظرخواهی و «ادراک سنجی»، مطالعات پایش محیط کسب و کار از داده‌های آماری نیز برای این ارزیابی‌ها استفاده می‌کنند و شاخص‌هایی به صورت تلفیقی از نظرات فعالان اقتصادی و داده‌های آماری، معرفی شده است. جدول ۱ مشهورترین مطالعات و ارزیابی‌های بین‌المللی از محیط کسب و کار را به همراه ارزیابی مربوط به ایران در آخرین گزارش مربوطه ارائه می‌کند:

جدول ۱. مقایسه مهم‌ترین پایش‌ها و ارزیابی‌های بین‌المللی محیط کسب و کار

نام گزارش یا شاخص	ارائه‌دهنده	رویکرد گزارش	سابقه از	تعداد نماگرها	رتبه ایران در آخرین گزارش
سهولت انجام کسب و کار ^۱	بانک جهانی	ایجاد بنگاه‌ها	۲۰۰۳	۱۰ نماگر اصلی	۱۳۰ از ۱۸۳ کشور در ۲۰۱۵
گزارش بنگاه‌ها ^۲	بانک جهانی	مشکلات اداره بنگاه‌ها	۲۰۰۱	۶ نماگر اصلی	برای ایران انجام نمی‌شود
گزارش رقابت‌پذیری جهانی ^۳	مجمع جهانی اقتصاد ^۴	رقابت‌پذیری اقتصادها	۱۹۷۹	۱۲ نماگر اصلی و ۱۱۲ نماگر فرعی	۱۴۲ از ۱۶۲ کشور در ۲۰۱۱-۲۰۱۲
آزادی اقتصادی	بنیاد هریتیج و وال‌استریت جورنال	امنیت و آزادی اقتصادی	۱۹۹۵	۱۰ نماگر و ۵۰ متغیر	۱۶۸ از ۱۷۹ کشور در ۲۰۰۹

1. Ease of Doing Business
2. Enterprise Survey (ES)
3. Global Competitiveness Report (GCR)
4. World Economic Forum (WEF)

نام گزارش یا شاخص	ارائه‌دهنده	رویکرد گزارش	سابقه از	تعداد نماگرها	رتبه ایران در آخرین گزارش
آزادی اقتصاد	مؤسسه فریزر	آزادی اقتصادی و کیفیت مقررات	۱۹۹۷	۸ نماگر اصلی و ۴۲ فرعی	۱۱۰۷ از ۱۴۱ کشور در ۲۰۰۸
دیده‌بان جهانی کارآفرینی ^۱	مدرسه کسب‌وکار لندن	ارزیابی کارآفرینی	۱۹۹۹	۳۲ نماگر کارآفرینی و محیط کسب‌وکار	توصیفی
پیش‌بینی کسب‌وکار	مؤسسه بیزنس مانیتر اینترنشنال ^۲	سنجش ریسک با SWOT	۱۹۸۴	-	-
شاخص محیط کسب‌وکار	واحد اطلاعات اکونومیست ^۳	ریسک سرمایه‌گذاری	۲۰۰۲	۱۰ نماگر	۸۲ از ۸۲ کشور در ۲۰۱۱
شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت ^۴	سازمان اتحاد حقوق مالکیت	تضمین‌های حقوق مالکیت	۲۰۰۷	محیط حقوقی، حقوق مالکیت فیزیکی و فکری	۱۰۹ از ۱۲۹ کشور در ۲۰۱۱

مأخذ: تلخیص محقق از گزارش‌های یاد شده.

چنانچه جدول ۱ نشان می‌دهد، هریک از گزارش‌ها و مطالعات بین‌المللی در ارزیابی محیط کسب‌وکار، از رویکرد و زاویه‌ای خاص به این مقوله پرداخته‌اند (حسینی، ۱۳۸۹: ۶).

۴-۲. گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی، مزایا و معایب

مشهورترین گزارش بین‌المللی در سنجش و ارزیابی محیط کسب‌وکار در کشور ما، گزارش سهولت انجام کسب‌وکار است که از سال ۲۰۰۳ به‌طور سالیانه توسط مؤسسه تأمین مالی بین‌المللی^۵ برای بانک جهانی تهیه و منتشر می‌شود. گزارش سهولت انجام کسب‌وکار، در حال حاضر (۲۰۱۵) از ۱۰ نماگر^۶ فرعی تشکیل شده و مراحل انجام کسب‌وکار از تولد تا ورشکستگی کسب‌وکارها را در ۱۸۳ کشور براساس هزینه، زمان و

1. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

2. Business Monitor International (BMI)

3. Economic Intelligence Union (EIU)

4. International Property Rights Index (IPRI)

5. International Finance Corporation (IFC)

۶. در این مقاله منظور از شاخص (Index) و منظور از نماگر (Indicator) و منظور از مؤلفه (Component) است.

تعداد مراحل انجام کسب و کار اندازه‌گیری می‌کند و نتیجه را به صورت رتبه هر کشور در هر نماگر و رتبه کلی کشور ارائه می‌دهد. رتبه ایران در دو سال در این گزارش به شرح جدول ۲ بوده است.

جدول ۲. رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار و نماگرهای آن

عنوان شاخص و نماگرها	سال ۲۰۱۱ (از ۱۸۳ کشور)	سال ۲۰۱۵ (از ۱۸۳ کشور)
سهولت انجام کسب و کار	۱۴۰	۱۴۴
راه‌اندازی کسب و کار	۴۳	۵۳
دریافت مجوزها	۱۶۲	۱۶۴
اخذ انشعاب برق	۱۶۳	۱۶۲
ثبت مالکیت	۱۵۹	۱۶۳
دریافت اعتبار	۹۶	۹۸
حمایت از سرمایه‌گذاران	۱۶۶	۱۶۶
پرداخت مالیات	۱۱۸	۱۲۶
تجارت برون‌مرزی	۱۳۱	۱۳۸
اجرای قراردادهای	۴۸	۵۰
خاتمه کسب و کار	۱۱۷	۱۱۸

Source: World Bank Group, 2014.

مزیت مهم گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی این است که به رهنمودهای مشخصی منتهی می‌شود: کاستن هزینه‌ها، مراحل و زمان راه‌اندازی و ساماندهی امور کسب و کار. با این حال، این گزارش‌ها در سال‌های اخیر با نقدهای علمی جدی روبه‌رو شده است. مشهورترین این نقدها عبارت‌اند از:

۱. گزارش سهولت کسب و کار براساس این پیش‌فرض نادرست بنا شده که در همه کشورها قوانین به طور کامل اجرا می‌شوند و خوب بودن قانون به معنی خوب بودن محیط کسب و کار است.

۲. فرض نادرست دیگر این رتبه‌بندی این است که کشورها هر چقدر قوانین ناظر بر

کسب و کار را کمتر کنند بهتر است، حال آنکه بهترین کشورها از نظر محیط کسب و کار الزاماً کم قانون‌ترین کشورها نیستند و اصولاً بی‌قانونی ایدئال نیست، بلکه داشتن قانون خوب و دارای ضمانت اجرای کافی، ایدئال است.

۳. گزارش‌های انجام کسب و کار بانک جهانی به اقتضانات بومی و ملی، فرهنگی، اقلیمی و ... کشورها توجهی ندارد و برای همه کشورها نسخه واحدی عرضه می‌کند.

۴. برخی از مؤلفه‌های مهم و فراگیر محیط کسب و کار نظیر مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی، ناامنی سیاسی، بی‌ثباتی در قوانین و مقررات و ... در این گزارش‌ها ملاحظه نشده است.

۵. رتبه‌بندی‌های گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی کشورهای جهان سوم را از اصلاحات اساسی اقتصادی باز می‌دارد و آنها را به سمت عددسازی و کاهش رتبه در این گزارش هدایت می‌کند ضمن اینکه برخی مطالعات تجربی و میدانی، صحت اطلاعات و رتبه‌بندی‌های این گزارش را تأیید نمی‌کنند (Arruñada, 2008: 6).

آرونادا نشان می‌دهد گزارش سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی چه‌بسا کشورهای در حال توسعه را با هدف بهبود محیط کسب و کار، به بیراهه عددسازی یا حذف مقررات مفید و ضروری بکشاند (Ibid.: 8).

۲-۵. ضرورت‌های ارزیابی داخلی محیط کسب و کار در ایران

برخی کارشناسان و حتی مسئولان و سیاستگذاران کشورمان، برای گزارش‌های انجام کسب و کار بانک جهانی، اهمیت زیادی قائل هستند و تصور می‌کنند بهبود محیط کسب و کار به معنی کاهش رتبه ایران در این گزارش است. حال آنکه همان‌طور که نشان داده شد، این گزارش در سال‌های اخیر از نظر مبانی نظری و روش اجرا زیر سؤال رفته است و تأکید بر کاهش رتبه ایران در این گزارش چه‌بسا کشور را از نظر سیاستگذاری در جهت بهبود محیط کسب و کار به بیراهه ببرد. علاوه بر این، کاهش رتبه در گزارش بانک جهانی الزاماً به معنی بهبود محیط کسب و کار در ایران نیست، چه‌بسا ممکن است رتبه ایران در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی کاهش هم پیدا کند، اما وضع واقعی محیط

کسب و کار بهتر نشود؛ زیرا تولیدکنندگان ایرانی گاه با مسائل خاص کشور ما روبه‌رو هستند که اساساً در گزارش سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی به آنها پرداخته نمی‌شود. مسائلی نظیر مفاسد اقتصادی، ابعاد فرهنگ کاری و مصرفی مؤثر بر اداره بنگاه‌ها، تحریم‌های بین‌المللی، تغییر ناگهانی مقررات ناظر به کسب و کار، قانون کار موجود، تعطیلات زیاد و ناگهانی روزهای کاری و ... به همین دلیل، مطالعه و پایش مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار در ایران و گزارش آن به سیاستگذاران کشور برای تصمیم‌گیری صحیح و مؤثر، ضرورت زیادی دارد (سیاح، ۱۳۹۰: ۱۲).

۳. روش تحقیق

برای رسیدن به پاسخ‌های سؤالات این تحقیق، علاوه بر روش‌های کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، ابتدا با روش دلفی و با مشارکت تشکل‌های اقتصادی سراسری،^۱ مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار در ایران تعریف و استخراج شدند. به این ترتیب که طی بهمن ۱۳۸۸ تا خرداد ۱۳۸۹ در سه مرحله، از پنج تشکل اقتصادی فراگیر شامل اتاق بازرگانی صنایع معادن ایران، انجمن مدیران صنایع، خانه صنعت و معدن، کانون عالی کارفرمایان و خانه کشاورز به‌طور کتبی سؤال شد: «چه عواملی بر اداره یا عملکرد بنگاه اقتصادی در بنگاه‌های زیرمجموعه تشکل شما مؤثرند ولی تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها هستند؟»^۲ پاسخ‌های واصله جمع‌بندی و مجدداً پرسیده شد تا پاسخ‌های حاصل، تقریباً یکسان و در ۲۲ مؤلفه ملی محیط کسب و کار ارائه شدند (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). در تدوین این مؤلفه‌ها تلاش شد هر مؤلفه با تعابیری معرفی شود تا حداکثر مفاهمه و برداشت از مفهوم هر مؤلفه میان تدوین‌کننده، خوانندگان گزارش و نیز ارزیابی‌کنندگان هر مؤلفه ایجاد شود. به همین دلیل برخی مؤلفه‌ها با عباراتی نسبتاً مفصل توصیف شده‌اند. در حالی که مؤلفه‌های مشابه در گزارش‌های بین‌المللی با عبارات کوتاه‌تری معرفی می‌شوند، در این گزارش‌ها هر مؤلفه از

۱. براساس ماده (۱) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، آن دسته از تشکل‌های اقتصادی که در چندین استان کشور شعبه و عضو داشته باشند تشکل اقتصادی سراسری محسوب می‌شوند.

۲. جمله داخل گیومه، تعریف محیط کسب و کار، (Business Environment) محسوب می‌شود.

چندین نماگر تشکیل شده که مفاهمه و دقت آن گزارش‌ها را بیشتر کرده است. در ادامه، طی پنج سال از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، در ۲۰ روز آخر هر فصل با ارسال پرسشنامه‌ای با ۲۲ سؤال بسته برای بیش از ۹۰۰ تشکل اقتصادی از سراسر کشور، از آنها خواسته می‌شد ارزیابی تشکل خود را از ۲۲ عامل مؤثر بر اداره یا عملکرد بنگاه‌های عضو آن تشکل در فصل مورد بررسی با اختصاص عددی بین ۱ (بهترین ارزیابی) تا ۱۰ (بدترین ارزیابی) ارائه دهند. نمره ۱ برای مؤلفه‌ای که در اداره بنگاه‌های آن تشکل اخلاص خاصی ایجاد نکرده باشند و نمره ۱۰ برای مؤلفه‌ای که اداره بنگاه‌های آن تشکل را به حدی مشکل کرده باشد که بنگاه‌ها به حالت تعطیل یا ورشکستگی درآمده باشند. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها با فرایندهای علمی تأیید شده است.^۱ از آنجا که بخش نامعلومی از اقتصاد ایران غیررسمی است و فعالان اقتصادی معمولاً به پرسشنامه‌های مربوط به کسب و کار با محافظه‌کاری پاسخ می‌دهند در این مطالعه از «تشکل‌های اقتصادی» به جای «فعالان اقتصادی» استفاده و فرض شده تشکل‌های اقتصادی برآیند نظر اعضای خود را در پرسشنامه‌های این مطالعه ارائه می‌کنند.

به منظور محاسبه شاخص ارزیابی هر مؤلفه، ابتدا میانگین ارزیابی تشکل‌های هر استان در هر بخش P_{ij} محاسبه شد. در فرمول زیر P_{ijk} ارزیابی تشکل‌های اقتصادی، مشارکت‌کننده n هر استان i ، در هر بخش j است و اندیس k نشان‌دهنده تشکل مورد نظر است.

$$P_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^n P_{ijk}}{n}$$

وزن‌های استانی W_i برای محاسبه شاخص هر مؤلفه براساس سهم استان از تولید ناخالص داخلی بدون نفت کل کشور و وزن‌های بخشی S_j براساس سهم بخش از تولید ناخالص داخلی بدون نفت کل کشور محاسبه شده است. شایان ذکر است که وزن تشکل‌های اقتصادی که در بیش از یک استان شعبه داشته و ماهیت سراسری دارند^۲ با وزن ۵۰ درصد از نظر تعلق استانی لحاظ شده‌اند.

۱. گزارش آزمون‌های روایی و پایایی این مطالعه در گروه مطالعات محیط کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی موجود است.

۲. براساس ماده (۱) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، آن دسته از تشکل‌های اقتصادی که در چندین استان کشور شعبه و عضو داشته باشند «تشکل اقتصادی سراسری» نامیده می‌شوند.

جدول ۳. وزن‌های بخشی ۳

بخش مربوطه	وزن براساس سهم هر بخش از تولید ناخالص داخلی بدون نفت سال ۱۳۹۰ (درصد)
کشاورزی	۱۰/۶۸
صنعت و معدن	۳۱/۳۹
خدمات	۵۷/۶۳
جمع	۰/۱۰۰

جدول ۴. سهم هر استان از تولید ناخالص داخلی بدون نفت

(وزن‌های استانی ۱۳۹۱ به درصد)

استان	وزن*	استان	وزن	استان	وزن
آذربایجان شرقی	۱/۹۱	خراسان رضوی	۳/۳۰	کرمان	۱/۶۲
آذربایجان غربی	۱/۲۵	خراسان شمالی	۰/۳۵	کرمانشاه	۱/۰۲
اردبیل	۰/۵۸	خوزستان	۲/۹۲	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۶
اصفهان	۳/۵۷	زنجان	۰/۵۲	گلستان	۰/۷۰
البرز	۱/۵۷	سمنان	۰/۵۵	گیلان	۱/۲۷
ایلام	۰/۲۷	سیستان و بلوچستان	۰/۷۵	لرستان	۰/۷۰
بوشهر	۱/۶۹	فارس	۲/۴۹	مازندران	۲/۰۲
تهران	۱۳/۹۷	قزوین	۰/۸۵	مرکزی	۱/۰۲
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۰	قم	۰/۵۹	هرمزگان	۰/۹۷
خراسان جنوبی	۰/۲۹	کردستان	۰/۶۱	همدان	۰/۸۹

* الف) براساس سهم استان از تولید ناخالص داخلی بدون نفت سال ۱۳۹۰؛ ب) وزن تشکیل‌های کشوری براساس تولید ناخالص داخلی بدون نفت سال ۱۳۹۰ نبوده، بلکه براساس نظر هیئت علمی این مطالعه محاسبه شده است.

لازم به یادآوری است از آنجا که نرخ بازگشت پرسشنامه‌های ارسالی در این مطالعه به ۸۰ درصد نرسید، نتایج آن به کل تشکیل‌های اقتصادی کشور تعمیم داده نشده و در آنها ادعا نشده که نتایج حاصل، نظر «فعالان اقتصادی»، «تولیدکنندگان ایرانی» یا حتی

«تشکل‌های اقتصادی ایران» است، بلکه صرفاً ادعا شده که هریک از این گزارش‌ها، میانگین ارزیابی تعداد مشخصی^۱ تشکل اقتصادی از سراسر کشور از ۲۲ مؤلفه ملی محیط کسب و کار ایران در فصل مورد مطالعه است. از آنجا که پاسخنامه‌های دریافتی براساس استان و نیز حوزه کاری^۲ تشکل‌های مشارکت‌کننده قابل تفکیک بوده‌اند، نتایج حاصله به تفکیک نظرات تشکل‌های مشارکت‌کننده برحسب استان یا حوزه کاری نیز ارائه شده است.

۴. یافته‌های گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار در ایران

یافته‌های گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار در ایران در جداول ۵ تا ۷ ارائه می‌شود. جدول ۵، میانگین ارزیابی تشکل‌های اقتصادی مشارکت‌کننده در ۱۶ پیمایش فصلی از مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران طی پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳ را به‌طور کلی و نیز به تفکیک بخش‌های اقتصادی به ترتیب بدترین تا بهترین مؤلفه ارزیابی شده، نشان می‌دهد.

جدول ۵. میانگین ارزیابی تشکل‌های اقتصادی مشارکت‌کننده در ۱۶ پیمایش فصلی از مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران به‌طور کلی و نیز به تفکیک بخش‌های اقتصادی

مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران	کشاورزی	صنعت	خدمات	کل
میانگین کل ۱۶ دوره ارزیابی	۵/۹۵	۶/۱۵	۶/۰۰	۶/۰۴
مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها	۷/۸۵	۷/۹۸	۷/۶۵	۷/۷۷
بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۴۴	۷/۴۹	۷/۰۷	۷/۲۴
ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه	۷/۳۱	۷/۶۲	۶/۹۲	۷/۱۸
بی‌تعهدی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع	۶/۰۸	۶/۷۲	۶/۹۳	۶/۷۷
اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان	۶/۶۴	۶/۹۴	۶/۶۵	۶/۷۴
نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی	۶/۴۷	۶/۷۷	۶/۷۰	۶/۷۰

۱. با ذکر تعداد تشکل‌های مشارکت‌کننده.

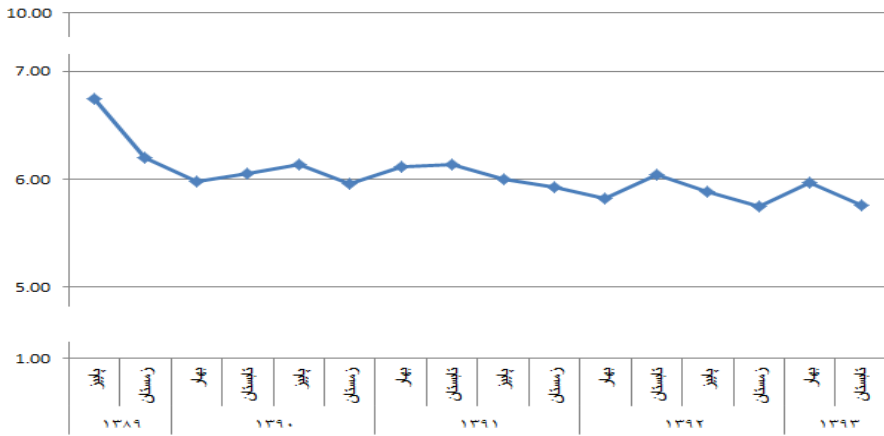
۲. منظور این است که تشکل مشارکت‌کننده در کدام یک از بخش‌های صنعت، کشاورزی یا خدمات فعال بوده است.

مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران	کشاورزی	صنعت	خدمات	کل
وجود مفاصل اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی	۶/۲۰	۶/۴۹	۶/۶۸	۶/۵۷
قیمت‌گذاری غیرمنطقی محصولات تولیدی توسط دولت و نهادهای حکومتی	۶/۹۷	۶/۳۳	۶/۳۵	۶/۴۱
بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری	۶/۵۸	۶/۶۴	۶/۲۴	۶/۴۰
تثبیت نرخ ارز با وجود تورم در داخل و ثبات قیمت‌ها در بازارهای هدف*	۶/۴۵	۶/۷۸	۶/۰۲	۶/۳۰
ضعف دادسراها در رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها و تضمین اجرای قراردادها	۵/۸۸	۶/۰۰	۶/۱۸	۶/۰۹
محدودیت قانون کار در تعدیل و جابه‌جایی نیروی کار	۵/۹۴	۵/۸۶	۶/۱۲	۶/۰۲
زیاد بودن تعطیلات رسمی	۵/۶۵	۶/۲۴	۵/۹۱	۵/۹۹
تولید کالاهای غیراستاندارد، تقلبی و عرضه نسبتاً بدون محدودیت آن	۵/۱۰	۵/۷۵	۵/۹۷	۵/۸۱
برگشت چک‌های مشتریان و همکاران	۵/۷۲	۵/۸۵	۵/۵۶	۵/۶۷
عرضه کالاهای خارجی قاچاق در بازار داخلی	۴/۹۳	۵/۵۲	۵/۶۷	۵/۵۵
موانع تعرفه‌ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه	۵/۴۲	۵/۷۲	۵/۳۹	۵/۵۰
تعرفه پایین کالاهای وارداتی و رقابت غیرمنصفانه محصولات رقیب خارجی	۴/۹۰	۵/۷۲	۵/۱۳	۵/۲۹
تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی	۴/۳۲	۵/۰۹	۵/۲۷	۵/۱۱
ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف‌کننده	۵/۸۳	۴/۷۳	۴/۹۵	۴/۹۷
ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل	۵/۱۷	۴/۸۶	۴/۸۹	۴/۹۱
ضعف زیرساخت‌های تأمین برق	۴/۰۶	۴/۲۴	۳/۷۴	۳/۹۳

* مؤلفه «تثبیت نرخ ارز با وجود تورم در داخل و ثبات قیمت‌ها در بازارهای هدف» از ابتدای این تحقیق در سال ۱۳۸۹ جزو مؤلفه‌های محیط کسب و کار تعریف شده بود اما با توجه به تحولات ارزی سال ۱۳۹۱ با نظر مشاوران علمی این تحقیق از این فهرست حذف شد و آمارهای این مؤلفه فقط از پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۱ را دربرمی‌گیرد.

مأخذ: نتایج میدانی تحقیق.

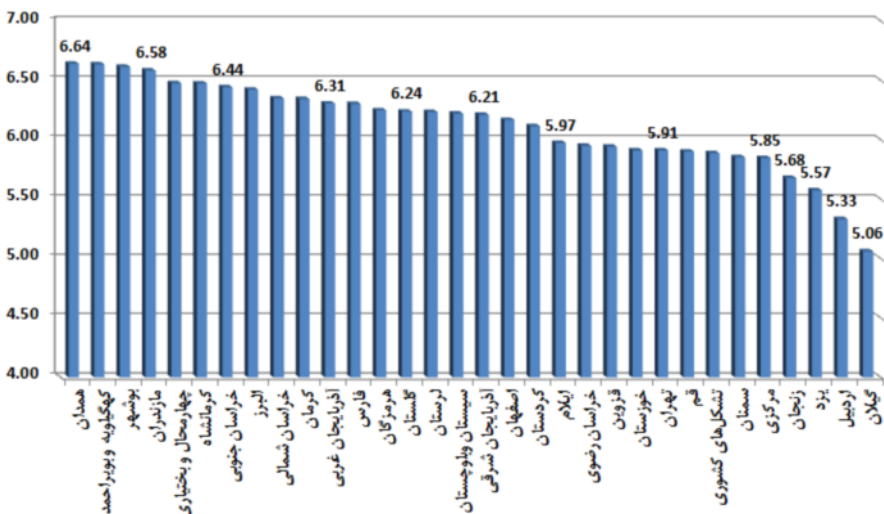
نمودار ۱. نوسانات میانگین کل ارزیابی شکل‌های مشارکت‌کننده در ۱۶ فصل



مأخذ: نتایج میدانی تحقیق.

نمودار ۲، میانگین ارزیابی شکل‌های اقتصادی مشارکت‌کننده در این مجموعه پیمایش‌های فصلی از مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران طی پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳ به تفکیک استان‌ها را نشان می‌دهد.

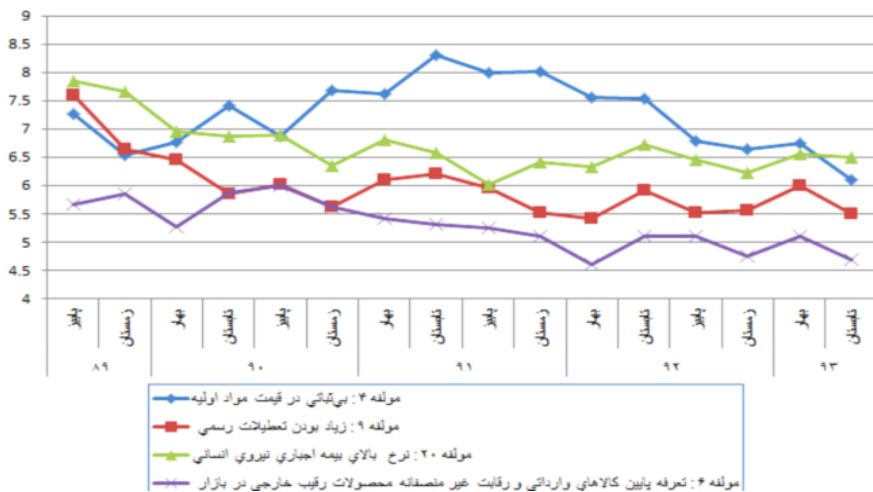
نمودار ۲. مقایسه ارزیابی شکل‌های استانی از مؤلفه‌های محیط کسب و کار طی ۱۶ فصل



مأخذ: همان.

نمودار ۳ تغییرات پرنوسان ترین مؤلفه های محیط کسب و کار طی ۱۶ فصل ارزیابی توسط تشکل های مشارکت کننده را نشان می دهد.

نمودار ۳. تغییرات پرنوسان ترین مؤلفه ها طی ۱۶ فصل ارزیابی توسط تشکل های مشارکت کننده



مأخذ: همان.

جدول ۶، میانگین ارزیابی تشکل های اقتصادی استانی مشارکت کننده از مؤلفه های محیط کسب و کار در ایران طی پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳ به تفکیک بخش های اقتصادی را نشان می دهد.

جدول ۶. میانگین ارزیابی تشکل های اقتصادی استانی مشارکت کننده، از مؤلفه های محیط کسب و کار در ایران طی پاییز ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳ به تفکیک بخش های اقتصادی

استان	کشاورزی	صنعت و معدن	خدمات	میانگین غیر وزنی	میانگین وزنی
تشکل های کشوری	۵/۸۹	۵/۹۲	۵/۹۶	۵/۹۲	۵/۸۹
آذربایجان شرقی	۶/۲۱	۶/۷۱	۶/۰۱	۶/۳۱	۶/۲۱
آذربایجان غربی	۶/۳۰	۶/۷۱	۶/۲۹	۶/۴۳	۶/۳۱
اردبیل	۵/۶۷	۵/۷۸	۵/۱۷	۵/۵۴	۵/۳۳

استان	کشاورزی	صنعت و معدن	خدمات	میانگین غیروزنی	میانگین وزنی
اصفهان	۶/۱۴	۶/۵۶	۵/۹۴	۶/۲۱	۶/۱۷
البرز	۶/۴۳	۶/۸۵	۶/۲۸	۶/۵۲	۶/۴۲
ایلام	۶/۰۰	۶/۳۱	۵/۹۵	۶/۰۹	۵/۹۷
بوشهر	۶/۲۵	۶/۴۲	۶/۸۰	۶/۴۹	۶/۶۱
تهران	۵/۷۲	۶/۳۵	۵/۸۰	۵/۹۵	۵/۹۱
چهارمحال و بختیاری	۶/۲۳	۶/۳۴	۶/۶۲	۶/۴۰	۶/۴۸
خراسان جنوبی	۶/۱۵	۶/۱۷	۶/۵۷	۶/۳۰	۶/۴۴
خراسان رضوی	۶/۰۵	۶/۲۳	۵/۹۸	۶/۰۹	۵/۹۵
خراسان شمالی	۶/۱۲	۵/۹۷	۶/۶۴	۶/۲۴	۶/۳۵
خوزستان	۶/۲۴	۵/۸۱	۵/۹۹	۶/۰۱	۵/۹۱
زنجان	۵/۸۹	۵/۵۰	۵/۸۰	۵/۷۳	۵/۶۸
سمنان	۵/۹۰	۵/۸۶	۵/۸۵	۵/۸۷	۵/۸۵
سیستان و بلوچستان	۶/۲۴	۶/۵۲	۶/۱۱	۶/۲۹	۶/۲۲
فارس	۶/۰۷	۷/۱۹	۵/۹۱	۶/۳۹	۶/۳۰
قزوین	۵/۸۲	۵/۴۱	۶/۲۶	۵/۸۳	۵/۹۴
قم	۶/۱۰	۶/۱۲	۵/۹۱	۶/۰۴	۵/۹۰
کردستان	۶/۰۴	۶/۳۴	۵/۹۹	۶/۱۲	۶/۱۱
کرمان	۶/۱۰	۶/۳۵	۶/۴۵	۶/۳۰	۶/۳۴
کرمانشاه	۶/۵۵	۶/۰۷	۶/۶۷	۶/۴۳	۶/۴۸
کهگیلویه و بویراحمد	۶/۳۲	۶/۶۱	۶/۷۲	۶/۵۵	۶/۶۳
گلستان	۶/۴۶	۶/۴۹	۶/۰۷	۶/۳۴	۶/۲۴
گیلان	۴/۲۳	۵/۳۲	۵/۲۰	۴/۹۲	۵/۰۶
لرستان	۵/۸۹	۵/۹۳	۶/۵۷	۶/۱۳	۶/۲۳
مازندران	۶/۴۶	۶/۳۸	۶/۷۸	۶/۵۴	۶/۵۸
مرکزی	۵/۹۳	۶/۰۱	۵/۶۸	۵/۸۷	۵/۸۵
هرمزگان	۵/۷۹	۶/۲۸	۶/۳۷	۶/۱۵	۶/۲۵
همدان	۶/۰۵	۶/۵۳	۶/۹۱	۶/۴۹	۶/۶۴
یزد	۵/۵۷	۵/۹۹	۵/۵۵	۵/۷۰	۵/۵۷

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها: آموزه‌های گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار ایران برای سیاستگذاری

تلفیق نتایج ۱۶ دوره نظرسنجی از تشکل‌های اقتصادی سراسر کشور که در جداول ۵ و ۶ و نمودارهای ۱ تا ۳ ارائه شده، واقعیت‌های قابل توجهی برای تصمیم‌سازان و سیاستگذاران کشور آشکار می‌کند. خلاصه این واقعیت‌های آشکار شده^۱، به این شرح است:

۱. برآیند ارزیابی تشکل‌های اقتصادی سراسر کشور که در این مجموعه پیمایش‌ها مشارکت کرده‌اند، از مؤلفه‌های محیط کسب و کار در ایران در دوره مورد بررسی، بدتر از متوسط (۵/۵) و برابر ۶/۰۴ است. در این میان، تشکل‌های اقتصادی بخش صنعت و معدن بدتر از بقیه تشکل‌ها (۶/۱۵) و تشکل‌های اقتصادی بخش کشاورزی نسبتاً بهتر از بقیه تشکل‌ها (۵/۹۵) مؤلفه‌های ملی محیط کسب و کار را ارزیابی کرده‌اند.

۲. برخلاف آنچه به‌عنوان پیش‌فرض ضمنی در تدوین لوایح و قوانین برنامه و بودجه تصور می‌شود، زیرساخت‌های اقتصادی نظیر برق و راه، از نظر تشکل‌های اقتصادی اخلال‌چندانی در اداره واحدهای تولیدی ارزیابی نمی‌شوند و به‌عبارت‌دیگر، امروزه ضعف زیرساخت‌ها دیگر مؤلفه اخلالگر مهمی در محیط کسب و کار ایران نیست و برای حمایت از تولید، تخصیص اعتبار برای احداث راه‌ها یا نیروگاه‌های جدید نباید در اولویت باشد. حادث‌ترین مؤلفه اخلالگر در اداره یا عملکرد بنگاه‌ها، به تأمین مالی تولید مربوط می‌شود.

از این واقعیت می‌توان به سیاستگذاران مجلس شورای اسلامی توصیه کرد هنگام تخصیص منابع با هدف حمایت از تولیدکنندگان، به‌جای اختصاص منابع کلان برای توسعه راه‌ها یا احداث نیروگاه‌های برق، برای تأمین مالی تولید نهادسازی کنند و تدابیری طراحی نمایند تا پس‌اندازهای مردمی به‌سوی انبوه واحدهای تولیدی متقاضی نقدینگی هدایت شود. متنوع کردن ابزارهای تأمین مالی بنگاه‌ها در بورس سهام در همین راستا قابل توصیه است. این نتایج نشان می‌دهد مشکل اصلی کارآفرینان و سرمایه‌گذاران در ایران را باید در نرم‌افزارهای توسعه جستجو کرد؛ یعنی نهادهایی که پس‌اندازها را جمع‌آوری و به‌سوی تولیدکنندگان متقاضی هدایت می‌کنند. نیز نهادهای تضمین‌کننده حقوق مالکیت؛ یعنی

کلاتری‌ها و دادگاه‌ها را کارآمدتر کرد که می‌تواند هزینه‌های مبادله در ایران را کاهش و امنیت اقتصادی را ارتقا دهد.

جزئیات جدول ۵ همچنین واقعیت‌های کاربردی و جالبی را آشکار می‌کنند به‌عنوان مثال در طول دوره ارزیابی (پاییز سال ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۳)، تشکل‌های بخش کشاورزی از «نظام توزیع» و نیز «زیرساخت‌های راه و برق» ارزیابی بدتری نسبت به دو بخش دیگر ارائه داده‌اند. همین‌طور از جدول ۵ می‌توان برداشت کرد که «محدودیت‌های قانون کار» از نظر تشکل‌های بخش خدمات، اخلاک‌گر مؤثرتری در اداره بنگاه‌ها ارزیابی شده است. چنین استنتاج‌هایی را از هریک از ردیف‌های جدول ۵ می‌توان ارائه کرد.

۳. نمودار ۱ نشان می‌دهد ارزیابی تشکل‌های مشارکت‌کننده در این پیمایش‌های فصلی از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار طی ۱۶ فصل مورد بررسی به تدریج بهتر شده است. این نمودار همچنین نشان می‌دهد در طول این چهار سال مطالعه، در اولین فصل هر سال (بهار)، معمولاً تشکل‌های مشارکت‌کننده ارزیابی بدتری از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار ارائه کرده‌اند و تا پایان سال به تدریج ارزیابی‌ها بهتر شده است که این واقعیت می‌تواند با تخصیص بیشتر بودجه‌های جاری و عمرانی دولت در اواخر سال نسبت به فصل اول سال، قابل توجیه و تفسیر باشد.

۴. نمودار ۲ نشان می‌دهد در طول ۱۶ فصل مورد بررسی، تشکل‌های اقتصادی استان‌های همدان - کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر به تدریج ارزیابی بدتری نسبت به مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار ارائه داده‌اند و در مقابل تشکل‌های اقتصادی استان‌های یزد، اردبیل و گیلان ارزیابی بهتری ارائه کرده‌اند. درباره پراکندگی ارزیابی تشکل‌های استانی شاید بتوان با استفاده از جداول تفصیلی هریک از این ۱۶ مطالعه که در پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس^۱ قابل دسترس است، استنتاج‌هایی ارائه داد. همچنین علاقمندان به این نوع مطالعات می‌توانند داده‌های نمودار ۲ را با رتبه‌بندی استان‌ها از نظر نرخ بیکاری با استفاده از آزمون‌هایی نظیر همبستگی، پردازش کنند و اطلاعات و دستاوردهای بدیعی برای سیاست‌گذاری اقتصادی به دست آورند.

۵. تغییرات ارزیابی هریک از مؤلفه‌ها در طول زمان نیز قابل توجه و حامل آموزه‌های زیادی می‌تواند باشد - نمودار ۳، چهار مؤلفه پرنوسان‌تر از میان ۲۲ مؤلفه این مطالعه را انتخاب و تغییرات ارزیابی کل تشکل‌ها طی ۱۶ فصل مورد بررسی را ارائه داده است. این نمودار نشان می‌دهد از پاییز سال ۱۳۹۰ و هم‌زمان با آغاز جهش شدید نرخ ارز، ارزیابی تشکل‌های مشارکت‌کننده در این مطالعات از مؤلفه «بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه» به تدریج بدتر شده و در تابستان ۱۳۹۱ به اوج رسیده است و بعد از آن، ارزیابی این مؤلفه به تدریج بهتر شده تا جایی که در تابستان ۱۳۹۳، این مؤلفه از مؤلفه «نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی» بهتر (کمتر) ارزیابی شده است.

تغییر نوسانات ارزیابی‌ها همچنین نشان می‌دهند از پاییز سال ۱۳۸۹ تا بهار ۱۳۹۳ ارزیابی تشکل‌های مشارکت‌کننده از مؤلفه «تعرفه پایین کالاهای وارداتی و رقابت غیرمنصفانه محصولات رقیب خارجی در بازار» به تدریج بهتر شده و از تابستان ۱۳۹۲ به بعد این ارزیابی به تدریج با نوساناتی همراه بوده است. لازم به یادآوری است نمودار ۳ فقط روند تغییرات ارزیابی تشکل‌ها از چهار مؤلفه پرنوسان را ارائه می‌دهد و با استفاده از ۱۶ گزارش منتشرشده از نتایج این تحقیقات فصلی که در پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس موجود است، می‌توان برای سایر مؤلفه‌ها نیز روند پژوهشی و استنتاج برای سیاستگذاری ارائه داد.

۶. تنوع تشکل‌های مشارکت‌کننده در این مجموعه پیمایش‌های استانی از نظر حوزه (بخش) کاری و استان محل فعالیت تشکل‌ها، می‌تواند واقعیت‌هایی الهام‌بخش برای سیاستگذاری ارائه کند.

به‌عنوان مثال ستون دوم از جدول ۶ نشان می‌دهد تشکل‌های بخش کشاورزی استان‌های کرمانشاه و سپس گلستان و مازندران در دوره بررسی، مجموعاً ارزیابی بدتری از محیط کسب‌وکار در استان مطبوع خود داشته‌اند و جالب اینکه تشکل‌های بخش کشاورزی در استان‌های گیلان، یزد و اردبیل، بهترین ارزیابی در این دوره را ارائه داده‌اند. همچنین تشکل‌های فعال در بخش صنعت نیز در استان‌های فارس و آذربایجان‌های شرقی و غربی ارزیابی بدتر و تشکل‌های صنعتی در استان‌های گیلان، قزوین و زنجان ارزیابی

بهتری از محیط کسب و کار در دوره بررسی ارائه کرده‌اند. استنتاج‌های مشابه برای تشکل‌های فعال در بخش خدمات نیز قابل ارائه است. با این ارزیابی‌ها و رتبه‌بندی‌ها می‌توان به مسئولان اجرایی استان‌هایی که تشکل‌های مربوط آنها ادراک بدتری از محیط کسب و کار ارائه داده‌اند، پس از مطالعه دقیق‌تر علل این ارزیابی‌های منفی، پیشنهادهایی برای اصلاح مقررات و رویه‌های اجرایی با هدف تسهیل کسب و کار در این استان‌ها ارائه کرد.

در مجموع این پیمایش‌ها در طول زمان واقعیت‌هایی را آشکار کرده است که تا پیش از آن برای سیاستگذاران و تصمیم‌سازان کشور تقریباً نامعلوم بود. هرچند ممکن است ادراک تشکل‌های اقتصادی دقیقاً با «واقعیت مؤلفه‌های محیط کسب و کار» منطبق نباشد اما نباید فراموش کرد که ابتدا تنها راه ارزیابی مؤلفه‌های کیفی محیط کسب و کار، پرسش از فعالان اقتصادی و مدیران بنگاه‌های تولیدی است و دوم اینکه، ارزیابی و ادراک فعالان اقتصادی از مؤلفه‌های محیط کسب و کار برای سیاستگذاران اقتصادی، حتی از واقعیت مؤلفه‌های محیط کسب و کار هم مهم‌تر باید تلقی شود چرا که فعالان اقتصادی براساس ادراک خود از واقعیت، اقدام به سرمایه‌گذاری و توسعه یا توقف کسب و کار می‌کنند نه الزاماً براساس خود واقعیت.

منابع و مآخذ

۱. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر سنجش و بهبود فضای کسب و کار ایران»، واحد آموزش و انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران.
۲. احمدیان، مریم و همکاران (۱۳۹۲). «گزارش پایش محیط کسب و کار در زمستان ۱۳۹۱»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۱۳۱۰۹.
۳. اسفندیاری، علی اصغر و آرش جمال‌منش (۱۳۸۹). «اقتصاد زیرزمینی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی».
۴. استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۳). «اصلاحات به کجا می‌رود»، مجموعه مقالات حکمرانی خوب بنیان توسعه، ترجمه جعفر خیرخواهان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. تفضلی، فریدون (۱۳۸۶). «راز سرمایه دوستو، چاپ سوم، تهران، نشر نی».
۶. ثارو، لستر (۱۳۸۴). «آینده سرمایه‌داری، تغییر و تحول ساختاری در نظام سرمایه‌داری جهانی، چاپ دوم، تهران، نشر دیدار».
۷. حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹). «معرفی و ارزیابی شاخص‌های انجام کسب و کار» گزارش بنگاه و پایش محیط کسب و کار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. دوستو، هرناندو (۱۳۸۶). «راز سرمایه، چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در سایر جاهای دیگر شکست می‌خورد، ترجمه فریدون تفضلی، چاپ سوم، تهران، نشر نی».
۹. رودریک، دنی (۱۳۸۶). «پایان اجماع واشنگتنی و آغاز سردرگمی واشنگتنی»، ترجمه حسین سلیمی، مجله اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، ش ۵ و ۶.
۱۰. رهبر، فرهاد، شاپور محمدی و فرشید مظفری (۱۳۸۶). «موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۸۱.
۱۱. شریف آزاده، محمدحسین و محمدحسین حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۲). «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸)»، نشریه نامه مفید، ش ۳۸.
۱۲. سیاح، سیدامیر (۱۳۹۰). «سامانه بهبود محیط کسب و کار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۳. میدری، احمد و اصلان قودجانی (۱۳۸۷). «سنجش و بهبود محیط کسب و کار، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران».
۱۴. نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۷). «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

15. Arruñada, Benito (2008). *How Doing Business Jeopardizes Institutional Reform*, Spanish Ministry of Education and Science.
16. Batra, Geeta, Daniel Kaufmann and Andrew H. W. Stone (2003). *The Firms Speak: What the World Business Environment Survey Tells Us about Constraints on Private Sector Development*, World Bank.
17. Economist Intelligence Unit (June 2011). "Country Report", <http://www.eiu.com/public>.
18. World Bank (2002). *Building Institutions for Markets*, World Development Report, Oxford University Press.
19. _____ (2008). *Doing Business: An Independent Evaluation*, World Bank, Washington D.C.
20. World Bank Group (2014). *Ease of Doing Business Report, Going Beyond Efficiency, Comparing Business Regulations for Domestic Firms in 189 Economies*, Washington D.C.
21. www.Heritage.org, "Methodology for the 10 Economic Freedom".
22. www.PRSgroup.com, "International Country Risk Guide Methodology".

پیامدهای نهادی انتخاب نظام‌های حکومتی

حسن وکیلان *

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۸/۲۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۳/۲۰

یکی از کارکردهای مهم قوانین اساسی، سازمان‌دهی اقتدار سیاسی در قالب قوای مختلف حکومتی است. این کارکرد اغلب بر مبنای تلقی‌های خاص از نظریه تفکیک قوا صورت می‌پذیرد که موجب تنوع پر شمار نظام‌های حکومتی شده است. اگرچه نظریه پردازان حقوق اساسی و علوم سیاسی نظام‌های حکومتی را ذیل سه مدل کلی پارلمانی، ریاستی و نیمه ریاستی یا نیمه پارلمانی تقسیم می‌کنند اما هریک از این مدل‌ها در جوامع سیاسی گوناگون اشکال متنوعی به خود گرفته‌اند در این صورت آیا می‌توان از نظر ارزشی یکی از مدل‌ها را بر دیگری ترجیح داد؟ آیا یکی از نظام‌های حکومتی ذاتاً بر دیگری برتری دارد؟ مدعای اصلی این مقاله این است که هیچ یک از نظام‌های حکومتی بر دیگری رجحان ارزشی مطلق ندارد بلکه ترجیح یکی بر دیگری با توجه به اهداف و انتظاراتی که طراحان آنها برای نظام‌های حکومتی در نظر گرفته‌اند و میزان توفیق آنها در دستیابی به چنین اهدافی امکان‌پذیر است. با توجه به اینکه برخی نظام‌های حکومتی یاد شده بیش از دو قرن و برخی حدود یک قرن مبنای تنظیم روابط قوای حکومتی بوده است می‌توان انتظار داشت که اعمال آنها پیامدهای منظم و خاص خود را به وجود آورده باشند. در این مقاله با استفاده از نتایج مطالعات تطبیقی، تصویری کلی از این انتظارات و برخی پیامدهای دو نظام حکومتی رقیب یعنی نظام پارلمانی و ریاستی ترسیم شده است. موضوع اصلی این است که در انتخاب نظام‌های حکومتی به هیچ وجه نباید فقط به تأثیرات آنی آنها بر اختیارات و صلاحیت روابط نهادها و مقامات عمومی بسنده کرد بلکه تأثیرات گسترده‌ای که هریک از آنها بر حوزه‌های کلان زندگی اجتماعی دارند باید مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نهاد؛ تفکیک قوا؛ نظام حکومتی؛ نظام پارلمانی؛ نظام ریاستی؛ پیامد؛ ثبات سیاسی؛ کارآمدی؛ نظارت؛ پاسخگویی؛ گروه نفوذ

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

مقدمه

یکی از فصل‌های مهم بیشتر قوانین اساسی به قواعد سازماندهی قوای حکومتی اختصاص دارد. این قواعد حدود اختیارات و صلاحیت‌های مقامات عمومی در اعمال اقتدار سیاسی را تعیین و تصریح می‌کنند و از این طریق شیوه حکمرانی خاصی پدید می‌آورند که واجد آثار عملی مهمی است. مثلاً اینکه رئیس‌جمهوری در تعیین اعضای کابینه خود نسبتاً مستقل و خودمختار باشد و یا نیازمند رأی اعتماد یا تأیید پارلمان هم باشد و یا اینکه انحلال پارلمان به وسیله رئیس‌قوه مجریه امکان‌پذیر باشد یا نباشد در نحوه تعامل نهادهای قوه مقننه و مجریه و در نهایت نحوه اداره یک جامعه سیاسی معین تأثیر بسزایی دارد. به عبارت دیگر، نظم خاصی که در میان ارکان و نهادهای سیاسی در قوانین اساسی برقرار می‌شود با این پیش‌فرض نزد طراحان آن انجام می‌شود که چنین نظامی به مدیریت بهتر امر عمومی از سوی حکومت منجر خواهد شد. اما تجربه نشان داده است که چنین توقعی همواره برآورده نمی‌شود به این معنا که نظم هنجاری ترسیم شده در قانون اساسی گاه به دلایل یا علل مختلف آثاری خلاف انتظار طراحان آن به بار می‌آوردند یا آثار مطلوب را به بار نمی‌آورند. در چنین حالتی یکی از علت‌های احتمالی ناکارآمدی عمل حکمرانی می‌تواند نقص در طراحی نظام حکومتی یعنی نحوه ارتباط و تعامل قوای سه‌گانه با یکدیگر باشد. تشخیص اینکه چنین ربطی میان هنجارهای قانون اساسی و نحوه نامطلوب حکمرانی وجود دارد یا نه، مستلزم بررسی آثار نهایی عمل حکمرانی است. بدون شناسایی این رابطه علی نمی‌توان به راحتی حکم به کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام حکومتی خاص داد و آن را دستخوش تغییر و اصلاح کرد.

مباحثی که امروزه درباره اصلاح نظام حکومتی فعلی در ایران مطرح شده است از دو جهت قابل بررسی است. از این حیث که نظام سیاسی، خود ناکارآمدی در برخی عرصه‌های حکمرانی را به رسمیت شناخته و این موضوع در عرصه عمومی جامعه مطرح شده است موجب خرسندی است. به هر روی پذیرش وجود بیماری گام مهمی برای چاره‌جویی و درمان آن محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر شتابزدگی و دامنه بحث را به مباحث صرف حقوقی و سیاسی روزمره فرو کاستن مایه نگرانی است. چنانکه خواهیم دید بدون ارزیابی و

تحلیل پیامدهای گسترده‌ای که نحوه طراحی نظام‌های حکومتی دارند به هیچ وجه نمی‌توان در این باره حکم قانع‌کننده‌ای صادر کرد. این پیامدها چنان گسترده‌اند که به مطالعات میان‌رشته‌ای عمیق و روشمندی نیاز دارند. در این مقاله سعی شده است با استفاده از مطالعات تطبیقی انجام شده در این حوزه، به برخی پیامدهای مهم ملازم با دو نظام حکومتی رقیب یعنی نظام پارلمانی و ریاستی اشاره شود.

۱. غایت مدل‌های مختلف حکومتی بر مبنای نظریه تفکیک قوا

بخش مهم و عمده‌ای از قوانین اساسی به نحوه تقسیم و توزیع اقتدار سیاسی و سازمان‌دهی نهادهای آن اختصاص دارد. به‌طور سنتی اختصاص این اقتدار به نهادهای مختلف دست‌کم در سه شکل متنوع طبقه‌بندی شده که الگوی سازماندهی نظام‌های حکومتی زیادی در جوامع سیاسی مختلف قرار گرفته است. این تنوع به مثابه یک تکنیک، خود در خدمت برآوردن غایات مهمی است که بدون آگاهی از آن، بحث درباره این تکنیک‌ها یکسره بیهوده و فاقد معنا خواهد بود. قبل از پرداختن به این سه الگوی عمده یعنی نظام‌های پارلمانی، ریاستی و نیمه‌ریاستی و پیامدهای انتخاب هر کدام، به اختصار به این غایات اشاره می‌شود.

نظام‌های پارلمانی، ریاستی و نیمه‌ریاستی حاصل تفسیرهای مختلف از یک نظریه واحد یعنی نظریه تفکیک قوا هستند. چنانکه خواهیم دید در هر یک از این مدل‌ها قوای سیاسی به شکل ویژه‌ای در نسبت با یکدیگر قرار می‌گیرند طوری که منجر به پدید آمدن نحوه خاصی از حکمرانی می‌شوند که آثار متفاوتی به بار می‌آورد. ولی در اساس، هر سه الگو نسبت تامی با نظریه تفکیک قوا دارند که بر پایه آن اقتدار سیاسی نباید یکجا و کامل در اختیار یک نفر یا یک نهاد باشد. با این وجود می‌توان این سؤال اساسی را مطرح کرد که چرا باید چنین باشد و این ضرورت را چه چیزی توجیه می‌کند؟

به‌طور کلی دو پاسخ متفاوت به این پرسش داده شده است. پاسخ معمول و مشهور این است که تفکیک قوا راهی است برای حفظ آزادی در مقابل تهدید قدرت سیاسی خودسرانه. به اعتقاد مونتسکیو یکی از نظریه‌پردازان اصلی نظریه تفکیک قوا در قرن هجدهم «در هر حکومت سه قوه وجود دارد: قوه مقننه، مجریه و قضائیه ... هر گاه قوای

مقننه و مجریه در هر ادغام شود و در اختیار یک شخص یا گروهی قرار گیرد، دیگر آزادی نمی‌تواند وجود داشته باشد ... و نیز اگر قوه قضائیه از قوای مقننه و مجریه منفک نباشد باز هم وجود آزادی ناممکن است. چنانچه قوه قضائیه به قوه مقننه بپیوندد، زندگی و آزادی فرد در معرض نظارت خودسرانه‌ای قرار خواهد گرفت، زیرا در این وضع، قاضی خود قانونگذار هم هست و اگر قوه قضائیه به قوه مجریه ملحق شود، ممکن است قاضی خود شدت عمل نشان دهد و به حق افراد تجاوز کند» (جونز، ۱۳۶۲: ۳۲۶). در عصر حاضر نیز نویسندگان برجسته‌ای مانند بارنت (۲۰۰۱) (به نقل از Barber, 2001) و وایل (۱۹۹۸) به پیروی از همین نظر، غایت اساسی نظریه تفکیک قوا را حفاظت از آزادی می‌دانند (Vile, 1998). بارنت معتقد بود تفکیک قوا با دشوار کردن عمل دولت این کار را انجام می‌دهد (Barber, 2001: 61). مقصود بارنت این است که کاهش کارآمدی دولت بهایی است که باید برای حفاظت از آزادی پرداخت شود. تحلیل ویور و راکمن درباره ماهیت نظام تفکیک قوای آمریکایی که بیشترین انطباق را با طرح نظری مونتسکیو دارد نیز بر همین مبنا استوار است. آنها خاطر نشان می‌کنند قانون اساسی‌ای که طراحان قانون اساسی آمریکا آن را به یادگار گذاشتند نه به قصد ایجاد و طراحی یک نظام کارآمد بلکه به این منظور بود که جاه‌طلبی را در مقابل جاه‌طلبی قرار دهند و جلو استبداد را بگیرند (Weave and Rokman, 1993).

اما برخی نویسندگان، حفاظت از آزادی را تنها غایت نظریه تفکیک قوا نمی‌دانند. برای نمونه باربر با استناد به آثار جان لاک، یکی دیگر از نظریه‌پردازان برجسته تفکیک قوا معتقد است که این نظریه فقط جنبه سلبی ندارد بلکه تکالیفی را در جهت حفاظت از حقوق بنیادین افراد متوجه دولت می‌داند (Barber, 2001: 63). باربر در این باره با استناد به نظر جان لاک می‌نویسد: «کافی نیست که دولت از وضع قوانین مخالف خیر عمومی احتراز کند بلکه باید به ایجاد قواعدی اهتمام داشته باشد که خیر عمومی را ارتقا می‌دهد. بنابراین آزادی و کارآمدی با هم تلفیق می‌شوند. قانون اساسی وقتی کارآمد است که نه تنها از آزادی محافظت کند بلکه به پیشبرد آن نیز کمک کند» (Ibid.: 64). باربر در ادامه مقاله خود، تا جایی پیش می‌رود که برخلاف نظر مشهور ادعا می‌کند آنچه در اساس

نظریه تفکیک قوا قرار دارد نه آزادی بلکه کارآمدی است. از نظر او یک نهاد وقتی کارآمد است که راه دستیابی به اهدافی که برای آن تعیین شده است را هموار کند (Ibid.: 66). جنبه ایجابی نظریه‌های یادشده را شاید بتوان در مباحث مربوط به حکمرانی خوب دنبال کرد. در اینجا سخن از حاکمیت قانون، افزایش پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت همگانی در اعمال اقتدار سیاسی و پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای حکومت و خصیصه‌های اثباتی از این قبیل است. اما به نظر می‌رسد چنین معیارهایی باز هم غایت نهایی نیستند بلکه خود در خدمت دستیابی به ارزش‌های مهم‌تر دیگری هستند.

به عبارت دیگر، مطلوبیت ویژگی‌هایی نظیر شفافیت و پاسخ‌گویی به سبب خود آنها نیست بلکه بدان دلیل است که دستیابی به ارزش‌های دیگری را تسهیل می‌کنند. وایل این ارزش‌ها را عدالت، آزادی، برابری و محافظت از حق مالکیت می‌داند. از نظر او چند قرن بحث و جدل در این حوزه، چیزی جز اختلاف نظر و شیوه در چگونگی تأمین این ارزش‌های بنیادین نیست (Vile, 1998). وایل معتقد است که دغدغه اصلی نظریه‌های نهادی غربی این بوده است که از یک سو از اعمال اقتدار سیاسی که برای تحقق این ارزش‌ها ضروری است اطمینان حاصل کنند و از سوی دیگر حکومت را طوری کنترل کنند که خود به عاملی برای نابودی و زوال این ارزش‌ها تبدیل نشود (Ibid.). بوریس اکرم‌ن در اثر برجسته خود «تفکیک قوای جدید»، تفکیک قوا و اشکال مختلف آن را در خدمت سه آرمان مشخص می‌داند یعنی دموکراسی یا تحقق آرمان حاکمیت بر سرنوشت خویش، کارآمدی یا ارتقای سطح عملکرد حکومت و در نهایت سومین آرمان تحقق و تقویت حقوق بنیادین بشری. از نظر اکرم‌ن بدون داشتن چنین آرمان‌هایی و تلاش برای تحقق آنها «سخن گفتن از تفکیک قوا [ریاستی یا پارلمانی و غیره] به یک طراحی قانون اساسی محض و ساده فروکاسته می‌شود» (Ackerman, 2000: 639).

بنابراین بی‌جهت نیست که بحث درباره انواع مختلف نظام‌های حکومتی تنها در گفتمان دموکراتیک و دولت‌های مشروطه واجد معناست یعنی جایی که حکمرانی مقید به قیودی است که احترام به حقوق بنیادین انسان یکی از برجسته‌ترین آنهاست. در وجه آرمانی در یک نظام دموکراتیک عملکرد مقامات عمومی در قالب نهادها، پیش‌بینی‌پذیر،

قابل محاسبه و قابل کنترل به وسیله یکدیگر است. با توجه به همین تحلیل است که ریگز این سؤال را مطرح می‌کند که «اگر بپذیریم دمکراسی نمایندگی هم شکل مقبول و هم شکل مرجح انواع رژیم‌های سیاسی است آنگاه مسئله مهم این است که این نوع حکومت چگونه باید سازمان‌دهی شود؟» (Riggs, 1997). بدین ترتیب بحث درباره انواع نظام‌های حکومتی و پیامدهای حاصل از آنها در حکومت‌هایی که تفکیک قوا را نمی‌پذیرند یا مشروط و محدود بودن قدرت حاکم را رد می‌کنند منتفی به نظر می‌رسد.

بنابراین، در بحث نظام‌های حکومتی گرچه در نگاه اول حفاظت از آزادی و تأمین کارآمدی دو آرمان متهافت به نظر می‌رسند که وجود یکی امکان حضور دیگری را منتفی می‌کند اما به نظر هنر تفکیک قوا به عنوان تکنیک سازمان‌دهی دولت این است که با ایجاد توازن میان این دو مطلوب رقیب تا حدی هر دو را برآورده کند. از این رو طراحی نهادهای سیاسی به نحوی که ضمن محافظت از آزادی‌های فردی حکومت را در انجام مؤثر وظایف بی‌شمار و مهمی که در عصر حاضر به عهده گرفته توانا می‌سازد اهمیت بسیاری پیدا کرده است.

۲. نظام‌های حکومتی به مثابه نهادهای سیاسی

باید توجه داشت که نظریه تفکیک قوا صرفاً بحث فلسفی و انتزاعی نیست بلکه در نهایت منجر به خلق نهادهایی می‌شود که در پی تحقق عملی این ارزش‌های بنیادین هستند. اما پرسش این است که نهادها چیستند و چگونه این کار را انجام می‌دهند؟

نورث نظریه پرداز معروف مکتب نهادگرایی، نهاد را هرگونه محدودیت بشر ساخته می‌داند که به یک کنش شکل می‌دهد (نورث، ۱۳۸۵). پیترز معتقد است «نهاد مجموعه‌ای از انتظارات رفتاری را برای افراد در جایگاه‌های درون نهاد تعریف و سپس رفتاری را که برای نقش مناسب است تقویت و رفتاری را که نامناسب است تنبیه می‌کند (پیترز، ۱۳۸۶: ۵۶). او خاطر نشان می‌کند نهادها می‌توانند برخی پیامدهای قابل پیش‌بینی و منظم را تولید کنند که به تمام مشارکت‌کنندگان در یک نهاد سود برساند و محدوده ممکن تصمیم‌های موجود برای آن بازیگران اجتماعی را که به‌طور مستقیم در هیچ سازمان خاصی دخیل

نیستند آشکار سازند» (همان: ۸۳). در این تعاریف و سایر تعاریفی که نویسندگان دیگر ارائه داده‌اند تأکید بر ایجاد محدودیت از طریق نهاد و پیش‌بینی‌پذیری رفتارها همواره به چشم می‌خورد. ضرورت ایجاد و به‌کارگیری نهادها که هویتی بشر ساخته و اعتباری دارند مبتنی بر فهم و دریافت خاصی از ذات انسان است که زیربنای بسیاری از علوم و معارف بشری از جمله اقتصاد، حقوق و سیاست است. اینکه انسان معمولاً موجود منفعت‌جوست و در پی حداکثرسازی سود خود است و مبنای بسیاری از افعالش خودخواهی است. این تمایلات به‌طور معمول انگیزه افعال انسانی است گرچه از یک سو ضامن بقا و دوام اوست اما از سوی دیگر می‌تواند برای حیات اجتماعی و مدنی او بسیار خطرناک و مخرب باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت «ایده‌ای که در بن نهادها قرار دارد این است که اعمال انسان را به سمت خاصی سوق دهد به این امید که آن را به سویی که مفید به حال خوشبختی بشر باشد هدایت کند» (Berggren and Kurrild-Klitgaard, 2002: 3).

در میان نهادهای مختلف اجتماعی، یک دسته مهم، نهادهای سیاسی هستند. این نهادها با رفتارها و اراده‌های معطوف به قدرت سیاسی سروکار دارند و روابط نابرابر فرمانروایی و فرمانبری و ساختار دولت را سامان می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر نهادهای سیاسی قواعد بازی سیاسی هستند و اساسی‌ترین نیازهای حیات مدنی انسان یعنی امکان زندگی مسالمت‌آمیز همراه با رقابت برای دستیابی به قدرت سیاسی را فراهم می‌کنند و نحوه کاربرد مؤثر آن را نشان می‌دهند. این نهادها به‌مثابه قاعده رفتار در واقع محدوده عملکرد مقامات عمومی، چارچوب‌های تصمیم‌گیری و نحوه اداره امور روزمره یک جامعه سیاسی را تعیین می‌کنند. نهادهای سیاسی از طریق تعیین قواعد بازی سیاسی به‌شدت بر فرایندهای سیاسی اثر می‌گذارند. برای مثال، قوانین اساسی رسمی یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی است که تعیین‌کننده امور بنیادینی نظیر قواعد رأی‌دهی، نظام انتخاباتی، مجموعه حق‌ها و ساختار واحدهای عمده سیاسی یعنی قوای مقننه، مجریه و قضائیه است. کیفیت و چگونگی طراحی این نهادها بر نحوه رفتار کنشگران حوزه سیاسی کم یا بیش مؤثر است و کمتر تردیدی در این باره ابراز شده است. همان‌طور که مارش و استوکر خاطر نشان می‌کند به اعتقاد برخی نهاد‌گرایان نهادها قواعد رفتار هستند و «این قواعد هستند که رفتار را تجویز

می‌کنند؛ یعنی اینکه رفتار به دلیل یک قاعده مشخص اتفاق می‌افتد» (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۸۹). برای نمونه موريس دوورژه در مطالعات خود درباره نظام‌های انتخاباتی به این نتیجه رسید که نوع نظام انتخاباتی می‌تواند در شکل خاصی از کابینه یا ائتلاف‌های حکومتی اثرگذار باشد که این خود در نهایت بر سرنوشت نظام‌های دموکراتیک تأثیرگذار است. «به اعتقاد دوورژه نظام‌های انتخاباتی تناسبی اغلب به پیدایش تعداد زیادی احزاب سیاسی مستقل منجر می‌شود ... و نظام اکثریتی دومرحله‌ای به ایجاد تعدادی از احزاب منجر می‌شوند که به ائتلاف با یکدیگر تمایل دارند و نظام اکثریتی ساده نظام‌های دوحزبی ایجاد می‌کنند» (نقل شده در Lane and Ersoon, 2000: 186).

بدون شک هریک از این نظام‌ها در ثبات نظام سیاسی اثر قطعی دارند و این امر به نوبه خود در دستیابی به هریک از ارزش‌های غایی مورد تعقیب حکومت تأثیرگذار است. ویور و راکمن بر همین اساس خاطر نشان می‌کنند که مثلاً در هلند «تحلیلگران علوم سیاسی نظام انتخاباتی خود را که کاملاً تناسبی است مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ زیرا منجر به ائتلاف‌های چندحزبی می‌شود که شکنندگی این ائتلاف‌ها هرج و مرج داخلی و تشکیل چندباره کابینه در فاصله میان دو انتخابات را در پی دارد و همین امر ایدئولوژی حاکم بر دولت را بدون تأیید و تصویب مردم تغییر می‌دهد. این امر خود موجب تضعیف قوه مجریه و میزان پاسخگویی دموکراتیک می‌شود» (Weaver and Rockman, 1993: 3).

یکی از بخش‌های مهم که در قوانین اساسی بدان پرداخته می‌شود نحوه سازمان‌دهی قوای سیاسی است. در هنگام ایجاد یا اصلاح قانون اساسی این پرسش عملی دشوار همواره مطرح است که کدام نظام حکومتی بهتر و مطلوب‌تر است؟ به‌طور سنتی حکومت‌های دموکراتیک در سه نظام پارلمانی، ریاستی و نیمه‌ریاستی دسته‌بندی می‌شوند و سؤال این است که آیا یکی از آنها بر دو دیگر برتری ذاتی دارند؟ آیا می‌توان آنها را رتبه‌بندی کرد؟ و در صورتی که جواب مثبت است معیارهای این رتبه‌بندی چیست؟ این پرسش‌ها مهم و پاسخ به آنها بسیار دشوار است. اهمیت موضوع در این است که نحوه سازمان‌دهی نهادهای دولت در هر کدام از این مدل‌ها در نهایت در رفتار و انتخاب‌های مقامات عمومی اثرگذار هستند. برای مثال «پیرسون، رونالد و پلینی (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که تفکیک قوای همراه

با نظارت و تعادل میان قوه مقننه و مجریه در کنار دادگاهی که نگهبان قانون اساسی است {نظام ریاستی} می‌تواند رفاه اجتماعی را افزایش دهد زیرا چنین ترتیباتی در عین حال که میان دو قوه تعارض منافع ایجاد می‌کند آنها را به مصالحه با یکدیگر ترغیب می‌کند. بنابراین آنها بر اعمال یکدیگر نظارت می‌کنند و در جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت تشریک‌مساعی می‌کنند» (Berggren and Kurrild-Klitgaard, 2002: 3). از سوی دیگر برخی معتقدند در نظام‌های پارلمانی وقتی اقتدار سیاسی در میان وزرایی توزیع می‌شود که در مقابل یک پارلمان انتخابی پاسخگو هستند این امر باعث ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت کارآمد خواهد شد. تداوم چنین نظامی بیش از زمانی است که اقتدار سیاسی میان شاخه‌های مختلف حکومت توزیع شده باشد (Riggs, 1997).

داورهایی از این قبیل در انواع مختلف متون مربوط به نظام‌های حکومتی به چشم می‌خورد. اما چند نکته مهم و کلیدی می‌توان از مطالعه ادبیات پربار این حوزه استخراج کرد: نخست اینکه نهادها و نحوه طراحی آنها نقش مهمی در نحوه حکمرانی دارند اما باید توجه داشت این تنها عامل تأثیرگذار نیست بلکه تاریخ، فرهنگ، سطح توسعه اقتصادی، توزیع ثروت، الگوی جناح‌بندی‌های اجتماعی، وضعیت جامعه مدنی و تأثیرات بین‌المللی نیز در کنار نوع نظام حکومتی متغیرهای مهمی در تعیین نحوه حکمرانی و آثار حاصل از آن هستند (Warren and Pearse, 2006: 3). این بدان معناست که میان انتخاب نظام‌های حکومتی و پیامدهای مطلوب یا نامطلوب آن رابطه ضروری برقرار نیست بلکه می‌تواند در کنار سایر شرایط آنها را تسهیل یا تسریع کند. این امر را می‌توان از مقایسه آثاری که مثلاً نظام ریاستی در ایالات متحده آمریکا از یک سو و کشورهای آمریکای لاتین از سوی دیگر به بار آورده به راحتی استنباط کرد. بنابراین همان‌طور که لوتز خاطر نشان می‌کند یک واقعیت مهم در طراحی نظام‌های حکومتی این است که هیچ مدل حکومتی ذاتاً بر دیگران برتری ندارد بلکه هریک از آنها دارای مزایا و معایبی هستند که در تلفیق با ویژگی‌های یک جامعه سیاسی خاص، می‌توانند آثار مطلوب یا نامطلوب به بار بیاورند (Lutz, 2006). دوم اینکه مزایا و معایب حاصل از طراحی نهادهای حکومتی از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. در این باره مو و کالدول خاطر نشان می‌کنند «انتخاب شکل نهادی عواقب گسترده‌ای برای

حکومت دمکراتیک دارد. وقتی کشورها شکل نظام ریاستی یا پارلمانی را انتخاب می‌کنند آنها تمامیت یک نظام را برمی‌گزینند که متعلقات متنوع آن درون‌زا هستند خواه کشورها آن را بپسندند خواه نپسندند. ساختار مطلوب حکومت ممکن است قابل دستیابی نباشد و از عواقب نامطلوب آن نیز گریزی نباشد. نظام‌های ریاستی و پارلمانی با کلیت خود وارد می‌شوند» (Moe and Caldwell, 1994: 172). سوم اینکه دانشمندان میان خروجی‌های^۱ نظام‌های حکومتی و نتایج نهایی^۲ حاصل از آنها تمییز قائل می‌شوند. «مقصود از خروجی‌ها تصمیماتی است که به وسیله نظام سیاسی اتخاذ می‌شود و باید به وسیله آن اجرا شود در حالی که نتایج نهایی به عواقب این تصمیم‌ها در داخل و خارج نظام سیاسی مربوط است» (Lane and Ersson, 2000: 61).

نمونه بارز تصمیم‌ها یا خروجی‌ها سیاست‌ها هستند و نتایج نهایی عواقب حاصل از این سیاست‌ها. نکته مهم این است که تغییرات نهادی در گام نخست خروجی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در گام بعدی این آثار به نتایج نهایی منتقل می‌شود. آنچه می‌تواند معیار خوبی برای ارزیابی نظام‌های مختلف حکومتی باشد همین نتایج نهایی است که در واقع حاصل کار نهادها و رفتار مقامات عمومی است. چهارم اینکه مطلوب یا نامطلوب بودن عملکرد یک نظام حکومتی مبتنی بر معیارهای متفاوتی است که گاه جمع کامل میان آنها دشوار است به این معنی که عملکرد برخی نظام‌های حکومتی براساس برخی معیارها خوب و در برخی دیگر ضعیف است. این طراحان قوانین اساسی یک جامعه سیاسی خاص هستند که با توجه به اولویت‌بندی ترجیحات و ویژگی‌های بومی باید نظامی را انتخاب کنند که بیشتر سنخیت با جامعه سیاسی مذکور دارد.

با توجه به این نکات در ادامه با استفاده از مطالعات تطبیقی انجام شده در این حوزه برخی پیامدهای عمده‌ای که تا حدی با نوع انتخاب نوع خاصی از نظام حکومتی ملازم است دارد دو نظام رقیب پارلمانی و ریاستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Outputs
2. Outcomes

۳. پیامدهای نهادی انتخاب نظام‌های حکومتی

گفته شد نظام‌های حکومتی یکی از انواع مهم نهادهای سیاسی هستند در واقع تعیین کننده چارچوب‌ها و قواعد رفتار سیاسی مقامات عمومی هستند و از این رو واجد تأثیرات و پیامدهای زیادی برای کل جامعه سیاسی هستند. اکنون این پرسش قابل طرح است که هر کدام از انواع سه گانه نظام‌های حکومتی چه پیامدهایی به بار می‌آورند؟ شاید بهترین پاسخ به این پرسش را بتوان به روش استقرایی و با مشاهده آثار این نظام‌ها در جوامع سیاسی گوناگون به دست داد. به نظر می‌رسد با این شیوه، بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی و حقوق اساسی ادبیات غنی‌ای را در این حوزه تولید کرده‌اند. به کارگیری این روش از آن جهت مهم است که برخی از انواع رایج نظام‌های حکومتی (مانند نظام پارلمانی) بیش از یک قرن است مبنای سازمان‌دهی دولت بوده‌اند و جوان‌ترین آنها (یعنی نظام نیمه‌ریاستی) اکنون در حدود نیم قرن در بسیاری از کشورهای جهان تجربه شده‌اند. این مقاله در بررسی پیامدهای نهادی نظام‌های حکومتی متکی به چنین تحقیقاتی و خود مستقیماً این روش را در تولید داده‌ها به کار نبرده است بلکه از نتایج این پژوهش‌ها سود برده است.

اشکال مختلف نظام‌های حکومتی مبتنی بر تغییر نسبت هر یک از قوای سه گانه حکومتی بر اساس نظریه تفکیک قواست. عناصر اصلی نظریه اولیه و خالص تفکیک قوا را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد: نخست تقسیم قدرت سیاسی به سه قوه جداگانه؛ دوم، تفاوت ماهیتی کارکرد هر قوه به طوری که هر یک از این کارکردها فقط به خود آن قوه اختصاص دارد و سوم اینکه کارگزاران هر قوه باید مختص به همان قوه بوده و به‌طور هم‌زمان در سایر قوا عضویت نداشته باشد.

می‌توان ادعا کرد نظریه خالص تفکیک قوا با عناصر اساسی ذکر شده هیچ گاه تحقق خارجی نیافته است به طوری که این نظریه در نظام‌های پارلمانی به ضعیف‌ترین شکل خود و در نظام‌های ریاستی به قوی‌ترین شکل به اجرا در آمده است. در واقع نظریه تفکیک قوا چه در انگلستان به عنوان مهد نظام‌های پارلمانی و چه در آمریکا یعنی خاستگاه نظام ریاستی همواره با نوعی نظارت و تعادل آمیخته بوده است هر چند به نحوی متفاوت. با توجه به تکراری بودن بحث، از بیان ویژگی‌های هر یک از این نظام‌ها در این مقاله پرهیز می‌شود و

بیشتر به عواقب احتمالی انتخاب دو نظام پارلمانی و ریاستی به اختصار اشاره می‌شود.

۱-۳. نظام حکومتی و ثبات سیاسی

حفظ ثبات همواره یکی از دغدغه‌های مهم نظام‌های سیاسی است. حکمرانی مؤثر و کارآمد در شرایطی که قوه مجریه مدام در حال تشکیل و فروپاشی باشد یا پارلمان در معرض انحلال قرار گیرد یا کلیت نظام سیاسی در خطر اضمحلال کامل باشد امکان‌پذیر نیست. از منظر موضوع این نوشتار طراحی نظام حکومتی و نوع تعاملی که دو قوه مجریه و مقننه با هم دارند تأثیر بسزایی در ثبات سیاسی دارد. برخی از نویسندگان نظیر جان لینز پس از مطالعات تطبیقی و نظام‌های حکومتی به‌ویژه در کشورهای آمریکای لاتین به این نتیجه رسیده است که نظام پارلمانی این نیاز اساسی نظام‌های سیاسی را بهتر تأمین می‌کند. از نظر او نظام‌های ریاستی دو ویژگی عمده دارند: ۱. مشروعیت دو گانه دموکراتیک که ناشی از این است که مردم به‌طور مستقیم به رئیس‌جمهور (قوه مجریه) و نمایندگان کنگره در انتخاباتی جداگانه رأی می‌دهند. ۲. انعطاف‌ناپذیری نظام ریاستی که ناشی از کیفیت رابطه قوه مقننه و مجریه در نظام‌های ریاستی است به این معنا که قوه مقننه نمی‌تواند به غیر از موارد محدود و استثنایی مانند ارتکاب عملی خلاف قانون یا خیانت، رئیس‌جمهوری را که نمی‌پسندد از سمتش عزل کند. درست است که این ویژگی مانع فروپاشی مکرر کابینه در فواصل زمانی کوتاه می‌شود اما این امر به قیمت ناتوانی مردم در تعویض رئیس‌جمهوری که اعتمادشان را به او از دست داده‌اند تمام می‌شود. به‌نظر لینز این دو ویژگی می‌تواند به تقابل و رویارویی این دو قوه و در نهایت بن‌بست سیاسی منجر شود زیرا هر دو مدعی داشتن مشروعیت دموکراتیک مستقیم هستند. این امر می‌تواند ثبات دموکراتیک را دچار مخاطره کند به این معنا که احتمال بروز کودتا یا دخالت‌های فرا قانون اساسی را برای برون‌رفت از بن‌بست بیشتر کند (Linz, 1990).

فروپاشی شماری از دموکراسی‌های آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و روی کار آمدن نظامیان، نظر لینز درباره نقص ذاتی نظام‌های ریاستی در تأمین ثبات سیاسی را تقویت کرد. با این وجود برخی از دانشمندان این انتقاد روش‌شناسانه را متوجه لینز

دانسته‌اند که با مطالعه صرف چند کشور آمریکای لاتین دست به تعمیم ناروایی در این باره زده است. ضمن اینکه اکثر کشورهایی که لینز درباره آنها مطالعه کرده است در مقاطع زمانی یاد شده دچار بحران‌های اقتصادی شدیدی بوده‌اند. آیا این احتمال قابل طرح نیست که پیامدهای ناخوشایندی که لینز از آنها سخن می‌گوید ناشی از این شرایط نامناسب باشد؟ (Horowitz, 1990).

به هر روی آنچه از متون و پژوهش‌های انجام شده در این باره فهمیده می‌شود این است که نظام‌های پارلمانی در مقایسه با نظام‌های ریاستی ملازمت بیشتری با وضعیت باثبات‌تر سیاسی دارند و همین امر خود بستر مناسبی برای وجود سایر شرایط حکمرانی خوب فراهم می‌کند.

۲-۳. نظام حکومتی و پاسخگویی

نگرانی در استفاده نادرست از اقتدار سیاسی و مناصب عمومی از دیر باز ذهن متفکران به‌ویژه طراحان قوانین اساسی را به خود مشغول داشته است. سوءاستفاده از اقتدار عمومی به نفع منافع شخصی، از آن جهت در کانون توجه متفکران بوده است که می‌تواند اصلی‌ترین رکن یک نظام سیاسی یعنی مشروعیت آن را تخریب کند. به همین سبب میزان توفیق نظام‌های حکومتی در پاسخگو نگه داشتن مقامات عمومی در نحوه اعمال اقتدار سیاسی یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی مشروعیت و کارآمدی آنهاست.

طرفداران نظام ریاستی معتقدند در این مدل حکومتی میزان پاسخگویی افزایش می‌یابد زیرا دو قوه عمده یعنی قوای مجریه و مقننه طی دو انتخابات جداگانه از سوی هیئت انتخاب‌کنندگان برگزیده می‌شوند و هر دو به یک اندازه ادعای مشروعیت دموکراتیک دارند. با توجه به نظام نظارت و تعادلی که در نظام‌های ریاستی براساس این مشروعیت دو گانه شکل می‌گیرد از یک سو قوای مقننه و مجریه به صورت افقی بر هم دیگر نظارت کرده و یکدیگر را پاسخگو نگه می‌دارند و در صورت ضرورت یکدیگر را متوقف می‌کنند از سوی دیگر هیئت انتخاب‌کنندگان به صورت عمودی و از پایین به بالا در زمان انتخابات هر دو قوه را مستقیماً پاسخگو نگه می‌دارند. طرفداران نظام ریاستی پاسخ‌گویی

در حکومت‌های پارلمانی به‌ویژه پارلمانی ائتلافی را ضعیف قلمداد می‌کنند. برای نمونه، در هلند و ایتالیا تحلیل‌گران علوم سیاسی نظام انتخاباتی تناسبی خود را مورد انتقاد قرار می‌دهند زیرا به‌نظر ایشان چنین نظامی منجر به تشکیل ائتلاف‌های شکننده‌ای می‌شود که نهایتاً هرج و مرج داخلی و تشکیل مجدد دولت‌ها در فاصله دو انتخابات را در پی دارد. این امر منجر به تغییر ایدئولوژی حکومت بدون تأیید مردم می‌شود؛ امری که به معنای کاهش سطح پاسخ‌گویی دموکراتیک مقامات قوه مجریه است (Weaver and Rockman, 1993).

اما طرفداران نظام پارلمانی، نظام تفکیک قوای موجود در نظام ریاستی را موجب مبهم شدن مرزهای مسئولیت قوا و در نهایت کاهش سطح پاسخگویی می‌دانند. از نظر ایشان پاسخ‌گویی، ناشی از تمرکز قوا در یک مجموعه واحد (یعنی حزب حاکم یا احزاب ائتلافی و رهبری آن) است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه در نظام پارلمانی مدل و ستمینستری حزب اکثریت پارلمان را در اختیار می‌گیرد و قوه مجریه نیز با رأی اعتماد پارلمان تشکیل می‌شود لذا سیاست‌ها و اقدامات دولت در نهایت قابل انتساب به پارلمان و حزب حاکم است، در صورتی که سیاست‌ها و اقدامات حزب حاکم با شکست مواجه شود آنها در انتخابات عمومی در مقابل مردم مسئول هستند. در چنین نظامی پاسخ‌گویی بیشتر یک فرایند معطوف به گذشته همراه با نظام تنبیه و پاداش از سوی هیئت انتخاب‌کنندگان به‌عنوان اصیل است. نکته مهم در اینجا وجود وضوح نسبی در مسئولیت است. برعکس در جایی که شاخه‌های حکومت (قوای مجریه و مقننه) میان چند حزب متفاوت تقسیم شده باشد هر کدام مسئولیت را به عهده دیگری می‌داند و او را سرزنش می‌کند.

باین حال برخی این نظر را مطرح کرده‌اند که وجود پاسخ‌گویی شدید میان اصیل و نمایندگان منتخب ضرورتاً به حکمرانی خوب منتهی نمی‌شود به‌ویژه اگر پاسخ‌گویی به معنای اجابت کردن تقاضاهای غیرواقعی و خواسته‌های کوتاه‌بینانه هیئت انتخاب‌کنندگان (رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه) باشد ممکن است برای مقامات حکومتی راهی پیدا شود که مسئولیت خود در اتخاذ تصمیم‌های موافق با منافع عمومی منتفی بدانند (Gerring, Tacker and Moreno, 2009).

همچنین طرفداران نظام ریاستی معتقدند رأی مستقیم مردم به رئیس قوه مجریه منجر

به شفافیت رابطه میان انتخابات و خروجی آن می‌شود. همچنین در این نوع نظام‌ها استقلال بیشتر نمایندگان از احزاب سیاسی به معنای پاسخ‌گویی بهتر ایشان در مقابل حوزه‌ای انتخابیه‌ای است که عضو پارلمان آن را نمایندگی می‌کند. در مقابل طرفداران نظام پارلمانی تأکید می‌کنند چنین شفافی در نظام‌های پارلمانی به‌ویژه نظام‌های پارلمانی اکثریتی نیز وجود دارد ضمن اینکه در نظام پارلمانی نیز پاسخ‌گویی وجود دارد اما در مقابل و از مجرای احزاب سیاسی است (Ibid.).

۳-۳. نظام حکومتی و کارآمدی

امروزه حکومت‌ها وظایف بسیار مهمی را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی به عهده گرفته‌اند. مدیریت جوامع به‌شدت پیچیده و ارائه خدمات عمومی مسئله توانایی نظام‌های حکومتی در اداره امر عمومی را بیش‌ازپیش برجسته کرده است. بنابراین این پرسش مطرح است که آیا یکی از انواع نظام‌های حکومتی مزیت بیشتری نسبت به نظام‌های دیگر دارد؟ البته ابهام موجود در مفهوم کارآمدی می‌تواند کار ارزیابی نظام‌های حکومتی را براساس این شاخص دشوار کند. به همین سبب ارائه تعریفی از کارآمدی ضروری به‌نظر می‌رسد.

برخی مانند باربر کارآمدی را توانایی یک نهاد در دستیابی به اهدافی که برای آن مشخص شده معنا کرده‌اند (Barber, 2001). اما به‌نظر می‌رسد این برداشت از کارآمدی چندان در رفع ابهام از این مفهوم توفیق نداشته باشد. برخی دیگر مفهومی عینی‌تر از کارآمدی ارائه کرده‌اند. به‌نظر ایشان «نهاد کارآمد عبارت است از نهادی که افعال انسانی را به شکلی هدایت می‌کند که اقدامات سازنده را به جای اقدامات غیرسازنده و مخرب تشویق کند (Berggren and Kurrild-Klitgaard, 2002: 5). این برداشت از کارآمدی، بیشتر بر مفهوم هزینه و فایده استوار است و بر پیامدها و خروجی‌های یک نظام حکومتی تأکید می‌کند. به‌نظر می‌رسد مفهوم کارآمدی در این بستر، پیشرفتی است که یک نظام حکومتی می‌تواند در حوزه‌های توسعه انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای یک جامعه سیاسی خاص به ارمغان آورد. چنانکه پیش‌تر اشاره شد نهادها و نحوه چینش آنها بر انتخاب سیاستمداران و رفتار مقامات عمومی تأثیرگذارند و چنانچه نوع طراحی نظام

حکومتی منجر به اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های درستی شود که زمینه رشد و شکوفایی در عرصه‌های یاد شده را فراهم کند می‌توان گفت آن نظام حکومتی خاص کارآمدتر است. با توجه به این تعبیر از کارآمدی دیدگاه‌ها درباره ترجیح یکی از نظام‌های حکومتی بر دیگران متفاوت است. همان‌طور که لیفارت خاطر نشان می‌کند برخی معتقدند توسعه به‌ویژه توسعه اقتصادی، مستلزم داشتن رهبری و مدیریت یگانه و مصمم در اداره امور کشور است که این ویژگی اغلب در نظام‌های ریاستی که دارای یک رئیس‌جمهور قدرتمند و با اختیارات گسترده یا در نظام‌های پارلمانی و ستمینستری با تسلط یک حزب سیاسی، به چشم می‌خورد (Lijphart, 1991: 82). شوگارت از جمله کسانی است که از این موضع حمایت می‌کند. او معتقد است «در کشورهای بزرگ و/یا در کشورهایی با توسعه وسیع نامتوازن و/یا نابرابری در ثروت و رفاه نوع خاصی از نظام ریاستی مرجح است به‌ویژه در یک نظام ریاستی که در آن رئیس‌جمهور واکنش قدرتمندی نشان می‌دهد و یا قدرت پیشگیرانه بیشتری دارد می‌تواند گرایش‌های پراکنده و چندپارچه قوه مقننه را خنثی کند. شوگارت معتقد است چنین نظامی می‌تواند در تدارک کالاهای عمومی، کاهش کسری بودجه، مقررات‌زدایی از صنعت، تجارت آزاد و رشد همراه با برابری، آموزش همگانی و بهداشت عمومی موفق‌تر باشد (Elgie, 2005: 114).

براساس این تحلیل وجود نوعی مرکزیت تصمیم‌گیری در قوه مجریه بدون دخالت‌های گاه و بیگاه قوه مقننه امکان تصمیم‌گیری سریع و به‌موقع یا تصحیح سیاست‌های نادرست را بیشتر فراهم می‌کند و این همان امکانی است که اگر نگوئیم برای همه حوزه‌ها ولی دست کم برای توسعه سریع و کم هزینه در حوزه اقتصادی ضرورت دارد. لیفارت به انتقاد از این نظر می‌پردازد و با استناد به مطالعات اس. آ. فینر خاطر نشان می‌کند که رشد اقتصادی به حکومت‌های مقتدر نیاز ندارد بلکه به ثبات و تداوم بیشتر و اعتدال در سیاست‌گذاری نیاز دارد. او همچنین تصریح می‌کند که سرعت در تصمیم‌گیری لازمه سیاست‌های دفاعی است اما در بیشتر حوزه‌های سیاست‌گذاری آنچه مهم است عقلانیت است نه سرعت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری.

از نظر لیفارت «در کوتاه‌مدت نظام ریاستی یا نظام پارلمانی تک‌حزبی به خوبی قادر

است سیاست‌گذاری اقتصادی را با سرعت و سهولت بیشتری انجام دهد اما در بلندمدت سیاست‌هایی که با اجماع بزرگ‌تر و بیشتری اتخاذ شده با سهولت بیشتری قابل اجراست» (Ibid.). کری نیز در مطالعات خود درباره نظام‌های ریاستی و پارلمانی به این نتیجه رسیده است که نظام‌های پارلمانی بیشتر در میان کشورهای از لحاظ اقتصادی شکوفا و از نظر سیاسی با ثبات OECD قرار دارند (Carey, 2005: 93). لین و ارسون نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که نظام‌های پارلمانی در ایجاد ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی عملکرد بهتری داشته‌اند اما آنها تصریح می‌کنند که تفاوت نظام ریاستی و پارلمانی از این حیث در صورتی پذیرفتنی است که آن را نتیجه نوع نظام حکومتی بدانیم نه محصول محیط پیرامون آنها (Lane and Ersson, 2000: 16). ویور و راکمن نیز معتقدند در نظام‌های پارلمانی با توجه به اینکه قوه مجریه از دل قوه مقننه برمی‌خیزد امکان اتخاذ سیاست‌های منسجم‌تر در گام نخست و اجرای مقتدرانه و موفقیت‌آمیز سیاست‌ها در گام بعدی بیشتر خواهد بود (Weaver and Rockman, 1993: 12). چنانکه ملاحظه می‌شود، مطالعات تجربی و تطبیقی در کشورهای مختلف، نظام‌های پارلمانی را بیشتر مستعد ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی می‌دانند هرچند در جامعیت این مطالعات و اینکه وضعیت کلی یک جامعه سیاسی بیشتر معلول نظام حکومتی است یا سایر عوامل و ویژگی‌های یک جامعه سیاسی معین تردیدهایی اظهار شده است که نظرات هوریتز (که در بالا اشاره شد) از جمله آنهاست.

۳-۴. نظام حکومتی و محوریت نهادها و فرایندهای نهادی

میزان اتکای نظام‌های حکومتی به نهادهای سیاسی در انواع نظام‌های حکومتی متفاوت است. در نظام‌های ریاستی به‌ویژه آن دسته که بیشتر بر مبنای نظام تفکیک قوای آمریکایی شکل گرفته‌اند، نحوه انتخاب رئیس‌جمهور و نقشی که او در اداره امور کشور دارد و نیز وجود احزاب سیاسی فاقد انضباط شدید حزبی باعث می‌شود نقش شخص رئیس‌جمهور نسبت به نهادها و فرایندهای نهادی پررنگ‌تر باشد. در چنین حالتی ترجیحات شخصی رئیس‌جمهور جای فرایند نهادی تصمیم‌گیری را می‌گیرد. این همان ایرادی است که

بوریس اکرم‌ن نظام ریاستی آمریکا را به شدت به خاطر آن سرزنش می‌کند، جایی که همه چیز حول محور شخص و شخصیت رئیس‌جمهور می‌گردد. او در این باره می‌نویسد «من به شخصه نگران این هستم که محوریت شخص رئیس‌جمهور سنگ بنای ایدئال‌های دمکراتیک را تضعیف کند. خواه به شکل ابراز علاقه افراطی به اشتباهات کسانی مانند وارن هاردینگ یا بیل کلینتون یا ستایش متملقانه قهرمانانی مانند فرانکلین روزولت یا رونالد ریگان، کیش شخصیت رئیس‌جمهوری برخلاف مشرب حکومت مردم بر مردم جمهوری خواهان است. این برای یک قانون اساسی بسیار شرم‌آور است که از شهروندان آزاد و برابر بخواهد که این میزان اعتماد را به صداقت شخصی و آرمان‌های یک شخص مبذول دارند. برای یک قانون اساسی بسیار بهتر است که شهروندان را تشویق به پرداختن به سیاست‌های اصولی کند. یعنی به بحث در این باره پردازند که کدام یک از احزاب سیاسی موجود بیشتر و بهتر ایدئال جمعی شهروندان را بیان می‌کند و به بازنگری این ایدئال‌ها برای اینکه مطابق با زمان باشد پردازند و موقعی که هیچ حزبی قادر به حمایت از اکثریت نیست، یک ائتلاف خوب و مؤثر شکل دهند» (Ackerman, 2000: 662).

گرینگ با توجه به همین امر دو نظام ریاستی و پارلمانی را با یکدیگر مقایسه می‌کند. او با استناد به نظر منتقدان نظام ریاستی مانند لینز تصریح می‌کند «نظام پارلمانی نوعی سیاست قابل پیش‌بینی و نهادینه شده را در دامن خود می‌پرورد که در آن مشارکت کنندگان در آن بخشی از خود نهاد هستند. برعکس، نظام ریاستی نوعی رفتار سیاسی شخصی را تقویت می‌کند که در آن رئیس‌جمهور، نمایندگان، رهبران گروه‌های نفوذ و حتی کارمندان اداری همگی به درجات مختلف از نهادی که اسماً جزو آن هستند استقلال دارند. آنها می‌توانند به‌طور مستقل پیشنهاددهنده سیاست‌های خاص باشند یا ممکن است نقش اپوزسیون را ایفا کنند» (Gerring, Tacker and Moreno, 2009: 11). این وضعیت در جایی که اصولاً احزاب سیاسی به دلایل مختلف وجود ندارند تشدید می‌شود و باعث می‌شود شخص رئیس‌جمهور و علایق او بیشتر مبنای تصمیمات کلان قرار گیرد در حالی که در نظام پارلمانی مسئولیت دسته‌جمعی کابینه توجهات را به برنامه‌ها و خود نهاد معطوف می‌دارد تا اشخاص.

۵-۳. نظام حکومتی و گروه‌های نفوذ

کیفیت رابطه گروه‌های نفوذ با نظام‌های حکومتی یکسان نیست و این امر به‌نوبه خود در کیفیت حکمرانی به‌ویژه در حوزه سیاستگذاری تأثیر عمده‌ای دارد. لازم به ذکر است مقصود از گروه‌های نفوذ مجامع متشکلی هستند که «هدف اصلی آن (صرف نظر از هدف مدون و قانونی آن) معطوف به اثرگذاری بر فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی باشد و در این راه منافع و اهداف خود را مدنظر داشته باشد» (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). رشد و فعالیت گروه‌های نفوذ تا جایی که منجر به سازمان‌دهی منافع و انعکاس خواسته‌های آنها در جریان سیاستگذاری شود امری مطلوب تلقی شود اما نفوذ بیش از حد آنها بر سیاست‌ها می‌تواند مبانی دموکراسی را خدشه‌دار کند. برخی از نویسندگان تصریح کرده‌اند که در نظام‌های ریاستی که پارلمان و قوه مجریه دو منبع قدرت دارای مشروعیت جداگانه هستند و هریک دارای وظایف و اختیارات جداگانه‌ای هستند امکان رشد و تکثیر بیش از حد گروه‌های نفوذ را بیشتر فراهم می‌کنند (Gerring, Tacker and Moreno, 2009).

دلیل این امر آن است که گروه‌های نفوذ در ابتدا سعی می‌کنند سیاست‌ها را در بدو شکل‌گیری که اغلب در قوه مجریه انجام می‌شود به نفع خود تغییر دهند. چنانچه آنها در این مرحله به مقصودشان نرسند در گام بعدی که سیاست‌ها در پارلمان طرح و بررسی می‌شوند برای تغییر آنها تلاش خواهند کرد. همین امر بر میزان فعالیت و امیدواری آنها در تأثیر بر فرایند سیاستگذاری خواهد افزود تا جایی که ممکن است این فرایند را به محملی برای تأمین منافع گروه‌های یاد شده تبدیل کند. از این جهت نظام‌های پارلمانی که در آنها نوعی تمرکز در مراکز سیاستگذاری به چشم می‌خورد مزیت بیشتری دارد. در واقع در نظام‌های پارلمانی، این حزب اکثریت حاکم بر پارلمان و دولت است که هدف اصلی گروه‌های نفوذ محسوب می‌شود. برعکس برخی دیگر معتقدند وجود ایستگاه‌های متعدد سیاستگذاری در نظام‌های ریاستی مانند سدی در مقابل قوانینی عمل می‌کند که خادم گروه‌های نفوذ یا سیاست‌های نابخردانه است زیرا پارلمان قادر است این سیاست‌ها را به‌طور مستقل و بدون فشار قوه مجریه یا احزاب و گروه‌های خارج از پارلمان مورد بررسی مستقل قرار دهد. همچنین نقاط و توکننده متعدد در نظام‌های ریاستی (مثل بررسی در

مجلس نمایندگان و سنا و کمیسیون‌های آنها) می‌تواند مانع دیکتاتوری اکثریت و تصویب قوانین پوپولیستی شود (Ibid.).

۳-۶. نظام حکومتی و امکان نظارت بیشتر بر عملکرد قوا از طریق انتشار اطلاعات

نظارت قوا بر عملکرد یکدیگر یکی از مهم‌ترین راه‌های جلوگیری از انحراف قوا و دستگاه‌های عمومی است. طرفداران نظام ریاستی به حق خاطر نشان می‌کنند که در این قبیل نظام‌ها که مبتنی بر تفکیک کامل قوا هستند امکان و اختیار نظارت قوا بر یکدیگر نه تنها به موجب قانون اساسی بیشتر است بلکه انگیزه این امر نیز بیشتر است. جدا بودن منشأ تشکیل و تدویم دو قوه مقننه باعث می‌شود که آنها در کسب اطلاعات درباره قوه دیگر و افشای آنها برای افکار عمومی ملاحظه‌ای مگر کنترل بیشتر آن قوه یا کسب امتیاز از آن در تحمیل ترجیحات سیاسی خود نداشته باشند. این امر به معنای امکان تولید و ارائه اطلاعات بیشتر برای افکار عمومی و در نهایت افزایش سطح شفافیت عملکرد حکومت به‌طور کلی است که یکی از شرایط ضروری برای نظارت میان قوه‌ای و نیز افکار عمومی است. با این وجود طرفداران نظام پارلمانی چندان با این نظر موافق نیستند. برای مثال کوکس و کرنل معتقدند وجود اطلاعات بیشتر ضرورتاً به معنای حکمرانی بهتر نیست. اگر انگیزه کسب اطلاعات بیشتر تا جایی پیش برود که منجر به انگیزه‌ای برای اتهام‌زنی قوا به یکدیگر شود این امر نه تنها به نظارت مفید منجر نخواهد شد بلکه موجب ایجاد یأس و بدبینی در میان شهروندان و زوال اطمینان آنها به حکومت خواهد شد (Ibid.).

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظام‌های مختلف حکومتی بر مبنای برداشت‌های مختلفی از نظریه تفکیک قوا استوار است از همین رو منطق توزیع اقتدار سیاسی و چرایی آنها صرفاً در گفتمان مشروطه‌گرایی و حکومت‌های دموکراتیک قابل فهم است. در این چارچوب، کیفیت طراحی و انتخاب نظام‌های حکومتی به‌مثابه نوعی تکنیک سازمان‌دهی قوای سیاسی تأثیر سرنوشت‌سازی بر

نحوه حکمرانی بر جوامع سیاسی مختلف دارد. قوانین اساسی به‌مثابه یک نهاد چگونگی واگذاری اختیارات و صلاحیت‌ها و نحوه تعامل سه قوه حکومتی به‌ویژه قوه مقننه و مجریه را تعیین می‌کنند. از این جهت قانون اساسی و نهادهای پیش‌بینی شده در آن نقش قواعد بازی سیاسی را برای سیاستمداران و مقامات عمومی بازی می‌کنند. اما دامنه تأثیرات این قواعد بازی صرفاً به روابط قوا و مقامات سیاسی محدود نمی‌شود. گفته شد که کیفیت این قواعد در نهایت در ثبات سیاسی حکومت‌ها، پاسخگویی آنها در مقابل مردم و سایر قوای سیاسی، کارآمدی و توانایی دستگاه‌های عمومی در مدیریت امر عمومی و امکان نظارت قوا بر یکدیگر و نظایر آن کاملاً مؤثر است. با استفاده از مطالعات تطبیقی انجام شده در این زمینه نشان داده شد که بیشتر محققان کارنامه نظام‌های پارلمانی را از حیث پیامدهایی که در این حوزه‌ها داشته‌اند کامیاب‌تر ارزیابی می‌کنند. باین حال بلافاصله باید هشدار داد که این امر به معنای برتری ذاتی نظام پارلمانی بر نظام ریاستی نیست بلکه این نظام‌ها در ترکیب با عوامل بومی و ویژگی‌های محلی یک جامعه سیاسی خاص این پیامدها را به بار می‌آورند.

بنابراین در انتخاب این نظام‌های حکومتی یا اصلاح نهادهای سیاسی موجود علاوه‌بر توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر نظام حکومتی باید بسترها و عوامل ساختاری یک جامعه معین نیز در نظر گرفته شود. این امر بدان معناست که بحث درباره نظام‌های حکومتی نیازمند مطالعات میان‌رشته‌ای عمیقی است که در آن باید آثار پیامدهای منتظر و نامنتظر انتخاب هر یک از نظام‌های حکومتی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی مطالعه و بررسی شود. در این مسیر هنجار و واقعیت در یک ارتباط متقابل قرار می‌گیرند، به این معنا که واقعیت‌های بومی می‌تواند ما را در انتخاب هنجارهای مناسب و البته متناسب و قابل اقتباس یاری کند و از سوی دیگر هنجاری مناسب و متناسب در قالب قواعد مندرج در قانون اساسی می‌تواند در واقعیات خارجی تصرف کرده و تا حدی پیامدها و عواقب مورد انتظار را به بار بیاورند.

منابع و مآخذ

۱. الوانی، مهدی (۱۳۸۵). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
۲. پیترز، گای (۱۳۸۶). *نظریه نهادگرایی در علم سیاست*، ترجمه فرشاد مؤمنی و فریبا مؤمنی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی و پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳. جونز، و. ت. (۱۳۶۲). *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه علی رامین، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴. نورث، داگلاس (۱۳۸۵). *نهادهای، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، چاپ دوم، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۵. مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
6. Ackerman, B. (2000). "The New Separation of Powers", *Harvard Law Review*, Vol. 113(3).
7. Barber, N. W. (2001). "Prelude to the Separation of Powers", *Cambridge Law Journal*, 60/ 1.
8. Berggren, N. and P. Kurrild-Klitgaard (2002). Economics Effects of Political Institutions, with Special Reference to Constitutions, Berggren, N., N. Karlson, J. Nergelius (eds), *Why Constitution Matter*, New Brunswick, NJ, Transaction Publishers.
9. Carey, J. M. (2005). Presidential Versus Parliamentary Government in C. Menard, M. M. Shirley (eds), *Handbook of New Institutional Economics*, Netherlands, Springer.
10. Elgie, R. (2005). From Linz to Tsebelis: Three Waves of Presidential/ Parliamentary Studies, *Democratization*, Vol. 12/ 1.
11. Gerring, J., S. C. Tacker and C. Moreno (2009). "Are Parliamentary Systems Better?", In *Comparative Political Studies*, Vol 42/ 3, Sage Publication.
12. Horowitz, D. L. (1990). "Comparing Democratic Systems", *Journal of Democracy*, Vol. 1(4).
13. Lane, J. E. and S. Ersson (2000). *The New Institutional Politics*, London, Routledge.
14. Lijphart, A. (1991). "Constitutional Choices for New Democracies", *Journal of Democracy*, Vol. 2(1).
15. Linz, J. (1990). The Perils of Presidentialism, *Journal of Democracy*, 1(1).
16. Lutz, D. (2006). *Principles of Constitutional Design*, Cambridge, Cambridge University Press.
17. Moe, T. and M. Caldwell (1994). "The Institutional Foundations of

- Democratic Government: A Comparison of Presidential and Parliamentary Systems", *Journal of Institutional and Theoretical Economics, (JITE)*, 150(1).
18. Riggs, F. W. (1997). "Constitutional Choices: The Modern Dilemma", Available online at: <http://www2.hawaii.edu/~fredr/taipei.htm>.
19. Vile, M. J. C. (1998). *Constitutionalism and the Separation of Powers*, USA, Liberty Foundation.
20. Warren, M. E. and H. Pearce (2006). *The Separation of Powers and Democratic Renewal of Westminster Systems*, Vancouver, University of British Columbi.
21. Weaver, R. K. and B. A. Rockman (1993). Assessing the Effects Institutions of, in R. K. Weaver and B. A. Rockman (eds), *Do Institutions Matter?* Washington, D. C., Brooking Institutions.

معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران

سیدمحمد رضا سیدنورانی* و سیداحسان خاندوزی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۴/۱۰

ارزیابی درباره فراز و فرود عدالت یا تأثیر سیاست‌ها بر بهبود یا وخامت عدالت، وابسته به معرفی شاخصی برای عدالت است. با توجه به نابسندگی بودن شاخص‌های عدالت توزیعی (فقر و نابرابری) برای نمایاندن ابعاد عدالت اقتصادی در اسلام، هدف این مقاله معرفی شاخص ترکیبی جدیدی برای عدالت اقتصادی است، امری که می‌تواند کمک شایانی به رصد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی کند. به این منظور ابتدا مبنای نظری عدالت اقتصادی و سپس روش‌شناسی نماگر ترکیبی معرفی می‌شوند، سپس با تکیه بر دلفی دومرحله‌ای نخبگان، وزن‌دهی ابعاد نماگر شناسایی شده و برای نخستین بار نماگر ترکیبی عدالت اقتصادی طی دهه ۱۳۸۰ شمسی محاسبه می‌شود و روایی آن با آزمون دلبیوکنندال، تأیید می‌شود. نتیجه مقاله آن است که روند شاخص کل با شیب بسیار اندکی نزولی بوده است. در سال‌های پایانی دوره فوق، مؤلفه‌های حمایت از حقوق مالکیت و پایداری به قراردادهای مبادلات کاهش یافته و در کل دوره، مؤلفه‌های بهره‌برداری بهینه از منابع و حق نسل‌های آتی از منابع طبیعی در وضعیت نامناسبی قرار داشته است.

کلیدواژه‌ها: عدالت اقتصادی؛ اسلام؛ اقتصاد ایران؛ شاخص؛ فقر و نابرابری

* دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)؛

Email: seyednourani@atu.ac.ir

** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی؛

Email: ehsankhandoozi@atu.ac.ir

مقدمه^۱

سنجش هرگز غایت یک دانش نیست اما قطعاً ابزاری ضروری برای پیشبرد علم به‌شمار می‌رود. سنجش در علوم طبیعی و فیزیکی دشواری کمتری دارد اما از دوره ظهور مکتب تاریخی آلمان در انتهای قرن نوزدهم، بر پیچیدگی، چندلایه‌بودن و دشواری سنجش در علوم انسانی و اجتماعی تأکید شده است (بیکر، ۱۳۸۱). درخصوص چگونگی وضعیت عدالت یا تأثیر سیاست‌های مختلف بر روند عدالت نیز، تنها با در دست داشتن یک سنجه از عدالت، می‌توان به قضاوت نشست. بدون تکیه بر سنجه‌های معتبر، مبنای عالمانه‌ای برای ارزیابی درخصوص مفاهیم کیفی، پیچیده و بین‌الذهانی مانند عدالت وجود ندارد.

همچنین سنجش وضعیت عدالت برای نظامی که یکی از راهبردهای اساسی آن (طبق تصریحات قانون اساسی و مواضع بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران) کمک به تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی به‌شمار می‌رود، مسئله‌ای کاملاً اصلی و رکنی است و باید بیش از این مورد اهتمام نهادهای سیاستگذار و مراکز علمی قرار گیرد. این در حالی است که جز یکی دو تلاش علمی، دیگر مطالعات همچنان براساس سنجه‌های متعارف عدالت غربی صورت می‌گیرد. شاخص‌های عدالت موجود در ادبیات رایج اقتصاد را می‌توان به دو دسته‌بندی کلی تفکیک کرد:

- شاخص‌های عدالت توزیعی^۲ که عمدتاً در دو دسته شاخص‌های فقر^۳ و نابرابری^۴

جای می‌گیرند.

- شاخص‌های عدالت بخشی که به بخش‌های خاص مانند عدالت مالیاتی یا عدالت

بین‌نسلی در منابع طبیعی اشاره می‌کنند.

براساس مبنای نظری جدید ارائه شده درخصوص عدالت اقتصادی در اسلام (سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۱) هیچ‌یک از دو دسته شاخص‌های توزیعی و بخشی، جامعیت لازم برای بازنمایاندن ابعاد عدالت اقتصادی را در اسلام ندارند و ابعادی از عدالت

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی با عنوان «مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی عدالت اقتصادی (از دیدگاه قرآن کریم) و تبیین چارچوب‌های ارزیابی و شاخص‌گذاری آن در جمهوری اسلامی ایران» است.

2. Distributive Justice
3. Poverty Indexes
4. Inequality Indexes

اسلامی وجود دارد که هیچ متناظری در شاخص‌های رایج ندارند. به‌طور مشخص شاخص‌های رایج در خصوص حقوق تملک و مبادله از یک‌سو و حقوق بهره‌برداری منابع و محصولات از سوی دیگر بی‌تفاوت‌اند. حتی در همان حوزه بازتوزیع نیز به‌دلیل هدفگذاری ناصحیح، شاخص‌های رایج تاحدی دچار انحراف‌اند به‌ویژه اینکه وضعیت کاملاً برابر در آمد، موقعیت مطلوب توزیعی در اندیشه اسلامی شمرده نمی‌شود (سیدنورانی، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه دال محوری در نظریه عدالت اقتصادی اسلام، ادای تمام حقوق اقتصادی تصریح شده در منابع شرعی است، لازمه ارائه شاخص عدالت اقتصادی با ماهیت اسلامی، ارائه فهرستی از حقوق اقتصادی است که در این مقاله با تکیه بر تحقیق منتشره پیشین (سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۰) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در فضای اقتصاد اسلامی، توجه به شاخص‌های عدالت سابقه دیرینی ندارد. شاید نخستین تحقیق در داخل کشور به مطالعه عیوضلو (۱۳۸۴) بازگردد که طی آن تلاش شد از منظری اسلامی، شاخص‌هایی برای ارزیابی عدالت در برنامه‌های توسعه ارائه شود. مزیت پژوهش مذکور استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران پیشین اقتصاد اسلامی بود، هرچند به صورت کمی روندی از تحقق عدالت در برنامه‌های توسعه ارائه نکرده بود. پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پيله‌فروش (۱۳۸۴)، خوشدست (۱۳۹۰)، کریمی‌ریزی (۱۳۹۲) و خانلو (۱۳۹۲) نیز هر یک به سنجش بخش‌هایی از عدالت اسلامی اختصاص دارند اما عمدتاً حاوی تلفیق موزون چند شاخص متعارف (مانند ضریب جینی با نسبت دهک‌ها و ...) یا تمرکز بر بخش‌های خاص مانند بخش بانکی یا بخش آموزش و سلامت هستند و فاقد جامعیت لازم است.

در این مقاله که با هدف سنجش نسبتاً جامع ابعاد عدالت اقتصادی در ایران تدوین شده است، بخش نخست به مبنای نظری شاخص عدالت در اقتصاد اسلامی اشاره دارد و سپس روش‌شناسی نماگرهای ترکیبی به‌عنوان متناسب‌ترین روش برای بازنمایی مبنای نظری فوق تشریح می‌شود. در بخش سوم شاخص عدالت برای اقتصاد ایران محاسبه خواهد شد و در بخش پایانی تحلیل شاخص و جمع‌بندی ارائه خواهد شد.

۱. مروری بر مبنای نظری شاخص

از میان رویکردهای متفاوتی که در میان متفکران مسلمان معاصر درباره عدالت اقتصادی

ارائه شده است، رویکرد منتخب تحقیق تعریف عدل به وضع بایسته حقوق با معنای وسیع آن است (سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۱). یعنی عدالت به معنای وضعیتی است که حقوق و استحقاق‌ها نه تنها در مورد فرد بلکه برای گروه‌های اجتماعی (از خانواده گرفته تا یک جامعه و جامعه بشری) و حتی منابع طبیعت مراعات شود، در نتیجه هر رویه، تصمیم، رفتار یا سیاستی که در این راستا باشد، عادلانه و اگر ناقص حقوق و استحقاق‌ها باشد، ناعادلانه خواهد بود. در این نگاه، سه مبنا برای حقوق و عدالت اجتماعی وجود دارد، البته می‌تواند یک حق بیش از یک مبنا داشته باشد و بنابراین بخشی از همپوشانی میان مصادیق حقوق وجود خواهد داشت:

● **مبنای قابلی:** وجود قابلیت و استعداد، حقی به نفع صاحب آن می‌آورد، قابلیت منحصر به انسان نیست.

● **مبنای فاعلی:** عمل انسان برای او حقی متفاوت از دیگران خواهد آورد.

● **مبنای غایی:** غایت‌های مندرج در خلقت و انسان مبنای تعریف برخی حقوق است، چنانکه اتلاف یک محصول خلاف حق طبیعت است زیرا نقض غایت آن به‌شمار می‌رود. در نتیجه این امکان وجود دارد که برای هر موجودی اعم از ذی‌شعور و غیر آن، حق وضع شود. یعنی دلیلی نداریم که بگوییم «حق» تنها مختص انسان است هر چند «تکلیف» تنها مخصوص موجود صاحب شعور و اراده است. به بیان دیگر همان‌طور که برای یک نوزاد یا یک حیوان می‌توان حقوقی وضع کرد و دیگران در قبال آنها تکالیفی برعهده دارند، برای مواهب خلقت نیز می‌توان حق وضع کرد (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸). روایات متعددی وجود دارد که طبق آن به حقوقی برای اشیا اشاره شده است. به‌عنوان نمونه امام سجاد (ع) حق مال را آن می‌داند که از موضع اصلی خویش منحرف نشود (حرانی، ۱۳۸۵).

حقوق ذیل عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و قضایی خود دو دسته‌اند:

الف) حقوقی که تنها مستلزم عدم نقض آزادی است مانند حق همسرگزینی و شغل‌گزینی. به بیان دیگر همین که افراد در خصوص انتخاب شغل و همسر خود حق انتخاب آزاد داشته باشند، آن حق ادا شده است (حقوق سلبی).

ب) حقوقی که مستلزم اداء، تدارک و ایجاد شرایط خاص است (حقوق ایجابی)

مانند حق برخورداری از امنیت، سلامت یا آموختن. این حقوق تنها با آزاد گذاشتن افراد محقق نخواهند شد و در ابتدا تمامی افراد جامعه و در صورت ناتوانی افراد و نهادهای جمعی، دولت مکلف خواهد بود بستر ادای این حقوق را فراهم کند.

در حوزه حقوق اقتصادی، عدالت اقتصادی به معنای وضعیت بایسته انواع حقوق اقتصادی در جامعه شامل دو دسته حقوق انسانی و غیرانسانی است که «ظلم» تنها به بعد نخست اشاره دارد. عدالت به مفهوم عام خود در برگیرنده نوع دیگری از نقض حقوق است که قرآن با کلیدواژه «کفران» از آن یاد می‌کند.

در چارچوب نظری اقتصاد اسلامی، مشکل محوری نه تخصیص منابع کمیاب و نه نحوه توزیع ابزارهای تولید است، مسئله شیوه مواجهه انسان با منابع انسانی و غیرانسانی (طبیعی) است اما واقعیت آن است که نحوه مواجهه انسان عموماً با نقض این دو دسته حقوق همراه است: انسان بسیار اهل ظلم و کفران است^۱ (صدر، ۱۳۵۷). بدین ترتیب که می‌توان گفت شرط لازم و غایت اول اقتصاد اسلامی در عدل اقتصادی خلاصه می‌شود (مناسباتی که حقوق انسان‌ها و منابع غیرانسانی مراعات شود).

می‌توان جامعه عدالت‌مدار قرآنی را به اجمال جامعه خالی از ظلم و کفران معرفی کرد. جامعه‌ای که مناسبات آن بر مدار حقوق اشخاص و اموال تنظیم شده است. در ادامه به تبیین بیشتر هر یک از دو حوزه اصلی عدل اقتصادی خواهیم پرداخت اما از آنجاکه تقسیم هر یک از دو حوزه فوق به زیربخش‌های مشخص‌تر، موجب دقت بحث می‌شود، هر یک از دو حوزه مناسبات اشخاص و مناسبات اموال را به دو قسمت تفکیک می‌کنیم. عدالت انسانی یا مناسبات اقتصادی اشخاص می‌تواند به دو شکل باشد:

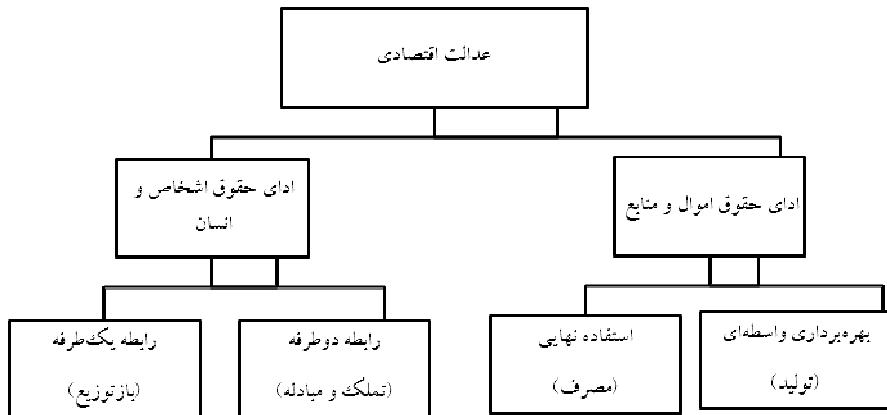
• مناسبات اقتصادی دوسویه (مبادله)،

• مناسبات اقتصادی یک طرفه (بازتوزیع).

تفاوت این دو نوع رابطه انسانی تا حدی مشابه اختلاف عقد با ایقاع در فقه است. روابط دوسویه در نوع داد و ستدی را شامل می‌شود چه در بازار محصولات (کالا و

خدمات) باشد چه در بازار کار (مبادله کار با مزد) و چه در بازارهای مالی (مبادله سرمایه با سود). از سوی دیگر روابط یک طرفه شامل آن دسته از مناسبات اقتصادی است که یک طرف نقش منفعل دارد (برخلاف مبادله که هر دو طرف نقش فعال دارند). به عنوان مثال کسب مال در قالب ارث و یارانه‌های دولتی (هر نوع پرداخت انتقالی) از جمله مصادیق روابط یک طرفه است.

نمودار ۱. ابعاد عدالت اقتصادی در الگوی اسلامی



مأخذ: سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۱.

از سوی دیگر عدالت طبیعی یا مواجهه اقتصادی ما با اموال و منابع نیز دو صورت کلی دارد:

- یا استفاده مولد از آنها به عنوان نهاده‌ای برای ساختن یک محصول کامل‌تر (تولید)،
 - یا بهره‌گیری غیرتولیدی از آنها به عنوان استعمال نهایی (مصرف).
- بر اساس یافته‌های تحقیق، می‌توان به یک جمع‌بندی مغتنم در خصوص ابعاد عدالت اقتصادی در قرآن مجید رسید. بدین ترتیب فهرست حقوقی که در ذیل چهار دسته حقوق اقتصادی بیان شد در جدول ۱ آمده است. بر اساس نظریه منتخب، تفصیل حقوق و تکالیف اقتصادی با الهام از آموزه‌های قرآن کریم به شرح ذیل است که ابعاد شاخص عدالتی که محاسبه خواهد شد، بر این اساس خواهد بود:

جدول ۱. فهرست حقوق و تکالیف اقتصادی در قرآن

حوزه حق	فهرست حقوق و تکالیف
حوزه تملک و مبادله	۱. حق اشخاص در بهره‌مندی از منافع مالکیت خصوصی مشروع: تکلیف دیگران به رعایت مالکیت
	۲. حق جامعه در بهره‌مندی از منافع مالکیت‌های عمومی: تکلیف همگان به رعایت مالکیت عمومی
	۳. حق اشخاص در انتقال رضایتمندانه اموال خود: تکلیف دیگران به جلب رضایت طرف مبادله
	۴. حق اشخاص در برخورداری از ثمرات مبادله: تکلیف دیگران در پایبندی به قرارداد و تعهد
	۵. حق اشخاص به ستاندن مابه‌ازای واقعی در مبادله: ممنوعیت اکل مال به باطل (قمار و ربا و ...)، غرر، ضرر و بخت اموال (کاستن از ارزش دارایی‌ها)
حوزه تولید	۶. حق اشخاص در بهره‌مندی از منافع تولید خود متناسب با کار و دانش: تکلیف پرداخت دستمزد و ارتقا براساس کار و دانش
	۷. حق جامعه در بهره‌مندی مشروع از منابع خود: ممنوعیت استفاده نامشروع از منابع
	۸. حق جامعه در کسب بهترین بازدهی از منابع خود: تکلیف همگان به عدم اتلاف و تبذیر در تولید
حوزه بازتوزیع	۹. حق نسل‌های آتی در بهره‌مندی از منابع طبیعی: تکلیف همگان به مراعات این حق
	۱۰. حق دسترسی همگان به اموال عمومی: تکلیف حکومت به فراهم کردن فرصت دسترسی در اموال عمومی
حوزه مصرف	۱۱. حق فقرا در اموال ثروتمندان و در اموال عمومی و حکومتی: تکلیف توانگران و همچنین حکومت به تأمین و تکافل فقیران تا سرحد کفاف و کرامت
	۱۲. حق جامعه در استفاده از منابع خود: تکلیف همگان به عدم اتلاف و اسراف در مصرف

مأخذ: سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۱.

فهرست حقوق اقتصادی می‌تواند راهنمای مناسبی برای تعیین شرایط سیاست‌گذاری عادلانه در اقتصاد کشور به دست دهد و افق نگاه ما به عدالت را از محصور ماندن به رفع مشکل فقر، تعالی دهد. همچنین براساس نظام‌نامه حقوق اقتصادی، امکان سنجش تأثیر واقعی قوانین و مقررات بر بهبود یا وخامت وضعیت عدالت اقتصادی فراهم خواهد شد.

۲. روش‌شناسی نماگرهای ترکیبی

پس از شناخت چارچوب نظری و اجزای عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی، نوبت به

معرفی متدولوژی شاخص می‌رسد، روشی که بتواند اجزای مختلف عدالت را در کنار یکدیگر قرار دهد، به بیان دیگر برای بازنمایی آن مبنای نظری، گریزی از روش‌های چندمعیاره وجود ندارد. اگر بپذیریم شاخص‌ها معیارهای عددی هستند که تغییرات یک متغیر را نسبت به یک مبدأ زمانی و یا مکانی می‌سنجند، از دیدگاه تجربی شاخص‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند (OECD, 2008):

• **شاخص تغییرات:** این نوع شاخص، تغییرات یک متغیر را در یک بازه زمانی نسبت به یک دوره پایه، به صورت نسبی نشان می‌دهد. پارامتر مهم در این نوع شاخص، اندازه است که افزایش و کاهش میزان متغیرها را به نسبت اندازه آنها در زمان پایه می‌سنجد. در تعریف و تدوین یک شاخص، امکان به کارگیری یک یا چند متغیر وجود دارد.

• **شاخص ارزیابی:** گروه دیگر شاخص‌ها، شاخص‌های ارزیابی است که در ایجاد و طراحی آنها امکان به کارگیری دو یا چند متغیر وجود دارد. در شاخص ترکیبی آنچه که اهمیتی بیش از حد می‌یابد، این است که نماگر یا شاخص ترکیبی به دست آمده، بتواند امکان تحلیل و تفسیر وضعیت یک متغیر را داشته باشد.

طبعاً قرار گرفتن شاخص‌های منفرد در کنار هم نمی‌تواند به نتیجه‌گیری خاصی منجر شود. به عبارت دیگر اگر این چند پدیده بخواهند مؤلفه‌هایی برای ارزیابی یک موضوع جامع‌تر و کلی‌تر که در برگیرنده این پدیده‌هاست، باشند عملاً در کنار هم قرار دادن این شاخص‌های منفک، هم نتیجه‌ای به بار نخواهد آورد. بدین منظور از روش ترکیب شاخص‌ها استفاده می‌شود تا امکان مقایسه موضوعات و پدیده‌های جامع که دربرگیرنده مؤلفه‌های مختلف هستند به وجود آید.

تأکید اصلی در مدل‌های کلاسیک بهینه‌سازی، داشتن یک تابع هدف (معیار) بود که با توجه به قیدهای مختلف به صورت خطی یا غیرخطی و پویا حل می‌شد. اما توجه محققان به مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۱ به جای الگوهای تک‌معیاره عمری بیش از چند دهه ندارد. این مدل‌ها به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند (اصغرپور، ۱۳۸۷):

• **مدل‌های چندهدفه:**^۱ در این مدل‌ها که بیشتر برای طراحی به کار می‌روند چند تابع هدف به صورت هم‌زمان مدنظر قرار می‌گیرند.

$$\text{Max } F(x) = [f_1(x_1), f_2(x_2), \dots]$$

$$\text{s. t } g(x)$$

• **مدل‌های چندشاخصه:**^۲ در این مدل‌ها که عمدتاً برای انتخاب گزینه برتر استفاده می‌شوند، تأمین کردن چند معیار یا ویژگی مورد نظر است که غالباً به صورت ماتریسی نشان داده می‌شود که سطرهاى آن گزینه‌های قابل انتخاب برای تصمیم‌گیری و ستون‌های آن، ویژگی‌های مطلوب برای گزینه برتر است. روشن است آنچه ما در این تحقیق به دنبال آن هستیم، پیگیری هم‌زمان چند هدف نیست بلکه می‌خواهیم از بین گزینه‌های مختلفی که برای شاخص عدالت داریم، گزینه‌های مطلوب‌تر را انتخاب کنیم. به بیان دیگر، جنس سؤال ما در اینجا تصمیم‌گیری چندشاخصی است نه چندهدفی.

فوستر و ال‌کایر ضمن اشاره به افزایش تمایل محققان و سیاستگذاران به شاخص‌های چندبعدی فقر، راه آینده را ترکیب ابعاد مختلف فقر در ذیل یک شاخص کلی می‌دانند. همان‌طور که آمارتیا سن در ۱۹۷۶ اشاره کرد تمام شاخص‌های فقر مبتنی بر یک تصریح^۳ پیشینی‌اند یعنی پاسخ به این سؤال که: فقیر کیست؟ جزء دوم تمام شاخص‌های فقر، روش تجمیع^۴ داده‌ها برای ساختن شاخص نهایی است. در حال حاضر سه رویکرد مهم در تصریح فقر در مدل‌های چندبعدی وجود دارد (Foster and Alkire, 2009):

۱. **رویکرد شبه تک‌بعدی:** معیارهای متعدد به زیستی در یک متغیر تجمعی مثل درآمد خود را نشان می‌دهد و هر کس از حد خاصی پایین‌تر باشد، فقیر شمرده می‌شود. این رایج‌ترین شیوه شناخت فقیر است حال چه موضوع این رویکرد، تعداد افراد فقیر به نسبت جمعیت باشد چه عمق فقر درآمدی (شدت فقر).

۲. **رویکرد اتحادی:**^۵ هر کس دچار یکی از ابعاد محرومیت باشد، در مجموع فقیر شمرده می‌شود. این رویکرد مبتلابه عارضه بیش برآوردی است مثلاً ممکن است فردی که از

1. Multiple Objective Decision Making (MODM)
 2. Multiple Attribute Decision Making (MADM)
 3. Identification
 4. Aggregation
 5. Union

غنا مالی بالایی برخوردار است به جهت نداشتن حدنصاب سواد یا سلامت، فقیر شمرده شود. همچنین شناسایی فقیرترین فقیر در این روش دشوار است، روشی که مبنای شاخص‌هایی مانند شاخص فقر انسانی است.

۳. **رویکرد تقاطعی:**^۱ هر کس تنها زمانی فقیر دانسته می‌شود که در تمام ابعاد فقر، محروم شمرده شود. این رویکرد ما را به کم برآوردی نسبت فقرا می‌کشانند و بسیاری از افرادی را که از چند جهت عمیقاً دچار فقر هستند اما در یک یا دو بعد محروم نیستند، نادیده می‌گیرد، مانند روستائیان فقیر و بیسوادی که از سلامت و طول عمر خوبی برخوردارند.

فوستر و الکایر پیشنهاد می‌کنند از روش چهارمی به نام محدودیت‌های دوگان^۲ برای تصریح و شناخت فقر استفاده کنیم که از سویی شامل شناخت یک یا چند بعدی است که فقیر در آن ابعاد محروم و پایین‌تر از محدودیت حداقل قرار دارد و از سوی دیگر تعیین اینکه ابتلا به محرومیت در چند بعد فرد را متصف به صفت فقیر می‌سازد. در این روش فقیر نه تنها با یک بعد و نه لزوماً با تمام ابعاد، بلکه از میان n بعد فقر، داشتن k بعد برای فقیر شمرده شدن کافی است. به بیان دیگر آنها محرومیت را واژه‌ای برای پایین‌تر بودن از حداقل‌ها در یک یا چند بعد فقر می‌دانند اما فقر زمانی است که فرد در بیشتر یا تمام ابعاد، محروم باشد. این روش حائز ویژگی‌های مثبتی مانند تفکیک‌پذیری اجزا و درعین حال هم‌نوایی ابعاد^۳ خواهد بود یعنی بهبود محرومیت در یک بعد موجب بهبود شاخص فقر می‌شود. در این روش ما می‌توانیم داده‌های ترتیبی (اردینال) مربوط به قابلیت‌ها را به صورت کاردینال استفاده کنیم و این مزیتی است که بسیاری از شاخص‌های رویکرد قابلیت فاقد آن هستند. شاخص فقر چندبعدی^۴ که از سال ۲۰۱۰ توسط مؤسسه فقر و توسعه انسانی وابسته به دانشگاه آکسفورد^۵ استخراج و کشورهای درحال توسعه براساس آن رتبه‌بندی می‌شوند، متکی بر چنین روش شناسی است.

گرچه سه شاخص فقر یعنی شاخص سن، شاخص توسعه انسانی و شاخص فقر انسانی تلاش کرده‌اند از زمره شاخص‌های ساده خارج و پیشگام حرکت به سوی شاخص‌های

1. Intersection

2. Dual Cutoff

3. Dimensional Monotonicity

4. Multidimensional Poverty Index (MPI)

5. Oxford Poverty and Human Development Institute (OPHI)

ترکیبی باشند اما هنوز نتوانسته‌اند ابعاد مهمی از عدالت توزیعی و فقر را در خود جای دهند. به‌عنوان نمونه با وجود استقبال و اعتبار وسیع شاخص توسعه انسانی تقریباً این اجماع وجود دارد که بخش‌های مهمی از توسعه انسانی در این شاخص لحاظ نشده است (Alkire, 2007). آمارتیا سن در سال ۲۰۰۴ ضمن تأکید بر نقاط قوت شاخص فوق نسبت به تک شاخص‌هایی چون تولید ناخالص سرانه، اعتراف می‌کند که این شاخص هنوز بیانگر محدودی برای توسعه است.

بنابراین لازم است به دنبال شاخصی ترکیبی بود که ابعاد هرچه بیشتری را در خود بگنجانند. در نتیجه اگر روش نماگرهای ترکیبی بر چارچوب یک مدل مفهومی قوی و چندبعدی مستقر شود، می‌تواند تا حد زیادی ویژگی شاخص مطلوب ما را برآورده سازد. مسئله چندبعدی بودن شاخص‌ها آنقدر مهم و رایج است که برخی صاحب‌نظران در تعریف، شاخص را ترکیبی از معرف‌های ابعاد مختلف مفهوم واحد می‌دانند (بیکر، ۱۳۸۱). با این نگاه وصف ترکیبی در عبارت «شاخص ترکیبی» زائد است و «شاخص» برای بیان هدف ترکیبی بودن کفایت می‌کند.

امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا از شاخص‌های ترکیبی جهت بررسی و مقایسه عملکردها استفاده می‌شود. ادبیات موجود در حوزه روش‌شناسی شاخص‌سازی ترکیبی نوپا و در حال رشد محسوب می‌شود و هنوز متون کلاسیک زیادی برای آن وجود ندارد. اما تعداد شاخص‌های ترکیبی در سراسر جهان به‌سرعت در حال گسترش است، باندورا در سال ۲۰۰۶ حدود ۱۶۰ شاخص ترکیبی موجود در منابع ملی و بین‌المللی را شناسایی کرده است (Bandura, 2006). به‌طور کلی می‌توان شاخص‌های ترکیبی موجود را به پنج مقوله بزرگ تقسیم‌بندی کرد (European Commission, 2008): شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، حوزه فناوری، دانش و نوآوری، جهانی‌شدن.

به‌طور خاص در حوزه اقتصاد حدود ۲۲ شاخص ترکیبی در منابع جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند: شاخص‌های انجام کسب و کار (گزارش بانک جهانی)، شاخص رقابت‌پذیری جهانی (گزارش مجمع جهانی اقتصاد)، شاخص آزادی اقتصادی (گزارش بنیاد هریتج)، شاخص عملکرد اقتصاد مبتنی بر دانش (گزارش OECD)، شاخص فقر انسانی

(گزارش سازمان ملل متحد)، شاخص عملکرد زیست‌محیطی (گزارش مجمع جهانی اقتصاد)، شاخص جهانی شدن (گزارش مجله سیاست خارجی)، نماگرهای ترکیبی آینده‌نگر (گزارش OECD) و امثال آنها (Bandura, 2006). البته این روش نیز مانند هر روش علمی دیگری دارای نقاط قوت و ضعف است. به‌طور خلاصه می‌توان فهرست زیر را به‌عنوان جهات مثبت و منفی این روش ارائه کرد:

جدول ۲. مقایسه مزایا و کاستی‌های روش نماگرهای ترکیبی

کاستی‌های روش نماگرهای ترکیبی	مزیت‌های روش نماگرهای ترکیبی
اگر به دقت ساخته یا تفسیر نشود می‌تواند پیام‌های سیاستی نادرستی ارسال کند	واقعیت‌های پیچیده و چندبعدی را به صورت فشرده و ساده در پیش چشم تصمیم‌گیران ترسیم می‌کند
منجر به نتایج سیاستی ساده‌سازی شده می‌گردد	تفسیر آن نسبت به معیارهای متعدد و مستقل ساده‌تر است
با جهت‌دهی سازندگان نماگر می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد	قدرت ارزیابی وضعیت یک جامعه در طول زمان یا در میان کشورهای مختلف را به ما می‌دهد
انتخاب نماگرها و وزن آنها غالباً مورد مناقشات سیاسی واقع می‌شود	انتقال مفهوم و ارزیابی را به مخاطبان عمومی و تخصصی ساده‌تر می‌کند
اگر بخش‌های دشوار برای اندازه‌گیری، نادیده گرفته شوند منجر به سیاست‌های نامطلوب خواهند شد	اجازه استفاده از اطلاعات و داده‌های مختلف را برای ارزیابی جامع‌تر و منصفانه‌تر به ما می‌دهد
	تصویر ملموسی از فراز و فرود عملکرد کشور ارائه داده و نظارت بر تحقق اهداف سیاستی را توسط مقامات ناظر و افکار عمومی تسهیل می‌کند

Source: OECD (2008).

براساس روش‌شناسی‌های مندرج در منابع معتبر می‌توان مراحل ساختن یک شاخص ترکیبی را به ده گام تقسیم کرد (OECD, 2008):

۱. **چارچوب تئوریک:** لازم است برای درک روشن و تعریف مشخص از مفهوم چندبعدی که مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، مبنای نظری مناسبی ارائه شود. این مبنای نظری کمک شایانی به ساختن زیرگروه‌های مفهوم اصلی می‌کند. در این مرحله باید آنچه اندازه‌گیری آن مطلوب است به تفصیل و دقت توضیح داده شود. در همین مرحله است

که: ۱. باید مفهوم چندبعدی به زیربخش‌ها یا ارکان تقسیم شود؛ ۲. معیار انتخاب نماگرها نیز معرفی شوند، یعنی باید بدانیم که چه نوع متغیرهایی در نماگر ترکیبی استفاده خواهند شد: مثلاً آیا می‌خواهیم ورودی‌ها (نهاده‌ها)ی موضوع را بررسی کنیم، یا خروجی‌ها (ستاده‌ها) و یا فرایندهای آن را.

۲. **انتخاب متغیرها:** برای این مرحله باید داده‌هایی برگزیده شوند که از لحاظ تحلیل ارتباط وثیقی با زیربخش مفهوم اصلی داشته باشند. قابلیت کمی‌سازی و اندازه‌گیری و در دسترس بودن اطلاعات نیز از دیگر ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود. در صورت نداشتن داده‌های کمی رسمی^۱ می‌توان از متغیرهای تقریبی^۲ یا داده‌های کیفی میدانی^۳ استفاده کرد. کیفیت نماگرهای در دسترس چه به صورت منفرد و چه مجموع، حائز اهمیت است.

۳. **داده‌های مفقوده:** معمولاً توسعه مطلوب شاخص‌های ترکیبی با وجود مشکل داده‌های مفقوده تهدید می‌شود. این داده‌های مفقوده می‌توانند به صورت تصادفی یا غیر تصادفی باشند. در هر صورت دو روش کلی برای مواجهه با مشکل داده‌های مفقوده وجود دارد که در روش نخست این داده‌ها حذف می‌شوند (هرچند خطای استاندارد نمونه بالا خواهد رفت) و در روش دوم این داده‌ها به‌عنوان جزئی از تحلیل حذف نمی‌شوند بلکه تلاش می‌شود با روش‌هایی مانند جایگزینی میانه یا میانگین، روش رگرسیونی، روش مارکوف یا الگوریتم مونت کارلو اصلاح و تعدیل شوند.

۴. **تحلیل چندوجهی:** متأسفانه گاه فراموش می‌شود که شاخص‌های منفرد باید در کنار یکدیگر نیز ارتباط و همخوانی مناسبی داشته باشند. به بیان دیگر ارتباط درونی بین شاخص‌ها با یکدیگر مورد غفلت محققان قرار می‌گیرد و این غفلت موجب نتایج گمراه‌کننده شاخص می‌شود.

۵. **نرمال‌سازی داده‌ها:** براساس قاعده «سیب‌ها را با پرتقال‌ها جمع نزنید» لازم است پیش از مرحله تجمیع، داده‌ها را به صورت نرمال درآوریم زیرا هر نماگر واحد اندازه‌گیری متفاوتی دارد.

1. Hard Data
2. Proxy
3. Soft Data

۶. وزن دهی و تجمیع: وزن دهی از گام‌هایی است که تأثیر جدی بر نتیجه شاخص ترکیبی و رتبه‌بندی نهایی دارد و فارغ از اینکه چه روشی برای وزن دهی اتخاذ می‌شود، ناشی از قضاوت ارزشی است. تعداد زیادی از شاخص‌های ترکیبی موجود براساس روش وزن واحد یا یکسان تنظیم شده‌اند. در تعدادی از روش‌های وزن دهی که از روش آماری یا رگرسیونی برای تعیین وزن استفاده نمی‌شود، دیدگاه متخصصان یا اولویت‌های سیاستگذاران نقش اصلی را در وزن دهی ایفا می‌کند، این روش به‌ویژه برای تحقیقات درون جامعه‌ای و ملی مناسب است.

۷. توانایی و حساسیت شاخص: با توجه به مداخله قضاوت‌های ارزشی در مراحل مختلف ساختن شاخص ترکیبی، ترکیبی از تحلیل حساسیت و نااطمینانی^۱ می‌تواند موجب بهبود شفافیت و توانایی شاخص شود.

۸. بازگشت به جزئیات: گرچه شاخص ترکیبی نهایی مزیت‌های مورد انتظار برای تحلیل یا توصیه سیاستی را دارد اما پس از ساختن آن، مناسب است به تحلیل شاخص ترکیبی بسنده نکنیم و دوباره تمام اجزای شاخص را برای کشورها یا موارد تحت بررسی، از هم جدا کنیم.

۹. ارتباط با دیگر متغیرها: به دلیل اینکه مفاهیم چندبعدی ارتباط زیادی با متغیرهای متعدد دارند، یک راه برای ارزیابی قدرت تبیین‌کنندگی شاخص ترکیبی، ترسیم آن به‌طور هم‌زمان با متغیرهای مرتبط است.

۱۰. ارائه گویا: فهم، تفسیر و اثربخشی یک شاخص ترکیبی زمانی به بهترین حالت می‌رسد که نتایج آن به شیوه‌ای رسا، جذاب و گویا به مخاطب ارائه شود.

مناسب بودن شاخص به صورت کلی به معنی قابل استفاده بودن شاخص برای هدف و کاربردی است که برای آن ساخته شده است. پیش از معرفی ویژگی‌های مطلوب شاخص‌ها لازم است به یک دسته‌بندی مهم اشاره کنیم. نماگرها براساس نسبتی که با مفهوم محوری تحقیق دارند به چهار دسته تفکیک می‌شوند:

● **نماگرهای داده^۲ (ورودی):** این نماگرها به‌طور مستقیم حکایت از وضعیت مفهوم محوری (مانند عدالت اقتصادی) نمی‌کنند اما نقش ورودی، بستر یا داده را برای

1. Uncertainty and Sensitivity Analysis

2. Input Indicator

تحقق عدالت دارند. گاه آنها را نماگرهای سطح علی نیز می‌دانند یعنی عامل تحقق آن وضعیت اند اما با لحاظ معنای ویژه «علیت» در فلسفه علم، اطلاق این نام صحیح نیست. عنوان دیگری که رواج بیشتری دارد، نماگرهای پیشرو^۱ است که به مثابه پیشقراولان یک سپاه از آمدن آن حکایت می‌کنند. نماگرهای ترکیبی پیشرو به ویژه در خصوص فراز و فرودهای رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر دارای ادبیات بسیار فربه نظری و تکنیکی شده است. در موضوع عدالت، مثلاً تعریف دقیق حقوق مالکیت یا ضمانت اجرای قوی تخلف از قراردادها یک پیش شرط و ورودی برای عدالت شمرده می‌شود. یا بودجه‌های دولتی بخش سلامت یا سهم بودجه سلامت در بودجه عمومی دولت، یک نماگر داده برای حق سلامت به شمار می‌رود که گرچه افزایش و کاهش بودجه مستقیماً حکایت از بهبود عدالت درمانی ندارد اما نقش ورودی را بازی می‌کند. همچنین است رشد تعداد روزنامه‌های مستقل که گرچه می‌تواند یک داده یا بستر برای بهبود عدالت سیاسی باشد اما لزوماً و مستقیماً حاکی از بهبود وضع عدالت سیاسی نیست.

● **نماگرهای ستانده^۲ (خروجی):** این نماگرها نیز حکایت‌گری مستقیم از وضعیت مفهوم‌محوری ندارند لکن بیانگر آثار و نتایجی هستند که می‌تواند قضاوت ما را نسبت به تحقق عدالت شکل دهد. این نماگرها را نیز نمی‌توان در زمره معلول‌ها (به معنای دقیق) دانست. عنوان دیگری که در ادبیات شاخص‌سازی بسیار آشناست، نماگرهای دنباله‌رو یا تأخیری^۳ هستند که پس از وقوع یا تغییر وضعیت متغیر خاص، و از طریق آثار آن را به ما خبر می‌دهند.

● **نماگرهای سنجش ادراک (احساس):** در کنار دو دسته نماگر ورودی و خروجی، دسته دیگری از نماگرها وجود دارند که به دنبال روایت خود مفهوم‌محوری هستند اما از آنجاکه دسترسی مستقیم و مبتنی بر داده‌های آماری به آن ندارند، تلاش می‌کنند به صورت کیفی و میدانی، تلقی افراد جامعه از بهبود یا وخامت آن متغیر را کشف کنند و آن را مبنای تحلیل قرار دهند. شاخص‌های معرفی‌مانند فقر احساسی یا ادراک فساد براساس چنین مبنایی استخراج می‌شوند.

1. Leading Indicators
2. Output Indicator
3. Lagging Indicators

- **نماگرهای فرایندی ناقص:** این نماگرها برای ما حکایت مستقیمی از فراز یا فرود خود مفهوم محوری آن هم با اتکا بر داده‌های غیرکیفی (برخلاف ادراک‌سنجی) روایت می‌کنند اما از آنجا که تمام آن مفهوم یا متغیر چندبعدی با یک نماگر قابل توصیف نیست، بیانگر گوشه‌ای و بعد خاصی از تحولات آن مفهوم‌اند، از این رو پسوند ناقص را برای این نماگرها به کار می‌بریم. به عنوان نمونه کاهش «قتل عمد و غیرعمد» نسبت به مفهوم امنیت اجتماعی نه نماگر ورودی یا پیشرو و نه نماگر خروجی یا تأخیری است و نه به شیوه کیفی و میدانی ساخته شده، بلکه بیانگر جزئی از خود مفهوم امنیت اجتماعی است اما نه تمام آن. براساس این تقسیم‌بندی، آنچه ما به دنبال آن هستیم، نماگرهای فرایندی ناقص (دسته چهارم) هستند. به نظر می‌رسد یک شاخص برآزنده^۱ باید بتواند نشان دهد که کدام یک از فعالیت‌ها به خواسته‌های کشور و برنامه‌ریزان مربوط است و در راه دستیابی به آن خواسته‌ها اثر مثبت دارد. به بیان دیگر، شاخص باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد (خلعتبری، ۱۳۸۸):
- نه تنها به موضوع مرتبط باشد بلکه دقیقاً بخشی از مفهوم مرکزی را حکایت و ترسیم کند. ارتباط شاخص به موضوع مبحثی مشخص است. شاخص باید در زمینه موضوعی باشد که برای آن هدفگذاری می‌شود.
- به سادگی قابل درک باشد. هر قدر درک شاخص ساده‌تر و بی‌ابهام‌تر باشد، سیاستگذاران بهتر از آن استفاده می‌کنند. شاخص‌هایی که کارشناسان را همیشه به دنبال خود می‌کشاند تا آن را به زبان قابل فهم ترجمه کنند، شاخص‌های نظارتی و کاربردی نیست.
- قابل اندازه‌گیری باشد. طراحی شاخص‌هایی که در نهایت قابل اندازه‌گیری نباشند، هیچ خاصیتی ندارد. فقدان قابلیت اندازه‌گیری به این معنی است که عدد شاخص به قضاوت فردی مرتبط شود یا آنکه برتری یا پس‌روی آن را نتوان با استفاده از مقدار محاسبه شده سنجید.
- اطلاعات ملموس در مورد موضوع خود فراهم آورد. ملموس بودن اطلاعات به این معنی است که بتوان با قاطعیت ماهیت و هویت اطلاعات حاصل از شاخص را شناسایی کرد.
- می‌توان ویژگی دیگری نیز بر فهرست فوق افزود و آن تولید آمارهای مربوط در دیگر کشورهاست که نتیجه‌اش قابلیت مقایسه و مطالعه تطبیقی شاخص‌هاست زیرا برخی نماگرها

ماهیت بومی دارند. به عنوان نمونه میزان پرداخت زکات تنها در میان دولت‌های اسلامی معنا دارد و بنابراین قابلیت مقایسه این آمار، محدود به همین کشورهاست.

۳. معرفی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی

در این مقاله ذیل هر مؤلفه عدالت، از مراجع رسمی آماری کشور، نماگرهای مرتبط را انتخاب کرده و در ادامه هریک از نماگرها را از جهت ویژگی‌های «اصابت، جامعیت، دسترسی و قابلیت مقایسه» ارزیابی کرده و در نهایت شاخص برازنده را شناسایی کردیم. در نهایت نماگرهای زیر برای هر یک از مؤلفه‌های عدالت اقتصادی برگزیده شدند:

• **حق مالکیت مشروع:** (نقض مالکیت) تعداد پرونده‌های سرقت، کلاهبرداری، تصرف عدوانی و جرائم مشابه،

• **حق مبادله مشروع:** (عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی) نماگر نسبت چک‌های بلامحل به جمعیت فعال،

• **حق سهم‌بری عادلانه از تولید:** نماگر نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار،

• **حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی:** نماگر درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق،

• **حق دسترسی عموم به منابع عمومی:** نماگر اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها،

• **حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی:** نماگر سهم صادرات خام‌فروشی معادن و منابع طبیعی از صادرات،

• **حق استفاد بهینه از اموال:** نماگر سطح بهره‌وری کل عوامل تولید.

در گام بعد لازم بود که وزن هر یک از اجزای هفت‌گانه عدالت اقتصادی در شاخص کل تعیین شود. در این مرحله سه شیوه عمل ممکن بود: قاعده وزن یکسان، وزن‌دهی مبتنی بر مبنای تئوریک، وزن‌دهی با نظر متخصصان. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند در زمانی که ابعاد مختلف یک متغیر یا مفهوم در شاخص واحدی جمع می‌شود بهترین راه قائل شدن وزن یکسان برای آن ابعاد است زیرا هرگونه ترجیح یک یا چند وجه بر دیگر وجوه می‌تواند مورد اعتراض و انتقاد قرار گیرد. بنابراین بهترین راه یک میانگین وزنی ساده است. به عنوان نمونه پرفسور اتکینسون تصریح می‌کند تفسیر نتایج معیارهای چندبعدی زمانی ساده است که هر یک از ابعاد شاخص از ضریب اهمیتی نزدیک به هم برخوردار

باشند. در غیر این صورت تفسیر نتایج دشوار خواهد بود (Atkinson, 2003).

در این میان روش نظرسنجی از متخصصان از قدرت اقتناع بیشتری برای جامعه علمی برخوردار است به ویژه اگر برجسته ترین صاحب نظران آن حوزه در این دلفی مشارکت کنند. آمارتیا سن معتقد است مسئله ارزش و اهمیت هر بعد از شاخص، آنقدر فراگیر نیست که به فراندوم گذاشته شود اما تعیین آن نیازمند سازوکاری مشابه است و باید از طریق بحث و نقد بین گروه های مختلف به نتیجه برسد (Sen, 1997). ما در این تحقیق از شیوه سوم یعنی دلفی دومرحله ای خبرگان استفاده کردیم که مزایای بیشتری درخصوص موضوعات تخصصی نسبت به روش های سنتی پیمایش دارد. به این منظور پرسش نامه تعیین وزن مؤلفه های عدالت را برای ۴۰ نفر از کارشناسان ذیصلاح ارسال کردیم که به ۳۰ پرسش نامه پاسخ داده شد که برای اعتبار دلفی متخصصان کفایت می کرد.^۱ روش تحقیق درخصوص اندازه مناسب گروه خبرگان، عددی مابین ۱۰ الی ۱۸ خبره را کافی دانسته است (Okoli and Pawlowski, 2004).

صلاحیت های مدنظر برای ارسال پرسش نامه عبارت بود از:

- داشتن مدرک دکتری یا اجتهاد حوزوی،
 - داشتن تخصص در حوزه مطالعات عدالت اقتصادی،
 - داشتن آشنایی نسبی با مبانی اقتصاد اسلامی.
- درخصوص حقوق اقتصادی؛ نتایج تجمیع اطلاعات پرسش نامه حاکی از آن بود که غیر از مؤلفه «بهره برداری بهینه از منابع» که امتیاز کمتری کسب کرده بود (۶/۶ از ۹) دیگر مؤلفه های حقوق اقتصادی امتیاز بالا و نزدیکی کسب کرده بودند و تفاوت آنقدر جزئی بود که به ما این اجازه را می داد تا با وزن یکسان درخصوص آنها عمل کنیم و تنها برای مؤلفه حقوق اموال و منابع، وزن کمتری (نصف وزن دیگر ابعاد) لحاظ کنیم.

۱. لازم است از همکاری آیات عظام تسخیری، هاشمی شاهرودی، هادوی تهرانی، حجج الاسلام مصباحی مقدم، میرمعزی، موسویان و استادان مبرز اقتصاد اسلامی آقایان توتونچیان، دادگر، عیوضلو، صدر، شعبانی، عزتی، سبحانی، مؤمنی، نادران و دیگران تشکر شود.

جدول ۳. نتایج دلفی خبرگان درباره حقوق اقتصادی

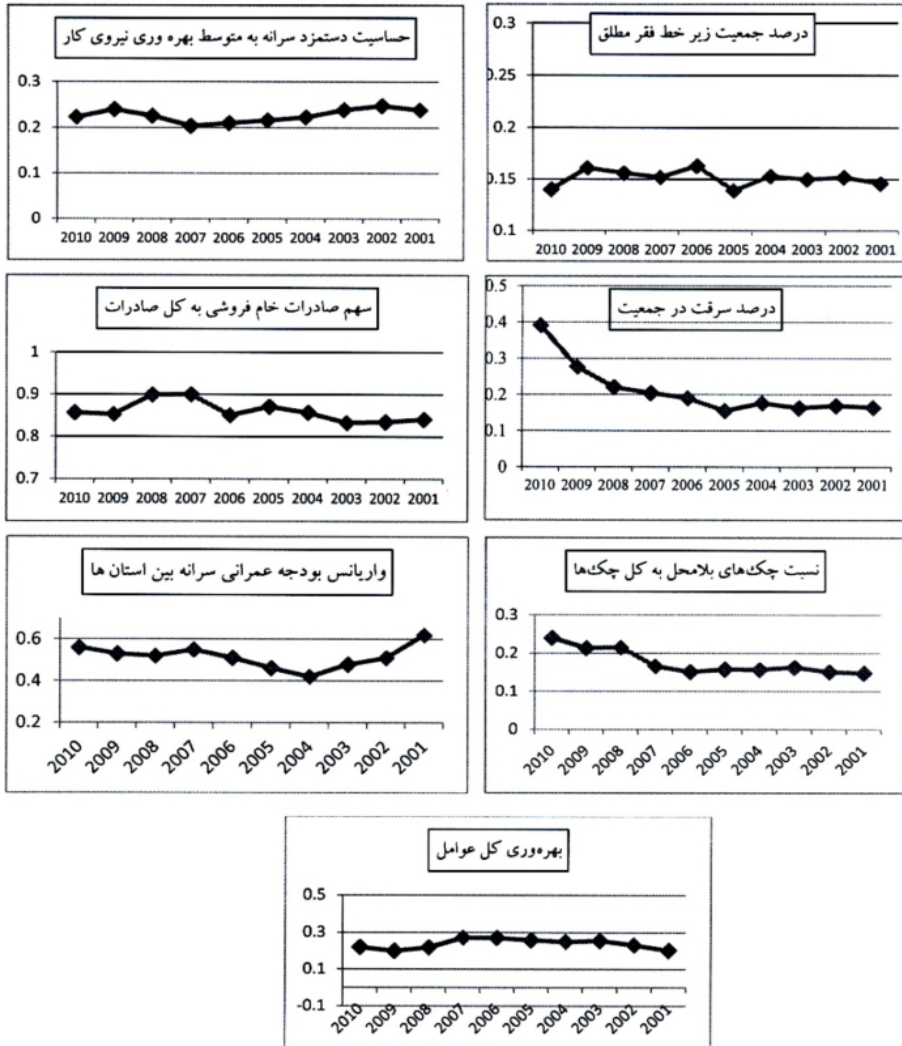
عنوان	میانگین	انحراف معیار	وزن از عدد واحد
حق مالکیت	۸.۶	۰.۸۱	۰.۱۴۱
حقوق مبادلاتی	۸.۳	۱.۰۳۶	۰.۱۳۷
حق برخورداری از سهم در تولید	۷.۶	۱.۶۱۳	۰.۱۲۴
حق دسترسی همگان به ثروت‌های عمومی	۷.۸	۱.۲۰۵	۰.۱۲۸
حق نیازمندان در ثروت‌های خصوصی	۷.۵	۱.۸۲۲	۰.۱۲۳
حق برخورداری نسل‌های آتی	۷.۱	۱.۶۱۹	۰.۱۱۷
حق بهره‌برداری بهینه از منابع	۶.۶	۱.۸۲۱	۰.۱۰۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

این نتیجه تا حدی با بالاتر بودن «کثرت و شدت» موارد قرآنی حقوق مبادلاتی و حقوق بازتوزیعی نسبت به موارد حقوق تولیدی و مصرفی نیز سازگار بود. چنانکه در بخش نظری گفته شد، میزان اشاره و تأکید قرآن بر مسئله ظلم (نقض عدالت در حقوق فی‌مابین انسان‌ها) به نحو بارزی بیش از تأکید بر موضوع کفران (نقض عدالت در حقوق منابع و اموال) است. این نتیجه‌گیری همچنان با پیشنهاد پرفسور اتکینسون برای لحاظ کردن وزن برابر میان مؤلفه‌های مختلف سازگار بود. به بیان دیگر در پیش‌گرفتن روش دلفی تقریباً ما را به نتیجه روش وزن‌دهی برابر رسانید. بر این اساس ما برای مؤلفه‌های هفت‌گانه وزن برابر لحاظ کردیم. با توجه به بهینه بودن بازه (صفر تا یک) در بخش ویژگی‌های شاخص مطلوب، در محاسبه نماگرها تلاش شد تمام نماگرها به صورت نسبی در بازه (صفر تا یک) قرار داشته باشند تا شاخص نهایی نیز به سادگی از این ویژگی برخوردار باشد.

گام پایانی برای محاسبه شاخص کل، ترکیب هفت نماگر فوق است. در این مرحله با توجه به جهت منفی برخی نماگرها ابتدا جهت تمام نماگرها با جهت عدالت اقتصادی همراستا شد به نحوی که افزایش عدد شاخص نهایی (حرکت به سمت یک) به معنای نزدیک شدن به وضعیت عادلانه و کاهش آن (حرکت به سمت صفر) مترادف نزدیکی به موقعیت ناعادلانه است.

نمودار ۲. روند نماگرهای اقتصاد ایران



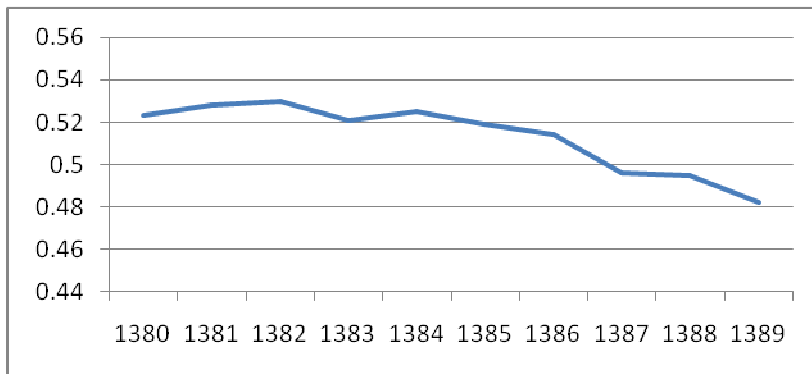
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در این مرحله لازم است اشاره‌ای به محتوای داده‌های هفتگانه داشته باشیم: شاخص تعداد مجموع سرقت به یک صدم جمعیت کشور، در دهه ۱۳۸۰ از ۱۶ صدم در سال‌های نخست به حدود ۳۹ صدم افزایش یافته که عمده این افزایش در سال‌های پایانی این دهه رخ داده است. شاخص درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق با فراز و نشیب‌هایی در حوالی

۱۵ درصد ثابت باقی مانده است. نسبت چک‌های برگشتی به یک هزارم جمعیت از نزدیک ۱۵ صدم در ابتدای دوره به حدود ۲۴ صدم در انتهای دوره افزایش یافته است. نسبت صادرات مواد خام به کل صادرات کشور در تمام سال‌های مورد بررسی بین ۸۴ تا ۸۹ درصد در نوسان بوده است که به لحاظ نزدیک بودن به سقف، جزء نامطلوب‌ترین روندها به‌شمار می‌رود. نسبت دستمزد سرانه به متوسط بهره‌وری نیروی کار نیز روند تقریباً مشخصی در کانال ۲۰ تا ۲۵ صدم را نشان می‌دهد. واریانس بودجه عمرانی سرانه بین استان‌ها جزء شاخص‌های پرنوسان بوده و تا سال ۱۳۸۵ از ۶۲ صدم به ۴۳ صدم کاهش یافته اما مجدداً در سال‌های پایانی دهه به ۵۶ صدم افزایش یافته است. شاخص استاندارد شده بهره‌وری کل عوامل طی دوره مذکور تا سال ۱۳۸۶ روند صعودی داشته و از ۲۰ صدم به ۳۰ صدم رسیده اما سپس مسیر کاهشی را نشان می‌دهد.

بر این اساس شاخص نهایی عدالت اقتصادی در ایران طی دهه ۱۳۸۰ به صورت زیر استخراج شد. این شاخص نشان می‌دهد معیار عدالت اقتصادی از عدد ۵۲۳ هزارم در ابتدای دوره نخست با اندکی افزایش به ۵۳۰ هزارم در سال ۱۳۸۲ و سپس با شیب ملایمی کاهش یافته و در سال ۱۳۸۷ برای نخستین بار به کمتر از نیم یعنی به عدد ۴۹۶ هزارم و با اندکی کاهش و وخامت به ۴۸۲ هزارم در سال ۱۳۸۹ رسیده است.

نمودار ۳. نماگر ترکیبی عدالت اقتصادی در ایران



مأخذ: همان.

۴. آزمون روایی شاخص

از آنجاکه روش دلفی متخصصان بی‌نیاز از آزمون‌های سنجش پایایی (اعتماد) است تنها لازم است که از روایی (اعتبار) نتیجه تحقیق مطمئن شویم. مفهوم روایی به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. بودن آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت. به عبارت دیگر با سنجش روایی نتایج دلفی خواهیم دانست که از نظر صاحب‌نظران شاخص نهایی تا چه حد با هدف تبیین مفهوم ابتدایی (عدالت اقتصادی) انطباق دارد. درخصوص باید به دنبال آزمونی باشیم که برای متغیرهای رتبه‌ای تناسب داشته باشد. دبلیوی کندال^۱ از جمله آزمون‌های آماری ناپارامتری است که برای مقیاس‌های رتبه‌ای به کار می‌رود مانند آزمون فریدمن، یومان - ویتنی^۲ و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن. از آزمون دبلیوی کندال به عنوان آزمون ضریب توافق نیز نام برده می‌شود زیرا نشان می‌دهد ارزیاب‌ها تا چه حد بر سر خروجی نهایی تحقیق هم‌منظر و متفق‌القول‌اند (Okoli and Pawlowski, 2004). این شاخص آماری که مربوط به آمار ناپارامتریک است، برای ارزیابی میزان هم‌رای بودن تعدادی ارزیاب درخصوص رتبه چند عامل است. به عبارت دیگر این شاخص بیان می‌کند که ارزیاب‌ها تا چه میزان در رتبه‌بندی عوامل مشخص، یکسان عمل کرده‌اند. دبلیوی کندال عددی مابین صفر و یک است که عدد صفر به معنی نظرات کاملاً غیرمشابه و یک به معنی نظرات کاملاً مشابه است. ادبیات روش تحقیق بیان می‌کند که عدد ۰/۷ برای اعلام وجود وفاق بین گروه کفایت می‌کند.

اگر $R1$ عبارت از تعداد آرای خبرگان درباره وجود یک رابطه (به عبارت دیگر اولویت تخصیص یافته به وجود یک رابطه از دید آنها یک و نبود آن مقدار دو را بپذیرد) و $R2$ عبارت از تعداد آرای خبرگان درباره عدم وجود یک رابطه (به عبارت دیگر اولویت تخصیص یافته به عدم وجود یک رابطه از دید آنها یک و وجود آن مقدار دو را بپذیرد) باشند، و نیز تعداد خبرگان (j) ۳۰ نفر و موضوعات در حال رتبه‌بندی (i)، ۲ موضوع (وجود یک رابطه / نبود یک رابطه) باشد، در صورتی که ۲۷ نفر از ۳۰ خبره به وجود رابطه‌ای رأی دهند خواهیم داشت:

1. Kendall's W

2. Mann-Whitney U

$$R1 = \sum_{j=1}^{18} r1,j = (27 \times 1) + (3 \times 2) = 33$$

$$R2 = \sum_{j=1}^{18} r2,j = (27 \times 2) + (3 \times 1) = 57$$

$$\bar{R} = \frac{1}{2} m (n + 1) = \frac{1}{2} \times 30 \times (2 + 1) = 45$$

$$S = \sum_{i=1}^n (R_i - \bar{R})^2 = (33 - 45)^2 + (57 - 45)^2 = 12^2 + 12^2 = 288$$

$$W = \frac{12S}{m^2 (n^3 - n)} = \frac{12 \times 288}{30^2 \times (2^3 - 2)} \cong 0.64$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار دبلیوی کندال در این حالت برابر ۰/۶۴ یا سطح وفاق کمتر از میزان قابل قبول است. بنابراین درخصوص تحقیق حاضر باید از میان ۳۰ نفر خبرگان بیش از ۲۷ نظر موافق داشته باشند. برای به کار بردن این شاخص ابتدا نسبت توزیع امتیازهای هر مؤلفه را سنجیدیم. بر این اساس تقریباً توزیع تمام هفت مؤلفه عدالت اقتصادی، توزیعی مشابه نرمال نامتقارن داشتند به نحوی که اولاً حدود ۹۵ درصد امتیازها در هر مؤلفه با فاصله ۲ برابر انحراف معیار نسبت به میانگین هر مؤلفه قرار داشت و ثانیاً توزیع با چولگی منفی به سمت امتیازهای کوچک‌تر بود.

بررسی امتیازهای ذیل هفت مؤلفه عدالت اقتصادی را نشان می‌دهد:

- مؤلفه‌های مربوط به حق مالکیت، حق مبادله، سهم در تولید و استفاده قانونی از منابع هر کدام تنها ۱ امتیاز کمتر از نصف (نشان عدم ارتباط جدی میان آن‌ها با مفهوم عدالت اقتصادی) دارند که بدین ترتیب آزمون دبلیوی کندال معادل ۰/۸۷ خواهد بود. بدین ترتیب دبلیوی کندال سطحی بسیار بالا برای روایی شاخص عدالت اقتصادی در چهار زیرمجموعه مذکور نشان می‌دهد که بیانگر وفاق میان خبرگان است.

- مؤلفه‌های مربوط به حق دسترسی به ثروت‌های عمومی، حق نیازمندان، حق نسل‌های آتی و استفاده بهینه از منابع هر کدام ۲ امتیاز کمتر از نصف دارند که در نتیجه آزمون دبلیوی کندال معادل ۰/۷۵ خواهد بود. بنابراین آزمون روایی درخصوص چهار مؤلفه دیگر نیز سطحی بالاتر از ۰/۷ یافته و تأیید می‌شود.

بدین ترتیب آزمون دبلیوی کندال در مجموع روایی شاخص عدالت اقتصادی از دیدگاه

خبرگان را تأیید می‌کند. به بیان دیگر این آزمون نشان می‌دهد آنچه تحت عنوان شاخص در این تحقیق ارائه شده است، با سطح مقبول و مورد اتفاق، بیانگر ابعاد عدالت اقتصادی است.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و تحلیل شاخص

این مقاله تلاشی است تا برای نخستین بار نماگری ترکیبی از عدالت اسلامی (در حوزه اقتصاد) تدوین و محاسبه شود و مجالی برای پژوهش‌های کامل‌تر در خصوص این مسئله راهبردی کشور فراهم کند. این نماگر از ترکیب هفت مؤلفه و با وزن یکسان (که براساس دلفی دومرحله‌ای خبرگان به‌دست آمد) تشکیل شده است. مروری بر نتایج نماگر ترکیبی عدالت اقتصادی در ایران نشان می‌دهد طی دهه اخیر این شاخص به‌ویژه از سال ۱۳۸۲ روند کاهشی ملموسی را شاهد بوده و از عدد ۵۲۳ هزارم در سال ۱۳۸۰ به ۵۳۰ هزارم در سال ۱۳۸۲ و به تدریج به عدد ۴۹۶ هزارم در سال ۱۳۸۷ رسیده و در نهایت به عدد ۴۸۲ هزارم در سال ۱۳۸۹ رسیده است. به بیان دیگر وضعیت عمومی عدالت اقتصادی در کشور روند نزولی با شیب اندکی داشته است. رویکرد وزن برابر به مؤلفه‌ها موجب می‌شود تحلیلی برون‌دادهای شاخص با سادگی بیشتری صورت گیرد.

روند این سال‌ها نشان می‌دهد از میان مؤلفه‌های هفت‌گانه عدالت اقتصادی، بیشترین سهم در پایین بودن سطح شاخص، ناشی از سه عنصر زیر است:

- عملکرد ضعیف در استفاده غیربهبینه از منابع (نماگر بهره‌وری کل عوامل تولید)،
- عدم مراعات سهم نسل‌های آتی (نماگر خام‌فروشی منابع طبیعی)،
- (در سال‌های اخیر) ضعف حقوق مالکیت (نماگر نسبت سرقت به جمعیت).

البته در مرحله بعد توزیع بودجه‌های عمرانی سرانه استانی نیز امتیاز پایینی دارد. اگر این مؤلفه‌ها بهبود یابد، انتظار می‌رود سطح شاخص عدالت به‌طور ملموسی افزایش یابد. مؤلفه‌های دیگری مانند نسبت جمعیت زیر خط فقر یا نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار طی این دوره از نوسان اندک و سطح مقبولی برخوردار بوده‌اند به نحوی که تأثیر منفی یا مثبت محسوسی بر شاخص نداشته‌اند. مؤلفه استحکام مبادلات اقتصادی (نماگر نسبت چک برگشتی به جمعیت فعال) تا پیش از سال ۱۳۸۸ وضعیت مناسبی داشته و تأثیر مثبت بر شاخص می‌گذاشت اما در سال‌های اخیر با کاهش محسوسی مواجه شده که نیازمند مراقبت است.

بیشتر کاهش شاخص در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷ ناشی از سه مؤلفه نسبت چک‌های برگشتی، شاخص بهره‌وری کل و پراکندگی بودجه عمرانی سرانه است. به بیان دیگر وخامت وضعیت استحکام مبادلات، وخامت استفاده بهینه از منابع و عدم توزیع متناسب بودجه عمرانی موجب شد که در دو سال مذکور شاخص با کاهش محسوسی مواجه شود. در خصوص سال ۱۳۸۸ وخامت حقوق مالکیت و افزایش نسبت سرقت‌ها نیز بر کاهش شاخص کل تأثیرگذار بود.

جدول ۴. نماگر ترکیبی عدالت اقتصادی در ایران

سال	عدد شاخص کل
۱۳۸۰	۰.۵۲۳
۱۳۸۱	۰.۵۲۸
۱۳۸۲	۰.۵۳۰
۱۳۸۳	۰.۵۲۱
۱۳۸۴	۰.۵۲۵
۱۳۸۵	۰.۵۱۹
۱۳۸۶	۰.۵۱۴
۱۳۸۷	۰.۴۹۶
۱۳۸۸	۰.۴۹۵
۱۳۸۹	۰.۴۸۲

مأخذ: همان.

باید دانست که به دلیل فقدان یک داده برای سال ۱۳۸۹، برای حفظ ترکیب هفت مؤلفه شاخص نهایی، ما برای این سال از میانگین سه سال اخیر نماگر نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار بهره برده‌ایم. البته وضعیت حقوق مالکیت و استحکام مبادلات در سال ۱۳۸۹ نیز از سال‌های ۱۳۸۷ بدتر است اما از سوی دیگر جمعیت زیر خط فقر مطلق شهری کاهش محسوسی را نشان می‌دهد.

گام پایانی برای محاسبه شاخص کل، ترکیب هفت نماگر فوق است. در این مرحله با توجه به جهت منفی برخی نماگرها ابتدا جهت تمام نماگرها با جهت عدالت اقتصادی همراستا گردید به نحوی که افزایش عدد شاخص نهایی (حرکت به سمت یک) به معنای نزدیک شدن

به وضعیت عادلانه و کاهش آن (حرکت به سمت صفر) مترادف نزدیکی به موقعیت ناعادلانه است. بر این اساس شاخص نهایی عدالت اقتصادی در ایران طی دهه ۱۳۸۰ به صورت زیر استخراج گردید. این شاخص نشان می‌دهد معیار عدالت اقتصادی از عدد ۵۲۳ هزارم در ابتدای دوره با شیب ملایمی به عدد ۴۹۶ هزارم در سال ۱۳۸۷ کاهش یافت (و برای نخستین سال به کمتر از نیم رسید) و البته در سال ۱۳۸۹ به ۴۸۲ هزارم رسیده است که کمترین مقدار دهه اخیر به‌شمار می‌رود. به‌نظر می‌رسد بخشی از کاهش محسوس شاخص در سال پایانی ناشی از فقدان داده مربوط به ادای سهم نیروی کار از تولید است. سهم نقض حق مالکیت و ضعف استحکام مبادلات در سال‌های اخیر بیشترین تأثیر را بر کاهش شاخص داشته است.

همچنین از نتایج این رساله می‌توان به یافتن اولویت در نقاط ضعف عدالت اشاره

کرد، ابعادی مانند:

- خام‌فروشی منابع طبیعی (عدم مراعات حق نسل‌های دیگر)،
- بهره‌وری پایین منابع (عدم مراعات حق جامعه در استفاده بهینه از امکانات)،
- عدم دریافت حق نیروی کار از تولید خود،
- و در سال‌های اخیر تزلزل در حقوق مالکیت و استحکام قراردادها.

با توجه به ابعاد عدالت اقتصادی در اسلام، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت عدالت اقتصادی در بخش مراعات حقوق بهره‌برداری و مراعات حقوق مبادلاتی (اعم از مالکیت و مبادله) از شرایط مطلوب دورتر و در بخش مراعات حقوق بازتوزیعی به شرایط مطلوب نزدیک‌تر است. کاربست سیاستی این پژوهش آن است که: اولاً به جهت روندها، نزول تدریجی شاخص عدالت اقتصادی مستلزم توجه ویژه سیاستگذاران در دولت و مجلس شورای اسلامی است بدین نحو که هدف‌گذاری‌های روشنی را برای تغییر روند تحقق عدالت مصوب نموده و لوازم آن را به‌عنوان ضوابط لازم‌الرعايه به دستگاه‌های متولی ابلاغ کنند. ثانیاً در این هدف‌گذاری، با توجه به دورتر بودن حقوق مبادلاتی و بهره‌برداری از وضع مطلوب، باید سهم بیشتری به ترمیم شاخص‌های این بخش و اصلاح رویه‌های مرتبط با آن اختصاص یابد (از جمله افزایش بهره‌وری منابع و حقوق بین‌نسلی در منابع طبیعی)، این امر به معنای غفلت از ادامه بهبود شاخص‌های بازتوزیعی نیست.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. بیکر، ترز (۱۳۸۱). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، انتشارات سروش.
۴. پیله‌فروش، میثم (۱۳۸۴). «شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن مطالعه موردی: استان قزوین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۵. حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۵). *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، نشر آل علی (ع).
۶. حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۸). *حق و باطل در قرآن*، تهران، انتشارات بقیع.
۷. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). *روش تحقیق*، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور.
۸. خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۰). *مدینه عادلّه، مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. خانلو، سعیدمهدی (۱۳۹۲). «بررسی و طراحی شاخص‌های عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از درآمد با نگرش اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی.
۱۰. خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۸). «تدوین شاخص‌های نظارتی درخصوص سیاست‌های کلی بخش صنعت و معدن»، گزارش دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. خوشدست، فریبا (۱۳۹۰). «اندازه‌گیری عدالت اقتصادی در ایران پس از انقلاب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
۱۲. سیدنورانی، محمدرضا (۱۳۹۳). «ارزیابی روشی شاخص‌های فقر و نابرابری با تأکید بر حقوق اقتصادی در اسلام»، فصلنامه *مجلس و راهبرد*، ش ۷۷.
۱۳. سیدنورانی، محمدرضا و سیداحسان خاندوزی (۱۳۹۰). «نظام‌نامه حقوق اقتصادی در قرآن کریم»، فصلنامه *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۲.
۱۴. _____ (۱۳۹۱). «مبانی نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام»، فصلنامه *جستارهای اقتصادی*، ش ۱۷.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۷). *اقتصاد ما*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۶. عزتی، مرتضی (۱۳۹۰). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، کاربرد در زمینه مسائل اقتصادی، تهران، نشر نور علم.

۱۷. عیوضلو، حسین (۱۳۸۴). «ارائه شاخصه‌هایی برای ارزیابی عملکرد و تحلیل سیاست‌های توسعه در راستای تحقق هدف عدالت اجتماعی»، طرح تحقیقاتی، کمیسیون سیاست‌های کلان، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱۸. کریمی‌ریزی، مجید (۱۳۹۲). «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌های عدالت و کارایی در نظام بانکی مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران (استان اصفهان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).

19. Alkire, Sabina (2007). "The Missing Dimension of Poverty Data", OPHI Working paper, No.0, University of Oxford.

20. Atkinson, A. B. (2003). "Multidimensional Deprivation: Contrasting Social Welfare and Counting Approaches", *Journal of Economic Inequality*, 1(1).

21. Bandura, Romina (2006). *A Survey of Composite Indices Measuring Country Performance*, New York, UNDP Working Paper.

22. European Commission (2008). "Composit Indicators", at: <http://composite-indicators.jrc.ec.europa.eu/FAQ.htm>

23. Foster, J. and S. Alkire (2009). "Counting and Multidimensional Poverty Measurement", OPHI Working Paper, No.7.5, University of Oxford.

24. Haughton, Jonathan and Shahidur R. Khandker (2009). *Handbook on Poverty and Inequality*, Washington, World bank.

25. Klein, Philip and Geoffrey Moore (1982). The Leading Indicator Approach to Economic Forecasting, National Bureau of Economic Research, Working Paper 941.

26. OECD (2008). *Handbook on Constructing Composite Indicators*, Paris, OECD Publications.

27. Okoli, C. and S. D. Pawlowski (2004). "The Delphi Method as a Research Tool: an Example, Design Considerations and Applications", *Information and Management*, 42.

28. Sen, Amartya and Sudhir Anand (1997). "Concepts of Human Development and Poverty: a Multidimensional Perspective", UNDP, Human Development Papers.

29. ____ (2000). "The Income Component of Human Development Index", *Journal of Human Development*, Vol. 1, No. 1.

30. Sen, Amartya (1995). *Inequality Reexamined*, Cambridge, Harvard University Press.

31. ____ (1997). *On Economic Inequality with a Substantial Annexe with James Foster'after a Quarter Century'*, Oxford, Clarendon Press.

32. ____ (2000). "Social Justice and the Distribution of Income", *Handbook of Income Distribution*, Vol. 1, Ch.1.

تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر سلامت روانی در استان‌های ایران (۱۳۷۸-۱۳۹۱)

نادر مهرگان، * ثمینہ قاسمی فر، ** حسین سہرابی وفا *** و خسرو رشید ****

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۱۰	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۹/۱
------------------------	----------------------

جامعه سالم یکی از عوامل مؤثر در توسعه هر کشوری است. سلامت جامعه دارای ابعاد متنوع و گوناگونی است که سلامت روانی یکی از ابعاد مهم آن به شمار می‌آید. همچنین در هر جامعه‌ای ارتقای شاخص‌های سلامت روان منجر به بهبود بهره‌وری و افزایش بازدهی نیروی کار می‌شود. در این پژوهش شاخص سلامت روان به کمک سیستم استنتاج فازی براساس داده‌های ۳۰ استان کشور برای سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۱ برآورد شد و پرسشنامه‌ای منطبق با روش فازی و به کمک پنج عامل فردی - اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی تنظیم و توسط ۳۰ نفر از نخبگان روانشناس کشور تکمیل شد و در نهایت رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی بر شاخص سلامت روان به روش اقتصادسنجی پانل دیتا (۱۳۷۸-۱۳۹۱) برآورد شد. نتایج تحقیق ضمن تأیید وضعیت مطلوب تر استان‌های خراسان جنوبی و شمالی و وضعیت نامطلوب استان‌های فارس، تهران و اصفهان نشان می‌دهد که متغیر بیکاری، ضریب جینی، نرخ شهرنشینی و تورم رابطه معکوس و معناداری با سلامت روانی دارند و متغیر رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با شاخص سلامت روان دارد.

کلیدواژه‌ها: شاخص سلامت روان؛ بیکاری؛ تورم؛ ضریب جینی

* دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان؛

Email: mehregannader@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)؛

Email: saminehghasemifar@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری اقتصاد توسعه، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: sohrabivafa@gmail.com

**** استادیار دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان؛

Email: khosrorashid@basu.ac.ir

مقدمه

تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر سلامت روانی مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است که هدف آن بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی بر سلامت روان است (Coon and Mitterer, 2010: 45). امروزه در بیشتر کشورهای جهان، تغییرات مختلفی روی داده است که نتیجه این تغییرات، تحولات بی‌سابقه در ساختار اجتماعی آنهاست. صنعتی شدن، رشد سریع جمعیت، افزایش شهرنشینی، کاهش بعد خانوار، افزایش مهاجرت، افزایش سن ازدواج، گسترش ناامنی و موارد دیگری از این دست، برخی از این اتفاقات است که در تاریخ زندگی بشر بسیار کم سابقه است. به دنبال این تغییرات بنیادین، روز به روز بر استرس‌ها و مسائل و مشکلات روانی - اجتماعی جوامع افزوده شده و بیماری‌های روانی، در صدر عوامل ایجادکننده ناتوانی و مرگ‌های زودرس قرار گرفته‌اند (Murray and et al., 2001).

تاکنون تعاریف متعددی از سلامت روانی ارائه شده است، اما مطابق تعریف جامع سازمان جهانی بهداشت^۱ سلامت روانی عبارت است از «یک حالت فراگیر بهزیستی جسمانی، روانی و اجتماعی که تنها به معنای عدم وجود بیماری نیست». براین اساس، نقش سلامت روان در داشتن افراد سالم و جامعه سالم از اهمیت بالایی برخوردار است. گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد از بزرگسالان با مشکلات سلامت روانی، مواجه هستند و مطالعات نشان می‌دهد که اختلالات روانی و رفتاری در سال‌های اخیر شیوع روزافزونی داشته است (نوربالا، ۱۳۹۰). هرچند مشکلات روانی و رفتاری در پاره‌ای اوقات دارای ریشه‌های فردی مانند ژنتیک و خانواده است اما مطالعات نشان‌دهنده آن است که این مشکلات، از مؤلفه‌های محیطی به‌ویژه متغیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر فراوانی می‌پذیرند. مسائلی چون فقر، شکست در تحصیلات، زندگی در محیط فیزیکی نامناسب و سطح بالای بی‌اعتمادی و عدم امنیت در جامعه، از دست دادن کار، مهاجرت اجباری و نابرابری درآمد از جمله عوامل اجتماعی و اقتصادی هستند که آثار قابل توجهی بر سلامت روانی افراد می‌گذارند (Harpham, Grant and Rodriguez, 2003). با توجه به آنکه شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سلامت روانی افراد جامعه می‌تواند زمینه را برای پیشگیری

بسیاری از عواقب انسانی فراهم آورد، هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر شماری از این متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر سلامت روانی افراد است. در این پژوهش، فرضیه‌ها به صورت زیر مطرح شده است:

- نابرابری درآمد در جامعه، سلامت روانی را تضعیف می‌کند.

- رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی سلامت روانی را بهبود می‌بخشد.

- بیکاری، تورم و شهرنشینی رابطه منفی با شاخص سلامت روان دارند.

براساس آنچه در باب اهمیت سلامت روانی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن ذکر شد، این مطالعه به دنبال آن است تا تأثیر هر یک از عوامل مذکور را بر شاخص سلامت روانی برای ۳۰ استان ایران طی سال‌های (۱۳۷۸-۱۳۹۱) برآورد شود. روش برآورد به کار رفته در این مطالعه، روش فازی است و دلیل استفاده از این روش نیز مشکل فقدان آمار و اطلاعات در خصوص میزان سلامت روانی جامعه بوده است.

۱. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

از میان عوامل محیطی مؤثر بر سلامت روان، نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در سلامت روان افراد، بسیار حائز اهمیت است و در مطالعات مختلف مورد بررسی باور بر آن است که سلامت روانی تحت تأثیر جایگاه اجتماعی - اقتصادی (SES)^۱ است (تاسیک، ۱۳۸۶). ارتباط فراوان میان مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی با سلامت روانی سبب شده تا نظریات و تئوری‌های متفاوتی برای بیان رابطه عوامل اقتصادی و سلامت روان به صورت کلی مطرح شود. در ادامه ارتباط متغیرهای اقتصادی و اجتماعی با سلامت روانی تشریح می‌شود:

بیکاری یکی از اصلی‌ترین متغیرهایی است که با سلامت روان، رابطه مستقیم دارد و مطالعات مختلف نشان می‌دهد که عدم اشتغال با مشکلات جسمی و روانی مختلف مثل افسردگی، اضطراب و نرخ بالای خودکشی مرتبط است (Mikkonen and Raphael).

۱. جایگاه اجتماعی - اقتصادی (Socioeconomic Status) موقعیتی است که فرد در میان یک گروه دارد. یا به مرتبه اجتماعی - اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد.

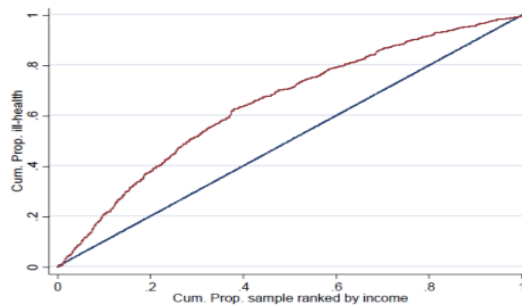
(2010; Ruhm, 2003). در زمینه اثرات روانشناختی بیکاری نظراتی ارائه شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نظریه کارکردی «جاهودا»،^۱ نظریه محدودیت عمل «فرایر»^۲ و تئوری مدل‌های مرحله‌ای، که تمامی این نظریات بر تأثیر منفی بیکاری روی سلامت روانی تأکید دارند. مطابق با نظریه جاهودا، داشتن کار یا شغل دارای دو عملکرد است؛ عملکرد آشکار که با داشتن درآمد مرتبط است و عملکرد ضمنی که با نیازهای روان‌شناسی ارتباط دارند. محرومیت از کار و حرفه (و همچنین تحصیل) سبب می‌شود که فرد هم از عملکرد آشکار و هم از عملکرد ضمنی شغل، بی‌بهره بماند (Jahoda, 1982). نظریه محدودیت عمل فرایر نیز بیان می‌کند که از دست دادن کار سبب محدود شدن منابع فردی می‌شود که پیامد آن به این صورت است که فرد آینده معناداری برای خود ترسیم نکند. بنابراین سلامت روانی آنها تقلیل می‌یابد (Fryer, 1986). در نهایت، مدل‌های مرحله‌ای نتایج روانی بیکاری در طول زمان را توصیف می‌کنند و نشان می‌دهند بیکاری با گذشت زمان سبب بدتر شدن سلامت روانی فرد می‌شود (Eisenberg and Lazarsfeld, 1938). تورم^۳ متغیر اقتصادی دیگری است که از دو مجرای استرس و بی‌اعتمادی بر سلامت روان اثر منفی دارد. تورم یکی از اساسی‌ترین معضلات اقتصادی هر کشور است و وجود تورم به معنای کاهش ارزش پول طی زمان است. این موضوع نوعی استرس و ترس از دست رفتن ثروت را ایجاد کرده و از طرف دیگر، هزینه‌های روانی تورم از بی‌اعتمادی مردم نسبت به ارزش پول ملی حکایت دارد و عدم احساس رضایت خاطر روانی ناشی از این ذهنیت است که تورم، حاصل کار آنها را هدر می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۴).

در زمینه ارتباط میان رشد اقتصادی و سلامت روان، می‌توان از نظریه U و وارون کوزنتس بهره برد. این منحنی بیان می‌دارد: در کشورهای در حال توسعه رابطه U و وارون بین رشد اقتصادی و شاخص‌های سلامت (به‌طور عام و شاخص‌های سلامت روان به‌طور خاص) وجود دارد (Costa-Font, Hernandez-Quevedo and Sato, 2013). به این معنا که با رشد اقتصادی، وضعیت سلامت (و سلامت روانی) جمعیت بهبود می‌یابد اما در سطوح

1. Jahoda
2. Fryer
3. Inflation

درآمدی بالاتر، افراد به سمت سبک زندگی ناسالم و پراسترس مثل رژیم غذایی پرچرب، تحرک فیزیکی کمتر و رانندگی پرشتاب، تمایل پیدا می‌کنند (Fayissa and Gutema, 2005).

نمودار ۱. منحنی کوزنتس سلامت



Source: Costa-Font, Hernandez-Quevedo and Sato, 2013.

برای حفظ سلامت روان، باید به توزیع درآمدها در جامعه نیز توجه داشت چرا که یکی از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده و تشدید کننده فقر، توزیع ناعادلانه درآمدها در بین افراد جامعه است (Knapp and Lemmi, 2014). براساس فرضیه درآمد نسبی (یا فرضیه ضعیف نابرابری درآمد) افرادی که در یک گروه نسبت به هم‌تایان خود محرومیت اقتصادی بیشتری را متحمل می‌شوند به میزان بیشتری از فقر سلامتی رنج می‌برند. درآمد نسبی پایین ممکن است به استرس و افسردگی منجر شوند. بعضی نظریات از این نیز فراتر رفته و براساس فرضیه قوی نابرابری درآمد بحث کرده‌اند که نابرابری درآمد ممکن است بر سلامت هر دو گروه هم ثروتمندان هم فقرا، احتمالاً از طریق سرمایه‌گذاری منفی بر سلامت عمومی، فرسایش سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی اثر بگذارد (پژویان و واعظی، ۱۳۹۰). در توضیح ارتباط سرمایه اجتماعی و سلامت روانی می‌توان از مدل‌های علی و تعاملی بهره گرفت. این مدل‌ها انواع ارتباطات بین سرمایه اجتماعی و سلامت روانی را شرح می‌دهند. برای مثال در مدل‌های سطح کلان، تغییرات در سازمان‌ها و ساختارهای جامعه برای بهبود وضع بهداشت، به خصوص بهداشت روانی مؤثر می‌دانند (Harpham and Mckenzie, 2006). در ادامه خلاصه مطالعات انجام شده در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

محقق	سال تحقیق	روش تحقیق	نتایج تحقیق
مارکوس ^۱	۲۰۱۳	پانل دیتا	اثر بیکاری را در سلامت روان کشور آلمان در طول دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲ مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان می‌دهد بیکاری منجر به کاهش سلامت روان و کاهش درآمد می‌شود که در دوره‌های بعدی تأثیر بسزایی در افزایش هزینه سلامت دارد.
نپ و امی ^۲	۲۰۱۴	کتابخانه‌ای	نتایج مطالعات آنها نشان داد که اشتغال و سطح تولید رابطه مثبتی با سلامت روان دارند اما فقر و بیکاری اثر منفی دارند. همچنین مشکلات اقتصادی ریسک ابتلا به اختلالات روانی را افزایش می‌دهند.
فیلیپس و نوگنت ^۳	۲۰۱۴	داده‌های مقطعی و سری زمانی	نتایج پژوهش نشان داد: بیکاری اثرات منفی مشابهی بر نرخ خودکشی زنان و مردان دارد. اما عوامل دیگر مانند درآمد سرانه و درصد خوداشتغالی اثری بر نرخ خودکشی و سلامت روانی فرد نداشته‌اند.
لیندستروم، فرید و روزوال ^۴	۲۰۱۴	روش پرسشنامه‌ای GHQ12 و مدل رگرسیون لجستیک	نتایج پژوهش آنها نشان داد فرضیه انباشتگی و تحرک اجتماعی رابطه استرس‌های اقتصادی دوران کودکی و بزرگسالی با سلامت روان ضعیف تأیید کرد ولی فرضیه دوره بحرانی این رابطه را تأیید نکرد.
آلبور و همکاران ^۵	۲۰۱۴	مدل لجستیک رگرسیون چندسطحی	این پژوهش نشان داد مادران با موقعیت بالا، زمانی که در محله‌هایی با هماهنگی اجتماعی اقتصادی زندگی می‌کنند، روابط دوستانه بهتر و سلامت روان بالاتری دارند.
تف ^۶	۲۰۱۱	مدل پانل	نتایج مدل اثرات ثابت نشان داد که رابطه مثبتی بین نرخ بیکاری و شاخص افسردگی وجود دارد از طرفی رابطه منفی بین دارندگان بیمه بیکاری و شاخص افسردگی و اضطراب وجود دارد.
محسنی چراغلو ^۷	۲۰۱۳	داده‌های پانل	نتایج پژوهش وی نشان داد در ایالات متحده

1. Marcus
2. Knapp and Iemmi
3. Phillips and Nugent
4. Lindström, Fridh and Rosvall
5. Albo and et al.
6. Teff
7. Mohseni-Cheraghlo

نایج تحقیق	روش تحقیق	سال تحقیق	محقق
نرخ‌های بالاتر بیکاری برای گروه سنی ۶۵-۳۵ سال با نرخ بالاتر خودکشی همراه است. به عبارت دیگر سلامت روانی افراد این گروه بیشتر تحت تأثیر شرایط کاری قرار دارد.			
در پژوهش خود این بحث را مطرح می‌کنند که برای آن دسته از کشورهایی که به محدودیت‌های رشد اقتصادی رسیده‌اند، کاهش نابرابری درآمد در جوامع یک استراتژی برای بهبود سلامت جمعیت است. آنها ایده مورد بحث را روی مجموعه داده‌هایی از ۱۴۰ کشور بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۸ آزمون کرده‌اند.	تخمین مقطعی و پنل	۲۰۱۳	آندریا پوپ ^۱ و همکاران
این مطالعه به‌طور خاصی ارتباط بین دو شاخص سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد فردی و سازمانی و وجود افسردگی و اختلال اضطراب را بررسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد تأثیر رکود اقتصادی روی سلامت روانی نمی‌تواند تنها به بهبود سرمایه اجتماعی متکی باشد بلکه به کاهش بار اقتصادی مربوط است در این شرایط به‌طور خاص با هر واحد افزایش در معیار اعتماد سازمانی، افسردگی حدود ۶ درصد کاهش می‌یابد.	مصاحبه‌های بالینی، پرسشنامه سازمان اجتماعی اروپا	۲۰۱۴	اکونومیو و همکاران ^۲
آنها در پژوهش خود نشان دادند در استان‌های با درآمد بالا رابطه قوی بین نابرابری درآمد و سلامت وجود دارد و به بیان دیگر فرضیه درآمد نسبی در این استان‌ها تأیید می‌شود. رابطه ضعیفی بین میانگین درآمد و سلامت وجود دارد.	رگرسیون داده‌های تلفیقی (پانل)	۱۳۹۰	پژویان و واعظی
در پژوهشی تحت عنوان «رابطه متغیرهای کلان اقتصادی با سلامت در ایران» بیان داشتند که سلامت و به‌طور جزئی سلامت روانی مستقل از متغیرهای کلان اقتصادی نیستند.	سری زمانی	۱۳۸۸	احمدی، غفاری و عمادی

1. Andreea P. and et al.
2. Economou and et al.

۲. روش پژوهش

در مدل ریاضی مورد تحلیل این مطالعه، سلامت روان به صورت تابعی از متغیرهای مؤثر بر آن بیان شده است. با توجه به آنچه بیان شد، مدل ریاضی مورد بررسی در این مطالعه به صورت زیر است:

$$Mh = f(RGDP, UN, INF, Gini, POP, SC, RC) \quad (1)$$

در رابطه ۱ Mh شاخص سلامت روان است که تابعی از $RGDP$ نرخ رشد اقتصادی، UN نرخ بیکاری، INF نرخ تورم، $Gini$ ضریب جینی و POP جمعیت، SC ، RC به ترتیب نرخ شهرنشینی و سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. در تدوین الگوی مورد برآورد این بررسی با استفاده از مبانی تئوریک و همچنین مدل‌های معمول به کار گرفته شده در مطالعات تجربی پیشین، سعی شده است که با توجه به بحث زیست‌محیطی کوزنتس الگویی اتخاذ شد که روابط بین متغیرها را به خوبی توصیف کند. لذا در برآورد مدل نهایی به روش پنل دیتا داریم:

$$MH = \alpha + \beta_1 RGDP + \beta_2 (RGDP)^2 + \beta_3 UN + \beta_4 INF + \beta_5 GINI + \beta_6 SC + \beta_7 RC + \varepsilon \quad (2)$$

MH : شاخص سلامت روان، UN نرخ بیکاری، INF نرخ تورم، $GINI$ ضریب جینی. $RGDP$: رشد اقتصادی محاسبه شده براساس تولید ناخالص داخلی سرانه (میلیارد ریال) به قیمت سال پایه ۱۳۸۳.

۳. سیستم استنتاج فازی

در این پژوهش شاخص سلامت روان استان‌ها به کمک سیستم استنتاج فازی و نظر خبرگان روانشناسی براساس داده‌های ۳۰ استان کشور از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۹۱ برآورد شد. برای نخستین بار در این مطالعه سلامت روان استان‌ها به صورت کمی اندازه‌گیری شد و برای این کار نظر خبرگان روانشناسی به کمک پرسشنامه طراحی شده مطابق با روش فازی^۱ جمع‌آوری شد. جامعه آماری در این پرسشنامه مدیران گروه روانشناسی دانشکده‌های روانشناسی، دانشگاه‌های روزانه دارای دانشجوی دکتری است که براساس

۱. پرسشنامه در قسمت پیوست قید شده است.

دفترچه آزمون سال ۱۳۹۳ حدود ۲۸ دانشکده بوده‌اند و نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده و براساس جدول مورگان (Morgan) با افزایش ضریب ۱/۰۷ در نهایت ۳۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از دونوع ابزار استفاده شد: ۱. پرسشنامه محقق ساخته: این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال در طیف لیکرت با هفت درجه تهیه شده است. برای تعیین روایی صوری پرسشنامه که یکی از مشتقات روایی محتوایی است از قضاوت متخصصان استفاده شد و نظرات آنان در تکمیل و اصلاح پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت که این کار توسط ۱۵ نفر از اساتید روانشناسی غیر از گروه نمونه، انجام گرفته است. پس از این مرحله تعدادی پرسشنامه جهت اجرای آزمایشی و رفع نواقص احتمالی بین نمونه محدودی از جامعه توزیع و با محاسبه آلفای کراباخ (۰/۷۲) پایایی آن تأیید شد. ۲. اسناد و مدارک: سالنامه‌های آماری از سال ۱۳۹۱-۱۳۷۸ و در نهایت تکمیل پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از نخبگان روانشناسی دانشگاه و بررسی نظرات آنان، اعتبار ظاهری پرسشنامه را تأیید کرد. در این مطالعه نتایج استانی ارائه شده است و با توجه به شاخص سلامت روان برآوردی مقایسه استان‌ها با یکدیگر قابل ارائه خواهد بود. در توضیح منطق فازی باید اشاره کرد که منطق فازی، نظریه‌ای برای اقدام در شرایط عدم قطعیت بوده و قادر به مدل‌سازی مفاهیم و متغیرهای نادقیق و مبهم است. در منطق فازی متغیرها به جای اعداد، کلمات هستند. اگرچه کلمات نسبت به اعداد از دقت کمتری برخوردارند، اما به درک بشر از محیط اطراف، بسیار نزدیک‌ترند (Zadeh, 1996). شاخص سلامت روان نیز یکی از مفاهیم مبهم، پیچیده و فازی است که برآورد آن به کمک منطق فازی و نظر خبرگان به واقعیت‌های موجود در جامعه نزدیک‌تر خواهد بود. منطق فازی بر مبنای مفاهیم مجموعه‌های فازی شکل گرفته است. مجموعه فازی مجموعه‌ای با مرزهای نامشخص است. در واقع اعضای آن می‌توانند به صورت جزئی در آن عضویت داشته باشند. استدلال در منطق فازی تعمیمی از منطق بولی است. اگر به گزاره درست مقدار یک و به گزاره نادرست مقدار صفر را نسبت دهیم، در منطق فازی می‌توان از مقادیر بین صفر تا یک استفاده کرد. مجموعه‌های فازی به‌عنوان مجموعه‌ای از زوج‌های مرتب به صورت زیر بیان می‌شوند:

$$A = \{(x, \mu_A(x)) \mid x \in X\} \quad (۳)$$

به گونه‌ای که $\mu_A(x)$ تابع عضویت متغیر x در مجموعه A است. در این رویکرد نحوه نگاشت هر نقطه از فضای ورودی را به یک مقدار عضویت بین صفر تا یک تابع عضویت^۱ نامیده می‌شود. تنها شرطی که تابع عضویت باید ارضا کند این است که خروجی آن باید بین صفر و یک باشد. تاکنون انواع مختلفی از توابع عضویت ارائه شده است که در این بین توابع عضویت مثلثی و گاوسی از پرکاربردترین آنان به‌شمار می‌روند. در این مطالعه جهت ایجاد پایگاه دانش و اعمال نظر خبرگان در سیستم از تابع عضویت گاوسی استفاده شده است که با دو پارامتر c و σ تعریف می‌شود:

$$\mu_{A_i} = \exp\left(-\frac{(c_i - x)^2}{2\sigma_i^2}\right) \quad (۴)$$

در فرموله کردن دستورات شرطی منطق فازی از قواعد «اگر - آنگاه» استفاده می‌شود. این قواعد شامل یک یا چند فرض و یک نتیجه است. در مطالعه حاضر مقادیر مختلف فازی شده عوامل مؤثر بر شاخص سلامت روان به‌عنوان متغیرهای قسمت فرض و شاخص سلامت روان به‌عنوان متغیر قسمت نتیجه در نظر گرفته می‌شود. به‌منظور فازی‌سازی متغیرها در مرحله اول برای هر یک از متغیرهای ورودی عبارات زبانی کم (L) و زیاد (H) و نیز برای شاخص سلامت روان عبارت زبانی خیلی خیلی کم (VVL)، خیلی کم (VL)، متوسط (M)، زیاد (H)، خیلی زیاد (VH) و خیلی خیلی زیاد (VVH) استفاده شده است. برای مثال پس از جمع‌آوری نتایج پرسشنامه‌ها یکی از نظرات غالب خبرگان به‌صورت زیر حاصل شد:

$$\begin{aligned} & \text{if } x_1 \text{ is } H \text{ and } x_2 \text{ is } H \text{ and } x_3 \text{ is } L \\ & \text{and } x_4 \text{ is } L \text{ and } x_5 \text{ is } L \text{ then } y \text{ is } VVH \end{aligned} \quad (۵)$$

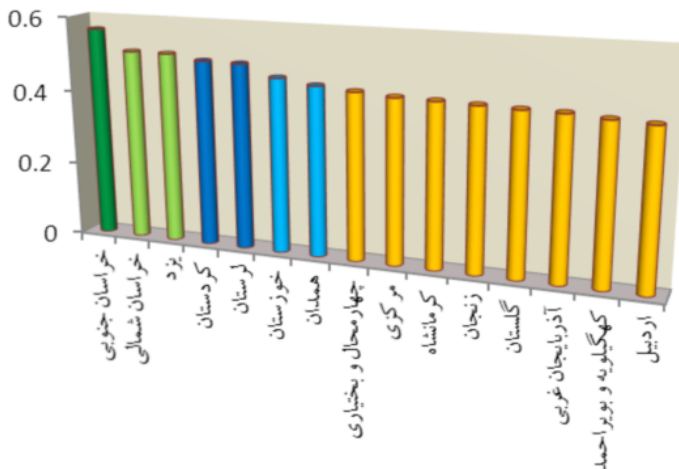
در رابطه فوق x_1 تا x_5 به‌ترتیب نماد متغیرهای ازدواج، تحصیلات عالی، طلاق، خودکشی و سرقت بوده و y نشان‌دهنده شاخص سلامت روان جامعه است. سیستم فازی مورد استفاده در این پژوهش، سیستم استنتاج فازی ممدانی است که در آن پس از تعیین

توابع عضویت فازی برای هریک از عبارات زبانی مربوط به متغیرهای ورودی و متغیر خروجی، پایگاه قواعد مبتنی بر دانش خبره ایجاد می‌شود. دانش خبره در این مطالعه به کمک پرسشنامه و نظرسنجی از خبرگان روانشناسی مناطق مختلف کشور ساخته شده است. در سیستم استنتاج فازی مورد استفاده در بخش فرض از عملگر (min) AND و در بخش نتیجه از عملگر جمع (max) استفاده شده است و جهت دستیابی به یک شاخص غیرفازی از روش غیرفازی سازی مرکز سطح براساس رابطه زیر استفاده شده است (Jang, 1993):

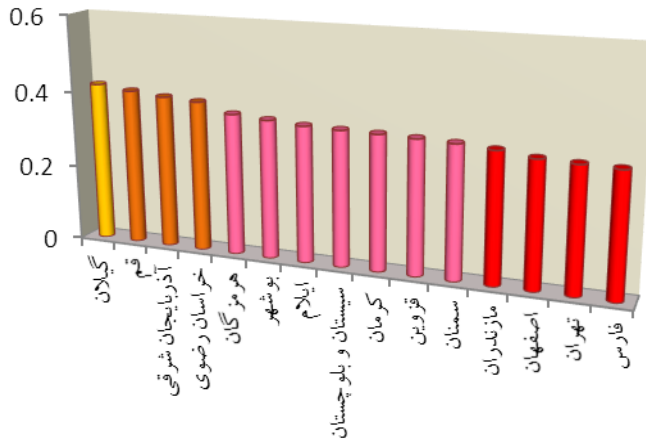
$$y^* = \frac{\int \mu_i(y) \cdot y \, dy}{\int \mu_i(y) \, dy} \quad (6)$$

کلیه مراحل به منظور برآورد شاخص سلامت روان و مدل سازی سیستم استنتاج فازی ممدانی در محیط نرم افزار MATLAB2014b انجام شده است. نمودار ۲ و ۳ شاخص سلامت روانی برآورد شده را در استان‌های ایران براساس نتایج پژوهش نشان می‌دهد. توجه به این نکته ضروری است که این شاخص، سلامت روانی را با توجه به پنج عامل مؤثر بر آن از جمله طلاق، خودکشی، تحصیلات عالی، ازدواج، سرقت برآورد می‌کند.

نمودار ۲. نمودار شاخص سلامت روان ۱۵ استان با شاخص بالاتر برای سال ۱۳۹۱ (نتایج تحقیق)



نمودار ۳. شاخص سلامت روان ۱۵ استان با شاخص پایین تر برای سال ۱۳۹۱



یافته‌ها (محاسبه شده براساس داده‌های پایگاه نشریات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱) نشان می‌دهد استان تهران در میان ۳۰ استان دارای بالاترین نرخ خودکشی حدود ۰/۲۵ و بالاترین نرخ سرقت ۰/۴۸ و بالاترین نرخ طلاق ۰/۱۹ است. همچنین استان‌های اصفهان و فارس هم از نرخ خودکشی بالایی برخوردارند و جزو ۱۰ استان با بالاترین نرخ سرقت محسوب می‌شوند. شاخص سلامت روانی با توجه به آمار و داده‌های عوامل منفی تأثیرگذار بر سلامت روانی مانند طلاق، خودکشی و سرقت و عواملی با تأثیرگذاری مثبت از جمله تحصیلات و ازدواج محاسبه شده‌اند. استان‌هایی با شاخص سلامت روانی پایین نرخ‌هایی تقریباً مشابه از این پنج متغیر مؤثر بر سلامت روانی در سال ۱۳۹۱ را دارا می‌باشند. در جمع‌آوری داده‌های تخمین مدل پانل، سعی شده است تا گردآوری داده‌ها تا حد ممکن از یک منبع اطلاعاتی به‌دست آید، تا احتمال تفاوت در داده‌ها و اشتباه در تخمین، حداقل شود. اطلاعات مزبور به‌صورت پانل از سال ۱۳۷۸-۱۳۹۱ برای ۳۰ استان کشور است. منبع اصلی مورد استفاده برای داده‌های کلان اقتصادی و داده‌های مربوط به برآورد شاخص سلامت روان، اطلاعات و ارقام منتشر شده از سوی پایگاه نشریات مرکز آمار ایران است. ضریب جینی با استفاده از هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی سالانه خانوار در دهک‌های مختلف در آمدی و به کمک نرم‌افزار متلب محاسبه شده است. متغیر

سرمایه اجتماعی از مقاله برآورد سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران به‌دست آمده است (مهرگان و دلیری، ۱۳۹۱). متغیر نرخ شهرنشینی هم از تقسیم جمعیت ساکن در شهرها بر کل جمعیت برای تمامی استان‌های کشور به‌دست آمده است.

۴. تخمین مدل

به‌منظور تخمین مدل‌ها، از روش اقتصادسنجی پانل دیتا در جهت تعیین اثر متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی بر شاخص سلامت روان استفاده و بدین منظور از نرم‌افزار Eviews کمک گرفته شده است. اما قبل از تخمین مدل به روش پانل دیتا لازم است مانایی متغیرها بررسی شود. چنانچه نتوان پایایی متغیرها را اثبات کرد، نتایج تخمین قابل اعتماد نبوده و این مسئله به رگرسیون کاذب منتهی می‌شود. برای این منظور، با استفاده از آزمون لوین - لین تلاش می‌شود وضعیت مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. در آزمون لوین - لین فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد است و فرضیه مقابل آن بیانگر مانایی متغیرهاست. چنانچه P-Value کمتر از ۰/۰۵ باشد، با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر رد شده و متغیر مورد بررسی ماناست. همان‌طور که از جدول ۲ پیداست تمامی متغیرها مانا هستند. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن در جدول ۳ انعکاس یافته است. نتایج جدول بیانگر رد شدن فرضیه صفر و وجود ناهمگنی مقاطع در سطح ۵ درصد است و در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل است. همچنین نتایج آزمون هاسمن بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد نشده و اثر ثابت برای برآورد مدل مناسب است.

جدول ۲. بررسی مانایی متغیرها با استفاده از آزمون LLC

نتیجه	احتمال	آماره	متغیر	عرض از مبدأ	روند
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۰۰۰	-۶/۵۷۰۷	Py	✓	✓
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۰۰۰	-۸/۳۴۷۹	Lpy	✓	x
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۰۰۰	-۸/۶۷۷۲	GINI	✓	x
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۱۳۸۲	UN	✓	x
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۰۰۰	-۴/۵۵۵۷	INF	✓	x

نتیجه	احتمال	آماره	متغیر	عرض از مبدأ	روند
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۰۰۰	-۶/۶۴۰۴	SC	✓	x
مانا در سطح ۱٪	۰/۰۱۷۸	-۲/۱۰۱۰	RC	✓	x

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن و F لیمر برای مدل

نتیجه	Prob	آماره آزمون	نوع آزمون
برآورد به روش پانل	۰/۰۰	F = ۶/۹۵	F لیمر
برآورد با اثرات ثابت	۰/۰۰	$\chi^2 = ۳۵/۵۸$	هاسمن

نتایج برآورد مدل با استفاده از روش پانل دیتا برای ۳۰ استان کشور طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۷۸ در جدول ۴ منعکس شده است. نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده این است که ضرایب متغیرهای مستقل، از نظر آماری معنادار بوده و آماره F معناداری کل رگرسیون را تأیید می‌کند. از سوی دیگر R^2 بیان می‌کند که ۷۰ درصد تغییرات در متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل مدل قابل توضیح است. نتایج برآورد به روش داده‌های ترکیبی نشان داده است که رشد اقتصادی با شاخص سلامت روان رابطه مستقیم دارد و ضریب آن در مدل به صورت مثبت (۰/۱۴) ظاهر شده است که از معناداری بالایی نیز برخوردار است. همچنین ضریب مجذور رشد در مدل با علامت منفی (-۰/۰۰۹) و معناداری بالا ظاهر گشته که بیانگر این است که مطابق منحنی کوزنتس سلامت رابطه U وارون بین رشد اقتصادی و سلامت روانی وجود دارد. ضریب به دست آمده برای متغیر ضریب جینی بیانگر آن است که همراه با افزایش نابرابری باید شاهد کاهش سلامت روانی بیشتری در کشور بود. به طور جامع این واقعیت قابل درک است که بالا رفتن نابرابری درآمد، شاخص سلامت روانی را کاهش می‌دهد؛ البته با توجه به فرضیه درآمد نسبی ویلکینسون^۱ این نتیجه تأیید می‌شود. یافته‌های تجربی نیز اثرات منفی نابرابری درآمد روی سلامت و به‌ویژه سلامت روانی را تأیید می‌کند.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل به روش پانل دیتا

متغیر	ضریب	آماره t
C	-۱/۴۴	-۵/۰۷
RGDP	۰/۱۴	۲/۵۵
(RGDP)²	-۰/۰۰۹	-۳/۱۷
un	-۰/۰۰۴	-۲/۹۷
Gini	-۰/۱۳	-۱/۷۰
Inf	-۰/۰۲	-۳/۴۲
Sc	۰/۰۰۳۹	۶
Rc	-۰/۱۶	-۲/۶۶
آماره‌های رگرسیون	R² = ۰/۷۰	F = ۲۴/۱۳
		Prob = ۰/۰۰

همچنین ضریب به دست آمده برای نرخ بیکاری منفی و معنادار $-۰/۰۰۴$ است؛ یعنی همراه با افزایش بیکاری، شاخص سلامت روانی کاهش می‌یابد. وجود این ارتباط که بیکاری بیشتر، کاهش سلامت روانی را به همراه دارد در مطالعات قبلی (Mikkonen and Raphael, 2010; Stamm and Kirkwood, 2012) به اثبات رسیده است. همچنین این نتیجه، فرضیه کارکردی جاهودا، نظریه محدودیت عمل فرایر در حوزه روانشناسی مبنی بر اثرات منفی بیکاری بر سلامت روانی را تأیید می‌کند. ضریب متغیر تورم هم از اثر منفی تورم بر سلامت روانی حکایت دارد. در دنیای واقعی این نکته به‌طور واضح قابل درک است عدم احساس رضایت خاطر روانی ناشی از این ذهنیت است که تورم، حاصل کار آنها را هدر می‌دهد. در یک محیط تورمی شدید (همراه با بیکاری) میزان سرقت، جرم، جنایت و مشکلات اخلاقی به‌سرعت بالا می‌رود (کریمی، ۱۳۸۴). واقعیت‌ها گویای این مطلب است که با افزایش تورم و فشار آن در سال‌های اخیر سلامت و به‌ویژه سلامت روانی جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نرخ شهرنشینی در جامعه ایران سلامت روانی افراد جامعه را کاهش می‌دهد زیرا، شهرنشینی با مشکلات محیطی مثل آلودگی، استرس و ازدحام جمعیت و محدودیت استفاده از خدمات عمومی شهری همراه می‌شود این نتیجه با

توجه به رشد روزافزون شهرنشینی به خصوص ازدحام جمعیت در کلان شهرهای ایران تأیید می‌شود. متغیر سرمایه اجتماعی هم مطابق انتظارات نظری اثر مثبت و معناداری روی سلامت روانی دارد که ضریب آن ۰/۰۳۹ است. این نتیجه نیز مطابق نتایج مدل‌های علی و تعاملی در سطح خرد و کلان و میانه است.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس مباحث نظری انتظار می‌رود که بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرات معناداری بر شاخص‌های سلامت روان داشته باشند. مطالعات تجربی انجام شده جهت آزمون این فرضیات نیز مباحث نظری مذکور را تأیید کرده‌اند. با توجه به فقدان مطالعه‌ای که رابطه مجموعه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی را بر سلامت روان بررسی کرده باشند، در مطالعه حاضر، با مروری بر مباحث نظری ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی با سلامت روان، مورد آزمون قرار گرفت.

نتایج به‌دست آمده از این پژوهش گویای این مطلب است که می‌توان مدعی شد، رشد اقتصادی و سلامت روانی با هم در ارتباط بوده؛ به گونه‌ای که همراه با رشد اقتصادی سلامت روانی افزایش یافته و پس از رسیدن به یک نقطه عطف سلامت روانی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، این همان رابطه U وارون کوزنتس است. در توجیه این موضوع، کشورهای درحال توسعه فرض اصلی این است که سلامت جمعیت با رشد و توسعه اقتصادی بهبود پیدا می‌کند. این اصلاحات توسط افزایش استانداردهای زندگی از جمله بهبود دسترسی به فرصت‌های آموزشی و خدمات بهداشتی و درمانی صورت می‌گیرد اما پس از رسیدن به یک نقطه عطف، مواردی مانند رشد شهرنشینی و زندگی پراسترس، ترافیک، تبعات منفی ازدحام جمعیت در شهرها و ... آغاز می‌شود و سلامت روانی کاهش می‌یابد (Gangadharan and Valenzuel, 2001). از دیگر نتایج به‌دست آمده در این تحقیق ارتباط منفی متغیر ضریب جینی با شاخص سلامت روانی است. ضریب جینی به‌عنوان یکی از شاخص‌های نابرابری اقتصادی، به‌طور معناداری، دارای تأثیر منفی بر شاخص سلامت روانی است و نتایج مطالعات دیگر را تأیید می‌کند که خود تأییدی بر فرضیه درآمد نسبی

ویلیکینسون است. براساس فرضیه درآمد نسبی (یا فرضیه ضعیف نابرابری درآمد) افرادی که در یک گروه نسبت به هم طبقه‌های خود بیشتر محرومیت اقتصادی دارند، بیشتر محتمل فقر سلامت روانی هستند. درآمد نسبی پایین ممکن است به استرس و افسردگی منجر شود. همچنین ارتباط منفی متغیرهای بیکاری مطابق با نظریات روانشناسی و اقتصاد در جامعه ایران تأیید شد در واقع بیکاری منجر به تخریب سلامت روانی می‌شود. افراد فقیر با از دست دادن کار نه فقط از نظر اقتصادی بلکه به لحاظ روانی نیز دچار آسیب می‌شوند. نتایج دو متغیر نرخ شهرنشینی و سرمایه اجتماعی نیز مطابق با انتظارات تئوریک است.

با توجه به مطالب، می‌توان گفت سلامت روانی مستقل از متغیرهای کلان اقتصادی نیست و شواهد بسیاری گویای این حقیقت است که مشکلات اقتصادی ریسک ابتلا به بیماری‌های روانی را افزایش می‌دهد و همچنین خطر ابتلا به اختلالات روانی برای کشوری با تجربه رکود طولانی مدت رو به رشد است. بیکار شدن و بیکار ماندن برای مدت زمان طولانی، تجربه افت درآمد و مشکلات مسکن همه منجر به کاهش سلامت روان، سو مصرف مواد مخدر، انزوای اجتماعی بیشتر، سلامت جسمانی بدتر می‌شود (Knapp and Iemmi, 2014).

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در بین چهار متغیر اقتصادی دیگر بیشترین تأثیر را بر شاخص سلامت روانی دارند. بنابراین نخست می‌بایست اقدامات و سیاست‌های ضروری جهت بهبود و ثبات رشد اقتصادی در کشور صورت گیرد. سپس به سیاستگذاران توصیه می‌شود که توجه و تلاش خود را به مناطقی از کشور با بالاترین نابرابری درآمد معطوف کنند. در نهایت با توجه به تأثیرات منفی تورم و بیکاری بر سلامت روانی دولت می‌بایست با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های خود همواره در جهت کاهش بیکاری و تورم گام بردارد تا زمینه برای بهبود سلامت روانی در جامعه مهیا شود. از طرفی با توجه به نتایج مربوط به متغیر شهرنشینی سیاستگذاران باید توجه ویژه‌ای به کاهش تراکم جمعیت در کلان شهرها خصوصاً شهر تهران مبذول کنند، تا از این طریق به بهبود سلامت روان کمک نمایند.

شاخص سلامت روان برآورد شده استان‌های کشور طی ۱۳۸۴-۱۳۷۸

استان	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
آذربایجان شرقی	۰/۴۲۴	۰/۵۸۴	۰/۴۹۹	۰/۳۸۰	۰/۴۲۸	۰/۴۰۷	۰/۵۶۶
آذربایجان غربی	۰/۴۹۳	۰/۴۰۸	۰/۳۷۲	۰/۴۱۰	۰/۴۱۳	۰/۵۴۵	۰/۵۶۹
اردبیل	۰/۵۰۰	۰/۵۲۳	۰/۵۰۸	۰/۴۶۰	۰/۴۴۷	۰/۳۷۱	۰/۴۰۳
اصفهان	۰/۴۲۰	۰/۴۴۳	۰/۴۰۴	۰/۴۲۰	۰/۴۶۵	۰/۳۶۰	۰/۴۶۴
ایلام	۰/۴۸۲	۰/۴۸۱	۰/۴۷۵	۰/۴۹۰	۰/۴۷۵	۰/۳۴۷	۰/۳۶۲
بوشهر	۰/۵۰۲	۰/۴۹۸	۰/۴۶۳	۰/۳۹۰	۰/۴۲۴	۰/۴۳۶	۰/۴۸۱
تهران	۰/۴۹۹	۰/۵۱۷	۰/۵۷۰	۰/۵۴۰	۰/۴۲۶	۰/۳۸۴	۰/۳۸۲
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۱۶	۰/۳۴۷	۰/۴۵۲	۰/۴۲۰	۰/۳۸۰	۰/۴۱۳	۰/۴۳۴
خراسان جنوبی	۰/۶۷۴	۰/۶۷۷	۰/۵۷۷	۰/۵۶۰	۰/۵۷۹	۰/۶۱۶	۰/۴۸۴
خراسان رضوی	۰/۵۳۳	۰/۴۲۱	۰/۳۴۳	۰/۳۱۰	۰/۳۳۵	۰/۳۳۶	۰/۵۳۹
خراسان شمالی	۰/۶۲۸	۰/۶۵۰	۰/۵۵۱	۰/۵۳۰	۰/۵۲۴	۰/۴۱۸	۰/۳۸۹
خوزستان	۰/۳۳۴	۰/۴۵۹	۰/۳۸۳	۰/۳۵۰	۰/۴۹۹	۰/۳۳۵	۰/۳۹۵
زنجان	۰/۴۱۶	۰/۴۸۷	۰/۳۰۲	۰/۳۹۰	۰/۵۶۱	۰/۳۳۵	۰/۵۲۸
سمنان	۰/۴۳۸	۰/۶۶۲	۰/۶۴۴	۰/۵۷۰	۰/۵۳۷	۰/۴۶۳	۰/۴۲۲
سیستان و بلوچستان	۰/۳۳۶	۰/۵۰۰	۰/۴۷۶	۰/۳۹۰	۰/۴۰۳	۰/۴۲۱	۰/۴۰۴
فارس	۰/۴۰۱	۰/۵۰۱	۰/۴۱۰	۰/۴۳۸	۰/۴۷۶	۰/۳۹۵	۰/۴۲۰
قزوین	۰/۴۰۱	۰/۴۰۲	۰/۳۹۶	۰/۳۹۰	۰/۴۷۸	۰/۴۷۲	۰/۴۸۴
قم	۰/۴۱۸	۰/۴۳۴	۰/۴۶۲	۰/۴۲۱	۰/۴۰۳	۰/۴۴۳	۰/۴۲۵
کردستان	۰/۴۶۰	۰/۴۷۵	۰/۴۹۶	۰/۵۹۳	۰/۶۱۹	۰/۴۸۷	۰/۵۹۷
کرمان	۰/۴۱۷	۰/۳۶۴	۰/۳۰۷	۰/۳۶۴	۰/۴۱۳	۰/۴۶۹	۰/۵۰۹
کرمانشاه	۰/۴۷۵	۰/۴۷۴	۰/۵۱۵	۰/۴۷۷	۰/۵۳۲	۰/۵۰۷	۰/۵۷۳
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۴۳۷	۰/۴۱۷	۰/۴۷۹	۰/۵۰۳	۰/۵۳۰	۰/۴۱۵	۰/۴۰۸
گلستان	۰/۵۰۰	۰/۵۰۱	۰/۳۹۶	۰/۴۴۴	۰/۳۷۹	۰/۳۵۱	۰/۴۶۸
گیلان	۰/۶۲۲	۰/۶۲۱	۰/۵۴۷	۰/۵۹۵	۰/۶۴۵	۰/۴۹۵	۰/۶۱۳
لرستان	۰/۴۹۸	۰/۴۱۴	۰/۳۳۲	۰/۴۱۹	۰/۳۹۶	۰/۴۲۶	۰/۵۱۲
مازندران	۰/۴۵۹	۰/۵۴۷	۰/۴۹۱	۰/۴۹۹	۰/۵۳۵	۰/۴۱۷	۰/۴۵۵
مرکزی	۰/۴۵۶	۰/۵۸۰	۰/۳۶۷	۰/۴۵۶	۰/۴۶۶	۰/۴۰۴	۰/۴۰۳
هرمزگان	۰/۵۰۴	۰/۴۹۲	۰/۳۹۹	۰/۳۵۷	۰/۳۳۸	۰/۳۳۴	۰/۳۲۰
همدان	۰/۴۸۵	۰/۴۵۰	۰/۳۴۳	۰/۴۲۹	۰/۳۹۷	۰/۳۵۴	۰/۴۶۹
یزد	۰/۴۱۹	۰/۵۰۸	۰/۴۱۴	۰/۴۱۳	۰/۴۸۳	۰/۴۱۳	۰/۴۹۹

تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر سلامت روانی در استان‌های ایران ... _____ ۱۰۳

شاخص سلامت روان برآورد شده استان‌های کشور طی ۱۳۸۵-۱۳۹۱

استان	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
آذربایجان شرقی	۰/۵۴۱	۰/۵۶۲	۰/۶۰۹	۰/۵۱۱	۰/۵۱۷	۰/۵۱۰	۰/۳۹۶
آذربایجان غربی	۰/۵۶۳	۰/۵۶۶	۰/۶۱۸	۰/۴۵۳	۰/۵۲۷	۰/۵۱۰	۰/۴۳۰
اردبیل	۰/۳۹۳	۰/۵۵۵	۰/۵۶۸	۰/۴۳۷	۰/۵۷۲	۰/۵۷۹	۰/۴۱۹
اصفهان	۰/۴۵۲	۰/۴۶۳	۰/۴۹۶	۰/۳۴۷	۰/۳۷۷	۰/۳۵۲	۰/۳۲۴
ایلام	۰/۴۷۹	۰/۶۲۳	۰/۵۴۰	۰/۴۴۹	۰/۵۸۷	۰/۴۴۲	۰/۳۵۳
بوشهر	۰/۵۳۹	۰/۵۶۸	۰/۵۳۱	۰/۳۹۳	۰/۴۳۸	۰/۵۱۰	۰/۳۵۹
تهران	۰/۴۱۰	۰/۴۵۹	۰/۵۴۱	۰/۴۳۰	۰/۳۷۱	۰/۳۸۱	۰/۳۲۱
چهارمحال و بختیاری	۰/۵۲۲	۰/۵۸۱	۰/۶۲۸	۰/۴۵۸	۰/۶۰۰	۰/۵۲۷	۰/۴۴۵
خراسان جنوبی	۰/۵۴۴	۰/۴۳۰	۰/۳۹۷	۰/۲۹۳	۰/۵۶۱	۰/۵۹۳	۰/۵۶۵
خراسان رضوی	۰/۴۹۱	۰/۵۸۱	۰/۵۸۹	۰/۵۸۲	۰/۵۰۰	۰/۴۹۰	۰/۳۹۱
خراسان شمالی	۰/۴۷۹	۰/۵۵۵	۰/۵۷۲	۰/۴۷۳	۰/۴۹۱	۰/۵۱۶	۰/۵۱۰
خوزستان	۰/۴۶۷	۰/۶۱۷	۰/۵۶۱	۰/۴۶۴	۰/۵۳۴	۰/۵۳۳	۰/۴۶۶
زنجان	۰/۴۸۵	۰/۵۷۲	۰/۴۸۹	۰/۴۹۸	۰/۴۰۱	۰/۴۸۴	۰/۴۳۴
سمنان	۰/۵۳۳	۰/۵۷۵	۰/۵۷۴	۰/۴۶۹	۰/۴۷۴	۰/۴۷۱	۰/۳۴۳
سیستان و بلوچستان	۰/۳۸۳	۰/۴۲۲	۰/۴۳۱	۰/۳۴۲	۰/۳۹۶	۰/۳۶۹	۰/۳۵۰
فارس	۰/۴۰۵	۰/۵۴۵	۰/۵۹۲	۰/۵۱۱	۰/۴۸۶	۰/۳۸۴	۰/۳۱۸
قزوین	۰/۵۷۶	۰/۴۸۱	۰/۴۴۰	۰/۴۷۸	۰/۳۵۳	۰/۵۳۰	۰/۳۴۶
قم	۰/۴۸۱	۰/۴۹۱	۰/۵۵۹	۰/۴۴۴	۰/۴۲۲	۰/۵۵۶	۰/۴۰۵
کردستان	۰/۵۶۸	۰/۳۹۴	۰/۵۹۹	۰/۴۸۲	۰/۵۰۶	۰/۵۲۳	۰/۴۹۷
کرمان	۰/۵۵۱	۰/۵۹۱	۰/۵۴۶	۰/۵۰۸	۰/۴۹۱	۰/۵۱۰	۰/۳۴۹
کرمانشاه	۰/۵۵۱	۰/۵۵۹	۰/۵۶۹	۰/۵۰۱	۰/۵۱۰	۰/۵۱۵	۰/۴۳۶
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۹۵	۰/۵۶۱	۰/۵۸۱	۰/۵۵۰	۰/۵۹۹	۰/۵۰۰	۰/۴۲۳
گلستان	۰/۴۶۲	۰/۵۴۸	۰/۵۴۷	۰/۳۸۱	۰/۴۷۱	۰/۴۳۲	۰/۴۳۱
گیلان	۰/۵۶۱	۰/۴۸۵	۰/۵۷۴	۰/۳۳۶	۰/۴۴۴	۰/۵۲۳	۰/۴۱۵
لرستان	۰/۵۰۷	۰/۴۹۱	۰/۴۸۰	۰/۴۳۱	۰/۴۲۰	۰/۵۸۲	۰/۴۹۶
مازندران	۰/۴۶۰	۰/۵۷۵	۰/۶۰۰	۰/۴۶۲	۰/۴۳۲	۰/۴۲۹	۰/۳۳۶
مرکزی	۰/۴۷۳	۰/۵۷۹	۰/۶۰۶	۰/۴۹۴	۰/۵۸۴	۰/۵۹۷	۰/۴۳۸
هرمزگان	۰/۳۹۲	۰/۴۸۶	۰/۴۹۶	۰/۳۸۱	۰/۴۸۶	۰/۴۲۵	۰/۳۶۶
همدان	۰/۴۸۱	۰/۵۹۰	۰/۶۲۷	۰/۵۱۱	۰/۴۷۴	۰/۵۰۸	۰/۴۵۳
یزد	۰/۶۲۳	۰/۵۷۸	۰/۴۸۴	۰/۵۱۱	۰/۳۹۴	۰/۴۱۰	۰/۵۱۰

نمونه پرسشنامه طراحی شده منطبق با روش منطق فازی^۱

<p>واژه‌ها: این پرسش نامه شامل ۳۲ سؤال با پاسخ‌های بسیار کوتاه است. در هر ردیف دو جای خالی جهت تعیین وضعیت سلامت یا مقدار پرگسته ۱ تا ۱۰ (۱- خیلی خیلی بد، ۲- خیلی بد، ۳- بد، ۴- متوسط، ۵- خوب، ۶- خیلی خوب و ۷- خیلی خیلی خوب) و میزان اطمینان شما پرسش‌شونده گرامس به پاسخ تان رابا درصدی، از صفر درصد تا ۱۰۰ درصد تعیین کنید (۱۰۰ درصد کاملاً به پاسخ مطمئن هستم، صفر درصد اصلاً مطمئن نیستم) وجود دارد اولین سؤال با عنوان نمونه برای آشنایی شما با نحوه‌ی پاسخ گویی به سؤالات، پاسخ داده شده است.</p>								
بیزان اطمینان شما ز درصد تا ۱۰ درصد	وضعیت سلامت روان جامه یکی از اعداد... ۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۰۰۰۰ ۰۰ دارند	عواملی که رابطه‌ی منفی با سلامت روانی دارند			عواملی که رابطه‌ی مثبتی با سلامت روانی جامعه دارند	نمره	
		پس	بیزان سرقت	ترخ خودکنشی	ترخ طلاق	تحصیلات دانشگاهی	ترخ ازدواج	آگر
	بنا بر این وضعیت سلامت جامعه از نظر اینتخاب خیلی خیلی بد (۱) خواهد بود.	پس	زیاد	زیاد	زیاد	کم	کم	نمونه
		پس	زیاد	زیاد	زیاد	کم	کم	۱
		پس	کم	زیاد	زیاد	کم	کم	۲
		پس	زیاد	کم	زیاد	کم	کم	۳
		پس	کم	کم	زیاد	کم	کم	۴
		پس	زیاد	زیاد	کم	کم	کم	۵
		پس	کم	زیاد	کم	کم	کم	۶
		پس	زیاد	کم	کم	کم	کم	۷
		پس	کم	کم	کم	کم	کم	۸
		پس	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد	کم	۹
		پس	کم	زیاد	زیاد	زیاد	کم	۱۰
		پس	زیاد	کم	زیاد	زیاد	کم	۱۱
		پس	کم	کم	زیاد	زیاد	کم	۱۲

۱. لازم به یادآوری است پرسشنامه مذکور شامل ۳۲ سؤال است که در هر سؤال ترکیب کم و زیاد برای هر پنج متغیر متفاوت از سؤال قبلی است و با این تغییر ترکیبات تنها ۳۲ سؤال می‌توان مطرح کرد. به‌طور طبیعی با افزایش تعداد عوامل مؤثر بر سلامت روانی تعداد سؤالات پرسشنامه نیز افزایش می‌یابد. اما در این پژوهش تنها پنج عامل در نظر گرفته شده است چرا که با این تعداد سؤالات پاسخ‌دهنده راغب به پاسخ‌گویی به سؤالات پرسشنامه است.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، علی محمد، حسن محمدغفاری و سیدجواد عمادی (۱۳۸۸). «رابطه متغیرهای کلان اقتصادی با سلامت در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۹).
۲. پژوهشگران، جمشید و ویدا واعظی (۱۳۹۰). «ارتباط بین شاخص توزیع درآمد و شاخص سلامت در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۲).
۳. تاسیک، مارک (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی بیماری‌های روانی، ترجمه احمد عبداللهی، تهران، سمت.
۴. کریمی، ایرج (۱۳۸۴). اقتصاد سلامت، ج ۲، تهران، نشر گپ.
۵. مهرگان، نادر و حسن دلیری (۱۳۹۱). «برآورد روند سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصاد، ۲۰(۶۴).
۶. نوربالا، احمدعلی (۱۳۹۰). «سلامت روانی - اجتماعی و راهکارهای بهبود آن»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۷(۲).
7. Andreea, P., V. Ioana, Erik Ingen and Wim Oorschotv (2013). "Inequality, Wealth and Health: Is Decreasing Income Inequality the Key to Create Healthier Societies?", Soc Indic Res 113.
8. Albo, C., E. P. Uphoff, M. Stafford, D. Ballas, R. G. Wilkinson and K. E. Pickett (2014). "The Effects of Socioeconomic Incongruity in the Neighbourhood on Social Support, Self-Esteem and Mental Health in England", *Social Science and Medicine* 111.
9. Costa-Font, J., C. Hernandez-Quevedo and A. Sato (2013). "A, Health Kuznets 'Curve'? Cross-Country and Longitudinal Evidence", Cesifo Working Paper No. 4446.
10. Coon, D. and J. O. Mitterer (2010). "Introduction to Psychology: Gateways to Mind and Behavior", Belmont, CA, USA: Wadsworth, Cengage Learning 12, 45.
11. Economou, M., M. Madianos, L. E. Peppou, K. Souliotis, A. Patelakis and C. Stefanis (2014). "Cognitive Social Capital and Mental Illness During Economic Crisis: A Nationwide Population-Based Study in Greece", *Social Science and Medicine* 100.
12. Eisenberg, P. and P. F. Lazarsfeld (1938). "The Psychological Effect of Unemployment", *Psychological Bulletin* 35.
13. Fayissa, B. and P. Gutema (2005). "Estimating A Health Production Function for Sub-Saharan Africa", *Applied Economics*, 37(2).
14. Fryer, D. M. (1986). "Employment Deprivation and Personal Agency During Unemployment: A Critiical Discussion of Jahoda's Explanation of the Psychological Effects of Unemployment", *Social Behavior* 1.
15. Gangadharan, Lata and M. Rebecca Valenzuela (2001). "Interrelationships Between Income, Health and the Environment: Extending the Environmental Kuznets Curve", *Ecological Economics* 36.

16. Harpham, T., E. Grant and Carols Rodriguez (2003). "Mental Health and Social Capital In Cali Colombia", *Journal of Social Science and Medicine* 5.
17. Harpham, T. and K. Mckenzie (2006). *Social Capital and Mental Health*, London, Jessica Kingsley Publishers.
18. Jahoda, M. (1982). *Employment and Unemployment, A Social Psychological Perspective*, London, Cambridge University Press.
19. Jang, J. S. R. (1993). "ANFIS: Adaptive-Network-Based Fuzzy Inference System", *IEEE Transactions on Systems, Man and Cybernetics*, 23(3).
20. Knapp, M. and V. Iemmi (2014). "Noncommunicable Disease: The Case of Mental Health", *Macroeconomic Effect of Encyclopedia of Health Economics* 2.
21. Marcus, J. (2013). "The Effect of Unemployment on the Mental Health of Spouses-Evidence from Plant Closures in Germany", *Journal of Health Economics*, 32.
22. Mikkonen, J. and D. Raphael (2010). *Social Determinants of Health: The Canadian Facts*, Library and Archives Canada Cataloguing in Publication.
23. Mohseni-Cheraghloou, A. (2013). "Labor Markets and Mental Wellbeing: Labor Market Conditions and Suicides in The United States (1979–2004)", *The Journal of Socio-Economics* 45.
24. Murray, C. J. L., A. D. Lopez, C. D. Mathers and C. Stein (2001). "The Global Burden of Disease 2000 Project", Global Programme on Evidence for Health Policy Discussion Paper, No. 36, World Health Organization.
25. Lindström, Martin, Maria Fridh and Maria Rosvall (2014). "Economic Stress in Childhood and Adulthood and Poor Psychological Health: Three Life Course Hypotheses", *Psychiatryresearch* 215.
26. Phillips, J. A. and C. N. Nugent (2014). "Suicide and the Great Recession of 2007-2009: The Role of Economic Factors in the 50 U.S.", *States Social Science and Medicine* 116.
27. Ruhm, C. J. (2003). "Good Times Make You Sick", *Journal of Health Economics* 22.
28. Stamm, B. H. and A. D. Kirkwood (2012). "A Community-Based Suicide Prevention Planning Manual for Designing A Program Just Right for Your Community", Idaho State University, Pocatello and Meridian.
29. Teff, Nathan (2011). "Insights on Unemployment, Unemployment Insurance and Mental Health", *Journal of Health Economics* 3.
30. WHO (World Health Organization), (2004 and 2014). World Health Report.
31. Zadeh, L. A. (1996). "Fuzzy Logic = Computing With Words", *IEEE Trans Fuzzy Systems* 4(2).

تحلیل تأثیرات پرداخت یارانه‌های نقدی بر بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان شیرینگ)

حمداله سجاسی قیداری*

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۹/۲

تاکنون شیوه‌های مختلفی برای تحقق عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی مورد توجه قرار گرفته است که از مهم‌ترین آنها، هدفمندسازی یارانه‌ها و هدایت بخشی از سرمایه‌های ملی به طبقات پایین اجتماعی برای کاهش فاصله‌هاست. هدف اصلی، توانمندسازی گروه‌های هدف، فقرا و روستائیان می‌باشد تا از این طریق تغییراتی در سطح کیفیت زندگی خانوار شکل گیرد. لذا در این مطالعه تلاش شد تا با گذشت چندین سال از پرداخت یارانه‌های نقدی در کشور، میزان اثرگذاری آن در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی مورد بررسی قرار گیرد. روش‌شناسی تحقیق از نوع تحلیلی - تبیینی و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه براساس شاخص‌های چهارده‌گانه صورت گرفته است. برای این منظور، ۳۶۴ خانوار روستایی، در ۱۵ نقطه روستایی به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. یافته‌ها با آزمون ویلکاکسون نشان می‌دهد که از بین ۴۷ گویه مورد مطالعه، ۲۱ گویه دارای سطح معناداری پایین‌تر از آلفا ۰/۰۵ بوده و نشان‌دهنده تفاوت ایجاد شده توسط دریافت یارانه‌های نقدی نسبت به قبل از دریافت یارانه در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی می‌باشد. همچنین، تفاوت معناداری به‌دست آمده از آزمون T، در سطح آلفا ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دریافت یارانه‌های نقدی تنها در چهار شاخص کیفیت زندگی خانوارهای مورد بررسی اثرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: هدفمندسازی؛ یارانه‌های نقدی؛ کیفیت زندگی؛ خانوار روستایی؛ دهستان شیرینگ

* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: ssojasi@um.ac.ir

مقدمه

برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی، از اهداف اساسی توسعه به‌ویژه، توسعه پایدار است؛ زیرا شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی، سبب اثرات منفی متعددی در جوامع انسانی می‌شود. این امر در مناطق روستایی در قالب بیکاری، مهاجرت‌های روستایی، افسردگی‌های روحی، آسیب‌پذیری و ... نمایان می‌گردد. بر این اساس دولت‌ها در طول تاریخ به دنبال کاهش شکاف‌های توسعه‌ای و افزایش کیفیت زندگی در مناطق روستایی به‌عنوان قشر فقیر اجتماعی می‌باشند. زیرا این واقعیتی است که بیشتر فقیران و عموماً فقیرترین آنها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. لذا ضروری است برنامه‌ها و طرح‌های رفع محرومیت در مناطق روستایی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، در سال‌های اخیر برنامه‌ریزی اقتصادی با هدف طراحی نظام‌های پرداخت هدفمند خصوصاً در بخش یارانه‌ها صورت گرفته است (Besley and Kanbur, 1993; Van de Walle, 1998; Lipton and Ravallion, 1995).

مزیت نظام پرداخت هدفمند یارانه‌ها این است که دهک‌های بالای درآمدی را از حمایت دولت خارج می‌کند. پرداخت هدفمند یارانه‌ها می‌تواند مشمول کالاهایی شود که سهم بیشتری در سبد مصرفی اقشار کم‌درآمد و در مقابل، سهم کمتری در بودجه خانوارهای برخوردار جامعه دارند. نمونه‌ای از این طرح‌ها قبلاً در کشورهای بنگلادش، تونس، مراکش (Alderman and Lindert, 1998)، مصر (Adams, 2005) و هند (Dutta and Ramaswami, 2004) اجرا شده است. در این راستا پرداخت یارانه‌های نقدی و غیرنقدی یکی از شیوه‌های حمایت از اقشار فقیر و کم‌درآمد توسط دولت‌ها به‌شمار می‌رود که در چند دهه اخیر در ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا پرداخت یارانه‌ها به شکل مستقیم و نقدی به خانوارهای روستایی می‌تواند به افزایش سطح درآمد آنان منجر شده و نقش اساسی در بهبود کیفیت زندگی خانوارها داشته باشد. همچنین پرداخت نقدی از طریق ایجاد نقدینگی در بین خانوارها می‌تواند دامنه‌های مصرفی خانوارها را گسترش داده و در برطرف کردن نیازهای اساسی روستائیان مؤثر باشد. لذا بدون تردید، تزیق این حجم نقدینگی به اقتصاد روستایی کشور باعث تغییر در استاندارد زندگی و الگوی مصرف گردیده و می‌تواند در زمینه‌های مختلف زندگی روستائیان اثرگذار باشد. به جهت جدید

بودن مسئله پرداخت نقدی در قالب یارانه‌ها و تأثیر آن در کیفیت زندگی، تاکنون تحقیقات زیادی به‌طور مستقیم انجام نشده است و در تحقیقات انجام شده نیز اثرات مثبت و منفی داشتن پرداخت نقدی کاملاً مشخص نیست و لذا انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه ضروری است. به‌عنوان نمونه سیدمحمود زرگر در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۲ با عنوان «بررسی تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی مردم روستاهای اطراف شهر سمنان» به بررسی شاخص‌های درآمد (از نظریه براون)، هزینه (از نظریه براون)، اشتغال (از نظریه براون و دیوب)، مسکن (از نظریه براون)، رضایت از زندگی و خوشبختی یا همان بعد ذهنی رفاه (از نظریه براون، تئوری تلفیقی و کینگ و هیندس)، دسترسی به تغذیه مناسب (از نظریه دیوب) دسترسی به پوشاک مناسب (از نظریه دیوب)، دسترسی به دارو و امکانات پزشکی (از نظریه دیوب) در بین ۳۷۱ خانوار روستایی پرداخته است. نتیجه این تحقیق حاکی از آن بود که هدفمندسازی یارانه‌ها بر تمامی متغیرهای مورد مطالعه کیفیت زندگی تأثیر گذاشته و تمامی فرضیه پذیرفته شدند. درواقع می‌توان نتیجه گرفت که هدفمندسازی یارانه‌ها باعث بالا رفتن سطح زندگی و در نتیجه کیفیت زندگی مردم روستاهای اطراف سمنان شده است.

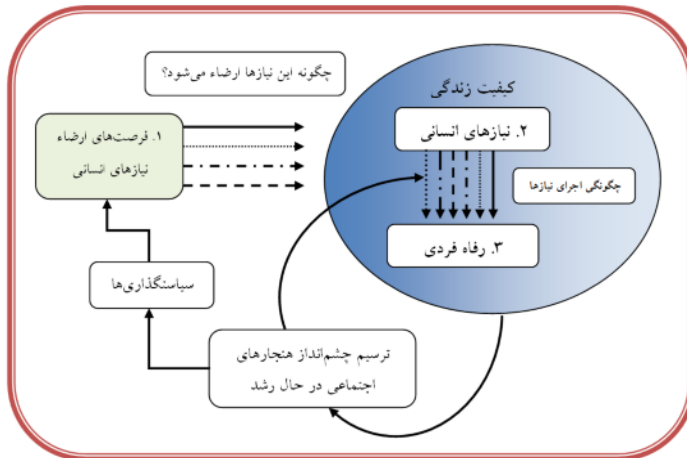
حسن افرachte در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان «یارانه و کیفیت زندگی روستائیان» با بررسی ۴۰۰ خانوار به‌صورت تصادفی، به این نتیجه رسید که اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها هدف اولیه را تأمین نکرده و رفاه و کیفیت زندگی روستائیان بهبود نیافته است. مهرباب طوقی سال ۱۳۹۲ در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی خانوارهای کم‌درآمد شهرستان ایرانشهر» نشان داد که متغیرهای کیفیت زندگی، قدرت خرید، قیمت‌ها، آسیب‌های اجتماعی، کیفیت محصولات حوزه سلامت و نظام آموزشی با هدفمندی یارانه‌ها بهبود پیدا کرده است. نکته قابل ذکر درخصوص این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های انجام گرفته این است که در همه مطالعات صورت گرفته دیگر، با طرح هدفمندی یارانه‌ها، بیشتر به‌صورت موردی، یک بعد از تأثیرات این طرح را در رابطه با هر یک از فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار در نظر گرفته‌اند. اما این پژوهش با نگاه موشکافانه تأثیرات پرداخت نقدی را بر مجموعه فاکتورهای کیفیت

زندگی خانوار روستایی مورد بررسی قرار داده است. لذا یکی از شیوه‌های بسیار مناسب برای بررسی میزان موفقیت یا اثرگذاری مثبت پرداخت یارانه‌های نقدی را می‌توان از طریق بررسی واقعی تغییرات ایجاد شده در کیفیت زندگی مادی و کاهش احساس فقر در بین مردم روستایی به‌عنوان گیرندگان یارانه‌ها پیگیری کرد. بر این اساس در این مطالعه تلاش شده است تا از طریق بررسی اثر یارانه‌های نقدی بر بهبود کیفیت زندگی خانوارها در روستاها به نتایج این طرح از دیدگاه مردم روستایی اشاره شود. این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این سؤال کلیدی است که پرداخت یارانه‌های نقدی به روستائیان، تا چه میزان و در چه زمینه‌هایی توانسته است بر بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی تأثیرگذار باشد؟ بر این اساس در این مقاله ابتدا به بررسی چارچوب نظریه‌ای مسئله پرداخته شده و سپس در بخش روش‌شناسی به نوع روش تحقیق، فرایند استخراج شاخص‌ها، جامعه آماری و ... در منطقه مورد مطالعه پرداخته شده و در ادامه به تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق متناسب با سؤالات تحقیق پرداخته شده است.

۱. مبانی نظری

نظریه کیفیت زندگی، ترویج و توسعه مفاهیم کیفیت زندگی مردم است تا بهترین شیوه‌های زیستی برای آنها فراهم شود. از این رو می‌توان گفت کیفیت زندگی به معنی درک ذهنی هر فرد از حس خوب بودن (Drotar, 1998)، احساس رضایت از زندگی (Foo, 2000: 35)، بهتر بودن و شکوفایی (Flora, 2007)، بهزیستی اجتماعی (UN Human Development Report, 1994)، داشتن زندگی خوب و بهزیستی مادی و روانی مردم (Diener and Oishi, 2000) است. بنابراین هدف نهایی از مطالعه کیفیت زندگی و کاربرد متعاقب آن برای این است تا مردم به داشتن زندگی با کیفیت بالا قادر باشند؛ به طوری که این زندگی مطلوب و لذت‌بخش باشد (قنبری، رحیمی و احمدیان، ۱۳۹۲: ۷۵). لذا می‌توان کیفیت زندگی را به‌عنوان برهم‌کنش میان میزان برآورده شدن نیازهای انسانی و رضایت افراد و گروه‌ها از تأمین نیازهای خود در یک ناحیه خاص تعریف کرد (رضوانی، شکبیا و منصوریان، ۱۳۸۷: ۵) (شکل ۱).

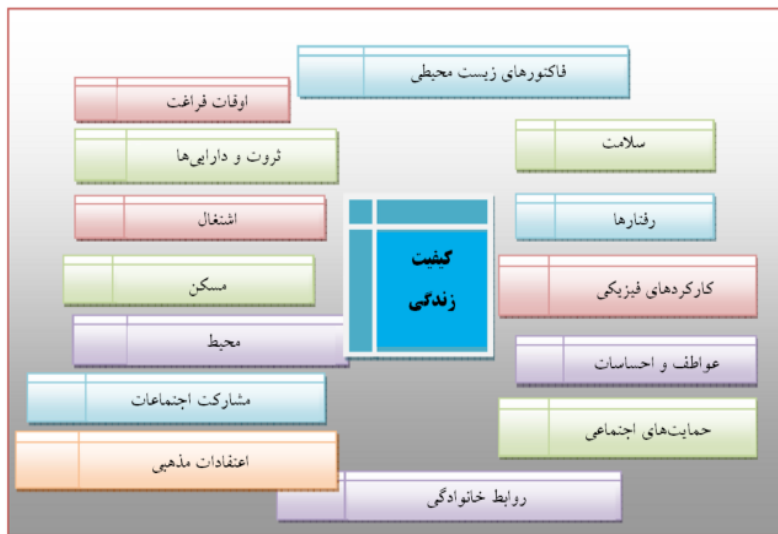
شکل ۱. کیفیت زندگی فردی و اجتماعی



باید توجه داشت که، کیفیت زندگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در فرایند توسعه بوده که ابعاد، متغیرها و زیرشاخص‌های متعددی داراست. به‌طور کلی می‌توان کیفیت زندگی را در دو سطح خرد (فردی - ذهنی) و کلان (اجتماعی - عینی) تعریف کرد (فرجی سبکبار، صادقلو و سجاسی قیداری، ۱۳۹۰: ۳۳). سطح خرد، شاخص‌هایی نظیر ادراکات کیفیت زندگی، تجارب و ارزش‌های فرد و معرف‌های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی و رضایت از زندگی را شامل می‌شود و سطح کلان شامل درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی به‌عنوان مفهوم کلی تعریف می‌شود که تمام ابعاد زیستی شامل رضایت مادی، نیازهای حیاتی، به‌علاوه جنبه‌های انتقالی زندگی نظیر توسعه فردی، خودشناسی و بهداشت اکوسیستم را پوشش می‌دهد (Shawoarker and Moore, 2005: 234-238). کیفیت زندگی در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند شامل انسجام مدنی، همکوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمام سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع‌دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد (Ventegots and Jovvj, 2003: 135).

بنابراین کیفیت زندگی زمانی تحقق می‌یابد که تغییراتی در شرایط زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها شکل گرفته و نمود عینی آن قابل مشاهده و نمود ذهنی آن نیز قابل درک باشد. این تغییرات می‌تواند از جنبه‌های اقتصادی زندگی مانند تغییرات در ثروت و درآمد، اشتغال و مسکن تا جنبه‌های اجتماعی نظیر سلامت، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی و ... و همچنین جنبه‌های محیطی را شامل شود (شکل ۲).

شکل ۲. شاخص‌های کیفیت زندگی



لذا اندیشمندان برنامه‌ریزی اعتقاد دارند، برنامه‌ریزی‌ها باید همسو با بهبود کیفیت زندگی باشند. بهبود کیفیت زندگی می‌تواند زمینه‌های متنوع توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را دربرگیرد. در این راستا، نواحی روستایی، از فضاها نیازمند ارتقای کیفیت زندگی در جهت کاهش محرومیت جغرافیایی و دسترسی به نیازهای اساسی زندگی است (حیدری ساربان، ۱۳۹۳: ۱۳۲). دولت‌ها از شیوه‌های گوناگون در تلاش برای ارتقای سطح کیفیت زندگی در اجتماعات انسانی به‌ویژه جوامع فقر و روستایی می‌باشند. یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی که در سال‌های اخیر مورد تأکید قرار گرفته است، برقراری عدالت اجتماعی از طریق

هدفمندسازی یارانه‌های دولتی یا به عبارت دیگر بازتوزیع منابع حمایت اقتصادی دولتی است. بنابراین، بازتوزیع درآمد و حمایت از گروه‌های نیازمند یکی از برنامه‌های مهم کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به منظور برقراری عدالت می‌باشد. به همین دلیل امروزه شعار عدالت اجتماعی از محوری‌ترین شعار دولت‌ها از جمله ایران نیز محسوب می‌شود.

امروزه در میان اقتصاددانان توسعه نیز بر سر اینکه رشد اقتصادی شرط لازم اما ناکافی برای کاهش فقر بوده و وجود سازوکارهای حمایتی مؤثر به این منظور ضروری است، اختلاف نظری وجود ندارد. بنابراین، انتخاب یک نظام حمایتی کارآمد که بیشترین پوشش حمایتی فقرا را فراهم آورده و مختصات توزیع درآمدی را به نفع اقشار کم‌درآمد جامعه تحت تأثیر قرار دهد، به عنوان چالش اصلی در اقتصاد حمایتی معرفی شده است. این چالش از آنجا ناشی می‌شود که منابع مالی حمایت در کشورهای در حال توسعه به شدت محدود بوده و انتخاب بهترین نظام حمایت به منظور اطمینان از بهبود وضعیت زندگی فقرا ضروری است (معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۳: ۱). بر این اساس توزیع مناسب درآمد از جمله اولویت‌های مهم این کشورها به حساب می‌آید و پرداخت یارانه یکی از سیاست‌های عملی برای این هدف است. بررسی تجربه کشورها نیز حکایت از اختصاص سهم قابل توجهی از درآمد ملی و بودجه‌های عمومی برای یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی دارد.

به طور کلی، یارانه عبارت است از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولتی، امتیاز اقتصادی یا اعطای برتری ویژه‌ای که به نهادهای خصوصی، خانوارها و یا دیگر واحدهای تولیدی جهت دستیابی به هدف‌های مورد نظر دولت انجام می‌پذیرد (موسوی، خالویی و فرج‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۳). همچنین می‌توان گفت یارانه بهایی است که دولت‌ها برای رساندن کالا و خدمات به دست مصرف‌کنندگان به قیمت ارزان‌تر و حمایت از توان رقابت تولیدکنندگان پرداخت می‌کنند (امینی، ۱۳۸۸: ۱۸). یارانه‌های دولت شامل موارد اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. یارانه اقتصادی برای نیل به اهداف اقتصادی شامل تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، کاهش هزینه‌های تولید، حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان پرداخت می‌شود. تحقق اهداف فوق مشروط به آن است که دریافت‌کننده با تغییر و تعدیل نحوه عمل خود موجب

تشویق تولید یا مصرف کالا شود. یارانه توسعه ای به منظور تقویت زیربنای اقتصادی و اجتماعی جهت برقراری تعادل میان سامانه تولید و مصرف، کمک به ایجاد مؤسسه های تحقیقاتی و انتقال علوم و فناوری و کمک به تحصیل دانشجویان داخل و خارج از کشور پرداخت می شود. بر همین منوال، یارانه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز با اهداف زمینه های مشخص اعطا می گردد. یارانه های اقتصادی از دیدگاه مرحله پرداخت به یارانه مصرفی، یارانه تولیدی، یارانه توزیعی، یارانه خدماتی و یارانه صادراتی تقسیم می شود. یارانه مصرفی شامل پرداخت هایی به مصرف کننده است که در جهت بهبود توزیع درآمد، تعدیل آثار ناشی از فشارهای بازار، ترغیب مصرف کالاهای ملی صورت می گیرد. یارانه تولیدی به منظور کاهش هزینه های تولید و حمایت از تولیدکنندگان پرداخت می شود. یارانه به عوامل تولید و یارانه برای خرید تضمینی از جمله این نوع یارانه است.

همچنین در تقسیم بندی دیگر یارانه از دیدگاه انعکاس در بودجه دولت به یارانه آشکار و یارانه پنهان دسته بندی می شود. یارانه آشکار، شامل تمامی یارانه هایی است که در بودجه دولت وجود دارد و دربرگیرنده مجموعه یارانه های مستقیم و غیرمستقیم است. یارانه پنهان، کالا یا خدمتی است که از سوی دولت مورد حمایت بوده اما هزینه های این حمایت در بودجه دولت منعکس نمی شود مانند یارانه های سوخت و اعتبارات. یارانه از دیدگاه نحوه توزیع در جامعه به یارانه باز، یارانه سرانه و یارانه هدفمند اطلاق می شود. یارانه باز به مفهوم عرضه عمومی و بدون محدودیت کالای یارانه ای بوده و سهم یارانه به طور مستقیم به میزان تقاضا وابسته است. یارانه سرانه به طور برابر میان تمامی افراد جامعه توزیع می شود مانند یارانه کالاهای اساسی که بهبود توزیع درآمد را در پی داشته اما لزوماً منجر به کاهش فقر نمی شود. یارانه هدفمند یارانه ای است که به طور مستقیم به گروه هدف ارائه می شود.

طبق ماده (۹۵) قانون پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، دولت به منظور استقرار و ثبات اجتماعی، کاهش فاصله دهک های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور، کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر و محرومیت زدایی و توانمندسازی فقرا می بایستی از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی، برنامه های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را اجرا کند (مصباحی مقدم، اسمعیلی گیوی

و رعایائی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). بنابراین یارانه یکی از ابزارهای مهم اقتصادی و سیاست‌های حمایتی دولت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بخش‌های خاص تولیدی است. در تمام نظام‌های اقتصادی موضوع رفاه و تأمین اجتماعی بسیار حائز اهمیت بوده و بخشی از هزینه‌های جاری دولت به پرداخت‌های انتقالی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اختصاص می‌یابد (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷: ۱).

چنانچه پرداخت‌ها به گروه‌های هدف اصابت کند، هدف دولت به‌خوبی تأمین شده و رفاه و امنیت اجتماعی تقویت می‌شود، اما پرداخت‌های همگانی نه تنها در ارتقای درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر تأثیری ندارد، بلکه سبب بهره‌مندی بیشتر افرادی می‌شود که استفاده بیشتری از یارانه‌ها دارند. لذا ضرورت پرداخت یارانه و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر امری بدیهی است. تاکنون بیشترین سهم از یارانه‌ها که همان ثروت ملی است نصیب افراد مرفه می‌شده، انتظار بر این است که با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، نیازمندان به حقوق واقعی خود دست یابند. در دهه‌های گذشته نظام توزیع یارانه‌ها، نامناسب و از مشکلات اساسی اقتصاد ایران بود، به همین دلیل دهک‌های پایین جامعه از سهم اندکی برخوردار می‌شدند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین اهداف قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، اجرای عدالت و رفع تبعیض در میان افراد جامعه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸). لذا برای نیل به وضعیت مطلوب و ایدئال و از بین بردن شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب، طی سال‌های گذشته، برنامه‌ها، طرح‌ها و تصمیمات گسترده‌ای در عرصه اقتصاد ملی تهیه شده است که از جمله می‌توان به برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور اشاره کرد. برخی از تبصره‌های برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران به هدفمندسازی یارانه‌ها در راستای اجرای این طرح، اختصاص یافته است. بنابراین هدفمندسازی یارانه‌ها به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در کشور، دارای آثار مثبت و پیامدهای منفی است و در زمینه‌های مختلف آثار متفاوتی را از خود به‌جای گذاشته است.

قانون هدفمندسازی یارانه‌ها که در چارچوب طرح تحول اقتصادی و با هدف واقعی‌سازی قیمت‌ها و تخصیص عادلانه منابع به اجرا درآمد؛ از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته و موافقان بسیاری در این زمینه به ارائه نظرات خود پرداخته‌اند. موافقان

معتقدند هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی توانسته موجب اصلاح الگوی مصرف و کاهش مصرف حامل‌های انرژی، توجه به بهره‌وری در عوامل تولید و توزیع مستقیم و عادلانه درآمدهای حاصله را به دنبال داشته باشد و در مناطق روستایی نیز پرداخت یارانه‌ها به شکل مستقیم به خانوارها به‌ویژه خانوارهای روستایی علاوه بر جبران افزایش هزینه حامل‌های انرژی، می‌تواند به افزایش سطح درآمد آنان منجر شده و این مازاد درآمد در صورت برنامه‌ریزی در توسعه سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال؛ نقش اساسی ایفا خواهد کرد (یونس سینکی، ۱۳۸۶: ۳۶۱؛ پالیزدار، ۱۳۸۶: ۲۰۹؛ کمیجانی، ۱۳۸۶: ۴۸۸؛ شریف‌زادگان، ۱۳۸۶: ۳۷۸؛ دانش‌جعفری، ۱۳۸۶: ۱۳؛ عبادی و قوام، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۴۳). اما در مقابل مخالفان پرداخت یارانه‌های نقدی از تورم‌زا بودن پرداخت نقدی (قادری، رزمی و صدیقی، ۱۳۸۴: ۳۰؛ شیبانی، ۱۳۸۶: ۸۰)، کاهش صادرات (سلیمانی و نظری، ۱۳۸۸: ۱۹۰)، ایجاد رکود در تولید و عدم اصلاح فرایند تولید (دینی ترکمانی، ۱۳۸۶: ۳۱۲)، افزایش نقدینگی در جامعه، کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی، افزایش نرخ بیکاری و تبیل‌پروری (سلیمانی و نظری، ۱۳۸۸: ۱۹۰)، بازتاب‌های اجتماعی منفی (عسگری آزاد، ۱۳۸۶: ۴۲۲) و ... سخن می‌رانند.

لذا با وجود سهم بالای یارانه‌ها از بودجه دولت، به دلیل اینکه یارانه‌ها به‌طور عام در اختیار تمام افراد جامعه قرار می‌گیرند، اثربخشی محدودی در کاهش فقر دارند. بنابراین در سیستم عام، پرداخت یارانه اولاً، هزینه مطلق یارانه‌ها در مقایسه با منافع که به فقرا می‌رسد؛ بسیار بیشتر می‌باشد. ثانیاً، توزیع یارانه‌ها ناعادلانه است و ثالثاً، سهم بالایی از یارانه‌ها به‌صورت تراوش از سیستم توزیع خارج می‌شود. این عوامل موجب شده است هدفمندی یارانه‌ها اهمیت بالایی در سیاست‌های فقرزدایی و افزایش رفاه و کیفیت زندگی داشته باشد (پیرایی و سیف، ۱۳۸۹: ۶۲). از سوی دیگر هدفمندی یارانه‌ها زمانی مناسب است که کمترین هزینه از بودجه دولت، بیشترین نرخ پوشش برای افراد فقیر، کمترین نرخ تراوش برای افراد بی‌نیاز و بالاخره از هزینه‌های اجرایی و سیاسی پایینی برخوردار باشد (پرمه و حیدری، ۱۳۸۵: ۳). با توجه به این مسائل در چند سال اخیر مهم‌ترین بحث دولت و برخی اقتصاددانان این است که این یارانه‌ها ناعادلانه توزیع می‌شوند و در راستای اهداف عدالت اجتماعی نه تنها درست عمل نکرده بلکه بی‌عدالتی را در کشور تمدید کرده است،

از این رو، مهم‌ترین زیربخش طرح تحول بزرگ اقتصادی کشور، بحث هدفمند کردن یارانه‌ها می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۷). از مزایای عمده هدفمندی یارانه‌ها به کاهش قاچاق یارانه‌ایی که به علت تفاوت قیمتی به وجود می‌آید، کاهش هزینه‌های دولت، افزایش قدرت بخش خصوصی به علت کنار رفتن دولت از تولید این اقلام، افزایش سرمایه‌گذاری در کالاهای خارج شده از مشمول یارانه به سطح تعادلی آنها، اثرات مثبت زیست‌محیطی (شامل کم شدن ضایعات کالای مختلف و کاهش آلودگی ناشی از مصرف بیش از حد فراورده‌های نفتی)، افزایش کیفیت کالاهای خارج شده از سبد حمایتی، واقعی کردن روند شکل‌گیری تکنولوژی مبنی بر قیمت‌های واقعی و توزیع عادلانه‌تر یارانه‌ها اشاره داشت (ترکمان احمدی، فتاحی و خیری، ۱۳۹۰: ۵).

شناسایی درست گروه هدف و تعیین روش انتقال (جنسی، نقدی و غیرنقدی) از چالش‌های پرداخت این نوع یارانه است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۰)؛ زیرا تفاوت در روش انتقال و ارائه یارانه‌ها بر تمامی عناصر اصلی و فرعی اقتصاد یک کشور اثرگذار است. لذا از مهم‌ترین زیرساخت‌های مدیریت اقتصاد در یک کشور، نوع پرداخت‌های انتقالی برای گسترش عدالت و رفاه و تأمین حداقل نیازهای اقتصادی است. هر چه محدوده انتخاب در نوع مصرف بیشتر شود، رضایتمندی در عموم مردم بیشتر شده، مصرف بهینه‌تر شده و تقاضا، عرضه و تولید از مطلوبیت بیشتری بهره‌مند می‌شود. از سوی دیگر با بهینه شدن تولید و عرضه، سطح اشتغال بهبود می‌یابد. تجربه کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که عمده‌ترین روش‌های پرداخت یارانه در بخش مصرف، «نظام کالایی» و «نظام کالا برگی»، «نظام همگانی قیمتی»، «نظام نقدی» است (حسینی و مالکی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۰؛ Barr, 2004: 233-260).

- کالایی: پرداخت کالایی یارانه نیازمند سازوکار تهیه و توزیع گسترده و اطلاع دقیق از نوع کالاهای مورد نیاز افراد جامعه است. اما بعضاً به منظور پرهیز از عوارض پرداخت نقدی در برخی شرایط و در مورد برخی اقلام می‌توان از آن استفاده کرد.

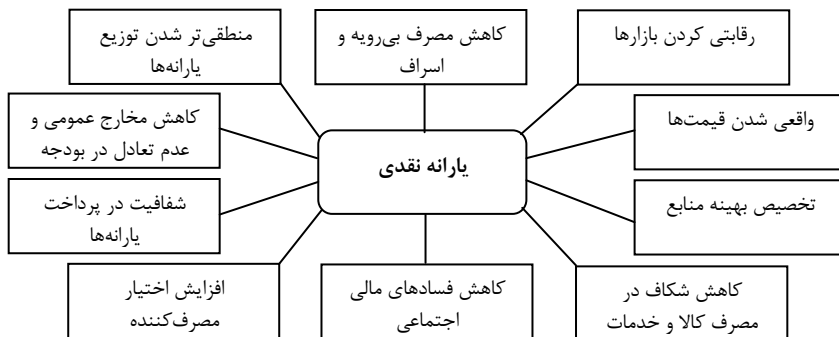
- کالا برگی: منظور از پرداخت کالا برگی، حالتی از پرداخت محسوب می‌شود که در آن اقلام مورد نیاز اقشار کم‌درآمد (معمولاً کالاهای ضروری) از طریق اعطای کالا برگ مرتبط به آن قابل دریافت می‌باشد. استفاده از این روش زمانی مناسب خواهد بود که امکان

خرید و فروش کالا بزرگ‌ها ناچیز باشد و به گروه‌های هدف تخصیص یابد.

- قیمتی (عمومی - تبعیضی): در این شیوه پرداخت، کالای یارانه‌ای به قیمت پایین‌تر از قیمت تمام شده در اختیار مردم قرار می‌گیرد. در این شیوه برخلاف روش نقدی، کالا بزرگی و کالایی، محدوده افراد دریافت‌کننده یارانه معمولاً وسیع‌تر و دسترسی همگانی است. ولی در شرایطی این امکان وجود دارد که از طریق اعمال تبعیضات مختلف (زمانی، مکانی، کیفیتی و فردی) محدودیت ایجاد کرد تا پرداخت‌ها به گروه‌های هدف اصابت کند.

- نقدی / نقدی مشروط: پرداخت نقدی یارانه ممکن است ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش پرداخت یارانه به حساب آید. این نوع یارانه، به تدارک کمک در قالب «پول نقد» به فقرا و کسانی که در معرض خطر احتمالی بوده و در صورت فقدان پرداخت‌ها دچار فقر و تنگدستی خواهند شد، گفته می‌شود. از لحاظ تحلیلی نشان داده می‌شود یارانه نقدی نسبت به سایر روش‌های پرداخت یارانه مطلوبیت بالاتری را برای افراد و زندگی اجتماعی آنها ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، چنانچه دولت نگران نحوه مصرف وجوه یارانه‌ای باشد می‌تواند آن را به صورت مقید و مشروط پرداخت کند. در این روش گیرنده یارانه حق دارد آن را در مصارف خاصی مثل آموزش و بهداشت هزینه کند. بنابراین، به‌طور کلی، پرداخت نقدی یارانه‌ها در صورت اجرای درست آن می‌تواند اثرات و منافع مثبت مهمی در سطوح مختلف نظام اجتماعی و اقتصادی کشورها به دنبال داشته باشد (شکل ۳).

شکل ۳. منافع یارانه نقدی



بنابراین، روش پرداخت نقدی در چارچوب پرداخت یارانه‌ها یکی از شیوه‌های مهم و تأثیرگذار در ارتقای سطح کیفی زندگی افراد فقیر و دهک‌های پایین اجتماعات انسانی است تا از این طریق شکاف طبقات اجتماعی کاسته شود (مصباحی مقدم، اسمعیلی گیوی و رعایائی، ۱۳۸۸: ۱۶۳) و اغلب افراد روستایی که از سطح کیفی زندگی مطلوبی برخوردار نیستند به استانداردهای کیفی زندگی مطلوب دست یابند. لذا هدفمندی یارانه‌ها به‌ویژه پرداخت نقدی یارانه‌ها با هدف ارتقای سطح زندگی دهک‌های پایین اجتماعی و کاهش شکاف اجتماعی صورت گرفته است که در مرحله اول می‌تواند بر کیفیت زندگی خانوارهای روستایی تأثیرگذار بوده و منجر به تغییراتی شود. بنابراین، از آنجاکه به اعتقاد داوسی لرز از متفکران توسعه، بررسی میزان موفقیت بودن برنامه‌های اقتصادی از طریق سه گزینه: الف) میزان کاهش فقر و محرومیت، ب) میزان اشتغال ایجاد شده و ج) میزان کاهش نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی امکان‌پذیر است (لطیفی، ۱۳۸۰). لذا می‌توان موفقیت شیوه پرداخت نقدی یارانه‌ها را نیز در اثربخشی آن در کیفیت زندگی افراد دریافت‌کننده یارانه دانست؛ زیرا به جهت متغیر شدن بیشتر دهک‌های پایین درآمدی از یارانه‌ها، مطالعه شیوه صحیح هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی ارزیابی آن از دیدگاه رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی انکارناپذیر خواهد بود. با توجه به رسالت دولت در جهت کاهش فقر و افزایش رفاه جامعه و تأثیرگذاری سیاست‌های یارانه‌ای و پرداخت نقدی بر کیفیت زندگی، برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور مهم خواهد بود که چه کالاها و خدماتی و به چه میزان مشمول پرداخت یارانه نقدی قرار گیرند تا رفاه جامعه بهبود یابد؛ زیرا در شرایط واقعی، اعمال یارانه‌ها، آثار اقتصادی و اجتماعی مختلفی در زندگی اجتماعی مردم دارد (عباسیان و اسدیگی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). از این رو دریافت یارانه‌های نقدی در گام اول، به لحاظ تغییر در شاخص‌های کیفیت زندگی می‌تواند محدود به کیفیت زندگی خانوارها شود و با گذشت زمان، از تأثیرات آن بر جامعه، کیفیت زندگی در سطح اجتماعات انسانی نیز تغییر کند. همچنین باید توجه داشت، با وجود اینکه دریافت یارانه‌ها، ماهیت منابع مالی نقدی دارد، اما تأثیرات آن در کیفیت زندگی فراتر از جنبه‌های اقتصادی خانوارها بوده و جنبه‌های دیگر زندگی از جمله بعد اجتماعی و محیطی / کالبدی را در محیط‌های روستایی می‌تواند متأثر سازد. بر این

اساس، اثرات دریافت یارانه‌های نقدی را با توجه به در نظر داشتن جنبه‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی، می‌توان در سه بعد تغییر در کیفیت بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی زندگی خانوارها مورد توجه قرار داد. به‌طور کلی انتظار بر این است که با توجه به هدف‌گذاری‌های قانونی انجام شده در خصوص پرداخت نقدی به مردم، یارانه‌های نقدی در بعد اقتصادی بتواند سطح درآمد و دارایی روستائیان را نسبت به گذشته افزایش داده و تغییراتی در قدرت خرید خانوارها و ریسک‌های اقتصادی آنها ایجاد کند. همچنین در بعد اجتماعی دریافت یارانه‌های نقدی می‌تواند بر وضعیت و کیفیت بهداشتی و آموزشی، تنوع غذایی خانوارهای روستایی اثرگذار بوده و در مجموع منجر به شادکامی و امیدواری روستائیان نسبت به آینده زندگی باشد. در بعد محیطی / کالبدی نیز، دریافت یارانه‌های نقدی می‌تواند بر کیفیت جنبه‌های کالبدی زندگی روستائیان مانند مسکن، زیرساخت‌ها، امکانات زندگی و فعالیت کشاورزی تأثیرگذار باشد. بر این اساس می‌توان ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های تأثیرگذاری دریافت یارانه بر کیفیت زندگی خانوارهای روستایی را در قالب سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی / کالبدی دسته‌بندی کرد (جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های مرتبط با تأثیر یارانه نقدی بر کیفیت زندگی خانوار

روستایی

ابعاد	شاخص	گویه‌ها
اقتصادی	افزایش درآمد و ثروت	داشتن پس‌انداز ماهانه، افزایش توان و قدرت خرید، کاهش پیش‌فروش محصولات و تولیدات به لحاظ نیاز مالی، افزایش تعداد دام، کاهش قرض‌های پولی
	ریسک‌پذیری اقتصادی	دریافت وام، خرید قسطی لوازم، قدرت بازپرداخت اقساط
	ایجاد اشتغال	ایجاد واحد تولیدی جدید، راه‌اندازی کسب و کارهای جدید
اجتماعی	افزایش توان و قدرت خرید	افزایش توان پاسخگویی به نیازهای فرزندان و خانوار، افزایش توان خرید به موقع نهاده‌های کشاورزی (سم، کود و ...)، خرید وسایل ضروری و اولیه زندگی (تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و ...)، کاهش احساس تورم و گرانی
	بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	کاهش میزان خود درمانی‌ها، بازبینی دندان‌ها، انجام آزمایش‌های دوره‌ای (چکاپ)

ابعاد	شاخص	گویه‌ها
	بهبود دسترسی آموزشی	امیدواری به ادامه تحصیل فرزندان، تهیه نیازمندی‌های آموزشی فرزندان، ثبت‌نام فرزندان در کلاس‌های فوق‌العاده
	تنوع رژیم غذایی	افزایش مصرف هفتگی پروتئین (گوشت و ماهی) در وعده‌های غذایی، افزایش مصرف هفتگی میوه و سبزیجات در برنامه غذایی
	توسعه فراغت و تفریح	افزایش مسافرت‌ها به خارج از روستا، افزایش مسافرت‌های بلندمدت، مسافرت‌های خانوادگی، برگزاری مهمانی‌های خانوادگی
	شادکامی و احساس خوشبختی	رضایتمندی از زندگی در محیط‌های روستایی، بیشتر شدن مهمانی‌های خانوادگی، احساس برابری اجتماعی (کاهش فاصله طبقاتی)، کاهش سطح کار کودکان، کاهش سطح کار خارج از خانه زنان
	امید به آینده	برخوررداری از آرامش روحی و روانی به لحاظ مالی، کاهش نگرانی نسبت به آینده
	بیمه شدن	بیمه کردن خانواده، بیمه محصولات و تولیدات کشاورزی، انجام دادن بیمه‌های متفرقه (سرقط، آتش‌سوزی و ...)
محیطی / کالبدی	بهبود کیفیت مسکن	احداث خانه جدید و نوساز، بازسازی بخش‌های قدیمی خانه، اضافه کردن بخش جدید به خانه
	بهبود کیفیت محیطی مسکن (تسهیلات)	تقویت سیستم گرمایشی و سرمایشی خانه، ایجاد سرویس بهداشتی در داخل خانه، داشتن حمام در خانه
	توسعه کشاورزی	افزایش سطح زیرکشت، تهیه و خرید ماشین‌آلات کشاورزی، بهبود آماده‌سازی زمین برای کشت، سرمایه‌گذاری در سطح زمین کشاورزی، راه‌اندازی سیستم آبیاری نوین

مأخذ: فتاحی، ۱۳۸۹؛ رضوانی، منصوریان و احمدی، ۱۳۸۸؛ غفاری و امید، ۱۳۸۸؛ فرجی سبکبار، صادقلو و سجاسی قیداری، ۱۳۹۰؛ حیدری ساربان، ۱۳۹۳.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر، با هدف کلی بررسی اثرات پرداخت نقدی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی خانوار در مناطق روستایی به شیوه پانل گذشته‌نگر (قبل و بعد) و از نوع کاربردی و به روش تحلیلی - تبیینی است. لذا به‌طور خاص روش‌شناسی مطالعه از جنبه هدف کاربردی است، زیرا در پی شناخت اثرات پرداخت نقدی یارانه‌ها بر روی کیفیت زندگی خانوارهای روستایی می‌باشد که نتایج حاصله از آن می‌تواند برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان دولتی را

در زمینه اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها رهنمون باشد. جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی جنبه‌های تأثیرگذاری پرداخت نقدی یارانه‌ها در کیفیت زندگی خانوار، مطالعه از نوع اکتشافی است. به لحاظ توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه از نوع توصیفی است و به جهت برقراری ارتباط بین متغیرها، از نوع تحلیلی است. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی مشاهده و تکمیل پرسشنامه براساس شاخص‌های استخراج شده در چارچوب نظری، استفاده شد. لذا با توجه به متغیرهای تحقیق و نیز روش‌های تجزیه و تحلیل، پرسشنامه مربوطه به صورت سؤال‌های بسته و باز و همچنین در قالب طیف لیکرت در مقیاس سنجش اسمی و رتبه‌ای تهیه شد و در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. اما با توجه به حجم و گستردگی شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی از لحاظ رویکردهای کمی و کیفی/عینی و ذهنی بودن شاخص‌ها، در چارچوب نظری تلاش شد تا با توجه به ماهیت اثرگذاری پرداخت نقدی یارانه‌ها به ساختاربندی شاخص‌های کیفیت زندگی خانوارها در مناطق روستایی پرداخته شود.

در این مطالعه به منظور ساختار شاخص‌ها و گویه‌های مطالعه، از روش سلسله‌مراتبی یا درخت مسئله استفاده شد که در سطح اول، به سه بعد اصلی کیفیت زندگی خانوار تقسیم شده است. در سطح دوم هر کدام از ابعاد، به شاخص‌های متعدد تقسیم می‌شوند. در سطح پایانی سلسله‌مراتب که قابل اندازه‌گیری است، گویه‌ها مطرح شده است. شیوه کمی کردن این شاخص‌ها با استفاده از روش مستقیم پرسشنامه بوده است که در آن گویه‌ها سنجش بومی شده‌اند. بنابراین، در این پژوهش با مطالعه مناطق روستایی در نهایت سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی/کالبدی و چهارده شاخص به صورت غربال‌زنی به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی خانوار در بعد عینی و ذهنی، از میان خیل عظیم شاخص‌ها انتخاب شده است. بنابراین متغیر مستقل تحقیق پرداخت نقدی یارانه‌ها و متغیر وابسته کیفیت زندگی است. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته است. رویی صوری^۱ پرسشنامه توسط پانل متخصصان^۲ دانشگاهی مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما^۳ در منطقه مشابه جامعه آماری در سطح خانوار روستایی با

1. Face Validity
2. Panel of Expert
3. Pilot Study

تعداد ۳۴ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونیباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی^۱ بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۶۳ الی ۰/۷۴ به دست آمد. جامعه آماری تحقیق به صورت تمام شماری و شامل روستائیان ۱۵ نقطه روستایی در دهستان شیرنگ شهرستان علی‌آباد است. برای نمونه‌گیری در منطقه مورد مطالعه از فرمول کوکران با احتمال ۹۵ درصد استفاده شد که از بین کل خانوارهای روستایی دهستان که برابر با ۷۰۸۴ خانوار بود، ۳۶۴ خانوار به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند که برای توزیع تعداد نمونه‌ها بین روستاهای نمونه به صورت برقراری تناسب عمل شده است. توزیع نمونه‌ها به صورت تصادفی از بین سرپرست خانوارهای با بیش از ۱۰ سال سابقه ازدواج تا هم‌فرزند بیشتر داشته باشند و هم هر دو دوره را تجربه کرده باشند، بوده است. همچنین برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های کای دو، آماری ویلکاکسون، آزمون T و رگرسیون خطی تک‌متغیره استفاده شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

بررسی‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۹۲/۱ درصد پاسخگویان مرد و ۷/۹ درصد نیز زن بوده‌اند. همچنین، ۱۰۰ درصد نمونه‌ها کل یارانه‌های نقدی را از ابتدای زمان پرداخت یارانه‌ها به خانوارها دریافت کرده‌اند. یکی از جنبه‌های ارزیابی میزان اثرگذاری دریافت یارانه‌های نقدی در زندگی روستائیان را می‌توان در تغییرات ایجاد شده در ارقام ضروری زندگی مشاهده کرد. به طوری که دریافت یارانه‌ها بر خرید موبایل (با ۸۷/۶ درصد) در خانواده‌های روستایی که نقش اساسی در ارتباطات روستایی دارد تأثیر گذاشته است. در رتبه دوم تأثیرگذاری یارانه‌ها بر خرید جاروبرقی برای منزل (با ۷۳/۴ درصد) قرار دارد (جدول ۲).

جدول ۲. خرید اقلام ضروری زندگی از طریق پول یارانه نقدی

(درصد)

تلویزیون	لباسشویی	جاروبرقی	یخچال	موبایل	موتور	کامپیوتر
۶۲/۴	۴۲/۷	۷۳/۴	۴۵/۸	۸۷/۶	۶۷/۲	۳۴/۱

به طور کلی می‌توان چنین بیان کرد که دریافت یارانه‌های نقدی، در روستا بر خرید اقلام ضروری سبک و ارزان‌قیمت تأثیر گذار بوده و با افزایش قیمت اقلام، میزان سطح خرید کاهش پیدا می‌کند. همچنین در حال حاضر ۶۳/۴ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه معتقدند که بخش عمده‌ای از یارانه‌های نقدی دریافتی صرف پرداخت به حامل‌های انرژی (آب، برق و گاز مصرفی) و ارتباطات (تلفن و موبایل) در خانوار می‌شود. همچنین بررسی میانگین‌های میزان رضایتمندی از دریافت یارانه‌های نقدی در چهار سال گذشته نشان می‌دهد که سطح رضایتمندی خانوارهای روستایی از دریافت یارانه‌ها در سال و ماه‌های اول بالاتر بوده و با گذشت زمان سیر نزولی داشته است. با وجود این در بین جامعه مورد مطالعه میزان رضایتمندی از دریافت یارانه‌های نقدی در سطح آلفا ۰/۰۵ معنادار بوده و با توجه به سطح میانگین ۳/۸۷ می‌توان گفت که رضایتمندی از تأثیر یارانه‌ها در شرایط زندگی روستائیان از نظر نمونه‌ها وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۳. تأثیرات رضایتمندی دریافت یارانه‌های نقدی در کیفیت زندگی خانوار از نگاه پاسخگویان (آزمون کی دو)

سطح معناداری	میانگین رتبه‌ای	درصد افراد پاسخگو					میزان رضایتمندی از دریافت یارانه‌های نقدی با توجه به اثرات مثبت در زندگی	
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۰/۰۱	۳/۸۷	۴/۴۷	۳۴/۲	۳۲/۳	۱۶/۲	۱۰/۶	۶/۷	سال اول
۰/۰۱		۳/۹۱	۳۲/۷	۲۴/۷	۲۰/۱	۱۴/۵	۸/۰	سال دوم
۰/۰۱		۳/۶۴	۱۷/۲	۲۶/۵	۳۰/۲	۱۵/۷	۱۰/۴	سال سوم
۰/۰۱		۳/۴۷	۱۵/۳	۲۴/۱	۳۲/۸	۱۶/۱	۱۱/۸	سال چهارم

بنابراین هرچند به صورت کلی، رضایتمندی از تأثیرگذاری دریافت یارانه‌های نقدی در زندگی در میان روستائیان مورد مطالعه وجود دارد، اما نکته مهم اینکه هریک از ابعاد و شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به کیفیت زندگی خانوار، چه میزان رضایتمندی و در چه وضعیتی قرار دارد؟ از این رو برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آزمون‌های آماری

بهره گرفته شده است. با توجه به اینکه در هدف تحلیل میزان اثر گذاری دریافت یارانه‌های نقدی بر کیفیت زندگی خانوار روستایی می‌باشد، لذا از شیوه تحلیل پانل گذشته‌نگر که به بررسی تغییر تفاوت‌های شکل گرفته در کیفیت زندگی خانوارهای دریافت کننده یارانه نسبت به قبل از دریافت یارانه‌ها می‌پردازد. برای این منظور، از آنجا که داده‌ها در قالب طیف لیکرت و از نوع ناپارامتری می‌باشد، از آزمون ویلکاکسون استفاده شده است. از بین ۴۷ گویه مورد مطالعه، نتایج آزمون نشان داد که ۲۱ گویه دارای سطح معناداری پایین‌تر از آلفا ۰/۰۵ بوده، این تفاوت ایجاد شده با دریافت یارانه‌های نقدی نسبت به قبل از دریافت یارانه در کیفیت زندگی خانوار می‌باشد. در این ۲۱ گویه اشاره شده چون تعداد و میانگین رتبه بعد از دریافت یارانه (مثبت‌ها) از تعداد و میانگین رتبه قبل از دریافت یارانه نقدی (یا منفی‌ها) بیشتر است، بنابراین، در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در ۲۱ گویه مورد نظر، نسبت به قبل تغییرات مثبت و قابل قبولی ایجاد شده است. همان‌طور که مشخص است، داشتن پس‌انداز ماهانه، افزایش توان و قدرت خرید، کاهش پیش‌فروش محصولات و تولیدات، افزایش تعداد دام، کاهش قرض‌های پولی، دریافت وام، خرید قسطی لوازم، قدرت بازپرداخت اقساط و ... است که عمدتاً در بعد اقتصادی کیفیت زندگی خانوار روستائیان می‌باشد و در سایر ابعاد کمتر است. در این میان نتایج آزمون نشان می‌دهد که ۲۶ گویه نیز نسبت به قبل از دریافت یارانه‌های نقدی تفاوتی نداشته است. البته باید توجه داشت که از بین گویه‌های ۲۱ گانه‌ای که پس از دریافت یارانه‌ها در میان روستائیان تغییر ایجاد کرده شدت تغییرات متفاوت است. به‌طوری که گویه‌های خرید قسطی لوازم و همچنین افزایش توان پاسخگویی به نیازهای فرزندان و خانوار دارای بیشترین میزان شدت تغییرات (با مقدار p-value یا سطح معناداری ۰/۰۰۱) بوده و گویه‌هایی مانند بازبینی دندان‌ها (با سطح معناداری ۰/۰۴۵)، انجام آزمایش‌های دوره‌ای (با سطح معناداری ۰/۰۴۹) و امیدواری به ادامه تحصیل فرزندان (با سطح معناداری ۰/۰۴۲) با شدت بسیار کم مورد تأیید قرار گرفته که به معنی میزان و شدت بسیار کم تغییرات نسبت به گذشته است (جدول ۴).

جدول ۴. سطح معناداری تغییرات در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی، بعد از پرداخت یارانه‌ها نسبت به قبل آن

میانگین رتبه‌ها		Test Statistics		رتبه‌ها			گویه‌ها	زیرمجموعه‌ها
مثبت	منفی	سطح معناداری	Z	جمع کل	رتبه‌های مثبت (b)	رتبه‌های منفی (a)		
۱۷۶/۴	۱۲۴/۲	۰/۰۳۱	-۳/۳۳۸(a)	۳۶۴	۱۰۶	۱۴۱	۱۱۷	افزایش درآمد و ثروت
۱۵۲/۷	۱۱۲/۵	۰/۰۲۴	-۳/۳۴۳(a)	۳۶۴	۵۱	۲۵۷	۵۶	
۱۴۶/۱	۱۰۱/۹	۰/۰۰۴	-۳/۴۵۹(a)	۳۶۴	۷۸	۱۸۹	۹۷	
۱۸۴/۷	۱۲۱/۲	۰/۰۱۵	-۳/۴۷۴(a)	۳۶۴	۱۲۹	۱۳۹	۹۶	
۱۹۷/۴	۱۲۴/۸	۰/۰۰۷	-۳/۴۸۴(a)	۳۶۴	۸۲	۱۷۴	۱۰۸	
۱۴۹/۸	۱۰۴/۳	۰/۰۱۸	-۲/۴۵۹(a)	۳۶۴	۲۸	۲۴۹	۸۷	ریسک‌پذیری اقتصادی
۱۴۳/۲	۱۰۹/۶	۰/۰۰۱	-۳/۴۳۸(a)	۳۶۴	۴۸	۲۸۷	۲۹	
۱۹۳/۵	۱۲۴/۲	۰/۰۳۴	-۳/۲۱۸(a)	۳۶۴	۲۵	۳۲۵	۱۴	
۱۴۱/۴	۱۸۴/۱	۰/۰۸۴	۳/۴۴۸(a)	۳۶۴	۴۲	۸۱	۲۴۱	ایجاد اشتغال
۱۳۴/۲	۱۹۴/۱	۰/۰۶۱	۴/۸۶۵(a)	۳۶۴	۲۴	۱۵	۳۲۵	
۱۸۱/۲	۱۴۱/۴	۰/۰۰۱	-۳/۴۲۶(a)	۳۶۴	۱۰۶	۲۴۱	۱۷	افزایش توان و قدرت خرید
۱۵۷/۶	۱۲۷/۶	۰/۰۴۱	-۳/۴۱۳(a)	۳۶۴	۲۴	۲۵۹	۸۱	
۱۹۴/۲	۱۷۴/۱	۰/۰۱۷	-۳/۶۶۶(a)	۳۶۴	۱۲	۳۱۱	۴۱	
۱۳۴/۱	۸۹/۷	۰/۰۴۷	-۳/۴۳۸(a)	۳۶۴	۱۳۴	۱۲۳	۱۰۷	

میانگین رتبه‌ها		Test Statistics		رتبه‌ها				گروه‌ها	زیر مجموعه‌ها
مثبت	منفی	سطح معناداری	Z	جمع کل	رتبه‌های خنثی (c)	رتبه‌های مثبت (b)	رتبه‌های منفی (a)		
۱۸۱/۲	۱۲۲/۱	۰/۰۳۴	-۳/۱۷۸(a)	۳۶۴	۱۳۰	۱۴۷	۸۷	کاهش میزان خوددرمانی‌ها	بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی
۱۵۴/۳	۱۲۸/۸	۰/۰۴۵	-۳/۱۵۴(a)	۳۶۴	۸۴	۱۵۶	۱۲۴	بازبینی دندان‌ها	
۱۶۷/۳	۱۲۰/۲	۰/۰۴۹	-۳/۱۷۸(a)	۳۶۴	۱۳	۱۸۷	۱۶۴	انجام آزمایش‌های دوره‌ای	
۱۴۳/۱	۱۳۲/۴	۰/۰۴۲	-۳/۱۷۷ (a)	۳۶۴	۳۲	۲۴۷	۸۵	امیدواری به ادامه تحصیل فرزندان	بهبود دسترسی آموزشی
۹۸/۱	۱۲۴/۲	۰/۱۳۸	۳/۲۷۱(a)	۳۶۴	۱۰۱	۱۱۹	۱۴۴	تهیه نیازمندی‌های آموزشی فرزندان	
۱۰۸/۱	۱۶۴/۳	۰/۱۴۲	۳/۱۱۵(a)	۳۶۴	۴۶	۱۲۱	۱۹۷	ثبت نام فرزندان در کلاس‌های فوق‌العاده	
۱۲۵/۱	۱۷۲/۴	۰/۱۱۲	۳/۲۱۴(a)	۳۶۴	۷۶	۱۰۷	۱۸۱	افزایش مصرف هفتگی پروتئین	تنوع رژیم غذایی
۱۲۲/۹	۱۵۶/۳	۰/۱۸۱	۳/۱۳۳(a)	۳۶۴	۴۶	۱۴۷	۱۷۱	افزایش مصرف هفتگی میوه و سبزیجات در برنامه غذایی	
۱۵۷/۴	۱۲۷/۳	۰/۰۴۱	-۳/۴۸۱(a)	۳۶۴	۵۴	۱۸۱	۱۲۹	افزایش مسافرت‌ها به خارج از روستا	توسعه فراغت و تفریح
۸۱/۷	۱۲۶/۲	۰/۰۹۷	۳/۱۵۸(a)	۳۶۴	۹۸	۲۵	۲۴۱	افزایش مسافرت‌های بلندمدت	
۱۰۷/۳	۱۵۷/۲	۰/۰۷۱	۳/۱۵۳(a)	۳۶۴	۸۷	۲۹	۲۴۸	مسافرت‌های خانوادگی	
۱۲۲/۵	۱۸۱/۳	۰/۱۵۶	۳/۱۵۱(a)	۳۶۴	۳۲	۱۵	۳۱۷	برگزاری مهمانی‌های خانوادگی	

میانگین رتبه‌ها		Test Statistics		رتبه‌ها				گروه‌ها	زیر مجموعه‌ها
مثبت	منفی	سطح معناداری	Z	جمع کل	رتبه‌های خنثی (c)	رتبه‌های مثبت (b)	رتبه‌های منفی (a)		
۱۴۷/۲	۱۰۷/۳	۰/۰۳۴	-۳/۱۹۷(a)	۳۶۴	۱۲۳	۲۴۱	۱۲۱	رضایتمندی از زندگی در محیط‌های روستایی	شادکامی و احساس خوشبختی
۱۵۴/۱	۱۸۲/۴	۰/۱۷۸	۳/۱۵۷(a)	۳۶۴	۳۷	۴۹	۲۷۸	بیشتر شدن مهمانی‌های خانوادگی	
۱۲۴/۱	۱۵۷/۳	۰/۲۴۷	۳/۳۳۸(a)	۳۶۴	۱۴	۵۱	۲۹۴	احساس برابری اجتماعی	
۱۳۶/۳	۱۸۱/۵	۰/۱۶۵	۳/۲۴۱(a)	۳۶۴	۶۴	۱۲۶	۱۷۴	کاهش سطح کار کودکان	
۱۲۵/۲	۱۷۹/۱	۰/۱۵۴	۳/۳۱۳(a)	۳۶۴	۲۶	۱۵۷	۱۸۱	کاهش سطح کار خارج از خانه زنان	
۱۴۷/۵	۱۷۲/۸	۰/۲۷۱	۲/۱۴۴(a)	۳۶۴	۳۵	۱۲۵	۲۰۴	برخورداری از آرامش روحی و روانی به لحاظ مالی	امید به آینده
۱۱۳/۴	۱۶۴/۲	۰/۰۸۳	۳/۱۵۸(a)	۳۶۴	۴۳	۲۴	۲۹۷	کاهش نگرانی نسبت به آینده	
۱۰۴/۲	۱۷۵/۵	۰/۰۶۱	۳/۱۰۷(a)	۳۶۴	۶۸	۷۷	۲۱۹	بیمه کردن خانواده	بیمه شدن
۱۱۷/۵	۱۸۳/۵	۰/۰۹۴	۳/۳۷۱(a)	۳۶۴	۵۳	۹۴	۲۱۷	بیمه محصولات و تولیدات کشاورزی	
۱۲۵/۲	۱۹۲/۵	۰/۱۲۷	۳/۱۷۳ (a)	۳۶۴	۶۹	۸۱	۲۲۴	انجام دادن بیمه‌های متفرقه (سرتق، آتش سوزی و ...)	
۱۲۹/۳	۱۸۷/۳	۰/۱۴۱	۳/۱۳۴(a)	۳۶۴	۳۸	۱۴	۳۱۲	احداث خانه جدید و نوساز	بهبود کیفیت مسکن
۱۳۴/۷	۱۶۴/۲	۰/۱۷۹	۳/۳۷۴ (a)	۳۶۴	۸	۱۵۱	۲۰۵	بازسازی بخش‌های قدیمی خانه	
۱۰۹/۵	۱۸۵/۳	۰/۱۵۴	۳/۲۱۴ (a)	۳۶۴	۳۵	۵۸	۲۷۱	اضافه کردن بخش جدید به خانه	

میانگین رتبه‌ها		Test Statistics		رتبه‌ها				گروه‌ها	زیر مجموعه‌ها
مثبت	منفی	سطح معناداری	Z	جمع کل	رتبه‌های خنثی (c)	رتبه‌های مثبت (b)	رتبه‌های منفی (a)		
۱۸۵/۲	۱۲۴/۲	۰/۰۲۴	۳/۱۶۱(a)	۳۶۴	۴۸	۱۷۵	۱۴۱	تقویت سیستم گرمایشی و سرمایشی خانه	بهبود کیفیت محیطی مسکن (تسهیلات)
۱۷۴/۵	۱۱۲/۵	۰/۰۳۶	۳/۳۴۴(a)	۳۶۴	۳۴	۲۱۸	۱۱۲	ایجاد سرویس بهداشتی در داخل خانه	
۱۸۴/۳	۱۱۸/۳	۰/۰۱۷	۳/۱۴۳(a)	۳۶۴	۲۷	۲۵۶	۸۱	داشتن حمام در خانه	
۱۳۷/۲	۱۸۹/۳	۰/۰۸۱	۲/۳۷۱(a)	۳۶۴	۹۳	۱۵۳	۳۰۴	افزایش سطح زیر کشت	توسعه کشاورزی
۱۵۴/۲	۱۷۸/۳	۰/۰۹۷	۳/۱۷۳(a)	۳۶۴	۱۵	۲۸	۳۲۱	تهیه و خرید ماشین‌آلات کشاورزی	
۱۲۲/۱	۱۶۳/۱	۰/۱۰۷	۳/۱۷۴(a)	۳۶۴	۳۵	۸۱	۲۴۸	بهبود آماده‌سازی زمین برای کشت	
۱۲۴/۸	۱۷۱/۸	۰/۱۴۲	۳/۱۳۹(a)	۳۶۴	۹۶	۹۷	۱۷۱	سرمایه‌گذاری در تسطیح زمین کشاورزی	
۱۴۳/۴	۱۶۰/۵	۰/۰۹۲	۳/۱۳۸(a)	۳۶۴	۶۴	۵۸	۲۴۲	راه‌اندازی سیستم آبیاری نوین	
a. Based on Negative Ranks b. Wilcoxon Signed Ranks Test				a = کیفیت زندگی خانوار بعد از دریافت یارانه نقدی < کیفیت زندگی خانوار قبل از دریافت یارانه نقدی b = کیفیت زندگی خانوار بعد از دریافت یارانه نقدی > کیفیت زندگی خانوار قبل از دریافت یارانه نقدی c = کیفیت زندگی خانوار بعد از دریافت یارانه نقدی = کیفیت زندگی خانوار قبل از دریافت یارانه نقدی					

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

همچنین برای ارزیابی تأثیرات دریافت یارانه‌های نقدی در بین روستائیان منطقه مورد مطالعه، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه و آزمون t تک نمونه‌ای به بررسی و تحلیل معناداری تفاوت میانگین‌ها پرداخته شد. شاخص‌های مورد بررسی در سه بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی/ محیطی از دیدگاه خانوارهای روستایی مورد بررسی قرار

گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین عددی حاصل از محاسبه شاخص‌های کیفیت زندگی خانوار روستایی در بین پاسخگویان مبین بالا بودن مقادیر میانگین به دست آمده در چهار شاخص (افزایش درآمد و ثروت، ریسک‌پذیری اقتصادی، افزایش توان و قدرت خرید، بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی) مورد بررسی است که بالاتر از میانه نظری مطلوبیت (۳) ارزیابی شده است و سایر شاخص‌ها نیز کمتر از میانه نظری بوده است. همچنین تفاوت معناداری به دست آمده در سطح آلفا ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دریافت یارانه‌های نقدی در چهار شاخص کیفیت زندگی خانوارهای مورد بررسی در روستاهای منطقه مورد مطالعه، اثرگذار بوده و در ۱۰ شاخص دیگر این اثرگذاری مشاهده نمی‌شود (جدول ۵). بنابراین می‌توان گفت دریافت یارانه‌های نقدی عمدتاً توانسته در بعد اقتصادی در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی تأثیرگذار باشد و در بعد اجتماعی (به غیر از بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی) و کیفیت محیطی / کالبدی این تأثیرگذاری به گفته روستائیان اتفاق نیفتاده است.

جدول ۵. معناداری تفاوت از میانه نظری شاخص کیفیت زندگی خانوارهای روستایی با دریافت یارانه نقدی

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳							
ابعاد	شاخص‌های مورد مطالعه	میانگین	آماره t آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
						پایین تر	بالا تر
اقتصادی	افزایش درآمد و ثروت	۳/۱۷۴	۱۱/۲۴۳	۳۶۳	۰/۰۱۳	۰/۱۷۴	۰/۰۹۱
	ریسک‌پذیری اقتصادی	۳/۰۱۶	۹/۶۹۱	۳۶۳	۰/۰۲۴	۰/۰۱۶	۰/۴۱۲
	ایجاد اشتغال	۲/۰۴۱	۱۱/۴۲۹	۳۶۳	۰/۰۷۱	-۰/۹۶	-۰/۳۱۸
	افزایش توان و قدرت خرید	۳/۱۴۱	۷/۴۴۱	۳۶۳	۰/۰۱۱	۰/۱۴۱	۰/۱۸۴
اجتماعی	بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	۳/۰۵۱	۱۷/۴۵۷	۳۶۳	۰/۰۳۸	۰/۰۵۱	۰/۳۸۴

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳							
ابعاد	شاخص‌های مورد مطالعه	میانگین	آماره t آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
						پایین تر	بالا تر
	بهبود دسترسی آموزشی	۲/۸۷۱	۸/۴۳۱	۳۶۳	۰/۰۹۱	-۰/۱۲۹	-۰/۴۳۵
	تنوع رژیم غذایی	۲/۸۴۱	۱۰/۳۷۲	۳۶۳	۰/۰۸۴	-۰/۱۵۹	-۰/۱۷۴
	توسعه فراغت و تفریح	۲/۳۱۴	۱۴/۲۴۱	۳۶۳	۰/۰۵۷	-۰/۶۸۶	-۰/۱۳۵
	شادکامی و احساس خوشبختی	۲/۸۴۳	۱۱/۳۵۴	۳۶۳	۰/۱۴۳	-۰/۱۵۷	-۰/۱۴۲
	امید به آینده	۲/۷۴۲	۷/۶۲۵	۳۶۳	۰/۰۸۵	-۰/۲۵۸	-۰/۲۷۹
	بیمه شدن	۲/۳۱۸	۹/۳۱۲	۳۶۳	۰/۱۰۱	-۰/۶۸۲	-۰/۰۴۷
محیطی / کالبدی	بهبود کیفیت مسکن	۲/۹۲۴	۱۹/۸۲۵	۳۶۳	۰/۰۸۹	-۰/۰۷۶	-۰/۵۷۳
	بهبود کیفیت محیطی مسکن (تسهیلات)	۲/۹۲۸	۱۲/۹۶۴	۳۶۳	۰/۱۷۱	-۰/۰۷۲	-۰/۲۳۶
	توسعه کشاورزی	۲/۴۱۵	۱۳/۴۱۸	۳۶۳	۰/۱۰۵	-۰/۵۸۵	-۰/۱۹۹

مأخذ: همان.

همچنین با استفاده از روش استنباطی رگرسیون به برآورد رابطه‌ای ریاضی و تحلیل آن پرداخته شده است، به طوری که تلاش شد با آن بتوان کمیت متغیر مجهول را با استفاده از متغیر معلوم تعیین کرد و سپس از طریق همبستگی به تعیین نوع رابطه و میزان ارتباط متغیرها پرداخته شود. لذا با استفاده از رگرسیون تک‌متغیره تأثیر خطی یک متغیر مستقل (دریافت یارانه) را روی متغیر وابسته (کیفیت زندگی) بررسی کرده و با استفاده از رگرسیون چندگانه برای بالا بردن دقت، تأثیر هم‌زمان و خطی متغیر مستقل روی متغیر وابسته اندازه‌گیری می‌شود. برای این منظور فرض مورد نظر این است که «بین دریافت یارانه نقدی و افزایش کیفیت زندگی خانوارهای روستایی رابطه وجود دارد». برای آزمون فرضیه، ابتدا انحراف معیار محاسبه شده و سپس ضریب همبستگی متغیرها به دست آمد. همچنین برای اینکه مشخص شود این نتیجه در دوره‌های بعدی هم به دست می‌آید از آزمون معنادار بودن T استفاده شده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در همه موارد بین دریافت یارانه‌های نقدی و شاخص‌های کیفیت زندگی خانوارهای روستایی همبستگی وجود دارد. در مجموع همبستگی دریافت نقدی یارانه‌ها با کل کیفیت زندگی خانوارهای روستایی برابر با $0/018$ می‌باشد که گویای رابطه بین دریافت یارانه‌ها با کیفیت زندگی خانوارهای روستایی است. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که بیشترین ضریب تعیین مربوط به شاخص‌های افزایش توان و قدرت خرید به مقدار $0/189$ می‌باشد؛ یعنی $18/9$ درصد از تغییرات کیفیت زندگی خانوارها به لحاظ قدرت خرید، ناشی از دریافت یارانه‌هاست. شاخص ریسک‌پذیری اقتصادی با $17/4$ درصد و افزایش درآمد و ثروت $16/9$ درصد در رتبه دوم و سوم قرار دارند. در مجموع ضریب تعیین کیفیت زندگی خانوارهای روستایی برابر با $0/125$ می‌باشد که نشان می‌دهد $12/5$ درصد از تغییرات کل کیفیت زندگی خانوارهای روستایی متأثر از دریافت یارانه نقدی است.

بنابراین، باید گفت دریافت یارانه‌های نقدی، سهم اندکی در اثرگذاری بر کیفیت زندگی خانوارهای روستایی مورد مطالعه دارد. در ضمن، برای مشخص شدن معناداری تأثیرگذاری دریافت یارانه‌های نقدی بر هر یک از شاخص‌های کیفیت زندگی خانوارهای روستایی، از مقدار ارزش p یا سطح معناداری به دست آمده در آزمون رگرسیون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تنها در چهار شاخص (افزایش درآمد و ثروت، ریسک‌پذیری اقتصادی، افزایش توان و قدرت خرید، بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی) آلفای به دست آمده کمتر از $0/05$ می‌باشد. به عبارت دیگر، تنها در چهار شاخص فوق، رابطه معناداری بین دریافت یارانه‌های نقدی و بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی وجود دارد و در 10 شاخص دیگر رابطه در مدل معنادار نمی‌باشد. همچنین در مجموع، بین دریافت یارانه نقدی و کل کیفیت زندگی خانوارهای روستایی رابطه معنادار به مقدار $0/046$ وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۶. رگرسیون متغیر مستقل (دریافت یارانه نقدی) و متغیر وابسته (کیفیت زندگی خانوار)

متغیر	انحراف معیار	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	آماره آزمون	سطح معناداری	β	1β
دریافت یارانه نقدی	۲۱۸۷۴۳/۴۱						
افزایش درآمد و ثروت	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۱۷	۰/۱۶۹	۰/۰۹	۰/۰۳۶	۴۱۳۱۳۳/۹	۰
دریافت یارانه نقدی	۲۰۴۵۷۱/۳۲						
ریسک‌پذیری اقتصادی	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۱۶	۰/۱۵۴	۰/۱۳	۰/۰۳۸	۳۶۴۵۲۱	۰
دریافت یارانه نقدی	۴۲۱۵۴۷/۶۱						
ایجاد اشتغال	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۲۲	۰/۱۴۳	۰/۱۱	۰/۰۹۲	۲۱۴۵۹۷۱	۰
دریافت یارانه نقدی	۶۵۹۴۲۷/۳۵						
افزایش توان و قدرت خرید	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۱۵	۰/۱۸۹	۰/۱۲	۰/۰۳۴	۶۵۸۷۲۴/۳	۰
دریافت یارانه نقدی	۳۶۵۴۷۸/۲۷						
بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۲۴	۰/۱۱۶	۰/۳۱	۰/۰۳۷	۲۴۸۷۲۶	۰
دریافت یارانه نقدی	۳۲۵۹۷۲/۶۴						
بهبود دسترسی آموزشی	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۳۴	۰/۰۷۴	۰/۱۶	۰/۰۳۴	۸۷۵۲۱۹/۸۴	۰
دریافت یارانه نقدی	۶۱۲۷۵۹/۴۸						
تنوع رژیم غذایی	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۲۶	۰/۰۴۶	۰/۱۱	۰/۰۲۶۴	۳۲۹۷۶۱/۴۷	۰
دریافت یارانه نقدی	۵۲۹۷۱۶/۱۷						
توسعه فراغت و تفریح	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۳۷	۰/۰۹۸	۰/۰۷	۰/۰۴۲	۶۵۸۴۲۹/۷۵	۰
دریافت یارانه نقدی	۷۵۱۲۳۹/۳۴						
شادکامی و احساس خوشبختی	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۲۳	۰/۰۱۷	۰/۱۳	۰/۰۶۲۴	۵۴۲۷۹۲	۰
دریافت یارانه نقدی	۷۲۹۱۲۴/۸۹						
امید به آینده	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۳۹	۰/۰۴۶	۰/۰۹	۰/۰۵۲۹	۶۲۴۸۲۴/۳۷	۰
دریافت یارانه نقدی	۳۷۱۶۹۲/۴۹						
بیمه شدن	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۲۴	۰/۰۴۸	۰/۲۶	۰/۰۴۲۷	۸۷۲۶۴۲/۶۲	۰
دریافت یارانه نقدی	۶۵۷۱۲۹/۳۸						

متغیر	انحراف معیار	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	آماره آزمون	سطح معناداری	α	1β
بهبود کیفیت مسکن	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۳۵	۰/۰۳۱	۰/۱۵	۰/۳۲۴	۰/۰۵	۰
دریافت یارانه نقدی	۹۴۲۳۸۱/۳۴						
بهبود کیفیت محیطی مسکن (تسهیلات)	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۴۸	۰/۰۹۵	۰/۰۴	۰/۴۱۹	۰/۰۵	۰
دریافت یارانه نقدی	۲۷۹۴۳۵/۲۷						
کل کیفیت زندگی خانوارها	۳۱۱۲۳۲۱۵۶/۵	۰/۰۱۸	۰/۱۲۵	۰/۰۸	۰/۰۴۶	۰/۰۵	۰

مأخذ: همان.

لذا می‌توان گفت در فرایند هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی به مردم روستایی نه تنها بخش تولید رونق نیافته است، بلکه افزایش شدید قیمت بسیاری از کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی منجر به تأثیر مستقیم آن بر اقشار مختلف مردم از جمله قشر کم‌درآمد در جامعه روستایی شده است. به همین جهت بیشتر روستائیان مورد مطالعه بیان می‌کنند که «حاضریم یارانه‌ای دریافت نکنیم اما از قدرت خرید قبل از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی برخوردار شویم». از نظر روستائیان اجرای فاز نخست یارانه‌ها و پرداخت نقدی یارانه به روستائیان، هرچند موجب کاهش فاصله طبقاتی در کوتاه‌مدت شده باشد اما رشد فزاینده تورم در سال‌های بعد و همچنین پرداخت یارانه نقدی به صورت برابر و هم‌زمان برای کلیه اقشار کم‌درآمد و ثروتمند، فاصله طبقاتی را بیشتر کرده به طوری که اختلاف درآمدهای بیشتر از قبل نمود پیدا کرده است. در صورتی که ماهیت اصلی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت نقدی، ایجاد عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و فقیر بوده است. بنابراین ارزش و مطلوبیت یارانه پرداختی به مردم روستایی از بین رفته است؛ زیرا شیوه آزادسازی قیمت‌ها در طرح هدفمندسازی یارانه‌ها با شیب تندی همراه بوده که موجب افزایش قیمت چندین برابری کالاهای اساسی و همچنین تورم شده است. لذا مردم در مناطق روستایی معتقدند در ماه‌های ابتدایی از دریافت یارانه به‌ویژه یارانه نقدی راضی به نظر می‌رسیدند اما ارزش و مطلوبیت مبلغ ۴۵ هزار تومانی یارانه پرداختی

به تدریج و در نتیجه بار تورم حتی برای روستائیان که به مراتب هزینه زندگی پایین تری نسبت به شهرنشینان دارند، از بین رفته است؛ زیرا پرداخت پول نقد به مردم دارای اثر تورمی است و از سویی به نظر می‌رسد با سرریز شدن یارانه‌های نقدی توسط مردم به ویژه روستائیان به بازار و اقدام به خرید کالا و لوازم مصرفی، سبب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده است.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

برقراری عدالت اجتماعی از اهداف اساسی و اولیه مورد تأکید در فرایند توسعه پایدار است که در قالب شعارهای عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی قابل پیگیری می‌باشد. کشورها برای تحقق چنین هدفی تلاش‌های بسیار انجام داده‌اند؛ زیرا نبود عدالت اجتماعی سبب ایجاد شکاف‌های اجتماعی و پایین بودن سطح کیفیت زندگی در برخی از جوامع و گروه‌های انسانی است. شیوه‌های مختلفی از سوی دولت‌ها برای پیگیری تحقق عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی مورد توجه قرار گرفته است که یکی از مهم‌ترین آنها، هدفمندسازی یارانه‌ها و هدایت بخشی از سرمایه‌های ملی به طبقات پایین اجتماعی برای کاهش فاصله‌هاست. در این راستا، در کشور ما نیز براساس اهداف برنامه پنجم توسعه، اقدام به هدفمندسازی یارانه‌ها در قالب قانون گردید. در فرایند اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، یکی از شیوه‌های مورد تأکید، پرداخت نقدی بوده است که حجم قابل توجهی از منابع مالی ماهانه به مردم پرداخت می‌شود. هدف اصلی آن نیز توانمندسازی اقشار ضعیف، گروه‌های هدف، فقرا و روستائیان است تا از این طریق تغییراتی در سطح کیفیت زندگی آنها به ویژه در سطح خانوار شکل گیرد.

بر این اساس در این مطالعه تلاش شد تا با وجود گذشت چندین سال از پرداخت یارانه‌های نقدی در کشور، میزان اثرگذاری آن در کیفیت زندگی روستائیان مورد بررسی قرار گیرد. لذا روستائیان ۱۵ نقطه روستایی در دهستان شیرنگ شهرستان علی‌آباد به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند و براساس شاخص‌های چهارده گانه طراحی شده در قالب سه بعد به ارزیابی کیفیت زندگی خانوارهای روستایی و تغییرات آنها به واسطه دریافت

یارانه‌های نقدی نسبت به قبل از دریافت مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که یارانه‌های نقدی دریافت شده توسط روستائیان به دلیل مقدار کم آن، عمدتاً صرف خرید لوازم با قیمت‌های پایین برای خانواده شده است. همچنین، ارزیابی روندی رضایتمندی از یارانه‌ها در طول چهار سال گذشته نشان می‌دهد که از نظر روستائیان رضایتمندی از دریافت یارانه‌ها، با وجود بالاتر بودن از حد میانگین متوسط نظری (عدد ۳)، ولی دارای سیر نزولی است. در ادامه مقایسه قبل و بعد کیفیت زندگی خانوارهای روستایی از طریق آزمون ویلکاکسون نشان می‌دهد که از بین ۴۷ گویه مورد مطالعه، ۲۱ گویه دارای سطح معناداری پایین‌تر از آلفا ۰/۰۵ بوده و نشان‌دهنده تفاوت ایجاد شده توسط دریافت یارانه‌های نقدی نسبت به قبل از دریافت یارانه در کیفیت زندگی خانوار است. بنابراین، در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در ۲۱ گویه مورد نظر، نسبت به قبل تغییرات مثبت و قابل قبولی ایجاد شده است که عمدتاً در بعد اقتصادی کیفیت زندگی خانوار روستائیان می‌باشد و در سایر ابعاد کمتر است. در این میان نتایج آزمون نشان می‌دهد که ۲۶ گویه نیز نسبت به قبل از دریافت یارانه‌های نقدی تفاوتی نداشته است. همچنین تفاوت معناداری به دست آمده از آزمون T، در سطح آلفا ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دریافت یارانه‌های نقدی در زمینه چهار شاخص کیفیت زندگی خانوارهای مورد بررسی (افزایش درآمد و ثروت، ریسک‌پذیری اقتصادی، افزایش توان و قدرت خرید، بهبود دسترسی بهداشتی و درمانی) در روستاهای منطقه مورد مطالعه، اثرگذار بوده و در ۱۰ شاخص دیگر این اثرگذاری مشاهده نمی‌شود. لذا در کل می‌توان گفت، با وجود مثبت و خیرخواهانه بودن نفس هدفمندی اقتصادی و در زیرمجموعه آن، ارائه یارانه‌های نقدی مؤثر نبوده است، اما نکته مهم اینکه شاید دلیل اساسی اثرگذاری ضعیف آن در شرایط واقعی زندگی روستائیان، شیوه‌های اجرایی نامناسب آن باشد که با اصلاح شیوه‌ها می‌توان به اثرگذاری بیشتر طرح در کیفیت زندگی روستائیان به عنوان اهداف اصلی هدفمند کردن یارانه‌ها در کشور دست یافت. لذا هدفمند کردن یارانه‌ها با توجه به موارد قانونی ذکر شده برای توسعه کشور و کاهش شکاف‌های اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی مفید و مؤثر است، اما پرداخت نقدی به نظر مردم روستایی نیز آن‌چنان قابل قبول نیست؛ زیرا با شیب بالای افزایش قیمت‌ها و همچنین

حامل‌های انرژی در کشور، قدرت و ارزش دریافت نقدی بسیار کاهش یافته و ازسوی دیگر مقدار بالایی از یارانه‌های نقدی نیز به مابه‌التفاوت حامل‌های انرژی پرداخت می‌شود. بنابراین برای افزایش تأثیرگذاری پرداخت‌های نقدی در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف مورد تأکید در فرایند هدفمندسازی یارانه‌ها، می‌توان پیشنهادهایی را به‌صورت زیر ارائه کرد: هدایت یارانه‌ها به سمت پروژه‌های عمرانی و زیرساختی برای روستائیان با اهداف بلندمدت توسعه‌ای، برای افزایش اثرگذاری پرداخت‌های نقدی در زندگی خانوارهای روستایی، یارانه‌های نقدی افراد ثروتمند و یا واقع در سطوح و طبقات بالای اجتماعی حذف شود، میزان مبلغ یارانه‌های نقدی پرداختی به روستائیان با توجه به میزان تورم سالیانه افزایش یابد تا ارزش ریالی یارانه‌ها کاهش نیابد.

منابع و مآخذ

۱. افزاخته، حسن (۱۳۹۳). «یارانه و کیفیت زندگی روستائیان»، اولین همایش علوم جغرافیایی ایران: پایداری سیستم‌های روستایی، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
۲. امینی، رامین (۱۳۸۸). «تحلیل هدفمند کردن یارانه‌ها در بخش کشاورزی»، مجله دام، کشت و صنعت، ش ۱۱۷.
۳. پالیزدار، عباس (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. پر مه، زورار و خلیل حیدری (۱۳۸۵). «تعیین خانوارهای نیازمند از بی‌نیاز با استفاده از آزمون تقریب میانگین (در راستای هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران)»، فصلنامه پژوهش بازرگانی، ش ۴۱.
۵. پیرایی، خسرو و سیدبهرز سیف (۱۳۸۹). «تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران»، پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، ش ۹، پیاپی ۵۷.
۶. ترکمان احمدی، معصومه، شهرام فتاحی و محمد خیری (۱۳۹۰). «بررسی بهینه‌سازی انرژی در شرکت‌های فولادی پس از هدفمندی یارانه‌ها»، اولین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی، تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۷. حسینی، سیدشمس‌الدین و امین مالکی (۱۳۸۴). «روش پرداخت یارانه و معیارهای انتخاب آن، بررسی تجربه کشورهای منتخب و ایران»، مجله بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۳.
۸. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۳). «سنجش و اولویت‌بندی مناطق روستایی برحسب سطوح کیفیت زندگی شهرستان مشکین‌شهر»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، ش ۳۳.
۹. حیدری، خلیل، زورار پر مه، داود چراغی، سعید غلامی و محمد راستی (۱۳۸۶). «اصلاح نظام پرداخت یارانه کالاهای اساسی در ایران (با تأکید بر هدفمندی یارانه)»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۰. دانش جعفری، داوود (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. رضوانی، محمدرضا، حسین منصوریان و فاطمه احمدی (۱۳۸۸). «ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی: مطالعه موردی شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۱، ش ۱.

۱۳. رضوانی، محمدرضا، علیرضا شکیبا و حسین منصوریان (۱۳۸۷). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۸، ش ۳۰ و ۳۱.
۱۴. زرگر، محمود (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی مردم روستاهای اطراف شهر سمنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۵. سلیمانی، محمد و محمدعلی نظری (۱۳۸۸). «ساماندهی نظام توزیع یارانه در دولت نهم»، فصلنامه برداشت دوم، سال ۶، ش ۹.
۱۶. شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. شبیانی، ابراهیم (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. طوقی، مهرباب (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی خانوارهای کم‌درآمد شهرستان ایرانشهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۱۹. عبادی، جعفر و محمدحسین قوام (۱۳۸۸). «هدفمندسازی یارانه دارو از دو منظر عدالت و کارایی» مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۸۶، دوره ۴۴.
۲۰. عباسیان، عزت‌الله و زهرا اسدیگی (۱۳۹۱). «ارتباط هدفمندسازی یارانه‌های انرژی با رفاه اجتماعی از مسیر رشد اقتصادی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۴.
۲۱. عسگری آزاد، محمود (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۸). «کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران، شیرازه».
۲۳. فتاحی، احداله (۱۳۸۹). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی دهستان خاوه شمالی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. فرجی سبکبار، حسنعلی، طاهره صادقلو و حمداله سجاسی قیداری (۱۳۹۰). «سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی: مطالعه موردی دهستان آق‌بلاغ استان زنجان»، فصلنامه علمی و پژوهشی روستا و توسعه، دوره ۱۴، ش ۴.
۲۵. قادری، سیدفرید، جعفر رزمی و عسگر صدیقی (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر پرداخت یارانه مستقیم انرژی بر شاخص‌های کلان اقتصادی با نگرش سیستمی»، نشریه دانشکده فنی، دوره ۳۹، ش ۴، (پیاپی ۹۲).
۲۶. قنبری، یوسف، حمزه رحیمی و مهدی احمدیان (۱۳۹۲). «سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی

- روستایی، (مطالعه موردی: دهستان میانده، شهرستان فسا)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ش ۳.
۲۷. کریمی، مظفر، محسن ریاضی، سیدمحمد موسوی خطاط (۱۳۸۸). «آثار اجتماعی هدفمندسازی یارانه‌ها و راهکارهای پیشنهادی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اجتماعی.
۲۸. کمیجانی، اکبر (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۹. لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۰). «فرایندهای برنامه‌ریزی با تأکید بر جنبه‌های مشارکتی آن»، مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان، تهران، مرکز امور مشارکت زنان، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸). «آثار اجتماعی هدفمندسازی یارانه‌ها و راهکارهای پیشنهادی»، دفتر مطالعات اجتماعی.
۳۱. مصباحی مقدم، غلامرضا، حمیدرضا اسمعیلی گیوی و مهدی رعایانی (۱۳۸۸). «بررسی و آسیب‌شناسی هدفمندسازی پرداخت یارانه‌ها»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۵.
۳۲. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۷). «هدفمندی یارانه‌ها، بررسی مفهوم و تجربه کشورها»، وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
۳۳. معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۳). «روش‌های پرداخت یارانه و معیارهای انتخاب آن، بررسی تجربه کشورهای منتخب و ایران»، وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی.
۳۴. موسوی، سیدنعمت‌الله، اردوان خالویی و ذکریا فرج‌زاده (۱۳۸۸). «بررسی اثرات رفاهی حذف یارانه کود شیمیایی بر تولیدکنندگان ذرت استان فارس»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ج ۱، ش ۴.
۳۵. یونس سینکی، حسن (۱۳۸۶). «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، ج ۱، تهران، وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
36. Adams, Richard H. (2005). *Self-targeted Subsidies, the Distributional Impact of Egyptian Food Subsidies*, World Bank.
37. Alderman, Harold and Kathy Lindert (1998). "The Potentials and Limitations of Self-targeted Food Subsidies", *World Bank Research Observer* 13.
38. Barr, Nicholas (2004). *Economics of the Welfare State*, New York, Oxford, University Press.
39. Besley, Timothy and Ravi Kanbur (1993). *The Principles of Targeting*, Washington D.C., World Bank.
40. Diener, E. and S. Oishi (2000). *Money and Happiness: Income and Subjective Well-being*, Cambridge: MIT Press.

41. Drotar, D. (1998). "Measuring Health-related Quality of Life in Children and Adolescents: Implication for Research and Clinical Practice", Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
42. Dutta, Bhaskar and Bharat Ramaswami (2004). "Reforming Food Subsidy Schemes, Estimating the Gains from Self-targeting in India", *Review of Development Economics*, 8(2).
43. Flora, J. L. (2007). "Social Capital and Communities of Place", *Rural Sociology*, Vol. 63.
44. Foo, T. S. (2000). "Subjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore (1997-1998)", *Habitat International*, 24(1).
45. Lipton, Micheal and Martin Ravallion (1995). "Poverty and Policy", *Handbook of Development Economics*, Vol. III A, Amsterdam, Elsevier.
46. Shaoarkar, Janson and Richard Moor (2005). "Conservation Use and Quality of Life a Rural Community: An Extension of Goldschmidt's Findings", *Southern Rural Sociology*, 23(1).
47. UN Human Development Report (1994). Oxford University Press, New York.
48. Van de Walle, Dominique (1998). "Targeting Revisited", *World Bank Research Observer*, 13.
49. Ventegots, M. and N. Jovvj (2003). "Quality of Life Theory: An Integrative Theory of the Global Quality of Life Concept", *The Scientific World Journal*, 3.

سرمایه اجتماعی، محیط کسب و کار و نهادهای دولتی: مبانی نظری، تجربیات عملی و توصیه‌ها (با تأکید بر قوه مقننه)

سعید عطار *

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۹/۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۲/۸

در نتیجه تغییر چشم‌انداز اقتصاددانان از تأکید بر سرمایه فیزیکی و سپس سرمایه انسانی به سرمایه اجتماعی، محیط اجتماعی کسب و کار به عنوان یکی از محیط‌های دربرگیرنده کسب و کارها از اهمیت زیادی برخوردار شد. به رغم این تحولات، با نگاهی به قوانین برنامه توسعه کشور (برنامه چهارم و پنجم) و سند چشم‌انداز می‌توان گفت که تاکنون نظام تدبیر در ایران، توجه به بهبود محیط کسب و کار را موضوعی مستقل از ارتقای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است. این نوشتار تلاش دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از شیوه مطالعات اسنادی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که سرمایه اجتماعی چه نقشی در بهبود محیط کسب و کار دارد؟ اگر سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب و کار نقش دارد، آیا نهادهای دولتی می‌توانند با اتخاذ برخی رویه‌ها و سیاست‌ها و تدوین قوانین، سرمایه اجتماعی کشور را کاهش یا افزایش دهند؟ پرسش اخیر، درصدد روشن کردن زاویه دید جدیدی برای بحث جاافتاده در میان سیاست‌گذاران و قانونگذاران ایران است: «نهادهای دولتی بر محیط کسب و کار تأثیر می‌گذارند». این نوشتار نشان می‌دهد که ادبیات رو به رشدی در مورد تأثیر نهادهای دولتی بر سرمایه اجتماعی و از این طریق بر محیط کسب و کار وجود دارد (سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر واسطه‌ای). در میان نهادهای دولتی، نقش قوه مقننه در ارتقای سرمایه اجتماعی بسیار حیاتی است، چنانکه حداقل، تجربه کانادا و اسپانیا نشان می‌دهد. نوشتار حاضر با بررسی هم‌پیوندی محیط کسب و کار و سرمایه اجتماعی و نقش نهادهای دولتی در بهبود سرمایه اجتماعی، توصیه‌های تقنینی مشخصی را برای ارتقای وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران ارائه خواهد داد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی؛ محیط کسب و کار؛ نهادهای دولتی؛ قوه مقننه؛ توصیه‌های تقنینی

مقدمه^۱

پیشرفت‌های اخیر در مطالعات توسعه، منجر به طراحی سیاست‌های دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر در کشورهای در حال توسعه شده است. اگر در گذشته، تلاش برای کسب سرمایه فیزیکی، تلاشی برای رونق‌بخشی به اقتصاد تصور می‌شد، شکست‌های این شیوه نگرش، باعث تحلیل دقیق‌تر از موانع رشد و توسعه در کشورهایی شد که از نظر نهاده‌هایی چون سرمایه فیزیکی و طبیعی با وفور منابع روبه‌رو بودند. از میانه‌های دهه ۱۹۸۰، مطالعات اقتصادسنجی که به همین منظور سامان می‌یافت، حاکی از آن بود که متغیرهای مزبور، به تنهایی قادر به تبیین علل عملکرد اقتصادی متفاوت کشورها نیستند. در گام بعد، متغیرهای دیگری همچون نرخ سواد، سطح تحصیلات و مهارت نیروی کار، که به عنوان مصادیق یا متغیرهای سرمایه انسانی شناخته می‌شدند، به مطالعات افزوده شدند. پس از تحلیل نتایج یک دهه تأکید بر سرمایه انسانی، این نتیجه به دست آمد که به‌رغم اهمیت زیاد سرمایه انسانی برای رونق‌بخشی به اقتصاد کشورها، فقدان نوع دیگری از سرمایه باعث می‌شود تا سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی نتوانند به عواملی برای رونق‌بخشیدن به کسب و کار مبدل شوند. از آخرین دهه قرن گذشته، اقتصاددانان با وارد کردن متغیرهای سرمایه اجتماعی به مدل‌هایی که برای مطالعه میزان تأثیر عوامل مختلف بر رشد اقتصادی کشورها طراحی می‌کردند، گام مهم دیگری برداشتند.

تجربیات گذشته نشان می‌داد که برای تقویت رشد و توسعه اقتصادی در کشورها، باید به عواملی توجه کرد که به رونق کسب و کار کمک کنند. کسب و کار متأثر از متغیرهای تکنولوژیکی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، حقوقی، طبیعی و جهانی هستند. برای فهم چگونگی رونق گرفتن کسب و کار (و در نتیجه، رشد و توسعه اقتصادی) باید به «محیط کسب و کار»^۲

۱. بخش‌هایی از این مقاله، از پژوهشی تحت عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب و کار (با تأکید بر نقش قوه مقننه)» گرفته شده که با حمایت مالی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب و کار) انجام شده است. از آقایان دکتر جعفر خیرخواهان، دکتر امیر سیاح، دکتر احمد مرکز مالیری و دکتر فرهاد نصرتی‌نژاد برای ارائه پیشنهادها مفید و در اختیار گذاشتن برخی داده‌های آماری تشکر می‌کنم.

توجه کرد. محیط کسب و کار نیز اشاره به عوامل متعددی دارد که خارج از اراده و توان صاحبان کسب و کار، بر آنها تأثیر می‌گذارد (Jain, Trehan and Trehan, 2010: 21). در نتیجه این تغییر چشم‌انداز اقتصاددانان، محیط اجتماعی کسب و کار به‌عنوان یکی از محیط‌های دربرگیرنده کسب و کار از اهمیت زیادی برخوردار شد چرا که حدس زده می‌شد با بهبود در متغیرهای اجتماعی کسب و کار، که بخشی از آن در قالب بحث «سرمایه اجتماعی»^۱ مورد توجه قرار گرفت، اقتصاد کشور به مدار رشد وارد می‌شود.

سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی بهبود محیط کسب و کار، به ساده‌ترین معنا عبارت است از مجموعه شاخص‌های مربوط به سه مؤلفه اعتماد، هنجارها (ی نوع دوستانه) و شبکه‌ها (به معنای مشارکت) (Putnam, 1993, 2000). به‌عبارت‌دیگر، الزامات اخلاقی و هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه اعتماد) و شبکه‌های مشارکت اجتماعی (به‌ویژه انجمن‌های داوطلبانه) سه جزء اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ایده اصلی اندیشه رابرت پاتنام، به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلی سرمایه اجتماعی، این است که اگر منطقه‌ای دارای نظام اقتصادی کارایی باشد و از سطح بالایی از یکپارچگی سیاسی نیز برخوردار باشد، باید آنها را نتیجه انباشت موفقیت‌آمیز سرمایه اجتماعی در آن منطقه دانست (عطاری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). از نظر وی، «هرجا اعتماد و شبکه‌های اجتماعی شکوفا شوند، افراد، شرکت‌ها، محله‌ها و حتی ملت‌ها پیشرفت می‌کنند» (Putnam, 2000: 20). طبق نظر او، یافته‌های تاریخی نشان می‌دهند که رفاه اقتصادی اجتماعات، ریشه در مدنیت آنان دارد، نه چیز دیگر. او سپس نتیجه‌گیری می‌کند «سرمایه اجتماعی شامل هنجارها و شبکه‌هایی از همکاری‌های مدنی است که به‌نظر می‌رسد پیش‌شرطی برای توسعه اقتصادی و سیاسی باشند همان‌طور که پیش‌شرطی برای حکومت کارآمد هستند» (Ibid.: 37). با این اندیشه‌ها بود که مفهوم سرمایه اجتماعی، برای مطالعات رشد اقتصادی و پس از آن، برای بهبود محیط کسب و کار مهم تلقی شد.

در یک دهه اخیر، ایران نیز به اهمیت مفهوم سرمایه اجتماعی و ضرورت توجه سیاستگذاران کشور به این موضوع را در دستور کار خود قرار داد. توجه سیاستگذاران

کشور به سرمایه اجتماعی در برنامه‌های توسعه‌ای باعث شد تا در ماده (۱۵۵) برنامه چهارم توسعه، ماده‌های (۴۱ تا ۴۳) در ذیل عنوان «سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده» برنامه پنجم توسعه و در بند «۲» سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، بر اهمیت برخورداری از سرمایه اجتماعی و کسب سهم برتر از این سرمایه، تأکید شود.

نگاهی به ماهیت بندهای قوانین بالادستی در مورد سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که در نگاه قانونگذاران و سیاستگذاران کشور، سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی غیراقتصادی یا بی‌ارتباط با حوزه اقتصاد و کسب‌وکار در نظر گرفته شده است. از این‌رو، تاکنون نظام تدبیر در ایران، توجه به ارتقای سرمایه اجتماعی را موضوعی مستقل از بهبود فضای کسب‌وکار در نظر گرفته است. این نوشتار تلاش دارد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که سرمایه اجتماعی چه نقشی در بهبود محیط کسب‌وکار دارد؟ اگر سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب‌وکار نقش دارد، آیا نهادهای دولتی می‌توانند با اتخاذ برخی رویه‌ها و سیاست‌ها و تدوین قوانین، سرمایه اجتماعی کشور را کاهش یا افزایش دهند؟ پرسش اخیر، درصدد روشن کردن زاویه دید جدیدی برای یک بحث جاافتاده در میان سیاستگذاران و قانونگذاران ایران است: «نهادهای دولتی بر محیط کسب‌وکار تأثیر می‌گذارند». این نوشتار نشان خواهد داد که ادبیات رو به رشدی در مورد تأثیر نهادهای دولتی بر سرمایه اجتماعی و از این طریق، تأثیرگذار بر محیط کسب‌وکار وجود دارد. در میان این نهادهای دولتی، نقش قوه مقننه بسیار حیاتی است، همچنان که حداقل، تجربه کانادا و اسپانیا نشان می‌دهد. اینکه مجلس شورای اسلامی چه اقداماتی را می‌تواند در پیش گیرد، موضوعی است که در بخش پیشنهادات تقنینی، به آن پاسخ داده خواهد شد.

۱. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و جهت گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، از شیوه اسنادی استفاده شده است. به‌طور کلی، چهار دسته داده‌های آماری برای تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است: داده‌های آماری ارائه شده در مقالات با حجم نمونه عموماً محدود و در مقیاس خرد - محلی

(فیروزجائیان و علی بابایی، ۱۳۹۲؛ نجارزاده، عزتی و سلیمانی، ۱۳۹۲)؛ داده‌های آماری با حجم نمونه وسیع‌تر از دسته قبل و در مقیاس میانه و به صورت مقایسه میان شهرها و استان‌ها (حسینی، علمی و شارع‌پور، ۱۳۸۶؛ فیروزآبادی، حسینی و قاسمی، ۱۳۸۹)، داده‌های آماری ملی ارائه شده توسط مراکز رسمی کشور در مقیاس کلان - ملی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۲؛ ایسپا، ۱۳۸۵) و داده‌های آماری سازمان‌های بین‌المللی در مقیاس کلان. تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از داده‌های سه دسته اول، نیازمند پژوهش مجزایی است.^۱ این نوشتار، با اتکا به بخشی از داده‌های آماری دسته چهارم (آمارهای بین‌المللی در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی)، نمایی کلی از وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران ارائه می‌کند. همین‌طور، از داده‌های گزارش بانک جهانی در مورد «انجام کسب و کار»^۲ نیز برای تحلیل وضعیت محیط کسب و کار در ایران استفاده شده است. نکته دیگر در مورد روش‌شناسی نوشتار حاضر این است که چنان‌که در بحث رابطه سرمایه اجتماعی و محیط کسب و کار خواهیم دید، این دو متغیر تقریباً هم‌زمان با یکدیگر افول کرده یا ارتقا پیدا می‌کنند. اما این به معنای وجود رابطه علی میان این دو متغیر نیست. بخش نظری نوشتار حاضر، تلاش دارد تا دست کم هم‌جهت بودن بهبود سرمایه اجتماعی و ارتقای وضعیت محیط کسب و کار را نشان دهد. در بحث وضعیت سرمایه اجتماعی و محیط کسب و کار در ایران نیز خواهیم دید که در طول پنج سال گذشته، بهبود یا افول وضعیت این دو متغیر، تقریباً هم‌زمان اتفاق افتاده است. این مبنای نظری و داده‌های آماری در مورد ایران، مویدهم‌زمانی وجود سرمایه اجتماعی بالا و محیط مساعد کسب و کار است؛ هرچند برقراری رابطه علی میان این دو متغیر، نیازمند پژوهشی مستقل است.

۱. برای مطالعه نمونه‌ای از این پژوهش‌ها، ر.ک: عبدالمحمد کاظمی‌پور (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی در ایران، تحلیل ثانویه پیمایش‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی؛ محمدجواد جاوید و اصغر ایزدی جبران (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ سعید عطار (۱۳۹۱). درآمدی بر بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران)، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.

۲. مبانی نظری: نقش سرمایه اجتماعی در بهبود محیط کسب و کار

محیط اقتصادی متأثر از پیوندها و روابطی است که در محیط اجتماعی وجود دارند. اگر در گذشته، به دلیل پیوندهای سنتی و چهره‌به‌چهره افراد، کسب و کارهای کوچک دوران پررونقی داشتند، در شرایط کنونی و به دلیل تضعیف این پیوندهای خرد، محیط اقتصادی تحولات گسترده‌ای را تجربه می‌کند. در شرایطی که اقتصادها به سرعت در فرایندی از جهانی شدن و محلی‌زدایی قرار گرفته‌اند، پیوندهای اجتماعی نیز دچار تحول شده‌اند. در این محیط در حال تحول، فعالیت‌ها و مبادلات زیادی اتفاق می‌افتد که توضیح و دسته‌بندی آنها بسیار دشوار و روندهای کسب و کار نیز اغلب کمتر قابل پیش‌بینی هستند به طوری که قابلیت اجرایی قراردادهای کاهش پیدا کرده است. با افزایش هزینه مبادلاتی به سطحی که باعث اخلاص جدی در مبادلات اقتصادی می‌شود، روندهای کسب و کار تا سطحی کُند می‌شود که عملاً توزیع مناسب فرصت‌ها و ایجاد خلاقیت و نوآوری ناممکن می‌شود (Das and Teng, 2001: 261). در چنین محیطی، امکان رقابت اقتصادی و بهبود بهره‌وری، تضعیف شده و رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند.

برای مقابله با این پیامدها، دو رویکرد متفاوت مطرح شده است. در رویکرد اول، بر ایده کنترل مرکزی تأکید می‌شود. اتکای این رویکرد بر نظارت و اجبار مستقیم بازیگران اقتصادی برای تضمین قابل اجرا بودن قراردادهای و کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی و کنترل و تأثیرگذاری مستقیم بر محیط کسب و کار برای تضمین سرعت مناسب رشد اقتصادی، به تدوین و تصویب قوانین متعدد و اتخاذ سیاست‌های کنترلی توسط دولت‌ها انجامید.

تجربه چند دهه اجرای سیاست‌های کنترلی نشان داد که با توجه به بزرگ شدن اقتصادهای ملی و افزایش تعداد بازیگران اقتصادی، رویکرد کنترل مستقیم و نظام برنامه‌ریزی مرکزی و دستوری از بالا، رویکردی به شدت هزینه‌زا و ناکارآمد است. تجربه ناموفق چین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، و گذار چین از ایده کنترل مستقیم به ایده کنترل غیرمستقیم، نمونه‌ای از هزینه‌هایی است که این رویکرد برای اقتصاد کشورها ایجاد کرده است (Child and Mollering, 2003). در دهه ۱۹۸۰، رویکرد کنترل مستقیم دولتی با

چالش‌های بیشتری مواجه شد. این چالش‌ها باعث شد تا کشورهایمانند چین، رویکرد همکاری درون اجتماعی را در حوزه اقتصادی در پیش گیرند. این به معنای تضمین ثبات اقتصاد کلان توسط دولت و آزادی کسب و کارها و جلب همکاری میان آنها بود (Evans and Staveteig, 2006). در این چارچوب، تلاش شد تا ساختار اداری - مدیریتی کشورها به شکلی اصلاح شود که در آن، ضمن حفظ نسبی نظارت دولتی، قدرت و مسئولیت به شکلی بهتر و با تمرکز کمتر میان گروه‌ها و نهادهای مدنی تقسیم شود (خاندوزی، ۱۳۸۴: ۷۶). این دگرگونی باعث ظهور رویکرد دوم شد.

رویکرد دوم، بر ایده کنترل غیرمستقیم یا کنترل مدنی، اجبار اجتماعی برای تضمین قراردادهای، تقویت سنت‌های اجتماعی مقوم کار و همکاری دسته‌جمعی، تقویت اخلاق نوآوری جمعی، تقویت ارزش‌های پشتیبان وفاداری و تعهد و در نهایت، کنترل و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر محیط کسب و کار با هدف ایجاد بسترهای لازم برای تقویت کشگری بازیگران خصوصی و تقویت شبکه‌های به هم پیوسته کسب و کار تأکید دارد (Nahapiet and Ghoshal, 1998). رویکرد دوم، به تقویت توجه به مؤلفه‌های اجتماعی کسب و کارها کمک کرد. در چارچوب این ایده، در دهه ۱۹۹۰ بحث اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی بهبود محیط کسب و کار مطرح شد (Wolleb, 2008: 375). از این زمان به بعد، پژوهش‌های متعددی انجام شد که در آنها سرمایه اجتماعی، متغیری مستقل و توسعه، ثبات و پیشرفت، متغیرهای وابسته (یا پیامد سرمایه اجتماعی) بودند (Bisin and Guitoli, 2002).

مهم‌ترین کتابی که در دهه ۱۹۹۰، باعث جلب توجه به رویکرد دوم شد، دمکراسی و سنت‌های مدنی بود که رابرت پاتنام آن را در سال ۱۹۹۳ منتشر کرد. پاتنام در این کتاب، کارایی نظریه سرمایه اجتماعی را در ایتالیای معاصر به آزمون گذاشت. فرضیه پاتنام این بود که سرمایه اجتماعی، عامل اصلی توسعه اقتصادی و کارآمدی حکومت و فقدان آن عامل اصلی توسعه نیافتگی اقتصادی و عدم کارآمدی حکومت است (پاتنام، ۱۳۸۰). در رویکرد پاتنام، میان توسعه اقتصادی و اجتماعی، بهبود محیط اقتصادی و کارآمدی دولت از یک سو و کیفیت سنت‌های مدنی از سوی دیگر، ارتباط مستقیم وجود دارد؛ به طوری که

قوت این سنت‌ها باعث بهبود محیط اقتصادی و افزایش کارایی نهادهای سیاسی می‌شود (Swain, 2003: 195-196).

به نظر پاتنام، تنها در جایی که سرمایه اجتماعی بین گروهی^۱ (یعنی سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های مختلف، در مقابل سرمایه اجتماعی درون گروهی^۲ به معنای سرمایه اجتماعی درون گروه‌های همگن) از قوت زیادی برخوردار است، می‌توانیم شاهد وجود و تعدد نهادهای مختلف مدنی و در نهایت موفقیت آن شهر، محله یا جامعه باشیم: سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی به‌عنوان شاخص مهم سرمایه اجتماعی، ایجادگر جامعه مدنی‌ای قوی و در نتیجه، نشانه‌های موفقیت یک منطقه هستند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۶). افول توسعه در جنوب ایتالیا، پیامدی از افول سرمایه اجتماعی در این منطقه بوده است.^۳

به نظر مارک گرانووتر^۴ (۱۹۹۵) نیز اعتماد (به‌عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی) باعث بهبود کسب و کارها و افزایش کارآمدی اقتصادی می‌شود به طوری که می‌توان گفت یکی از پیامدهای تضعیف شدید اعتماد در جوامع، ناکارآمدی اقتصادی است. جاناتان ایشام^۵ نیز با مترادف دانستن سرمایه اجتماعی با ساختارهای اجتماعی محلی بر این باور است که این ساختارهای محلی بر تصمیمات و پیامدهای اقتصادی از طریق چهار سازوکار اصلی زیر تأثیر می‌گذارد: به اشتراک گذاشتن اطلاعات، تأثیر بر هزینه‌های مبادله (معاملاتی)^۶، کاهش مشکلات مربوط به کنش جمعی و کاهش ریسک (Isham, 2002: 160). از سوی دیگر، مطالعات متعددی بر این نکته تأکید دارند که

1. Bridging Social Capital
2. Bonding Social Capital

۳. برای مطالعه نگاهی انتقادی به این رویکرد پاتنام، ر.ک:

Michael Schudson (1996). "What if Civic Life didn't die?", *The American Prospect*, Vol. 25, pp. 17-20.

4. Mark Granovetter

5. Janathan Isham

۶. منظور از هزینه مبادله، آن دسته از هزینه‌هایی است که طرفین یک مبادله در فرایند انجام مبادله متحمل می‌شوند، نظیر هزینه‌های کسب اطلاعات و ایجاد اطمینان از الزام طرف مقابل به انجام تعهداتش. از نظر اقتصاددانان، «هزینه مبادله» مانند اصطکاک در فیزیک عمل می‌کند؛ بدین ترتیب می‌توان آن را کاهش داد، اما نمی‌توان آن را به صفر رساند. علاوه بر این، هرچه این هزینه بیشتر باشد، منافع طرفین معامله را بیشتر کاهش خواهد داد. سرمایه اجتماعی بالا، نظیر اعتماد شهروندان به همدیگر، مبادله را تسهیل کرده و هزینه مبادله را کاهش می‌دهد.

کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف نهادهای حقوقی و شبکه‌های اجتماعی، مجبور به تحمل هزینه‌های مبادله سنگینی هستند که آسیب جدی به اقتصاد این کشورها وارد کرده است. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی (به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه اجتماعی) نقش مهمی در چرخش اطلاعات و تسهیل مبادلات میان بازیگران اقتصادی دارند (Fafchamps and Minten, 2002).

دسته‌ای از تحلیلگران (Reed, 2001) نیز با تأکید بر وجود حدی از نااطمینانی به شکل طبیعی در محیط اقتصادی، استدلال می‌کنند که در چنین محیط‌هایی، وجود سازوکارهای هماهنگ‌کننده همکاری‌ها و حمایت‌کننده از همکاری‌ها میان افراد ضروری است. به نظر آنها (Dyer and Chu, 2003: 64)، در محیط‌هایی که امکان پیش‌بینی پایین و نااطمینانی و ریسک بالاست، تلاش برای تقویت قابلیت‌هایی که حدی از اطمینان را در میان بازیگران اقتصادی فراهم می‌کند باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی و بهبود عملکردها خواهد شد. استدلال اصلی این مطالعات این است که «با ایجاد سطحی از اعتماد دو طرفه، افراد بیشتر تمایل پیدا می‌کنند تا در فعالیت‌های مرتبط با کسب و کارهای حتی پُرریسک، شرکت کنند. آنها می‌دانند که در صورت وجود اعتماد متقابل، ریسک کاهش پیدا کرده و کسب و کارشان رونق پیدا می‌کند» (Carroll, 2007: 2). سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ نیز در گزارش خود به این نکته اشاره می‌کند که «بدون تردید، سرمایه اجتماعی، باعث افزایش بهره‌وری، بهبود عملکرد شرکت‌ها و افزایش سطح همکاری میان آنها می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند با تسهیل نوآوری و خلاقیت، سهم مهمی در رونق‌بخشی به بخش‌های مختلف اقتصاد یک کشور داشته باشد» (OECD, 2001: 57-58).

در مجموع این مطالعات، به نوعی همگرایی میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و محیط کسب و کار اشاره دارد که به گونه‌ای هم‌زمان با افزایش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، محیط کسب و کار نیز بهبود پیدا می‌کند. در مقابل، کاهش سرمایه اجتماعی نیز با نامساعد شدن وضعیت محیط کسب و کار همراه خواهد بود. مبحث بعدی، هم‌جهت بودن وضعیت این دو متغیر در ایران را نشان می‌دهد.

۳. وضعیت سرمایه اجتماعی و محیط کسب و کار در ایران

در اغلب مطالعاتی که در ایران در مورد شاخص‌های سرمایه اجتماعی انجام شده، این نتیجه به دست آمده که وضعیت سرمایه اجتماعی، نامناسب است (فیروزآبادی، حسینی و قاسمی، ۱۳۸۹؛ عطار، ۱۳۹۱). مطالعاتی که روند سرمایه اجتماعی را بررسی کرده‌اند نیز به روند کاهشی سرمایه اجتماعی متفق‌القولند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سعادت، ۱۳۸۷؛ صفدری و همکاران، ۱۳۸۷؛ سیاهپوش، ۱۳۸۷؛ به نقل از پاک سرشت، در دست انتشار). داده‌های مؤسسات بین‌المللی نیز این نتایج را تأیید می‌کنند. داده‌های آماری سالانه مؤسسه کاکس راند تیبیل^۱ در مورد «دستیابی به سرمایه اجتماعی»^۲، با سنجش سه مؤلفه اصلی «فعالیت‌های اقتصادی»، «متغیرهای فرهنگی اجتماعی» و «نهادهای سیاسی» تهیه می‌شوند. در گزارش سال ۲۰۱۱ این مؤسسه، ایران با گرفتن نمره ۰/۲۸۹۰ از ۰ تا ۱، رتبه ۱۱۰ را از میان ۱۵۵ کشور کسب کرده است (<http://www.cauxroundtable.org>).

یکی از شاخص‌های هشت‌گانه برای سنجش وضعیت جهانی رفاه، شاخص سرمایه اجتماعی و شاخص فرصت‌های کسب و کار است. مؤسسه لگاتوم^۳ در گزارش‌های سالانه خود در مورد وضعیت این شاخص‌ها از سال ۱۳۸۹ به بعد، به رتبه‌بندی ۱۴۲ کشور می‌پردازد. جدول ۱، وضعیت ایران را از نظر این دو شاخص نشان می‌دهد. در تمام گزارش‌های این مؤسسه در پنج سال اخیر، ایران در منطقه قرمز رنگ یعنی منطقه کشورهای دارای سرمایه اجتماعی اندک قرار گرفته است (هرچند وضعیت سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۳، اندکی بهبود یافته است).

جدول ۱. رتبه ایران در شاخص‌های سرمایه اجتماعی و فرصت‌های کسب و کار

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
شاخص فرصت‌های کسب و کار	۸۶	۸۸	۹۵	۹۳	۹۳
سرمایه اجتماعی	۱۰۶	۱۰۷	۱۲۱	۱۲۰	۱۱۱

Source: The 2009, 2010, 2011, 2012, 2013 and 2014 Legatum Prosperity Index Rankings; available online at: <http://www.prosperity.com/#1/ranking>.

1. Caux Round Table
2. Social Capital Achievement (SCA)
3. Legatum Institute

هرچند برای سنجش همبستگی میان این متغیرها، نیاز به مطالعه کمی مستقلی است اما براساس مبانی نظری پژوهش حاضر که داده‌های این جدول نیز آن را تأیید می‌کنند و روش‌شناسی تحقیق، تقریباً هم‌زمان با بدتر شدن وضعیت سرمایه اجتماعی، محیط کسب و کار نیز نامساعدتر می‌شود. نگاهی به داده‌های مربوط به وضعیت محیط کسب و کار ایران در پنج سال اخیر (از سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) تا ۲۰۱۴ (۱۳۹۳)) در گزارش‌های «انجام کسب و کار» بانک جهانی، نشان می‌دهد که محیط کسب و کار در ایران نامساعد است. داده‌های گزارش‌های مذکور بیانگر آن است که ایران جز در سال ۱۳۸۹ که دارای دو شاخص با رتبه زیر ۵۰ بود، در تمام سال‌های بعد، دارای رتبه‌های بالا (که نشان‌دهنده نامساعدتر شدن محیط کسب و کار است) بوده است. در مجموع، ایران در هیچ کدام از شاخص‌های انجام کسب و کار دارای رتبه مطلوبی نبوده است. همان‌طور که داده‌های جدول مؤسسه لگاتوم نشان می‌داد، وضعیت سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۳ اندکی بهبود پیدا کرده است. جدول ۲ نیز نشان می‌دهد که در همین سال، وضعیت ایران در سهولت کسب و کار ۲۲ پله ارتقا پیدا کرده است.

جدول ۲. رتبه ایران در شاخص سهولت کسب و کار و نماگرهای آن (۱۳۸۹-۱۳۹۳)

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
شروع کسب و کار	۴۳	۵۰	۸۷	۱۰۷	۶۲
اخذ مجوز ساخت و ساز	۱۶۲	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۹	۱۷۲
دسترسی به برق	-	۱۶۴	۱۶۳	۱۶۹	۱۰۷
ثبت مالکیت	۱۵۹	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۸	۱۶۱
اخذ اعتبار	۹۶	۹۷	۸۳	۸۶	۸۹
حمایت از سرمایه‌گذاران خرد	۱۶۶	۱۶۷	۱۵۰	۱۴۷	۱۵۴
پرداخت مالیات	۱۱۸	۱۲۵	۱۲۹	۱۳۹	۱۲۴
تجارت خارجی	۱۳۱	۱۳۹	۱۴۳	۱۵۳	۱۴۸
اجرای قراردادهای	۴۸	۵۴	۵۳	۵۱	۶۶
ورشکستگی و پرداخت دیون	۱۱۷	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۹	۱۳۸
رتبه کلی	۱۴۰	۱۴۴	۱۴۵	۱۵۲	۱۳۰
تعداد کشورها	۱۸۳	۱۸۳	۱۸۵	۱۸۹	۱۸۹

داده‌های این جدول نیز نشان می‌دهند که کشور ما نه تنها در هیچ کدام از شاخص‌های محیط کسب و کار جایگاه مناسبی ندارد بلکه از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۲ نیز تقریباً اغلب این شاخص‌ها با افول رتبه مواجه شده و وضعیت محیط کسب و کار در کشور نامساعدتر شده است. هرچند براساس داده‌های این جدول و جدول پیش از آن، هر دو شاخص در سال ۱۳۹۳ اندکی رشد داشته اما وضعیت کشور همچنان نامناسب است. تقریباً با کمترین تردید می‌توان گفت که نهادهای دولتی می‌توانند به بهبود محیط کسب و کار کمک کنند. در بخش زیر، استدلال خواهیم کرد که نهادهای دولتی در مورد ارتقای سرمایه اجتماعی نیز می‌توانند اقدامات مؤثری انجام دهند.

۴. تأثیر اقدامات نهادهای دولتی بر وضعیت سرمایه اجتماعی

نگاهی مختصر به ادبیات بحث رابطه سرمایه اجتماعی و محیط کسب و کار نشان می‌دهد که در بسیاری از این نوشته‌ها، سرمایه اجتماعی سرمایه‌ای پنداشته می‌شود که در محیط اجتماعی به صورت خودجوش به وجود آمده و در صورت وجود این زمینه‌های خودجوش، محیط کسب و کار بهبود پیدا می‌کند.^۱ برداشت از سرمایه اجتماعی به عنوان یک گیاه خود رو که به محض اینکه دو نفر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند تولید می‌شود باعث شده تا پژوهش‌های اندکی با فرض متغیر وابسته بودن سرمایه اجتماعی (یعنی با این فرضیه که وضعیت سرمایه اجتماعی، متأثر از روندهای سایر حوزه‌ها و بازیگران فعال در آن حوزه‌هاست) انجام شود (Edwards and Foley, 1997: 670).

متغیر وابسته دانستن سرمایه اجتماعی تا حد زیادی محدود به پژوهش‌هایی است که در آنها بر نقش دولت (به معنای همه نهادهای سیاسی موجود در جامعه) در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید شده است. ایده تأثیر گذاشتن دولت‌ها بر تولید سرمایه اجتماعی (Evans, 1997: 1-10) یا تقویت سرمایه اجتماعی (Warner, 2001: 187-192)،

۱. بحث نظم خودجوش سرمایه اجتماعی، ادامه همان نگاهی است که نظام اقتصادی موفق را نظامی براساس نظم خودجوش (Sensory Order) و از این رو، در تعارض با دخالت دولت می‌داند. برای مطالعه بیشتر در مورد نظم خودجوش بازار، ر. ک: هایک فردریش فون (۱۳۹۲). *قانون، قانونگذاری و آزادی*، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.

مخرج مشترک این دست از پژوهش‌ها محسوب می‌شود. بدین معنا، نهادهای دولتی می‌توانند با افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی، بر وضعیت محیط کسب و کار تأثیر بگذارند. این همان رویکرد دومی است (رویکرد تأثیرگذاری غیرمستقیم - مدنی بر محیط کسب و کار) که پیش از این به آن اشاره شد.

تا مدت‌ها چنین تصور می‌شد که یا میان سرمایه اجتماعی و دولت نسبتی وجود ندارد و یا این نسبت به صورت رابطه معکوس است. برخی از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، اغلب دولت را عامل تخریب اجتماعات مدنی و خودجوش می‌دانستند. به نظر آنها، دولت با سازمان‌های دیوان‌سالارانه رسمی‌اش، جای شبکه‌های غیررسمی را گرفته و جامعه را به مشکلات بسیاری مبتلا کرده است. به عنوان مثال، جیمز کلنن بر این باور است که نوعی رابطه با «حاصل جمع صفر»^۱ میان فعالیت‌های دولتی و سرمایه اجتماعی وجود دارد به طوری که درگیر شدن دولت در تولید سرمایه اجتماعی باعث کاهش در فعالیت شبکه‌های غیررسمی و نقصان در سرمایه اجتماعی می‌شود^۲ (Evans, 1997: 3).

در کنار این رویکرد، رویکرد دیگری مطرح شد که در آن، این نتیجه به دست آمده بود که سرمایه اجتماعی به عنوان متغیری وابسته، متأثر از کنش‌های دولت و عملکردهای نهادهای دولتی است یعنی میان سرمایه اجتماعی و دولت رابطه همبستگی وجود دارد (Huysseune, 2003: 211-230). به عبارت دیگر، در تحلیل رابطه میان این دو متغیر، این نتیجه به دست آمده بود که افزایش / کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، پیامدی از عملکردهای مطلوب / نامطلوب نهادهای دولتی است (Uslaner, 2003: 91).

در برخی از این تحقیقات، دولت به عنوان طرف سوم در توافقات خصوصی می‌تواند با تضمین این توافقات، اعتماد اجتماعی میان افراد را تقویت کند (Guseva and Rona-Tas, 2001: 628). دولت می‌تواند با افزایش کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی باعث افزایش سرمایه اجتماعی شود؛ سرمایه اجتماعی‌ای که خود باعث کاهش نرخ فقر و

1. Zero Sum Game

۲. فرانسیس فوکویاما نیز دخالت دولت در حوزه‌های مختلف اجتماعی را در تعارض با تقویت سرمایه اجتماعی می‌داند. ر.ک:

Francis Fukuyama (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York, Free Press.

بهبود محیط کسب و کارها می‌شود (Woolcock and Narayan, 2000: 236). در برخی دیگر از این تحقیقات، بر این گزاره تأکید می‌شود که دولت می‌تواند با خلق جوامعی برابرتر و بسترسازی برای برابری فرصت‌ها برای همه افراد جامعه، اعتماد میان شهروندان را افزایش داده و به بهبود عملکرد اقتصاد کمک کند. در اینجا، رابطه مستقیمی میان رویه‌های دولتی در برابر فرصت‌ها با افزایش اعتماد به‌عنوان یکی از شاخص‌های پذیرفته شده سرمایه اجتماعی برقرار می‌شود (Herrerros, 2009: 179). کمیسیون بهره‌وری وابسته به دولت استرالیا در گزارش سال ۲۰۰۳ خود به این نکته اشاره می‌کند که «پژوهش‌های ما نشان می‌دهند که سطح بالایی از سرمایه اجتماعی، می‌تواند باعث افزایش سود و کاهش زیان در شرکت‌های فعال در کشور شود چرا که سرمایه اجتماعی زیاد، عامل افزایش بهره‌وری در اقتصاد است. هدف حکومت باید این باشد که سیاست‌هایی در پیش گیرد که باعث افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه شود» (Productivity Commission, 2003: 1). در برخی از این پژوهش‌ها (Bjørnskov, 2007: 1-21; Job, 2007)، بر اهمیت سیاست‌های دولت‌های رفاهی برای تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تأکید می‌شود. مارک وارن نیز بر این باور است که سرمایه اجتماعی دارای پیامد مثبت یا منفی به کیفیت نهادهای دولتی و بهبود روند دمکراتیزاسیون در کشور بستگی دارد (Warren, 2004: 16).

در مجموع، یافته‌های برخی از مطالعات در مورد رابطه میان عملکردها و رویه‌های دولتی و سطح سرمایه اجتماعی در جامعه نشان می‌دهد که دولت و نهادهای دولتی می‌توانند باعث تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی شوند. در بسیاری از این دسته مطالعات، این نتیجه مشترک به دست آمده که نهادهای کارآمد و قدرتمند دولتی (شامل سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه و همه سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آنها) می‌توانند با تدارک مجموعه‌ای از اقدامات، سرمایه اجتماعی را تولید و آن را تقویت کنند (Warner, 2001: 188-189). در بیشتر این مطالعات، بر نقش قوه قضائیه به‌عنوان نهادی تضمین‌کننده قراردادها و حقوق مالکیت (Meiners, Ringleb and Edwards, 2014)، قوه مجریه به‌عنوان نهادی اجراکننده تعهدات (Aboal, Noya and Rius, 2014: 322-338) و قوه مقننه به‌عنوان نهادی قانونگذار و مساعدکننده محیط کسب و کار تأکید شده است. در این پژوهش‌ها، توجه خاصی به نقش قوه مقننه در ارتقای سرمایه اجتماعی شده است. در بخش زیر، به دو

تجربه‌ای اشاره می‌کنیم که نشان‌دهنده اهمیت تصمیمات نهاد قانونگذار در افزایش سرمایه اجتماعی است.

۵. قوه مقننه و کارویژه ارتقای سرمایه اجتماعی: تجربیات کانادا و اسپانیا

۵-۱. کانادا: سیاست تضمین تنوع فرهنگی و ارتقای همگرایی و اعتماد اجتماعی

پس از آنکه حکومت فدرال کانادا در سال ۱۹۷۱، چندفرهنگی بودن را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه کانادا به رسمیت شناخت و سیاستگذاران دولت مرکزی این کشور تلاش کردند تا سیاستگذاری اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این کشور را بر مبنای تنوع فرهنگی تنظیم کنند، پارلمان کانادا نیز در سال ۱۹۸۸، «قانون چند فرهنگ‌باوری در کانادا»^۱ را به تصویب رساند. این قانون، چارچوب حقوقی‌ای را برای تعیین مسئولیت‌های دولت فدرال و اقدامات آن در جامعه کانادا فراهم می‌کرد. طبق این قانون، دولت موظف شد تا فرصت‌های برابری را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همه شهروندان کانادا بدون در نظر گرفتن اینکه این شهروندان، کانادایی یا غیر کانادایی‌الاصل باشند، فراهم کند. قانون فوق، همه ادارات دولتی را موظف می‌کرد تا مسئولیت خود را برای ارائه خدمات به همه شهروندان کانادا انجام دهند. همچنین طبق این قانون، نهادهایی چون پلیس، بیمارستان‌ها و مدارس موظف شدند تا سیاست‌ها و برنامه‌های چندفرهنگی را با هدف کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت مشارکت همه شهروندان به‌طور کامل اجرا کنند (PRI, 2009).

شواهد متقنی وجود دارد که نشان می‌دهد، بعد از اجرای قانون چند فرهنگ‌باوری در کانادا، میزان همبستگی میان گروه‌های مختلف جامعه کانادا افزایش یافته است. به‌عنوان مثال، در یک پژوهش در مورد تأثیر این قانون بر افزایش همگرایی و اعتماد در میان شهروندان کانادایی، این نتیجه به‌دست آمد که «بخشی از وجود سطح بالایی از پذیرش و همگرایی میان شهروندان کانادایی‌الاصل و مهاجران، نرخ بالای ازدواج میان شهروندان کانادایی از قومیت‌های مختلف و تمایل زیاد در میان مهاجران برای مشارکت در فرایندهای سیاسی از

رأی دادن تا کاندیداتوری در انتخابات مختلف، از نتایج تصویب و اجرای قانون چند فرهنگ‌باوری در کانادا بوده است» (Kymlicka, 1998: 7). داده‌های پیمایش اجتماعی سال ۲۰۰۳ نیز نشان می‌دهد که ۸۴ درصد از مهاجران تازه‌وارد و حتی درصد بالاتری از مهاجران سابق، تعلق زیادی به کشور کانادا دارند. این حس تعلق به کشور در میان شهروندان کانادایی‌الاصل ۸۵ درصد است (Reitz and Banerjee, 2007: 508). بسیاری از شرکت‌های موفق کانادایی را همین مهاجران تأسیس کرده‌اند.^۱ این قانون پایه‌ای توانسته است با ارتقای همگرایی میان قومیت‌های مختلف جامعه کانادا، از انرژی و پتانسیل آنها در جهت رونق بخشی به اقتصاد این کشور استفاده کند. از این نظر، کانادا یکی از موفق‌ترین تجربه‌ها در امر قانونگذاری و سیاستگذاری دولتی برای ارتقای سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

۲-۵. اسپانیا: تقویت اعتماد با افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی

حکومت اسپانیا در دسامبر سال ۲۰۱۲، پیش‌نویس طرح پارلمان برای تقویت اعتماد عمومی را پذیرفت. از چند ماه قبل از آن، قانون شفافیت، دسترسی به اطلاعات عمومی و حکمرانی خوب^۲ در پارلمان اسپانیا مورد بحث قرار گرفته بود که بر مبنای آن مجموعه نهادهای دولتی باید با طراحی و اجرای سیاست‌های مشخص، اعتماد عمومی به نهادهای اجتماعی و سیاسی را افزایش دهند. این قانون، دارای سه جزء اصلی افزایش شفافیت، بسترسازی برای دسترسی همگان به اطلاعات عمومی و در نهایت، تقویت حکمرانی خوب بود.^۳

طبق این قانون، همه ارگان‌ها و نهادهای اجرایی، قضایی و تقنینی باید اطلاعات عمومی (که طبق قانون، دارای تعریف مشخصی است) را در اختیار همه کسانی که متقاضی دریافت این اطلاعات هستند قرار دهند. برای اجرایی کردن اصل شفافیت، قوه مجریه ملزم به زمینه‌سازی (از شیوه جمع‌آوری و نشر اطلاعات و استفاده از تکنولوژی‌های جدید تا محتوا و فرم وبسایت‌های وابسته به نهادهای حاکمیتی) برای اجرای کامل این

۱. وبسایت زیر متعلق به حکومت کانادا، بخشی از داستان موفقیت این مهاجران را منتشر کرده است:

http://www.jobbank.gc.ca/content_pieces-eng.do?cid=363

2. The Transparency, Access to Public Information and Good Governance Act

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد اهداف این قانون، ر.ک:

<http://www.todanel-lo.com/en/areas-practice/transparency-and-good-governance-public-sector>

اصل شد. طبق بخش دیگر این قانون در مورد حکمرانی خوب، همه نهادهای حاکمیتی ملزم به پاسخگویی بیشتر، افزایش کارآمدی دستگاه‌های زیرمجموعه و شفافیت بیشتر در مدیریت منابع عمومی شدند. یک کمیسیون جدید نیز برای نظارت بر روند اجرای این قانون تأسیس شد. در نوامبر سال ۲۰۱۳، بخش‌های دیگری به این قانون اضافه شد.^۱

با توجه به سابقه زیاد اسپانیا در حکومت‌های بسته و غیرشفاف و سابقه بی‌اعتمادی شهروندان به نهادهای عمومی، این قانون توانست بخشی از مشکل بی‌اعتمادی عمومی را حل کند. بسیاری از شهروندان و نهادهای غیردولتی فعال در جامعه بر این باورند که حتی در طول زمان مابین پیش‌نویس اولیه سال ۲۰۱۲ و اضافاتی که در سال بعد به قانون اولیه افزوده شد نیز اتفاقات بسیار خوبی در اسپانیا رخ داد و باعث کاهش سطح بی‌اعتمادی عمومی در کشور شد.^۲ در اسپانیا، به‌عنوان یکی از کشورهای دارای رکود اقتصادی در اتحادیه اروپا، نیز رشد منفی اقتصادی مبدل به رشد مثبت اقتصادی شد. در حالی که رشد اقتصادی اسپانیا در اواخر سال ۲۰۱۲، ۲/۵- درصد بود و در اواخر سال ۲۰۱۴، به ۲ درصد رسید (<http://www.tradingeconomics.com/spain/gdp-growth-annual>).

هم‌زمان با تصویب طرح فوق در پارلمان اسپانیا، پارلمان اروپا نیز کار خود را روی طرح‌هایی آغاز کرد که در نهایت، باعث تقویت سرمایه اجتماعی در میان کشورهای عضو می‌شد.^۳ معمولاً مجموعه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، هم به دلیل نزدیکی جغرافیایی و هم به دلیل عضویت در اتحادیه، قوانین و سیاست‌های مشابهی را اتخاذ می‌کنند. بخشی از

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد، ر.ک:

<http://www.opengovpartnership.org/country/commitment/transparency-access-public-information-and-good-governance-act>

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد روند تصویب این قانون و بازخوردهای آن، ر.ک:

César Nicandro Cruz-rubio (2013). Independent Reporting Mechanism: Spain Progress Report 2012-2013, pp. 18-24; Available online at: http://www.opengovpartnership.org/sites/default/files/Spain_Final_English_Unofficial_0.pdf

۳. مؤسسه PRIAD در یک پژوهش، فهرستی از اقداماتی را مشخص کرده که پارلمان اروپا باید برای ارتقای سرمایه اجتماعی اتخاذ کند. ر.ک:

José Luengo-Cabrera, Nakita Patel and David Schlosberg (2014). "Participation in elections to the European Parliament: An Econometric Analysis of the Effects of Media Mobilisation and Social Capital on Voter Turnout", PRIAD Policy Paper, October; Available Online at: <http://www.priad.org/wp-content/uploads/2013/03/PRIAD-Policy-Paper-European-Elections5.pdf>.

قانون پارلمان اسپانیا در مورد افزایش دسترسی به اطلاعات، از اصل (۴۲) منشور حقوق اساسی^۱ و اصل (۱۵) معاهده ناظر بر عملکرد اتحادیه اروپا^۲ اقتباس شده بود.^۳ روند همگرایی در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، منجر به همگرایی در چارچوب‌های حقوقی می‌شود که بر روند تقویت سرمایه اجتماعی در کل اتحادیه تأثیر می‌گذارد.

۶. مجلس شورای اسلامی و ضرورت ارتقای سرمایه اجتماعی

مسئله اهمیت سرمایه اجتماعی و ضرورت مناسب بودن محیط کسب و کار برای عملکرد متعادل اقتصادی موضوعی است که در میان سیاستمداران کشورهای توسعه یافته، همواره مورد توجه قرار گرفته است. آنها رفتارها و سیاست‌های خود را با توجه به تأثیرات آنها بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی تنظیم می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان این جوامع به خوبی می‌دانند که حدی از سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد، اما آنچه که باعث حفظ و افزایش این سرمایه می‌شود، عملکرد نظام تدبیر و کیفیت نهادهای موجود در جامعه است.

از این نظر، جدا از رویه‌های گذشته که باعث افول سرمایه اجتماعی در ایران شده بود، ضروری است تا نهادهای دولتی برای جلوگیری از فرسایش بیشتر سرمایه اجتماعی، سیاست‌ها و رویکردهای نوینی را برای تقویت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و در نتیجه، بهبود محیط کسب و کار طرح و اجرایی کنند. یکی از مهم‌ترین نهادهایی که می‌تواند به روند تقویت سرمایه اجتماعی در کشور کمک کند، نهاد مجلس شورای اسلامی است. مجلس با تصویب قوانینی خاص با محوریت تقویت اعتمادی نهادی، تسهیل ارتباطات میان شهروندان و مشارکت در حوزه‌های مختلف و تقویت هنجارهای اخلاقی می‌تواند در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود محیط کسب و کار نقش مهمی داشته باشد.

1. Charter of Fundamental Rights (CFR)

2. Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU)

۳. طبق هر دو اصل، افراد حقیقی و حقوقی اتحادیه اروپا از حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد عمومی متعلق به همه نهادها، سازمان‌ها، کارگزاری‌های اتحادیه برخوردار هستند. برای مطالعه بیشتر در مورد حق دسترسی به اطلاعات در اتحادیه اروپا، ر.ک:

Herwig C. H. Hofmann, Gerard C. Rowe and Alexander H. Türk (2011). *Administrative Law and Policy of the European Union*, New York, Oxford University Press, Chapter 13.

به رغم نقش مهم قوه مقننه در ساختار نظام سیاسی کشور، سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه عمومی است که برای تقویت آن نیاز به همیاری کل نظام تدبیر در کشور است. هرچند در این بخش، به پیشنهادهای تقنینی اشاره می شود اما برخی از این پیشنهادها، تنها در صورتی عملیاتی می شوند که دیگر بخش های دولت نیز مشارکت داشته باشند. نکته مهم این است که برای تقویت سرمایه اجتماعی در کشور، نیاز به وجود حدی از همیاری و همکاری (سرمایه اجتماعی) میان کل نظام تدبیر در کشور است.

در جدول ۳، برخی پیشنهادهای تقنینی برای تقویت سرمایه اجتماعی در کشور ارائه شده است. در این جدول، بیشتر به موارد انضمامی و مشخص که می توان با طرح قانون جدید یا اصلاح و بازنگری در قوانین موجود، به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه کمک کرد اشاره شده است.

جدول ۳. پیشنهادهای تقنینی

متغیر	پیشنهاد تقنینی
اعتماد	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین طرح «تحکیم خانواده» و اصلاح طرح «حمایت از خانواده» با تمرکز بر ایجاد سازوکارهای قانونی برای تقویت اعتماد درون خانواده. - طرح قانون «شفافیت و دسترسی همگان به اطلاعات عمومی» با هدف افزایش شفافیت مالی نهادهای حاکمیتی و افزایش اعتماد عمومی به این نهادها. - لغو یا عدم تنظیم قوانینی که گروهی خاص را از امتیازات ویژه برخوردار می کند. - تعریف و تثبیت حقوق مالکیت.
اعتماد	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین قوانین تضمین کننده حقوق مالکیت خصوصی و حقوق مالکیت فکری (حق اختراع و حق تکثیر)، بررسی میزان اجرایی شدن این قانون توسط نهادهای دولتی و قضایی و ارائه گزارش های دوره ای منظم در صحن عمومی مجلس و در جلسات علنی. - افزایش تعداد و دامنه تحقیق و تفحص مجلس از نهادهایی که با کاهش اعتماد عمومی مواجه شده اند. این اقدام مجلس می تواند به روند اعتمادسازی این نهادها کمک کند.
هنجارهای نوع دوستانه	<ul style="list-style-type: none"> - بازنگری در متون درسی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی) با هدف تقویت انگاره های مربوط به رفتارهای نوع دوستانه و رعایت حقوق شهروندی. - طرح «تقویت اخلاق اجتماعی» با هدف تقویت رفتارهای نوع دوستانه. - طرح «کمک به فعالیت های نوع دوستانه» با هدف ارائه کمک های بلاعوض به انجمن های فعال در امور عام المنفعه و معافیت های مالیاتی شرکت هایی که در زمینه های عام المنفعه نیز فعالیت می کنند.

پیشنهاد تقنینی	متغیر
<p>- الزام دولت به اینکه درصدی از کمک‌های بلاعوض افراد یا شرکت‌ها به سازمان‌های غیردولتی عام‌المنفعه فعال، مشمول کسورات مالیات بر درآمد شود.</p>	
<p>- بازنگری در قانون «سازمان‌های غیردولتی» و ارائه طرح «حمایت از سمن‌ها» با هدف تسهیل در اعطای مجوز فعالیت.</p> <p>- افزایش حوزه فعالیت قانونی سمن‌ها به گونه‌ای که جامعیت بیشتری داشته باشد. این حیطه‌ها بدین شرح پیشنهاد می‌شود: «آموزش، توسعه اجتماعی، عمران و آبادانی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، حفظ آثار فرهنگی و تاریخی، ورزشی، نیکوکاری و امور خیریه، کودکان، بشردوستانه، رفاه، امدادی، حمایتی، توانبخشی، مهارت‌های زندگی، کاهش فقر، امور زنان، توانمندسازی، امور جوانان، خانواده، بیماران، بهداشت و درمان، ارتقای سلامت، محیط زیست، منابع طبیعی، گردشگری، علمی، تحقیق و توسعه، حقوقی، اوقات فراغت و نظایر آن که در اساسنامه سازمان آمده است».</p> <p>- تدوین طرح‌های مؤثر در زمینه افزایش امنیت عمومی (با تأکید بر افزایش «احساس امنیت»).</p> <p>- تقویت ورزش محلات با هدف ایجاد انگیزه برای گردهمایی‌های افراد در محلات.</p> <p>- تغییر نظام آموزشی از حالت فردمحور به گروه‌محور و تعیین امتیاز «کار گروهی» در نظام آموزش و پرورش و طرح‌ریزی نظام جامع آموزش کشوری با هدف تقویت مؤلفه‌های ذهنی کارجمعی.</p> <p>- الزام قانونی برای حضور افراد از قومیت‌های مختلف در پست‌های مدیریتی (به‌خصوص در استان‌های دارای اکثریت).</p> <p>- حضور منظم نمایندگان گروه‌ها و انجمن‌های مردمی در جلسات مجلس و تشکیل جلسات مشترک وزارتخانه‌ها (وزرا یا معاونین وزرا) با نمایندگان اصناف، شرکت‌های تجاری، انجمن‌های مدنی.</p>	مشارکت

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری و کسب و کار همواره با مخاطره و نگرانی همراه بوده است. در جوامعی که به لحاظ سرمایه اجتماعی غنی هستند و در زمینه اعتمادسازی میان کارگزاران اقتصادی با یکدیگر و با دولت، تقویت نهادهای مدنی و نهادینه شدن هنجارهای اخلاقی موفق بوده‌اند، بخش قابل توجهی از مخاطره و نگرانی ذاتی سرمایه‌گذاری و کسب و کار به وسیله همین سرمایه اجتماعی، مدیریت و کنترل می‌شود. بدین معنا، مجموعه نهادهای دولتی باید با اتخاذ سیاست‌ها و تدوین و اجرای قوانین خاصی، سرمایه اجتماعی موجود در جامعه را

سرمایه اجتماعی، محیط کسب و کار و نهادهای دولتی: مبانی نظری، ... _____ ۱۶۳

حفظ کرده و در مسیر ارتقای آن اقدام کنند تا محیط کسب و کار از ریسک‌های اجتماعی در امان بماند.

در میان نهادهای دولتی، نقش قوه قانونگذار در ایجاد بسترهای قانونی و نهادی لازم برای ارتقای سرمایه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. قوانین و مقررات جاری، اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و ... و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آنها، از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب و کار در هر کشور محسوب می‌شوند. بدین معنا، کیفیت مقررات تصویب شده توسط قوه مقننه و جهت‌گیری‌های این مقررات و قوانین باید به سمت افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه باشد.

محیط کسب و کار در کشور زمانی می‌تواند مساعد باشد که بسترهای اجتماعی این محیط به دلیل قوت سرمایه اجتماعی، شرایط مناسبی برای فعالیت کسب و کارها فراهم کند. هرچند تاکنون، بهبود محیط کسب و کار موضوعی یکسره متفاوت با سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شد اما مجلس شورای اسلامی می‌تواند با استفاده از چشم‌اندازهای جدید مطالعات حوزه کسب و کار، در مسیر تقویت سرمایه اجتماعی گام بگذارد. با اقدام در جهت تقویت سرمایه اجتماعی، محیط کسب و کار در کشور از ریسک‌های بالای ناشی از بی‌اعتمادی، کاهش هنجارهای اخلاقی و تضعیف مشارکت جمعی در امان خواهد ماند.

منابع و مآخذ

۱. ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) (۱۳۸۵). *کنند و کاهایی در باورها و نگرش‌های جامعه ایرانی*، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دمکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
۳. _____ (۱۳۸۴). «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی»، *در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دمکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
۴. پاک‌سرشت، سلیمان (در دست انتشار). *سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت، چالش‌ها و راهبردها*.
۵. جاوید، محمدجواد و اصغر ایزدی جیران (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. حسینی، امیرحسین، زهرا علمی و محمود شارع‌پور (۱۳۸۶). «رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۶.
۷. خاندوزی، سیداحسان (۱۳۸۴). «بازشناسی یک حوزه نوظهور و نسبت آن با اقتصاد: پیوند متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، *راهبرد یاس*، سال اول، ش ۳.
۸. عطاری، سعید (۱۳۹۱). *درآمدی بر بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی* (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران)، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
۹. _____ (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه»، فصلنامه *سیاست*، دوره ۳۹، ش ۴.
۱۰. فیروزآبادی، احمد، رسول حسینی و روح‌ا... قاسمی (۱۳۸۹). «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۳۷.
۱۱. فیروزجانیان، علی‌اصغر و یحیی‌علی‌بابایی (۱۳۹۲). «فرسایش سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در شهر تهران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۴، ش ۱.
۱۲. کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۳). *سرمایه اجتماعی در ایران*، تحلیل ثانویه پیمایش‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
۱۳. نجارزاده، رضا، مرتضی عزتی و محمد سلیمانی (۱۳۹۲). «اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در میان نخبگان (مطالعه موردی: نخبگان استان تهران)»، *مجلس و راهبرد*، ش ۷۶.
۱۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان* (موج اول)، تهران، دفتر طرح و پیمایش ارزش و نگرش‌ها.

۱۵. _____ (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح و پیمایش ارزش و نگرش‌ها.

۱۶. هایک فردریش فون (۱۳۹۲). *قانون، قانونگذاری و آزادی*، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.

17. Aboal, Diego, Nelson Noya and Andrés Rius (2014). "Contract Enforcement and Investment: A Systematic Review of the Evidence", *World Development*, Vol. 64.
18. Bisin, Alberto and Danilo Guitoli (2002). "Social Capital, Modernization and Growth", *UFAE/IAE Working Papers*, No. 545, Vol. 2.
19. Bjørnskov, C. (2007). "Determinants of Generalized Trust: a Cross-Country Comparison", *Public Choice*, Vol. 130, No. 1-2.
20. Carroll, Deirdre (2007). "Social Capital and Job Creation in Rural Europe", European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions.
21. Child, J. and G. Mollering (2003). "Contextual Confidence and Active Trust Development in the Chinese Business Environment", *Organization Science*, Vol. 14, No. 1.
22. Das, T. K. and B. S. Teng (2001). "Trust, Control and Risk in Strategic Alliances: an Integrated Framework", *Organization Studies*, Vol. 22, No. 2.
23. Doing Business 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, World Bank; available online at: <http://www.doingbusiness.org/reports>.
24. Dyer, J. H. and W. Chu (2003). "The Role of Trustworthiness in Reducing Transaction Costs and Improving Performance: Empirical Evidence from the United States, Japan and Korea", *Organization Science*, Vol. 14, No. 1.
25. Edwards, Bob and M.W. Foley (1997). "Social Capital and the Political Economy of Our Discontent", *American Behavioral Scientist*, Vol. 40, No. 5.
26. Evans, Peter B. (1997). "Introduction: Development Strategies Across the Public-private Divide", in Peter Evans (ed.), *State-Society Synergy: Government and Social Capital in Development*, University of California Intl.
27. Evans, Peter B. and Sarah Staveteig (2006). "21st Century Industrialization and Development in the Global South: The Chinese Case in Comparative-Historical Perspective", Preliminary Version, Berkeley, University of California.
28. Fafchamps, Marcel and Bart Minten (2002). "Returns to Social Network Capital Among Traders", *Oxford Economic Papers*, Vol. 54.
29. Fukuyama, Francis (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York, Free Press.
30. Granovetter, Mark S. (1995). *Getting a Job: A Study of Contacts and Careers*, Chicago, University of Chicago Press.
31. Guseva, A. and A. Rona-Tas (2001). "Uncertainty, Risk and Trust: Russian and American Credit Card Markets Compared", *American Sociological Review*, Vol. 66, No. 5.

32. Herreros, Francisco (2009). "The State", in Svendsen, Gert Tinggaard and Gunnar Lind Haase Svendsen (eds.), *Handbook of Social Capital: The Troika of Sociology, Political Science and Economics*, Cheltenham, Edward Elgar.
33. Hofmann, Herwig C. H., Gerard C. Rowe and Alexander H. Türk (2011). *Administrative Law and Policy of the European Union*, New York, Oxford University Press, Chapter 13.
34. Huyseune, M. (2003). "Institutions and their Impact on Social Capital and Civic Culture: the Case of Italy", in M. Hooghe and D. Stolle (eds.), *Generating Social Capital*, New York, Palgrave.
35. Isham, Janathan (2002). "Can Investment in Social Capital Improve Local Development and Environmental Outcomes? A Cost-benefit Framework to Assess the Policy Options", in Janathan Isham, Thomas Kelly and Sunder Ramaswamy (eds.), *Social Capital and Economic Development: Well-being on Development Countries*, Cheltenham, UK, Edward Elgar.
36. Jain, T. R., Mukesh Trehan and Ranjun Trehan (2010). *Business Environment*, Delhi, V. K. Rnterprises.
37. Job, J. A. (2007). "Ripples of Trust: Reconciling Rational and Relational Accounts of the Source of Trust", Dissertation, Department of Sociology, Australian National University.
38. Kymlicka, Will (1998). *Finding our Way: Rethinking Ethnocultural Relations in Canada*, Toronto, Oxford University Press Canada.
39. Meiners, Roger E., Al H. Ringleb and Frances L. Edwards (2014). *The Legal Environment of Business*, Boston, Cengage Learning, Inc.
40. Nahapiet, J. and S. Ghoshal (1998). "Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage", *The Academy of Management Review*, Vol. 23, No. 2.
41. Nicandro Cruz-Rubio, César (2013). Independent Reporting Mechanism: Spain Progress Report 2012-2013; Available online at: http://www.opengovpartnership.org/sites/default/files/Spain_Final_English_Unofficial_0.pdf.
42. OECD (Organization for Economic Co-operation and Development) (2001). *The Well-being of Nations: The Role of Human and Social Capital*, Paris: OECD; Available online at: <http://www.oecd.org/education/innovation-education/1870573.pdf>
43. PRI (Policy Research Initiative) (2009). *Understanding Canada's "3M" (Multicultural, Multilinguistic and Multi-religious) Reality in the 21st Century*, Ottawa, Government of Canada.
44. Productivity Commission (2003). *Social Capital: Reviewing the Concept and its Policy Implications*, Australia, Canberra.
45. Putnam, Robert D. (1993). "The Prosperous Community Social Capital and Public Life", *American Prospect*, Vol. 13.
46. _____ (2000). *Bowling Alone: The Collapses and Revival of American Community*, New York, Simon and Schuster.

47. Reed, M. I. (2001). "Organization, Trust and Control: A Realist Analysis", *Organization Studies*, Vol. 22, No. 2.
48. Reitz, J. G. and R. Banerjee (2007). Ethnocultural Communities: Participation and Social Cohesion. In K. Banting, T. J. Courchene, and F. L. Seidle (Eds.), *Belonging? Diversity, Recognition and Shared Citizenship*, Montreal, Institute for Research on Public Policy.
49. Schudson, Michael (1996). "What if Civic Life didn't die?", *The American Prospect*, Vol. 25.
50. Swain, Nigel (2003). "Social Capital and its Uses", *European Journal of Sociology*, Vol. 44, No. 2.
51. The 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, and 2014 Legatum Prosperity Index Rankings; available online at: <http://www.prosperity.com#!/ranking>.
52. Uslaner, E. M. (2003). "Trust and Civic Engagement in East and West", In , G. Badescu and E. M. Uslaner (eds.), *Social Capital and the Transition to Democracy*, London and New York, Routledge.
53. Warner, Mildred (2001). "Building Social Capital: the Role of Local Government", *Journal of Socio Economics*, Vol. 30.
54. Warren, Mark E. (2004). "Social Capital and Corruption", *Democracy and Society*, *Georgetown University*.
55. Wolleb, Guglielmo (2008). "Introduction: Social Capital and Economic Development", In Castiglione, Dario and Jan W. Van Deth (eds.), *The Handbook of Social Capital*, New York, Oxford University Press.
56. Woolcock, Michael and Deepa Narayan (2000). "Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy", *World Bank Research Observer*, Oxford University Press, Vol. 15, No. 2.
57. http://www.cauxroundtable.org/view_file.cfm?fileid=43.
58. http://www.jobbank.gc.ca/content_pieces-eng.do?cid=363
59. <http://www.opengovpartnership.org/country/commitment/transparency-access-public-information-and-good-governance-act>
60. <http://www.todanel-lo.com/en/areas-practice/transparency-and-good-governance-public-sector>
61. <http://www.tradingeconomics.com/spain/gdp-growth-annual>.

تأثیر ساختار سرمایه‌گذاری بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای نفتی

سلمان بابایی،* نارسیس امین‌رشتی* و رویا سیفی‌پور***

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۱۵	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۰/۱۷
------------------------	------------------------

در این مقاله به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی پرداخته شده است که در آن برخلاف مطالعات مشابه این پژوهش که انتشار گازهای مخرب محیط زیست همچون دی‌اکسید کربن را به‌عنوان متغیر رشد آلودگی به منظور بررسی منحنی زیست‌محیطی کوزنتس در نظر گرفته‌اند از شاخص عملکرد زیست‌محیطی به‌عنوان متغیر مستقل و از روش داده‌های ترکیبی و حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است که جامعه آماری آن هفده کشور نفتی شامل ایران است که داده‌های آن در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با شاخص عملکرد زیست‌محیطی رابطه‌ای منفی و معنادار دارد که براساس آن منحنی زیست‌محیطی کوزنتس در مورد کشورهای نفتی تأیید نمی‌شود و نظریه پناهگاه آلودگی این کشورها به‌عنوان مأمن و پناهگاه صنایع آلاینده به حساب می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ شاخص عملکرد زیست‌محیطی؛ نفت؛ پناهگاه آلودگی

* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی‌های سیستم‌های اقتصادی، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

Email: salmanbabaee@gmail.com

تهران مرکزی (نویسنده مسئول)؛

** استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛

Email: narciss.aminrashti@gmail.com

*** استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛

Email: rseifipour@yahoo.com

مقدمه

بسیاری از کشورها دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی را هدف غایی سیاستگذاری‌های اقتصادی خود قرار می‌دهند و در این مسیر ابزارهای مورد نیاز را به خدمت می‌گیرند. جذب سرمایه از مهم‌ترین عوامل برای پیمودن مسیر توسعه اقتصادی به حساب می‌آید.

تأثیر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی آنچنان مهم و بی‌بدیل است که بسیاری از متون اقتصادی ناگزیر از نام بردن آن حتی به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی هستند. البته در این میان برخی نظریه پردازان اقتصادی سرمایه را عامل اصلی رشد اقتصادی به حساب نمی‌آورند و برهان این عده نیز بر این موارد متکی است که کشورهایی هستند که با کمبود سرمایه توانسته‌اند گام‌های بزرگی در مسیر توسعه بردارند، البته این عده بیشتر می‌خواهند بیان کنند که نباید از سایر عوامل در مسیر توسعه غفلت کرد به طوری که لتوین^۱ در این باره می‌گوید: «اگر نقش سرمایه در رشد اقتصادی را کمتر از آنچه هست قلمداد کنیم خطرناک است، ولی نه آن قدر خطرناک که نقش آن را بیش از آنچه هست به حساب آوریم» (روزبهان، ۱۳۸۵: ۹۲).

برای ایجاد و تداوم رشد اقتصادی در هر کشوری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همواره به عنوان یکی از مسائل عمده اقتصادی مطرح بوده و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد در آینده در جامعه جهانی تنها کشورهایی حرفی برای گفتن خواهند داشت که توان فنی و تولیدی بالایی داشته باشند و برای این کار سرمایه قابل ملاحظه‌ای نیاز است. از این رو جذب سرمایه مستقیم خارجی ضروری به نظر می‌رسد. جذب سرمایه، افزایش موجودی ارز و صرفه‌جویی اعتباری، نوسازی صنایع، افزایش مهارت مدیریتی، افزایش اشتغال، نوآوری تولیدی، افزایش بازدهی سرمایه، افزایش دستمزد واقعی کار در قبال کاهش قیمت تولیدات کیفی، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، ایجاد دانش فنی تازه، تحرک بخش‌های اقتصادی - اجتماعی، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت را می‌توان از مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برشمرد (نجارزاده، یآوری و شقاقی شهری، ۱۳۸۴: ۷۳). روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه دهه اخیر به‌ویژه از سال ۱۹۸۰ به بعد به شدت مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفت به طوری که

روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۱۴۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۴۵۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است (UNCTAD, 2013). اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت در کشورهای دارای اقتصاد تجارت‌محور بیشتر است و در این نوع کشورها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، ایجاد نوآوری، همراه آوردن تکنولوژی مدرن منجر به بهبود توان صادراتی بنگاه‌های داخلی می‌شود (Pourshahabi and et al., 2013: 130). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صورتی که با در نظر گرفتن حقوق طرفین صورت گیرد و منافع ملی کشورها را مدنظر قرار دهد، می‌تواند منجر به انتقال فناوری و تکنیک‌های جدید تولید، ایجاد اشتغال و گسترش منابع مالی و بین‌المللی شده و دسترسی به بازارهای جهانی را تسهیل کند، اما اگر کنترل انحصاری بر فناوری تولید از طرف شرکت‌های چندملیتی وجود داشته باشد، این نوع سرمایه‌گذاری موجب ایجاد و تداوم وابستگی کشور میزبان به شرکت‌های چندملیتی می‌شود که با استفاده از فنون سرمایه‌بر و کسب امتیازات قابل توجه سیاسی و اقتصادی از دولت‌های میزبان مانند حمایت‌های سیاسی و تخفیف‌های مالیاتی همراه است (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

در بررسی رشد اقتصادی به‌ویژه در زمینه رشد بلندمدت، استفاده از منابع انرژی بسیار حائز اهمیت است اما از آنجا که منابع انرژی به‌خصوص منابعی چون نفت محدود هستند، بشر از هر جایگزینی به‌خصوص آب و هوا بهره می‌برد. به طوری که با وجود محدود بودن منابع نفتی جهان و همچنین محدودیت عرضه زمین برای استفاده از منابع آب و هوا هیچگونه مالکیتی (جز در موارد خاص) وجود ندارد، تلاش جهت بهره‌برداری بیشتر از این منابع صورت می‌گیرد که در نهایت این اقدامات باعث آسیب رساندن به محیط زیست و کاهش کیفیت آن می‌شود. در کشورهایی که حفظ محیط زیست و ارائه سیاست‌ها و قوانین بازدارنده در این حوزه در دستور کار قرار گرفته است و محدودیت‌هایی برای صنایع آلاینده اعمال شده است یکی از راه‌های کاهش صنایع آلاینده و بهبود وضعیت زیست‌محیطی انتقال صنایع آلاینده به کشورهای دیگر در قالب تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. طرفداران محیط زیست اعتقاد دارند که حامیان تجارت آزاد تنها به دنبال افزایش رفاه بدون توجه به آثار سوء زیست‌محیطی هستند. آثاری

که به اعتقاد آنها در درازمدت با گسترش تجاری سازی نتایج نامطلوبی بر محیط زیست و موضوع توسعه پایدار برجای می گذارد. از استدلال های هواداران محیط زیست این است که کاهش منابع و آلودگی ناشی از بهره برداری های بی رویه و بدون رعایت معیارهای زیست محیطی باعث می شود که کشورهای دیگر نیز از امکان استفاده از این منابع در آینده محروم شوند و این موضوع به نفع هیچ کس به ویژه نظام تجارت آزاد نیست و اگر همه کشورها به این شکل عمل کنند، نتیجه نهایی نابودی محیط زیست همه کشورهاست و به یک منطقه جغرافیایی خاص محدود نخواهد شد. از این رو حامیان محیط زیست معتقدند که کشورها باید در اتخاذ سیاست ها و معیارهای مشابه زیست محیطی با یکدیگر همکاری کنند و هزینه های حفاظت از محیط زیست را دسته جمعی متقبل شوند (پارسا، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

به طور کلی می توان این گونه بیان داشت که ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یک کشور می تواند با تأثیر بر تولید، تغییر ترکیب تولید و درآمد یک کشور بر میزان کیفیت زیست محیطی آن اثر گذارد که براساس ساختار اقتصادی آن کشور می تواند متغیر باشد، به طوری که این عامل به بهبود یا تخریب عملکرد زیست محیطی کشور میزان سرمایه تبدیل شود.

از آنجا که کشورهای دارنده منابع نفتی جهت، اکتشاف، استخراج و بهره برداری این منابع به دنبال جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی هستند و انتظار می رود تا حجم عمده سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها به بخش نفت و صنایع وابسته اختصاص یابد در اینجا به تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست محیطی توجه شده است که از شاخص عملکرد زیست محیطی به عنوان شاخص کیفیت محیط زیست در کشورهای مورد مطالعه استفاده شده است.

سؤال اصلی و فرضیه مورد مطالعه در این پژوهش، این است که سرمایه گذاری مستقیم خارجی با شاخص عملکرد زیست محیطی در کشورهای نفتی چه رابطه ای دارد؟ و همچنین رابطه ارزش افزوده بخش صنعت با شاخص عملکرد زیست محیطی چگونه است؟

۱. مبانی نظری

در ادبیات اقتصادی از جریان سرمایه گذاری خارجی در هر کشور به عنوان عامل و شاخصه

اصلی و مهم روند و توسعه و فرایند جهانی شدن اقتصاد نام برده می‌شود چرا که بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته و یا به عبارت دیگر در حال توسعه برای خیزش اقتصادی و پیمودن مسیر رشد اقتصادی، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را به عنوان یک اصل ضروری می‌پندارند. به‌طور کلی از نظر قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی هر نوع سرمایه‌گذاری که به وسیله شرکت‌های خصوصی یا افراد در کشورهایی غیر از وطن ایشان انجام می‌شود در کنار اهداف دولت باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نام دارد (مهدوی، ۱۳۸۴: ۶۸).

همان‌گونه که بیان شد این مطالعه به دنبال بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی است. موضوعی که در چند سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه در کنار بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی تلاش شده است تا آثار دیگری همچون آثار مقیاس و ساختاری و فرضیه کوزنتس مورد بررسی قرار گیرد، به گونه‌ای که از متغیر درآمد ناخالص ملی سرانه برای بررسی اثر مقیاس و برای بررسی تغییرات ساختاری از ارزش افزوده بخش صنعت به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی استفاده شده است.

تغییرات ساختاری بیانگر تغییر در اهمیت نسبی اجزای تشکیل‌دهنده شاخص‌های کلی اقتصاد مانند تولید ملی، مخارج ملی، صادرات، واردات، جمعیت و نیروی کار است. اما به‌طور معمول بیشترین استفاده از مفهوم ساختار در ادبیات توسعه اقتصادی، مربوط به اهمیت نسبی بخش‌ها براساس تولید و عوامل مورد استفاده در فرایند آنهاست (Chenery and Srinivasan, 1989: 206). همچنین از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای بررسی آزادسازی تجاری بر عملکرد زیست‌محیطی استفاده شده است. در این مطالعه برخلاف برخی مطالعات در این زمینه از شاخص عملکرد زیست‌محیطی به جای انتشار گاز دی‌اکسید کربن استفاده شده است.

شیوه تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی مخصوصاً در مورد کشورهای در حال توسعه متفاوت است، به طوری که براساس فرضیه پناهگاه آلودگی، کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف قوانین زیست‌محیطی در تولید کالاهای آلاینده مزیت نسبی دارند که این عامل باعث می‌شود تا با جذب سرمایه‌های خارجی که بیشتر در حوزه

بخش‌های آلاینده هستند باعث افزایش آلودگی و کاهش عملکرد زیست‌محیطی می‌شود. همچنین براساس نظریه گروسمن که عوامل تأثیرگذار بر میزان آلودگی یک کشور را تأثیر مقیاس، ساختاری و تکنیکی بیان می‌کند می‌توان نتیجه گرفت که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر هر سه اثر مؤثر است. چرا که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم باعث افزایش رشد اقتصادی و هم افزایش مقیاس تولید می‌شود که رشد اقتصادی از طریق فرضیه زیست‌محیطی کوزنتس بر عملکرد محیط زیست اثرگذار است و هم با اثر بر ترکیب عوامل می‌تواند عملکرد محیط زیست را دستخوش تغییر قرار دهد و هم از طریق اثر بر ظرفیت و سطح تکنولوژی و با توجه به فرضیه پورتر می‌تواند بر عملکرد محیط زیست اثر گذارد (معرفتی، ۱۳۹۰: ۱۸۵).

۱-۱. رابطه بین محیط زیست و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

ارتباط میان تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر آن بر محیط زیست و توسعه پایدار، رابطه وسیع و گسترده‌ای به حساب می‌آید که در این زمینه دو دیدگاه کلی وجود دارد به طوری که برخی تجارت خارجی را یک نیروی مهم جهت پیشبرد محیط زیست و توسعه پایدار می‌دانند و بسیاری نیز نتایج منفی این رابطه را گوشزد می‌کنند و بر آثار منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر محیط زیست تأکید می‌ورزند که در این میان اشاره‌ای به نظرات هر دو گروه در قالب نظریه‌های مختلف قابل توجه و بررسی است.

یک دیدگاه در زمینه رابطه بین محیط زیست، تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیان می‌کند که براساس اصل مزیت نسبی در تجارت خارجی، کشورها به دنبال آن هستند تا منابع خود را به تولید کالاهایی که منافع بیشتری را برای آنها تأمین می‌کند اختصاص دهند یعنی هر کشور تلاش می‌کند تا از طریق اختصاص منابع مالی حداکثر بازدهی را کسب کند. ارتقای سریع تجارت خارجی را پس از جنگ جهانی دوم می‌توان به عنوان عامل اصلی رشد چشمگیر درآمدها در کشورهای توسعه‌یافته دانست. عاملی که با ارتقای استانداردهای زندگی، موجبات کاهش فقر و رشد سطح زندگی مردم را فراهم می‌آورد اما گاه ارتقای سطح زندگی با افزایش آسیب‌های وارد شده بر محیط

زیست همراه است که نگرانی‌هایی را در زمینه سطح کیفیت زندگی و حفظ محیط زیست به وجود می‌آورد که سبب شد کشورها برای حفاظت از محیط زیست به فکر چاره باشند. از این رو کشورهایی که از سیستم تجاری باز تبعیت می‌کنند احتمالاً از صریح‌ترین نرخ رشد به کارگیری تکنولوژی‌های نوین برخوردارند. این تکنولوژی‌ها بسیار کمتر از نمونه‌های قدیمی به محیط زیست آسیب می‌رسانند. آنها همچنین می‌توانند از این طریق از مزایای گسترده بازار رو به رشد خدمات و تجهیزات زیست‌محیطی سود ببرند. رعایت مقررات شدید زیست‌محیطی در یک کشور، می‌تواند موجب ارتقای استانداردهای مربوطه در دیگر کشورها از طریق تلاش تولیدکنندگان برای گسترش بازار فرآورده‌های خود شود (Brack, 2005: 32).

۲-۱. چرخه تولید و رونو

در بررسی چرایی انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توان به نظریه چرخه تولید و رونو اشاره کرد. این نظریه سرمایه‌گذاری خارجی را نتیجه چرخه تولید می‌داند. براساس این نظریه تولید اولیه هر کالایی ابتدا در کشور ابداع‌کننده انجام می‌گیرد آنگاه بعد از عرضه محصول در بازار داخلی به تدریج محصول به کشورهای خارجی صادر می‌شود و به مرور زمان با افزایش صادرات در برخی کشورها، تولید این محصول نسبت به صادرات آن برای تولیدکننده مقرون به صرفه می‌شود زیرا هزینه‌های توزیع کمتر می‌شود. در این مرحله از تولید کشور دارای صنعت امکان تأسیس یک واحد تولیدی در مکانی خارج از کشور را بررسی می‌کند و در صورتی که شرایط مساعد باشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورها این امکان را می‌دهد که بتوانند از امکاناتی نظیر دسترسی به تکنولوژی، صرفه‌های ناشی از مقیاس و توانایی در بازاریابی استفاده کنند (طیعی، آذربایجانی و رفعت، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

۳-۱. تقابل حامیان تجارت آزاد و حامیان محیط زیست

موضوع محیط زیست و تجارت آزاد از دیدگاه دو گروه مخالف یکدیگر یعنی طرفداران

تجارت آزاد و حامیان محیط زیست قابل بررسی است. طرفداران تجارت آزاد بیان می کنند، که تجارت آزاد با ایجاد انگیزه در کارآفرینان در یافتن راه های افزایش صادرات یا رقابت با واردات، با صرف هزینه برای یادگیری و ابداع، موجب بهبود شرایط خواهد شد. همچنین این امر به وضعیت بهینه تحت فروض مکانیزم بازار منجر می شود. در این خصوص اعتقاد عمومی این است که آزادسازی تجاری از طریق ایجاد تخصیص کارایی منابع، گسترش رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی احتمالاً آثار مثبتی بر محیط زیست برجای می گذارد. رژیم تجارت آزاد، وقتی منابع طبیعی به درستی قیمت گذاری شده باشند، محصولات با هزینه های زیست محیطی جهانی کمتری تولید می شوند همان طور که پانایوتو مطرح می کند: «نظریه تجارت آزاد تشریح می کند که چگونه می توان از طریق طبقه بندی فعالیت های اقتصادی به حداقل هزینه تولید با حداکثر کارایی و تخصیص منابع دست پیدا کرد و اگر منابع طبیعی زیست محیطی، به گونه ای کارآمد قیمت گذاری شود یعنی تمام هزینه های اجتماعی مربوط به آنها منظور شود، آنگاه ستاد جهانی حاصل از تجارت آزاد با حداقل هزینه های زیست محیطی تولید خواهد شد. آزادسازی تجاری می تواند تعادل در حفاظت از محیط زیست و پایداری آن را به همراه آورد به نحوی که فعالیت کشوری را که در این زمینه کم فعالیت دارند، افزایش و اگر حفاظت به طور افراطی باشد آن را تقلیل دهد (Panayotou, 2003: 16).

۴-۱. نظریه رقابت به طرف پایین^۱

رقابت در مسائل تجاری باعث شده است کشورها استانداردهای متفاوتی را از جهت زیست محیطی اتخاذ کنند و کشورهای با درآمد پایین با اغماض و نادیده گرفتن ملاحظات زیست محیطی و کاهش استانداردهای خود جریان بیشتری از سرمایه گذاری به سوی خود هدایت کنند که از این پدیده با عنوان رقابت به طرف پایین یاد می شود. البته مطالعات تجربی نشان داده اند که این کشورها اصولاً استانداردهای زیست محیطی پایینی دارند و از جهت قوانین و ضوابط زیست محیطی چسبیده به پایین^۲ هستند یعنی این کشورها چیزی ندارند که آن را کاهش دهند (Porter, 1999: 136).

1. Race to Bottom
2. Stuck at Bottom

۵-۱. نظریه نوآوری پورتر

طبق فرضیه پورتر^۱، قوانین سخت زیست‌محیطی،^۲ محرک و مشوق کشف و ابداع تکنولوژی‌های پاک است که با بهبود وضع محیط زیست، تولیدات و مراحل تولیدی را با کیفیت تر و کاراتر تولید می‌کند. نکته مهم و اساسی در فرضیه پورتر، ایجاد قوانین و مقررات سخت و محکم زیست‌محیطی است به طوری که بنگاه‌های اقتصادی مطمئن باشند راه فراری در زمینه پرداختن جریمه‌های زیست‌محیطی وجود ندارد که در این صورت دو راهکار و راه‌حل اساسی در پیش روی بنگاه‌ها و صنعتگران وجود دارد، راه اول اینکه با روش فعلی به تولید خود ادامه دهند و جریمه‌هایی که از طرف دولت برای آلوده کردن محیط زیست بر فعالیت بنگاه بسته می‌شود را پردازند. راه دوم، با استفاده از تحقیق و توسعه و قبول هزینه‌های اولیه ناشی از آن که ممکن است بسیار بالاتر از جریمه‌های پرداختی اولیه باشد به ابداع، نوآوری و اختراع در زمینه روش‌های تولیدی با آلودگی کمتر و کارایی بیشتر پردازد (Ibid.: 138).

اینکه بنگاه کدام یک از دو روش بالا را انتخاب می‌کند به انتظار بنگاه از میزان و مدت زمان اجرای این قوانین برمی‌گردد.

۶-۱. فرضیه پناهگاه آلودگی^۳

نگاهی به انتقال سرمایه از یک کشور به کشور دیگر به صورت مستقیم تحت عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد، خروج سرمایه از کشورهای توسعه‌یافته به سمت کشورهای در حال توسعه رابطه‌ای مثبت با تشدید سیاست‌های زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته داشته است به طوری که بنابر آمار موجود کشورهای میزبان تکنولوژی‌ها و سرمایه‌های کشورهای توسعه‌یافته بوده‌اند که از سیاست‌های زیست‌محیطی ضعیف تری برخوردار بوده‌اند. دلایل بسیاری وجود دارد که بیان می‌کند چرا شدت آلودگی بالاتر و قوانین زیست‌محیطی ضعیف در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ نخست اینکه با افزایش درآمد، تقاضا برای کیفیت محیط زیست افزایش می‌یابد بنابراین

1. Porter Hypothesis

2. Strictly Environmental Regulation

3. Pollution Haven Hypothesis

آنها از قوانین محیط زیست سخت حمایت می کنند درحالی که مردم کشورهای در حال توسعه به دلیل درآمد پایین، خواستار بهبود قوانین محیط زیست نیستند و دوم آنکه رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مرتبط با تغییراتی در معیشت آنها از کشاورزی به صنعتی است. بنابراین سرمایه گذاری در بخش صنعت افزایش می یابد که منجر به بدتر شدن وضعیت زیست محیطی می شود. دلایل دیگر ممکن است در غیاب ضعف یا عدم اجرای قوانین زیست محیطی باشد (Aminu Aliyu, 2005: 6).

فرضیه پناهگاه آلودگی بیان می کند، زمانی که موانع تجارت کاهش می یابد، صنایعی با شدت آلودگی از کشورهایی با قوانین شدید زیست محیطی به کشورهایی با قوانین سست و ضعیف انتقال خواهند یافت (برقی اسکویی، ۱۳۸۷: ۴۶).

۷-۱. منحنی زیست محیطی کوزنتس^۱

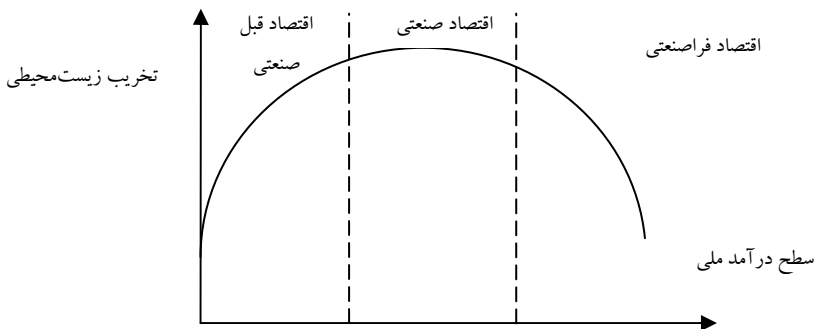
بررسی های رابطه میان جریان رشد اقتصادی و کیفیت زیست محیطی در یک بستر زمانی بلندمدت نشان می دهد این دو عامل می توانند به صورت مستقیم یا معکوس و یا ترکیبی از هر دو عامل با یکدیگر رابطه داشته باشند. این بحث موضوع بسیاری از مطالعات و تحقیقات قرار گرفته است چنانچه جریان شکل گیری این حوزه از مطالعات را بررسی می کنیم حکایت از آن دارد که طی چند دهه اخیر دو جریان فکری کلی در این حوزه وجود داشته است که در نهایت به رویکرد سومی تبدیل شده است. رویکرد اول به نوعی به انتخاب میان رشد اقتصادی و حفظ استانداردهای زیست محیطی می پردازد بدین معنا که به طور اصولی رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش تولید و مصرف خواه ناخواه نیازمند مواد اولیه و انرژی بیشتر به عنوان داده های تولید است و در مقابل افزایش تولید زباله را به همراه دارد. به عبارت دیگر هرچه در خلال فرایند توسعه اقتصادی سطح درآمد افزایش یابد، استخراج بیشتر منابع طبیعی و افزایش تخریب های زیست محیطی باعث کاهش بیشتر رفاه می شود. در سوی دیگر این طیف، رویکرد دومی وجود دارد که اعتقاد دارد مسیر بهبود کیفیت زیست محیطی به موازات رشد اقتصادی است و به منظور بهبود استانداردهای

تأثیر ساختار سرمایه‌گذاری بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای نفتی _____ ۱۷۹

زیست‌محیطی باید در جریان رشد اقتصادی گام نهاد چرا که به‌طور اصولی سطح بالاتری از درآمد باعث افزایش تقاضا برای کالایی می‌شود که از سطح کمتری از مواد استفاده می‌کند و نیز اینکه افزایش درآمد باعث افزایش تقاضای قیمت محیط زیست می‌شود و این به معنی پذیرش معیارها و ضوابط حفاظتی زیست‌محیطی است.

رویکرد سوم این‌گونه مطرح شد که رابطه میان رشد اقتصادی و کیفیت زیست‌محیطی چه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم نمی‌تواند در یک مسیر بلندمدت توسعه مطرح شود و ممکن است این جریان در بستر زمانی که کشورها مراحل مختلف توسعه اقتصادی را طی می‌کنند و به زیرساخت‌های کاراتری می‌رسند، تغییر کند و این موضوعی بود که در دستور کار تحقیقات از آن پس قرار گرفت و نوعی رابطه U شکل وارونه میان این دو حوزه به‌دست آمد که به منحنی زیست‌محیطی کوزنتس معروف شد. نمودار ۱ منحنی زیست‌محیطی کوزنتس را نشان می‌دهد که در مرحله اول همگام با رشد اقتصادی کشورها، میزان آلودگی منتشر شده به‌ازای هر واحد تولید ناخالص ملی افزایش یافته و سپس در طول زمان به نقطه اوج خود رسیده و بعد از آن سرانه آلودگی کشور کاهش می‌یابد (شهیدی، ۱۳۹۰: ۱۷-۹).

نمودار ۱. منحنی زیست‌محیطی کوزنتس: رابطه بین توسعه اقتصادی و محیط زیست



۸-۱. شاخص‌های محیط زیست

مجموعه مسائل و مشکلات مربوط به معضلات محیط زیست، مجمع جهانی اقتصاد را بر آن

داشت تا با همکاری مرکز قانون و سیاست‌های محیط زیستی دانشگاه ییل و مرکز بین‌المللی شبکه اطلاعات علوم زمین دانشگاه کلمبیا شاخص‌هایی را برای بررسی‌های تطبیقی وضعیت محیط زیستی کشورها فراهم کنند تا از این طریق وضعیت نمره محیط زیست کشورها مشخص شود و همچنین بسترهای لازم برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار فراهم شود.

۱-۸-۱. شاخص پایداری محیط زیست^۱

برای نخستین بار شاخص پایداری محیط زیست در سال ۲۰۰۰ مطرح شد، اما شاخص مزبور به دلیل ضعف‌ها و نواقصی که داشت در سال ۲۰۰۲ مورد بازنگری قرار گرفت. شاخص مزبور با اندک تغییراتی در سال ۲۰۰۵ برای ۱۴۶ کشور محاسبه و منتشر شد. با انتشار گزارش سال ۲۰۰۵ و به دنبال نواقص و ایرادهایی که به این گزارش از سوی صاحب‌نظران در سراسر دنیا از جمله جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، بار دیگر این شاخص مورد بازنگری قرار گرفت (ستوده و پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۹: ۵۵).

۱-۸-۲. شاخص عملکرد زیست‌محیطی^۲

با ایرادهایی که به گزارش پایداری محیط زیست از سوی صاحب‌نظران و محققان سراسر جهان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۵ مطرح شد، شاخص‌ها و متغیرها مورد بازنگری قرار گرفت و گزارش مزبور در سال ۲۰۰۶ با عنوان گزارش شاخص عملکرد محیط زیست بر اساس متغیرها و شاخص‌های جدید منتشر شد. تفاوت این شاخص با شاخص پایداری محیط زیست، در محدودتر بودن متغیرها و تأکید بیشتر بر عملکرد کشورها در زمینه محیط زیست است. شاخص عملکردی محیط زیست بر دو هدف اصلی حفاظت از محیط زیست شامل کاهش فشارهای محیط زیستی بر سلامت انسان و ارتقای وضعیت زیست‌بوم‌ها و مدیریت صحیح منابع طبیعی تأکید دارد. این دو مؤلفه توسط ۹ شاخص در ۱۹ زمینه اندازه‌گیری می‌شوند. شکل زیر چارچوب شاخه‌ها و زیرشاخه‌های شاخص عملکرد زیست‌محیطی مربوط به گزارش سال ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد.

1. Environmental Sustainable Index (ESI)

2. Environmental Performance Index

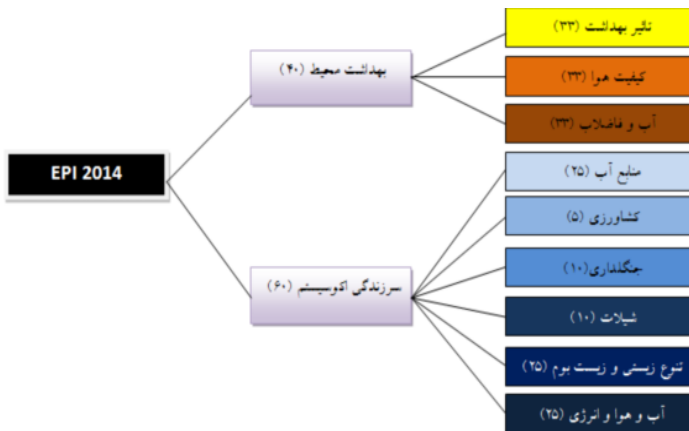
شکل ۱. چارچوب شاخه‌های مربوط به شاخص عملکرد زیست‌محیطی



Source: <http://epi.yale.edu/data>

همچنین شکل ۲ نسبت وزنی (به درصد) مؤلفه‌های شاخص عملکرد زیست‌محیطی مربوط به سال ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد که در اندازه‌گیری شاخص عملکرد زیست‌محیطی به کار رفته است.

شکل ۲. نسبت وزنی (به درصد) مؤلفه‌های شاخص عملکرد زیست‌محیطی ۲۰۱۴



Source: Ibid.

۲. پیشینه تحقیق

اسکلند و هاریسون^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه خود با استفاده از داده‌های کیفیتی برای چهار کشور در حال توسعه (ساحل عاج، مکزیک، مراکش و ونزوئلا) به بررسی رابطه میان مقررات زیست‌محیطی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند. آنها بیان کردند که هیچگونه شواهدی وجود ندارد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صنایع آلاینده متمرکز شود که البته در این بررسی مشاهده شد که به صورت استثنا در مراکش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت زیادی بر صنعت سیمان متمرکز است. این محققان نتیجه‌گیری کردند که سیاستگذاران در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه می‌توانند سیاست‌های کاهش آلودگی را دنبال کنند و به دنبال اعمال محدودیت‌هایی جهت ورود سرمایه‌گذاران در صنایع آلاینده باشند.

های‌شنگ، جیا جیا و گنگ^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه خود با استفاده از داده‌های پانل برای ۳۰ استان کشور چین در سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۰ به بررسی تأثیرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت روی منحنی زیست‌محیطی کوزنتس پرداختند. آنها بیان کردند که تجارت تأثیر مستقیمی روی منحنی زیست‌محیطی کوزنتس ندارد هر چند تجارت کمک قابل توجهی به رشد اقتصادی می‌کند و نقش مثبتی در معرفی و شناسایی تکنولوژی‌های پیشرفته پیشگیری از آلودگی و تکنولوژی مدیریت زیست‌محیطی دارد. آنها همچنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که ارتباط مثبتی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتشار آلودگی وجود دارد که اثبات می‌کند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مقداری آثار منفی در محیط زیست چین دارد که ناشی از معرفی شتابزده آن و ناکارآمدی سیستم مدیریت چین است.

دین و لاولی^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر رشد تجارت بر شاخص‌های آلودگی هوا و آب در استان‌های چین طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۵ می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش حجم تجارت، تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش شاخص‌های آلودگی محیط زیست بر استان‌های این کشور داشته است.

1. Eskeland and Harrison

2. Hai-sheng, Jia Jia and Gong

3. Dean and Lovly

دیندا^۱ (۲۰۰۸) به بررسی رابطه انتشار دی‌اکسید کربن، درآمد و توزیع درآمد (در چهار گروه کشورها: آفریقا، آسیا، آمریکا و اروپا) با استفاده از داده‌های مقطعی بین‌کشوری، با تکنیک هم‌انباشتگی یوهانسون پرداخت. نتیجه این مطالعه نشان داد که اثر معنادار نابرابری درآمدی بین کشورها روی میانگین سطح انتشار دی‌اکسید کربن بود.

ژانگ و چنگ^۲ (۲۰۰۹)، در تحقیق خود رابطه علیت گرنجری بین رشد اقتصادی و مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن را برای دوره ۲۰۰۷-۱۹۶۰ در چین بررسی کردند. رابطه علی گرنجری یک طرفه‌ای از تولید ناخالص داخلی به مصرف انرژی و علیت گرنجری یک طرفه از مصرف انرژی به انتشار دی‌اکسید کربن در بلندمدت اثبات شد.

پائو و تای^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه علی پویایی بین انتشار دی‌اکسید کربن و مصرف انرژی و رشد اقتصادی در یک مدل داده‌های تابلویی طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۱ برای کشورهای بریک (برزیل، روسیه، هند و چین) پرداختند.

در نتیجه اثر معنادار مصرف انرژی روی انتشار دی‌اکسید کربن در تعادل بلندمدت و رابطه علی دوسویه قوی بین مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن و مصرف انرژی و تولید در بلندمدت، رابطه علی تک سویه از سمت انتشار دی‌اکسید کربن و مصرف انرژی به ترتیب روی تولید در کوتاه‌مدت به دست آمد.

هیسائو تای و چانگ مینگ^۴ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای که انجام دادند اثر رشد اقتصادی و مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر آلودگی محیطی با استفاده از مدل تابلویی و علیت گرنجر در دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۰ برای کشورهای بریک (برزیل، روسیه، هند و چین) را مورد بررسی قرار دادند. در نتیجه علاوه بر فرضیه کوزنتس، علیت دوطرفه بین انتشار دی‌اکسید کربن و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و علیت دوطرفه بین مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن تأیید شد.

فطرس، غفاری و شهبازی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با تکیه بر نشریه‌های اقتصادی و با استفاده از روش داده‌های تلفیقی، شواهد تجربی آلودگی محیط زیست و رشد اقتصادی کشورهای

1. Dinda

2. Zhang and Cheng

3. Pao and Tsai

4. Hsiao-Tien and Chung-Ming

عضو اوپک را بررسی کردند. در این مطالعه با استفاده از داده‌های زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۵ دی‌اکسید کربن سرانه به‌عنوان شاخص آلودگی و تولید ناخالص داخلی سرانه به‌عنوان شاخص رشد اقتصادی، فرضیه زیست‌محیطی کوزنتس آزمون می‌شود. نتایج به‌دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که در مراحل اولیه رشد اقتصادی این کشورها آلودگی هوا افزایش یافته است و افزایش درآمدهای کشورهای اوپک عمدتاً ناشی از صادرات نفت و گاز بوده است. بنابراین در ابتدای امر افزایش درآمد با تخریب زیست‌محیطی همراه بوده است اما با تداوم رشد و واردات تکنولوژی‌های کمتر آلاینده کیفیت زیست‌محیطی این کشورها بهبود یافته است. بنابراین فرضیه زیست‌محیطی کوزنتس در این کشورها مورد تأیید قرار گرفته است.

۳. سهم نفت و صنایع نفتی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

آمارهای موجود در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفتی نشان می‌دهد سهم عمده‌ای از این منابع در حوزه نفت و صنایع وابسته به آن در بخش‌های اکتشاف، استخراج و انتقال نفت یا پالایشگاه‌ها و صنایع نفتی که در فهرست صنایع آلاینده قرار دارند، هزینه می‌شود. هرچند آمارهای سالیانه بین‌المللی درخصوص برخی کشورها در این زمینه وجود ندارد اما براساس آمار بانک مرکزی و یا گزارش‌های سالانه آنکتاد می‌توان به میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش نفت و صنایع وابسته به آن در کشورهای نفتی اشاره کرد. جدول ۱ میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و میزان جذب آن در بخش نفت و صنایع نفتی را نشان می‌دهد که بیان می‌کند در بازه زمانی ۱۱ سال بیش از ۷۰ درصد و حتی تا ۹۴ درصد حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بخش نفت و صنایع وابسته به آن صورت گرفته است. همچنین حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سهم بخش نفت از آن در کشور جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد ۷۱ درصد از این سرمایه‌ها در سال ۲۰۰۲ در بخش نفت و صنایع نفتی هزینه شده است که در سال‌های قبل از آن نیز به میزان ۶۸ تا ۹۱ درصد در نوسان بوده است. همچنین در کشور اندونزی نیز از ۶۳ درصد در سال ۲۰۰۵ تا ۴۲ درصد در سال ۲۰۱۱ متغیر بوده است.

آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۲ کشور قزاقستان نیز بیانگر این موضوع است ۱۵۸۲ هزار دلار از ۲۵۹۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این

تأثیر ساختار سرمایه‌گذاری بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای نفتی _____ ۱۸۵

کشور، یعنی بیش از ۶۱ درصد آن در بخش نفت سرمایه‌گذاری شده است و یا ۴۱ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۳۳۳۲ هزار دلاری در سال ۲۰۰۷ و ۴۹ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۲۴۳ هزار دلاری در سال ۲۰۱۰ کشور عمان در بخش نفت صورت گرفته است. البته در کشور عربستان سعودی این موضوع کمی متفاوت‌تر است چراکه در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰، تنها ۱۱ تا ۱۳ درصد حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور به بخش نفت و صنایع وابسته آن، اختصاص یافته است و یا در کشوری همچون مکزیک، سهم نفت و صنایع نفتی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، ۲۸ تا ۵۲ درصد بوده است. همچنین در سال ۲۰۰۲ در ونزوئلا ۵۴۱ هزار دلار از حجم ۷۸۲ هزار دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته در این کشور به بخش نفت و صنایع وابسته به آن اختصاص یافته است.

جدول ۱. سهم نفت و صنایع نفتی ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

(هزار دلار)

۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	
۴۸۷۰	۴۱۵۰	۳۶۴۸	۳۰۴۸	۱۹۰۹	۲۰۰۵	۱۶۴۷	۳۱۳۶	۲۸۶۳	۲۶۹۸	۳۶۵۷	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۳۴۶۶	۳۰۹۸	۲۷۸۱	۲۱۵۲	۹۹۰	۷۴۹	۱۳۱۵	۲۴۰۶	۲۷۰۲	۲۴۱۶	۳۴۴۸	سهم بخش نفت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۷۱	۷۴	۷۶	۷۰	۵۱	۳۷	۷۹	۷۶	۹۴	۸۹	۹۴	درصد بخش نفت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

Source: <http://www.investiniran.ir>

۴. روش‌شناسی تحقیق

امروزه در مطالعات اقتصادی و در حوزه اقتصادسنجی، داده‌های ترکیبی^۱ یکی از

موضوعات جدید و کاربردی است چراکه محیطی غنی از اطلاعات را برای توسعه تکنیک‌های تخمین و نتایج تئوریک فراهم آورده است. مدل داده‌های ترکیبی زمینه ترکیب مشاهدات مقطعی برای کشورها، بنگاه‌ها و خانوارها و سایر موارد را در دوره‌های زمانی سالانه پدید آورده است که براین اساس می‌توان مدل داده‌های ترکیبی را ادغامی از سری زمانی و مقطعی به حساب آورد.

۱-۴. برآورد مدل

با توجه به موضوع این تحقیق، هدف بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست محیطی در مجموعه کشورهای نفتی است ضمن آنکه تلاش شده است تا عوامل تأثیرگذار دیگر در حوزه محیط زیست مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از این رو، ارزش افزوده بخش صنعت (به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی) جهت تبیین آثار ساختاری استفاده شده است. در موارد عمده‌ای از مطالعات مربوط به محیط زیست از میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن به عنوان شاخص تخریب محیط زیست استفاده شده است اما به دلیل آنکه این مطالعه به بررسی تأثیرات زیست محیطی در کشورهای نفتی می‌پردازد و از آنجا که تأثیرات مخرب نفت در حوزه‌های گسترده به ویژه در سه بخش آب، خاک و هوا قرار دارد، از شاخص عملکرد زیست محیطی بهره برده شده است.

۲-۴. معرفی مدل مورد بررسی

در این مطالعه جهت بررسی عوامل مؤثر بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص عملکرد زیست محیطی در اقتصاد کشورهای نفتی و پی بردن به درجه اهمیت هر یک از عوامل و همچنین آزمون فرضیه پناهگاه آلودگی از مدل پیشنهادی تالو کدار و مینسر استفاده شده است.

$$EPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 GNI_{it} + \beta_2 GNI_{it}^2 + \beta_3 IND_{it} + \beta_4 FDI_{it} + \varepsilon_t \quad (1)$$

هر کدام از شاخص‌های بیان شده عبارت‌اند از:

EPI: شاخص عملکرد زیست محیطی،

FDI: میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی،

IND: ارزش افزوده بخش صنعت (به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی)،

GNI: سرانه درآمد ناخالص ملی،

GNI²: مجذور سرانه درآمد ناخالص ملی (که برای آزمون منحنی U معکوس

کوزنتس استفاده شده است که بیان می‌کند بین رشد و تخریب محیط زیست رابطه‌ای به صورت U وارونه برقرار است و اگر در این مطالعه علامت سطح درآمد منفی و علامت مجذور آن مثبت باشد نتیجه برقراری این رابطه و شکل U معکوس است). در بررسی‌های آماری در قالب مدل‌های اقتصادسنجی همواره این سؤال برای محقق مطرح است که آیا تخمین مدل‌ها باید به صورت خطی یا خطی لگاریتمی صورت گیرد؟ به طور معمول محققان در تخمین مدل‌ها به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کنند و اگر چنانچه به دنبال تفسیر ضرایب برآورد شده به عنوان مشتق جزئی باشند مدل را به صورت خطی برآورد می‌کنند و اگر چنانچه هدف رسیدن به کشش‌ها باشد مدل را به صورت خطی مورد بررسی قرار می‌دهند (منجذب، ۱۳۸۰: ۱۲۱). در تخمین مدل تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای نفتی برای تفسیر ضرایب تخمین زده شده، از رابطه خطی استفاده می‌کنیم.

۳-۴. جامعه آماری

در این مطالعه تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی در مجموعه‌ای از کشورهای نفتی مورد بررسی قرار گرفته است به طوری که ایران، آذربایجان، الجزایر، امارات، اندونزی، آنگولا، قطر، قزاقستان، عمان، عربستان، عراق، کویت، لیبی، مکزیک، نیجریه، اکوادور و ونزوئلا در این مجموعه قرار دارند و برای آمارهای این کشورها شاخص عملکرد زیست‌محیطی، ارزش افزوده بخش صنعت، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در طول سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲، مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۴. برآورد مدل

در این قسمت مراحل سه‌گانه تخمین مدل و آزمون‌های مورد نیاز برای آن تبیین شده است ابتدا

از آزمون‌های ریشه واحد^۱ داده‌های ترکیبی استفاده شده است و سپس در صورتی که داده‌ها مانا باشند از آزمون F لیمر^۲ جهت تعیین استفاده روش داده‌های تجمیعی^۳ یا ترکیبی استفاده کرده و در مرحله آخر از آزمون هاسمن^۴ جهت تعیین روش آثار ثابت یا تصادفی استفاده می‌کنیم و نتایج به دست آمده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. در این میان ثابت بودن واریانس خطاها یکی از فرضیات مورد توجه معادله رگرسیون به حساب می‌آید به طوری که اگر خطاها واریانس ثابتی نداشته باشند می‌گوییم واریانس ناهمسانی وجود دارد. بر این اساس تخمین زنده‌های حداقل مربعات معمولی^۵ در برخی شرایط به ویژه در مواقعی که آمارها تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته باشند نمی‌توانند به عنوان بهترین برآورد کننده مورد استفاده قرار گیرند به گونه‌ای که اگر در داده‌ها واریانس ناهمسانی وجود داشته باشد روش حداقل مربعات معمولی چندان مطلوب نخواهد بود بلکه در این بین برآورد کننده‌ای مفید است که برای مشاهدات با تغییر پذیری بیشتر، وزن کمتری نسبت به مشاهدات با تغییر پذیری کمتر قائل شود از این رو روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۶ می‌تواند تخمین زنده مطلوبی باشد که مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۴-۴. آزمون ریشه واحد^۷

در مطالعه مانایی ریشه واحد سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست محیطی در کشورهای نفتی از آزمون لوین، لین و چو استفاده شده است. جداول ۲ و ۳ خلاصه نتایج به دست آمده از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو برای کشورهای نفتی را در سطح نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌دانید در آزمون ریشه واحد، فرضیه صفر مبتنی بر این است که متغیر ریشه واحد دارد یا به عبارتی ناماناست و فرضیه مخالف مانا بودن را نیز بیان می‌کند. بنابراین برای مانا بودن متغیر باید فرضیه صفر رد شود برای رد صفر با اطمینان ۹۵ درصد باید سطح احتمال کوچک‌تر از ۵ درصد باشد.

-
1. Unit Root
 2. F-Limer Test
 3. Pooling Data
 4. Hausman
 5. Ordinary Least Squares (OLS)
 6. Generalised Least Squares (GLS)
 7. Unit Root

جدول ۲. آزمون مانایی برای کشورهای نفتی

متغیر	آماره t	سطح احتمال
EPI	-۶.۷۶۵۸۱	۰.۰۰۰۰
FDI	-۳.۱۳۶۱۷	۰.۰۰۰۹
GNI	-۲.۸۸۳۷۶	۰.۰۰۲
GNI2	-۶.۰۷۸۰۹	۰.۰۰۰۰
IND	-۳.۳۵۴۸۹	۰.۰۰۰۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

آزمون مانایی ریشه واحد برای متغیرهای این مطالعه نشان می‌دهد همه متغیرها در کشورهای نفتی مانا هستند.

۲-۴-۴. روش انتخاب مدل

در تعیین مدل جهت برازش مورد مطالعه از بین مدل‌های تجمیعی و ترکیبی از آماره F استفاده می‌کنیم به طوری که در آزمون F لیمر اگر سطح احتمال بزرگ‌تر از ۵ درصد باشد باید از مدل داده‌های تجمیعی استفاده کنیم و در غیر این صورت از روش داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود.

جدول ۳. آزمون F لیمر برای کشورهای نفتی

نتیجه	سطح احتمال	آزمون F لیمر محاسباتی
مدل داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود	۰.۰۰	۶۴۳.۹۷

مأخذ: همان.

با توجه به مقدار سطح احتمال مربوط به آزمون F لیمر کشورهای نفتی که کمتر از سطح معنادار ۵ درصد است فرضیه صفر رد نمی‌شود و از روش داده‌های ترکیبی جهت برآورد این مدل استفاده می‌شود. پس از این آزمون و تعیین مدل داده‌های ترکیبی، جهت برازش از آزمون هاسمن جهت تعیین روش برآورد از بین دو روش آثار ثابت و تصادفی، استفاده می‌شود.

جدول ۴. آزمون هاسمن برای کشورهای نفتی

نتیجه	سطح احتمال	آماره آزمون هاسمن
از روش تأثیرات تصادفی استفاده می‌شود	۰.۵۷	۳۸۸

مأخذ: همان.

با توجه به مقدار احتمال مربوط به آزمون هاسمن کشورهای نفتی که بیشتر از سطح معنادار ۵ درصدی است فرضیه صفر را می‌توان در این مورد رد کرد و این بدان معناست که روش انتخابی در داده‌های ترکیبی روش تأثیرات تصادفی خواهد بود. در اینجا از آزمون ضرایب لاگرانژ جهت بررسی واریانس ناهمسانی در مجموعه کشورهای نفتی استفاده می‌کنیم که نتایج به‌دست آمده به‌صورت زیر است.

جدول ۵. آزمون ضرایب لاگرانژ جهت بررسی واریانس ناهمسانی برای کشورهای نفتی

نتیجه	سطح احتمال	آماره F آزمون LM
مدل دچار واریانس ناهمسانی است	۰.۰۰	۲۸۴.۳۲

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج به‌دست آمده و احتمال مربوط به آزمون لاگرانژ مالتیپلای که کمتر از سطح ۵ درصدی است فرضیه صفر یعنی وجود واریانس ناهمسانی در مجموعه کشورهای نفتی را نمی‌توان رد کرد؛ یعنی در مجموعه مورد مطالعه واریانس ناهمسانی وجود دارد. از این رو باید از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته جهت برآورد مدل استفاده کرد که نتایج به‌دست آمده آن به‌صورت زیر است.

جدول ۶. تأثیر متغیرهای مورد مطالعه بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی

در کشورهای نفتی

متغیر	ضریب	آماره t	سطح احتمال
C (عرض از مبدأ)	۵۶.۶۲۱	۲۶.۲۷۹	۰.۰۰
FDI	-۰.۱۶۶	-۵.۷۷۵	۰.۰۰
GNI	۱.۶۷۰	۵.۹۷۸	۰.۰۰

متغیر	ضریب	آماره t	سطح احتمال
GNI ²	-۰.۰۲۲	-۵.۲۴۹	۰.۰۰
IND	-۰.۲۱۵	-۷.۹۱۶	۰.۰۰
آماره F ۵۶.۹۸(۰.۰۰)	ضریب تعیین تعدیل شده ۰.۷۳	ضریب تعیین ۰.۷۴	آماره دوربین واتسون ۱.۷۵

مأخذ: همان.

آزمون ضرایب لاگرانژ در این مدل نشان داد که در بین مشاهدات این گروه واریانس ناهمسانی وجود دارد از این رو از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شود که نتایج آن در جدول ۶ آمده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد متغیر اصلی مورد مطالعه یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص عملکرد زیست‌محیطی تأثیری منفی و معنادار دارد. همچنین ضریب تعیین ۰/۷۴ بیان می‌کند که متغیر مستقل با درصد نسبت خوبی توجیه‌کننده و توضیح‌دهنده متغیر وابسته است. همچنین آماره با سطح احتمال صفر اعتبار خوبی برای شیب رگرسیون است که نشان می‌دهد رگرسیون به دست آمده معتبر است. آماره ۱/۷۵ دوربین - واتسون به دست آمده نیز مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بر اساس نتایجی که از آزمون F، هاسمن و آزمون ضرایب لاگرانژ در مجموعه کشورهای نفتی به دست آمده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کیفیت زیست‌محیطی کشورهای نفتی استفاده شد. نتایج به دست آمده بیان می‌کند:

منفی و معنادار بودن ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به میزان ۰/۱۶۶- نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص عملکرد زیست‌محیطی به میزان ۰/۱۶۶ کاهش پیدا می‌کند. این متغیر به عنوان عامل اصلی حائز اهمیت است چرا که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته و آنها تلاش می‌کنند تا با جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی مسیر توسعه را طی کنند

اما این نوع سرمایه‌گذاری‌ها که با در نظر گرفتن مشوق‌هایی نیز همراه است آلاینده‌گی محیط زیست و کاهش شاخص عملکرد زیست‌محیطی را به دنبال دارد. در مجموعه کشورهای نفتی مورد مطالعه نیز طبق آمارهای بیان شده در فصل سوم به این نکته اساسی باید اشاره شود که بخش عمده و قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در بخش نفت و صنایع نفتی صورت می‌گیرد که این عامل به‌طور توأمان اثبات می‌کند که کشورهای نفتی جهت کسب درآمدهای نفتی بیشتر با جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در بخش نفت و صنایع نفتی در مسیر کاهش شاخص عملکرد زیست‌محیطی حرکت می‌کنند.

ضریب مثبت و معنادار در درآمد ملی ناخالص سرانه به میزان $1/670$ نشان می‌دهد که به‌ازای هر واحد افزایش در درآمد ملی ناخالص سرانه، شاخص عملکرد زیست‌محیطی به میزان $1/670$ افزایش خواهد داشت و این بدان معناست که سطح شاخص عملکرد زیست‌محیطی با افزایش درآمد ملی سرانه ناخالص در مجموعه کشورهای نفتی مورد مطالعه ارتقا پیدا می‌کند. چراکه بهبود رفاه نسبی در این کشورها با فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح فرهنگ جامعه همراه است که باعث می‌شود تا راهکارهایی برای بهبود معیشت و ایجاد زیرساخت‌های مناسب جهت افزایش سطح بهداشت و زندگی در نظر گرفته شود که این امر موجب افزایش سطح شاخص عملکرد زیست‌محیطی می‌شود.

ضریب $0/022$ - مجذور در درآمد ملی ناخالص سرانه بیانگر این موضوع است که روندی نزولی بین سطح مجذور درآمد ملی ناخالص سرانه و شاخص عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای نفتی مورد مطالعه وجود دارد و این رابطه به بخشی از منحنی مورد مطالعه مربوط می‌شود که بعد از نقطه عطف در مسیر نزولی منحنی قرار دارد.

با استفاده از نتایج به‌دست آمده از ضریب سطح درآمد ملی ناخالص سرانه و مجذور درآمد ملی ناخالص سرانه در کشورهای نفتی می‌توان بیان کرد که افزایش درآمد ملی ناخالص سرانه با تغییر روند زندگی در این کشورها ابتدا باعث رشد شاخص عملکرد زیست‌محیطی می‌شود که این تغییر در روند زندگی زمینه‌آلودگی زیست‌محیطی و کاهش شاخص عملکرد زیست‌محیطی را فراهم می‌آورد. همچنین مقدار منفی ضریب مجذور سطح درآمد ملی ناخالص سرانه نشان می‌دهد که با افزایش میزان درآمد ملی ناخالص سرانه،

شاخص عملکرد زیست‌محیطی ابتدا افزایش می‌یابد. علامت مثبت در آمد ملی ناخالص سرانه و علامت منفی ناخالص مجذور در آمد ملی ناخالص سرانه وجود رابطه U وارونه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص عملکرد زیست‌محیطی را تأیید نمی‌کند. از آنجا که U وارونه منحنی زیست‌محیطی کوزنتس بین رشد اقتصادی و شاخص عملکرد زیست‌محیطی وجود دارد و در این بررسی از شاخص عملکرد زیست‌محیطی استفاده شده است، وجود علامت مثبت ضریب متغیر در آمد ملی ناخالص سرانه و علامت منفی ناخالص مجذور در آمد ملی ناخالص سرانه نشان می‌دهد با افزایش سطح در آمد سرانه در کشورهای مورد مطالعه نفتی، شاخص عملکرد زیست‌محیطی افزایش یابد که در نهایت براساس نتایج به‌دست آمده منحنی زیست‌محیطی کوزنتس در مورد کشورهای نفتی تأیید نمی‌شود.

نتیجه به‌دست آمده برای ارزش افزوده بخش صنعت در مجموعه کشورهای نفتی نشان می‌دهد هر واحد تغییر در ارزش افزوده بخش صنعت به میزان ۰/۲۱۵ واحد شاخص عملکرد زیست‌محیطی در این کشورها را کاهش می‌دهد. بررسی این متغیر و تأثیر آن بر کاهش شاخص عملکرد زیست‌محیطی را می‌توان در این موضوع عنوان کرد که صنایع کشورهای نفتی بیشتر به صنایع و زیرساخت‌های مربوط به نفت در سه بخش استخراج، اکتشاف و بهره‌برداری مرتبط است از این رو این بخش صنعت کشورها در مجموع به کاهش شاخص عملکرد زیست‌محیطی کمک می‌کنند.

با نتیجه‌های به‌دست آمده در این مطالعه می‌توان سیاست‌های پیشنهادی زیر را ارائه داد:

- کشورهای نفتی با تعیین مشوق‌های مناسب، فضا را برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سایر حوزه‌ها مانند گردشگری، انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر و ... فراهم کنند.

- به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین به‌ویژه در بخش صنعت در زمینه صنایع نفت و فرآورده‌های مربوط به آن در کشورهای نفتی در جهت کاهش آلاینده‌گی‌های موجود از این صنعت می‌تواند تا حدودی آثار مخرب این صنایع را ترمیم کند.

- با توجه به مفهوم توسعه پایدار کشورها در مسیر توسعه باید راهکارهایی را در پیش

بگیرند و سیاست‌هایی را اعمال کنند که در کنار ارتقای درآمد سرانه، رشد اقتصادی، موضوع حفظ محیط زیست را هم مدنظر قرار دهند.

- قوانین و مقررات محیط زیست را می‌توان مهم‌ترین عامل در حفظ آن برشمرد چراکه برخی کشورهایی که در صدر فهرست کشورهای توسعه‌یافته با شاخص‌های زیست‌محیطی بالا قرار دارند از این طریق موفق شده‌اند تا در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت تخریب محیط‌زیست را در کشور خود بهبود بخشند و ترمیم آن را در دستور کار قرار دهند. هرچند ذکر این نکته ضروری است که تنها تصویب قوانین نمی‌تواند در بخش محیط زیست کارا باشد بلکه نظارت دقیق در اجرای قوانین و تعیین ضمانت‌های اجرایی در این حوزه، می‌تواند به حفظ محیط زیست به صورت واقعی کمک کند.

- استفاده از تکنولوژی‌های سبز و سازگار با محیط زیست و تعیین استانداردهای زیست‌محیطی جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها به‌ویژه در کشورهای نفتی می‌تواند راهکاری برای انتقال صنایع با آلایندگی کمتر در حفظ محیط زیست در این کشورها باشد.

منابع و مآخذ

۱. اصغری، مریم و پریسا عاملی (۱۳۹۰). «تست فرضیه پناهندگی آلودگی در منطقه اتحادیه اروپا - خلیج فارس»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه‌اندیشه، دوره اول، ش ۴.
۲. امیر تیموری، سمیه و صادق خلیلیان (۱۳۸۸). «بررسی رشد اقتصادی و میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن در کشورهای عضو اوپک و رهیافت منحنی زیست‌محیطی کوزنتس»، فصلنامه علوم محیطی، سال هفتم، ش ۱.
۳. برقی اسکویی، محمد مهدی (۱۳۸۷). «آثار آزادسازی تجاری بر انتشار گازهای گلخانه‌ای (دی‌اکسید کربن) در منحنی زیست‌محیطی کوزنتس»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، ش ۸۲.
۴. بهرامی، جاوید، ناصر خیابانی و مرتضی قاضی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه علیت بین انتشار آلودگی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت)»، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، سال اول، ش ۲.
۵. پارسا، علیرضا (۱۳۷۸). «حقوق بین‌الملل محیط زیست و تجارت آزاد: تضاد یا تکامل؟»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۴۹ و ۱۵۰.
۶. دیزجی، منیره و سولماز غلامی نژاد دیزگاه (۱۳۹۱). «رشد اقتصادی، توسعه انسانی و آلودگی آب ناشی از فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای منتخب جهان»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال سوم، ش ۱۱.
۷. روزبهان، محمود (۱۳۸۵). مبانی توسعه اقتصادی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات تابان.
۸. ستوده، احد و فرزاد پوراصغر سنگاچین (۱۳۸۹). «بررسی گزارش‌های شاخص‌های پایداری و عملکرد محیط زیست در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و جایگاه ایران»، محیط زیست و توسعه، سال اول، ش ۱.
۹. سوری، علی (۱۳۹۲). اقتصادسنجی (پیشرفته)، چاپ اول، انتشارات فرهنگ‌شناسی.
۱۰. شهیدی، شهاب (۱۳۹۰). «بررسی رابطه آلودگی آب در بخش صنعت کاغذسازی و رشد اقتصادی (کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۱. صادقی، سیدکمال، اکرم اکبری و سیاب ممی‌پور (۱۳۹۱). «بررسی رابطه کوزنتسی در کشورهای اسلامی منتخب با تأکید بر کارایی محیط زیست (رهیافت تحلیل پوششی داده‌ها)»، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، سال اول، ش ۲.

۱۲. طیبی، سیدکامیل، کریم آذربایجانی و بتول رفعت (۱۳۸۶). «بررسی رابطه جریان تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، *تحقیقات اقتصادی*، ش ۸۰.
۱۳. عاقلی کهنه‌شیری، لطفعلی (۱۳۸۴). «تخمین تابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب اسلامی»، *پژوهشنامه بازرگانی*، ش ۵.
۱۴. فطرس، محمدحسن، هادی غفاری و آزاده شهبازی (۱۳۸۹). «مطالعه رابطه آلودگی هوا و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال اول، ش ۱.
۱۵. مرادحاصل، نیلوفر (۱۳۸۶). «بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و کیفیت زیست‌محیطی در کشورهای منتخب (در قالب فرضیه منحنی کوزنتس)»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۶. معرفتی، رقیه (۱۳۹۰). «اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر عملکرد زیست‌محیطی در کشورهای منتخب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۷. منجدب، محمدرضا (۱۳۸۰). «انتخاب میان مدل‌های خطی و خطی لگاریتمی با اتکا به روش‌های اقتصادسنجی»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۲.
۱۸. مهدوی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری*، تهران، انتشارات جنگل.
۱۹. مؤمن‌زاده واحدی، سیده‌طاهره (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت زیست‌محیطی در کشورهای منتخب (در قالب فرضیه زیست‌محیطی کوزنتس)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲۰. نجارزاده، رضا، کاظم یآوری و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۴). «همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای عضو منا)»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال پنجم، ش ۳.
21. Alauddin, Mohammad (2004). "Environmentalizing Economic Development: a South Asian Perspective", *Ecological Economics* 51.
22. Aldy, J. E. (2005). "An Environmental Kuznets Curve Analysis of U.S. State-Level Carbon Dioxide Emissions", *Environment and Development Economics* 14.
23. Aminu Aliyu, Mohammed (2005). "Foreign Direct Investment and the Environment: Pollution Haven", Conference on Global Economic Analysis, Lübeck, Germany.
24. Bartz, S. and D. L. Kelly (2008). "Economic Growth and the Environment: Theory and Facts", *Resource and Energy Economics*, Vol. 30, No. 2.
25. Brack, Duncan (2005). "Controlling Illegal Logging and the Trade in Illegally Harvested Timber: The EU's Forest Law Enforcement, Governance

- and Trade Initiative", Reziel, *Review of European, Comparative and International Environmental Law*, Vol. 14, Issue 1.
26. Chenery, H. and B. Srinivasan (1989). "Handbook of Development Economics", Amsterdam, North Holland, Vol. 1.
27. Dean, J. M. and M. E. Lovely (2008). "Trade Growth, Production Fragmentation, and China's Environment", *NBER Working Paper*, No. 13860.
28. Dinda, S. (2004). "Environmental Kuznets Curve Hypothesis: A Survey", *Ecological Economics*, 49(4).
29. Dinda, S. (2008). "Environmental Kuznets Curve Hypothesis: a Survey", *Ecological Economics*, 49.
30. Eskelanda, Gunnar S. and E. Harrison (2003). "Moving to Greener Pastures? Multinationals and the Pollution Haven Hypothesis", *Journal of Development Economics*, 70.
31. Frankel, Jeffrey and Rose Andrew K. (2002). "An Estimate of the Effect of Common Currencies on Trade and Income", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 117, No. 2.
32. Gaikwad, Pratibha S. and Gholamreza Fathipour (2013). "The Impact of Foreign Direct Investment (FDI) on Gross Domestic Production (GDP) in Indian Economy", *Information Management and Business Review*, Vol. 5, No. 8.
33. Hassaballa, Hoda (2013). "Environment and Foreign Direct Investment: Policy Implications for Developing Countries", *Journal of Emerging Issues in Economics, Finance and Banking (JEIEFB)*, An Online *International Monthly Journal*, Vol. 1, No.2.
34. Hsiao-Tien, Pao and Tsai Chung-Ming (2010). "Co2 Emissions, Energy Consumption and Economic Growth in BRIC Countries", *Energy Policy*, 36(10).
35. <http://epi.yale.edu/data>
36. <http://www.investiniran.ir>
37. Kleemann, Linda and Awudu Abdulai (2013). "The Impact of Trade and Economic Growth on the Environmen: Revisiting the Cross-country Evidenc", *Journal of International Development*, Vol. 25, Issue 2.
38. Mazzanti, Massimiliano, Anna Montini and Roberto Zoboli (2008). "Environmental Kuznets Curves for Greenhouse Gas Emissions", Evidence from Italy using National Accounts Matrix Including Environmental Accounts and Provincial Panel data, *Int. J. of Global Environmental Issues*, Vol. 8, No.4.
39. Mazzanti, Massimiliano, Montini, Anna, Zoboli, Roberto, Environmental Kuznets Curves for Greenhouse Gas Emissions. Evidence from Italy Using National Accounts Matrix Including Environmental Accounts and Provincial Panel Data, *Int. J. of Global Environmental Issues*, Vol.8, No.4, 2008
40. Pao, H. T. and C. M. Tsai (2010). "CO2 Emissions, Energy Consumption and Economic Growth in BRIC Countries", *Energy Policy*, 38.
41. Porter, Gareth (1999). "Trade Competition and Pollution Standards: Race to the Bottom" or "Stuck at the Bottom", *The Journal of Environment*

- Development*, Asia-Pacific region, for the Nature Conservancy, Vol. 8, No. 2.
42. Pourshahabi, Farshid, Ehsan Salimi Soderjani and Davood Mahmoudinia (2013). "Panel Causality Relationship among FDI and Trade", *Iranian Economic Review*, Vol. 33.
43. Pourshahabi, Farshid, Ehsan Salimi Soderjani and Davood Mahmoudinia (2011). "FDI, Human Capital, Economic Freedom and Growth in OECD Countries", *Research Journal of International Studies*, Issue 19.
44. Ramcke, Linda and Awudu Abdulai (2008). The Impact of Trade and Economic Growth on the Environment: Revisiting the Cross-Country Evidence, Department of Food Economics and Consumption Studies at the University of Kiel.
45. Statistics of Environmental Performance Index, www.epi.yale.edu.
46. UNCTAD (2013). "Statistics of United Conference on Trade and Development", www.unctad.org.
47. World Bank. "Statistics of the World Bank, World Development Indicators", www.worldbank.org.
48. Zhang, X. P. and X. M. Cheng (2009). "Energy Consumption, Carbon Emission, and Carbon Emissions: Challenges Faced by an EV Candidate Member", *Ecological Economics*, 68.

بررسی توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان خوزستان

رضا احمدی،* ذبیح‌اله ترابی،** سعید ملکی،*** زینب ولی‌زاده****
و عبدالعلی رضایی*****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۳/۵

هدف این تحقیق شناسایی الگوی فعلی توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان خوزستان است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و ازلحاظ روش بررسی توصیفی - تحلیلی است. داده‌های تحقیق از سالنامه آماری استان خوزستان در سال ۱۳۹۰ گردآوری شده و با نرم‌افزارهای SPSS, EXCEL, GIS و همچنین روش‌های تاپسیس، تحلیل خوشه‌ای، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون مان ویتنی و سایر روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، که توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در سطح شهرستان‌های استان خوزستان نابرابر است. این نابرابری در دو سطح جغرافیایی و جمعیتی روی داده است. از نظر جغرافیایی اغلب شهرستان‌های برخوردار در شمال استان واقع شده و در بعد جمعیتی نیز شهرستان‌هایی از سطح برخوردارتری دست‌یافته‌اند که از جمعیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نابرابری فضایی، امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی، استان خوزستان

* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد؛

Email: ahmadi123.1987@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: torabi.zabih@gmail.com

*** دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران اهواز؛

Email: saiedmaleki@gmail.com

**** کارشناس ارشد مخاطرات محیطی - انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

Email: z.valizade1@gmail.com

***** دانشجوی دکتری سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

Email: rezai.al.65@gmail.com

مقدمه

در افکار صاحب‌نظران توسعه، تعابیر مختلفی از واژه توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی - اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد. توسعه در واقع نخستین و مهم‌ترین هدف همه دولت‌ها محسوب می‌شود. یکی از عوامل مهم توسعه پیشرفت اقتصادی است، اما تنها این عامل نیست و دلیل این امر آن است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی باشد که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد. توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی، نهادی، اجتماعی، اداری و اصلاح آنها و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم نیز است (زیاری، زنجیرچی و سرخ‌کمال، ۱۳۹۰: ۱۲).

یکی از وجوه عمده توسعه و مخصوصاً توسعه پایدار بعد فرهنگی توسعه است. اندیشه توسعه فرهنگی به‌عنوان موضوع سیاست ملی، به‌ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال ۱۹۵۰ قوت گرفت و رواج یافت. طی دهه ۱۹۶۰-۱۹۵۰ که به ده‌ساله اول توسعه شهرت یافته است، تحول پر معنایی روی داد و مفهوم توسعه، گسترش، تنوع و عمق یافت. در دهه ۱۹۷۰-۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه فرهنگ وضع و به‌تدریج مرسوم شد که از مهم‌ترین آنها «توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی» است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۷: ۳۵). توسعه فرهنگی به معنای اخص، مانند فرایند توسعه اقتصادی دارای تعریف و محتوا و هدف‌های مشخصی است. توسعه فرهنگی برای آنکه به تحقق رسد، می‌باید به قالب سیاست فرهنگی درآید و به دنبال یک رشته اولویت‌ها، اصول برنامه‌ریزی را بپذیرد و به کار بندد. و یونسکو شرایط توسعه موزون و آگاهانه را در قلمرو کار خود و به‌صورت برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست علمی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در نظر گرفته است (اردلان، ۱۳۸۱: ۳۵). اهمیت توسعه فرهنگی به قدری زیاد است که بسیاری از مطالعات گذشته از آن به‌عنوان شرط اصلی توسعه و پیش‌شرط تحقق توسعه کلان یاد کرده‌اند (پهلوان، ۱۳۸۲؛ جوادی، ۱۳۸۴: ۱۴).

به منظور پرداختن به توسعه در هر سطحی و مرحله‌ای، پرداختن به بعد فضایی و جغرافیای آن اجتناب‌ناپذیر است. به طوری که همواره وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در مناطق مختلف جهان و به خصوص کشورهای در حال توسعه یکی از موانع اصلی پیش پای توسعه می‌باشد. همچنین توزیع امکانات و زیرساخت‌های مختلف به صورت متعادل و متوازن می‌تواند باعث حصول توسعه یکپارچه در یک منطقه شود. لذا به منظور دستیابی به این مهم ابتدا باید سطح توزیع این ابزارها مشخص گردد. لذا به منظور سنجش سطح برخورداری مناطق از ابزارهای توسعه فرهنگی باید مراحل ذیل طی شود:

الف) تعیین هدف مطالعه و تدوین چارچوب آن، ب) تعیین سطح مطالعه، ج) شناخت نوع آمار قابل دسترس، د) انتخاب شاخص‌ها و ابزارها (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۴).

پس از سنجش سطح میزان برخورداری مناطق و رتبه‌بندی آنها می‌توان استراتژی‌ها و برنامه‌هایی را برای آینده ارائه داد، به طوری که بتوان به سمت توسعه پایدار و متوازن حرکت کرد. لذا در این پژوهش سعی شده است توزیع امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی شهرستان‌های استان خوزستان از بعد فضایی مورد بررسی قرار داده شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. توسعه منطقه‌ای

توسعه منطقه‌ای را می‌توان روندی فراگیر در جهت افزایش توانایی‌های انسانی - اجتماعی براساس پاسخگویی به نیازهای انسانی - اجتماعی در یک منطقه خاص دانست (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۳). هیرشمن و میردال از جمله کسانی بودند که کاربردهای مکانی فرایند توسعه را شناختند و برای ایجاد پیوند و ارتباط میان مدل‌های رشد و نظریه‌های توسعه منطقه‌ای گام‌های مهمی برداشتند (میسرا و سوندارام، ۱۳۷۱: ۱۵۳). توسعه در سطوح مختلف، خصوصاً منطقه‌ای هم معیاری مناسب در جهت تعیین جایگاه مناطق است و هم نیازمند اعمال ملاحظات خاص در سطح منطقه‌ای و تعیین شرایط سازگاری و انطباق ملی - منطقه‌ای است. به عبارت دیگر، منظور از توسعه یک کشور یا منطقه، افزایش تولید، دسترسی عادلانه همگان به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، فرصت‌های شغلی مناسب

به کارگیری تکنولوژی جدید، و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و مصرف است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷).

۲-۱. عدالت فضایی

مفهوم عدالت و کاربرد آن، پیشینه طولانی دارد و فیلسوفان و اندیشمندان از قدیم تاکنون در مورد آن دیدگاه‌های خود را بازگو کرده‌اند. افلاطون، فیلسوف بزرگ یونانی در کتاب جمهوریت به‌طور مفصل از عدالت سخن می‌گوید. به‌نظر او عدالت اجتماعی هنگامی برقرار می‌شود که هر کس به کاری دست زند که شایستگی و استعداد آن را دارد. در دوره جدید جان استوارت میل از نخستین کسانی است که این اصطلاح را به کار گرفت. طبق نظر وی عدالت اجتماعی یعنی، جامعه رفتار یکسانی با کسانی که شایستگی یکسانی دارند، داشته باشد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۷). مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد، وارد ادبیات جغرافیایی شد و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکاتب تحت تأثیر قرار داد. از دهه ۱۹۷۰ رویکرد مارکسیستی به تحلیل موضوعات شهری پرداختند (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۸۴). دیوید اسمیت از نخستین جغرافی‌دانانی بود که نخستین کار نظام‌یافته را درباره کیفیت زندگی، رفاه و عدالت در جغرافیا سخن گفت. بحث درباره فضا و نابرابری اجتماعی از جانب رابرت پارک صورت گرفته است. وی با توجه به ماهیت نابرابری فضای شهری، به نقش ویژه سلطه در ایجاد این فضای نابرابر نیز اشاره می‌کند. اما مهم‌ترین کارها در زمینه عدالت اجتماعی در جغرافیا به‌وسیله دو جغرافی‌دان معروف یعنی دیوید هاروی و رونالد جانستون انجام شد. دیوید هاروی به کارگیری عدالت اجتماعی را در تحلیل‌های جغرافیایی، انقلاب در اندیشه‌های جغرافیایی می‌داند. هاروی در کتاب *عدالت و شهر*، طبیعت و جغرافیای افتراق، عوامل نژادی، فضاها، زندگی، درآمد و ... را برای تحلیل فضایی به کار می‌گیرد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۷). وی مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار می‌گیرد (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۸۴). به‌نظر جانستون، هدف اساسی برنامه‌ریزی اجتماعی، تقویت پایداری اجتماعی دسته‌های مختلف جامعه شهری است.

به نظر او در مسائل اجتماعی، پایداری اهمیت زیادی دارد و در پایداری نیز شاخص‌های نیازهای ضروری و کیفیت زندگی مطرح می‌شوند (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۷).

توزیع فضایی متعادل خدمات از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود. مسئله مهم در توزیع عادلانه امکانات به‌عنوان راهبرد عدالت اجتماعی، چگونگی توزیع خدمات و توانایی‌ها بین نواحی شهری است (همان: ۱۶۶). اساس نظریه‌های عدالت اجتماعی بر این است که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، بر سازمان فضایی آن تأثیر دارد و نیز هر گونه تغییر در سازمان فضایی و روابط اقتصادی - اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه اثر مستقیم دارد (حیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). از دیدگاه عدالت فضایی، عدالت در برگیرنده مفاهیمی چون توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدماتی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت بین ساکنان یک شهر یا منطقه شهری است (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۸۴). در کتاب تئوری شکل شهر کوین لینچ، تأمین عدالت و برابری، در ردیف ارزش‌های آرمانی آمده است که کسب آنها تاکنون به‌ندرت اتفاق افتاده است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در دهه‌های اخیر نیز با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار مفهوم عدالت اجتماعی و به تبع آن عدالت فضایی شدیداً مورد توجه قرار گرفت. به گونه‌ای که براساس نظر مای و دیگران (۱۹۹۶) آینده‌نگری، عدالت اجتماعی، مشارکت عمومی و محیط، اصول بنیادی توسعه پایدار به‌شمار می‌آیند (Laurini, 2002: 17). هدف اصلی نظریه توسعه پایدار بر مفاهیمی چون ارتقای کیفیت زندگی یعنی دخالت دادن و تأمین رفاه و عدالت اجتماعی و به تبع آن عدالت فضایی متمرکز است. در هر صورت عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از اصول چهارگانه توسعه پایدار در تمام جهان مورد توافق قرار گرفته، هرچند تعاریف عدالت اجتماعی متفاوت است اما آنچه که در تمام تعاریف پذیرفته شده، این است که عدالت اجتماعی به دنبال کاهش نابرابری‌ها بوده و با از بین بردن شکاف‌های عمیق بین امتیازات مثبت و منفی می‌تواند نتایج زیان‌آوری را که محرومیت و فقر بر محیط زیست و توسعه پایدار وارد می‌آورد از بین ببرد (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۸۸). به‌علاوه مفهوم برابری به‌عنوان یکی از بنیادهای توسعه پایدار که عدالت بین‌نسلی را با عدالت درون‌نسلی تلفیق می‌کند،

پیش شرطی برای اتخاذ هرگونه استراتژی در ارتباط با توسعه پایدار است (UNDP, 1994: 28).

۲. پیشینه تحقیق

زیاری (۱۳۷۹) با بهره‌گیری از روش تاکسونومی عددی و استفاده از ۲۳ شاخص انتخابی درجه توسعه‌یافتگی بخش فرهنگ در استان‌های کشور را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که استان تهران به دلیل شدت توسعه‌یافتگی فرهنگی نسبت به سایر استان‌ها ناهمگن است. همچنین در این پژوهش استان‌های کشور از نظر سطح توسعه فرهنگی در سه سطح طبقه‌بندی شدند.

نسترن (۱۳۸۰) با استفاده از تحلیل فضایی مناطق دهگانه شهری، اصفهان را از نظر سطح‌بندی توسعه آن، مورد بررسی قرار داده است و مناطق شهری اصفهان را از حیث شاخص توسعه پایدار انسانی به چهار گروه مناطق شهری: الف) فراتوسعه، ب) میان توسعه (بالا، ج) میان توسعه پایین، د) فروتوسعه تقسیم کرده است.

تقوایی و قائد رحمتی (۱۳۸۵) به سنجش و ارزشیابی شاخص‌های توسعه فرهنگی و نشان دادن سطوح توسعه استان‌ها از نظر بهره‌مندی فضاها و امکانات فرهنگی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین استان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در این بین، استان تهران به‌عنوان تنها استان بسیار توسعه‌یافته و استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان و هرمزگان به‌عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شدند.

مولایی (۱۳۸۶) با استفاده از روش‌های کمی و به‌کارگیری ۵۴ شاخص، درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها و میزان نابرابری آنها را در دو مقطع زمانی ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳ مقایسه کرد. بررسی‌ها نشان داد هرچند سطح توسعه خدمات و رفاه اجتماعی در استان‌های کشور طی سال‌های مورد مطالعه افزایش یافته، اما توزیع آن نامتوازن‌تر شده است. از این رو به‌منظور برخورداری از رشد و توسعه متوازن با ایجاد گسترش عادلانه خدمات و رفاه اجتماعی، کاهش فقر و افزایش رفاه در اقصی نقاط کشور را منجر می‌شود.

خاکپور و باوان پوری (۱۳۸۸) میزان و چگونگی توزیع فضایی شاخص‌های بهداشتی - درمانی، مذهبی، اجتماعی - فرهنگی، ورزشی - تفریحی، اداری - خدماتی، علمی -

پژوهشی در شهر مشهد را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعات نشان داد که ۲۵ درصد مناطق شهری مشهد خیلی برخوردار، ۲۵ درصد مناطق برخوردار، ۸/۳ درصد متوسط، ۲۵ درصد مناطق محروم و ۱۶/۷ درصد مناطق خیلی محروم بوده‌اند.

پرکامین^۱ (۲۰۰۶) فعالیت مراکز فرهنگی و جایگاه آن در زندگی اجتماعی را مورد بررسی قرار داد و تلاش کرد تا اهمیت مراکز فرهنگی در سازمان‌دهی مراکز اوقات فراغت را کشف کرده و عملکرد مراکز فرهنگی در جامعه را تشخیص دهد.

فریر و پروبلی^۲ (۲۰۱۳) به بررسی جنبه‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی در ۶۶ منطقه میکرو مربوط به ایالت Minas Gerias با استفاده از ایجاد یک شاخص به نام پتانسیل توسعه فعالیت‌های فرهنگی^۳ و تشخیص الگوهای فضایی در این شاخص با استفاده از تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی پرداختند. آنها همچنین به منظور محاسبه شاخص DPCA از تحلیل عاملی استفاده کردند. این شاخص از سه فاکتور تشکیل شده که ما را قادر می‌سازد تا جنبه‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی را ارزیابی کنیم.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع، توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که اطلاعات و داده‌های آن از منابع آماری استان در سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده است. روشی که برای این تحقیق استفاده شده، روش TOPSIS است برای تحلیل بیشتر از شاخص‌های کجی و کشیدگی، آزمون مان ویتنی، میانگین و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده، برای سطح‌بندی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان نیز از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است.

۴. منطقه مورد مطالعه

استان خوزستان با مساحت ۶۴۰۵۴ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران قرار دارد. این استان پنجمین استان پرجمعیت ایران است. خوزستان از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی و

1. Perkumien

2. Ferreira Neto and Perobelli

3. DPCA

شرق به استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به استان بوشهر و خلیج فارس، و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. در سال ۱۳۹۰، جمعیت استان ۴۵۳۱۷۲۰ نفر بوده است که از این تعداد ۷۱/۰۲ درصد در نقاط شهری و ۲۸/۷۱ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند. از رقم کل جمعیت خوزستان (۴۵۳۱۷۲۰ نفر)، شهرستان اهواز با اختصاص رقم جمعیتی ۱۳۹۵۱۸۴ نفر حدود یک‌سوم جمعیت استان را به خود اختصاص داده است که حاصل نقش سیاسی، اداری و اعمال سیاست تمرکز در سیستم برنامه‌ریزی است. از طرفی فاصله جمعیتی شهرستان اهواز با بقیه شهرستان‌های استان مشهود است. اما جز موقعیت استثنایی شهرستان اهواز، در بقیه شهرستان‌های استان، شهرستان دزفول با ۴۲۳۵۵۲ نفر بالاترین و شهرستان لالی ۳۷۳۸۱ نفر پایین‌ترین رقم جمعیت استان را به خود اختصاص می‌دهند. جدول ۱ توزیع جمعیت را به تفکیک شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

جدول ۱. توزیع جمعیت در استان خوزستان به تفکیک شهرستان سال ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت	نرخ شهرنشینی
کل استان	۴۵۳۱۷۲۰	۷۱٪
آبادان	۲۷۱۴۸۴	۰/۸۴
امیدیه	۹۰۴۲۰	۰/۶۹
اندیکا	۵۰۷۹۷	۰/۰۴
اندیمشک	۱۶۷۱۲۶	۰/۷۷
اهواز	۱۳۹۵۱۸۴	۰/۸۱
ایذه	۲۰۳۶۲۱	۰/۶۰
باغملک	۱۰۷۴۵۰	۰/۴۰
باوی	۸۹۱۶۰	۰/۶۱
بندرماهشهر	۲۷۸۰۳۷	۰/۹۲
بهبهان	۱۷۹۷۰۳	۰/۷۰
خرمشهر	۱۶۳۷۰۱	۰/۸۰
دزفول	۴۲۳۵۵۲	۰/۷۰
دشت آزادگان	۹۹۸۳۱	۰/۵۲

شهرستان	جمعیت	نرخ شهرنشینی
رامشیر	۴۸۹۴۳	۰/۵۱
رامهرمز	۱۰۵۴۱۸	۰/۶۶
شادگان	۱۵۳۳۵۵	۰/۳۸
شوش	۲۰۲۷۶۲	۰/۴۳
شوشتر	۱۹۱۴۴۴	۰/۶۳
گنوند	۶۴۹۵۱	۰/۶۷
لالی	۳۷۳۸۱	۰/۴۷
مسجدسلیمان	۱۱۳۲۵۷	۰/۹۱
هفتکل	۲۲۳۹۱	۰/۶۶
هندیجان	۳۷۴۴۰	۰/۷۵
هویزه	۳۴۳۱۲	۰/۵۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.

۵. یافته‌ها

در این تحقیق از یازده شاخص استفاده شده است که در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. شاخص‌های استفاده شده برای بررسی توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های

توسعه فرهنگی در شهرستان‌های استان خوزستان

نسبت کتابخانه به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر
نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت باسواد شهرستان
سرانه کانون پرورش فکری برای هر ۱۰ هزار نفر
نسبت تماشاگر سینما به کل جمعیت
سرانه مراکز عرضه محصولات فرهنگی به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر
معکوس بعد خانوار
تعداد کتاب به جمعیت باسواد شهرستان
نسبت مساجد به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر
نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی هنری برپاشده به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر
نسبت چاپخانه‌های تحت نظارت اداره کل ارشاد اسلامی به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر
معکوس نرخ طلاق

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در ابتدا معرفه‌های فرهنگی - اجتماعی مورد نظر را انتخاب کرده و آنها را به نسبت‌های منطقی تبدیل می‌کنیم.

جدول ۳. نسبت‌های معرفه‌های فرهنگی

شهرستان‌ها	نسبت کتابخانه به ازای هر ۱۰ هزار نفر	تعداد کتاب به جمعیت باسواد شهرستان	نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت باسواد شهرستان	نسبت مساجد به ازای هر ۱۰ هزار نفر	سرانه کانون پرورش فکری برای هر ۱۰ هزار نفر	نسبت نماینده‌های فرهنگی هنری به پائنده به ازای ۱۰ هزار نفر	نسبت نماینده‌های تحت نظارت اداره کل ارشاد اسلامی به ازای هر ۱۰ هزار نفر	نسبت کتابخانه‌های تحت نظارت نسبت نماینده‌های جمعیت	نسبت کتابخانه‌های تحت نظارت نسبت نماینده‌های جمعیت	سرهانه مراکز عرضه محصولات فرهنگی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	مکسوس نرخ طلاق	مکسوس بعد خانوار
آبادان	۰.۲۲۱	۰.۳۹۰۲۰۶	۰.۳۵۹۰۹۳	۰.۶۶۷۷۹۹۲	۰.۲۲۱۰۰۷۵	۰.۲۵۷۸۴۲۰	۰.۴۴۲۰۱۴۹	۰.۰۸۶۷۳۳	۰.۵۴۷۲۹۵۴	۰.۳۹۶۸۶۶۷	-۰.۳۸۷۹۸۳۹	-۰.۳۸۷۹۸۳۹
امیدیه	۰.۲۲۱۱۹	۰.۲۵۵۸۱۷۶	۰.۴۵۴۶۷۸	۰.۶۹۷۶۷۷۵	۰.۳۳۱۷۸۵۰	۰.۶۶۳۵۷۰۰	۰.۵۵۲۹۷۵۰	۰	۰.۵۰۹۲۰۱۵	۰.۳۴۹۹۵۰	-۰.۳۹۷۵۳۷۹	-۰.۳۹۷۵۳۷۹
اندیکا	۰.۳۹۳۷۲	۰.۳۶۷۹۳۷۱	۰.۴۰۳۱۱۸	۰.۴۷۲۴۶۸۸	۰	۰.۱۹۶۸۶۲۰	۰.۱۹۶۸۶	۰	۰.۱۵۵۹۲۰۶	۰.۳۵۰۴۱۴	-۰.۴۸۶۲۳۵۲	-۰.۴۸۶۲۳۵۲
اندیمشک	۰.۳۵۹۰۱	۰.۴۹۱۳۳۷۲	۰.۱۱۸۱۹۵۵	۰.۴۷۸۶۸۰۷	۰.۱۷۵۰۵۲	۰.۵۳۸۵۱۵	۰.۷۱۸۰۲۱۱	۰	۰.۹۰۶۸۷۸۶	۰.۳۳۸۰۶۸	-۰.۳۹۴۹۱۰۲	-۰.۳۹۴۹۱۰۲
اهواز	۰.۱۰۷۵۱	۰.۲۳۷۹۰۲	۰.۳۷۹۱۳۸	۰.۳۰۰۳۱۸۸	۰.۶۴۵۰۷۶	۰.۱۶۴۸۵۲۸	۰.۵۳۷۵۶۳۵	۰.۶۶۸۸	۰.۶۲۳۴۲۷۴	۰.۲۰۳۹۱۵	-۰.۳۹۶۲۱۵۰	-۰.۳۹۶۲۱۵۰
ایذه	۰.۲۹۴۶۶	۰.۲۷۱۲۲۵۶	۰.۵۵۱۴۶۶	۰.۵۴۵۱۳۰۴	۰.۴۹۱۱۰۸	۰.۲۹۴۶۶۵۰	۰.۱۴۷۳۳۵۰	۰	۰.۶۵۸۶۸۰۰	۰.۶۹۷۳۷	-۰.۵۱۳۵۱۷۲	-۰.۵۱۳۵۱۷۲
باغملک	۰.۷۴۵۳	۰.۸۱۴۴۱۷۸	۰.۴۴۱۱۳۴	۱.۴۸۹۰۶۶۶	۰.۹۳۰۶۶۵	۰.۶۵۱۴۶۵۷	۰.۲۷۹۱۹۹۶	۰	۰.۴۲۵۷۳۳۸	۰.۰۶۷۰۰۷	-۰.۴۷۸۷۸۶	-۰.۴۷۸۷۸۶
باوی	۰.۳۳۶۴۷	۰.۵۲۱۸۵۱۴	۰.۶۶۳۶۶۴	۰.۲۲۴۳۱۵۸	۰	۰.۳۳۶۴۷۳۷	۰.۱۱۲۱۵۷	۰	۰.۰۶۱۳۱	۰.۴۴۹۷۵۳	-۰.۴۸۳۱۶۵۵	-۰.۴۸۳۱۶۵۵
بندر ماهشهر	۰.۲۱۵۷۹	۰.۲۸۶۵۷۹۲	۰.۴۳۰۷۳۸	۰.۲۲۶۵۸۸۵	۰.۷۱۹۳۳۸	۰.۲۸۷۳۳۱۴	۰.۵۷۵۴۶۲۹	۰	۰.۷۵۹۸۵۲۱	۰.۲۰۳۹۲۹	-۰.۳۹۹۷۴۲۶	-۰.۳۹۹۷۴۲۶
بهبهان	۰.۵۵۶۴	۰.۸۹۵۰۳۳۹	۰.۸۸۹۰۹۰	۱.۱۹۰۸۵۳۷	۰.۱۶۶۹۴۲۱	۰.۴۴۵۱۷۸	۰.۸۳۴۷۱۰۶	۰	۰.۹۵۵۰۵۷۸	۰.۰۹۹۰۵۲	-۰.۳۷۷۰۹۹	-۰.۳۷۷۰۹۹
خرمشهر	۰.۳۰۵۴۳	۰.۵۲۳۸۴۶۶	۰.۲۷۷۸۵۷	۰.۲۸۱۰۰۰۱	۰.۲۴۴۳۷۹	۰.۴۲۷۶۰۸۸	۰.۲۴۴۳۷۹	۰.۷۵۱۰	۰.۲۵۴۳۰۴۴	۰.۳۹۲۱۷۲	-۰.۳۸۲۰۳۶	-۰.۳۸۲۰۳۶
دزفول	۰.۳۵۴۱۴	۰.۴۰۲۸۷۴۰	۰.۳۰۵۳۵۳	۰.۵۶۱۹۱۴۴	۰.۹۴۴۳۹۴	۰.۲۳۶۰۹۸۵	۰.۶۳۷۴۶۶۰	۰.۸۱۰۴	۰.۷۹۹۵۵۸۰	۰.۱۴۶۸۵۳	-۰.۳۹۲۸۲۸۸	-۰.۳۹۲۸۲۸۸
دشت آزادگان	۱.۰۰۱۶۹	۱.۱۵۳۰۱۲۵	۰.۹۴۵۰۳۷	۰.۹۹۱۶۷۵۹	۰.۳۰۰۵۰۷۸	۰.۹۰۱۵۲۳۵	۰.۴۰۰۶۷۷۱	۰	۰.۰۶۶۰۲۱۵	۰.۱۴۲۲۴	-۰.۴۴۶۸۳۱	-۰.۴۴۶۸۳۱
رامشیر	۰.۴۰۸۶۳	۰.۵۲۴۱۶۷۵	۰.۱۶۵۳۱۱۰	۱.۱۰۳۳۲۴۲	۰.۲۰۴۳۱۹۳	۰.۸۱۷۲۷۷۲	۰.۴۰۸۶۳۸۶	۰	۰.۵۸۲۰۶۶	۰.۰۶۷۴۲۵	-۰.۴۲۹۵۸۸۳	-۰.۴۲۹۵۸۸۳
رامهرمز	۰.۳۷۹۴۴	۰.۶۷۰۰۱۹	۰.۲۹۷۱۹	۱.۱۸۵۷۵۵	۰.۹۴۸۶	۰.۶۶۴۰۲	۰.۶۶۴۰۲۲۲	۰.۳۸۲۸	۰.۵۲۲۰۱۱	۰.۱۰۳۳۹۷	-۰.۴۱۵۸۵	-۰.۴۱۵۸۵
شادگان	۰.۱۹۵۶	۰.۵۰۳۵۲۹	۰.۴۸۹۱۷	۰.۳۵۲۱۲۴	۰.۶۵۲۰۸	۰.۳۲۶۰۴	۰.۱۹۵۶۲۴	۰	۰.۱۹۹۹۵۷	۰.۰۶۱۲۹۸	-۰.۴۲۹۶۶۶۴	-۰.۴۲۹۶۶۶۴
شوش	۰.۴۹۳۱۸	۰.۵۹۸۷۳۰۴	۰.۱۲۶۴۹۰۸	۰.۸۲۳۶۲۵۷	۰.۴۹۳۱۸	۰.۴۴۳۸۷	۰.۲۹۵۹۱۳	۰	۰.۴۴۸۸۰۲	۰.۲۰۴۱۷۱۹	-۰.۴۲۸۵۱۸۲	-۰.۴۲۸۵۱۸۲
شوشتر	۰.۳۱۴۳۰	۰.۴۱۲۴۵۷۳	۰.۳۸۱۲۶۴	۱.۱۴۳۹۳۷۶	۰.۱۰۴۴۶۹۱	۰.۴۱۷۸۷۶۷	۰.۸۱۷۹۸۸۱	۰.۶۶۸۸	۰.۷۸۷۶۷۶	۰.۲۵۳۳۳۷	-۰.۴۲۱۶۸۲۸	-۰.۴۲۱۶۸۲۸
گتوند	۰.۷۶۹۸۱	۰.۸۴۲۴۳۵۱	۰.۳۵۳۱۲۱	۱.۰۳۱۵۴۶۸	۰.۱۵۳۹۶۲۲	۰.۴۶۱۸۸۶۶	۰.۳۰۷۹۲۴۴	۰	۰.۲۱۵۸۴۸۸	۰.۳۵۵۶۵۲	-۰.۴۳۴۴۱۱۱	-۰.۴۳۴۴۱۱۱
لالی	۰.۵۳۵۰۳	۰.۷۰۴۷۰۵۸	۰.۵۹۶۳۴۸	۱.۰۱۶۵۵۹۲	۰.۲۶۷۵۱۵۵	۰.۸۰۲۵۴۶۷	۰.۵۳۵۰۳۱۱	۰	۰.۱۸۸۵۴۴۲	۰.۵۱۰۹۵۴	-۰.۴۶۹۰۲۱۳	-۰.۴۶۹۰۲۱۳
مسجدسلیمان	۰.۴۴۱۴۷	۰.۶۰۹۵۱۴۵	۰.۴۰۰۹۶	۰.۴۷۶۷۹۱۷	۰.۸۸۲۹۴۷	۰.۶۱۸۰۶۳۳	۰.۷۰۶۳۵۸۱	۰	۰.۳۹۱۰۳۱	۰.۱۴۳۰۳۷	-۰.۴۲۲۲۶۹۸	-۰.۴۲۲۲۶۹۸
مفتکل	۰.۴۴۶۶۶	۱.۰۳۱۰۳۷۲	۰.۷۰۶۰۰۵	۱.۲۵۰۵۰۲۴	۰.۴۴۶۶۰۸	۰.۴۴۶۶۰۸	۰.۴۴۶۶۰۸	۰	۰.۱۷۸۷۸۶۲	۰.۲۱۸۸۳۷۹	-۰.۴۱۷۴۲۴۴	-۰.۴۱۷۴۲۴۴
هندیجان	۰.۸۰۱۲۸	۰.۸۵۰۱۰۳۷	۰.۱۷۰۰۷۱	۱.۵۷۵۵۵۷۷	۰.۲۶۷۰۹۴	۰.۸۰۱۲۸۲	۰.۵۳۴۱۸۸	۰	۰.۵۴۷۸۶۳	۰.۱۶۵۵۹۸	-۰.۴۲۱۷۱۶۶	-۰.۴۲۱۷۱۶۶
هویزه	۰.۲۹۱۴۴	۱.۰۰۸۹۶۲۲	۰.۸۶۶۰۶۵۸	۰.۹۳۲۶۱۸۳	۰.۲۹۱۴۴۲۲	۰.۵۸۲۸۸۶۴	۰.۲۹۱۴۴۲۲	۰	۰.۴۳۶۱۸۳	۰.۱۵۷۳۹۳	-۰.۴۲۸۹۳۳۶۶	-۰.۴۲۸۹۳۳۶۶

مأخذ: همان.

در مرحله بعد ماتریس امتیاز داده شده، با توجه به فرمول ذیل بی‌مقیاس می‌شود. هدف از این کار به نحوی نرمالیزه کردن نسبت‌های وارد شده است.

$$r_{ij} = \frac{r_{ij}}{\left(\sum_{i=1}^m r_{ij}^2 \right)^{\frac{1}{2}}}, \quad (j = 1, \dots, n)$$

جدول ۴. ماتریس بی‌مقیاس شده معرفه‌های فرهنگی

معموس بعد خانوار	معموس نرخ طلاق	سرايه مرازتر عرضه محصولات فرهنگي به ازاي هر ۱۰۰۰ نفر	نسبت تعدادمگز سينما به كل جمعيت	نسبت چاپخانه‌هاي تحت نظارت اداره كل ارشاد اسلامي به ازاي هر ۱۰ هزار نفر	نسبت كتابخانه‌هاي فرهنگي هري بر پايه‌ده به ازاي ۱۰ هزار نفر	سرايه كالون پوروش فكري پراي هر ۱۰ هزار نفر	نسبت مساجد به ازاي هر ۱۰ هزار نفر	نسبت اعتدای كتابخانه به جمعيت باسواد شهرستان	تعداد كتاب به جمعيت باسواد شهرستان	نسبت كتابخانه به ازاي هر ۱۰ هزار نفر	شهرستان‌ها
۰/۰۳۸۲۸۶۶	۰/۰۵۱۵۷۶	۰/۰۶۳۱۱۱۷	۰/۲۱۱۳۷۶۴	۰/۰۴۰۳۵۷۳	۰/۰۲۱۸۷۹۲	۰/۰۵۷۴۰۰۸	۰/۰۲۵۱۲۳۳	۰/۰۲۴۸۷۳۳	۰/۰۲۷۱۵۵۵	۰/۰۲۱۶۹۳	آبادان
۰/۰۳۹۲۲۹۴	۰/۰۴۴۹۲۵۵	۰/۰۵۸۱۷۱۸۹	۰	۰/۰۵۰۶۸۸۳	۰/۰۵۶۳۰۷۵	۰/۰۸۶۱۷۳۳	۰/۰۲۶۹۷۷۹	۰/۰۳۱۴۴۰	۰/۰۱۷۸۰۵۰	۰/۰۲۱۷۱۱	امیدیه
۰/۰۴۷۹۸۲۲	۰/۰۴۵۷۹۸۸	۰/۰۱۷۹۸۰۱	۰	۰/۰۱۷۹۷۴۱	۰/۰۱۶۷۰۴۸	۰	۰/۰۲۵۳۷۴	۰/۰۲۷۸۷۱۱	۰/۰۲۵۶۰۸۶	۰/۰۳۸۶۴۷	اندیکا
۰/۰۳۸۹۷۰۱	۰/۰۴۴۱۵۷۲	۰/۰۴۵۷۷۳	۰	۰/۰۶۵۵۵۷۵	۰/۰۴۵۶۹۵۹	۰/۰۴۶۶۲۱	۰/۰۲۵۷۰۷۷	۰/۰۸۱۷۲۱۷	۰/۰۳۴۱۹۷۳	۰/۰۳۵۳۹	اندیشک
۰/۰۳۹۰۹۸۹	۰/۰۲۶۶۳۴۷	۰/۰۷۱۸۹۱۰	۰/۱۵۷۶۳۱۶	۰/۰۴۹۰۸۱۲	۰/۰۱۳۹۸۸۶	۰/۰۱۶۷۵۴۱	۰/۰۱۶۱۲۸۷	۰/۰۲۶۲۱۳۱	۰/۰۱۶۵۵۸	۰/۰۱۰۵۵۳	اهواز
۰/۰۴۴۵۴۰۴	۰/۰۹۱۰۸۸	۰/۰۷۵۹۵۶۹	۰	۰/۰۱۳۴۵۱۹	۰/۰۲۵۰۰۳۹	۰/۰۱۲۷۵۵۲	۰/۰۲۹۱۷۶۴	۰/۰۳۸۱۳۷۷	۰/۰۱۸۱۷۷۴	۰/۰۲۸۹۲۳	ایذه
۰/۰۴۴۱۹۶۹	۰/۰۸۷۵۲۳	۰/۰۴۹۰۹۳۷	۰	۰/۰۲۵۴۱۷	۰/۰۵۵۲۸۰۴	۰/۰۲۴۱۷۱۵	۰/۰۷۹۹۷۰۶	۰/۰۳۰۵۰۰۱	۰/۰۵۶۶۸۳۳	۰/۰۷۳۰۸۲	باغملک
۰/۰۴۱۲۷۹۹	۰/۰۵۸۷۴۵۱	۰/۰۷۰۷۰۰	۰	۰/۰۱۰۲۴۰۳	۰/۰۲۸۵۵۱۶	۰	۰/۰۱۲۰۴۶۹	۰/۰۴۶۰۷	۰/۰۳۶۲۱۱	۰/۰۳۳۰۲۷	بای
۰/۰۳۹۴۴۰	۰/۰۲۶۶۳۶۵	۰/۰۸۷۶۲۱۹	۰	۰/۰۵۴۴۱۵	۰/۰۲۴۴۱۵۵	۰/۰۱۸۶۸۲	۰/۰۱۲۱۶۹۰	۰/۰۲۹۸۰۷	۰/۰۱۹۹۶۶۰	۰/۰۲۱۱۸۲	بندر ماهشهر
۰/۰۳۷۲۱۲۵	۰/۰۱۲۹۳۷۸	۰/۱۱۰۱۳۲۲	۰	۰/۰۷۶۲۱۱۶	۰/۰۳۷۷۷۵۸	۰/۰۴۳۳۵۸۸	۰/۰۶۲۹۵۵۱	۰/۰۶۱۴۷۰۶	۰/۰۶۲۲۹۴۸	۰/۰۵۴۶۲۲	بهبهان
۰/۰۳۸۲۹۱۸	۰/۰۵۱۲۲۴۹	۰/۰۲۹۳۲۵۳	۰/۱۸۳۰۳۱۱	۰/۰۲۲۳۰۹۷	۰/۰۳۶۲۸۴۹	۰/۰۶۳۴۶۲۹	۰/۰۱۵۰۹۱۲	۰/۰۱۹۲۱۰۷	۰/۰۳۶۶۶۰۰	۰/۰۲۹۹۸۱	خرمشهر
۰/۰۳۸۷۶۴۷	۰/۰۱۹۱۸۱۴	۰/۰۹۲۰۱۶	۰/۱۹۷۵۱۵۱	۰/۰۵۸۰۲۶	۰/۰۲۰۰۳۴۲	۰/۰۲۴۵۲۸۱	۰/۰۳۰۱۷۷۷	۰/۰۲۱۳۱۳۳	۰/۰۲۸۰۴۰۲	۰/۰۳۴۶۶۲	دزفول
۰/۰۴۰۹۳۷	۰/۰۱۸۵۷۸۹	۰/۰۷۶۱۳۳	۰	۰/۰۳۶۵۸۳	۰/۰۷۶۴۹۹۱	۰/۰۷۸۰۴۸۹	۰/۰۵۳۲۵۸۲	۰/۰۶۵۳۳۸۷	۰/۰۸۰۲۵۰۲	۰/۰۹۸۳۲۴	دشت آزادگان
۰/۰۴۳۳۹۲۲	۰/۰۸۸۰۶۸	۰/۰۶۷۱۲۱	۰	۰/۰۳۷۰۹۹	۰/۰۶۹۳۵۰۴	۰/۰۵۳۰۶۶۵	۰/۰۵۹۲۵۴۳	۰/۱۱۴۹۴۱	۰/۰۳۶۸۳۳	۰/۰۴۰۱۱۱	رامشیر
۰/۰۴۱۰۳۶۵	۰/۰۱۳۵۰۵۴	۰/۰۶۱۳۴۹	۰/۰۹۳۰۰۶	۰/۰۶۰۶۲۷۳	۰/۰۵۶۳۴۵۹	۰/۰۲۴۳۳۷۵	۰/۰۶۲۸۱۳	۰/۰۲۰۵۴۷۶	۰/۰۴۶۶۳۳۶	۰/۰۳۷۲۴۵	رامهرمز
۰/۰۴۳۷۱۲۴	۰/۰۸۰۰۶۲	۰/۰۳۰۵۸۲	۰	۰/۰۱۷۸۶۱۱	۰/۰۲۷۶۶۶۳	۰/۰۱۶۹۳۶۱	۰/۰۱۸۹۱۰۹	۰/۰۳۸۲۰۷	۰/۰۳۵۰۴۵۸	۰/۰۱۹۲۰۲	شادگان
۰/۰۴۲۲۸۶۶	۰/۰۳۱۵۷۱۵۵	۰/۰۵۱۷۵۳۹	۰	۰/۰۲۷۰۱۷۸	۰/۰۳۷۶۶۴	۰/۰۱۲۸۰۹۲	۰/۰۴۴۲۳۰	۰/۰۸۷۴۵۳۳	۰/۰۴۱۶۷۱۹	۰/۰۴۸۴۱۰	شوش
۰/۰۴۱۶۱۲	۰/۰۳۳۰۹	۰/۰۰۹۰۸۳	۰/۱۵۷۱۴۵	۰/۰۸۱۰۷۶	۰/۰۳۵۴۵۹۱	۰/۰۲۷۱۳۳۱	۰/۰۶۱۴۳۵۵	۰/۰۲۶۳۶	۰/۰۲۸۷۰۷۲	۰/۰۳۰۷۶۳	شوشتر
۰/۰۴۲۷۶۹	۰/۰۴۶۴۵۴	۰/۰۲۴۸۹	۰	۰/۰۲۸۱۱۴	۰/۰۳۹۱۹۳	۰/۰۳۹۸۸۷	۰/۰۵۵۳۹۹	۰/۰۲۴۴۱۴	۰/۰۵۸۶۳۳	۰/۰۷۵۵۶۳	گنوند
۰/۰۴۶۲۸۳۵	۰/۰۶۶۷۳۹۰	۰/۰۲۱۷۴۰۹	۰	۰/۰۴۸۸۴۹۹	۰/۰۶۸۱۰۰۴	۰/۰۶۹۴۸۰۱	۰/۰۵۴۵۹۴۶	۰/۰۴۱۲۳۰۸	۰/۰۴۹۰۴۷۸	۰/۰۵۲۵۱۷	لالی
۰/۰۴۱۶۷۰۰	۰/۰۱۸۶۸۳۰	۰/۰۴۵۰۹۲	۰	۰/۰۶۴۴۹۲۶	۰/۰۵۲۴۴۶۰	۰/۰۲۲۹۳۲۲	۰/۰۲۵۶۰۶۲	۰/۰۷۷۷۲۱۹	۰/۰۴۴۴۲۵	۰/۰۴۳۳۴۴	مسجدسلیمان
۰/۰۴۰۹۲۵۵	۰/۰۲۸۵۸۳۸	۰/۰۲۰۶۱۴۷	۰	۰/۰۴۰۷۷۶۶	۰/۰۳۷۸۹۷۱	۰/۱۱۵۹۹۴۶	۰/۰۶۷۱۵۸۶	۰/۰۶۸۸۱۳۳	۰/۰۷۱۷۶۰۷	۰/۰۴۳۳۸	هفتکل
۰/۰۴۱۶۱۵۴	۰/۰۲۱۶۲۹۸	۰/۰۰۶۳۱۷۷	۰	۰/۰۴۸۷۷۳۰	۰/۰۶۷۹۹۳۱	۰/۰۶۹۳۷۰۶	۰/۰۸۴۶۳۱۷	۰/۰۱۱۷۵۵۵	۰/۰۵۹۱۶۶۶	۰/۰۷۸۶۵۲	هندیجان
۰/۰۴۴۳۰۱۲	۰/۰۰۲۵۵۶۳	۰/۰۴۹۸۸۷۷	۰	۰/۰۲۶۶۰۹۶۶	۰/۰۴۹۴۶۱	۰/۰۷۵۶۹۴۶	۰/۰۵۰۰۸۶۵	۰/۰۵۹۸۸۷۷	۰/۰۷۰۲۲۴۴	۰/۰۲۸۶۰۷۶	هویزه

مأخذ: همان.

در مرحله بعد ماتریس تصمیم تهیه می‌شود. در واقع ماتریس تصمیم، پارامتری است و لازم است کمی شود. در مرحله بعدی ماتریس بی‌مقیاس شده را در W که ماتریس

قطری داده‌ها می‌باشد ضرب می‌کنیم تا ماتریس بی‌مقیاس شده موزون به دست آید. با توجه به اینکه ماتریس $Wn*1$ قابل ضرب در ماتریس تصمیم نرمالایزه شده $(n*n)$ نیست، قبل از ضرب باید ماتریس وزن را به یک ماتریس قطری $Wn*n$ تبدیل کرد.

$$V = N \times W_{n \times n}$$

جدول ۵. ماتریس قطری داده‌های معرفه‌های فرهنگی

W	۰/۰۰۰۶۲۹۰۶۸	۰/۱۶۱۹۰۱۱۲۶	۰/۱۰۲۹۴۱۵۷۷	۰/۳۳۴۶۵۱۰۹	۰/۰۳۴۸۱۸۷۵	۰/۰۲۸۰۷۶۲۹۲	۰/۰۸۷۵۹۵۶۲	۰/۰۴۳۳۴۱۹	۰/۰۶۶۶۹۱۲۷	۰/۰۲۸۲۷۶۵۷	۰/۰۳۶۰۴۳۸۹
---	-------------	-------------	-------------	------------	------------	-------------	------------	-----------	------------	------------	------------

مأخذ: همان.

ماتریس بی‌مقیاس شده موزون را که حاصل ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده و ماتریس قطری داده‌ها می‌باشد را در جدول ۶ مشاهده می‌کنید.

جدول ۶. ماتریس بی‌مقیاس شده موزون معرفه‌های فرهنگی

شهرستان‌ها	نسبت کتابخانه به ازای هر ۱۰ هزار نفر	تعداد کتاب به جمعیت باسواد شهرستان	نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت باسواد شهرستان	نسبت مساجد به ازای هر ۱۰ هزار نفر	نسبت کتابخانه‌های فرهنگی هبیری پریشده به ازای ۱۰ هزار نفر	نسبت نمازگاه‌های فرهنگی هبیری پریشده به ازای ۱۰ هزار نفر	اداره کل ارشاد اسلامی به ازای هر ۱۰ هزار نفر	نسبت کتابخانه‌های تحت نظارت نسبت تمام‌اگر سینما به کل جمعیت	فرهنگی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	سرايه مراکز عرضه محصولات فرهنگی	مکس نرخ حلاق	مکس بند خاوار
آبادان	۰/۰۳۴۷۱۲۶۴	۰/۰۳۴۵۵۲۸۱	۰/۰۴۸۹۱۸۹۶	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
امیدیه	۰/۰۰۳۴۳۰۱۹۴	۰/۰۰۲۲۶۵۲۷۷	۰/۰۰۶۱۹۶۲۶	۰/۰۰۰۵۰۲۸۹۰۴	۰/۰۰۲۸۵۴۲۱۲۶	۰/۰۰۰۷۱۳۰۳۸۶	۰/۰۰۰۸۰۰۶۶۲	۰/۰۰۰۵۲۱۹۸	۰/۰۰۰۲۰۴۰۸۲	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
اندیکا	۰/۰۰۶۱۰۵۸۳۶	۰/۰۰۳۳۵۸۰۸۵	۰/۰۰۵۴۹۱۲۶۴	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
اندیمشک	۰/۰۰۵۵۶۷۵۰۳	۰/۰۰۴۴۵۰۷۹۴	۰/۰۰۱۶۱۰۵۵	۰/۰۰۰۴۸۳۶۹۷	۰/۰۰۱۵۴۴۲۱۲۱	۰/۰۰۰۵۷۸۶۶۱۷	۰/۰۰۱۰۳۲۶۹۷	۰/۰۰۰۴۱۰۵۵۵۶۶	۰/۰۰۰۲۰۰۵۹۲	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
اهواز	۰/۰۰۱۶۶۲۹۷	۰/۰۰۲۱۰۶۶۹	۰/۰۰۵۱۶۶۰۲۲	۰/۰۰۰۳۰۳۶۶۵	۰/۰۰۰۵۵۴۳۳۲	۰/۰۰۰۱۷۱۴۴۴	۰/۰۰۰۷۵۸۷۵۴	۰/۰۰۰۱۶۳۵۰۶۱۴۴	۰/۰۰۰۲۰۰۹۹۳	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
ایذه	۰/۰۰۴۵۶۹۶۹	۰/۰۰۲۴۰۱۷۰۵	۰/۰۰۷۵۱۴۰۸	۰/۰۰۰۵۵۰۸۴۰۳	۰/۰۰۰۴۲۴۸۱	۰/۰۰۰۳۱۶۶۳۱۱	۰/۰۰۰۲۰۷۹۹۳	۰/۰۰۰۲۹۸۱۹۵۶۶	۰/۰۰۰۰۴۱۶۷۸	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
باغملک	۰/۰۰۱۱۵۶۶۱۴	۰/۰۰۰۷۲۱۱۶۶	۰/۰۰۶۰۱۰۸۴	۰/۰۰۱۵۰۶۶۶۱۸	۰/۰۰۰۸۰۰۶۱۴۴	۰/۰۰۰۷۰۰۰۳	۰/۰۰۰۹۴۱۴۷	۰/۰۰۰۱۹۱۲۶۸	۰/۰۰۰۰۳۷۵۹	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
باوی	۰/۰۰۰۵۲۱۸۰۴	۰/۰۰۰۴۲۰۹۹۸	۰/۰۰۹۰۷۹۶۷۶	۰/۰۰۰۲۳۶۶۵۶	۰/۰۰۰۳۶۱۵۵۷۶	۰/۰۰۰۳۶۱۵۵۷۶	۰/۰۰۰۱۵۸۳۳۸	۰/۰۰۰۲۶۶۸۶۰	۰/۰۰۰۰۲۶۶۸۶۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
بندرماهشهر	۰/۰۰۳۳۴۶۵۵	۰/۰۰۲۵۲۷۶۶۲	۰/۰۰۵۸۶۱۰۹	۰/۰۰۲۸۹۶۱۹	۰/۰۰۰۶۱۸۰۹۷	۰/۰۰۰۳۰۹۱۸۱۶	۰/۰۰۰۸۱۳۳۸۵	۰/۰۰۰۳۳۹۹۷	۰/۰۰۰۱۲۱۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
بهبهان	۰/۰۰۸۶۱۹۷۴۴	۰/۰۰۷۹۲۵۵۲۳	۰/۰۰۱۲۱۱۴۷۷	۰/۰۰۱۲۰۳۳۷۳	۰/۰۰۱۲۰۳۳۷۳	۰/۰۰۰۹۸۱۶۶۷	۰/۰۰۱۱۷۸۷۱۸	۰/۰۰۰۳۳۲۶۶۹	۰/۰۰۰۰۵۸۷۲	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
خرمشهر	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
دزفول	۰/۰۰۰۵۴۲۰۹۱	۰/۰۰۰۳۵۲۷۶۵۲	۰/۰۰۰۴۱۶۶۵	۰/۰۰۰۵۶۸۰۰۲	۰/۰۰۰۱۱۲۴۴۴	۰/۰۰۰۲۵۳۶۹۵	۰/۰۰۰۸۹۹۱۹	۰/۰۰۰۲۶۱۹۰۰۵	۰/۰۰۰۰۸۷۱۲۵	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
دشت آزادگان	۰/۰۰۱۵۵۳۴۱۶۱	۰/۰۰۱۰۲۰۹۹۳۴	۰/۰۰۱۲۸۷۶۷۹	۰/۰۰۱۰۰۲۰۶۳۲	۰/۰۰۲۵۵۱۴۸۸	۰/۰۰۰۹۶۸۷۳۴	۰/۰۰۰۵۵۶۶۱۱	۰/۰۰۰۲۹۸۸۸۸	۰/۰۰۰۰۸۴۳۸۱	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

شهرستان‌ها	نسبت کتابخانه به ازای هر ۱۰ نفر	تعداد کتاب به جمعیت باسواد شهرستان	نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت باسواد شهرستان	نسبت مساجد به ازای هر ۱۰ هزار نفر	سزانه کانون پرورش فکری برای هر ۱۰ هزار نفر	نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی هنری پراکنده به ازای ۱۰ هزار نفر	نسبت کتابخانه‌های تحت نظارت اداره کل ارشاد اسلامی به ازای هر ۱۰ هزار نفر	نسبت کتابخانه سیمنا به کل جمعیت	سزانه مراکز عرضه محصولات فرهنگی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	مکعب نرخ حلاق	مکعب پد خانوار
رامشیر	۰۰۰۶۳۷۱۳	۰۰۰۴۶۴۱۵۸	۰۰۰۲۲۵۲۳۶۹	۰۰۱۱۱۴۸۱	۰۰۱۷۵۶۹۷۲	۰۰۰۸۷۸۲۰۴۵	۰۰۰۵۶۸۸۰۴	۰	۰۰۰۲۶۳۵۰۹۱	۰۰۰۴۰۰۶۶	۰۰۰۰۰۱۳
رامهرمز	۰۰۰۵۸۴۳۴۹	۰۰۰۵۹۳۳۰۲۴	۰۰۰۴۰۴۹۴۶۹	۰۰۱۱۹۸۱۷۵۹	۰۰۰۸۱۶۰۴۶۶	۰۰۰۷۱۳۲۵۲۵۶	۰۰۰۹۳۷۴۱۰۲	۰۰۰۹۶۸۷۶۹۴	۰۰۰۲۴۰۸۴۸۴	۰۰۰۰۶۱۳۵	۰۰۰۰۰۱۲۶۲
شادگان	۰۰۰۳۳۳۷۷	۰۰۰۴۴۵۱۷۵۵	۰۰۰۶۶۶۵۲۹۶	۰۰۰۲۳۵۸۱۲۵	۰۰۰۵۶۰۹۵۹۸	۰۰۰۳۵۰۳۴۶۹	۰۰۰۲۷۶۱۶۵۷	۰	۰۰۰۹۰۵۱۳۳۵	۰۰۰۰۳۶۳۶۹	۰۰۰۰۰۱۳۴۴
شوش	۰۰۰۰۶۶۸۳۶۱	۰۰۰۵۳۰۱۷۶۲	۰۰۰۱۷۳۳۵۲۲	۰۰۰۸۳۲۵۱۷	۰۰۰۴۴۴۱۷۰۸	۰۰۰۶۷۶۹۶۰۳	۰۰۰۴۱۷۷۴۶۸	۰	۰۰۰۲۰۱۷۸۱۷	۰۰۰۱۳۳۱۹۴	۰۰۰۰۰۱۳۰۰
شوشتر	۰۰۰۰۴۶۰۲۹۶	۰۰۰۳۶۵۱۳۱۳	۰۰۰۵۱۹۶۹۸	۰۰۱۱۵۵۹۱۹۷	۰۰۰۸۹۸۷۰۶۶	۰۰۰۴۴۹۰۲۹۱	۰۰۱۲۵۳۵۸۳	۰۰۱۳۰۰۱۴۰۸	۰۰۰۳۵۶۹۱۳	۰۰۰۱۵۰۳۱۷	۰۰۰۰۰۱۲۶۹
گتوند	۰۰۰۱۱۹۲۸۱۶	۰۰۰۷۴۵۹۷۶۹	۰۰۰۶۸۱۱۵۲۵	۰۰۱۰۴۳۵۱۷	۰۰۱۳۳۴۶۵۳	۰۰۰۴۶۳۱۹۹	۰۰۰۳۳۳۷۰۹	۰	۰۰۰۹۷۱۷۵۲	۰۰۰۲۱۱۰۲۶	۰۰۰۰۰۱۳۱۵
لالی	۰۰۰۰۸۱۹۷۱۱۴	۰۰۰۶۲۴۰۱۷۵	۰۰۰۸۱۲۵۶۶۳	۰۰۱۰۲۷۲۰۷۱	۰۰۱۳۰۱۳۹۵	۰۰۰۸۶۳۷۵۹	۰۰۰۷۵۳۱۰۴	۰	۰۰۰۵۳۵۱۸۶	۰۰۰۳۰۳۱۷۴	۰۰۰۰۰۱۴۳۳
مسجد سلیمان	۰۰۰۰۶۸۶۳۳۶	۰۰۰۵۲۹۷۱۲۵۶	۰۰۰۵۴۶۳۳۵۹	۰۰۰۶۸۱۷۵۸	۰۰۰۷۵۹۵۶۶۵	۰۰۰۶۶۴۱۳۴۴	۰۰۰۹۹۷۱۷۶۹	۰	۰۰۰۱۷۷۰۲۴۷	۰۰۰۰۸۴۸۷۱	۰۰۰۰۰۱۲۸۱
هفتکل	۰۰۰۰۶۹۲۵۹۵۶	۰۰۰۹۱۲۹۸۴۲	۰۰۰۹۶۱۹۸۰۳	۰۰۱۲۶۶۰۰۷	۰۰۲۳۴۱۹۸۹۹	۰۰۰۶۹۹۹۰۲۲	۰۰۰۳۰۴۸۱۳	۰	۰۰۰۰۸۰۹۳۰۶۵	۰۰۰۱۲۹۸۶۷	۰۰۰۰۰۱۲۵۸
هندیجان	۰۰۰۱۴۴۶۲۰۹	۰۰۰۱۵۲۷۶۷۵	۰۰۰۲۳۱۷۳۴۴	۰۰۱۵۹۱۳۶۰۹	۰۰۲۲۹۷۰۰۲۹	۰۰۰۸۶۱۰۱۶۹	۰۰۰۷۵۴۱۲۰۲	۰	۰۰۰۲۴۸۰۲۴۶	۰۰۰۰۹۸۲۵۷	۰۰۰۰۰۱۲۶۹
هویزه	۰۰۰۰۴۵۱۹۶۷۵	۰۰۰۸۹۳۳۶۶	۰۰۰۱۱۸۰۰۷۴۱	۰۰۰۹۴۳۳۸۷	۰۰۰۲۵۰۷۱۶۹۴	۰۰۰۶۲۶۳۴۰۱	۰۰۰۴۱۱۹۳۴۲	۰	۰۰۰۱۹۵۵۵۱۸	۰۰۰۰۹۳۳۸	۰۰۰۰۰۱۳۶۹

مأخذ: همان.

در مرحله بعد میزان فاصله‌ای هر گزینه تا ایدئال مثبت و منفی را با توجه به فرمول زیر به دست می‌آوریم:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2}, i = 1, 2, \dots, m$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2}, i = 1, 2, \dots, m$$

جدول ۷. میزان فاصله‌ای هر شهرستان تا ایدئال مثبت و منفی در بخش فرهنگی

شهرستان	d+	d-
آبادان	۰/۰۰۱۸۲۵	۰/۰۰۶۱۷۴۲
امیدیه	۰/۰۴۹۴۸۲	۰/۰۱۴۷۹۱
اندیکا	۰/۰۵۱۸۵۶	۰/۰۱۳۴۰۴
اندیمشک	۰/۰۴۹۱۹۳	۰/۰۱۵۶۰۵
اهواز	۰/۰۰۵۲۹۸	۰/۰۴۲۹۳۳
ایذه	۰/۰۵۰۰۸۹	۰/۰۱۸۳۱۸
باغملک	۰/۰۴۹۹۵۱	۰/۰۱۸۲۱۵
باوی	۰/۰۵۲۳۷۸	۰/۰۱۲۰۸

شهرستان	d+	d-
بندرماهشهر	۰/۰۴۹۹۵	۰/۰۱۶۵۸۸
بهبهان	۰/۰۴۸۸۵۷	۰/۰۱۹۳۳
خرمشهر	۰/۰۰۳۳۳۸	۰/۰۴۹۳۸۲
دزفول	۰/۰۰۱۸۵۱	۰/۰۵۹۵۹۱
دشت آزادگان	۰/۰۵۰۰۴۸	۰/۰۱۷۵۲۸
رامشیر	۰/۰۵۰۳۴	۰/۰۱۸۳۹۵
رامهرمز	۰/۰۱۸۰۷۴	۰/۰۲۶۵۹۲
شادگان	۰/۰۵۱۰۴۵	۰/۰۱۷۷۱۱
شوش	۰/۰۶۹۵۷۱	۰/۰۰۰۷۴۵
شوشتر	۰/۰۰۶۲۳۸	۰/۰۴۱۵۹۱
گتوند	۰/۰۵۰۵۸۵	۰/۰۱۳۷۳۴
لالی	۰/۰۵۰۵۵۹	۰/۰۱۲۰۵
مسجد سلیمان	۰/۰۵۱۲۹۴	۰/۰۱۶۵۳۸
هفتکل	۰/۰۴۹۷۱	۰/۰۱۶۹۹۲
هندیجان	۰/۰۵۰۴۶۱	۰/۰۱۶۹۳۷
هويزه	۰/۰۴۹۲۰۵	۰/۰۱۷۲۸۹

مأخذ: همان.

در ادامه تعیین نزدیکی نسبی (CL_i^*) یک گزینه به راه حل ایدئال را با توجه به فرمول زیر حساب می کنیم و هر گزینه ای که (CL_i^*) آن بزرگ تر باشد، بهتر و بالاترین رتبه را نسبت به سایر گزینه ها به خود اختصاص خواهد داد.

$$CL_i^* = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$$

جدول ۸. رتبه بندی نهایی شهرستان های استان خوزستان در توزیع فضایی امکانات و زیرساخت های فرهنگی

رتبه	وزن نهایی مؤلفه ها با استفاده از الگوی تاپسیس	شهرستان
۱	۰/۹۷۱	آبادان
۲	۰/۹۶۹	دزفول
۳	۰/۹۳۶	خرمشهر
۴	۰/۸۹۰	اهواز
۵	۰/۸۶۹	شوشتر

رتبه	وزن نهایی مؤلفه‌ها با استفاده از الگوی تاپسیس	شهرستان
۶	۰/۵۹۵	رامهرمز
۷	۰/۲۸۳	بهبهان
۸	۰/۲۶۸	ایذه
۹	۰/۲۶۸	رامشیر
۱۰	۰/۲۶۷	باغملک
۱۱	۰/۲۶۰	هویزه
۱۲	۰/۲۵۹	دشت آزادگان
۱۳	۰/۲۵۷	شادگان
۱۴	۰/۲۵۴	هفتکل
۱۵	۰/۲۵۱	هندیجان
۱۶	۰/۲۴۹	بندرماهشهر
۱۷	۰/۲۴۳	مسجدسلیمان
۱۸	۰/۲۴۰	اندیمشک
۱۹	۰/۲۳۰	امیدیه
۲۰	۰/۲۱۳	گتوند
۲۱	۰/۲۰۵	اندیکا
۲۲	۰/۱۹۲	لالی
۲۳	۰/۱۸۷	باوی
۲۴	۰/۰۱۰۵	شوش

مأخذ: همان.

در توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان خوزستان شهرستان‌های آبادان، دزفول، خرمشهر، اهواز و شوشتر رتبه‌های اول تا پنجم را در دست دارند و شهرستان‌های گتوند، اندیکا، لالی، باوی و شوش در رتبه‌های بیست تا بیست و چهارم قرار دارند. توضیح و تحلیل بیشتر با استفاده از تحلیل خوشه‌ای آورده شده است.

نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای در زمینه برخورداری شهرستان‌های استان خوزستان از

امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی به این شرح است:

سطح اول برخورداری: آبادان، دزفول، خرمشهر،

سطح دوم برخورداری: اهواز، شوشتر،

سطح سوم برخورداری: رامهرمز،

سطح چهارم بر خورداری: بهبهان، ایذه، رامشیر، باغملک، هویزه، دشت آزادگان، شادگان، هفتکل، هندیجان، بندرماهشهر، مسجدسلیمان، اندیمشک، امیدیه، گتوند، اندیکا، لالی، باوی،

سطح پنجم بر خورداری: شوش.

در ادامه نتایج تحلیل خوشه‌ای در نقشه ۱ آورده شده است.

جدول ۹. میانگین، شاخص کجی و کشیدگی امتیازات میزان بر خورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی

۰/۳۹	میانگین
۱/۲۴۱	شاخص کجی
-۰/۰۴۶	شاخص کشیدگی

مأخذ: همان.

همان‌طور که از جدول ۹ پیداست، میانگین وزن توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان خوزستان ۰/۳۹۱ است که شش شهرستان در بالای این میانگین و هجده شهرستان پایین‌تر از آن قرار دارند. درجه کجی وزن شهرستان‌های استان خوزستان عدد ۱/۲۴ است که عدم تقارن نسبی در توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در سطح استان را نشان می‌دهد. همچنین شاخص برآمدگی عدد بسیار کوچک -۰/۰۴۶- بیانگر این امر است که در هیچ تک شهرستانی تمرکز و تجمع مطلق امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی صورت نگرفته است.

۱-۵. تحلیل جغرافیایی میزان بر خورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان خوزستان

در این بخش برای اینکه درک بهتری از موضوع پیدا کنیم به تحلیل جغرافیایی از وضعیت امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان می‌پردازیم. برای این امر شهرستان‌های استان خوزستان را یک بار به دو گروه شمالی - جنوبی و یک بار به دو گروه شرقی - غربی تقسیم کرده، آنگاه از نظر توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی و با استفاده از

آزمون مان ویتنی و میانگین رتبه برخورداری هر نیمه، به مقایسه می‌پردازیم. شهرستان‌های واقع در هر نیمه در جدول ۱۰ مشهود است.

جدول ۱۰. تقسیم‌بندی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس جهات جغرافیایی

شهرستان‌های نیمه شمالی	شهرستان‌های نیمه جنوبی	شهرستان‌های نیمه شرقی	شهرستان‌های نیمه غربی
اندیکا	آبادان	امیدیه	آبادان
اندیمشک	امیدیه	اندیکا	بندر ماهشهر
ایذه	اهواز	ایذه	اندیمشک
باغملک	بندر ماهشهر	باغملک	اهواز
باوی	بهبهان	بهبهان	باوی
دزفول	خرمشهر	رامشیر	خرمشهر
دشت آزادگان	رامشیر	رامهرمز	دزفول
شوش	رامهرمز	لالی	دشت آزادگان
شوستر	شادگان	مسجد سلیمان	شادگان
گتوند	هندیجان	هفتکل	شوش
لالی	هویزه	هندیجان	شوستر
مسجد سلیمان			گتوند
هفتکل			هویزه

مأخذ: همان.

جدول ۱۱. خروجی آزمون میانگین از مقایسه شرق و غرب استان خوزستان

جهت استان خوزستان	تعداد	میانگین رتبه‌ها
شرق	۱۱	۱۳/۴۵
غرب	۱۳	۱۱/۶۹

مأخذ: همان.

جدول ۱۱ به‌خوبی نشان می‌دهد بین شرق و غرب استان از نظر میانگین رتبه شهرستان‌ها در امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی تفاوت چندانی وجود ندارد. به‌گونه‌ای که میانگین رتبه‌های شهرستان‌های شرقی ۱۳/۴۵ و میانگین رتبه‌های شهرستان‌های غربی ۱۱/۶۹ است.

جدول ۱۲. خروجی آزمون مان ویتنی از مقایسه شرق و غرب استان خوزستان

Mann-Whitney U	61.000
Wilcoxon W	152.000
Z	-.608
Asymp. Sig. (2-tailed)	.543

مأخذ: همان.

همان طور که از نتایج خروجی آزمون مان ویتنی پیداست میزان آماره Z برای این مقایسه ۰/۶۰۸- و معناداری آن ۰/۵۴۳ می باشد بنابراین تفاوت معناداری میان رتبه برخوردار شرق و غرب استان خوزستان در توزیع امکانات و زیرساخت های فرهنگی وجود ندارد.

جدول ۱۳. خروجی آزمون میانگین از مقایسه شمال و جنوب استان خوزستان

جهت استان خوزستان	تعداد	میانگین رتبه ها
شمال	۱۱	۱۵/۰۸
جنوب	۱۳	۹/۴۵

مأخذ: همان.

اما چیزی که به خوبی قابل مشاهده است تفاوت میان شمال و جنوب استان است. اغلب شهرستان هایی که در نیمه جنوبی استان واقع شده اند در رتبه های بالای سطح برخوردار در این بخش قرار دارند. میانگین رتبه های شهرستان های جنوبی در زمینه امکانات و زیرساخت های فرهنگی ۹/۴۵ و میانگین رتبه شهرستان های شمالی ۱۵/۰۸ است.

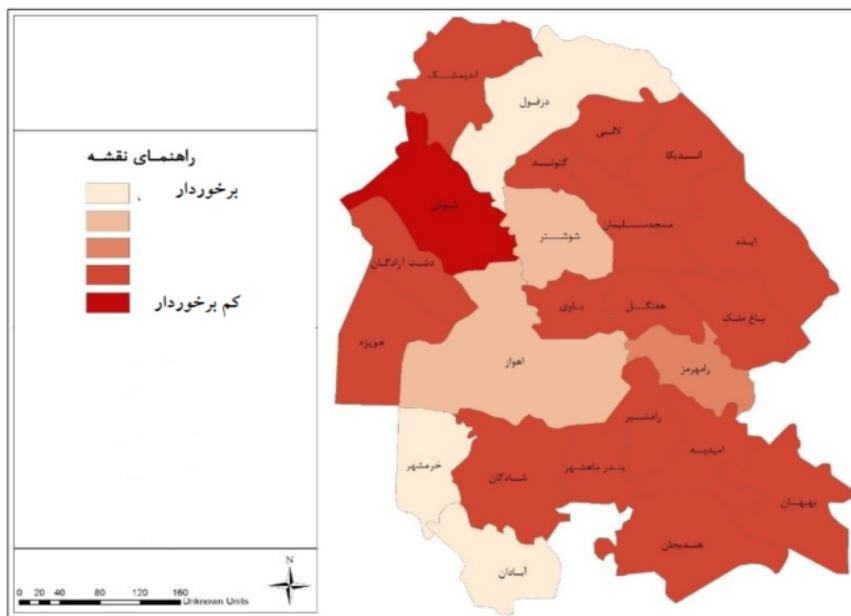
جدول ۱۴. خروجی آزمون مان ویتنی از مقایسه شمال و جنوب استان خوزستان

Mann-Whitney U	38.000
Wilcoxon W	104.000
Z	-1.941
Asymp. Sig. (2-tailed)	.050

مأخذ: همان.

باتوجه به اینکه خروجی آزمون مان ویتنی میزان Z را برابر با ۱/۹۴۲- و معناداری آن را در سطح ۰/۰۵ است می‌توان گفت از نظر فرهنگی جنوب استان خوزستان به طور معناداری از شمال آن برخوردارتر است. این امر در نقشه ۱ که سطح‌بندی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان را نشان می‌دهد قابل مشاهده می‌باشد.

نقشه ۱. سطح‌بندی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی شهرستان‌های استان خوزستان



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲-۵. تحلیل جمعیتی از میزان برخوردارگی از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان خوزستان

در این بخش به تحلیل جمعیتی از توزیع امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان خوزستان می‌پردازیم. در زمینه توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان خوزستان در سطح اول برخوردارگی سه شهرستان آبادان، دزفول و خرمشهر قرار دارند. با فاصله اندک از این سه شهرستان و در سطح دوم اهواز و شوشتر قرار دارند.

همان‌طور که از نتایج برمی‌آید پنج شهرستانی که در دو سطح اول و رتبه‌های اول تا پنجم برخوردار قرار گرفته‌اند از نظر جمعیتی بزرگ‌ترین شهرستان‌های استان هستند. رتبه جمعیتی این پنج شهرستان به ترتیب ۴، ۲، ۱۰، ۱ و ۷ است. اما در سطح آخر نیز شهرستان‌های پرجمعیتی مانند بندر ماهشهر و شوش قرار دارند که از نظر میزان برخورداری از مکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در رده‌های ۱۶ و ۲۴ قرار دارند درحالی‌که از نظر جمعیتی در رده‌های سوم و ششم قرار گرفته‌اند. در ادامه به بررسی بیشتر رابطه و همبستگی میان امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی شهرستان‌ها با میزان جمعیت و نرخ شهرنشینی در آنها می‌پردازیم. برای این منظور از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۱۵. ضریب همبستگی پیرسون بین امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی و میزان جمعیت شهرستان‌ها

همبستگی پیرسون		میزان برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی	جمعیت
میزان برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی	Pearson Correlation	1	.522**
	Sig. (2-tailed)		.009
	N	24	24
جمعیت	Pearson Correlation	.522**	1
	Sig. (2-tailed)	.009	
	N	24	24

مأخذ: همان.

ضریب همبستگی میزان برخورداری از مکانات و زیرساخت‌های فرهنگی و جمعیت شهرستان‌ها ۰/۵۲۲ و در سطح ۰/۰۰۹ از لحاظ آماری معنادار است. درجه آزادی این رابطه ۲۲ و مقدار بحرانی آن ۰/۴۰۴ می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه ضریب همبستگی محاسبه شده بیشتر از مقدار بحرانی است می‌توان نتیجه گرفت بین امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی شهرستان‌های استان خوزستان و میزان جمعیت آنها رابطه و همبستگی مثبتی وجود دارد.

جدول ۱۶. ضریب همبستگی پیرسون بین امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی و نرخ شهرنشینی شهرستان‌ها

همبستگی پیرسون		میزان برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی	نرخ شهرنشینی
میزان برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی	Pearson Correlation	1	.392
	Sig. (2-tailed)		.058
	N	24	24
نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.392	1
	Sig. (2-tailed)	.058	
	N	24	24

مأخذ: همان.

ضریب همبستگی بین میزان برخورداری و شهرنشینی شهرستان‌ها ۰/۳۹۲ و در سطح ۰/۰۵۸ از لحاظ آماری معنادار نیست. درجه آزادی این رابطه ۲۲ و مقدار بحرانی آن ۰/۴۰۴ است بنابراین با توجه به اینکه ضریب همبستگی محاسبه شده کمتر از مقدار بحرانی است می‌توان نتیجه گرفت بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان خوزستان از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی و میزان شهرنشینی آنها رابطه و همبستگی معناداری وجود ندارد. پس می‌توان گفت در استان خوزستان امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی به سمت شهرستان‌هایی تمایل دارد که از جمعیت بیشتری برخوردارند اما میان میزان برخورداری در این بخش و نرخ شهرنشینی شهرستان‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق برای بررسی توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان خوزستان از یازده شاخص استفاده شد. در ابتدا با استفاده از روش تاپسیس و تحلیل خوشه‌ای به رتبه‌بندی و سطح‌بندی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی پرداختیم. در توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در استان خوزستان شهرستان‌های آبادان، دزفول، خرمشهر، اهواز و شوشتر رتبه‌های اول تا پنجم و شهرستان‌های گتوند، اندیکا، لالی، باوی و شوش در رتبه‌های بیست تا بیست و چهارم قرار دارند. نتایج تحلیل خوشه‌ای نیز آبادان،

دزفول و خرمشهر را در سطح اول برخوردار، اهواز و شوشتر را در سطح دوم و رامهرمز را در سطح سوم برخوردار نشان می‌دهد بقیه شهرستان‌های استان هم در سطح چهارم و پنجم قرار دارند. درجه کجی وزن میزان هم نشان‌دهنده عدم تقارن نسبی در توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در سطح استان دارد. همچنین شاخص برآمدگی عدد بسیار کوچک ۰/۰۴۶- را نشان می‌دهد که بیانگر این امر است که در هیچ تک شهرستانی تمرکز و تجمع مطلق امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی صورت نگرفته است. در ادامه با استفاده از آزمون‌های مان ویتنی و میانگین به بررسی جغرافیایی میزان برخوردار شهرستان‌های استان خوزستان از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی پرداختیم که نتایج نشان می‌دهد بین شرق و غرب استان از نظر برخوردار امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی تفاوت معناداری وجود ندارد. اما شهرستان‌های جنوبی به‌طور معناداری برخوردار از شهرستان‌های واقع در نیمه شمالی استان هستند.

بررسی جمعیتی نیز نشان‌دهنده میزان برخوردار بیشتر در شهرستان‌های پرجمعیت و کم‌برخوردار در شهرستان کم جمعیت استان است. نتایج بررسی ضریب همبستگی پیرسون نشان دهنده رابطه و همبستگی مثبت بین میزان برخوردار و میزان جمعیت شهرستان آنهاست؛ یعنی اینکه شهرستان‌هایی از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی بیشتری برخوردار می‌باشند که از جمعیت بیشتری برخوردارند. در کل نتایج موجود نشان از نابرابری و عدم رعایت عدالت فضایی در توزیع فضایی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی در سطح استان خوزستان دارد. این نابرابری در دو سطح اتفاق افتاده، سطح اول در بین شهرستان‌های کم جمعیت و پرجمعیت به گونه‌ای که شهرستان‌هایی به برخوردار بیشتری دست یافته‌اند که از جمعیت بیشتری برخوردارند. سطح دوم نابرابری نیز بین شهرستان‌های نیمه شمالی و جنوبی اتفاق افتاده است به گونه‌ای که در مقایسه شهرستان‌های شمالی و جنوبی شهرستان‌هایی از میزان برخوردار بیشتری دست یافته‌اند که در جنوب استان خوزستان واقع شده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. اردلان، فریدون (۱۳۸۱). «توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو»، مجموعه مقالات توسعه فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۷). *نظریه‌های شهر و پیرامون*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۳. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲). *فرهنگ‌شناسی*، تهران، انتشارات قطره.
۴. تقوایی، مسعود و اصغر نوروزی آورگانی (۱۳۸۶). «تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های استان چهارمحال و بختیاری»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ج ۲۴، ش ۳.
۵. تقوایی، مسعود، صفر قائدرحمتی (۱۳۸۵). «تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور»، *زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ش ۷.
۶. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۸). «جامعیت مفهوم توسعه»، *مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه*، ج ۲، تهران، انتشارات سمت.
۷. جوادی، نسرین (۱۳۸۴). «توسعه فرهنگی استان‌ها، تنگناها و راهکارها»، *نشریه ایران*، ش ۱۴۱.
۸. حبیبی، کیومرث، هوشمند علیزاده، وراز مرادی مسیحی، سیوان ولدبیکگی، ساسان وفایی (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر سنندج»، *آرمان‌شهر*، ش ۷.
۹. حکمت‌نیا، حسن، سعید گیوه‌چی، نیره حیدری نوشهر، مهری حیدری نوشهر (۱۳۹۰). «تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از روش استانداردسازی داده‌ها، تاکسونومی عددی و مدل ضریب ویژگی (مطالعه موردی: شهر اردکان)»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۷۷.
۱۰. _____ (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۷۵-۱۳۵۵)»، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ش ۴.
۱۱. خاکپور، براتعلی (۱۳۸۵). «سنجش میزان توسعه‌یافتگی شهرستان شیروان به‌منظور برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ش ۷.
۱۲. خاکپور، براتعلی و علیرضا باوان پوری (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد»، *مجله دانش و توسعه*، سال شانزدهم، ش ۲۷.
۱۳. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۷۹). «سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۶.

۱۴. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۳). مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
۱۵. زیاری، کرامت‌اله، سید محمود زنجیرچی و کبری سرخ کمال (۱۳۹۰). «بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۲.
۱۶. سالنامه آماری استان خوزستان (۱۳۹۰).
۱۷. قائد رحمتی، صفر و احمد خادم‌الحسینی (۱۳۸۹). «تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان»، نشریه آمایش محیط، ش ۳.
۱۸. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، تهران، انتشارات خوشبین.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰).
۲۰. مولایی، محمد (۱۳۸۶). «مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴.
۲۱. میسرا، آر و کی سوندارام (۱۳۷۱). گزینیه‌های توسعه روستایی، ترجمه فاطمه علی‌اکبر تهرانی، تهران، وزارت جهاد سازندگی.
۲۲. نسترن، مهین (۱۳۸۰). «تحلیل فضایی مناطق ده‌گانه شهر اصفهان و سطح‌بندی توسعه آن»، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
23. Ferreira Neto, A. B. and F. S. Perobelli (2013). "Spatial Analysis of Cultural Activities in the Microregions of Minas Gerais", *Economia* 14(3).
24. Laurini, Robert (2002). *Information Systems for Urban Planning-A Hypermedia Cooperative Approach*, Routledge, New York.
25. Perkumien, Dalia (2006). Importance of Culture Center for Leisure Organization in the Community, ABI/ Inform Global.
26. Soubbotina P. and A. Sheram (2001). *Beyond Economic Growth*, The World Bank, Washington D.C.
27. UNDP (1994). *Human Development Report*, New York :Oxford University Press.

تأثیر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری در حضور تکانه تولید: بررسی پدیده «واگرایی دوگانه» در اقتصاد ایران (۱۳۹۰:۴-۱۳۶۹:۱) جعفر قادری،* علی حسین صمدی** و بتول قادری ثانی***

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۹/۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۸/۱۷

هدف اصلی این مطالعه، بررسی تأثیر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری در حضور تکانه تولید، در اقتصاد ایران است. در کنار آن، بررسی تأثیر تکانه کسری بودجه بر نرخ ارز، تأثیر تکانه تولید بر کسری بودجه و تأثیر تکانه تولید بر کسری حساب جاری به عنوان اهداف فرعی، تعقیب شده‌اند. به منظور دستیابی به این اهداف، از الگوی خودرگرسیون برداری و توابع واکنش ضربه‌ای و تجزیه واریانس استفاده شده است. الگو شامل چهار متغیر کسری بودجه، حساب جاری، تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز واقعی است. نتایج این مقاله، نشان‌دهنده رابطه منفی بین کسری بودجه و کسری حساب جاری است. به عبارت دیگر پدیده «واگرایی دوگانه» در اقتصاد ایران تأیید می‌شود. از طرفی، در هر دو حالت تأثیر تکانه در آمد و مخارج دولت بر اجزای حساب جاری، پدیده «واگرایی دوگانه» به صورت ضعیف، تأیید شده است.

کلیدواژه‌ها: واگرایی دوگانه؛ تکانه کسری بودجه؛ توابع واکنش ضربه‌ای؛ تجزیه واریانس؛ ایران

* استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛

Email: jghaderi@rose.shirazu.ac.ir

** دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛

Email: asamadi@rose.shirazu.ac.ir

*** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛

Email: bghaderi880@yahoo.com

مقدمه

کسری دو گانه^۱ بیانگر رابطه مثبت بین کسری بودجه و کسری حساب جاری است. واگرایی دو گانه^۲ نیز به این مفهوم است که افزایش کسری بودجه باعث کاهش کسری حساب جاری شود. عبارت کسری دو گانه در دهه ۱۹۸۰، برای توصیف رابطه بین کسری بودجه و کسری حساب جاری در ایالات متحده آمریکا، به کار برده شد (Chang and Hsu, 2009). در این دهه در ایالات متحده، کسری بودجه و کسری حساب جاری به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. این پدیده اقتصاددانان را بر آن داشت تا بررسی رابطه بین این دو کسری را در مرکز توجه خود قرار دهند.

مطالعات بسیار زیادی در متون وجود دارد که به بررسی رابطه بین این دو کسری در کشورهای توسعه یافته (اغلب آمریکا) و در حال توسعه پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به مطالعات بارتولی^۳ (۱۹۸۶)، دارات^۴ (۱۹۸۸)، احسن^۵ (۱۹۸۹)، ابل^۶ (۱۹۹۰)، اندرس و لی^۷ (۱۹۹۰)، زیتز و پمبرتون^۸ (۱۹۹۰)، باچمن^۹ (۱۹۹۲)، رزنونینگ و تالمن^{۱۰} (۱۹۹۳)، وینر^{۱۱} (۱۹۹۳)، آنارو و رمچاندر^{۱۲} (۱۹۹۸)، ومووکاس^{۱۳} (۱۹۹۸)، خالد و گان^{۱۴} (۱۹۹۹)، عقیل و نشاط^{۱۵} (۲۰۰۰)، آلکسونی^{۱۶} (۲۰۰۰)، کولکارنی و اریکسون^{۱۷} (۲۰۰۱)، کاسیب‌هاتلا و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۱)، حاتمی و شوکار^{۱۹} (۲۰۰۲)، قیرسلاسی و برگر^{۲۰} (۲۰۰۳)، کیم و

-
1. Twin Deficit
 2. Twin Divergence
 3. Bartoli
 4. Darrat
 5. Ahsan
 6. Abell
 7. Enders and Lee
 8. Zeitz and Pemberton
 9. Bachman
 10. Rosenweing and Tallman
 11. Winner
 12. Anouruo and Remchander
 13. Vamvoukas
 14. Khalid and Guan
 15. Aqeel and Nishat
 16. Alkswani
 17. Kulkarni and Erickson
 18. Kasibhatla, Johonson, Malindreras and Arize
 19. Hatami and Shukar
 20. Ghebreselassie and Burger

روبینی^۱ (۲۰۰۴)، لاو و بهارومشاه^۲ (۲۰۰۴)، صمدی (۲۰۰۶)، بهارومشاه و لاو (۲۰۰۶)، مختار، زکریا و احمد^۳ (۲۰۰۷)، مارینهیرو^۴ (۲۰۰۸)، پایسته^۵ (۲۰۰۸)، پهلوانی و صالح^۶ (۲۰۰۹) و راثا^۷ (۲۰۱۰) اشاره کرد. اما در اقتصاد ایران مطالعات محدودی در زمینه کسری دو گانه انجام شده است که می توان به مطالعات قارون (۱۳۷۱)، محمدی (۱۳۷۳)، صمدی (۱۳۷۴)، پارسا (۱۳۷۴)، شیوا و خیابانی (۱۳۷۵)، مؤمنی و صالحیان (۱۳۷۵)، زمانی راد (۱۳۷۷)، صمدی (۲۰۰۶)، صمدی و تابنده (۱۳۸۶)، زوارثیان (۱۳۸۲)، برومندجری و کهرام (۱۳۸۴)، شقاقی شهری (۱۳۸۴)، نجارزاده و شقاقی شهری (۱۳۸۴)، دلاوری و کریمی کیا (۱۳۸۷)، مهرآرا و مرادی (۱۳۸۷) و فرح بخش و فرزین وش (۱۳۸۸) اشاره کرد. هرچند نمی توان رابطه یکسانی از این مطالعات استنباط کرد، اما در بیشتر مطالعات انجام شده، رابطه مثبتی بین دو متغیر «کسری بودجه» و «کسری حساب جاری» به دست آمده است که حکایت از تسلط نظریه کینزی نسبت به فرضیه برابری ریکاردویی دارد.

در زمینه تأثیر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری مطالعات محدودی در متون خارجی وجود دارد که می توان به مطالعات ارسج، گاریری و گاست^۸ (۲۰۰۵)، کیم و روبینی (۲۰۰۸) برای آمریکا اشاره کرد. براساس یافته های نویسندگان مقاله حاضر، در این زمینه هیچ مطالعه ای برای اقتصاد ایران وجود ندارد. بنابراین یکی از دستاوردهای مقاله حاضر محسوب می شود. در جمع بندی کلی، علت اختلاف در نتایج حاصل از مطالعات داخلی و خارجی را می توان به استفاده از روش های متفاوت اقتصادسنجی، دوره متفاوت زمانی و ساختار اقتصادی متفاوت کشورها نسبت داد. نکته حائز اهمیت دیگر مطالعات، عدم توجه به مسئله تکانه تولید و بهره وری، در مطالعات داخلی، به هنگام بررسی ارتباط بین این دو متغیر بوده است. هدف مقاله حاضر پر کردن چنین شکافی بوده است. بنابراین،

-
1. Kim and Roubini
 2. Lau and Baharumshah
 3. Mukhtar, Zakaria and Ahmed
 4. Marinheiro
 5. Payesteh
 6. Pahlavani and Saleh
 7. Ratha
 8. Erseg, Guerrieri and Gust

در مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که با در نظر گرفتن تکانه تولید، آیا در اقتصاد ایران با «کسری دو گانه» روبه‌رو هستیم یا با «واگرایی دو گانه»؟ مقاله حاضر شامل مبانی نظری و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج تجربی است، در پایان نیز یک ارزیابی از نتایج ارائه شده صورت گرفته و پیشنهادهایی داده شده است.

۱. مبانی نظری و ساختار الگو

به لحاظ نظری، در بیشتر الگوها این گونه بیان می‌شود که افزایش کسری بودجه دولت باید منجر به تخریب حساب جاری و کاهش نرخ ارز شود. اما در شرایط خاص، در حضور تکانه تولید یا تکانه بهره‌وری، افزایش کسری بودجه موجب بهبود حساب جاری می‌شود. در توضیح این مطلب باید رفتار کسری بودجه و حساب جاری را در ادوار تجاری مورد بررسی قرار داد. با توجه به رفتار این دو متغیر در ادوار تجاری، مشاهده می‌شود که تعادل بودجه دولت موافق ادوار تجاری^۱ است، در حالی که هم در نظریه‌های سنتی حساب جاری و هم در نظریه‌های جدید ادوار تجاری بین‌المللی،^۲ یک رفتار ضدادواری،^۳ برای حساب جاری در زمان بروز تکانه‌های تولید و بهره‌وری، پیش‌بینی شده است (Kim and Roubini, 2008: 365).

یکی از دلایلی که باعث می‌شود بین حساب جاری و پس‌انداز دولت رابطه مثبت برقرار نباشد، وجود واکنش‌های درون‌زای پس‌انداز دولت و حساب جاری نسبت به نوسانات تولید است. تعادل بودجه دولت، خصوصاً قسمت درآمدی آن، موافق ادوار تجاری است، در حالی که هر دو نظریه سنتی حساب جاری و نظریه‌های جدید ادوار تجاری بین‌المللی، یک رفتار ضدادواری را برای حساب جاری در زمان بروز تکانه‌های تولید و بهره‌وری، پیش‌بینی کرده‌اند. در طول رکود (رونق) اقتصادی، درآمد کاهش (افزایش) می‌یابد و تعادل مالی بدتر (بهتر) می‌شود و چنانچه کاهش درآمد منجر به کاهش سرمایه‌گذاری به میزان بیشتری از پس‌انداز ملی شود، حساب جاری بهبود خواهد یافت. مخصوصاً در حضور تکانه فناوری، مانند فناوری اطلاعات در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۵، افزایش سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد که منجر به بدتر شدن

1. Pro-cyclical

2. Modern International Business Cycle Theories

3. Counter-cyclical

حساب جاری می‌شود. در همان زمان، این بهبود اقتصادی منجر به بهبود تعادل مالی می‌شود. این موضوع می‌تواند دلیلی برای توضیح این مطلب باشد که چرا با بدتر شدن کسری بودجه، کسری حساب جاری در آمریکا در دهه ۱۹۹۰ بهبود یافت. در نتیجه امکان آنکه حساب جاری با بدتر شدن تعادل مالی، بهبود یابد، وجود دارد. بنابراین زمانی با «واگرایی دو گانه» به جای «کسری دو گانه» روبه‌رو هستیم که محرک اصلی دو متغیر، تکانه تولید باشد (Ibid.).

در ادبیات نظری، برای تشریح پدیده «واگرایی دو گانه»، دو الگو وجود دارد. الگوی رشد تصادفی یک بخشی استاندارد^۱ و الگوی دو کشوری با قیمت‌های چسبنده.^۲ در ادامه توضیح مختصری درباره الگوی دوم ارائه می‌شود.^۳

الگوی دو کشوری با قیمت‌های چسبنده یکی از الگوهای است که برای تبیین پدیده واگرایی دو گانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزایش دائمی مخارج دولت باعث بهبود حساب جاری می‌شود. چنانچه مخارج دولت به صورت دائمی افزایش یابد، اثر ریکاردویی منجر به کاهش یک به یک^۴ در مصرف می‌شود و حساب جاری بدون تغییر باقی می‌ماند. اما، براساس الگوهای قیمت‌های چسبنده، افزایش مخارج دولت به صورت دائمی، باعث افزایش تولید (تقاضا) در کوتاه مدت می‌شود (این افزایش تولید از سمت تقاضا صورت می‌گیرد). بنابراین هم‌زمان با یکسان‌سازی مصرف توسط مصرف کنندگان در اثر کاهش تولید خالص در طول زمان (تولید از سمت عرضه)، حساب جاری بهبود می‌یابد. علاوه بر این، افزایش مخارج دولت باعث افزایش نرخ ارز اسمی و واقعی می‌شود. دلیل این است که سیاست مالی انبساطی باعث افزایش نرخ بهره و به نوبه خود منجر به کاهش مصرف خصوصی می‌شود زیرا براساس فروض این الگو، تقاضا برای پول به مصرف خصوصی وابسته است، و کاهش در مصرف منجر به افزایش نرخ ارز اسمی می‌شود، و مادامی که قیمت‌ها چسبنده فرض شوند، نرخ ارز واقعی نیز افزایش می‌یابد (Ibid.: 373; Betts and Devereux, 2001).

1. Standard One-sector Stochastic Growth Model

2. The Two-country Model with Sticky Prices

۳. برای مطالعه بیشتر این الگو و سایر الگوها رک: بتول قادری ثانی (۱۳۸۹). «اثر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری: مورد اقتصاد ایران (۴: ۱۳۸۵ - ۱: ۱۳۶۹)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

4. One-to-one Fall

فروضی که در این الگو اعمال شده عبارت‌اند از: افراد در تمام جهان دارای ترجیحات یکسان هستند که توسط شاخص مصرف تعریف شده است، تعادل پول برقرار است و تولید وابسته به میزان تلاش افراد است.

$C(z)$ مصرف افراد کشور داخلی از کالای تولید شده z است. شاخص مصرف که بیانگر مطلوبیت است برابر است با:

$$C = \left[\int_0^1 c(z) \frac{\theta-1}{\theta} dz \right]^{\frac{\theta}{\theta-1}} \quad (1)$$

به طوری که $\theta > 1$ می‌باشد. شاخص مصرف برای کشور خارجی C^* است. هیچ مانع یا هزینه‌ای برای تجارت بین کشورها وجود ندارد. چنانچه E نرخ اسمی ارز، $p(z)$ قیمت کالای z برحسب پول داخلی و $p^*(z)$ قیمت کالای z برحسب پول خارجی باشد، بنابراین طبق قانون تک‌قیمتی^۱ برای هر کالا داریم:

$$p(z) = E p^*(z) \quad (2)$$

شاخص قیمت پول برحسب مصرف^۲ در کشور داخلی عبارت است از:

$$p = \left[\int_0^1 p(z) 1^{-\theta} dz \right]^{\frac{\theta}{\theta-1}} = \left[\int_0^N p(z) 1^{-\theta} dz + \int_N^1 E p^*(z) 1^{-\theta} dz \right]^{\frac{\theta}{\theta-1}} \quad (3)$$

چون افراد هر دو کشور ترجیحات یکسانی دارند، رابطه (۳) بیان می‌کند که:

$$p = E p^* \quad (4)$$

با فرض اینکه یک بازار سرمایه یکپارچه جهانی وجود دارد که هر دو کشور می‌توانند از آن وام دریافت کنند و افراد یک کشور فقط از طریق پول داخلی مطلوبیت کسب می‌کنند نه از طریق پول خارجی. بنابراین محدودیت بودجه افراد برابر است با:

$$P_t F_t + M_t = P_t (1 + r_{t-1}) F_{t-1} + M_{t-1} + P_t(z) y_t(z) - P_t C_t - P_t T_t \quad (5)$$

که در آن $y(z)$ بیانگر تولید افراد و T بیانگر میزان مالیات واقعی پرداخت شده به دولت داخلی است. T_t بیانگر نرخ بهره واقعی است که در زمان t و $t+1$ به اوراق قرضه تعلق می‌گیرد، و F_t و M_t سهام اوراق قرضه و پول داخلی نگهداری شده توسط

1. Law of One Price

۲. تعریف شاخص قیمت در اینجا حداقل مخارج لازم برای خرید یک واحد مصرف C ، برحسب پول داخلی است.

یک فرد در کشور داخلی تا دوره $t+1$ هستند (Obstfeld and Rogoff, 1994).

افراد تابع مطلوبیت خود را حداکثر می کنند که تابعی مثبت از مصرف و تعادل واقعی پول، و تابعی منفی از کار و تلاش است (که خود رابطه مثبت با تولید دارد):

$$U_t = \sum_{s=t}^{\infty} \beta^{s-t} \left[\frac{\sigma}{\sigma-1} C_t^{\sigma-1} + \frac{\kappa}{1-\varepsilon} \left(\frac{M_t^*}{P_t} \right)^{1-\varepsilon} - \frac{\kappa}{\mu} y_t^\mu(z) \right] \quad (6)$$

در این رابطه داریم: $0 < \beta < 1$ ، $\mu > 1$ و $\sigma, \varepsilon > 0$.

رابطه (۶) نشان می دهد که تقاضای یک فرد در کشور داخل برای کالای تولید شده

z در دوره t عبارت است از:

$$c_t(z) = \left[\frac{p_t(z)}{P_t} \right]^{-\theta} C_t$$

که در آن θ بیانگر کشش قیمتی تقاضا و بقیه متغیرها همانند قبل است.

فرض کنید مخارج مصرفی دولت داخلی به ازای هر نفر، G است. به منظور سادگی

فرض می شود که مخارج دولت از طریق مالیات و حق الضرب^۱ تأمین می شود.

$$G_t = T_t + \frac{M_t - M_{t-1}}{P_t}, \quad G_t^* = T_t^* + \frac{M_t^* - M_{t-1}^*}{P_t^*} \quad (7)$$

که در آن G_t مخارج مصرفی دولت داخلی به ازای هر نفر، T_t درآمد مالیاتی برای دولت داخلی

و M_t پایه پول در کشور داخل و T_t^* ، G_t^* و M_t^* به ترتیب متغیرهای ذکر شده برای کشور

خارجی هستند. فرض می شود تولیدکننده کالای z، در دوره t تابع تقاضای زیر مواجه است:

$$y_t^d(z) = \left[\frac{p_t(z)}{P_t} \right]^{-\theta} [Q_t + nG_t + (1-n)G_t^*] \quad (8)$$

به طوری که:

$$Q_t \equiv nC_t + (1-n)C_t^* \quad (9)$$

تقاضای مصرف خصوصی جهان می باشد.

با بیان این مقدمات می توانیم رفتار کوتاه مدت نرخ ارز و حساب جاری را بررسی

کنیم. در پاسخ به یک تکانه مثبت مخارج دولت، نرخ ارز افزایش می یابد، تغییرات

کوتاه مدت در نرخ ارز را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$\hat{E} = \frac{rA}{rA(\theta - 1) + (\sigma A + n)\sigma\pi} \left[\frac{dG}{Q_0} + \left(\frac{1}{r} \right) \frac{dG'}{Q_0} \right] \quad (10)$$

که در آن $\hat{C} - \hat{C}^* = -\sigma\pi\hat{E}$.

همچنین حساب جاری نیز به صورت زیر تغییر می کند:

$$\frac{dF'}{Q_0} = \frac{(1-n)(\theta-1+\sigma\pi)rA}{rA(\theta-1) + (\sigma A + n)\sigma\pi} \left[\frac{dG}{Q_0} + \left(\frac{1}{r} \right) \frac{dG'}{Q_0} \right] - (1-n) \frac{dG}{Q_0} \quad (11)$$

که در آن $\Delta \equiv A + \theta - 1$ و $A \equiv \sigma[1 + \theta(\mu - 1)]$

در حالتی که مخارج دولت به صورت موقتی افزایش یابد ($dG' = 0$)، براساس رابطه (۱۱)، آشکارا حساب جاری دچار کسری می شود. سازوکار کشور داخلی مانند الگوی قیمت های انعطاف پذیر می شود: زیرا افزایش موقتی مالیات باعث کاهش مصرف به میزان کمتری از افزایش مخارج دولت می شود. در اینجا تا حدی اثر خنثی کننده^۱ وجود دارد، زیرا کاهش ارزش پول داخلی باعث افزایش کوتاه مدت تولید کشور داخلی نسبت به تولید کشور خارجی می شود. اما افزایش مخارج دولت به صورت دائمی ($dG' = dG = 0$)، براساس رابطه (۱۱) باعث ایجاد یک مازاد در حساب جاری می شود، زیرا براساس این رابطه خواهیم داشت: $\frac{r}{1+r} > \frac{rA}{rA+\Delta}$. براساس الگوهای قیمت های انعطاف پذیر، افزایش مخارج دولت به صورت دائمی تأثیری بر حساب جاری ندارد زیرا این تغییرات روند تولید خالص را در طول زمان^۲ تغییر نمی دهند. اما با قیمت های چسبنده، یک افزایش دائمی غیرمنتظره در مخارج دولت باعث تغییر روند تولید در طول زمان می شود (Betts and Devereux, 2001). چارچوب اقتصادسنجی مورد استفاده در این مقاله برای بررسی تأثیر تکانه های کسری بودجه، به تبعیت از کیم و رویینی (۲۰۰۸)، یک الگوی خودرگرسیون برداری چهار متغیره به صورت زیر است.

$$\begin{bmatrix} \alpha_{11}(L) & \alpha_{12}(L) & \alpha_{13}(L) & \alpha_{14}(L) \\ \alpha_{21}(L) & \alpha_{22}(L) & \alpha_{23}(L) & \alpha_{24}(L) \\ \alpha_{31}(L) & \alpha_{32}(L) & \alpha_{33}(L) & \alpha_{34}(L) \\ \alpha_{41}(L) & \alpha_{42}(L) & \alpha_{43}(L) & \alpha_{44}(L) \end{bmatrix} \begin{bmatrix} RER_t \\ CA_t \\ BD_t \\ GDP_t \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \varepsilon_{1t} \\ \varepsilon_{2t} \\ \varepsilon_{3t} \\ \varepsilon_{4t} \end{bmatrix} \quad (12)$$

که در آن، CA_t حساب جاری، BD_t کسری بودجه، GDP_t تولید ناخالص داخلی

اسمی و RER_t نرخ ارز واقعی می باشند.

1. Offsetting Effect

2. Time Profile of Output Net

۲. نتایج تجربی

۲-۱. داده‌های مورد استفاده و خاصیت آماری آنها

داده‌های آماری مورد استفاده به صورت فصلی و از ترازنامه بانک مرکزی و داده‌های منتشر شده توسط لوح فشرده آماری بانک جهانی^۱ طی دوره ۴: ۱۳۹۰-۱: ۱۳۶۹ گردآوری شده است. سری‌های زمانی «کسری بودجه (بدون لحاظ درآمدهای نفتی)»، «کسری حساب جاری»، «تولید ناخالص داخلی» از ترازنامه بانک مرکزی و «نرخ ارز رسمی»^۲ از لوح فشرده آماری منتشر شده توسط بانک جهانی گردآوری و سپس به «نرخ ارز واقعی»^۳ تبدیل شده است.

داده‌های مربوط به تراز حساب جاری و نرخ ارز واقعی به صورت سالیانه موجود بودند بنابراین به داده‌های فصلی تبدیل شده است. این محاسبات برای سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۱ صورت گرفته است که به منظور تبدیل به داده‌های فصلی، داده‌های سال اول و آخر حذف شدند. بنابراین داده‌های مورد استفاده در تخمین‌ها شامل دوره ۴: ۱۳۹۰-۱: ۱۳۶۹ است.

برای برآورد الگو در ابتدا مانایی هر کدام از سری‌های زمانی مورد استفاده در این تحقیق با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با برآورد الگوی خودهمبسته برداری و کسب اطمینان از صحت تشخیص‌پذیری الگوی مورد نظر، در نهایت با بهره‌گیری از تکنیک الگوی خودرگرسیون برداری، نتایج حاصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در تخمین الگوی خودرگرسیون برداری پس از بررسی مانایی متغیرها، بایستی وقفه بهینه تعیین شود. نتایج آزمون دیکی - فولر افزوده نشان داد که متغیرهای تولید ناخالص ملی و نرخ ارز در سطح مانا بوده و متغیرهای حساب جاری و کسری بودجه با یک بار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند. طول وقفه بهینه نیز براساس معیارهای ضریب لاگرانژ، آماره خطای نهایی پیش‌بینی، معیار اطلاعاتی آکائیکی، آماره شوارتز و آماره حنان - کوئین، چهار انتخاب شده است. بنابراین می‌توان الگو را با استفاده از چهار وقفه تخمین زد.^۴

1. World Development Indicators (WDI)

2. Official Exchange Rate

3. Real Exchange Rate

۴. نتایج این آزمون‌ها به دلیل کمبود فضا در اینجا گزارش نشده است و نزد نویسندگان موجود است.

۲-۲. برآورد الگوی خودرگرسیون برداری

در چارچوب برآورد الگوی خودرگرسیون برداری، و به طور کلی دستگاه معادلات، ضرایب و درصد توضیح دهندگی پارامترهای الگو اهمیت روش های تک معادله ای را ندارند. برآورد الگو تنها از این بعد اهمیت دارد که نتایج آزمون فروض کلاسیک برقرار باشد.^۱ لذا از لحاظ تفسیر ضرایب، تنها نتایج توابع واکنش ضربه ای و تجزیه واریانس است که می تواند محقق را در بیان چگونگی روابط بین متغیرها یاری رساند. با توجه به نتایج برآورد الگوی خودرگرسیون برداری، اقدام به آزمون فروض کلاسیک شده است. یکی از فروض اساسی کلاسیک نبود واریانس ناهمسانی است. برای انجام این آزمون از روش مرسوم وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. آزمون واریانس ناهمسانی وایت

احتمال تأیید فرضیه صفر	آماره کای دو	فرضیه صفر
۰/۰۰۰۰	۳۱۵/۰۴	نبود واریانس ناهمسانی

مأخذ: یافته های تحقیق، با استفاده از نرم افزار Eviews 7.1.

همان طور که از جدول ۱ استنتاج می شود، فرضیه صفر مبنی بر نبود ناهمسانی واریانس رد نشده است. بنابراین الگوی مورد نظر دارای مشکل واریانس ناهمسانی نمی باشد. آزمون دیگری که باید انجام گیرد، آزمون وجود خودهمبستگی است. این آزمون با استفاده از آماره ضریب لاگرانژ انجام شده است. فرضیه صفر در این آزمون «نبود خودهمبستگی بین جملات اختلال» می باشد. نتایج این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون خودهمبستگی ضریب لاگرانژ

احتمال تأیید فرضیه صفر	آماره آزمون ضریب لاگرانژ LM	فرضیه صفر
۰/۰۰۰۰	۱۳۳/۷	نبود خودهمبستگی

مأخذ: همان.

۱. نتایج برآورد الگو به روش VAR به دلیل کمبود فضا و عدم نیاز به تفسیر در اینجا گزارش نشده است و نزد نویسندگان موجود است.

تأثیر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری در حضور تکانه تولید ... _____ ۲۳۳

براساس نتیجه ارائه شده در جدول ۲، فرضیه نبود خودهمبستگی رد نشده است و این بدین مفهوم است که برآورد الگو از لحاظ وجود خودهمبستگی با مشکل آماری مواجه نیست.

۳-۲. تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی

نتایج حاصل از تجزیه واریانس با روش چولسکی برای متغیرهای الگو برای یک دوره ۱۰ ساله در جدول‌های ۳ تا ۵ ارائه شده است. در تفسیر نتایج سال اول کوتاه‌مدت، سال دوم تا پنجم میان‌مدت و سال ششم به بعد درازمدت در نظر گرفته شده است تا هم تأثیر کوتاه‌مدت بررسی شود و هم در افق دورتر به بررسی روند نوسانات متغیرها پرداخته شود.

جدول ۳. نتایج تجزیه واریانس تکانه کسری بودجه

تکانه نرخ ارز (درصد)	تکانه تولید (درصد)	تکانه حساب جاری (درصد)	تکانه کسری بودجه (درصد)	انحراف معیار	دوره زمانی
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱/۲۵۳	۱
۴/۵۰	۰/۵۹	۱/۹۲	۹۷/۴۹	۱/۲۸۳	۲
۰/۰۶	۰/۹۵	۳/۰۷	۹۵/۹۱	۱/۳۲۱	۳
۰/۰۹	۱/۵۷	۳/۲۰	۹۵/۱۳	۱/۳۳۰	۴
۰/۱۱	۲/۰۵	۳/۲۰	۹۴/۶۳	۱/۳۴۵	۵
۰/۱۱	۲/۵۷	۳/۱۹	۹۴/۱۳	۱/۳۳۹	۶
۰/۱۱	۳/۰۵	۳/۱۷	۹۳/۶۷	۱/۳۴۲	۷
۰/۱۱	۳/۵۱	۳/۱۶	۹۳/۲۱	۱/۳۴۶	۸
۰/۱۱	۳/۹۵	۳/۱۶	۹۲/۷۷	۱/۳۴۹	۹
۰/۱۲	۴/۳۶	۳/۱۵	۹۲/۳۶	۱/۳۵۲	۱۰

مأخذ: همان.

براساس جدول ۳ و نتایج حاصله برای تجزیه واریانس متغیر کسری بودجه، مشاهده می‌شود که در دوره اول (کوتاه‌مدت)، سهم نوسانات کسری بودجه از تکانه‌های وارد شده به کسری بودجه، بیشتر از سهم سایر متغیرهاست و در بلندمدت نیز همین شرایط برقرار است. به طوری که در بلندمدت (دوره ۱۰) حدود ۹۰ درصد از تغییرات کسری بودجه توسط

خودش، ۳ درصد توسط حساب جاری، حدود ۴ درصد توسط تولید ناخالص داخلی و ۰/۱۲ درصد توسط نرخ ارز توجیه می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود سهم نوسانات تولید از تکانه‌های وارد شده به کسری بودجه حدود ۴ درصد است که بیانگر اثر ادوار تجاری بر این متغیر می‌باشد. سهم نرخ ارز از تکانه وارد شده بر کسری بودجه در کوتاه‌مدت ۴/۵ درصد است که برخلاف سایر متغیرها سهم آن در طول زمان کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر اثر تکانه کسری بودجه بر نرخ ارز در کوتاه‌مدت بیشتر از بلندمدت است.

جدول ۴. نتایج تجزیه واریانس تکانه حساب جاری

دوره زمانی	انحراف معیار	تکانه کسری بودجه (درصد)	تکانه حساب جاری (درصد)	تکانه تولید (درصد)	تکانه نرخ ارز (درصد)
۱	۱/۰۶۶	۰/۰۱	۹۹/۹۸	۰/۰۰	۰/۰۰
۲	۱/۱۰۹	۰/۸۳	۹۷/۷۷	۱/۳۸	۳/۵۸
۳	۱/۱۱۵	۱/۵۲	۹۶/۷۲	۱/۴۴	۰/۳۰
۴	۱/۱۱۷	۱/۶۰	۹۶/۳۴	۱/۶۱	۰/۴۳
۵	۱/۱۱۸	۱/۶۲	۹۶/۱۹	۱/۷۲	۰/۴۴
۶	۱/۱۱۹	۱/۶۲	۹۶/۰۴	۱/۸۸	۰/۴۴
۷	۱/۱۲۰	۱/۶۲	۹۵/۹۰	۲/۰۱	۰/۴۴
۸	۱/۱۲۱	۱/۶۲	۹۵/۷۷	۲/۱۵	۰/۴۴
۹	۱/۱۲۲	۱/۶۲	۹۵/۶۴	۲/۲۸	۰/۴۴
۱۰	۱/۱۲۲	۱/۶۲	۹۵/۵۲	۲/۴۰	۰/۴۴

مأخذ: همان.

در خصوص حساب جاری با توجه به تجزیه واریانس آن در دوره اول و کوتاه‌مدت نوسانات حساب جاری فقط توسط خودش توضیح داده می‌شود ولی با مشاهده افق زمانی دورتر و یا بلندمدت، شاهد افزایش سهم نوسانات کسری بودجه در تکانه‌های وارده بر حساب جاری (از صفر درصد به حدود ۲ درصد) هستیم. از طرف دیگر سهم نوسانات تولید ناخالص داخلی از صفر درصد در کوتاه‌مدت به ۲/۵ درصد در بلندمدت رسیده است و نرخ ارز در تکانه‌های وارده به حساب جاری، از صفر درصد در کوتاه‌مدت به ۰/۴۴ درصد

تأثیر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری در حضور تکانه تولید ... _____ ۲۳۵

در بلندمدت، افزایش و سهم نوسانات حساب جاری در تکانه‌های وارده به آن، از حدود ۱۰۰ درصد به ۹۵ درصد کاهش یافته است.

جدول ۵. نتایج تجزیه واریانس تکانه تولید ناخالص داخلی

تکانه نرخ ارز (درصد)	تکانه تولید (درصد)	تکانه حساب جاری (درصد)	تکانه کسری بودجه (درصد)	انحراف معیار	دوره زمانی
۰/۰۰	۷۹/۵۵	۶/۰۲	۱۴/۴۲	۰/۰۶۸	۱
۰/۹۴	۷۹/۰۵	۸/۹۴	۱۱/۰۶	۰/۰۸۴	۲
۰/۸۰	۸۳/۸۹	۶/۷۷	۸/۵۲	۰/۰۹۸	۳
۰/۷۷	۸۶/۳۰	۵/۸۱	۷/۱۱	۰/۱۰۸	۴
۰/۸۲	۸۷/۸۴	۵/۳۰	۶/۰۲	۰/۱۱۸	۵
۰/۹۲	۸۸/۸۵	۴/۹۳	۵/۲۸	۰/۱۲۶	۶
۱/۰۲	۸۹/۵۴	۴/۶۹	۴/۷۴	۰/۱۳۳	۷
۱/۱۰	۹۰/۰۶	۴/۵۱	۴/۳۲	۰/۱۴۰	۸
۱/۱۶	۹۰/۴۴	۴/۳۸	۴/۰۰	۰/۱۴۶	۹
۱/۲۳	۹۰/۷۵	۴/۲۸	۳/۷۴	۰/۱۵۱	۱۰

مأخذ: همان

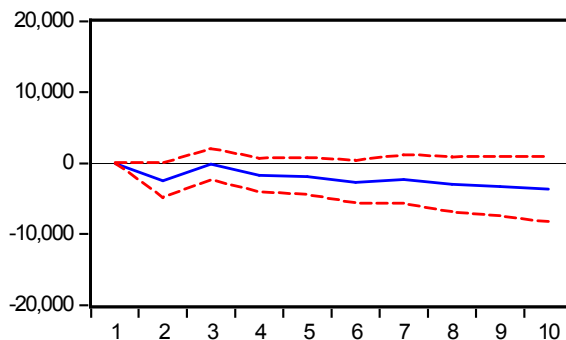
در دوره اول و کوتاه‌مدت نوسانات تولید ناخالص داخلی عمدتاً توسط خودش توضیح داده می‌شود ولی قسمتی از آن نیز توسط حساب جاری (حدود ۶ درصد) و کسری بودجه (۱۴/۴۲ درصد) توضیح داده شده است. در بلندمدت، سهم نوسانات تولید از تکانه وارد شده توسط خودش افزایش یافته و سهم نوسانات کسری بودجه و حساب جاری کاهش یافته است.

۴-۲. توابع واکنش ضربه‌ای

با توجه به نمودار ۱، کسری بودجه بر اثر تکانه مثبت تولید ناخالص داخلی، در کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد و در ادامه (بلندمدت) نیز روند کاهشی دارد. این نتیجه مطابق با قانون

تثبیت کننده خود کار بودجه دولت و رفتار موافق ادوار تجاری بودجه دولت می باشد.^۱ براساس این دیدگاه مالیات باعث تثبیت درآمد قابل تصرف و بنابراین مصرف می شود. به عبارت دیگر نتیجه حاضر تصدیق کننده مبانی نظری تحقیق است و بودجه دولت رفتار موافق ادوار تجاری دارد.

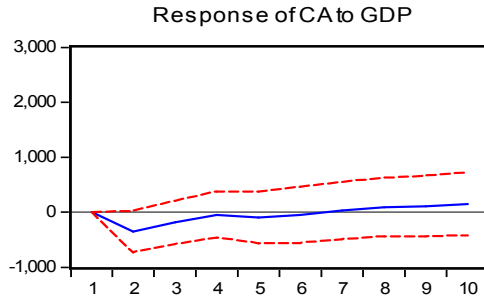
نمودار ۱. واکنش ضربه‌ای کسری بودجه نسبت به تکانه تولید ناخالص داخلی



با توجه به نمودار ۲، حساب جاری در پاسخ به تکانه مثبت تولید ناخالص داخلی، در کوتاه مدت کاهش یافته است. این رفتار ضدادواری حساب جاری نیز مطابق با دیدگاه سنتی و دیدگاه جدید (الگوی ادوار تجاری واقعی در اقتصاد کوچک باز) است. مطابق الگوی ادوار تجاری واقعی در اقتصاد کوچک باز، چنانچه یک تکانه مثبت بهره‌وری روی دهد، حساب جاری رفتار ضدادواری خواهد داشت، اگر افزایش سرمایه گذاری از طریق افزایش پس انداز خنثی شود. همچنین با توجه به نمودار، در بلندمدت حساب جاری افزایش یافته است که مطابق نظریه فوق، افزایش پس انداز بیشتر از افزایش سرمایه گذاری بوده است. در کل، نتایج واکنش ضربه‌ای مطابق با این دیدگاه است که در کوتاه مدت تکانه تولید، یک رابطه منفی بین حساب جاری و بودجه دولت برقرار ساخته است. به عبارت دیگر در کوتاه مدت پدیده «واگرایی دوگانه» تأیید می شود.

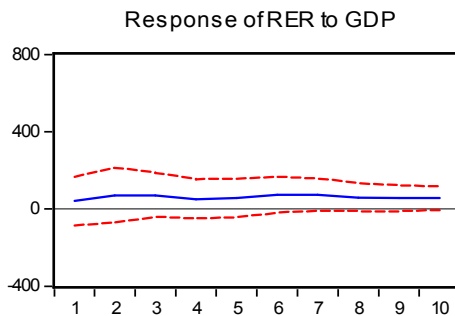
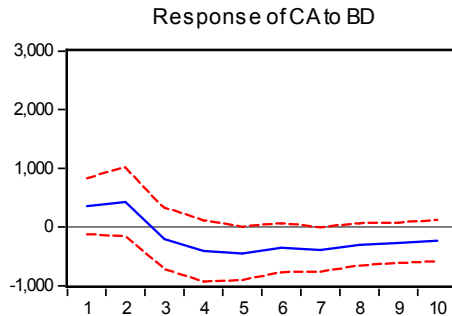
۱. در مطالعه صمدی و اوجی مهر (۱۳۹۰) نیز این نتیجه تأیید شده است.

نمودار ۲. واکنش ضربه‌ای حساب جاری نسبت به تکانه تولید ناخالص داخلی



در واکنش به یک تکانه مثبت کسری بودجه، در کوتاه‌مدت حساب جاری کاهش می‌یابد که بیانگر پدیده «کسری دوگانه» است همچنین حساب جاری در واکنش به تکانه مثبت کسری بودجه در بلندمدت، رو به افزایش است که تأییدکننده پدیده «واگرایی دوگانه» در بلندمدت است.

نمودار ۳. واکنش ضربه‌ای حساب جاری و نرخ ارز نسبت به تکانه کسری بودجه



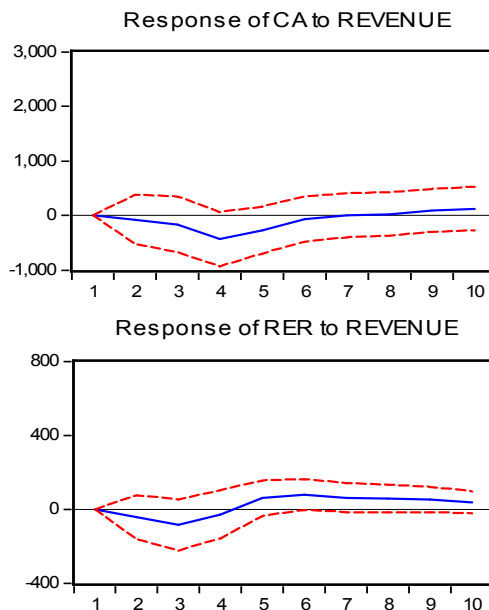
۲-۵. واکنش ضربه‌ای حساب جاری و نرخ ارز نسبت به تکانه اجزای بودجه دولت

در این قسمت، به منظور اطمینان از یافته‌ها، واکنش اجزای حساب جاری را نسبت به اجزای کسری بودجه بررسی می‌کنیم. از آنجا که افزایش نرخ ارز نیز مخالف پیش‌بینی اغلب الگوهای نظری است (مطابق با الگوی استاندارد کینزی، افزایش کسری بودجه باعث افزایش نرخ بهره و افزایش نرخ بهره نیز کاهش نرخ ارز را در پی دارد)، به بررسی اثر تکانه اجزای کسری بودجه بر نرخ ارز نیز خواهیم پرداخت. بنابراین در این قسمت، اثر تکانه دو جزء درآمد و مخارج بودجه دولت را به‌طور جداگانه بر حساب جاری و نرخ ارز بررسی می‌کنیم.

۲-۵-۱. واکنش ضربه‌ای حساب جاری و نرخ ارز نسبت به تکانه درآمد دولت

همان‌طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد، حساب جاری در واکنش به تکانه مثبت درآمد دولت، در کوتاه‌مدت کاهش و سپس روند افزایشی از خود نشان می‌دهد. از این نتیجه می‌توان برداشت کرد که کسری بودجه و حساب جاری، در کوتاه‌مدت خاصیت «واگرایی دوگانه» و در بلندمدت خاصیت «کسری دوگانه» دارند.

نمودار ۴. اثر تکانه درآمد دولت بر حساب جاری و نرخ ارز



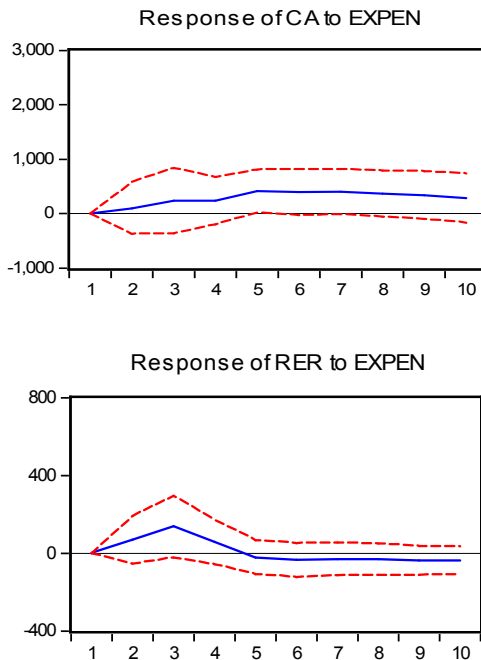
نرخ ارز نیز در واکنش به تکانه مثبت در آمد دولت در کوتاه‌مدت کاهش و در بلندمدت روندی افزایشی دارد. تغییرات نرخ ارز در بلندمدت مطابق نظریه استاندارد کینزی است. به عبارت دیگر مطابق با الگوی استاندارد کینزی، کاهش کسری بودجه باعث کاهش تولید (از سمت تقاضا) می‌شود. از طرفی، چنانچه واردات را تابعی از تولید در نظر بگیریم (مطابق نظریات کینزی)، نرخ ارز افزایش می‌یابد.

۲-۵-۲. واکنش ضربه‌ای حساب جاری و نرخ ارز نسبت به تکانه مخارج دولت

با مشاهده نمودار ۵ ملاحظه می‌شود که حساب جاری در واکنش به تکانه مخارج دولت روند افزایشی دارد. به عبارت دیگر پدیده «واگرایی دوگانه» تأیید می‌شود. در این حالت نیز نتایج، با «الگوهای اقتصاد کلان باز جدید»^۱ مطابقت دارد. براساس این الگو، افزایش دائمی مخارج دولت باعث بهبود حساب جاری می‌شود. چنانچه مخارج دولت به صورت دائمی افزایش یابد، براساس الگوهای قیمت‌های چسبنده، افزایش مخارج دولت به صورت دائمی، باعث افزایش تولید (تقاضا) در کوتاه‌مدت می‌شود (این افزایش تولید از سمت تقاضا صورت می‌گیرد).

بنابراین هم‌زمان با یکسان‌سازی مصرف توسط مصرف‌کنندگان در اثر کاهش تولید خالص در طول زمان (تولید از سمت عرضه)، حساب جاری بهبود می‌یابد. بنابراین اثر تکانه مخارج دولت بر حساب جاری مؤید پدیده «واگرایی دوگانه» است. علاوه بر این، افزایش مخارج دولت در کوتاه‌مدت باعث افزایش نرخ ارز و در بلندمدت منجر به روند کاهشی آن شده است. بنابراین در کوتاه‌مدت نتایج مطابق با نظریات استاندارد نمی‌باشد یعنی نرخ ارز با یک وقفه زمانی نسبت به تغییرات مخارج دولت (و در نتیجه تولید) واکنش نشان می‌دهد.

نمودار ۵. اثر تکانه مخارج دولت بر حساب جاری و نرخ ارز



۳. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مطالعه حاضر با استفاده از یک الگوی خودرگرسیون برداری، توابع واکنش ضربه‌ای و تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی، به بررسی اثر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری و نرخ ارز در حضور تکانه تولید، پرداخته شده است. بررسی توابع تجزیه واریانس نتایج زیر را دربرداشتند:

تجزیه واریانس تکانه کسری بودجه بیانگر آن است که سهم نوسانات تولید از تکانه‌های وارد شده به کسری بودجه حدود ۴ درصد است که نشان‌دهنده اثر ادوار تجاری بر این متغیر می‌باشد. تجزیه واریانس تکانه حساب جاری نشان می‌دهد که در بلندمدت کسری بودجه حدود ۲ درصد، نرخ ارز ۱ درصد و تولید ناخالص داخلی به میزان ۲/۵۰ درصد از نوسانات حساب جاری را توجیه می‌کنند.

تجزیه واریانس تکانه تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که در بلندمدت، سهم

نوسانات کسری بودجه و حساب جاری کاهش یافته، ولی سهم نرخ ارز افزایش یافته است. همچنین با بررسی توابع واکنش ضربه‌ای مشاهده شد که کسری بودجه بر اثر تکانه مثبت تولید ناخالص داخلی، در کوتاه‌مدت کاهش یافت که این نتیجه مؤید رفتار موافق ادوار تجاری بودجه دولت بوده است. حساب جاری در پاسخ به تکانه مثبت تولید ناخالص داخلی، در کوتاه‌مدت کاهش یافته است. این رفتار ضدادواری حساب جاری نیز مطابق با دیدگاه سنتی و دیدگاه جدید (الگوی ادوار تجاری واقعی در یک اقتصاد کوچک باز) می‌باشد.

در کل، نتایج واکنش ضربه‌ای حساب جاری و کسری بودجه نسبت به تکانه تولید مطابق با این دیدگاه است که در کوتاه‌مدت تکانه تولید، یک رابطه منفی بین حساب جاری و بودجه دولت برقرار می‌سازد. به عبارت دیگر پدیده «واگرایی دوگانه» را تأیید می‌کند؛ بهترین زمان برای افزایش مخارج دولت وقتی است که تولید با یک تکانه در طرف عرضه مواجه باشد (مانند تکانه فناوری)، زیرا در این حالت افزایش کسری بودجه منجر به کاهش کسری حساب جاری و بهبود تراز بازرگانی کشور می‌شود.

در ادامه نتایج تکانه کسری بودجه بر حساب جاری و نرخ ارز بررسی شد. نتایج نشان داد که در واکنش به یک تکانه مثبت کسری بودجه، در کوتاه‌مدت حساب جاری افزایش می‌یابد که بیانگر پدیده «واگرایی دوگانه» است و در میان‌مدت روند کاهش (بیانگر کسری دوگانه در میان‌مدت) و دوباره در درازمدت، رو به افزایش است که تأییدکننده پدیده «واگرایی دوگانه» در درازمدت است. در ادامه به منظور اطمینان از یافته‌ها، واکنش اجزای حساب جاری نسبت به اجزای کسری بودجه بررسی شد. واکنش حساب جاری و نرخ ارز نسبت به تکانه اجزای کسری بودجه نتایج زیر را در پی داشت:

حساب جاری در واکنش به تکانه مثبت درآمد دولت، در کوتاه‌مدت کاهش و سپس روند افزایشی از خود نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کسری بودجه و حساب جاری، در کوتاه‌مدت خاصیت «واگرایی دوگانه» و در درازمدت خاصیت «کسری دوگانه» دارند. نرخ ارز نیز در واکنش به تکانه مثبت درآمد دولت در کوتاه‌مدت کاهش و در بلندمدت روندی افزایشی دارد.

حساب جاری در واکنش به تکانه مخارج دولت روند افزایشی دارد. به عبارت دیگر

پدیده «واگرایی دوگانه» تأیید می‌شود. در این حالت نیز نتایج، با «الگوهای اقتصاد کلان باز جدید»، مطابقت دارد.

علاوه بر این، افزایش مخارج دولت در کوتاه‌مدت باعث افزایش نرخ ارز و در بلندمدت منجر به روند کاهشی آن شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در کوتاه‌مدت رفتار نرخ ارز از الگوهای اقتصاد کلان باز جدید تبعیت می‌کند و در بلندمدت نتایج مطابق با نظریات استاندارد است. براساس یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهادهاى سیاستی زیر ارائه می‌شود:

۱. با توجه به نتایج حاصل از توابع واکنش ضربه‌ای حساب جاری و کسری بودجه نسبت به تکانه تولید، مشاهده می‌شود که یک رابطه منفی بین حساب جاری و بودجه برقرار است. بنابراین چنانچه دولت در زمان بروز تکانه مثبت تولید (دوره رونق) اقدام به افزایش کسری بودجه نماید، باعث کاهش کسری حساب جاری خواهد شد که به رشد اقتصاد کمک خواهد کرد.

۲. نتایج نشان می‌دهد که افزایش کسری بودجه در کوتاه‌مدت باعث افزایش نرخ ارز و در بلندمدت باعث کاهش نرخ ارز می‌شود. بنابراین این تغییر در کوتاه‌مدت به نفع اقتصاد است اما دولت باید اثرات بلندمدت آن را نیز در نظر بگیرد؛ زیرا در بلندمدت نرخ ارز کاهش می‌یابد و حساب جاری دچار کسری می‌شود.

۳. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند پدیده واگرایی دوگانه به صورت ضعیف در اقتصاد ایران برقرار است که دلیل آن می‌تواند نرخ بهره دستوری در ایران باشد؛ زیرا براساس نظریه‌های اقتصادی، نرخ بهره یک کانال اصلی اثرگذاری کسری بودجه بر کسری حساب جاری است. بنابراین چنانچه دولت اقدام به آزادسازی نرخ بهره نماید می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی کمک کند.

منابع و مآخذ

۱. برومندجزی، شهرزاد و آزاد مهر کهرام (۱۳۸۴). «اثر کسری بودجه و نرخ ارز بر کسری حساب جاری تراز پرداخت‌های خارجی ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ۵ (۱۷).
۲. پارسا، امیدعلی (۱۳۷۴). «اثر انبساط مالی دولت بر تراز تجاری در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. دلاوری، مجید و اسماء کریمی کیا (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر سیاست مالی بر تراز تجاری ایران با تأکید بر مخارج دولتی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۳ (۸۵).
۴. زمانی‌راد، عباس (۱۳۷۷). «برآورد رابطه تعادلی بلندمدت بین کسری بودجه و کسری تراز تجاری با استفاده از تکنیک همگرایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. زوارثیان، منصوره (۱۳۸۲). «بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و کسری حساب جاری در اقتصاد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۶. شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۴). «بررسی متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر بر کسری حساب جاری ایران»، جستارهای اقتصادی، ۲ (۳).
۷. شیوا، رضا و ناصر خیابانی (۱۳۷۵). «ارتباط کسری بودجه و کسری تراز تجاری در ایران: آزمون‌ی به روش همگرایی بلندمدت»، فصلنامه علمی - پژوهشی شریف، دوره ۱۲، ش ۱۲.
۸. صمدی، علی‌حسین (۱۳۷۴). «بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری در اقتصاد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۹. صمدی، علی‌حسین و رضیه تابنده (۱۳۸۶). «کسری تجاری در اقتصاد ایران: دولت یا بخش خصوصی»، پژوهشنامه اقتصادی، پیاپی ۲۶.
۱۰. صمدی، علی‌حسین و سکینه اوجی مهر (۱۳۹۰). «ارزیابی ماهیت سیاست مالی و بررسی خاصیت رفتار ادواری آن: مورد ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۳)»، جستارهای اقتصادی، ۸ (۱۶).
۱۱. فرح‌بخش، ندا و اسداله فرزین‌وش (۱۳۸۸). «اثر کسری بودجه بر کسری حساب جاری و رشد اقتصادی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۴ (۸۸).
۱۲. قادری ثانی، بتول (۱۳۸۹). «اثر تکانه کسری بودجه بر کسری حساب جاری: مورد اقتصاد ایران (۱۳۸۵:۴-۱۳۶۹:۱)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۳. قارون، معصومه (۱۳۷۱). «بررسی اثرات سیاست مالی بر حساب جاری تراز پرداخت‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۴. محمدی، حسن (۱۳۷۳). «سیاست مالی و تراز تجاری (بررسی تجربه اقتصاد ایران)»، مقاله ارائه شده در کنفرانس ماهانه مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۱۵. مهرآرا، محسن و مهدی مرادی (۱۳۸۷). «بررسی تأثیرات کسری بودجه، نرخ ارز حقیقی و رابطه مبادله بر کسری حساب جاری کشورهای صادرکننده نفت عضو (OPEC)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۷.
۱۶. مؤمنی وصالیان، هوشنگ (۱۳۷۵). «تحلیل رابطه کسری بودجه و تراز پرداخت‌ها در مورد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. نجارزاده، رضا و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۴). «عوامل مؤثر بر کسری حساب جاری ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۱.

18. Abell, J. D. (1990). "The Role of the Budget Deficit During the Rise in the Dollar Exchange Rate from 1979-1985", *Southern Economic Journal*, Vol. 57.
19. Ahsan, M. H. (1989). "Effect of Budget Deficit on the Current Account: The Case of the Philippines." in: Mario I. Blejer and Ke-Young Chu, *Fiscal Policy, Stabilization and Growth in DC*, IMF Press ch. 12.
20. Alkswani, M. A. (2000). "The Twin Deficits Phenomenon in Petroleum Economy: Evidence from Saudi Arabia", *ERF 7th Annual Conference: Trends and Prospects for Growth*, Amman, Jordan, 26 October 2000 - 29 October 2000.
21. Anouruo, E. and S. Ramchander (1998). "Current Account and Fiscal Deficits: Evidence from Five Developing Economies of Asia", *Journal of Asian Economies*, Vol. 9.
22. Aqeel, A. and M. Nishat (2000). "The Twin Deficits Phenomenon: Evidence from Pakistan", *The Pakistan Development Review*, Vol. 39 (4).
23. Bachman, D. D. (1992). "Why is the US Current Account Deficit so Large? Evidence from Vector Autoregressions", *Southern Economic Journal*, Vol. 59 (2).
24. Baharumshah, A. Z. and E. Lau (2006). "Twin Deficits Hypothesis in SEACEN Countries: A Panel Data Analysis of Relationships Between Public Budget and Current Account Deficits", *Applied Econometrics and International Development*, Vol. 6.
25. Bartoli, G. (1986). "Fiscal Expansion and External Current Account Imbalances", in: Mario I. Blejer and Ke-Young Chu; *Fiscal Policy, Stabilization and Growth in DC*, IMF Press ch. 8.
26. Betts, C. and M. B. Devereux (2001). "The International Effects of Monetary and Fiscal policy in a Two-country Model", in: *Mony, Capital Mobility and Trade: Essays in Honor of Robert A. Mundell*, IMF Press ch. 1.
27. Chang, J. and Z. Hsu (2009). "Causality Relationships between the Twin Deficits in the Regional Economy", Department of Economics National Chi Nan University.

28. Darrat, A. F. (1988). "Have Large Budget Deficits Caused Rising Trade Deficits?", *Southern Economic Journal*, Vol. 54(4).
29. Enders, W. and B. S. Lee (1990). "Current Account and Budget Deficits: Twins or Distant Cousins?", *The Review of Economics and Statistics*, Vol. LXXII.
30. Erceg, Christopher, J. Luca Guerrieri and Christopher Gust (2005). "Expansionary Fiscal Shocks and the Trade Deficit, Board of Governors of the Federal Reserve System", International Finance Discussion Paper, 825, Washington, DC.
31. Ghebreselassie, Y. T. and P. Burger (2003). "Twin Deficit Problems in Developing Countries: The case of Eritrea", Economics Working Paper Series Department of Economics, UFS. Wp04/03.
32. Hatemi, A. and G. Shukur (2002). "Multivariate Based Causality Test of Twin Deficits in the U.S", *Journal of Applied Statistics*, Vol. 20.
33. Kasibhatla, K., M. Johanson, J. Malindretos and A. Arize (2001). "Twin Deficits revisited", *Journal of Business and Economic Studies*, Vol. 7.
34. Khalid, A. M. and T. W. Guan (1999). "Causality Tests of Budget and Current Account Deficits: Cross-country Comparisons", *Empirical Economics*, Vol. 24.
35. Kim, S. and N. Roubini (2008). "Twin Deficit or Twin Divergence? Fiscal Policy ,Current Account, and Real Exchange Rate in the US", *Journal of International Economics*, Vol. 74.
36. _____ (2004). "Twin Divergence? Fiscal Policy ,Current Account, and Real Exchange Rate in the US", Paper Presented at the Econometric Society, North American Winter Meeting, Sandieg.CA.
37. Kulkarni, K. G. and E. L. Erickson (2001). "Twin Deficit Revisited: Evidence from India, Pakistan, and Mexico", *The Journal of Applied Business Research*, Vol. 17 (2).
38. Lau, E. and A. Z. Baharumshah (2004). "On the Twin Deficits Hypothesis: Is Malaysia Different?", *Pertanika J. Soc. Sci. and Hum*, Vol. 12, Iss. 2.
39. Marinheiro, C. F. (2008). "Ricardian Equivalence, Twin Deficits, and the Feldstein–Horioka puzzle in Egypt", *Journal of Policy Modeling*, Vol. 30.
40. Mukhtar, T., M. Zakaria and M. Ahmed (2007). "An Empirical Investigation for the Twin Deficits Hypothesis in Pakistan", *Journal of Economic Cooperation*, Vol. 28.
41. Obstfeld, M. and K. Rogoff (1994). "Exchange Rate Dynamics Redux", *The Journal of Political Economy*, Vol. 103, No. 3.
42. Pahlavani, M. and A. S. Saleh (2009). "Budget Deficits and Current account Deficits in the Philippines: A Casual Relationship?", *American Journal of Applied Sciences*, Vol. 6 (8).
43. Payesteh, S. (2008). "Do the Federal Deficits Matter?", *International Business and Economics Research Journal*, Vol. 7.

44. Ratha, A. (2010). "Twin Deficits or Distant Cousins? Evidence from India", No 10-05 Classification- F 32, H 62, Working Papers from Saint Cloud State University, Department of Economics.
45. Rosenweing, J. A. and E. W. Tallman (1993). "Fiscal Policy and Trade Adjustment: Are the Deficits Really Twinse?", *Economic Inquiry*, Vol. 31.
46. Samadi, A. H. (2006). "The Twin Deficits Phenomenon in Some MENA Countries", *Iranian Economic Review*, Vol. 10, No.16.
47. Vamvoukas, G. (1998). "The Relationship between Budget Deficits and Demand: Evidence from a Small Economy", *Applied Economics*, Vol. 30.
48. Winner, L. E. (1993). "The Relationship of the Current Account Balance and the Budget Balance", *American Economist*, Vol. 37.
49. Zeitz, J. and D. K. Pemberton (1990). "The U. S. Budget and Trade Deficits:A Simultaneous Equation Model", *Southern Economic Journal*, Vol. 57.

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران

حمید والهی* و سیدرضا احسان‌پور**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۹/۱	تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۲۱
----------------------	------------------------

هرچند تلاش فلاسفه و حقوقدانان غربی در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم در زمینه جلوگیری از اعمال مجازات‌های خشن و شدید، موجب پذیرش زندان به عنوان مجازاتی اصلی در اوایل قرن نوزدهم شد، اما دیری نپایید که استفاده بی‌رویه از زندان با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و ... باعث بروز انتقادهای شدیدی نسبت به این مجازات شد. به طوری که حتی موافقان آن را، دچار تردید و در نهایت، به واکنش واداشت. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفت، پیشنهاد استفاده از «جایگزین‌های مجازات حبس» و اجتناب از آن، مگر به عنوان «آخرین حربه» بوده است. مقاله حاضر، تلاشی است که به منظور تبیین جایگاه «جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن در نظام عدالت کیفری ایران» صورت پذیرفته است. در این مقاله ضمن معرفی و بررسی گونه‌های سنتی و نوین جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، ثابت می‌شود که مجازات‌های جایگزین حبس در حقیقت وسیله‌ای است برای استفاده از اقداماتی که می‌تواند روند اصلاح مجرمان را سرعت بخشد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود که اجرای موفقیت‌آمیز این تدابیر، نیازمند فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه است.

کلیدواژه‌ها: زندان، جایگزین‌های حبس، نظام عدالت کیفری، اصلاح، بازپروری

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری؛

Email: valehihamid@gmail.com

** استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (نویسنده مسئول)؛

Email: ehsanpour@gmail.com

مقدمه

همان‌گونه که می‌دانید در ابتدا زندان محلی بود که متهم را در آن نگهداری می‌کردند تا در روز محکمه در دادگاه حاضر کنند. معمولاً؛ زندان‌ها در زیر قلاع و یا قصرها بنا می‌شدند و جایی تاریک و ناسالم بودند به طوری که بیشتر زندانیان در زندان جان می‌باختند. روحانیون مسیحی اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خون‌ریزی، خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه کردند و تربیت و اصلاح زندانیان را خواستار شدند و از زندان‌ها بازدید به عمل آوردند. در سال ۸۱۷ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در روم، مقررات مربوط به اداره زندان‌ها تصویب شد و تأکید شد که زندان‌ها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشند. برای رسیدن به این هدف زندانیان باید به روش انفرادی نگهداری شده و به آنان کار دستی آموخته شود. به این ترتیب اولین زندان به روش انفرادی در روم بنا شد (مداح‌پور، ۱۳۸۶: ۳۲). زندان با گذشت زمان توسعه یافت تا این که از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی پذیرفته شد تا پایان سده بیستم که می‌خواهند به آن تنها با دید آخرین شیوه واکنش ضد بزهکاری بنگرند؛ سلب آزادی از محکومین رفته‌رفته خاصیت تریبی خود را از دست داده است. در حال حاضر هدف از محکوم کردن متهم به مجازات زندان نه اعمال رنج و عذاب بر وی، بلکه تضمین آرامش یا امنیت جامعه است (آنسل، ۱۳۷۵: ۹۰-۸۹).

شکی نیست که رویکرد جدید به مجازات با مکتب دفاع اجتماعی به صورت جدی آغاز شد. هرچند در ابتدا با عقاید و نظریاتی که گراماتیکا^۱ ارائه داد راه افراط را پیمود ولی خیلی زود با نظریات متعادلی که مارک آنسل^۲ ارائه داد، جای خود را در دنیای حقوق کیفری باز کرد. گراماتیکا آن قدر راه افراط را پیمود که خواهان حذف حقوق کیفری شد و همچنین خواهان جایگزینی کارشناسان علوم مختلف به جای قاضی شد و اعلام کرد به جای اینکه قاضی در مقام قضاوت بنشیند، نظریه کارشناسان جایگزین رأی قاضی شود اما این نظریات با مخالفت طرفداران خود روبه‌رو شد. مارک آنسل با ارائه نظریات خود توانست

1. Gramathica

2. Ansell

نگاه به مجرم و مجازات را متحول کند. نگاه اصلاحی و درمانی به کار کردهای مجازات بدون مخالفت با حقوق کیفری که مارک آنسل از آن طرفداری می‌کرد موجب طرح مقوله‌های جدید در حقوق کیفری شد. تشکیل پرونده شخصیت^۱ برای مجرمان، تدوین آیین دادرسی ویژه برای اطفال بزهکار، مبارزه با علل و عوامل وقوع جرم، حبس‌زدایی^۲، کیفرزدایی^۳، استفاده از جایگزین‌های حبس، فردی کردن قضای مجازات‌ها،^۴ نمادهای جدیدی بودند که به دنبال نظریات دفاع اجتماعی نوین^۵ وارد حقوق کیفری^۶ شدند.

در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم^۷، ولی پس از جنگ جهانی دوم، تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه رعایت و احترام به حقوق بشر (همان: ۹۵-۸۷) به‌ویژه با صدور اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی (آشوری، ۱۳۸۲: ۷۱)، حق آزادی که پس از حق حیات اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان باز تعریف شد. رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت‌های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه همه شهروندان - از جمله حق حیات و حق آزادی - را به‌صورت کامل، هم در برابر مردمان متجاوز و هم در برابر کارگزاران حکومت، حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان - به‌ویژه حق آزادی - سلب آزادی از افراد را به‌عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت. نتایج مطالعات و آمارها نیز نشان دادند که حبس

1. Personality File

2. De-imprisonment

3. De-retribution

4. Judicial Individualization of Punishments

5. New Social Defence

6. Criminal Law

۷. برای آگاهی بیشتر از تاریخ تحولات نظام مجازات‌ها به‌ویژه مجازات حبس ر.ک: علی صفاری (۱۳۸۶).

چه از منظر فلسفه ارعاب و بازدارندگی و چه از منظر فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده است (همان، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۶؛ معظمی، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۷؛ منصورآبادی، ۱۳۸۶: ۹۲). در عین حال، انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان از لحاظ اقتصادی، جرم‌شناسی و اجتماعی وارد شد.^۱ این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری^۲ آن پدید آمده بود، همه متفکران علوم جنایی را واداشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند.

در ایران، با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرایی بهتر و صحیح‌تر مجازات حبس، در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات (اصلاح،^۳ بازپروری^۴ و بازسازی^۵) ناموفق بوده است.^۶ به همین دلیل، در سال‌های اخیر تحت تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد (حداقل قواعد لازم‌الرعایه در مورد رفتار با زندانیان، قواعد توکیو، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰)^۷ و تجربه موفق کشورهای دیگر و نیز به دلیل ناکارآمدی برنامه‌های اصلاح و درمان در ایران^۸ و به‌ویژه نگرش رئیس سابق قوه قضائیه به مسئله زندان

۱. برای تفصیل درباره عوامل عملی ناکارآمدی مجازات حبس: ر.ک: علی حسین نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۴). *کیفرهای جامعه‌مدار*، دیپاچه در کیفرشناسی؛ بولک برنار، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ص ۳ و حسن حاجی تبار فیروزجائی (۱۳۸۶). *جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۵۴-۳۹.

۲. برای اطلاع بیشتر از مبانی نظری جایگزین‌های حبس ر.ک: علی صفاری (نیمسال اول ۸۶-۸۵). «تقریرات کیفرشناسی»، دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ص ۵۱-۳۲؛ حسن حاجی تبار فیروزجائی (۱۳۸۶). *جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۷۲-۵۵.

3. Reformation

4. Rehabilitation

5. Re-compatibility

۶. ماده (۳) آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴. در خصوص علل عدم موفقیت مجازات زندان در اصلاح و بازپروری به‌عنوان نمونه ر.ک: عباس منصورآبادی (۱۳۸۶). «زندان: راه‌حل یا مشکل»، مجموعه مقالات *راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، نشر میزان، ص ۹۲؛ شهلا معظمی (۱۳۸۶). «جانشین‌های مجازات زندان برای زنان»، مجموعه *مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، نشر میزان، ص ۶۸.

7. United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures (The Tokyo Rules, December 1990, 14th)

۸. برای نمونه ر.ک: علی صفاری (۱۳۸۴). «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، مجموعه *مقالات علوم جنایی*، ج ۲، تهران، انتشارات سلسبیل، ص ۱۴۴ (پاورقی)؛ محمدرضا گودرزی (۱۳۸۲). «نارسایی‌های زندان»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۰۹.

در فقه (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۲)، کوشش‌هایی به منظور محدود کردن موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات‌ها در چارچوب سیاست حبس‌زدایی صورت گرفته است. بدین ترتیب، جهت حرکت چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، به سمت محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا در برخی موارد، اعمال مجازات حبس امری گریزناپذیر به نظر می‌رسد. به همین دلیل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی چنین مجازات‌هایی فقط برای دسته خاصی از جرائم که مجازات حبس‌شان تا میزان خاص و معینی باشد، برای دادگاه به طور الزامی یا اختیاری مجاز شمرده شده است.

در این مقاله، ضمن بررسی انواع جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، به ابهامات و اشکالات موجود در قوانین و مقررات موضوعه ایران در خصوص جایگزین‌های حبس و راه‌حل آنها پرداخته می‌شود. در همین راستا، مطالب در دو قسمت «گونه‌های سنتی جایگزین» و «گونه‌های نوین جایگزین حبس» بررسی می‌شوند.

۱. جایگزین‌های مجازات زندان

با توجه به انتقادهای گسترده به آثار منفی زندان، از جمله: الف) نامناسب بودن و جرم‌زا بودن محیط آن، ب) عدم رعایت دسته‌بندی دقیق زندانیان با توجه به نوع جرم، سابقه آنها، وضع خانوادگی و شرایط ارتکاب جرم عمدی یا غیرعمدی، ج) ایجاد مشکلات مالی و اقتصادی که با حبس مجرم به وجود می‌آید، د) ایجاد مشکلات اجتماعی و خانوادگی لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، در بهار ۱۳۸۴ برای طرح و تصویب به مجلس شورای اسلامی سپرده و کلیات آن با عنوان «لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» به تصویب رسید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). اما در نهایت با تغییرات چشمگیری با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» به فصل نهم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی انتقال داده شد. مجازات اجتماعی «واکنش رنج‌آوری است که در قبال جرم و به موجب قانون، نسبت به مجرم اعمال می‌گردد و مستلزم محدودیت آزادی و نظارت است». پرکاربردترین مصادیق مجازات‌های اجتماعی عبارت‌اند از: تعلیق مراقبتی فشرده،^۱ خدمات اجتماعی (کار عام‌المنفعه)،^۲ نظارت

الکترونیکی،^۱ ممنوعیت خروج از منزل (حبس خانگی)^۲ ممنوعیت رفت و آمد و الزام به حضور در مراکز آموزشی روزانه (ریاحی، ۱۳۹۲: ۳۸). منظور از مجازات‌های جایگزین حبس، مجموعه‌ای از واکنش‌های جزایی است که می‌توانند جایگزین مجازات حبس شوند. در برخی تعابیر مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس به نحو مترادف و به جای یکدیگر استعمال شده‌اند. با این وجود، این کاربرد از انطباق این دو حکایت نمی‌کند؛ زیرا مجازات اجتماعی صرفاً شامل واکنش محدودکننده آزادی می‌شود؛ اما مجازات جایگزین حبس، علاوه بر آن شامل مجازاتی می‌شود که مستلزم نظارت و محدودیت آزادی نیست (همان: ۴۲). در نظر دکتر محمد آشوری مجازات‌های جایگزین حبس اغلب جایگزین حبس‌های جرائم خرد و کم‌اهمیت به‌شمار می‌رود؛ حبس‌هایی که مضار آن بیشتر از فواید آن است و جرائمی که با وجود خسارت‌هایی که به بزه‌دیدگان وارد می‌کند، در زمره جرائم پرخطر نیستند.^۳

۱-۱. گونه‌های سنتی جایگزین حبس

منظور از گونه‌های سنتی جایگزین حبس در این مقاله، آن دسته از تدابیری هستند که از بدو قانونگذاری در نظام عدالت کیفری ایران به‌منظور کاهش جمعیت کیفری زندان و اجتناب از آثار زیان‌بار آن پیش‌بینی شده‌اند و هم‌اکنون نیز از اعتبار قانونی برخوردارند. اینها عبارت‌اند از: جزای نقدی،^۴ تعلیق اجرای مجازات^۵ و آزادی مشروط.^۶

جزای نقدی به‌عنوان یک گزینه واقعی از گونه‌های سنتی جایگزین کیفر حبس در معنی اخص آن است. نکته قابل بحث در این قسمت بر سر دو گزینه آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات (حبس) است مبنی بر اینکه آیا این دو را می‌توان واقعاً از تدابیر جایگزین مجازات زندان در معنی حقیقی کلمه به حساب آورد یا خیر؟ به‌نظر می‌رسد اگر چه این دو تدبیر را نمی‌توان از گونه‌های واقعی جایگزین مجازات زندان (به‌عنوان کیفر

1. Electronic Supervision

2. House Arrest

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمد آشوری (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش.

4. Cash Punishment or Punishment, Pecuniary

5. Suspension of Punishment Execution

6. Parole

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۵۳

مستقل) به حساب آورد، ولی می‌توان جزء راه‌حل‌های جایگزین در معنای عام تلقی کرد؛ زیرا اکثر حقوقدانان (پرادل، ۱۳۸۱: ۱۳۴-۱۳۲) و نیز شورای اروپا طی نشستی در سال ۱۹۸۵ در باب جایگزین‌های اقدام سالب آزادی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۳۸۴-۳۸۰)، سه‌گونه برداشت و طبقه‌بندی را از راه‌حل‌های جایگزین حبس به‌عمل آوردند که دسته سوم از آنها شامل تدابیری می‌شوند که هدف آنها اجتناب از اجرای حکم مجازات حبس است که تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط از زمره این تدابیر است. به همین دلیل، با کمی تسامح می‌توان اینها را از زمره تدابیر جایگزین زندان در معنی موسع (به‌دلیل نقش تعدیل‌کنندگی آزادی مشروط در مرحله اجرای مجازات حبس و نیز عدم اجرا و اعمال آن به خاطر تعلیق اجرای مجازات) تلقی کرد، اگر چه جزء تدابیر جایگزین حبس به‌عنوان کیفر مستقل و در معنای واقعی آن به‌حساب نمی‌آیند؛ زیرا در هر دو مورد محکومیت به حبس تا پایان مدت آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات به قوت خود باقی است.

۱-۱-۱. آزادی مشروط

آزادی مشروط نوعی فردی کردن نیمه قضایی، نیمه اجرایی است که توسط مقامات قضایی و اجرایی مشترکاً اعمال می‌شود (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۴۰) و ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادر کننده حکم به محکوم اعطا شده و نمایانگر توجه خاص قانونگذار به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی اوست.

آزادی مشروط عبارت است از: «آزادی موقت محکوم به حبسی که مدتی از دوره محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش‌بینی شده توسط قانون قابلیت آزادی بقیه مدت مجازات را به دست آورده است که در صورت اجرای شرایط آزادی او قطعی والا محکومیت به‌طور کامل اجرا می‌گردد» (نوربها، ۱۳۷۷: ۴۲).

در پاسخ به این سؤال که «آیا آزادی مشروط را می‌توان از تدابیر جایگزین حبس به‌حساب آورد یا خیر؟» باید گفت نظر غالب^۱ این است که آزادی مشروط را می‌توان

۱. برای دیدن نظر مخالف و موافق، ر.ک: عطاله قنبری (۱۳۷۶). «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق ایران و

انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۴-۲۳.

به‌عنوان برنامه‌های جایگزین مجازات حبس در مفهوم موسع آن تلقی کرد؛ البته در صورتی که همراه با نظارت باشد. در غیر این صورت، اطلاق وصف جایگزین به آن تا حدودی با اشکال مواجه خواهد شد.

قلمرو آزادی مشروط مطابق ماده (۵۸) قانون مجازات اسلامی تنها به مجازات حبس تعزیری منحصر است. حبس‌های تعزیری طیف گسترده‌ای از حبس‌های موقت و حبس ابد را شامل می‌شود. قید حبس تعزیری در ماده (۵۸)، حبس‌های دیگر را از شمول این ماده خارج می‌کند. بر این اساس، حبس‌های ذیل مشمول مقررات آزادی مشروط قرار نمی‌گیرند: حبس موضوع ماده (۲۴) قانون مجازات اسلامی، حبس حدی موضوع ماده (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی، حبس موضوع ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ با اصلاحات بعدی و مجازات حبس محارب که به مجازات نفی بلد محکوم شده است و طبق رویه قضایی (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۷) باید این مدت را در حبس سپری کند و همچنین حبس در تبعید که مجازات حدی محسوب می‌شود.

این مسئله که اگر کسی برای اولین بار محکوم به حبس ابد شود، آیا می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند یا خیر، از جمله موضوعاتی است که در قانون مجازات اسلامی مسکوت واقع شده است. براساس نظر برخی از حقوق‌دانان، با توجه به سکوت قانون و عدم نسخ این قسمت از ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷، محکومان به حبس ابد پس از گذراندن ۱۲ سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده کنند (کارمزدی، ۱۳۷۶: ۳۶؛ اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۵۱). در مقابل اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریات متعدد اعلام کرده است که حبس دائم، حتی پس از عفو و تقلیل مجازات از شمول آزادی مشروط خارج است (نظریات ۷/۱۴۴۵ - ۷/۲۵ و ۱۳۷۲/۷/۲۵ و ۷/۵۰۷۶ - ۱۳۷۸/۸/۹ و ۷/۳۲۰۹ - ۱۳۷۸/۵/۱۱)، (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۷۷). در نهایت به‌نظر می‌رسد سکوت قانونگذار در مواد (۵۸) الی (۶۳) قانون مجازات اسلامی و جانشین کردن این مواد به‌جای قانون ۱۳۳۷ و لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و همچنین نظریات متعدد صادر شده از سوی اداره حقوقی دلالت بر این دارد که در وضعیت کنونی محکومان به حبس ابد حق استفاده از آزادی مشروط را ندارند؛ زیرا حبس ابد

مادام‌العمر بوده و مقید به مدت معینی نیست و لذا نمی‌توان نصف آن را تعیین کرد. بنابراین در مورد محکومان به حبس ابد آزادی مشروط متصور نمی‌باشد، مگر اینکه قانونگذار به‌طور صریح بیان کند.

این مسئله، نداشتن سابقه استفاده از آزادی مشروط به‌عنوان یکی از شروط اعطای آن ایراداتی را در پی دارد؛ زیرا با این شرط معلوم نیست کسی که سابقاً یک بار از امتیاز آزادی مشروط برخوردار شده و سربلند از این آزمون بیرون آمده است با کسی که برای نخستین بار از این امتیاز منتفع می‌شود چیست؟ مگر آنکه بگوییم کسی که دارای سابقه محکومیت به حبس است و از فرصت آزادی مشروط استفاده کرده است دگر بار شایستگی برخوردار از این امتیاز را ندارد. در پاسخ باید گفت درست است که محکومیت به مجازات حبس اگر نبود آزادی مشروط معنی نداشت، لیکن شرط استفاده از آزادی مشروط همان حسن اخلاق و سلوک و بروز نشانه‌های اصلاح‌پذیری در دوران حبس است. بنابراین اگر سایر شروط اعطای آزادی مشروط تحقق یابد این تبعیض بی‌معناست، به‌ویژه اگر کسی به مجازات حبس محکوم شده باشد، ولی به هر دلیل از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد و حکم محکومیت به حبس تماماً به اجرا درآمده باشد، در محکومیت پسین به مجازات حبس، می‌تواند با اجتماع سایر شرایط، از این مزایا بهره‌مند شود، حتی اگر به تکرار جرم متهم باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

عدم پیش‌بینی تدابیر نظارتی و کنترلی و نهاد یا مؤسسه متصدی آن طی آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ یکی از ایرادات وارده بر موضوع آزادی مشروط بود که خوشبختانه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این تدابیر را مقرر کرد چرا که چنین تدابیری می‌تواند نقش بسزایی در کاهش تکرار جرم داشته باشد؛ زیرا که یکی از فلسفه‌های آزادی مشروط، اصلاح و درمان و بازسازگارسازی اجتماعی مجرم و در نتیجه، جلوگیری از تکرار جرم او است. اما ایرادی که در این زمینه وجود دارد این است که قانونگذار دادگاه را در اجرای تدابیر نظارتی در این مورد نسبت به محکوم برخلاف تعویق صدور حکم^۱ و تعلیق اجرای مجازات مخیر کرده است. آنچه در اصلاح و

بازسازگاری مجرم مهم به نظر می‌رسد، تحت نظارت بودن آنها در هنگام آزادی و فراهم ساختن امکانات و تسهیلات مورد نیاز برای اصلاح و بازسازگاری است. در غیر این صورت، رسالت و هدف آزادی مشروط ناتمام باقی خواهد ماند. وانگهی، از آنجاکه متصدی کنترل و نظارت مسئول و نماینده جامعه است، باید نقض این شرایط و دستورها از سوی مجرم در حین آزادی را جدی تلقی کرد چون در غیر این صورت، آزادی مشروط بی‌فایده خواهد بود.

بنابراین، در صورتی می‌توان آزادی مشروط را در نظام کیفری ایران جزء برنامه‌ها و راهکارهای جایگزین حبس در کنار تدابیری همچون تعلیق مراقبتی به حساب آورد که همراه با انجام دستورهای تعیین شده از سوی دادگاه توسط مجرم و نظارت بر او و اجرای دقیق آن دستورها توسط یک نهاد نظارتی و مراقبتی باشد. نظارت و مراقبت چه به واسطه ابزار و وسایلی صورت گیرد و یا به نحو مستقیم اعمال شود می‌تواند از ناحیه شهروندان بر دیگران باشد یا از طریق حاکمیت بر شهروندان صورت پذیرد. در ارتباط با نظارت و مراقبت شهروندان باید بیان کرد که با مشارکت و همکاری مردم و نهادهای مدنی در اجتماع می‌توان از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در اجتماع برای اجتماع‌پذیر ساختن مجرمان و نهادینه کردن هرچه بهتر ارزش‌های اجتماعی در آنان بهره‌جست و به این ترتیب همگام با کاستن از تراکم کاری خود به نوعی مسئولیت اجتماعی را به شهروندان آموزش داد. برای نمونه در نهاد خدمات عمومی، اجتماع و مؤسسه‌های غیردولتی مانند: شهرداری‌ها و نهادهای ارائه‌کننده خدمات عمومی، با پذیرش محکوم‌علیه و ارائه فرصت‌های کاری در اجرای این نظارت و مراقبت یاری می‌رسانند و حتی ممکن است نظارت بر رفتار محکوم‌علیه برای پیشگیری از تکرار جرم و گزارش موارد تخلف برعهده یکی از نزدیکان و خویشاوندان مورد اعتماد وی گذاشته شود که این امر ضمن آموزش و اصلاح مجرم و حضور در اجتماع باعث آموزش سایر شهروندان نیز می‌شود و همچنین باعث ایجاد تلقی و برداشت مثبت از قانون، آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم، رفع موانع جامعه‌پذیری، پرکردن خلأهای تربیتی، فرهنگ‌سازی و به‌طور کلی اصلاح و درمان باشد. در همین راستا قانونگذار تدابیر و دستوراتی را در مواد (۴۲ و ۴۳) قانون مجازات اسلامی در مبحث تعویق

مراقبتی مقرر کرده که در تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط نیز اعمال می‌شود، نکته قابل توجه در ماده (۴۲) تأکید بر حضور و دخالت مددکار اجتماعی در مرحله پس از صدور قرار تعویق صدور حکم است که این حضور، در کنار مرتکبین پس از حضور دوباره آنان در جامعه برای یاری‌شان در مسیر اصلاح در کشورهای پیشرفته سابقه‌ای طولانی دارد. نکته دیگر اینکه دستگاه قضایی باید تعدادی مددکار اجتماعی کارآموده به خدمت بگیرد تا هر کدام با سرپرستی تعداد معینی از مرتکبین که از نهاد تعویق صدور حکم یا سایر نهادهایی مثل تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط بهره‌مند شده‌اند آنها را مسیر باز اجتماعی شدن همراهی کنند.

مورد دیگر در این راستا (مداخله نزدیکان، شهروندان و نهادهای خصوصی در نظارت و مراقبت از مرتکبین جرم) دستورات مندرج در ماده (۴۳) است. مصادیقی چند از این دستورات: ۱. درمان بیماری یا ترک اعتیاد، ۲. پرداخت یا نفقه افراد واجب‌النفقه، ۳. حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، ۴. گذراندن دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی با شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی. نوع دوم نظارت یعنی مراقبت و نظارت قوای حاکمه بر رفتار و کردار شهروندان است، امری که می‌تواند به واسطه فناوری‌های پیشرفته به‌طور عملی و گسترده تحقق پیدا کند. مصداق این نوع نظارت، مراقبت الکترونیکی است که بیشتر ناظر به ابزار مورد استفاده جهت کنترل و مراقبت از بزهکاران و محکومان است که به‌منظور پرهیز از آثار زیان بار زندان بر روی مرتکبان جرائم نسبتاً کم اهمیت اعمال می‌شود. به‌طور قطع تبیین مفهومی نظارت الکترونیکی مستلزم شناخت انواع و گونه‌های مختلف و شناخت کاربرد هریک از آنهاست. نظارت الکترونیکی می‌تواند از طریق ابزار و وسایل مختلفی صورت پذیرد که با عنایت به حوزه‌های مختلف حریم خصوصی، به کارگیری هریک از این ابزارها می‌تواند تهدید بالقوه‌ای برای نقض حریم خصوصی اشخاص به حساب آید. به‌هرحال می‌توان این ابزارها را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) وسایل الکترونیکی برای رهگیری اطلاعات اشخاص مانند: شنود مطالعات تلفنی،

ب) وسایل الکترونیکی به‌منظور ضبط صوت و تصویر اشخاص،

ج) وسایل الکترونیکی به‌منظور تعیین محل و موقعیت مکانی شخص.

که از میان گونه‌های مذکور، ابزار نوع اول و دوم عمدتاً با هدف پیشگیری از وقوع جرم و کشف جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌نظر می‌رسد شنود مطالعات شایع‌ترین راهبرد در استفاده از ابزار نوع اول و دوم به‌شمار می‌رود. لذا در اینجا لازم است اشاره شود که معنای شنود مکالمات علاوه بر مفهوم سنتی خود که معادل استراق‌سمع یا همان گوش فرا دادن پنهانی به سخنان دیگری می‌باشد، در حال حاضر با توسعه فناوری‌های ارتباطی حیطه فراتری یافته و شامل بسیاری از محتواهای در حال انتقال و حتی ذخیره شده رایانه‌ای از قبیل پیامک‌ها و یا نامه‌های الکترونیکی نیز می‌شود. بنابراین باید در کاربرد اصطلاح شنود به این مصادیق توجه داشت. لازم به ذکر است این مفهوم موسع از اصطلاح شنود در قوانین نیز وارد شده است. قانونگذار در ماده (۴۸) قانون جرائم رایانه‌ای و تبصره آن این امر را مقرر کرده است. بالاخره نوع سوم این ابزار که به لحاظ فناوری نوع جدیدتری به‌شمار می‌رود، برای نظارت و مراقبت‌هایی به کار می‌رود که به‌منظور جایگزینی برای مجازات حبس یا یک قرار تأمینی در مرحله بازپرسی صورت می‌گیرد (عظیمی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۵-۱۸۳).

۲-۱-۱. تعلیق اجرای مجازات

اندیشه تعلیق اجرای مجازات ابتکاری غربی است که در یک سده اخیر به‌تدریج به نظام‌های کیفری کشورهای جهان راه یافته است که محکوم‌علیه به موجب آن از اجرای کیفر به‌ویژه کیفر حبس و شرایط نامناسب آن رهایی می‌یابد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). درحقیقت اجتناب از زندان انگیزه اصلی سیاست جایگزینی از طریق تعلیق اجرای مجازات حبس است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۳) در کشور ما نیز اولین بار این اندیشه در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ متجلی شد، سپس تعلیق اجرای مجازات بعد از سال ۱۳۰۴، افزون‌بر مجازات حبس در ضمن اصلاحات متعدد قوانین موضوعه به جزای نقدی تسری یافت و سرانجام با وضع قانون مجازات اسلامی یکی از بنیادهای حقوق کیفری در اجرای محکومیت‌های تعزیری شناخته شد. این تأسیس در حال حاضر یکی از ابزارهای قضایی سیاست فردی کردن مجازات‌هاست^۱ (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). در بدو امر، آنچه که بیش از

هر عامل اجتماعی دیگری زمینه را برای گسترش اندیشه تعلیق فراهم ساخت محیط ناسالم زندان‌ها و دور نگهداشتن زندانیان به‌خصوص محکومان بدوی از آثار سوء معاشرت با بزهکاران سابقه‌دار بود (صانعی، ۱۳۸۲: ۸۰۱). به‌تدریج تعلیق اجرای مجازات جایگزین مناسبی برای حبس‌های کوتاه‌مدت^۱ به‌شمار آمد. چرا که، زندان‌های کوتاه‌مدت نه تنها محکوم‌علیه را در معرض همه‌گونه فساد زندان قرار می‌داد، بلکه به‌دلیل کوتاه‌مدت، اثر مفید تربیتی نیز نداشت (اردبیلی، ۱۳۷۲-۱۳۷۱: ۲۸۷). تعلیق وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت نسبت به همه محکومان اصلاح‌پذیر و فاقد محکومیت مؤثر که در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها^۲ و اعمال آن به دادگاه محول شده است (ولیدی، ۱۳۷۹: ۷).

در قانون مجازات اسلامی تعریفی از تعلیق اجرای مجازات دیده نمی‌شود. اما با توجه به‌عنوان و موادی که به این موضوع اختصاص داده شده است می‌توان آن را چنین تعریف کرد: تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات کسی که به مجازات تعزیری محکوم شده است تا اگر چنانچه در مدت معینی پس از آن مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه در این مدت تبعیت کند، محکومیت او کان لم یکن تلقی شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). نهاد تعلیق اجرای مجازات مانند هر تأسیس حقوقی دیگر برای تحقق بخشیدن به اهداف خاصی، قانونگذاری شده است که مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از: ۱. جرم‌زا بودن محیط زندان و جلوگیری از تأثیر سوء مصاحبت مجرم با زندانیان سابقه‌دار (پورقهرمانی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۱)، ۲. اصلاح و بازاجتماعی کردن محکوم‌علیه (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۶۰)، ۳. صرفه‌جویی در هزینه‌های زندان (هفته‌نامه پیک زندان، ۱۳۸۱: ۱۳۶)، ۴. استفاده جامعه از کار و فعالیت مجرمین، جلوگیری از ایجاد انقطاع شغلی و خانوادگی مجرم (ولیدی، ۱۳۷۹: ۹)، ۵. جلوگیری از ایجاد انقطاع شغلی و خانوادگی مجرم (اردبیلی، بی‌تا: ۱۸)، ۶. جلوگیری از تکرار جرم (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۲۶)، ۷. جلوگیری از تورم جمعیت کیفری (همان: ۱۳۸).

تعلیق علی‌الخصوص تعلیق مراقبتی یکی از مهم‌ترین نهادهای جانشین مجازات زندان

است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرائم و شمار زندانیان است (کواشی هامایی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱). این تأسیس حقوقی عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به جای کیفر در زندان، در مدت معینی به منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی (ولیدی، ۱۳۷۹: ۱۰). در تعلیق مراقبتی محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می‌شود که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است. به علاوه جامعه نیز از عمل بزهکاران تعلیقی معاف می‌شود و در مقابل با موجبات حبس بزهکاران حرفه‌ای و خطرناک، جامعه از شر این قبیل بزهکاران مصون می‌ماند (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۶۰). از تعلیق تعریف روشنی در نظام یا نظام‌های مختلف کیفری ارائه نشده است ولی زمانی می‌توان تعلیق مراقبتی را به نهادی اطلاق کرد که متضمن ویژگی‌های زیر باشد: داشتن سازمان مستقل در چارچوب یک نظام کیفری، قضایی بودن ماهیت و وظایف آن، اقتدار قانونی، اعمال سرپرستی و نظارت بر مجرم و بالاخره آماده‌سازی مجرم به منظور بازگشت به جامعه و تطبیق با آن (کواشی هامایی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱).

از تعلیق مراقبتی تعریف کاملاً دقیقی ارائه شده است ولی این تعریف شاید جامع همه نظام‌های دنیا نباشد، چنانکه با نظام‌های جهان توسعه یافته ناهمگون است: تعلیق مراقبتی، یک روش مجازات با مبانی جامعه‌شناختی - تربیتی است که با ترکیبی از سرپرستی و مساعدت مشخص می‌شود. این روش در نظام آزاد، در مورد مجرمینی اعمال می‌گردد که انتخاب آنها برحسب شخصیت جرم‌شناختی و جرم‌پذیری آنها بوده است. این افراد در ارتباط با نظامی قرار می‌گیرند که هدفش فراهم آوردن فرصت اصلاح برای مجرم و رهیافتی برای زندگی او در جامعه و یافتن جایگاهش در محیط اجتماعی است، بدون آنکه خطر تجاوز مجدد به هنجارهای جزایی وجود داشته باشد (همان: ۱۵-۱۴). همچنین سازمان ملل در تعریفی که حدود نیم قرن پیش ارائه داده است می‌گوید: تعلیق مراقبتی، روش برخورد با مجرمینی است که به نحو خاصی انتخاب می‌شوند و عبارت است از معلق کردن مشروط مجازات مجرم، در طول مدت زمانی که تحت نظارت شخصی قرار می‌گیرد و به صورت فردی ارشاد یا درمان می‌شود (همان: ۱۵).

۱-۲-۱. انتقادهای وارده بر تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران

۱. ماده (۴۶) قانون مجازات اسلامی برخلاف قانون راجع به مجازات اسلامی که اجرای تمام مجازات را قابل تعلیق می‌دانست مقرر می‌دارد: «حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را معلق نماید». درخصوص تعلیق قسمتی از مجازات، به باور برخی از حقوق‌دانان (اردبیلی، ۱۳۷۲-۱۳۷۱: ۲۸۷)، «با اجرای قسمتی از مجازات این احساس را در مجرم به وجود آورده‌ایم که تاوان عمل خود را پرداخته است و دیگر مدیون جامعه نیست». تعلیق قسمتی از مجازات، به‌ویژه کیفر حبس، درحقیقت با مبانی و اهداف تعلیق مغایرت دارد، زیرا یکی از مبانی تعلیق مجازات ایجاد انگیزه راستکاری در محکوم‌علیه و تقویت روحیه ستیزندگی او با خواهش‌ها و شهوات نفس است که البته ترس از اجرای کیفر در شکل‌گیری این رفتار چندان بی‌تأثیر نیست. ولی وقتی قسمتی از مجازات به اجرا در آمد و محکوم‌علیه تلخی و سختی مجازات را چشید، یعنی فرصت اصلاح از او دریغ و این اطمینان از او سلب شد دیگر بحث از آثار تربیتی تعلیق بیهوده است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۸-۲۱۷)، ولی احتمال تحقق مقاصد تربیتی در تعلیق تمام مجازات به‌ویژه وقتی که با مراقبت توأم باشد به‌مراتب بیشتر از تعلیق قسمتی از مجازات است، و اینکه نه تنها از نقش تعلیق به‌عنوان جایگزین حبس می‌کاهد بلکه بر احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عموم نسبت به دستگاه قضایی می‌افزاید.

۲. همچنین در این باره نه تنها تعلیق قسمتی از کیفر مطلقاً با منطق تعلیق هماهنگی ندارد بلکه قانونگذار مشخص نکرده است که اگر قسمتی از مجازات اجرا و بقیه معلق شود آیا قسمت اجرا شده باید در شناسنامه محکوم قید گردد یا خیر و آیا در صورت ارتکاب جرم در دوران تعلیق، آن قسمت اجرا شده را باید به‌عنوان اجرای کامل حکم در نظر گرفت و مقررات تکرار جرم^۱ را اعمال کرد یا نه؟ (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۶۴).

۳. درخصوص عدم شمول تعلیق نسبت به برخی از جرائم که قانونگذار هم در قانون سابق مجازات اسلامی در ماده (۳۰) و هم در قانون لاحق در ماده (۴۷) به آن پرداخته، دکتر اردبیلی معتقد است که: «عدم شمول تعلیق به بعضی از مجازات‌های تعزیری دلیل موجهی ندارد. به فرض، شدت و وخامت بعضی از جرائم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق

گروهی از بزهکاران گردد که همانند دیگران در معرض همان زیان‌های ناشی از اجرای مجازات‌ها خواهند بود^۱ (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۷). اساس و غایت تعلیق، اصلاح بزهکاران و پیشگیری از حوادث احتمالی آتی است. تفاوتی نمی‌کند که بزهکار مرتکب چه جرمی شده است. مهم نوع مجازات و پیامدهای ناگواری است که قرار است با تعلیق اجرای مجازات از بروز آن جلوگیری شود. ماده (۴۶) قانون صدرالذکر تنها تعلیق اجرای مجازات جرائم تعزیری درجه سه تا هشت را به دادگاه اجازه داده است. مورد دیگر در این راستا، آن است که در فهرست جرائمی که قانونگذار تعلیق اجرای مجازات آنها را منع کرده، شروع به جرم این جرائم هم به چشم می‌خورد. مجازات شروع به جرم این جرائم، حسب نوع جرم، یا حبس تعزیری درجه چهار یا پنج یا شش و یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش است؛ یعنی مجازات‌هایی در محدوده مجاز تعلیق. دلیلی ندارد که این مجازات‌ها با شروطی که در قانون تصریح شده و اختیاری که به دادگاه تفویض گردیده است از شمول مقررات تعلیق خارج باشند (همان). ضمناً در خصوص عدم شمول تعلیق، در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ماده (۷۲۸) مقرر شده بود که ماده مرقوم توسط ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ منسوخ شد.

۴. یکی دیگر از مسائل تعلیق اجرای مجازات در نظام کنونی این است که تعلیق اجرای مجازات تأثیری در حقوق مدعیان خصوصی و تأدیه ضرر و زیان ناشی از جرم نخواهد داشت (همان: ۲۲۳). به فرض صدور حکم تعلیق مجازات، امتناع محکوم‌علیه از رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد حکم، در صورت تقاضای محکوم‌علیه دادگاه با فروش اموال محکوم‌علیه به جز مستثنیات دین، حکم را اجرا یا تا استیفا، حقوق محکوم‌له، محکوم‌علیه را بازداشت خواهد کرد و این بازداشت تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط ادامه خواهد داشت (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۶۱). چراکه شرط ورود خسارت و نحوه مطالبه و پرداخت آن و بالاخره انصراف از حق خود تابع احکام جداگانه است که عموماً تأثیری بر حقوق عمومی و کیفیت استیفا و مصلحت اسقاط

۱. برای دیدن نظر مخالف ر.ک: محمدابراهیم شمس ناتری (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ج

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۶۳

آن نخواهد داشت. از این رو، در هر صورت، حکم پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجرا می‌شود و اینکه مقرره‌های ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی همگی مبتنی بر اصل ضرر هستند به این معنی که در نظر گرفتن ارفاق برای مجرم با هدف بازسازی و اصلاح او، نباید دلیلی بر ضایع شدن حق مدعی خصوصی برای دریافت ضرر و زیان وارد شده به وی شود (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۶۱). بنابراین برای رفع یا کاهش این ایراد می‌توان گفت که در هر صورت، حکم به پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجرا خواهد شد زیرا، امر کیفری از حقوق عامه است و ارتباطی با حقوق اشخاص ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۳). ایرادی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورت پذیرش تقدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی بر تعلیق، اولاً: قانونگذار مهلتی را برای پرداخت خسارت مدعی خصوصی مشخص نکرده است. به این ترتیب، سرنوشت تعلیق اجرای مجازات مبهم می‌ماند و معلوم نیست که آیا باید تا زمان صدور حکم اعسار^۱ منتظر ماند؟ ثانیاً: در صورتی که محکوم علیه طبق ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی تا استیفای حقوق محکوم له در بازداشت به سر برسد، تعلیق ناکارآمد خواهد شد؛ به‌ویژه هنگامی که قاضی با توجه به شرایط مندرج در قانون و با هدف پرهیز از اجرای مجازات حبس، تعلیق آن را مناسب تشخیص دهد.

یکی از نقاط ضعف مقررات مربوط به تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ این بود که هیچ‌گونه کنترل و نظارتی بر اجرای دستورهای دادگاه در ماده (۲۹) قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نشده بود (جز در مورد بند «۱» مربوط به معرفی خود به دادستان یا شخص یا مقامی که او معرفی می‌کند) و همین امر موجب عدم صدور احکام تعلیقی از سوی برخی محاکم می‌شد چرا که بر این اعتقاد بودند، فقدان کنترل و نظارت بر محکومان تعلیقی، چنین نهادی را فاقد جنبه اصلاحی می‌کند. درحقیقت نهاد اجرای مجازات در نظام کیفری ایران در صورتی جزء برنامه‌های جایگزین حبس، نه به‌عنوان جایگزین واقعی و کیفر مستقل بلکه جایگزین در معنای موسع آن، به حساب می‌آید که همراه با تدابیر نظارتی باشد. چون، در غیر این صورت، فلسفه چنین نهادی (بازسازی مجرم و اصلاح او) که از اهداف برنامه‌های جایگزین حبس نیز است، زیر

سؤال خواهد رفت. بدین ترتیب، فقدان تدابیر نظارتی باعث می‌شود که نتوان از این نهاد به‌عنوان جایگزین واقعی حبس در نظام کیفری ایران یاد کرد، هرچند مقصود قانونگذار از وضع آن، عدم اجرای مجازات‌ها به‌ویژه حبس در جهت کاهش جمعیت زندان و بازسازی مجرای مجرمان باشد، بر همین اساس قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کنترل و تدابیر نظارتی را تحت عنوان تعلیق مراقبتی مقرر کرده است.

۳-۱-۱. جزای نقدی

جزای نقدی در زمره مجازات‌های مالی^۱ است که گاه به صورت مجازات اصلی (ماده (۵۴۱) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) و گاه به صورت مجازات تکمیلی یا تمیمی اجباری (ماده (۷۰۷) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) یا اختیاری (ماده (۷۰۸) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. جزای نقدی دارای آثاری است که یکی از آنها نقش جایگزینی آن است، به عبارت دیگر، این مجازات یکی از برنامه‌های جایگزین مجازات حبس - چه به شکل مستقل و چه به شکل مجازات مبدل - در اکثر کشورها (از جمله ایران) مورد استفاده قرار می‌گیرد. جزای نقدی عبارت است از «محکومیت به تأدیه مبلغی وجه نقد به‌عنوان مجازات به خزانه دولت» (همان: ۹۱؛ ملک‌اسماعیلی، ۱۳۵۵: ۱۶۴).

درخصوص سابقه تاریخی تبدیل زندان به جزای نقدی، از همان ابتدای تدوین قانونگذاری در ایران، مقرراتی در این زمینه وجود داشته است. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: قانون امکان تبدیل حبس در امور جنایی و حبسی^۲ که مدت آن دو ماه یا کمتر است به جزای نقدی مصوب ۱۳۰۷، ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰، ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مواد (۳، ۴ و ۵) قانون مجازات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد.

1. Punishment, Pecuniary
2. Criminal Affairs and Custodial

مشکلاتی که در اجرای جزای نقدی پیش می‌آید - از جمله این مسئله که محکوم‌علیه در صورت عجز از پرداخت آن روانه زندان می‌شود - باعث شده که این مجازات اثر خود را به‌عنوان یک مجازات سنتی از یک سو و به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، از سوی دیگر از دست بدهد. به عبارت دیگر، پیش‌بینی بازداشت موقت در ازای عجز از پرداخت نقدی با منظور اصلی قانونگذار - یعنی، اجتناب از مجازات حبس کوتاه مدت و آثار و عواقب زیان بار آن - و در نتیجه با قوانینی مثل قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مغایرت و منافات دارد. بنابراین، برای جلوگیری از چنین مشکلاتی بهتر است راهکارهای دیگری مثل جزای نقدی روزانه^۱ یا تقسیط جزای نقدی را پیش‌بینی و تقویت کرد.

۲-۱. گونه‌های نوین جایگزین حبس

این دسته از تدابیر شامل جایگزین‌هایی می‌شوند که در چند دهه اخیر در نظام‌های حقوقی دنیا مطرح شده‌اند و در مقررات جزایی ایران نیز از اعتبار قانونی برخوردارند، مهم‌ترین گونه‌های نوین جایگزین حبس مطابق لایحه مجازات‌های اجتماعی که برای اولین بار در حقوق ایران مطرح شد، عبارت‌اند از: محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عام‌المنفعه (اجتماع‌محور)، دوره مراقبت^۲ و جریمه روزانه. همان‌طور که مقرر شد گونه‌های نوین جایگزین حبس مطابق لایحه مزبور چهار نوع است که این تعداد در قانون مجازات اسلامی مطابق ماده (۶۴) قانون مجازات اسلامی به پنج فزونی یافت. چرا که مقنن جزای نقدی را هم به این موارد افزود، حال با توجه به شرحی که نسبت به گونه‌های سنتی جایگزین حبس گذشت جزای نقدی را باید جزء گونه اخیرالذکر دانست. قانونگذار جزایی ایران فصل نهم قانون مجازات اسلامی را تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس مطرح کرده است و در ماده (۶۴) علاوه بر ذکر گونه‌های جایگزین حبس شرایطی را نیز مقرر کرده که با لحاظ قرار دادن آنها مبادرت به تعیین و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده.

1. Daily Punishment Pecuniary

2. Period of Attentiveness

۱-۲-۱. دوره مراقبت

دوره مراقبت را قانونگذار این چنین تعریف کرده است: «دوره مراقبت دوره ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می گردد:

- الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه.
 ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال.
 پ) در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال.
 ت) در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال» (ماده (۸۳) قانون مجازات اسلامی).

درحقیقت تدابیر و دستوراتی که برای اعمال تعویق مراقبتی در مواد (۴۲ و ۴۳) قانون مجازات اسلامی مقرر شده در این دوره نیز به اجرا درمی آید. تدابیری که برای فرد در این دوره در نظر گرفته می شود معمولاً بر دو نوعند: ۱. تدابیر عام که برای همه مجرمان صرف نظر از نوع جرم ارتكابی تعیین می شود که در بندهای «الف» تا «ت» ماده (۴۲) به آن اشاره شده است. ۲. تدابیر خاص که برای مجرمان خاص جهت برآوردن نیازهای خاص آنها برای مقاصد بازپروری و محافظت از جامعه تعیین می شود. این نوع تدابیر معمولاً برای مجرمانی در نظر گرفته می شود که به دلیل نیازهای روانی یا جسمی خاصی که دارند در دام ارتكاب جرم می افتند، مانند مجرمان جنسی^۱ سابقه دار و مجرمان دارای اختلالات روانی.^۲ برای این مجرمان دستوراتی خاص جهت برآوردن این نیازها یا پرهیز از برخی شرایط و محیطهای تحریک آمیز در نظر گرفته می شود. از جمله این دستورات می توان به دستور مراجعه مداوم و مستمر برای گرفتن مشاوره از روان پزشک یا روان کاو اشاره کرد. به تدابیر خاص در تبصره ماده (۴۲) اشاره شده است (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۳۹). در مدت زمانی که محکوم علیه تحت مراقبت است باید از دستورات مندرج در ذیل ماده (۴۳)، به انتخاب دادگاه که اغلب جنبه آموزشی،

1. Sex Offenders

2. Offenders With Mental Disorders

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۶۷

درمانی و بازدارندگی دارد نیز تبعیت کند. شیوه نظارت و مراقبت بستگی به موقعیت اجتماعی محکوم علیه و مقتضیات اجرای دستورهای دادگاه دارد؛ ممکن است محکوم علیه موظف باشد در زمان و مکان تعیین شده، خود را به مقامات قضایی یا اجرایی معرفی کند و یا در جلسات مشاوره شرکت کند و یا با بازدید از منزل یا محل کار که مأموران آموزش دیده انجام می‌دهند به این مراقبت تن دردهد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۲).

۲-۲-۱. کار عام‌المنفعه یا خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی «خدماتی هستند که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به دستور دادگاه به نفع جامعه انجام می‌دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن توانایی، سن، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص، به انجام خدمات عمومی حکم می‌دهد» (ماده (۱۶) لایحه مجازات‌های اجتماعی).

خدمات عمومی یا کار «عام‌المنفعه» نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند که با انجام کاری که به نفع جامعه باشد، درصدد جبران خطای ارتكابی خود باشد، درواقع این امر از بازداشت و زندانی شخصی جلوگیری کرده، دارای بار مثبت مالی بوده، به نفع جامعه است و به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به عبارت بهتر، این نهاد از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و هدف جبران خسارت از بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده جامعه به وسیله او از طریق انجام خدمات عمومی مورد حکم قرار می‌گیرد. این امر چون برای مجرم محدودیت‌هایی در بردارد، باید با رضایت شخص صورت گیرد، تبصره ماده (۱۶) لایحه اشعار می‌دارد: «رضایت محکوم علیه به انجام خدمات عمومی و نوع خدمت ضروری است.» بنابراین هدف از کارهای عام‌المنفعه، فراهم کردن یک مجازات اجتماعی سودمند است که می‌تواند باعث افزایش احتمال اصلاح مجرم، کاهش خطر تکرار جرم، تنبیه مجرم از طریق کار، جبران خسارت از طریق کاری که به نفع جامعه است، منتفع کردن جامعه با انجام کارهایی که به شکل دیگری امکان‌پذیر نیست، کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و کاهش هزینه‌ها شود.

امروزه این تدبیر از طریق دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌شود تا با انجام کاری به نفع

جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای مرتکب شده برآید. هدف این نهاد را که به بازپذیری فرد کمک می‌کند از طرق ذیل ممکن دانسته‌اند: ۱. اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان، ۲. تضمین لازم جهت جبران خسارت و ترمیم اجتماعی یا انجام کار به وسیله مجرم (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۷).

تدبیر مزبور هرچند کیفری جایگزین حبس است، اما کیفری قراردادی است که به رضایت محکوم علیه بستگی دارد. این رضایت تا اندازه‌ای بسیار، موفقیت در اجرای حکم را تضمین می‌کند. به یک مفهوم، محکوم علیه متحمل کیفر نمی‌شود، بلکه با رضایت آن را می‌پذیرد. بر پایه قرارداد، محکوم علیه آگاهانه متعهد به انجام کاری مفید می‌شود و از انسانی منفعل به انسانی فعال بدل می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۳). درحقیقت نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبود بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت زندان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام‌المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند. انواع کارهای عام‌المنفعه عبارت‌اند از: ۱. کار در بیمارستان و آسایشگاه سالمندان، ۲. شرکت در کاوش‌های باستانی، ۳. کارهای ساختمانی، ۴. شرکت در کلاس‌های آموزشی، فنی و حرفه‌ای، راهنمایی و رانندگی و بهداشتی، ۵. پاک‌سازی بزرگراه‌ها، پارک‌ها یا اماکن تفریحی یا هر کاری که به سود جامعه باشد. در لایحه پیشنهادی مجلس موارد فوق مشخص نشده و موضوع آن به آیین‌نامه واگذار شده است. ماده (۲۱) لایحه مجازات‌های اجتماعی مقرر می‌دارد: «فهرست مؤسسه‌ها و نهادهای پذیرنده محکومان به انجام خدمات عمومی، چگونگی همکاری آنان با قاضی اجرای مجازات، کیفیت خدمات عمومی که محکوم علیه انجام می‌دهد و چگونگی نظارت بر آن مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب قوه قضائیه می‌رسد». دادگاه نمی‌تواند محکوم علیه را به بیش از یک خدمت عمومی مشغول کند (تبصره «۳» ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی). در اجرا، اگر وضع جسمانی محکوم علیه اجازه ندهد و یا به خدمات پزشکی نیاز پیدا کند و یا به دلایل خانوادگی از

ادامه کار باز ماند، قاضی اجرای احکام می‌تواند به‌طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، انجام خدمات عمومی را تعلیق کند یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد (تبصره «۴» ماده «۸۴» قانون مجازات اسلامی). در هر حال، نحوه تنظیم ساعات اشتغال به خدمات عمومی در روز نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم‌علیه شود (تبصره «۱» ماده «۸۴» قانون مجازات اسلامی). در مجموع در سطح بین‌المللی ثابت شده است که کار عام‌المنفعه به‌عنوان شیوه‌ای کارآمد و مقرون‌به‌صرفه نسبت به مجرمان، می‌تواند سودمند و مؤثر باشد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۲).

۳-۲-۱. جزای نقدی روزانه

یکی از حرکت‌های جدید برای مؤثرتر و عادلانه‌تر کردن جریمه‌های نقدی با توجه به مشکلات ناشی از جزای نقدی از جمله حبس محکوم‌علیه در صورت عجز از پرداخت آنکه از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران ابداع شده، جریمه‌های روزانه است.^۱ این جریمه‌ها به دلیل آنکه میزان آن با درآمد مجرم در ارتباط است جریمه روزانه نامیده می‌شود و عبارت است از: پرداخت روزانه مبلغی پول به دولت به‌عنوان مجازات که با شدت جرم ارتكابی و میزان درآمد روزانه مجرم ارتباط و پیوستگی دارد (همان: ۳۸۳). میزان این جریمه‌ها در دو مرحله مشخص می‌شود. در مرحله اول، قاضی برحسب نوع و اهمیت جرم، تعداد روزهای پرداخت جریمه را مشخص می‌کند و در مرحله دوم، قاضی به تناسب درآمد مجرم، مبلغ جریمه روزانه را تعیین می‌کند (ماده «۲۲» لایحه مجازات‌های اجتماعی). با این تعریف جزای نقدی روزانه جلوه بارزی از رعایت اصل فردی کردن مجازات است (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۹۸). از یک طرف، تحقیق پیرامون وضع مالی محکوم‌علیه به دادگاه اجازه می‌دهد تا توانایی او را در پرداخت جزای نقدی و اطمینان از وصول آن بسنجد و از طرف دیگر در اجرا بدون آنکه محکوم‌علیه از بقیه عواید روزانه خود محروم شود بتواند همه‌ماهه بخشی از اندوخته خود را به خزانه دولت بپردازد. قانونگذار در ماده «۸۵» قانون

۱. برای اطلاع بیشتر از مفهوم، سابقه تاریخی، اهداف، فواید، شرایط اعطا و نحوه اجرای جریمه روزانه؛ ر.ک: حسن حاجی تبار

فیروزجائی (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری/ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۱۵۳-۱۴۸.

مجازات اسلامی به این تأسیس پرداخته و این گونه مقرر داشته: جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد: الف) جرائم موضوع بند «الف» ماده (۸۳) تا یکصد و هشتاد روز، ب) جرائم موضوع بند «ب» ماده (۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز، ج) جرائم موضوع بند «پ» ماده (۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز، د) جرائم موضوع بند «ت» ماده (۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز. تبصره: «محکوم موظف است در پایان هر ماه، ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید».

۴-۲-۱. محرومیت از حقوق اجتماعی

منظور از حقوق اجتماعی عبارت است از «حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد» (تبصره «۱» ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی منسوب ۱۳۷۰ الحاقی ۱۳۷۷/۲/۲۷) مانند: حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراها و غیره.

مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی^۱ از ابتکارات جدید است که در برخی کشورها به کار گرفته شده و قاعده ۲۰۸ قواعد حداقل ملل متحد راجع به تدابیر غیرسالب آزادی (قواعد توکیو مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰) آنها را به‌عنوان تدابیری که می‌توانند به‌عنوان جایگزین مجازات حبس به کار گرفته شود به دولت‌های عضو پیشنهاد می‌کند. محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری نوعی منع قانونی است که شخص به موجب آن صلاحیت و شایستگی اعمال حقوق خودش را از دست می‌دهد. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی شامل مجازات‌های محدودکننده آزادی یا سلب حقوق

۱. برای اطلاع بیشتر از مفهوم محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس و تعریف، انواع و اقسام آن و غیره ر.ک: ابوالفتح خالقی (۱۳۸۰). «جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به‌عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

شغلی و محرومیت از خدمات عمومی^۱ می‌شود. این مجازات تابع اصول حاکم بر مجازات‌هاست و از اهدافی مانند پیشگیری از جرم، اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها و اجتناب از مجازات حبس پیروی می‌کند.

۵-۲-۱. اقامت در منزل^۲

اقامت در منزل که گاه به بازداشت یا حبس خانگی از آن یاد می‌کنند، عبارت است از: یک سلسله ضمانت اجراهای محدودکننده که از تحمیل منع رفت و آمد شبانه تا حبس در منزل، در ساعت‌های غیرکاری مجرم را دربرمی‌گیرد. مفهوم حبس خانگی ایجاب می‌کند که مجرمان محکوم شده، مدت بسیاری از اوقات خود را در خانه‌هایشان به‌عنوان جایگزین مجازات زندان بگذرانند و مأموران نظارتی بر آنها نظارت کنند. درواقع ضمانت اجرای بینابینی است توأم با نظارت، ولی نظارتی بیش از تعلیق مراقبتی و کمتر از حبس. از دیدگاه اجتماعی، مزایای فراوانی برای اقامت در منزل به‌عنوان جایگزین حبس برشمرده‌اند. مهم‌ترین مزیت آن دوری از آثار مخرب حبس و حفظ روابط و پیوندهای اجتماعی محکوم‌علیه با خانواده، دوستان و سایر گروه‌های اجتماعی است. ولی مانند هر ضمانت اجرای دیگری عاری از عیب نیست چون اقامت در منزل عموماً به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که هر زمان بتوان از رفت و آمد محکوم‌علیه و حضور او در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند با خبر شد، بیم آن می‌رود که نظارت‌های فزاینده جنبه مداخله جویی پیدا کند افزون بر آن اقامت در منزل را نمی‌توان در مورد افراد بی‌سرپناه که بسیار هم آسیب‌پذیر به اجرا گذاشت. نظارت الکترونیکی یکی از پیشرفته‌ترین نظارت‌هایی است که در این راستا قابلیت به‌کارگیری آن وجود دارد و به منزله یک اختراع و ابداع برجسته کیفی در پایان دهه (۱۹۸۰) به اجرا درآمد و با گسترش و پیشرفت الکترونیکی گسترش یافت به‌طوری که

۱. منظور از بهره‌مندی از خدمات عمومی به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق اجتماعی عبارت است از «خدماتی که زیر نظر دولت و یا مستقیماً به‌وسیله او برای ارضای حوائجی که نفع عموم را دربردارند انجام می‌شود»، نظیر خدمات مربوط به توزیع آب، برق و غیره. ر.ک: عبدالحمید ابوالحمد (۱۳۵۱). *حقوق اداری، سازمان‌های اداری ایران*، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶.

امروزه در موارد زیادی در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۱). نظارت الکترونیکی به معنای کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است (محمد نسل، ۱۳۸۴: ۱۲) که در حقوق کیفری ایران بی‌سابقه است و اولین بار در لوایح قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شد و این مورد از نوآوری‌های قانون جدید است. نظارت الکترونیکی واجد اهمیت دوگانه بوده و نمی‌توان آن را صرفاً دارای جنبه سرکوبگرانه یا اصلاحی و درمانی دانست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۴۵). مهم‌ترین اهدافی که برای به‌کارگیری این شیوه نوین کیفری عنوان می‌شود، کاستن از جمعیت کیفری زندان، ارزان‌سازی مجازات‌ها و پیشگیری از وقوع پذیرش فرهنگ زندان است (غلامی، ۱۳۸۰: ۹۹) و همچنین ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید، مجازات مجرم و بازپروری مجرمان جهت زیستن در جامعه به‌جای زندان (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۱).

اساساً دو نوع نظارت الکترونیکی وجود دارد: ۱. نظارت الکترونیکی منفعل که در این نوع نظارت، فرستنده‌ای به بدن (یک مچ‌بند به دست یا مچ پای او) و یک شماره‌گیر به تلفن وصل می‌شود و اگر محکوم محل را ترک کند، علامت قطع می‌شود و شماره‌گیر تلفن به‌طور اتوماتیک با اداره مربوط تماس برقرار می‌کند. چون شخص محکوم مکلف به پاسخ‌گویی به تلفن است، عدم پاسخ‌گویی، خروج وی را از محل نشان می‌دهد (محمد نسل، ۱۳۸۴: ۱۲۰). ۲. نظارت الکترونیکی فعال، این نوع نظارت متضمن برقراری تماس تلفنی مستمر و غالباً اتفاقی با منزل مجرم است که این ارتباط تلفنی ممکن است به‌طور اتوماتیک توسط دستگاه صورت گیرد و یا شخصاً توسط مأمور مربوط انجام شود (همان: ۱۲۱). بدین ترتیب مجرم پیوسته تحت کنترل است و فقط حق رفتن سر کار یا شرکت در برخی فعالیت‌های شخصی را دارد در بقیه اوقات در منزل زندانی می‌باشد و رفت آمدش پیوسته نظارت می‌شود درواقع نظارت الکترونیکی به‌عنوان ضمانت اجرای جایگزین‌های زندان، همراه با آن ضمانت اجراها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند حبس در منزل با نظارت الکترونیکی یا تعلیق مراقبتی فشرده با مراقبت الکترونیکی. قانون مجازات اسلامی نیز اقامت در منزل را هم به‌عنوان جایگزین نگهداری (حبس) و هم جزای نقدی تعیین کرده و

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۷۳

تصمیم درباره طول مدت آن را با توجه به وضع متهم جرم ارتكابی از سه ماه تا پنج سال در اختیار دادگاه نهاده است (تبصره «۲» ماده (۸۹) قانون مجازات اسلامی).

۶-۲-۱. نگهداری در روزهای پایان هفته

در این شیوه از نگهداری (بازداشت)، محکوم‌علیه موظف است در روزهای پایانی هر هفته برای گذراندن مجازات، خود را به مقامات کانون اصلاح و تربیت معرفی کند. دو روز آخر هفته (پنجشنبه و جمعه) روزهایی که قانونگذار تعیین کرده (تبصره «۲» ماده (۸۹) قانون مجازات اسلامی)، با این فرض در قانون آمده است که نوجوان بزهکار در روزهای دیگر هفته به کار و یا تحصیل اشتغال دارد. بنابراین، نوجوان بیکار و بی‌سرپناه باید به همان مجازات‌های سنتی (حبس در تمام روزهای هفته و یا جزای نقدی) تن دردهد، مگر آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی تعزیر درجه پنج باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند او را به انجام خدمات عمومی رایگان محکوم کند. نگهداری در روزهای پایانی هفته اگر با نظارت بر رفتار نوجوان بزهکار در بقیه روزهای هفته همراه نباشد بی‌ثمر خواهد بود. خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای نظارتی است. ولی کانون خانواده نیز اگر محیطی امن نباشد آرامش و انضباط مؤسسات تربیتی به آن ترجیح دارد. قانونگذار عمده‌ا از به کار بردن واژه حبس در مورد نوجوانان بزهکار پرهیز کرده تا وضعیت سخت و نابسامان زندان‌ها را در خاطر تداعی نکند. برای این منظور همه‌جا در قانون از واژه «نگهداری» یاد کرده تا صرفاً محدودیت‌های یک مؤسسه تربیتی را نشان دهد از این رو شاید نتوان نگهداری در دو روز آخر هفته را به معنی واقعی کلمه جایگزین حبس تلقی کرد مگر آنکه برای آزادی توأم با نظارت در محیط‌هایی مانند خانواده یا خانواده جانشین بتوان در پنج روز دیگر هفته امتیازهایی در مقایسه با محیط بسته مؤسسات تربیتی قائل شد که در این صورت جایگزینی مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مصداق پیدا می‌کند. این امتیاز هم چنانکه در خصوص اقامت در منزل یادآوری کردیم همانا حفظ علایق و پیوندهای اجتماعی نوجوان است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۶۷).

۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به طور کلی، براساس مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در بیشتر کشورها و حتی ایران مجازات حبس در تحقق رسالت‌ها و اهدافش موفق نبوده است. یکی از انگیزه‌های تدوین و تنظیم مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس نشئت پذیرفته از همین امر بوده است. زیرا آمارها نشان می‌دهد که قسمتی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم (کسانی که پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم مستوجب حبس شده‌اند) تشکیل می‌دهند. از این جهت، به علت برخی مشکلات و معایب وارده بر مجازات حبس و ساختار اجرایی آن، استفاده وسیع از این مجازات در غالب موارد به عنوان یک اصل در مجموعه قوانین و مقررات جزائی و حتی در رویه دادگاه‌ها در ایران غیر ضروری و نامناسب به نظر می‌رسد و فقط باید از مجازات حبس به عنوان یک ضمانت اجرای استثنائی استفاده شود.

همچنین آمارها و مطالعات صورت گرفته در کشورهای مختلف بیانگر این مطلب هستند که مجازات‌های جایگزین حبس در قیاس با خود مجازات حبس در تحقق اهدافشان موفق‌ترند. زیرا نه تنها پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین می‌تواند موجب تنوع بیشتر ضمانت اجراها و در نتیجه اجرای عدالت شوند، اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرم را بیشتر فراهم می‌کنند. در حقوق کیفری ایران، اگرچه تدابیری تحت عنوان جایگزین‌های مجازات حبس و حتی دوری از آن از اولین دوره‌های قانونگذاری پیش‌بینی شده است، اما این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و برای نهادینه ساختن آن در نظام عدالت کیفری ایران سیاست جنائی مشخصی دیده نمی‌شد. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود بود و تنها شامل برخی نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می‌شد. اما در قانون مجازات اسلامی که به تازگی تصویب شده است، جایگزین‌های مجازات حبس با تأثیرپذیری از فقه اسلامی و حقوق تطبیقی و همچنین با تأثیرپذیری از اسناد بین‌المللی به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. بدین‌نحو که تدابیر آن به دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه افزایش یافت که این امر تنوع بیشتری به این سیاست بخشید و در رعایت تناسب و فردی کردن مجازات مساعدت بیشتری می‌کند و نکته دیگر آن که راهکارهای نظارتی و مراقبتی

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۷۵

و نیز نهادهای مشخص با مأموران ویژه و دارای اختیارات معین برای اجرای این تدابیر پیش‌بینی شد.

گفتنی است قوه قضائیه و سایر نهادهای مسئول اعم از قضائی و اجرایی باید زمینه و بستر مناسب و مفید را از طریق فرهنگ‌سازی به‌عنوان نمونه، توجیه و تبیین برنامه‌های جایگزین حبس برای قضات از طریق برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی، آگاه ساختن مردم از معایب زندان و نتایج فایده‌مند نهادهای جایگزین حبس را از طریق تهیه فیلم و برنامه‌های تلویزیونی و غیره فراهم کنند. از آنجا که اعمال بسیاری از تدابیر جایگزین حبس مانند خدمات اجتماع‌محور نیازمند مشارکت و همکاری مردم و نهادهای جامعه است، فرهنگ‌سازی را باید مهم‌ترین شرط لازم برای تضمین موفقیت برنامه‌های جایگزین تلقی نکرد.

منابع و مآخذ

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بنیابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش.
۲. _____ (۱۳۸۶). «جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳. _____ (۱۳۸۱). گزارش «همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۸.
۴. آنسل، مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۱). حقوق اداری، سازمان‌های اداری ایران، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۲-۱۳۷۱). «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۲-۱۱.
۷. _____ (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۸. _____ (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ بیستم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۹. _____ (بی‌تا). «نقش زندان در بازگشت به زندگی شرافتمندانه»، مصاحبه با مجله امنیت، ش ۸.
۱۰. پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۳). «مجازات‌های جایگزین حبس»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۶.
۱۲. _____ (۱۳۸۱). «میزگرد واریسی جایگزین‌های مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۸.
۱۳. حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
۱۴. خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰). «جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به‌عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. ریاحی، جواد (۱۳۹۲). «مبانی مجازات‌های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام»، رساله دکتری، پردیس قم دانشگاه تهران.

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۷۷

۱۶. شمس‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، ج ۱، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۱۷. صانعی، پرویز (۱۳۸۲). *حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران، طرح نو.

۱۸. صفاری، علی (۱۳۸۴). «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، مجموعه مقالات علوم جنایی، ج ۲، تهران، انتشارات سلسبیل.

۱۹. _____ (۱۳۸۶). *کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)*، تهران، انتشارات جنگل.

۲۰. _____ (نیمسال اول ۸۶-۸۵). «تقریرات کیفرشناسی»، دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۲۱. عظیمی، سیدمیثم و حسن عبدالله‌زاده (۱۳۹۱). «گستره فقهی - حقوقی نظارت و مراقبت الکترونیکی بر مجرمین در حقوق کیفری»، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال پنجم، ش ۱۹.

۲۲. غلامی، حسین (۱۳۸۰). «ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۵.

۲۳. قنبری، عطاءاله (۱۳۷۶). «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۲۴. کارمزدی، عبدالکریم (۱۳۷۶). «آزادی مشروط»، مجله ددرسی، ش ۱.

۲۵. کواشی‌هامایی، رنویه، روبرت هاریس، مایک‌های و او کلیاساز ویک (۱۳۷۶). *تعلیق مراقبتی در دنیا (پژوهشی تطبیقی)*، ترجمه حسین آقایی‌نیا، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۲۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، چاپ دهم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۲۷. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۲). «نارسایی‌های زندان»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۹ و ۱۰.

۲۸. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۴). «نظارت الکترونیکی بر بزهکاران»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۱.

۲۹. مداح‌پور، الهه (۱۳۸۶). «سیر تحول تاریخی زندان»، مجله اصلاح و تربیت، ش ۷۰.

۳۰. معظمی، شهلا (۱۳۸۶). «جانشین‌های مجازات زندان برای زنان»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۳۱. ملک‌اسماعیلی، عزیزاله (۱۳۵۵). *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۲. منصورآبادی، عباس (۱۳۸۶). «زندان: راه حل یا مشکل»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). *کیفرهای جامعه مدار*، دیپاچه در: *کیفرشناسی*، برنار بولک، چاپ چهارم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳۴. _____ (۱۳۷۷). «تلاش های بین المللی و قانونگذاری ایران برای تمدید موارد اعمال مجازات سالب آزادی»، فصلنامه *مدرس (علوم انسانی)*، ش ۹.
۳۵. _____ (۱۳۸۱). *تقریرات علوم جنایی*، به کوشش مهرداد رایجیان اصلی و شهرام ابراهیمی، ج ۱، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۶. _____ (۱۳۸۶). «مجازات های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، راهکاری برای کاهش جمعیت زندان»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۷. _____ (۱۳۸۹). «حقوق کیفری عمومی»، *مجله قضاوت*، ش ۶۷.
۳۸. نوربها، رضا (۱۳۷۷). *نگاهی به قانون مجازات اسلامی*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۹. _____ (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی*، چاپ دوازدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، نشر دادآفرین.
۴۰. هاشمی شاهرودی، آیت‌ا... سید محمود (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راهکارهای جایگزین حبس*، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۴۱. هفته نامه *پیک زندان* (۱۳۸۱). «چرا به روش های جایگزین نیاز داریم»، ش ۱۳۶.
۴۲. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۹). «نقش تعدیل کننده تعلیق مراقبتی به عنوان کیفر جایگزین زندان»، ماهنامه *ددرسی*، سال چهارم، ش ۲۳.

انقلاب اطلاعات و ارتباطات؛ گذر از گفتمان اداره امور

بین‌المللی به اداره امور جهانی

مرتضی نورمحمدی* و روح‌اله طالبی آرانی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۰/۲۱	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۰/۷
-------------------------	-----------------------

گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات دگرگونی در حیات بشری را در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی به بار آورده است. این چارچوب، در اثر گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات مسائل و موضوعات جدیدی را پیش آورده که خارج از ظرفیت کنترلی و مدیریتی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی است. مسائل جدید یا وظایف اداره امور در زمینه قاعده‌مندسازی، کنترل و نظارت بر موارد استفاده از اینترنت و تضمین امنیت اطلاعات، نوع جدید منازعات بین‌دولتی و یا نابرابری‌های فزاینده درون و میان ملت‌ها، چشمگیرتر شده است. به همین دلیل، نظام‌های موجود اداره امور بین‌المللی که براساس گفتمان دولت سرزمینی تأسیس شده‌اند، نمی‌توانند به این مسائل جدید پاسخ دهند. بر همین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات چه تأثیری بر کارآمدی و سودمندی گفتمان اداره امور بین‌المللی گذاشته است؟ فرضیه پژوهش این است که در عصر اطلاعات، گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات گذر از اداره امور بین‌المللی به اداره امور جهانی را به بار آورده است؛ در این چارچوب، استدلال می‌شود که گفتمان اداره امور بین‌المللی در عصر اطلاعات دیگر نخواهد توانست از عهده حل مسائل و مدیریت سیاست جهانی برآید و در نتیجه، گذر از اداره امور بین‌المللی به اداره امور جهانی که مبتنی بر برون‌داد شبکه غیرسلسله‌مراتبی نهادهای درهم‌تنیده بین‌المللی و فراملی است، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی - کاربردی است و از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اطلاعات؛ اداره امور بین‌المللی؛ اداره امور جهانی؛ کنشگران غیردولتی

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی؛

Email: mnourmohammadi@atu.ac.ir

** استادیار دانشکده علوم اقتصادی و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

Email: rtarani@gmail.com

مقدمه

گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات که مانوئل کاستلز^۱ از آن به عنوان «جامعه شبکه‌ای»^۲ یاد می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۵)، دگرگونی در حیات بشری را در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی به بار آورده و به ظهور جامعه شبکه‌ای انجامیده است، به گونه‌ای که این تحول «انقلاب صنعتی سوم» نام‌گذاری شده است (Bell, 2007: 59). ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای همچون اقتصاد اطلاعاتی^۳، فرهنگ مجازی^۴ و کاهش اهمیت زمان و مکان در تعاملات اجتماعی ویژگی متمایزی به هزاره سوم بخشیده است که اصل بنیادین آن اهمیت محوری فرد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی است. در چنین فضایی که با عنوان فضای مجازی^۵ توصیف می‌شود، مجموعه‌های نقش‌آفرین جدیدی خارج از حوزه دولت‌ها شکل گرفته‌اند که کنترل سنتی دولت‌ها بر حوزه‌های کارکردی همچون تولید امنیت، درایت سیاسی، مدیریت و ساماندهی به فعالیت‌های اقتصادی را با چالش جدی مواجه ساخته‌اند (Rosenau, 2006).

در کنار ظهور بازیگران جدید، در اثر گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات مسائل و موضوعات جدیدی سر برآورده‌اند که خارج از ظرفیت کنترلی و مدیریتی دولت‌ملت‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی هستند. مسائل یا وظایف جدید اداره امور در زمینه قاعده‌مندی، کنترل و نظارت بر موارد استفاده از اینترنت و تضمین امنیت اطلاعات، نوع جدید منازعات بین‌دولتی و یا نابرابری‌های فزاینده درون و میان ملت‌ها، چشمگیرتر شده است. به همین دلیل، نظام‌های موجود اداره امور بین‌المللی که براساس گفتمان دولت‌سرزمینی تأسیس شده‌اند، نمی‌توانند به این مسائل جدید پاسخ دهند و آن‌چنان که باید و شاید خواسته‌های کنشگران جدید را برآورده سازند. بر همین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که انقلاب اطلاعات چه تأثیری بر کارآمدی و سودمندی گفتمان اداره امور

1. Manuel Castells
 2. Network Society
 3. Informational Economy
 4. Virtual Culture
 5. Cyber Space

بین‌المللی گذاشته است؟ فرضیه پژوهش این است که در عصر اطلاعات، گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات گذر از اداره امور بین‌المللی به اداره امور جهانی را به بار آورده است؛ در این چارچوب، استدلال می‌شود که گفتمان اداره امور بین‌المللی در عصر اطلاعات دیگر نخواهد توانست از عهده حل مسائل و مدیریت سیاست جهانی برآید و در نتیجه، گذر از اداره امور بین‌المللی به اداره امور جهانی که مبتنی بر برون‌داد شبکه غیرسلسله‌مراتبی نهادهای درهم‌تنیده بین‌المللی و فراملی است، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی - کاربردی است و از روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد.

۱. چارچوب مفهومی

مفهوم اداره امور در چندین معنای متفاوت به کار رفته است. برخی اداره امور را وجه خاصی از تعامل اجتماعی می‌دانند که منطبق آن با منطق بازارها و حکومت‌ها فرق می‌کند. جیمز روزنا اداره امور را همه شکل‌های تنظیم دسته‌جمعی امور اجتماعی از جمله تنظیم بخش‌های خصوصی و دولتی به موازات هم، خودتنظیم‌گری جامعه مدنی، و تنظیم آمرانه از طریق حکومت تعریف می‌کند. اداره امور، «سازوکار هدفمندی است که نظام‌های اجتماعی را به سمت اهدافشان هدایت می‌کند» (Rosenau, 1992: 10)؛ این اهداف اداره امور نه ثابت هستند و نه از بیرون تعیین می‌شوند، بلکه برعکس، خاص زمان و مکان هستند.

در این میان، ریتبرگر و بروهل در کتاب *اداره امور جهانی و نظام ملل متحد* استدلال می‌کنند که واژه اداره امور به نظام‌های هدفمند قواعد یا نظم‌های هنجاری قطع نظر از قاعده‌مندی‌های (نظم‌های طبیعی) برخاسته از تعاملات نامحدود بازیگران منفعت‌جو در وضعیت آنارشی اشاره دارد (Bruhl and Rittberger, 2001: 14). در این تعریف، اداره امور، نظم به علاوه عقلانیت است و صبغه هنجاری به خود می‌گیرد.

اداره امور «بین‌المللی»، برون‌داد شبکه غیرسلسله‌مراتبی نهادهای درهم‌تنیده بین‌المللی (عمدتاً دولتی) است که رفتار دولت‌ها و سایر کنشگران بین‌المللی را در حوزه‌های موضوعی مختلف سیاست جهانی تنظیم می‌کنند. در اداره امور بین‌المللی، دولت‌ها نقش محوری در

فرایندهای هنجارگذاری و قاعده‌گذاری و کنترل تبعیت دارند. در اداره امور بین‌المللی، مخاطبان و واضعان هنجارها و قواعد، دولت‌ها و سایر نهادهای بین‌الدولی هستند (Mendes, 2014: 12).

مفهوم «اداره امور جهانی»^۱ یکی از مفاهیم محوری در علوم اجتماعی به‌طور عام و در روابط بین‌الملل به‌طور خاص است که دچار نوعی آشفتگی مفهومی است. اختلاف دیدگاه‌ها درباره معنای اداره امور جهانی به‌عنوان یک اصطلاح علوم اجتماعی در کل و روابط بین‌الملل به‌طور خاص، ناشی از اختلاف نظرهایی است که درباره معنای هر دو واژه «جهانی» و «اداره امور» وجود دارد. واژه جهانی را می‌توان در دو معنا به کار برد؛ یکی گستره‌ای که فعالیت‌های مترقیانه انسانی را در برمی‌گیرد و دیگری گستره‌ای که همه فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد (Dingwerth and Pattberg, 2006:187-188; Weiss, 2013: ch. 1).

به‌طور کلی سه برداشت بارز درباره مفهوم اداره امور جهانی در روابط بین‌الملل وجود دارد: برداشت تحلیلی‌نگرانه، برداشت هنجارگذارانه، برداشت گفتمان‌محورانه (Dingwerth and Pattberg, 2006: 189-196).

الف) برداشت تحلیلی‌نگرانه: در این برداشت، اداره امور جهانی، پدیده‌ای قابل مشاهده است که طیف گسترده‌ای از حوزه‌ها و روندها از قبیل جنبش‌های اجتماعی جهانی، جامعه مدنی، فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، امکان تغییر و تحول در ظرفیت نظارتی دولت‌ها، سازمان‌های خصوصی، شبکه‌های خصوصی - دولتی، وضع قواعد در سطح فراملی و انواع و اقسام اقتدار غیردولتی را در برمی‌گیرد و براین اساس، جریان اصلی روابط بین‌الملل را به چالش می‌کشد.

نماینده اصلی این برداشت، جیمز روزنا است، عصاره این برداشت را می‌توان در تعریفی یافت که وی از اداره امور جهانی ارائه داده است. وی اداره امور جهانی را مشتمل بر نظام‌های قاعده‌گذاری در همه سطوح فعالیت آدمی - از خانواده گرفته تا سازمان‌های بین‌المللی - می‌داند که در آن تعقیب اهداف از طریق اعمال کنترل، تبعات فراملی دارد (Rosenau, 1995: 13-15; Roseanau and Singh, 2002).

براساس این تعریف، می‌توان گفت اداره امور جهانی از منظر تحلیلی، چهار موضوع

را محور مباحث خود قرار می‌دهد:

۱. **نظام‌های قاعده‌گذاری:** مفهوم نظام‌های قاعده‌گذاری بحث چگونگی اعمال کنترل در سیاست بین‌الملل را مطرح می‌کند؛ کنترل زیربنای نظام‌های قاعده‌گذاری را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، نظام‌های قاعده‌گذاری در همان موقعیت‌هایی وجود دارند که سازوکارهای مرتبط به هنجارها، انتظارات و رفتار کنشگران در محیط بین‌المللی را تنظیم می‌کنند یا بر آنها تأثیر می‌نهند. در این معنا، می‌توان گفت اقتدار سیاسی یا حقوقی پیش شرط کارآمدی یک نظام قاعده‌گذاری به‌شمار نمی‌آید.

۲. **سطوح متعدد فعالیت انسانی:** اداره امور جهانی در نگاه تحلیلی، همه سطوح فعالیت انسان را دربرمی‌گیرد؛ به عبارت بهتر، نظام‌های قاعده‌گذاری در تمامی سطوح محلی، فروملی، ملی، بین‌المللی و فراملی از طریق «سازوکارهای کنترل»، عمل می‌کنند. از این منظر، کسی که مفهوم اداره امور جهانی را به‌عنوان ابزار تحلیلی به کار می‌گیرد، از دیدی وسیع بهره‌مند می‌شود، به‌گونه‌ای که در بررسی پویای بین‌المللی، از سطوح کلان گرفته تا سطوح خرد (حتی خانواده) را نیز در نظر می‌گیرد.

۳. **هدفمندی اعمال کنترل:** اعمال کنترل از طریق نظام‌های قاعده‌گذاری در تمامی سطوح بدون قصد و نیت و به عبارتی ناخواسته نیست؛ بلکه در راستای پیشبرد هدفی صورت می‌گیرد. این هدف می‌تواند جمعی-فردی و یا خاص گرایانه-عام‌گرایانه باشد. به‌طور کلی، هدف اداره امور جهانی تأمین کالاهای عمومی جهانی است.

۴. **تبعات فراملی:** اداره امور جهانی بالطبع تبعات فراملی دارد؛ حتی اگر اعمال کنترل از طریق نظام‌های قاعده‌گذاری در سطوحی غیر از سطح فراملی صورت پذیرد، باز هم تبعات فراملی آن اجتناب‌ناپذیر است (Bruhl and Rittberger, 2001: 21).

به‌طور کلی، اداره امور جهانی از منظر تحلیلی، چهار ویژگی اساسی دارد: نخست، بر اهمیت فزاینده کنشگران غیردولتی در اعمال نفوذ سیاسی تأکید می‌ورزد. دوم، توجه خاصی به ماهیت چندسطحی تعاملات اجتماعی و نهادهای برآمده از پیشبرد اداره امور مبذول می‌دارد. سوم، با شیوه‌ها و سازوکارهای جدید تولید و حفظ کالاهای عمومی جهانی سروکار دارد و چهارم، بر ظهور، استقرار و ماندگاری عرصه‌های خودگردان اقتدار در خارج از قالب نظام دولت‌ها و در واقع بر «ازهم‌گسستگی اقتدار سیاسی» تأکید می‌نهد

(Roseanau and Singh, 2002: 137). براین اساس، اقتدار دیگر دو ویژگی سنتی خود را از دست می‌دهد. ویژگی اول، سرزمینی بودن است که به توانایی واضعان قواعد (دولت‌ها) در کنترل یک قلمرو سرزمینی متمایز در داخل مرزهای مشخص فارغ از هرگونه دخالت خارجی اشاره دارد. ویژگی دوم، فراگیر بودن است که به توانایی کنترل همه ابعاد حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بازمی‌گردد.

با این اوصاف، اداره امور جهانی از این منظر، «حوزه‌های اقتدار» نوظهور در روابط بین‌المللی را دارای ازهم‌گسستگی‌های کارکردی و جغرافیایی می‌داند. این حوزه‌های اقتدار، آن ظرفیتی را که نظام قاعده‌گذاری رسمی و غیررسمی برای ایجاد تبعیت دارد، مشخص می‌سازد. در نتیجه، برخلاف دیدگاه‌های سنتی روابط بین‌الملل، می‌توان گفت محور مباحث اداره امور جهانی، تبیین این موضوع است که بازیگران غیردولتی و فوق‌دولتی چگونه ظرفیت قاعده‌گذاری اقتدارآمیز را به دست می‌آورند (Makinda, 2000: 170).

ب) برداشت هنجاری از اداره امور جهانی: برداشت دوم، اداره امور جهانی را برنامه‌ای سیاسی می‌داند. این برداشت دو وجه دارد: وجه اول معتقد است جهانی شدن باعث بروز فرایندهایی شده است که همگرایی در سطح مختلف را مختل ساخته است و اداره امور جهانی پاسخی سیاسی به این روند به شمار می‌آید. در این راستا، اداره امور جهانی، مفهومی است که بین مبادلات فزاینده جهانی در حوزه‌های کالا، خدمات، سرمایه و افراد از یک سو، و ظرفیت دولت‌های ملی که قلمرو سرزمینی آن را محدود می‌سازد از سوی دیگر، پل می‌زند. براین اساس، ظرفیت سیاسی دولت‌ها چندان کافی به نظر نمی‌آید؛ از این رو، دولت‌های ملی با مشکلات کارآمدی و پدیده نقصان دموکراسی مواجه می‌شوند. در این میان، اداره امور جهانی تبیین می‌کند که چگونه افزایش انتظارات به ظهور ترتیبات نهادی جدیدی از قبیل شبکه‌های سیاست‌گذاری عمومی جهانی برای ایجاد مشروعیت می‌انجامد. نماینده اصلی این دیدگاه، دیوید هلد است. وی اداره امور جهانی را به معنای پیشبرد سیاسی فرایند جهانی شدن و به عبارت بهتر، مدیریت سامان‌مند امور جهانی می‌داند (Held, 2006: 157-179).

دومین وجه فهم هنجاری از اداره امور جهانی را می‌توان در داده‌های کمیسیون اداره امور جهانی یافت. این کمیسیون که طبعاً گفتمان‌های سازمان ملل متحد را نمایندگی

می‌کند، ۲۸ نفر از دانشمندانی را که سابقه سیاست‌ورزی در امور بین‌المللی داشته‌اند یا به‌عنوان بوروکرات و چهره شاخص اقتصادی-تجاری در سطح بین‌المللی فعالیت داشته‌اند در خود جای داده است. این کمیسیون طی گزارشی که در سال ۱۹۹۵ انتشار یافت، بر اهمیت حیاتی ایجاد و تداوم بخشیدن به «اخلاق مدنی جهانی» براساس ارزش‌های مشترک که می‌توانند همه ملت‌ها با هر پیشینه سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا فلسفی را متحد سازند، تأکید می‌کند و اشعار می‌دارد که دموکراسی در تمامی سطوح و در نهایت حکومت قانون، می‌باید زیربنای اداره امور جهانی باشد؛ این گزارش می‌افزاید همه بشریت می‌توانند از ارزش‌های اساسی احترام به حیات، آزادی، عدالت و مساوات، احترام متقابل، مراقبت و شرافت بهره‌مند شوند (The Report of the Commission on Global Governance, 1995:12).

با این اوصاف برداشت هنجاری از اداره امور جهانی، چهار ویژگی عمده دارد:
اول اینکه، اداره امور جهانی را حکومت جهانی نمی‌داند، بلکه ترتیبات اداره امور جهانی را کنفدراسیونی از جمهوری‌های مستقل (به مانند دیدگاه کانت درباره صلح دمکراتیک) معرفی می‌کند.

دوم اینکه معتقد است اداره امور جهانی بر اشکال مختلفی از همکاری، هماهنگی و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف نظام بین‌الملل اتکا دارد.
سوم اینکه ساختار چندقطبی سیاست بین‌الملل را می‌پذیرد. در این راستا، بر تکامل منطقه‌ای شدن که انگیزه‌های تقویت همگرایی و همکاری را تشدید می‌کند و این دو عامل را زیربنای اداره امور جهانی می‌داند، بسیار تأکید می‌ورزد.

چهارم اینکه میدان دادن به سازمان‌های غیردولتی را پیش شرط تقویت مشروعیت دمکراتیک و کارآمدی تمهیدات برای حل مسائل در عرصه جهانی می‌داند (Ibid.: 16).

در این میان، تعریفی هم که لئون گردنکر و توماس ویس از اداره امور جهانی ارائه می‌دهند، در راستای برداشت هنجاری از اداره امور جهانی قرار می‌گیرد. آنها اداره امور جهانی را تلاش‌هایی برای ارائه پاسخ‌های سامان‌مندتر و قابل‌اتکاتر برای حل مسائل اجتماعی و سیاسی می‌دانند که ظرفیت‌های دولت‌ها برای حل و فصل آن‌ها به‌صورت انفرادی کفایت نمی‌کند (Gordenker and Wiess, 1996:17).

درواقع برداشت‌های هنجاری از اداره امور جهانی، اداره امور جهانی را پروژه‌های بلندمدت در زمینه ایجاد همگرایی جهانی معرفی می‌کنند که مبتنی بر چندجانبه‌گرایی سنتی، تقویت همکاری منطقه‌ای و تکثر و تنوع کنشگران است.

(ج) برداشت گفتمانی از اداره امور جهانی: برداشت سوم، اداره امور جهانی را مفهومی استیلاگر می‌داند. این برداشت با تأکید گذاردن بر ماهیت گفتمانی بحث‌های موجود در مورد اداره امور جهانی، این مفهوم‌پردازی را پروژه‌ای از پیش تعیین‌شده برای سرپوش نهادن بر ماهیت نظام جهانی نولیبرالی موجود می‌داند. به عبارت دیگر، چنین استدلال می‌شود که اداره امور جهانی به عنوان یک مفهوم، پیامدهای منفی توسعه اقتصادی نولیبرال در سطح جهان را در لفافه می‌پیچاند. آلریش براند^۱ به عنوان نماینده اصلی این دیدگاه معتقد است: «گفتمان اداره امور جهانی به عنوان ابزاری برای مقابله مؤثرتر با پیامدهای بحران خیز ناشی از دگرگونی‌های اجتماعی نولیبرال به کار می‌آید» (Dingwerth and Pattberg, 2006: 194)

این برداشت از اداره امور جهانی را می‌توان در قالب نظریه ماتریالیسم تاریخی تأویل کرد. براساس این نظریه، اداره امور جهانی به عنوان فرایندی رضایت‌محورانه به شمار می‌آید که والاترین هدف آن، مدیریت امور مشترک بر پایه همکاری است. از سوی دیگر، توجه مفهوم اداره امور جهانی به تعدد و تنوع بازیگران و در نتیجه، تکثر منافع باعث می‌شود ماهیت ساختاری روابط اجتماعی و نیز صورت‌بندی سلسله‌مراتبی قدرت اجتماعی در لفافه بماند. دیگر اینکه، «غیرقانونی بودن» مفهوم اداره امور جهانی باعث می‌گردد این مفهوم از ماهیت همه‌جاگیر مسائل و موضوعات اداره امور در تاریخ بشر غافل بماند و آن را نادیده انگارد. در نتیجه، اداره امور جهانی از این منظر نه به عنوان نیرویی متقابل در برابر جهانی شدن بلکه به مثابه همدست ایدئولوژیک آن قلمداد می‌گردد؛ چراکه می‌کوشد برای تغییر شکل دادن به چشم‌انداز نهادی سیاست بین‌الملل، نفوذ سیاسی نیروهای مسلط در امور جهانی را احیا کند (Halabi, 2004: 24-28). در این راستا است که حتی برخی از نویسندگان، پا را از این هم فراتر می‌نهند و اداره امور جهانی را چهره دوستانه قدرت

غیرپاسخگو در سیاست بین‌الملل می‌دانند (Whitman, 2000: 45-57). در مجموع، این سه دسته برداشت، هم تکرر دیدگاه‌ها در مورد مفهوم اداره امور جهانی و هم توجه روزافزون دانشمندان روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد.

برداشت‌های سه‌گانه از اداره امور جهانی، هر یک فهم‌هایی خاص گرایانه و محدودنگرانه در مورد اداره امور جهانی ارائه می‌دهند؛ به عبارتی، برداشت تحلیلی بر نهادهای بین‌المللی، برداشت هنجاری بر مفهوم‌پردازی برای موضوعات جدید ناشی از پدیده جهانی شدن، و برداشت واسازانه بر آشکارسازی ماهیت پنهان‌ساز اداره امور جهانی تأکید می‌ورزند.

۲. انقلاب اطلاعات و چالش‌های فراروی اداره امور بین‌المللی

دانش‌پژوهان اغلب استدلال می‌کنند که فناوری‌های غالب در هر عصری بر نظام بین‌الملل، الگوهای تعامل و حکمرانی تأثیر می‌گذارند. گرایش آنها تمرکز بر فناوری‌های خاص و تأثیرات آنها بر برآیندهای داخلی یا بین‌المللی مانند تأثیر تسلیحات هسته‌ای بر اتحادها و به‌کارگیری زور (Waltz, 1979: 180-193) و تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر ظرفیت تعاملی نظام بین‌الملل (Buzan and Little, 2000: 69-70) بوده است. فناوری‌ها معمولاً درون یک دولت توسعه می‌یابند، اما اگر سودمند باشند به سرعت به سایر جوامع اشاعه می‌یابند. از آنجا که فناوری‌ها مختص یک دولت واحد هستند و تأثیرات آنها همچنان محدود به آن دولت است، بررسی آنها بر حسب سطح واحد به‌جاست. اما از آنجا که فناوری‌ها در میان دولت‌ها اشاعه می‌یابند و بر روابط آنها تأثیر می‌گذارند، ضروری است فناوری‌ها نه به‌عنوان متغیرهای داخلی یا بین‌المللی بلکه به‌مثابه متغیرهای فراملی در نظر گرفته شوند.

ویژگی بارز انقلاب فناوری اطلاعات نه محوریت دانش و اطلاعات بلکه کاربرد دانش و اطلاعات در تولید دانش و پردازش اطلاعات در یک چرخه بازخورد فزاینده میان نوآوری و کاربردهای نوآوری است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۶۱). برخلاف دیگر انقلاب‌های فناوری که ابتدا در چند جامعه محدود رخ می‌داد و به‌تدریج و بعد از سالیان دراز به سایر جوامع گسترش می‌یافت، فناوری‌های جدید اطلاعاتی با سرعت برق و در کمتر از دو دهه

در سراسر جهان گسترش یافت. کاستلز این امر را در ویژگی انقلاب فناورانه می‌داند. به این معنا که به کارگیری مستقیم فناوری‌هایی که این انقلاب ایجاد می‌کند برای گسترش بیشتر این انقلاب و بدین طریق به هم پیوستن جهان از طریق فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۶۳؛ Roseanau and Singh, 2002). کریستوفر فریمن^۱ انقلاب فناوری اطلاعات را نوعی تغییر پارادایمی می‌داند و می‌گوید:

در هر پارادایم جدید، یک درون‌داد خاص یا مجموعه‌ای از درون‌دادها را می‌توان به‌عنوان عامل کلیدی در آن پارادایم توصیف کرد که مشخصه آن کاهش هزینه‌های نسبی و دسترسی همگانی است. تغییر پارادایم در عصر حاضر را می‌توان به‌عنوان گذار از فناوری عمدتاً مبتنی بر درون‌دادهای ارزان انرژی، به فناوری به‌طور عمده متکی به درون‌دادهای ارزان اطلاعاتی که از پیشرفت حاصل از فناوری میکروالکترونیک و مخابرات به‌دست آمده است، در نظر گرفت (کاستلز، ۱۳۸۵: ۹۲).

بر همین اساس کاستلز در مجموعه سه‌جلدی با عنوان *عصر اطلاعات* سعی می‌کند با در نظر گرفتن انقلاب فناورانه به‌عنوان تغییر پارادایمی از آن به‌عنوان الگویی برای تبیین دگرگونی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استفاده کند. آلون تافلر با هدف تبیین محیط راهبردی در حال ظهور به‌واسطه انقلاب الکترونیک استدلال می‌کند که جهان به‌سوی یک انقلاب اجتماعی - اقتصادی در حرکت است که این امر توسعه یک ساختار قدرت سه‌گانه را در پی خواهد داشت. در ساختار قدرت دوگانه عصر صنعتی، دولت‌ها اقتصادهای مبتنی بر صنایع سنگین را توسعه دادند و از سیطره اقتصادی، اجتماعی و نظامی بر جوامع ابتدایی تر مبتنی بر کشاورزی بهره‌مند شدند، اما در موج سوم تمدنی که شاخه بارز آن انقلاب الکترونیک و اطلاعاتی است دولت‌هایی که بیشترین بهره را از دانش و اطلاعات در حوزه‌های مختلف می‌برند، بر دیگر دولت‌ها برتری خواهند یافت (تافلر، ۱۳۶۸: ۲۱۰-۱۹۲).

در رویکرد بافتاری استدلال می‌شود که تعاملات انسانی و روابط میان کنشگران همواره در یک بستر رخ می‌دهد. در همین چارچوب، والتز نظام بین‌المللی آنارشیک را بافتار مفروضی در نظر می‌گیرد که دولت‌ها در بستر آن به تعامل با یکدیگر می‌پردازند و

رفتار دولت‌ها، از جمله تلاش برای افزایش قدرت از طریق خودیاری و یا اتحاد با دولت‌های همسو، در نتیجه آنارشیک بودن نظام بین‌المللی است.

بری بوزان در کتاب *مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک* استدلال می‌کند که آنارشی بین‌المللی و فناوری‌های غالب دو شرط اساسی هستند که دولت‌ها در بستر آنها استراتژی را تدوین می‌کنند (Buzan, 1987: 6-7). وی معتقد است که فناوری، یک ساختار ژرف و جهان‌گستر شبیه آنارشی است ولی جدا از آن است. این ساختار نه یک بافتار سیاسی بلکه یک بافتار فناورانه را ایجاد می‌کند که سیاست داخلی و بین‌المللی درون آن عمل می‌کنند (Ibid.: 108). از نظر بوزان، ساختار این بافتار، الزام فناورانه-فرایند عام پیشرفت کیفی در فناوری - است (Ibid.: 74) که بر گستره عملیات نظامی، سرشت تهدیدهای نظامی و پیامدهای توسل به زور تأثیر می‌نهد و دولت‌ها را مجبور می‌سازد به گونه‌ای رفتار کنند که به مسابقه تسلیحاتی شباهت دارد (Ibid.: 109).

وقتی بوزان از متغیرهای فناورانه به‌عنوان بخشی از نظام یاد می‌کند، برخلاف واقع‌گرایان ساختاری متغیرهای فناورانه را بخشی از ساختار نظام سیاسی - بین‌المللی نمی‌داند، بلکه استدلال می‌کند که متغیرهای فناورانه بخشی از یک نظام وسیع‌تر و بزرگ‌تر به نام محیط استراتژیک جهان‌گستر هستند که متشکل از جنبه‌ها یا قلمروهای آنارشیک و فناورانه جداگانه‌ای است.

بری بوزان و ریچارد لیتل به‌منظور مطالعه سیر تکامل نظام‌های بین‌المللی در طول تاریخ، سه مفهوم «ظرفیت تعامل»،^۱ «فرایند» و «ساختار» را مبنا قرار می‌دهند (Buzan and Little, 2000: 77-89). ظرفیت تعامل، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که تمایز میان نظام‌های بین‌المللی در طول تاریخ را امکان‌پذیر می‌سازد. ظرفیت تعامل به‌میزان حمل و نقل، ارتباطات و قابلیت سازمانی واحدها یا نظام اشاره دارد. اینکه چه میزان کالا و اطلاعات می‌تواند در فواصل دور با چه سرعتی و چه هزینه‌ای منتقل شود. در این میان، تحولات فناورانه تأثیر چشمگیری بر میزان تبادل کالا و اطلاعات در سطح نظام و افزایش ظرفیت تعاملی نظام بین‌الملل می‌گذارد. در همین چارچوب، بوزان مشخصه‌های یک نظام

بین‌المللی قدرتمند را ظرفیت تعامل جهانی خیلی بالا در حمل و نقل، ارتباطات، گسترش اجتماعات دارای سرنوشت مشترک، انقباض زمان و فضا و وصل شدن تولید، تجارت و مالیه به یکدیگر می‌داند. به نظر می‌رسد که مشخصه‌های یک نظام بین‌المللی قدرتمند، بسیار وابسته به پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی میان جوامع است؛ فناوری‌هایی که براساس دیدگاه کاستلز موجب شبکه‌ای شدن جوامع، فضای جریان‌ها و زمان بی‌زمان می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۵). به نظر بوزان و لیتل، پیشرفت‌های سریع در زمینه فناوری‌های مدرن نظامی، ارتباطاتی و حمل و نقل، ظرفیت‌های تعامل در سطح نظام را بسیار افزایش داده‌اند و از این طریق، نوعی نظام بین‌المللی را به وجود آورند که به معنای واقعی کلمه «جهان گستر» است. وانگهی، پیشرفت در حوزه فناوری موجب ظهور کنشگران جدیدی شده است که تا حدودی با دولت‌ها (به‌عنوان کنشگران مسلط در نظام بین‌الملل) به رقابت می‌پردازند (Buzan and Little, 2000: 80). فرایند به معنای الگوهای اقدام و واکنش است که در میان واحدهای تشکیل‌دهنده نظام قابل مشاهده است. برخی از الگوهای تعامل میان واحدها عبارت‌اند از: جنگ، موازنه قوا، مسابقه تسلیحاتی، معمای امنیت، اتحاد، دیپلماسی، رژیم‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، رقابت تجاری، نظم لیبرالی و دیگر الگوهای روابط اقتصادی بین‌المللی (Ibid.: 79). ساختار بر اصولی متمرکز است که براساس آنها، واحدها در یک نظام سازمان می‌یابند و اینکه چگونه واحدها از یکدیگر متمایز می‌شوند و واحدها چگونه برحسب قابلیت‌های نسبی در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند (Ibid.: 84).

ظهور و گسترش فناوری‌های جدید حمل و نقل و ارتباطی، کیفیت و کمیت تعاملات میان واحدهای نظام از یک سو و نظام به‌عنوان یک کل را از سوی دیگر، تغییر می‌دهد. اگر ظرفیت تعاملی نظام پایین باشد، تأثیرگذاری نیروهای ساختاری کم خواهد بود. اما وجود سطوح بالای ظرفیت تعاملی باعث می‌شود که نیروهای ساختاری به گونه‌ای مؤثر عمل کنند. ظرفیت تعاملی مشتمل بر ابعاد فیزیکی و اجتماعی قابلیت‌های نظام گستر است. این قابلیت‌ها نقش مهمی در تعریف واحدهای مسلط و شکل‌دهی به نیروهای تأثیرگذار در ساختار ایفا می‌کند (Ibid.: 82). از دیدگاه بوزان و لیتل، فناوری‌های حمل و نقل و ارتباطی مشتمل بر دو بعد فناوری‌های مادی و اجتماعی است که در اثر پیشرفت بشر در دستیابی به

فناوری‌های حمل‌ونقل و ارتباطی مانند ارتباط از راه دور، هواپیما و ماهواره پدید می‌آیند. فناوری‌های اجتماعی حمل‌ونقل و ارتباطی، مشتمل بر مواردی همچون زبان، انگاره‌های مشترک (مذهب، دیپلماسی، علم اقتصاد)، پول و سفته‌اند (Ibid.). در مجموع می‌توان گفت انقلاب اطلاعات و ارتباطات و افزایش دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، به‌ویژه از طریق اینترنت، اداره امور بین‌المللی را حداقل از چهار منظر متفاوت به چالش می‌کشد:

۱-۲. افزایش توانایی کنشگران غیردولتی در اعمال نفوذ بر سیاست‌های بین‌المللی

کاهش هزینه‌های مبادله و نیز کم شدن فاصله‌های زمانی، ارتباطات میان کنشگران مختلف سراسر جهان را تسهیل می‌کند. برای مثال، کنشگران جامعه مدنی را قادر می‌سازد تا اتحادیه‌های فراملی ایجاد و بیانیه‌های مشترک تدوین کنند، و در زمینه مسائل مربوط به علائق مشترک، استراتژی‌های مشترکی را در پیش گیرند، و بدین نحو، بر فرایندهای سیاسی بین‌المللی، اعمال نفوذ کنند. در هر حال، این تأثیر دموکراسی‌ساز به‌صورت اعطای حق اظهار نظر به فرد در فرایندهای بین‌المللی در دسترس همه شهروندان نمی‌باشد؛ زیرا در برخی دولت‌ها فضای باز اینترنت و قابلیت دسترسی همه‌جانبه به آن تحت کنترل دولت است (Shapiro, 1999: 24; Roseanau and Singh, 2002).

از نمونه‌های ثمربخش همکاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی براساس استفاده از فناوری‌های جدید می‌توان به «ائتلاف سازمان‌های غیردولتی در حمایت از دیوان کیفری بین‌المللی» که بالغ بر ۸۰۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی را دربرمی‌گیرد و «فعالیت بر ضد موافقت‌نامه‌های چندجانبه سرمایه‌گذاری» اشاره کرد. بیش از ۶۰۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی در بیش از ۵۰ کشور، موافقت‌نامه چندجانبه سرمایه‌گذاری در ۲۹ کشور ثروتمند جهان را از بین بردند. پس از اینکه شبکه‌های بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی پیش‌نویس این موافقت‌نامه را منتشر ساختند، مذاکرات میان اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در پاریس سرانجام بی‌نتیجه ماند، و بسیاری از کشورهای اصلی عضو این سازمان مثل فرانسه، مواضع خود را تغییر دادند و از مذاکرات خارج شدند.

جدا از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، سازمان‌های بین‌الدولی نیز از این امکانات روزافزون ارتباطاتی سود می‌برند. مردم از طریق اینترنت به راحتی می‌توانند از کارها و برنامه‌های آنها مطلع شوند. وانگهی، هم شناخت و هم تبعیت از هنجارهای بین‌المللی (مثل حمایت از حقوق بشر و محیط زیست انسان) به میزان چشمگیری می‌تواند بهبود یابد، چراکه کنشگران جامعه مدنی می‌توانند به این هنجارها رجوع کنند و خواستار تبعیت دولت‌های خود از این هنجارها گردن (Mendes, 2014: 40-41).

جدول ۱. کنشگران نظام جهانی

مجموع تعداد کل (برآوردهای سال ۲۰۰۹)	نوع کنشگر
۲۰۰	دولت‌ها
۶۰۰۰۰	شرکت‌های چندملیتی
۱۰۰۰۰	سازمان‌های غیردولتی که حیطه فعالیت آنها در یک دولت است
۵۶۰۰	سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی
۲۵۰۰	سازمان‌های بین‌الدولی

مأخذ: بر پایه داده‌های سازمان ملل متحد و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی.

در این وضعیت دولت‌ها مجبورند علاوه بر گسترش همکاری‌ها میان خود، نقش بازیگران غیردولتی را در مدیریت سیاست جهانی بپذیرند. روزنا خاطر نشان ساخته است دولت‌هایی که می‌خواهند به شبکه‌های جهان‌گستر فناوری دسترسی داشته باشند، هیچ چاره‌ای جز پیوستن به آن نهادهای بین‌المللی ندارند که به نمایندگی از همه، مقررات فناوری‌های مورد نظر را تنظیم می‌نمایند (Creveld, 1999: 380). ساختارهای جهانی نوظهور، روزنا را بر آن داشت تا اصطلاح جدید «سیاست پس‌بین‌الملل»^۱ را برای اشاره به این تحولات وضع کند:

سیاست پس‌بین‌الملل اصطلاح مناسبی است، زیرا به روشنی حاکی از افول الگوهای دیرپاست، بی‌آنکه روشن سازد که این تغییرات ممکن است به کجا منتهی شود. در عین

آنکه به وجود و کارکرد ساختارهای پایدار و باثبات اشاره دارد، حاکی از وضعیتی سیال و گذراست. این اصطلاح برای اشاره به تغییراتی است که آشوب جهانی به بار آورده است، برای گرایش‌های مرکز‌گرا و مرکز‌گریزی که هویت و تعداد بازیگران جهانی را دگرگون می‌سازد؛ برای سمت‌گیری‌های در حال تغییر که مناسبات مرجعیت و اقتدار را در میان بازیگران از نو تعریف می‌کند (روزنا، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۵; Roseanau and Singh, 2002).

روزنا در تبیین دگرگونی‌های فوق به نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی اشاره می‌کند که از دو مجرا ساختارهای سنتی را به چالش می‌کشند: ۱. پویش‌های فناوری به‌ویژه فناوری‌های ملازم با انقلاب میکروالکترونیک که فواصل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به مراتب کوتاه‌تر و جابه‌جایی اندیشه‌ها، تصاویر، پول و اطلاعات را بسیار سریع‌تر کرده و بدین ترتیب وابستگی متقابل مردم و رویدادها را صدچندان ساخته است. ۲. پیدایش مسائلی چون آلودگی هوا، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، بحران‌های ارزی و ایدز است که محصول مستقیم فناوری‌های نوپا و وابستگی شدیدتر جهان هستند (Rosenau, 2006؛ روزنا، ۱۳۸۴: ۳۴).

۲-۲. تحول مذاکرات و مبادلات بین‌المللی به علت دسترسی روزافزون به اطلاعات

در نتیجه دسترسی روزافزون به اطلاعات، مذاکرات بین‌المللی نیز دستخوش تغییرات ژرفی شده است. همان‌گونه که معمولاً تصور می‌شود، حتی تصمیمات وسیع و مهم نیز در اغلب موارد به ناگزیر در وضعیت هاله‌ای از تردید اتخاذ می‌گردد (Youngs, 2007: 101-102). این شکاف‌های اطلاعاتی نه تنها ارزیابی کافی این مسئله را مخدوش می‌کنند بلکه یافتن یک راه‌حل قابل قبول را نیز دشوار می‌سازند. البته، اطلاعات اضافی از تردیدها می‌کاهد. از سوی دیگر، اطلاعات جدید و مکمل ممکن است وضع را حتی پیچیده‌تر کند، به‌گونه‌ای که تعداد استدلال‌های احتمالی در حمایت یا مخالفت با یک سیاست افزایش یابد و طیف برایندها نیز گسترده‌تر شود. بنابراین مازاد اطلاعات چه‌بسا ممکن است شک و تردید سیاست‌گذاران نسبت به ترجیحات شخصی‌شان را به‌جای تخفیف دادن، تشدید کند، و

مذاکرات نیز به جای محدود شدن، طولانی گردد. برخی نویسندگان اظهار می‌دارند که شتاب و آهنگ پیشرفت فناوری نه تنها بر محدوده زمانی مذاکرات بین‌المللی تأثیر می‌گذارد، بلکه حتی بیش از توانایی دولت‌ها در «سازمان‌دهی فرایندهای سیاسی و استفاده کردن از فناوری‌های جدید، اهمیت یافته‌است» (Reinicke and Deng, 2000: 2; Holliday and Kwok, 2004).

۲-۳. انقلاب مهارت‌ها و دگرگونی مفهوم شهروندی

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، اساس بهبود و ارتقای ظرفیت «گردآوری و تحلیل اطلاعات» را تشکیل داده‌اند. توزیع جغرافیایی این فناوری‌ها در بخش‌های وسیعی از کره زمین و کاهش هزینه‌های خرید و استفاده از آنها به «دمکراتیک شدن فناوری» انجامیده‌اند. این وضعیت، فناوری‌های مذکور را در دسترس اکثر افراد قرار داده است. افراد نیز آموخته‌اند که چگونه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از قبیل پست الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و یا تلفن‌های همراه استفاده کنند تا بتوانند علایق خود را بیان کنند و با سایر افرادی که اندیشه‌ها، هویت‌ها، یا تصاویر مشترکی از دشمن دارند، از طریق پیوندهای شبکه‌ای تعامل داشته باشند. این وضعیت، افراد را قادر می‌سازد تا برای بیان اندیشه‌ها و علایق، یا اجرای آنها در سطح جهان اجتماعات جدیدی را تشکیل دهند (Rosenau and Fagen, 1997: 655-686).

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، ظرفیت‌های هماهنگ‌سازی میان افراد را از مجاری غیرقابل کنترل به وسیله دولت‌ها افزایش داده و فرصت‌های جدیدی برای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری بر روندهای داخلی و حتی منطقه‌ای و بین‌المللی در اختیار افراد قرار داده است. به عبارت دیگر، کاهش هزینه‌های مبادله و نیز کم شدن فاصله‌های زمانی به واسطه انقلاب فناوری اطلاعات، کششگران جامعه مدنی را قادر می‌سازد تا اتحادیه‌های فراملی ایجاد نمایند، بیانیه‌های مشترک تدوین کنند، و در زمینه مسائل مربوط به علایق مشترک، استراتژی‌های مشترکی را در پیش گیرند، و بدین نحو، بر فرایندهای سیاسی بین‌المللی، اعمال نفوذ کنند.

یکی از نمونه‌های انقلاب مهارت‌ها مبارزه اطلاعاتی جنبش زاپاتیست‌ها^۱ با فرایند آزادسازی تجاری در داخل منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی^۲ در سال ۱۹۹۲ از طریق اینترنت بود. اعضای این جنبش تصور می‌کردند اقدام دولت مکزیک به افزایش واردات غلات ارزان قیمت از خارج، سبک زندگی سنتی‌شان را به خطر انداخته است. زاپاتیست‌ها با استفاده وسیع از اینترنت، به سرعت اطلاعات و پیام خود را در سراسر جهان منتشر ساختند و شبکه‌ای از گروه‌های حامی و یک نهضت بین‌المللی افکار عمومی به راه انداختند که عملاً برای دولت مکزیک استفاده گسترده از روش‌های سرکوب را غیرممکن ساخت (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۲).

انقلاب اطلاعات و ارتباطات به دلیل وقوع انقلاب مهارت‌ها در تحول مفهوم شهروندی نیز مؤثر بوده است. انقلاب مهارت‌ها باعث شده است مردم در ارزیابی این‌که رفتارهایشان چگونه می‌تواند به برایندهای جمعی مهم بیانجامد، بیش‌ازپیش ماهرتر شده‌اند. آثار انقلاب مهارت‌ها از این حیث که به تکامل ارزش‌های مشترک جهانی یا رفتار انسانی‌تر می‌انجامد، لزوماً مثبت نیست؛ بلکه برعکس، انقلاب مهارت‌ها به رفتار خودخواهانه‌تر نیز می‌انجامد، و در عمل، چه بسا به خیر و صلاح کل نظام نیز بی‌توجهی می‌شود. به دنبال انقلاب مهارت‌ها، مفهوم شهروندی دگرگون شده است. در برخی از بخش‌های جهان، مردم سطح انتظارات خود را تا فراتر از دولت ملت بالا برده‌اند و تمایل خود به مرجع اقتدار را به جانب موجودیت‌های فراملی و فوق ملی ارتقا داده‌اند. برخی دیگر نیز التزام خود را در جهتی نزولی تغییر داده‌اند و به سمت خرده گروه‌های خود گرایش داشته‌اند.

۴-۲. اینترنت به‌عنوان یکی از عرصه‌های جدید اداره امور بدون دولت‌ها

چهارمین بعد چالشی که انقلاب فناوری برای اداره امور بین‌المللی ایجاد کرده است اینترنت است، چراکه آن عرصه‌ای است که عمدتاً مرجع غیردولتی، آن را اداره می‌کند.

1. Zapatista

2. Northern American Free Trade Area (NAFTA)

در اواخر دهه ۱۹۸۰، وزارت دفاع آمریکا و بنیاد ملی علوم آمریکا، خصوصی سازی اینترنت را آغاز کرد. تا قبل از اواخر دهه ۱۹۸۰، اینترنت در اصل به منظور مبادله اطلاعات نظامی طراحی شده بود، اما بیش از همه، محققان دانشگاه، دانشمندان دولتی و مهندسان رایانه از آن استفاده می کردند. از آن زمان تاکنون، سود تجاری در اینترنت، مدام رو به افزایش بوده است. گرچه در آغاز عمدتاً این بخش خصوصی بود که برای ارائه خدمات زیربنایی از اینترنت استفاده می کرد، اما طولی نکشید که مؤسسات تجاری نیز، اینترنت را تسخیر کردند و امکان دسترسی به اینترنت را برای جمع کثیری از کاربران تجاری و خصوصی مهیا ساختند (Spar, 1999: 34). هرچند نابسامانی در اینترنت شاید به ناگزیر تا حدی تعدیل شده است، اما بسیاری از کاربران خواهان وضع مقررات سخت تر در مورد نحوه استفاده از آن می باشند. استدلال آنها در مورد کنترل بیشتر اینترنت این است که حجم اطلاعات دارای مضامین زننده (تصاویر و نوشتارهای مستهجن، اهانت آمیز، خشونت آمیز، می بایست کاهش یابد بر این اساس، یک وظیفه جدید اداره امور، یعنی قاعده مندسازی موارد استفاده از اینترنت و تضمین امنیت و ایمنی زیرساختار اطلاعات مطرح شده است (Florini, 2000: 21).

تاکنون، اداره امور بین المللی نتوانسته است این قواعد را ایجاد کند. اگر موارد استفاده از اینترنت به قلمروهای ملی محدود می شد، تک تک دولت های ملی می توانستند طبق رویه های قانون گذاری و منافع ملی خودشان، در قاعده مند کردن اینترنت پیشقدم گردند. در هر حال، به علت ساختار فنی غیر متمرکز اینترنت، این امر عملی نمی باشد. سازمان های بین المللی نیز قادر به اداره امور اینترنت نخواهند بود، چرا که فرایندهای دستیابی به توافقات و اتخاذ تصمیمات در سطح بین المللی به قدری کند صورت می گیرند که به پای آهنگ بسیار شتابان تغییرات فناوری نمی رسند (Spar, 1999: 47). از این رو، بخش خصوصی مجبور بوده است خودش قواعدی را برای تنظیم امور اینترنت برقرار سازد. یک نمونه از این خود - هماهنگ سازی کنشگران خصوصی، «شرکت اینترنتی تعیین اعلام و اعداد» است که نهاد هماهنگ سازی فنی اینترنت می باشد. ائتلاف وسیعی از انجمن های کاربران تجاری، فنی و دانشگاهی اینترنت، این شرکت را در اکتبر ۱۹۹۸ تأسیس کردند.

این شرکت، مسئولیت انجام وظایفی از قبیل هماهنگ کردن تعیین نام‌ها و ضوابط تشریفاتی در حوزه اینترنت را بر عهده گرفته است. نهاد مذکور، نمونه‌ای از مرجعیت اقتدار بخش خصوصی است (Innerarity and Solana, 2013: 5; Holliday and Kwok, 2004).

در مجموع، انقلاب اطلاعات و ارتباطات هم پیامدهای مثبت داشته است و هم پیامدهای منفی. از یک سو، اینترنت به خصوص، شهروندان و کنشگران جامعه مدنی در سراسر جهان را قادر می‌سازد تا در مباحث دولتی مشارکت نمایند و از این طریق به تقویت جریان‌ها و روندهای دمکراسی‌سازی کمک کنند. از سوی دیگر، اینترنت پخش و اشاعه اطلاعات مستهجن را تسهیل می‌کند و چه بسا ممکن است مورد بهره‌برداری سازمان‌های تبهکار و تروریستی نیز قرار گیرد. به علت ساختار تمرکزگرای اینترنت، هم شیوه‌های سنتی اعمال صلاحیت قضایی (به وسیله دولت‌های ملی و اداره امور بین‌المللی) و هم مدل‌های جایگزین همکاری میان انتشاردهندگان بین‌المللی اطلاعات با خطر ناکامی در قاعده‌مندسازی کاربرد و محتوای جریان‌های جهانی اطلاعات مواجه می‌شوند. به علاوه، انقلاب فناوری ظرفیت مشارکت کنشگران غیردولتی در فرایندهای سیاسی بین‌المللی را نسبت به دولت‌ها افزایش می‌دهد و در نتیجه تعداد بسیار بیشتری از کنشگران فعال در نظام بین‌المللی را پدید می‌آورد (Florini, 2000: 21).

۳. سودمندی مفهوم اداره امور جهانی در مقابل اداره امور بین‌المللی

با توجه به شرایط متغیر جهانی و پویایی‌های سیاست جهانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به واسطه انقلاب فناوری اطلاعات، به نظر می‌رسد مفهوم اداره امور جهانی، بهتر می‌تواند شرایط متحول جهانی را در هر دو بعد نظریه‌پردازی و سیاستگذاری تبیین کند. در این میان، از شش جهت، مفهوم اداره امور جهانی را می‌توان به جای روابط بین‌الملل به کار گرفت:

نخست اینکه مفهوم روابط بین‌الملل اساساً به «سیاست میان ملت‌ها» توجه دارد و کنشگران غیردولتی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، اما مفهوم «اداره امور جهانی» چنین

سلسله‌مراتبی را برای بازیگران قائل نیست و همه بازیگران تأثیرگذار در عرصه جهانی را به یک میزان مهم می‌داند. به عبارت دیگر، اداره امور جهانی، چشم‌انداز امور جهانی را عرصه فعالیت بازیگران متعدد و متنوع می‌نگرد.

دوم اینکه اصطلاح روابط بین‌الملل دلالت بر این امر دارد که تعامل بین‌المللی را می‌توان به صورت جدا و مستقل از تعاملات در سطوح دیگر تعامل اجتماعی تحلیل کرد. اما اصطلاح اداره امور جهانی، عرصه بین‌المللی را یک نظام چندسطحی می‌نگرد که در آن، فرایندهای سیاسی در تمامی سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی پیوندی ناگسستنی با هم دارند. از این رو، اداره امور جهانی توجه ویژه‌ای به پیوندهای درهم تنیده میان سطوح مختلف سیاستگذاری دارد.

سوم اینکه، مفهوم روابط بین‌الملل به‌طور سنتی با روابط قدرت، نقش منافع در تعاملات دولت‌ها، و نقش هنجارها و شبکه‌های حمایتی به‌عنوان نیروهای محرک سیاستگذاری در فراسوی دولت سروکار دارد؛ اما مفهوم اداره امور جهانی از این فرض آغاز می‌شود که طیف وسیعی از اشکال اداره امور یکی پس از دیگری وجود دارند و تشخیص وجود یک سلسله‌مراتب میان این سازوکارهای متعدد و متنوع، دشوار است. به عبارت دیگر، هیچ اصل نظم‌دهنده واحدی وجود ندارد که اداره امور جهانی مبتنی بر آن باشد و هیچ نظمی هم در کار نیست که ملت‌ها و اجتماعات بتوانند حول آن گرد هم آیند. اداره امور جهانی تعداد بی‌شماری سازوکار کنترلی را در خود دارد که منبعت از اهداف، تاریخ‌ها، فرایندها و ساختارهای مختلف است (Barnett and Duvall, 2005: ch. 1).

چهارم اینکه روابط بین‌الملل، پدیده اقتدار و مشروعیت بخشی دولت را اساساً در ارتباط تنگاتنگ با توانایی یک دولت در تعقیب منفعت شخصی عقلایی‌اش قرار می‌دهد، اما اداره امور جهانی ظهور حوزه‌های جدید اقتدار در عرصه بین‌المللی را که مستقل از دولت-ملت‌های حاکمیت‌دار شکل می‌گیرند، جذب می‌کند. برای نمونه می‌توان به رژیم‌های خصوصی میان شرکت‌ها، همکاری‌ها در زمینه تعیین استاندارد میان کنشگران اجتماعی (خصوصی) و شبکه‌های سیاستگذاری خصوصی فراملی اشاره کرد (Dingwerth and Pattberg, 2006: 192-194).

پنجم اینکه اداره امور جهانی دیدگاهی است که صبغه انتقادی و هنجاری نیز دارد. به عبارت دیگر به نقش آفرینی «تمایل به بایدها» به همان اندازه تأکید بر «هست‌ها» توجه دارد؛ درحالی که روابط بین‌الملل بیشتر به وضعیت جاری در عرصه بین‌المللی می‌پردازد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انقلاب فناوری اطلاعات چالش مهمی در برابر روندهای موجود بین‌المللی ایجاد کرده و سیاست جهانی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متحول ساخته است. در نتیجه، الگوهای مبتنی بر دولت محوری که در قالب مفهوم روابط بین‌الملل تجلی یافته است، دیگر نخواهد توانست از عهده مدیریت شرایط متغیر جهانی برآید. این شرایط ایجاب می‌کند تا محققان رشته روابط بین‌الملل در پرتو روندهای نوین جهانی و تئوری‌پردازی تحولات بین‌المللی تلاش کنند تا مفهومی جایگزین روابط بین‌الملل که از قابلیت تبیین امور جهانی برخوردار است، وارد رشته روابط بین‌الملل کنند. این نوشتار گامی کوچک در راستای دستیابی به این هدف است. به نظر می‌رسد مفهوم اداره امور جهانی بهتر خواهد توانست در پرتو تحولات جدید سیاست جهانی، توانمندی دولت‌ها را برای مواجهه با مسائل و چالش‌های نوین تقویت کند. چرا که براساس مفهوم اداره امور جهانی، اداره امور سیاست جهانی چندسطحی است، بدان معنا که اداره امور نه تنها در سطح ملی و بین‌المللی (مثل اداره امور بین‌المللی) بلکه در سطوح زیرملی، منطقه‌ای و محلی نیز صورت می‌گیرد.

نظام‌های اداره امور بین‌المللی هم از لحاظ تئوریک و هم از لحاظ عملی، بیش از پیش تحت فشار قرار گرفته‌اند. این مشکلات، حداقل ناشی از دو تحول اساسی است: نخست اینکه، به علت تعمیق و گسترش دایمی پیوندهای فراملی، دولت‌های ملی یکی پس از دیگری انحصار نمایندگی جوامع خود در فرایندهای سیاسی بین‌المللی را از دست می‌دهند. همان‌گونه که اشاره شد، کنشگران ذی‌نفوذ جدیدی در عرصه جهانی پدیدار شده‌اند که توانایی تأثیرگذاری آنها بر تخصیص آمرانه ارزش‌ها رو به افزایش است. این کنشگران جدید مشروعیت دروندادی سیاستگذاری‌های بین‌الدولی را به چالش می‌کشند. دوم اینکه در نتیجه نیازهای فزاینده به راه‌حل‌های بین‌المللی یا جهانی برای مسائلی که

سابقاً ملی محسوب می‌شدند، اتباع دولت‌های دمکراتیک، که بر فرایندهای سیاستگذاری دسته‌جمعی در سطح بین‌المللی، نفوذ ناچیزی داشته‌اند، احساس می‌کنند که بیش‌ازپیش از فرایند سیاسی دور مانده‌اند. بر همین اساس، ناکامی نظام‌های اداره امور بین‌المللی برای رسیدن به اهداف مورد نظر، استقرار نظام‌های کارآمدتر را ضروری می‌سازد. در نتیجه محدودیت‌های نظام‌های اداره امور بین‌المللی، تلاش‌ها برای فائق آمدن بر این محدودیت‌ها را به‌سوی اداره امور جهانی معطوف خواهد کرد. برای بسط مفاهیم نظام‌های اداره امور کارآمدتر و پاسخگوتر، می‌باید ناکامی نظام‌های اداره امور بین‌المللی در دستیابی به اهداف اداره امور، به شکل مبسوط‌تری مورد تحلیل قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. تافلر، آلوین (۱۳۶۸). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو.
۲. روزنا، جیمز (۱۳۸۴). آشوب در سیاست جهان؛ نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات روزنه.
۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، ج ۱، تهران، انتشارات طرح نو.
4. Barnett, Michael and Raymond Duvall (eds.) (2005). *Power in Global Governance*, Cambridge, Cambridge University Press.
5. Bell, D. (2007). *Cyberculture Theorists; Manuel Castells and Dona Haraway*, Newyork, Routledge.
6. Bruhl, Tanja and Volker Rittberger (2001). "From International Governance to Global Governace", in: Volker Rittberger (ed.), *Global Governance and th UN System*, New York, UNU press.
7. Buzan, B. (1987). *An Introduction to Strategic Studies: Military Technology and International Relations*, New York, St. Martin Press.
8. Buzan, B. and R. Little (2000). *International Systems in World History: Remaking the Study of International Relations*, London, Oxford University Press.
9. Creveld, M. Van (1999). *The Rise and Decline of the State*, Cambridge: Cambridge University Press.
10. Dingwerth, Klaus and Philipp Pattberg (2006). "Global Governance as a Perspective on World Politics", *Global Governance Journal*, No. 12.
11. Florini, Ann M. (2000). "Who Does What? Collective Action and the Changing Nature of Authority", In Richard A. Higgott, Geoffrey R. D. Underhill, and Andreas Bieler (eds.), *Non-State Actors and Authority in the Global System*, London, Routledge.
12. Fuchs, Doris A. and F. Kratochwil (2002). *Transformative Change and Global Order: Reflections on Theory and Practice*, Munster: IIT Verlag.
13. Gordenker, Leon and Thomas Wiess (1996). "Pluralizing Global Governance: Analytical Approaches and Dimensions", in Gordenker, Leon and Thomas Wiess (eds), *NGOs, the UN, and Global Governance*, Boulder, Westview.
14. Halabi, Yakub (2004). "The Enpansion of Global Governance into the Third World: Altruism, Realism, or Constructivism", *International Studies Review*, No. 6.
15. Held, David (2006). "Reframing Global Governance: Apocalypse Soon or

- Reform", *New Political Economy*, Vol.11, No.2, available at: [www.Ise.edu/collections/2006 1101-Davidheld.pdf](http://www.Ise.edu/collections/2006%201101-Davidheld.pdf).
16. Holliday, Ian and Rebecca C. W. Kwok (2004). "Governance in the Information Age: Building E-Government in Hong Kong", *New Media & Society*, No. 6.
 17. Innerarity, Daniel and Javier Solana (eds.). (2013). *Humanity at Risk: The Need for Global Governance*, New York, Bloomsbury Publishing Plc.
 18. Makinda, Samuel M. (2000). Recasting Global Governance, *Journal New Millennium*, New Perspectives: The United Nations, Security and Governance.
 19. Mendes, Errol P. (2014). *Global Governance, Human Rights and International Law: Combating the Tragic Flaw*, New York, Rutledge.
 20. Pattberg, Philipp (2006). "Global Governance: Reconstructing a Contested Social Science Concept", *GARNET Working Paper*, No. 4, Available at: [http://www.garnet.eu.org/fileadmin/documents/working-papers/ 0406.pfd](http://www.garnet.eu.org/fileadmin/documents/working-papers/0406.pfd).
 21. Reinicke, Wolfgang H. (1998). *Global Public Policy: Governing Without Government?*, Washington, DC, Brookings.
 22. Reinicke, Wolfgang H. and Francis Deng (2000). *Critical Choices, the United Nations, Networks and the Future of Global Governance*, Ottawa, International Development Research Center.
 23. Roseanau, James N. and Singh, J. P. (2002). *Information Technologies and Global Politics : The Changing Scope of Power and Governance*, New York: the State University of New York Press.
 24. Rosenau, James (1992). "Governance, Order, and Change in World Politics", In James Rosenau and Ernst-Otto Czempiel (eds.), *Governance without Government. Order and Change in World Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
 25. _____ (1995). "Governance in the Twenty-first Century", *Global Governance*, No. 1.
 26. _____ (2002). "Skills, Networks, and Structures that Sustainworld Affairs", in J. Rosenau, and J. P. Singh (eds.) *Information Technology and Global politics*, London, Cornell University Press.
 27. _____ (2006). *The Study of World Politics, Volume 2: Globalization and Governance*, New York, Rutledge.
 28. Rosenau, James N. and M. W. Fagen (1997). "A New Dynamism in World Politics; Increasingly Skillful Individuals?", *International Studies Quarterly*, 41(4).
 29. Shapiro, Andrew L. (1999). "The Internet", *Foreign Policy*, No. 115.
 30. Spar, Debora L. (1999). "Lost in (Cyber) Space: The Private Role of Online Commerce," In A. Claire Cutler, Virginia Haufler, and Tony Porter. Albany

(eds.), *Private Authority and International Affairs*, NY: State University of New York Press.

31. The Report of the Commission on Global Governance (1995). "Global Governance: our Global Neighborhood", available at: <http://www.libertymatters.org/Globalgovernance.htm>.
32. Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*, New York, Random house.
33. Weiss, Thomas G. (2013). *Global Governance: Why/ what? Wither?*, Cambridge, Polity Press.
34. Whitman, Jim (2000). "Global Governance as the Friendly Face of Unaccountable Power", *Security Dialogue*, Vol. 33 (1).
35. Youngs, Gillian (2007). *Global Political Economy in the Information Age: Power and Inequality*, New York, Routledge.

ارائه یک مدل ترکیبی برای اولویت‌دهی احداث نیروگاه با منابع تجدیدپذیر با در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار (مطالعه موردی: کشور ایران)

محمدعلی بهشتی‌نیا،* میثم شاهجویی** و آرمین عالی رضایی***

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۱/۲۵	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۴/۱۰
-------------------------	-----------------------

کمبود سوخت‌های فسیلی، بحران جهانی نفت و همچنین افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی، پذیرش عمومی از نیروگاه‌های سنتی را در کشورهای در حال توسعه کاهش داده است. در این تحقیق برای حمایت از تصمیم‌گیرندگان، جهت انتخاب بهترین جایگزین برای نیروگاه‌های سنتی با سوخت تجدیدپذیر روشی ارائه می‌شود که در آن به بررسی جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فنی برای احداث نیروگاه‌های با سوخت‌های تجدیدپذیر می‌پردازد. روش مذکور رویکردی ترکیبی از ابزارهای روش منطقی دیجیتال بهبود یافته و روش تاپسیس فازی است که به ارزیابی نیروگاه‌های مختلف و شناسایی بهترین نیروگاه با توجه به معیارهای فنی و اهداف توسعه پایدار می‌پردازد. برای درک بهتر روش پیشنهادی، یک مطالعه موردی در ایران که با وابستگی شدید اقتصادی به نفت دارد، مطرح می‌شود و در آن پنج نیروگاه تولید برق با توجه به ظرفیت‌های کشور، مورد بررسی و اولویت‌بندی قرار می‌گیرند که نیروگاه برق‌آبی بالاترین رتبه را با توجه به اهداف فنی و توسعه پایدار کسب می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تاپسیس فازی؛ روش منطقی دیجیتال بهبود یافته؛ انرژی تجدیدپذیر؛ توسعه پایدار؛ FMCDM

* استادیار دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول)؛

Email: beheshtinia@semnan.ac.ir

** کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه سمنان؛

Email: shahjouei.meysam@gmail.com

*** کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه سمنان؛

Email: armin.aalirezai@gmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جهانیان به‌طور روزافزون از ناتوانی محیط زیست برای حمایت از توسعه بدون قیدوبند بشریت و صنعت، آگاه شده‌اند. آلودگی آب، هوا، خاک و درعین حال تغییرات جوی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر کیفیت زندگی مردم به‌خصوص در کشورهای با اقتصاد در حال توسعه گذاشته است (Kan, Chen and Tong, 2012). سوخت‌های فسیلی بخش عمده‌ای از این تأثیرات منفی بر محیط زیست را شامل می‌شوند از جمله انتشار گاز دی‌اکسید کربن که انتظار می‌رود در بلندمدت باعث افزایش ۳/۶ درجه سانتیگرادی دمای هوا شود (IEA, 2012). ولی تنها با محدود کردن گسترش بخش انرژی نمی‌توان به یک راه اساسی برای حفظ محیط زیست رسید همچنین اینکه اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان شدیداً با تقاضای انرژی درهم آمیخته است. درعین حال پایان‌پذیری و تجدیدناپذیری سوخت‌های فسیلی نیز به‌عنوان بحران مطرح است. طبیعت میلیون‌ها سال، برای پدید آوردن آنها وقت گذارده و بشر در یک قرن یا بیشتر آن را مصرف می‌کند. به همین دلیل است که امکان استفاده از منابع انرژی جایگزین مورد توجه واقع شده است. بنابراین، ایجاد تعادل بین رشد اقتصادی، کیفیت زندگی و بهره‌برداری از منابع طبیعی ضرورت تلقی می‌شود. به‌منظور پاسخ به این نیاز، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در گزارش خود توسعه پایدار را توسعه‌ای که نیازهای مردم کنونی را بدون از بین بردن توانایی نسل‌های آینده دربر آوردن نیازهایشان برطرف می‌کند، تعریف کرده است (WCED, 1987).

در این راستا استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر^۱ مانند باد و انرژی خورشیدی یک امر حیاتی است زیرا، سریع‌ترین منبع انرژی در حال رشد هستند که تا ۱۱ درصد از منابع انرژی جهانی را پوشش می‌دهند (IEA, 2011). این گونه انرژی‌ها تکیه بر سوخت‌هایی دارند که تمیز و تقریباً پایان‌ناپذیرند (UNDP, 2000). از سوی دیگر تنوع نیروگاه‌های تجدیدپذیر نیز زیاد است و انتخاب نوع این نیروگاه‌ها با توجه به شرایط اقلیمی هر کشور می‌تواند متفاوت باشد. پیش‌بینی می‌شود تولید انرژی تجدیدپذیر به‌ویژه در دهه‌های بعدی افزایش

ارائه یک مدل ترکیبی برای اولویت‌دهی احداث نیروگاه با منابع تجدیدپذیر ... _____ ۳۰۷

چشمگیری داشته باشد و به سهم ۵۰ درصد تولید برق تا سال ۲۰۴۰ برسد (Kralova and Sjöblom, 2010).

این مقاله به بررسی مسئله جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فنی برای نیروگاه‌های طراحی شده با سوخت‌های تجدیدپذیر می‌پردازد و یک مدل ترکیبی با ادغام روش منطق دیجیتال بهبودیافته^۱ و روش تاپسیس فازی^۲ برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی نیروگاه‌های تولید برق ارائه می‌دهد که قابلیت به کارگیری هم‌زمان معیارهای کیفی و کمی را دارد. برای درک بهتر روش پیشنهادی، یک مطالعه موردی در مورد تأمین‌کنندگان انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران با در نظر گرفتن دو معیار جدید قابلیت توسعه و سهولت دسترسی به فناوری، مورد بررسی و اولویت‌بندی قرار می‌گیرند.

موضوع این تحقیق، ارائه مدلی ترکیبی از روش‌های منطق دیجیتال بهبودیافته و تاپسیس فازی، به منظور رتبه‌بندی نیروگاه‌های با سوخت تجدیدپذیر با در نظر گرفتن معیارهای فنی و توسعه پایدار است. هدف از ارائه این مدل، کسب راهکاری برای انتخاب بهترین سوخت تجدیدپذیر جایگزین برای سوخت‌های فسیلی پایان‌پذیر است.

همواره به کمک هر پژوهش، می‌توان به پرسش‌های متعددی پاسخ داد که این پرسش‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد که شامل سؤالات اصلی و فرعی است. سؤالات این تحقیق عبارت‌اند از:

سؤال اصلی تحقیق: رتبه‌بندی نیروگاه‌های با فناوری استفاده از سوخت‌های تجدیدپذیر به چه صورتی است؟

سؤال فرعی: چه معیارهایی در ارزیابی و انتخاب بهترین نیروگاه تجدیدپذیر بیشترین تأثیر را دارند؟

نوآوری‌های این مقاله به شرح زیر است:

۱. رتبه‌بندی نیروگاه‌های تولید برق با سوخت‌های تجدیدپذیر با توجه به جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فنی با ارائه یک مدل ترکیبی براساس روش‌های منطق دیجیتال بهبودیافته و روش تاپسیس فازی؛

1. Modified Digital Logic Method (MDL)

2. Fuzzy-Topsis (FTOPSIS)

۲. در نظر گرفتن دو معیار کیفی جدید قابلیت توسعه و سهولت دسترسی به فناوری؛
 ۳. مطالعه موردی برای کشور ایران که در آن تأمین کنندگان انرژی در ایران با توجه به ظرفیت‌های این کشور، مورد بررسی و اولویت‌بندی قرار می‌گیرند.
 در ادامه این تحقیق، به بررسی پژوهش‌های پیشین و روش انجام این تحقیق پرداخته می‌شود. سپس به اعتبارسنجی و کاربرد روش مقاله در مطالعه موردی در کشور ایران و بحث و تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از آن اختصاص یافته است و در نهایت جمع‌بندی، نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادهایی را برای مطالعات آینده در این زمینه ارائه می‌دهد.

۱. ادبیات پژوهش

توسعه پایدار سیستم‌های انرژی، برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در سراسر جهان، روزه‌روز بااهمیت‌تر می‌شود. اهداف اصلی سیاست جهانی، در این زمینه شامل رشد اقتصادی، امنیت تأمین انرژی و کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی است (IEA and OECD, 2008, 2010). برای رسیدن به این اهداف نیاز به در نظر گرفتن و ادغام همه جنبه‌های پایداری سیستم‌های انرژی: (زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی) و فنی است که به تدریج توسط تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران به رسمیت شناخته شده (Ness and et al., 2007; Jeswani and et al., 2010; UNEP and SETAC, 2011) مطالعات در مورد پایداری سیستم‌های انرژی، منعکس شده است. جدول ۱ جزئیات این تحقیقات را نشان می‌دهد. اگرچه تمرکز بیشتر مطالعات انجام شده در تولید برق است، اما آنها تا حد زیادی در حوزه و روش متفاوت‌اند. این تحقیقات با توجه به نوع و تعداد جنبه‌های فنی و پایداری (زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی) و تعداد شاخص در نظر گرفته شده، روش ارزیابی (ارزیابی چرخه عمر، هزینه چرخه عمر و ...) و روش یکپارچه‌سازی ملاحظات پایداری (به‌عنوان مثال رویکرد ذهنی^۱، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره^۲ و ...) با یکدیگر تفاوت دارند.

1. Subjective Approach

2. Multi Criteria Decision Making (MCDM)

جدول ۱. مطالعات پیشین

تحقیق	هدف و حوزه	تعداد شاخص توسعه پایدار در نظر گرفته شده	روش یکپارچگی شاخص‌ها
May and Brennan (2006)	ارزیابی پایداری تولید برق از سوخت‌های فسیلی استرالیا: زغال‌سنگ و گاز طبیعی	مجموع: ۲۱؛ محیط زیست: ۱۲؛ اقتصادی: ۵؛ اجتماعی: ۴	اعمال نشده
Heinrich and et al. (2007)	چارچوب تصمیم‌گیری برای رتبه‌بندی و انتخاب جایگزین انرژی برای اهداف چندگانه تحت عدم قطعیت	مجموع: ۴	تئوری ارزش چندگانه ^۱
Chatzimouratidis and Pilavachi (2009)	ارزیابی پایداری ده نوع نیروگاه	مجموع: ۹	فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی
Evans, Strezov and Evans (2009)	بررسی شاخص‌های توسعه پایدار برای فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر (PV خورشیدی، آبی، باد و زمین‌گرمایی)	مجموع: ۷	مجموع وزنی
Jacobson (2009)	بررسی و رتبه‌بندی فناوری‌های قدرت که می‌تواند راه‌حلی برای گرم شدن کره زمین، آلودگی هوا و امنیت انرژی ارائه دهد	مجموع: ۱۱	تئوری ارزش چندگانه
Kowalski and et al. (2009)	بررسی سناریوهای برق پایدار برای اتریش (در سطح ملی و محلی)	مجموع: ۱۷؛ محیط زیست: ۴؛ اقتصادی: ۱؛ اجتماعی: ۱۲	SIMOS and PROMETHEE ^۲
Roth and et al. (2009)	ارزیابی پایداری نمونه کارهای تکنولوژی تأمین برق (بهترین گزینه‌های تجاری در دسترس)	مجموع: ۷۵؛ محیط زیست: ۱۱؛ اقتصادی: ۳۱؛ اجتماعی: ۳۳	تئوری ارزش چندگانه
Schenler and et al. (2009)	ارزیابی پایداری فناوری برق فعلی و آینده (نقشه راه تکنولوژی)	مجموع: ۳۶؛ محیط زیست: ۱۱؛ اقتصادی: ۹؛ اجتماعی: ۱۶	الگوریتم جایگزین - غالب ^۳

روش یکپارچگی شاخص‌ها	تعداد شاخص توسعه پایدار در نظر گرفته شده	هدف و حوزه	تحقیق
اعمال نشده	معیارهای اجتماعی: ۴	ارزیابی پایداری فناوری تولید برق از طریق شاخص‌های اجتماعی	Gallego-Carrera and Mack (2010)
اعمال نشده	مجموع: ۱۳؛ محیط زیست: ۱۰؛ اقتصادی: ۳	ارزیابی زیست‌محیطی و اقتصادی تولید برق در نیجریه	Gujba, Mulugetta and Azapagic (2011)
مجموع وزنی ^۴	مجموع: ۸	شاخص‌های توسعه پایدار در سیستم‌های تولید برق	Onat and Bayar (2010)
تحلیل پوششی داده‌ها ^۵	مجموع: ۱۵؛ محیط زیست: ۵؛ اقتصادی: ۳؛ اجتماعی: ۳؛ فناوری: ۴	روش تجزیه و تحلیل پایداری در گسترش برق	La Rovere and et al. (2010)
برنامه‌ریزی توافقی ^۶	مجموع: ۲۲؛ محیط زیست: ۱۳؛ اجتماعی و اقتصادی: ۹	مقایسه پایداری از دو گزینه برای تولید برق: زغال سنگ در برابر زیست‌توده	Dorini, Kapelan and Azapagic (2010)
اعمال نشده	مجموع: ۴۳؛ محیط زیست: ۱۱؛ تکنو - اقتصادی: ۱۳؛ اجتماعی: ۱۹	ارزیابی پایداری تولید برق	Stamford and Azapagic (2012)
نوسانی ^۷	مجموع: ۱۰؛ محیط زیست: ۲؛ تکنو - اقتصادی: ۴؛ اجتماعی: ۴	ارزیابی پایداری فناوری تولید برق	Maxim (2014)
AHP	مجموع: ۱۲؛ محیط زیست: ۳؛ فنی: ۳؛ اقتصادی: ۴؛ اجتماعی: ۲	انتخاب منابع انرژی تجدیدپذیر برای توسعه پایدار برق سیستم تولید با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی: مورد مالزی	Ahmad and Taher (2014)
اعمال نشده	مجموع: ۲۰	مقایسه سیستم‌های تولید برق انرژی گرمایی، بادی و خورشیدی	Li and et al. (2015)

روش یکپارچگی شاخص‌ها	تعداد شاخص توسعه پایدار در نظر گرفته شده	هدف و حوزه	تحقیق
تاپسیس فازی	مجموع: ۹؛ محیط زیست: ۲؛ تکنو: ۳؛ اقتصادی: ۳؛ اجتماعی: ۱	روش Topsis فازی برای رتبه‌بندی سیستم‌های تأمین انرژی تجدیدپذیر در ترکیه	Sengül and et al. (2015)

1. Multi Attribute Value Theory
2. PROMETHEE :Preference Ranking Organization Method for Enrichment Evaluation
3. Dominating-alternative Algorithm
4. Weighted Sum
5. Data Envelopment Analysis
8. Compromise Programming
9. Swing

می‌توان دریافت که در بیشتر تحقیقات صورت گرفته، جنبه اقتصادی پررنگ بوده و کمتر به جنبه‌های فنی و زیست‌محیطی توجه شده است. تحقیقات کمی ارزیابی نیروگاه‌ها را با در نظر گرفتن هر چهار معیار اصلی انجام داده‌اند که آنها نیز فقط از معیارهای کمی استفاده شده‌اند.

در این مقاله برای اولین بار سیستم ارزیابی یکپارچه برای سنجش پایداری برای نیروگاه‌های تجدیدپذیر تولید برق با قابلیت در نظر گرفتن معیارهای کمی و کیفی به طور هم‌زمان ارائه شده است. این سیستم به ارائه مدلی برای تصمیم‌گیری در زمینه اولویت‌بندی جهت احداث نیروگاه‌های مختلف با توجه یکپارچه به جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فنی منجر می‌شود.

۲. روش تحقیق

۲-۱. روش گردآوری اطلاعات

همان‌گونه که اشاره شد، این مقاله به بررسی نیروگاه‌های تجدیدپذیر با توجه به اهداف توسعه پایدار می‌پردازد. بدین منظور برای تعیین معیارها با استفاده از مرور ادبیات و پرسش از خبرگان، معیارها و زیرمعیارهایی که تأثیر مستقیم بر تصمیم‌گیری دارند، انتخاب می‌شوند. سپس برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسش‌نامه استفاده شده است که پرسش‌نامه اول به منظور شناسایی وزن و اهمیت معیارهای تصمیم‌گیری به روش منطق

دیجیتال بهبود یافته و پرسش نامه دوم برای رتبه بندی نیروگاه‌ها با روش تاپسیس فازی به کار می‌رود. پرسش نامه‌ها توسط هشت خبره در زمینه صنعت نیروگاه تکمیل شده است. مشخصات پرسش شونده‌گان به شرح جدول ۲ است. در انتها نیز روش ترکیبی جدیدی به منظور رتبه بندی نیروگاه‌ها بر مبنای شاخص‌های تعیین شده ارائه می‌شود.

جدول ۲. مشخصات پرسش شونده‌گان

ردیف	تحصیلات	تخصص	میزان سابقه کار در صنعت (سال)	سطح آشنایی با مفاهیم توسعه پایدار
۱	دکتری	سیستم‌های تولید هم‌زمان گرمایش و سرمایش و نیروگاه	۱۵	خوب
۲	دکتری	انرژی‌های نو	۲۵	خوب
۳	دکتری	انرژی خورشیدی	۱۸	خوب
۴	دکتری	کار در صنایع نیروگاهی	۱۰	خوب
۵	دکتری	کار در نیروگاه	۱۴	خوب
۶	کارشناسی ارشد	توسعه پایدار	۱۵	بالا
۷	کارشناسی ارشد	کار در شرکت توزیع برق	۱۷	خوب
۸	کارشناسی ارشد	کار در نیروگاه	۱۸	خوب

۲-۲. روش پیشنهادی

همان‌طور که پیش از این عنوان شده است در این مقاله ابتدا به شناسایی معیارهای مورد نیاز برای اولویت بندی نیروگاه‌ها خواهیم پرداخت. با استفاده از روش منطق دیجیتال بهبود یافته وزن معیارهای مورد نظر تعیین می‌شوند. سپس با کمک روش تاپسیس فازی نیروگاه‌ها اولویت بندی می‌گردند. بدین صورت از مزایای هر دو روش استفاده می‌شود.

۱-۲-۲. روش منطق دیجیتال بهبود یافته

برای برنامه‌های کاربردی که در آن تعداد ویژگی‌های طراحی نسبتاً زیاد است، تعیین وزن برای معیارهای چندگانه به‌طور هم‌زمان ممکن است برای تصمیم گیرنده بسیار دشوار باشد. برای حل این مشکل، روش منطق دیجیتال بهبود یافته با پیشنهاد مقایسه دو به دو معیارها توسعه داده

شد. روش منطق دیجیتال ثابت کرده است درحالی که یک روش ساده شهودی برای پیاده‌سازی ارائه می‌دهد، قابلیت اطمینان نتایج تصمیم‌گیری را تا حد زیادی بالا می‌برد. در این روش، دو معیار در یک زمان با هم مقایسه می‌شوند و نمره باینری صفر یا ۱ بسته به اولویت تصمیم‌گیرنده دریافت می‌کنند (۱ برای معیار مهم‌تر و صفر برای معیار با اهمیت کمتر). دهقان-مشادی و همکاران روش اصلاح شده منطق دیجیتال را ارائه کردند که در آن تغییر امتیازدهی از {۰ و ۱} به یک طرح امتیازدهی {۳ و ۱ و ۲} تغییر پیدا کرده است (Dehghan-Manshadi and et al., 2007). به این صورت که برای معیار با اهمیت کمتر عدد (۱)، با اهمیت برابر عدد (۲) و برای اهمیت بیشتر عدد (۳) در نظر گرفته شد. مزیت این امتیازدهی این است که به تصمیم‌گیرنده امکان می‌دهد برای دو ویژگی، وزن‌های یکسانی را در نظر بگیرند. به علاوه موجب عدم حذف معیار با کمترین اهمیت، از ماتریس تصمیم‌گیری می‌شود. پس از آنکه همه مقایسه‌های دو به دو انجام شد، وزن‌های این روش به صورت رابطه (۱) قابل محاسبه است:

$$W_j = \frac{\sum_{k=1}^n C_{jk}}{\sum_{j=1}^n \sum_{k=1}^n C_{jk}}, j \text{ and } k = \{1, \dots, n\} \text{ and } j \neq k \quad (1)$$

که n تعداد معیارها و W_j وزن معیار j است. همچنین اگر دو معیار j و k به یک اندازه مهم باشند، آنگاه $C_{jk} = C_{kj} = ۲$ ، در غیر این صورت اگر معیار k از معیار j مهم‌تر باشد $C_{jk} = ۳$ و $C_{kj} = ۱$ و اگر معیار k از معیار j اهمیت کمتری برخوردار باشد آنگاه $C_{jk} = ۱$ و $C_{kj} = ۳$.

۲-۲-۲. روش تاپسیس فازی

تکنیک تاپسیس را هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ مطرح کردند (Hwang and Yoon, 1981). منطق زیربنایی تاپسیس، تعریف راه‌حل‌های ایدئال مثبت^۱ و منفی^۲ است. راه‌حل ایدئال مثبت، معیارهایی از نوع سود را حداکثر و معیارهای از نوع هزینه را حداقل می‌کند. راه‌حل ایدئال منفی، معیارهای از نوع هزینه را حداکثر و معیارهای از نوع سود را

1. Fuzzy Positive Ideal Solution (FPIS)
2. Fuzzy Negative Ideal Solution (FNIS)

حداقل می‌کند. بهترین گزینه، نزدیک‌ترین گزینه به راه‌حل ایدئال مثبت و دورترین گزینه از راه‌حل ایدئال منفی است. به‌طور خلاصه، راه‌حل ایدئال مثبت، ترکیبی از بهترین ارزش‌های قابل دسترس معیارهاست، درحالی‌که راه‌حل ایدئال منفی، شامل بدترین ارزش‌های قابل دسترس معیارهاست. در این روش ارزیابی همه گزینه‌ها نسبت به همه معیارها، صورت می‌پذیرد و به کمک محاسبه فاصله میان جواب‌های ایدئال مثبت و منفی و استفاده از شاخصی به نام شاخص نزدیکی^۱ گزینه‌ها را اولویت‌بندی می‌کند. در این تحقیق از روش تاپسیس فازی برای تعیین امتیاز گزینه‌ها استفاده شده است. برای بیان وضعیت گزینه‌ها از عبارت کلامی^۲ یا علامت اختصاری آمده در جدول ۳ استفاده کنید.

جدول ۳. متغیرهای کلامی در تاپسیس فازی

علامت اختصاری	عدد فازی	عبارت کلامی
VP	(۰ و ۰ و ۱)	خیلی ضعیف
P	(۰ و ۱ و ۳)	ضعیف
MP	(۱ و ۳ و ۵)	تا حدودی ضعیف
F	(۳ و ۵ و ۷)	بی تفاوت
MG	(۵ و ۷ و ۹)	تا حدودی خوب
G	(۷ و ۹ و ۱۰)	خوب
VG	(۹ و ۱۰ و ۱۰)	خیلی خوب

۳. مطالعه موردی

کشور ایران دارای منابع فراوان سوخت‌های فسیلی است. ذخایر اثبات شده نفتی، شامل مایعات گازی بیش از ۱۳۷ میلیارد بشکه یا ۱۱ درصد از منابع کل جهان است. این در حالی است که منابع گاز طبیعی بیش از ۲۶/۷ تریلیون مترمکعب یا ۱۵ درصد کل منابع جهان در سال ۱۳۸۳ بوده است (Bp., 2006)؛ بنابراین این یک حقیقت آشکار است که منابع سوخت‌های فسیلی در ایران ستون اصلی اقتصاد کشور هستند. با این حال، مصرف سوخت‌های فسیلی در ایران به دلیل افزایش جمعیت و رشد تولید ناخالص داخلی، غیر بهینه است و

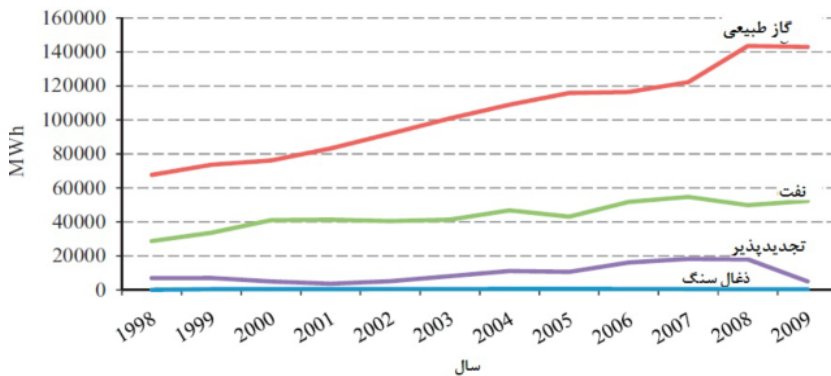
1. Closeness Coefficient

2. Linguistic Variables

قیمت‌های یارانه‌ای سوخت افزایش یافته است. سیاست‌گذاران انرژی مدت‌هاست در تلاش هستند تا مصرف انرژی را تنوع بخشند و انرژی‌های هسته‌ای و تجدیدپذیر را وارد سبد انرژی کنند. امنیت انرژی از دید سیاست‌گذاران انرژی ایران بسیار حیاتی است (شعربافیان، ۱۳۸۷).

انواع منابع انرژی تجدیدپذیر، از جمله انرژی باد، خورشیدی، زمین‌گرمایی، زیست‌توده و برق‌آبی در حال حاضر در ایران وجود دارند. نمودار ۱ تولید برق از منابع تجدیدناپذیر و تجدیدپذیر در ایران را نشان می‌دهد. در این نمودار تولید برق از منابع تجدیدپذیر، شامل برق‌آبی، زمین‌گرمایی، انرژی خورشیدی، باد و زیست‌توده است که نشان از ظرفیت‌های بالفعل ایران برای تولید برق از سوخت‌های تجدیدپذیر است (Bahrami and Abbaszadeh, 2013).

نمودار ۱. تولید برق از منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر در ایران



بهرامی و عباس‌زاده (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان دادند که کشور ایران دارای منابع و ظرفیت لازم و کافی برای ساخت ۵ نیروگاه با سوخت تجدیدپذیر را دارد (Ibid.). جدول ۴ این گزینه‌ها را نشان می‌دهد. در این تحقیق ما از گزینه‌های به‌دست آمده از تحقیق آنها استفاده می‌کنیم. معیارهای مورد استفاده نیز با مرور ادبیات و پرسش از خبرگان شناسایی شده‌اند (Wang and et al., 2009). زیرمعیارهایی نظیر بهره‌وری، هزینه سرمایه‌گذاری، هزینه نگهداری و تعمیرات، عمر سرویس، میزان انتشار گازهای NOX و CO2، میزان استفاده از زمین، ایجاد اشتغال، توسعه محلی و در نهایت ایمنی از یک مطالعه مروری

استخراج گردیده و زیرمعیارهای قابلیت توسعه و سهولت دسترسی به فناوری با نظر خبرگان انتخاب شده‌اند. تعداد معیارهای شناسایی شده به‌طور کلی، شامل چهار معیار اصلی و دوازده زیرمعیار است که در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۴. مشخصات نیروگاه‌های قابل احداث در ایران با سوخت تجدیدپذیر

محل قابل احداث	نوع نیروگاه	گزینه
در اطراف سدها و رودخانه‌های پرآب	نیروگاه برق‌آبی	A _۱
رودبار، تبریز، زابل، شیراز، ماهشهر	نیروگاه بادی	A _۲
یزد، سمنان، تهران، طالقان، خراسان	نیروگاه فتوولتائیک	A _۳
فارس، شیراز، خراسان	زیست‌توده	A _۴
مشکین شهر، سبلان، سرعین، دماوند، سهند، خوی - ماکو	نیروگاه زمین‌گرمایی	A _۵

Source: Bahrami and Abbaszadeh, 2013.

جدول ۵. معیارها و زیرمعیارهای شناسایی شده برای ارزیابی نیروگاه‌ها با سوخت تجدیدپذیر در ایران

معیار اصلی	شرح معیار اصلی	زیرمعیار	شرح زیرمعیار
C _۱	فنی	C _{۱.۱}	بهره‌وری
		C _{۱.۲}	قابلیت توسعه (خبرگان)
		C _{۱.۳}	سهولت دسترسی به فناوری (خبرگان)
C _۲	اقتصادی	C _{۲.۱}	هزینه سرمایه‌گذاری
		C _{۲.۲}	هزینه نگهداری و تعمیرات
		C _{۲.۳}	عمر سرویس
C _۳	محیطی	C _{۳.۱}	انتشار NOX
		C _{۳.۲}	میزان استفاده از زمین
		C _{۳.۳}	انتشار CO ₂
C _۴	اجتماعی	C _{۴.۱}	ایمنی
		C _{۴.۲}	ایجاد اشتغال
		C _{۴.۳}	توسعه محلی و مزایای اجتماعی

Source: Wang and et al., 2009.

۱-۳. تعیین وزن هر معیار

پس از شناسایی معیارهای ارزیابی، به منظور استفاده از نظر همه تصمیم‌گیرندگان، از روش منطقی دیجیتال بهبودیافته بهره گرفته شده است. اطلاعات مورد نیاز برای حل مسئله به کمک این روش از پرسش‌نامه استخراج می‌شود. این پرسش‌نامه شامل پنج ماتریس مقایسه زوجی (یکی برای معیارهای اصلی و چهار ماتریس برای زیرمعیارها) است. ابتدا وزن معیارهای اصلی محاسبه شده است. سپس وزن زیرمعیارهای مرتبط با هر معیار محاسبه می‌شود. وزن نهایی هر زیرمعیار از حاصل ضرب وزن هر معیار اصلی در وزن محاسبه شده برای هر زیرمعیار به دست می‌آید. این رویکرد در مقاله زنگنه و همکاران (۲۰۰۹) نیز استفاده شده است، با این تفاوت که آنها از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ برای تعیین اوزان استفاده کرده‌اند. به منظور تبیین بیشتر، جواب به دست آمده از یک خبره برای معیارهای اصلی و زیرمعیارهای اقتصادی در جداول ۶ و ۷ آورده شده است.

جدول ۶. نمونه پرسش‌نامه پر شده و وزن هر یک از معیارهای چهارگانه اصلی

شمار مقایسه معیارها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	مجموع	وزن نرمالایز شده
فنی	۱	۳	۳				۷	۰/۲۹۱۹۹۷
اقتصادی	۳			۳	۳		۹	۰/۳۷۵
زیست محیطی		۱		۱		۳	۵	۰/۲۰۸۳۳۳
اجتماعی			۱		۱	۱	۳	۰/۱۲۵

جدول ۷. نمونه پرسش‌نامه پر شده و وزن هر یک از زیرمعیارهای اقتصادی

شمار مقایسه معیارها	هزینه سرمایه‌گذاری	هزینه عملیاتی و تعمیرات	عمر	مجموع	وزن نرمالایز شده	وزن نهایی (وزن نرمالایز شده * ۰/۳۷۵)
هزینه سرمایه‌گذاری	۳	۳		۶	۰/۵	۰/۱۸۷۵
هزینه عملیاتی و تعمیرات	۱		۳	۴	۰/۳۳	۰/۱۲۵
عمر		۱	۱	۲	۰/۱۶۷	۰/۰۶۲۵

فرد پاسخگو با توجه به معیارهای مطرح شده، آنها را دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌کند و از این دو معیار به معیاری که ارزش بالاتری دارد، عدد ۳ و به معیار دیگر عدد ۱ را اختصاص می‌دهد و در صورتی که هر دو معیار دارای ارزش یکسان باشند، به هر دو عدد، امتیاز ۲ داده می‌شود. پس از دریافت پاسخنامه، از جمع اعدادی که در سطر مورد نظر آن معیار آورده شده است، امتیاز برای معیار مورد نظر به دست می‌آید. مجموع امتیازهای معیارها، امتیاز کل آن معیار را نشان می‌دهد. جدول ۸ وزن نرمال شده معیارهای این مسئله را با کمک روش منطقی دیجیتال اصلاح شده نشان می‌دهد.

جدول ۸. وزن نرمال شده معیارها

وزن نسبت به معیار (وزن (۱)) × (وزن (۲))	وزن نسبت به معیار (وزن (۲))	زیرمعیار	وزن معیار (وزن (۱))	معیار
۰/۱۳۲	۰/۴۵۴	C _{۱.۱}	۰/۲۹۱	فنی
۰/۱۰۶	۰/۱۸۱	C _{۱.۲}		
۰/۰۵۳	۰/۳۶۳	C _{۱.۳}		
۰/۱۸۷	۰/۵	C _{۲.۱}	۰/۳۷۵	اقتصادی
۰/۱۲۵	۰/۳۳۳	C _{۲.۲}		
۰/۰۶۲	۰/۱۶۶	C _{۲.۳}		
۰/۰۶۹	۰/۳۳۳	C _{۳.۱}	۰/۲۰۸	زیست محیطی
۰/۰۳۴	۰/۱۶۶	C _{۳.۲}		
۰/۱۰۴	۰/۵	C _{۳.۳}		
۰/۰۶۲	۰/۵	C _{۴.۱}	۰/۱۲۵	اجتماعی
۰/۰۴۱	۰/۳۳۳	C _{۴.۲}		
۰/۰۲۰	۰/۱۶۶	C _{۴.۳}		

۲-۳. تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری

برای ارزیابی گزینه‌ها، ابتدا یک مسئله^۱ FMCDM را فرمول‌بندی می‌کنیم که شامل مجموعه‌ای

از m گزینه است و در n شاخص و وزن‌های مربوطه ارزیابی می‌شوند. مسئله می‌تواند به صورت زیر مدل‌سازی شود.

$$x = [x_{ij}]_{m \times n} = \begin{matrix} & C_1 & C_2 & \dots & C_n \\ A_1 & \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1n} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{m1} & x_{m2} & \dots & x_{mn} \end{bmatrix} \end{matrix} \quad (2)$$

$$W = [w_1, w_2, \dots, w_n] \text{ و}$$

در اینجا A_1, A_2, \dots, A_m گزینه‌های ممکن و C_1, C_2, \dots, C_n معیارهایی هستند که به منظور ارزیابی گزینه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. x_{ij} رتبه گزینه A_i از منظر معیار C_j و W_j وزن C_j می‌باشد که توسط روش منطق دیجیتال اصلاح شده، به دست آمده‌اند. جدول ۹ ماتریس تصمیم‌گیری فازی یکپارچه برای مسئله مورد بررسی را نشان می‌دهد. مرحله بعد، مرحله نرمالایزاسازی یا بی‌مقیاس‌سازی ماتریس تصمیم است. روش مورد استفاده در این پژوهش، به مانند روش چن و هانگ، روش نرمال‌سازی خطی است (Chen and Hwang, 1992). بدین منظور باید مقدار حداکثر هر ستون x_j^+ و مقدار حداقل هر ستون x_j^- را مشخص و با استفاده از روابط ذیل، مقادیر r_{ij} را که مقدار بی‌مقیاس شده x_{ij} می‌باشند، محاسبه کرد. زمانی که x_{ij} فازی باشد، r_{ij} نیز فازی خواهد بود.

با فرض $x_{ij} = (a_{ij}, b_{ij}, c_{ij})$ و $x_j^+ = (a_j^+, b_j^+, c_j^+)$ و $x_j^- = (a_j^-, b_j^-, c_j^-)$

روابط زیر برای r_{ij} برقرار است:

اگر x_{ij} جنبه مثبت داشته باشد (مثل سود) آنگاه:

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_j^+} = \left(\frac{a_{ij}}{a_j^+}, \frac{b_{ij}}{b_j^+}, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \right) \quad (3)$$

اگر x_{ij} جنبه منفی داشته باشد (مثل هزینه) آنگاه:

$$r_{ij} = \frac{x_j^-}{x_{ij}} = \left(\frac{a_j^-}{a_{ij}}, \frac{b_j^-}{b_{ij}}, \frac{c_j^-}{c_{ij}} \right) \quad (4)$$

گام بعد، محاسبه ماتریس نرمالایز شده وزنی است. در این حالت وزنهای به دست آمده از روش منطق دیجیتال اصلاح شده در عناصر ماتریس نرمالایز شده ضرب می شوند (جدول ۱۰).

عناصر ماتریس نرمالایز شده وزنی (\tilde{V}_{ij}) برای اعداد فازی مثلثی با استفاده از رابطه

ذیل قابل محاسبه است که اگر \tilde{V}_{ij} جنبه مثبت داشته باشد (مثل سود) آنگاه:

$$\begin{aligned} \tilde{v}_{ij} &= r_{ij} \otimes w_j = \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+}, \frac{b_{ij}}{b_j^+}, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \right) \otimes (\alpha_j, \beta_j, \chi_j) \\ &= \left(\frac{a_{ij}}{c_j^+} \otimes \alpha_j, \frac{b_{ij}}{b_j^+} \otimes \beta_j, \frac{c_{ij}}{c_j^+} \otimes \chi_j \right) \end{aligned} \quad (5)$$

و اگر \tilde{V}_{ij} جنبه منفی داشته باشد (مثل هزینه) آنگاه:

$$\begin{aligned} \tilde{v}_{ij} &= r_{ij} \otimes w_j = \left(\frac{c_j^-}{a_{ij}}, \frac{b_j^-}{b_{ij}}, \frac{c_j^-}{c_{ij}} \right) \otimes (\alpha_j, \beta_j, \chi_j) \\ &= \left(\frac{c_j^-}{a_{ij}} \otimes \alpha_j, \frac{b_j^-}{b_{ij}} \otimes \beta_j, \frac{c_j^-}{c_{ij}} \otimes \chi_j \right) \end{aligned} \quad (6)$$

علامت \otimes نشان دهنده ضرب فازی است.

نتایج این محاسبات در ماتریسی تحت عنوان \tilde{V} به صورت زیر وارد می شود:

$$\tilde{V} = [\tilde{v}_{ij}]_{m \times n} = \begin{bmatrix} A_1 & \tilde{v}_{11} & \tilde{v}_{12} & \dots & \tilde{v}_{1n} \\ A_2 & \tilde{v}_{21} & \tilde{v}_{22} & \dots & \tilde{v}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ A_m & \tilde{v}_{m1} & \tilde{v}_{m2} & \dots & \tilde{v}_{mn} \end{bmatrix} \quad (7)$$

۳-۳. ارزیابی و اولویت بندی نیروگاهها در روش منطق دیجیتال اصلاح شده - تاپسیس

حال نوبت به اولویت دهی نیروگاههاست. بدین منظور شاخص نزدیکی را برای هر یک از گزینهها به کمک FPIS و FNIS به دست می آوریم. بدین منظور ابتدا به کمک رابطه (۸) و (۹)، به ترتیب جواب ایدئال مثبت فازی و جواب ایدئال منفی فازی را محاسبه می کنیم (جدول ۱۱).

ارائه یک مدل ترکیبی برای اولویت‌دهی احداث نیروگاه با منابع تجدیدپذیر ... _____ ۳۲۱

$$FPIS: A^+ = \{(\tilde{v}_j^+ = \max \tilde{v}_{ij} | j \in J), (\tilde{v}_j^+ = \min \tilde{v}_{ij} | j \in J')\} \quad j = 1, 2, 3, \dots, n \quad (8)$$

$$FNIS: A^- = \{(\tilde{v}_j^- = \min \tilde{v}_{ij} | j \in J), (\tilde{v}_j^- = \max \tilde{v}_{ij} | j \in J')\} \quad j = 1, 2, 3, \dots, n \quad (9)$$

در این روابط \tilde{v}_{ij} ، عناصر ماتریس تصمیم‌گیری وزن‌دار است همچنین J نشان‌دهنده معیارهای ارزش مثبت نظیر سود و J' نشان‌دهنده عناصر ارزش منفی یا به عبارت دیگر هزینه‌هاست. \tilde{v}_j^+ و \tilde{v}_j^- به ترتیب جواب ایدئال مثبت و منفی برای ستون j ام می‌باشد. به عبارت دیگر برای معیارهای منفی برای محاسبه جواب ایدئال مثبت فازی و جواب ایدئال منفی فازی، به ترتیب مقادیر کمینه و بیشینه در نظر گرفته می‌شود.

در حالت فازی جهت مقایسه اعداد فازی و تعیین \tilde{v}_j^+ و \tilde{v}_j^- از فرایندهای رتبه‌بندی اعداد فازی استفاده می‌شود. براساس این روش، رتبه عدد فازی (\tilde{v}_{ij}) که با $(M(\tilde{v}_{ij}))$ نشان داده می‌شود، به این صورت تعریف می‌شود:

$$M(\tilde{v}_{ij}) = \frac{-a_{ij} - a_{ij}.b_{ij} + b_{ij}.c_{ij} + c_{ij}^2}{3(c_{ij} - a_{ij})} \quad (10)$$

پس از محاسبه $M(\tilde{v}_{ij})$ ها، به ازای هر ستون j ، آن (\tilde{v}_{ij}) که دارای بیشترین میزان $M(\tilde{v}_{ij})$ است، به عنوان \tilde{v}_j^+ و کمترین مقدار آن به عنوان \tilde{v}_j^- تعیین می‌شود.

عناصر FPIS را با \tilde{v}_j^+ و عناصر FNIS را با \tilde{v}_j^- نشان می‌دهیم. حال نیاز به محاسبه مجموع فواصل هر گزینه از FPIS و FNIS است. بدین منظور به ترتیب از رابطه (۱۱) و (۱۲) استفاده می‌کنیم که نتایج حاصل از آن را می‌توان در جدول ۱۲ مشاهده کرد.

$$S_i^+ = \sum_{j=1}^n d(\tilde{v}_{ij}, \tilde{v}_j^+) \quad I = 1, 2, 3, \dots, m \quad (11)$$

$$S_i^- = \sum_{j=1}^n d(\tilde{v}_{ij}, \tilde{v}_j^-) \quad I = 1, 2, 3, \dots, m \quad (12)$$

در این رابطه S_i^+ و S_i^- به ترتیب به مجموع فاصله گزینه‌ها از جواب ایدئال مثبت و

منفی می‌باشد و منظور از $d(a, b)$ فاصله دو عدد فازی a و b است که با استفاده از فرمول (۱۳) محاسبه می‌شوند.

$$d(a, b) = \sqrt{\frac{1}{3}[(a_1 - b_1)^2 + (a_2 - b_2)^2 + (a_3 - b_3)^2]} \quad (۱۳)$$

جدول ۹. ماتریس تصمیم‌گیری فازی یکپارچه

Max	Min	A5	A4	A3	A2	A1	
(۷،۱۰)		F	MG	MP	MG	G	C1,1
(۷،۱۰)		MG	MG	F	G	G	C1,2
(۸،۱۰)		(۶،۶)	(۲۸،۲۸)	(۹،۹)	(۳۵،۳۵)	(۸،۱۰)	C1,3
	(۱۱،۱۱)	(۲،۲)	(۱۴،۱۴)	(۵،۵)	(۱۱،۱۱)	(۱۷،۱۷)	C2,1
	(۱۳،۱۳)	(۱۳،۱۳)	(۱۳،۱۳)	(۴،۴)	(۴،۴)	(۱۳،۱۳)	C2,2
(۵،۱۰)		(۳،۳)	(۳،۳)	(۲،۲)	(۳،۳)	(۵،۱۰)	C2,3
	(۲۳،۲۳)	(۲۸،۲۸)	(۱۲۵،۱۲۵)	(۱۷۸،۱۷۸)	(۳۲،۳۲)	(۲۳،۲۳)	C3,1
	(۱۸،۱۸)	(۱۸،۱۸)	(۵،۵)	(۳۵،۳۵)	(۱،۱)	(۷۵،۷۵)	C3,2
	(۱۷۶۵۲،۱۷۶۵۲)	(۱۸۹۱۳،۱۸۹۱۳)	(۵۸۰۰۰،۵۸۰۰۰)	(۴۹۱۷۴،۴۹۱۷۴)	(۱۷۶۵۲،۱۷۶۵۲)	(۲۲۶۹۶،۲۲۶۹۶)	C3,3
(۹،۱۰)		VG	VG	G	MP	VP	C4,1
	(۷۲،۷۲)	(۵۴،۵۴)	(۷۲،۷۲)	(۱،۱)	(۱۱،۱۱)	(شده)	C4,2
(۹،۱۰)		MP	MP	G	VG	MP	C4,3

جدول ۱۰. ماتریس تصمیم‌گیری فازی یکپارچه وزن‌دار

A5	A4	A3	A2	A1	
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C1,1
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C1,2
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C1,3
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C2,1
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C2,2
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C2,3
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C3,1
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C3,2
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C3,3
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C4,1
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C4,2
(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	(۰،۰)	C4,3

جدول ۱۱. جواب ایدئال مثبت و منفی فازی

معیار	FPIS	FNIS
C1,1	(۰/۰۷ و ۰/۱ و ۰/۱)	(۰/۰۱ و ۰/۰۳ و ۰/۰۷)
C1,2	(۰/۰۳ و ۰/۰۵ و ۰/۰۷)	(۰/۰۱ و ۰/۰۲ و ۰/۰۵)
C1,3	(۰/۱۳ و ۰/۱۳ و ۰/۱۳)	(۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۹)
C2,1	(۰/۱۸ و ۰/۱۸ و ۰/۱۸)	(۰/۰۴ و ۰/۰۴ و ۰/۰۴)
C2,2	(۰/۱۲ و ۰/۱۲ و ۰/۱۲)	(۰/۰۰۸ و ۰/۰۰۸ و ۰/۰۰۸)
C2,3	(۰/۰۶ و ۰/۰۶ و ۰/۰۶)	(۰/۰۲ و ۰/۰۲ و ۰/۰۲)
C3,1	(۰/۰۶ و ۰/۰۶ و ۰/۰۶)	(۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۱)
C3,2	(۰/۰۳ و ۰/۰۳ و ۰/۰۳)	(۰/۰۰۰۱ و ۰/۰۰۰۱ و ۰/۰۰۰۱)
C3,3	(۰/۱ و ۰/۱ و ۰/۱)	(۰/۰۳ و ۰/۰۳ و ۰/۰۳)
C4,1	(۰/۰۵ و ۰/۰۶ و ۰/۰۶)	(۰ و ۰ و ۰/۰۰۶)
C4,2	(۰/۰۴ و ۰/۰۴ و ۰/۰۴)	(۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۲)
C4,3	(۰/۰۱ و ۰/۰۲ و ۰/۰۲)	(۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۶ و ۰/۰۱)

جدول ۱۲. فاصله گزینه‌ها از جواب ایدئال مثبت و منفی

گزینه	فاصله گزینه‌ها از حل ایدئال	فاصله گزینه‌ها از حل ضدایدئال
S1	۰/۲۴۰	۰/۵۶۴
S2	۰/۳۷۳	۰/۴۳۵
S3	۰/۷	۰/۱۰۸
S4	۰/۴۷۴	۰/۳۳۲
S5	۰/۳۸۳	۰/۴۲۲

در گام بعد، شاخص نزدیکی گزینه A_i که با CC_i^* نشان داده می‌شود، با استفاده از رابطه (۱۴) محاسبه می‌شود.

$$CC_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^+} \quad (14)$$

$i = 1, 2, \dots, m$.

مرحله نهایی تکنیک تاپسیس فازی، رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس ترتیب صعودی

(CC_i^*) خواهد بود.

واضح است که $0 \leq CC_i^* \leq 1$ است. اگر $CC_i^* = 1$ باشد، گزینه A_i راه‌حل ایدئال

مثبت و در صورتی که $CC_i^* = 0$ ، گزینه A_i راه‌حل ایدئال منفی خواهد بود؛ لذا می‌توان رتبه‌بندی گزینه‌های مختلف را با توجه به میزان نزدیکی به راه‌حل ایدئال مثبت و دوری از راه‌حل ایدئال منفی انجام داد. جدول ۱۳ نتایج حاصل از محاسبه شاخص نزدیکی را برای نیروگاه‌ها نشان می‌دهد. براساس روش تاپسیس فازی، در این مرحله با توجه به مقدار شاخص نزدیکی، هر چه این عدد برای هر گزینه بالاتر باشد، آن گزینه رتبه بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد. نتیجه رتبه‌بندی گزینه‌ها نیز در این جدول آمده است.

جدول ۱۳. شاخص نزدیکی برای نیروگاه‌های با سوخت تجدیدپذیر در ایران با روش MDL-FTOPSIS

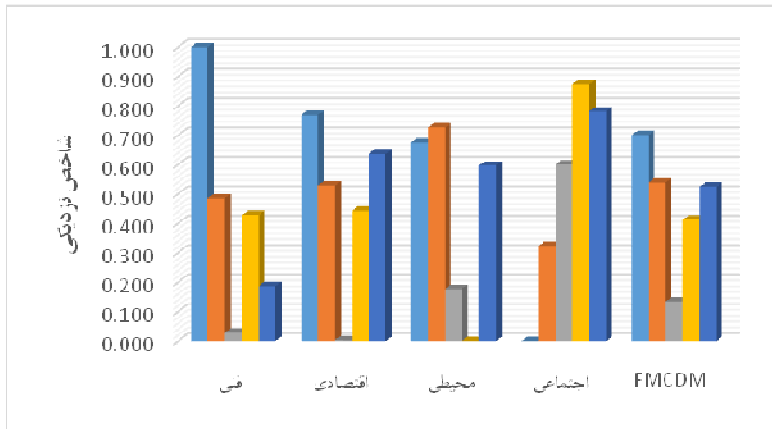
رتبه	مقدار شاخص نزدیکی	نیروگاه
۱	۰/۷۰۱	۱A
۲	۰/۵۳۸	۲A
۵	۰/۱۳۳	۳A
۴	۰/۴۱۲	۴A
۳	۰/۵۲۵	۵A

۴. تحلیل نتایج

یافته‌های تحقیق از دید چهار معیار اصلی بیانگر این مطلب است که معیار اقتصادی از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه معیارها در احداث نیروگاه با سوخت پایان‌ناپذیر در ایران، برخوردار است. بررسی زیرمعیارها نشان می‌دهد که در احداث نیروگاه با سوخت تجدیدپذیر در این کشور، فاکتورهای میزان سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، هزینه نگهداری و تعمیرات، قابلیت توسعه و میزان انتشار گاز CO₂، به ترتیب دارای بیشترین اولویت هستند.

همچنین با بررسی نتایج حاصل از شاخص نزدیکی و رتبه‌بندی نیروگاه‌ها می‌توان در مورد این نتایج برای هر معیار به صورت جداگانه و به صورت یکپارچه بحث کرد. مطابق با یافته‌های مسئله، نیروگاه برق آبی، دارای بالاترین رتبه از نظر سازگاری با همه اهداف توسعه پایدار به طور هم‌زمان داراست. سیاستگذاران انرژی در ایران می‌توانند برنامه‌ها و چشم‌اندازهای مصرف انرژی پاک و بهینه را براساس این رتبه‌بندی که در جدول ۱۲ ارائه شده است، بنا کنند.

نمودار ۲. رتبه‌بندی نیروگاه‌های با سوخت تجدیدپذیر در ایران از جنبه‌های مختلف توسعه پایدار



به‌منظور بررسی بیشتر و ارائه راهکارهای بهتر برای تصمیم‌گیران، این رتبه‌بندی‌ها از منظر هر یک از جنبه‌های پایداری نیز به‌طور جداگانه در این تحقیق مورد نظر قرار گرفت که در نمودار ۲ نشان داده شده‌اند. نیروگاه برق‌آبی بالاترین رتبه را از جنبه فنی را در کشور ایران داراست که دلیل آن میزان بازدهی بالاتر و قابلیت اطمینان بالای این نیروگاه نسبت به سایر گزینه‌هاست. همچنین نیروگاه فتوولتائیک از دیدگاه فنی و اقتصادی غیرمطلوب‌ترین گزینه است که دلیل این موضوع ناشی از عدم رسیدن به بلوغ کامل، بازدهی پایین و هزینه بالای سرمایه‌گذاری این فناوری باشد. از دید زیست‌محیطی زیست‌توده بدترین گزینه است زیرا بالاترین میزان انتشار آلاینده‌گی را در بین این پنج گزینه دارد. از منظر اجتماعی نیروگاه برق‌آبی به‌دلیل ایمنی پایین برای مردم و خطر غرق شدن افراد در سدها و رودخانه‌ها و بالاتر بودن میزان مرگ‌ومیر ناشی از آن و نیز کمترین میزان اشتغال در میان نیروگاه‌های تجدیدپذیر بدترین گزینه است.

نتایج نشان می‌دهد کارشناسان اولویت بیشتر را به فناوری با ایمنی بالا، کم‌هزینه، کم‌خطر برای محیط زیست و اشتغال‌زا می‌دهند. همچنین فناوری تولید برق از انرژی‌های زمین‌گرمایی و برق‌آبی، بیشترین اولویت را با توجه به ظرفیت‌های کشور ایران برای جایگزینی سوخت‌های فسیلی، دارا هستند. استفاده از انرژی زمین‌گرمایی و برق‌آبی در مقیاس بزرگ می‌تواند

وابستگی به سوخت فسیلی در کشور را کاهش دهد و باعث افزایش امنیت انرژی، ایجاد فرصت‌های شغلی در روستاها، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و همچنین نقش مهمی در غلبه بر کمبود انرژی برق در کشور ایفا کنند. روستاهای زیادی در ایران وجود دارد که بدون برق هستند و همه این گزینه‌های تکنولوژی می‌توانند برای تولید انرژی در این مناطق مورد استفاده قرار گیرند و با توجه به نزدیکی این مناطق به محل‌های قابل احداث نیروگاه‌های با سوخت تجدیدپذیر، می‌توان صرفه‌جویی زیادی در هزینه و مصرف انرژی و افت ولتاژ در توزیع برق انجام داد. از این رو گفتنی است یک فناوری جایگزین برای کل کشور مناسب نیست و در هر منطقه از کشور با توجه به ظرفیت جغرافیایی آن منطقه می‌توان از جایگزین دیگر بهره جست. به عنوان مثال در بخش‌های کویری ایران، انرژی خورشیدی منبعی قابل ملاحظه و بسیار بهینه برای تولید برق در این مناطق است و انرژی برق‌آبی بهره‌وری کمتری دارد؛ اما ترکیب مناسبی از این فناوری‌های جایگزین در کل کشور، سبب تنوع، فراوانی و خودکفایی در انرژی می‌شود و نیز در بلندمدت باعث توسعه پایدار انرژی می‌گردد. استفاده از این فناوری‌ها به‌طور قابل توجهی می‌تواند کشور را برای کمک به غلبه بر کمبود برق، بهبود استانداردهای زندگی جامعه، کمک به رشد اقتصادی کشور، بهبود اقتصاد روستایی، کاهش لایحه واردات بنزین و تضمین پایداری محیط زیست، یاری رساند.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مهم‌ترین مسئله در مورد سوخت‌های فسیلی رایج، پایان‌پذیری و تجدیدنپذیری آنهاست. در کنار این مسئله، مصرف گسترده و کلان انرژی حاصل از سوخت‌های فسیلی باعث انتشار مواد آلاینده حاصل از احتراق و افزایش دی‌اکسید کربن در جو و پیامدهایی از قبیل افزایش دمای زمین، تغییرات آب و هوایی، بالا آمدن سطح آب دریاها و در نهایت تشدید منازعات بین‌المللی شده است. از سوی دیگر استفاده سوخت‌های پاک و تجدیدپذیر، شدت افزایش و انباشته شدن دی‌اکسید کربن که موجب گرم شدن زمین می‌شود را کاهش می‌دهد و همچنین دارای تأثیرات مثبت اقتصادی، اجتماعی و فنی فراوانی در راستای اهداف توسعه پایدار انرژی است. از این رو مجموعه انرژی‌های تجدیدپذیر روز به روز سهم بیشتری را در سیستم تأمین

انرژی جهان به‌عهده می‌گیرد؛ بنابراین در برنامه‌ها و سیاست‌های بین‌المللی، نقش مهمی به منابع تجدیدپذیر انرژی محول شده است. از سوی دیگر تنوع نیروگاه‌های تجدیدپذیر نیز زیاد است و انتخاب این نوع نیروگاه‌ها با توجه به شرایط اقلیمی هر کشور می‌تواند متفاوت باشد.

این مقاله به بررسی جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فنی برای نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور ایران می‌پردازد و یک ابزار تحلیلی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیرندگان به‌منظور انتخاب بهترین گزینه برای این نیروگاه‌ها در یک مسئله تصمیم‌گیری چندمعیاره ارائه می‌دهد. در این راستا، مدلی جدید از ترکیب روش‌های MDL و FTOPSIS برای رتبه‌بندی گزینه‌ها با استفاده از زیرمعیارهای کیفی و کمی به‌طور هم‌زمان ارائه شده است. روش ارائه شده در این مقاله دارای سه مزیت است: ۱. کاهش میزان پیچیدگی و سردرگمی برای کارشناسان به‌منظور تعیین اوزان معیارها نسبت به روش‌های پرکاربرد مانند AHP می‌باشد. ۲. پوشش عدم قطعیت اطلاعات با استفاده از روش تاپسیس فازی است. ۳. مزیت نهایی این روش قابلیت کاربرد آن برای هر دو نوع شاخص کمی و کیفی است.

چهار معیار اصلی برای مسئله شناسایی شد که هر یک از این معیارها دارای سه زیرمعیار نیز هستند. این معیارها با مطالعه ادبیات موضوع و با نظر خبرگان تهیه شده‌اند. همچنین پنج نیروگاه تجدیدپذیر برای کشور ایران به‌عنوان گزینه‌های مسئله با مطالعه ادبیات موضوع شناسایی شد و مشخص گردید فناوری تولید برق از انرژی‌های برق‌آبی، بادی و زمین‌گرمایی، بیشترین اولویت را با توجه به ظرفیت‌های کشور ایران برای جایگزینی سوخت‌های فسیلی، دارا هستند.

ترکیب روش‌های دیگر تصمیم‌گیری چندمعیاره با تکنیک منطق دیجیتال اصلاح شده می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای برای تحقیقات آتی در نظر گرفته شود. ارائه شاخص‌های جدید در انتخاب نیروگاه‌های تجدیدپذیر می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای دیگر برای تحقیقات آتی در نظر گرفته شود. استفاده از روش پیشنهادی در این تحقیق برای سایر مسائل تصمیم‌گیری در حوزه انرژی می‌تواند به‌عنوان حوزه دیگری از تحقیقات آتی در نظر گرفته شود.

منابع و مآخذ

۱. شعرافیان، نیلوفر (۱۳۸۷). «برآورد پتانسیل فنی و اقتصادی انرژی خورشیدی حرارتی در ایران: راهکاری برای توسعه پایدار انرژی خورشیدی»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، دوره ۴، ش ۱۵.
2. Ahmad, S. and R. M. Tahar (2014). "Selection of Renewable Energy Sources for Sustainable Development of Electricity Generation System Using Analytic Hierarchy Process: A Case of Malaysia", *Renewable Energy*, 63.
3. Bahrami, M. and P. Abbaszadeh (2013). "An Overview of Renewable Energies in Iran", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 24.
4. BP (British Petroleum Report) (2006). *Statistical Review of world Energy*.
5. Chatzimouratidis, A. I. and P. A. Pilavachi (2009). "Technological, Economic and Sustainability Evaluation of Power Plants Using the Analytic Hierarchy Process", *Energy Policy*, 37 (3).
6. Chen, S. and C. Hwang (1992). "Fuzzy Multiple Attribute Decision Making: Methods and Applications", *Springer Verlag Inc*.
7. Dehghan-Manshadi, B., H. Mahmudi, A. Abedian and R. Mahmudi (2007). "A Novel Method for Materials Selection and Mechanical Design: Combination of non-linear Normalization and a Modified Digital Logic Method", *Material and Design*, 28.
8. Dorini, G., Z. Kapelan and A. Azapagic (2010). "Managing Uncertainty in Multiple-criteria Decision Making Related to Sustainability Assessment", *Clean Technologies and Environmental Policy*, 13(1).
9. Evans, A., V. Strezov and T. J. Evans (2009). "Assessment of Sustainability Indicators for Renewable Energy Technologies", *Renew, Sustainable Energy Review*, 13 (5).
10. Gallego-Carrera, D. and A. Mack (2010). "Sustainability Assessment of Energy Technologies via Social Indicators: Results of a Survey Among European Energy Experts", *Energy Policy*, 38 (2).
11. Gujba, H., Y. Mulugetta and A. Azapagic (2011). "Power Generation Scenarios for Nigeria: an Environmental and Cost Assessment", *Energy Policy*, 39 (2).
12. Heinrich, G., L. Basson, B. Cohen, M. Howells and J. Petrie (2007). "Ranking and Selection of Power Expansion Alternatives for Multiple Objectives Under Uncertainty", *Energy* 32.
13. Hwang, C. L. and K. Yoon (1981). *Multiple Attribute Decision Making: Methods and Applications*, Springer-Verlag, New York.
14. IEA (International Energy Agency) (2012). *World Energy Outlook 2012—Fact Sheets*, Paris.
15. ____ (2011). *International Energy Outlook*.
16. IEA and OECD (2008). "Energy Technology Perspectives: Scenarios and Strategies to 2050", *International Energy Agency and Organization for*

- Economic Co-operation and Development*, Paris, France.
17. _____ (2010). *World Energy Outlook, International Energy Agency and organization for Economic Co-operation and Development*, Paris, France.
 18. Jacobson, M. Z. (2009). "Review of Solutions to Global Warming, air Pollution, and Energy Security", *Energy and Environmental Science*, 2 (2).
 19. Jeswani, H. K., A. Azapagic, P. Schepelmann and M. Ritthoff (2010). "Options for Broadening and Deepening the LCA Approaches", *Journal of Cleaner Production*, 18(2).
 20. Kan, H., R. Chen and S. Tong (2012). "Ambient air Pollution, Climate Change and Population Health in China", *Environment International*, 42.
 21. Kowalski, K., S. Stagl, R. Madlener and I. Omann (2009). "Sustainable Energy Futures: Methodological Challenges in Combining Scenarios and Participatory Multi-criteria Analysis", *European Journal of Operational Research*, 197(3).
 22. Kralova, I. and J. Sjöblom (2010). "Biofuels–renewable Energy Sources: a Review", *Journal of Dispersion Science and Technology*, 31(3).
 23. La Rovere, E. L., J. B. Soares, L. B. Oliveira and T. Lauria (2010). "Sustainable Expansion of Electricity Sector: Sustainability Indicators as an Instrument to Support Decision Making", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 14(1).
 24. Li, K., H. Bian, C. Liu, D. Zhang and Y. Yang (2015). "Comparison of Geothermal with Solar and Wind Power Generation Systems", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 42.
 25. Maxim, A. (2014). "Sustainability Assessment of Electricity Generation Technologies Using Weighted Multi-criteria Decision Analysis", *Energy Policy*, 65.
 26. May, J. R. and D. J. Brennan (2006). Sustainability Assessment of Australian Electricity Generation, *Process Safety and Environmental Protection*, 84(2).
 27. Ness, B., E. Urbel-Piirsalu, S. Anderberg and L. Olsson (2007). Categorising Tools for Sustainability Assessment, *Ecological Economics*, 60 (3).
 28. Onat, N. and H. Bayar (2010). "The Sustainability Indicators of Power Production Systems, Renew", *Sustainable Energy Review*, 14 (9).
 29. Roth, S., S. Hirschberg, C. Bauer, P. Burgherr, R. Dones, T. Heck and W. Schenler (2009). "Sustainability of Electricity Supply Technology Portfolio", *Annals of Nuclear Energy*, 36(3).
 30. Schenler, W., S. Hirschberg, P. Burgherr, M. Makowski and J. Granat (2009). "Final Report on Sustainability Assessment of Advanced Electricity Supply Options", New Energy Externalities Developments for Sustainability (NEEDS). Project no 502687, European Commission.
 31. Şengül, Ü, M. Eren, S. E. Shiraz, V. Gezder and A. B. Şengül (2015). "Fuzzy TOPSIS Method for Ranking Renewable Energy Supply Systems in Turkey", *Renewable Energy*, 75.

32. Stamford, L. and A. Azapagic (2012). "Life Cycle Sustainability Assessment of Electricity Options for the UK", *International Journal of Energy Research*, 36(14).
33. UNDP (2000). World Energy Assessment 2000. *Energy and the Challenge of Sustainability*, New York. ISBN 9211261260.
34. UNEP and SETAC (2011). Towards a Life Cycle Sustainability Assessment, Making Informed Choices on Products.
35. Wang, J. J., Y. Y. Jing, C. F. Zhang and J. H. Zhao (2009). "Review on Multi-criteria Decision Analysis Aid in Sustainable Energy Decision-Making", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 13(9).
36. WCED (World Commission on Environment and Development) (1987). *Our Common Future*, Oxford University Press, Oxford.
37. Zangeneh, A., S. Jadid and A. Rahimi-Kian (2009). "A Hierarchical Decision Making Model for the Prioritization of Distributed Generation Technologies: A Case Study for Iran", *Energy Policy*, 37 (12).

فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۱۷۰۴۲۹۰۰۲۰۰۸، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: درخواست سالانه ۴ شماره ۶۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، بعد از چهارراه شاداب، پلاک ۱۳۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام به نشانی

زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: شغل: تحصیلات:

نشانی:

کد پستی: تلفن: دورنگار:

E-mail:

شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.

۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.

۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.

۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود.

۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.

۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).

۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.

۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.

۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع مربوطه به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.

- منابع فارسی: نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه.

- منابع لاتین: با حروف فارسی و همانند منابع فارسی و ذکر آن به صورت لاتین در پانویس صفحه ذکر شود.

- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه همان با شماره صفحه و در لاتین "Ibid" نیز به همین ترتیب اکتفا شود.

- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.

۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:

الف - کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد.

ب - مقاله مندرج در مجلات: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.

خلاصہ انجسی مقالات

A Hybrid Model for Prioritizing the Construction of Power Plants with Renewable Resources, Considering Sustainable Development Objectives (Case Study: Iran)

Mohammad Ali Beheshtinia, Meysam Shahjooei and Armin Aali Rezaei

Scarcity of fossil fuels, global oil crisis and the increase in environmental awareness have steadily reduced the general acceptance of traditional power plants such as gas power plants in developing countries. In this respect, decision makers in the energy field need tools to support decision-making in order to select the best alternative to traditional power plants with renewable fuels. In this research, a tool is presented for supporting decision-makers in which economic, environmental, social and technical aspects for constructing power plants with renewable fuels are studied. Then a research method through a combination of improved digital logic method tools is presented. Additionally, the phasing TOPSIS method is presented for solving the phasing multi-criteria decision-making and weighting and ranking of the electricity generation plants using inexhaustible resources with regard to qualitative and quantitative criteria. The purpose of the proposed model is to evaluate different power plants and identify the best power plant regarding technical criteria and objectives of sustainable development. To better understand the proposed method, a case study about Iran, a country with high economic dependence on oil, is represented, in which 5 power plants in Iran are studied and prioritized according to the capacities of this country. Hydroelectric power plant gains the highest rating regarding technical and sustainable development objectives.

Keywords: *Phasing TOPSIS; MDL; Renewable Energy; Sustainable Development; FMCDM*

Age of Information Revolution; a Transition from International Governance to Global Governance Discourse

Morteza Noormohammadi and Roohollah Talebi Arani

Growing expansion of ITCs has brought significant social, political, economic and security transformation in human life. In this framework, some new issues have risen beyond capacity held by nation-states and international institutions, which have generated new types of inter-state conflict and increasing inequalities. Therefore, existing systems of International Governance are far from being useful. thus, question is how growing expansion of ITCs affects international governance in terms of usefulness and effectiveness. Hypothesis is that in the information age, growing expansion of ITCs has brought a transition from International Governance to Global Governance. In doing so, it is argued that International Governance Discourse can no longer resolve problems of global politics, and as a result, a transition from hierarchical International Governance to networked Global Governance will necessarily occur. This research is fundamental-applied and draws on some analytical- descriptive method.

Keywords: *Information Revolution; International Governance; Global Governance; Non-states Actors*

The Position of Substitutes to Imprisonment with an Individuality Approach of this Punishment in the Criminal Justice System

Hamid Valehi and Seyed Reza Ehsanpour

Although the efforts of Western philosophers and jurists during the seventeenth and eighteenth centuries in the prevention of violent and severe punishments led to the adoption of prison punishment as the original penalty in the early nineteenth century, but soon the indiscriminate use of prison punishment led to sharp criticism to this penalty that its proponents have doubts it and, finally, they were forced to react. One of the most important reactions to this objections was the suggestion of the use of "substitutes to prison punishment " and "avoidance of imprisonment" unless as the "last resort". This paper is an attempt to explain the position of "substitutes to imprisonment with an individuality approach of this punishment in the criminal justice system. In this paper it is proved that alternative punishment to imprisonment in fact is a means to use measures that can accelerate the process of reforming guilties and finally, we conclude that the successful implementation of these measures requires proper culture-building in society.

Keywordes: *Prison; Substitutes to Imprisonment; Criminal Justice System; Reformation; Rehabilitation*

The Effect of Budget Deficit Shock on the Current Account Deficit in the Presence of Output Shocks: The Twin Divergence Phenomenon in Iran (1990:1- 2011:4)

Jafar Ghaderi, Ali Hossein Samadi and Batoool Ghaderi Sani

The main purpose of this paper is to study the effects of budget deficit shock on the current account deficit in the presence of output shocks in Iran's economy. Moreover, the impacts of budget deficit shock on the exchange rate, GDP shock on the budget deficit and the current account deficit are also analyzed. To achieve these goals, we have used a Vector Autoregressive Model (VAR), Impulse response functions and Variance decomposition. In estimation, we have utilized four variables as budget deficit, current account, GDP and real exchange rate. The results of effect of GDP shock on the budget deficit and current account deficit indicate a negative relation between these two deficits. In other words, the phenomenon of "twin divergence" has been verified. On the other hand, in both cases, the government revenue and the government expenditure shocks on the components of current account, the phenomenon of "twin divergence" weakly has been verified.

Keywords: *Twin Divergence; Budget Deficit Shock; Impulse Response; Variance Decomposition*

The Study of Spatial Distribution of Infrastructure and Cultural Facilities in the Cities of Khuzestan Province

Reza Ahmadi, Zabihollah Torabi, Saeed Maleki, Zeynab Valizadeh and Abdolali Rezaei

The most important scientific and social challenge in developing countries is a rapid growth, and increasing concentration on only one or more urban points. Polar growth strategy in these countries has led to the centralization of decision-making in metropolitan cities and large towns, and the accumulation of all development tools in these cities. In these countries, people's quality of life has been affected by the huge regional disparities which in many cases has rapidly increased. The most important aspect of inequality is spatial inequality. Therefore, the purpose of this study is to identify current patterns of spatial distribution of cultural in the cities of Khuzestan province. For this practical study, the analytic–descriptive method was applied. The data were collected from the statistical yearbook of Khuzestan in 1390. The collected data were analyzed by use of different software such as SPSS, EXCEL, GIS and also TOPSIS methods, cluster analysis, Pearson correlation coefficient, Mann-Whitney test and other statistical methods. The results show that spatial distribution of cultural facilities in the cities of Khuzestan province is extremely unequal. This inequality has been accrued in both geographical and population levels. In terms of geographical, the most culturally-developed cities are located in north of Khuzestan. These cities also have higher population.

Keywords: *Spatial Inequality and Development; Cultural Cultural Development; Kuzestan Province*

The Impact of Investment Structure on Environmental Performance Index (EPI) in Oil Countries

Salman Babaei, Narsis Amin Rashti and Roya Seyfipour

In this article , it is tried study the impact of Investment structure on environmental performance index (EPI). In this research, environmental performance indicators have been utilized as an independent variable unlike that of similar studies consied out based upon the destructive environmental emissions such as carbon dioxide as a factor of pollution growth to assess the environmental Kuznets curve. Using panel data and GLS, this research evaluates the impact of FDI on EPI in 17 oil producing countries, including Islamic Republic of Iran from 200 to 2012. Research findings indicate that foreign direct investment (FDI) has reverse meaningful relationship with environmental performance thus environmental Kuznets curve in oil countries is not confirmed. According to Pollution Haven Hypothesis such countries are prone to absorbing pollute industries. And a reverse and meaningful relationship was found between industry value added and environmental performance. Such a relationship indicates that industry structural change can cause reduction of environmental indicators as majority of FDI is concentrated in oil industries of these countries.

Keywords: *Kuznets Curve; Oil Producing Countries; Environmental Performance Index (EPI); Foreign Direct Investment (FDI)*

Social Capital, Business Environment and State Institutions: Theoretical Basics, Practical Experience and Recommendations (With Emphasis on Legislature)

Saeed Atar

Business social environment as one of environments of surrounding business was of great importance as a result of the economists perspective change, from emphasis on physical capital and then human capital to social capital. Despite these changes, we can say Iran governance has deemed that improving business environment is independent from promoting social capital, with looking at Development Plan Acts (fourth and fifth Plans) and Iran's Vision 2025. This paper tries to answer these questions by the descriptive-analytical method and use of document method: what is the role of social capital in improving business environment? Suppose the social capital improves business environment, do state institutions can increase or decrease social capital by taking some process, making some policies and passing some acts. The latter question is important for creating a new perspective in Iran. Policy makers and legislators in Iran have accepted "the effect of state institutions on business environment". The paper will discuss in a growing literature about the effect of state institutions on social capital and then business environment (social capital as an intermediate variable). At least, Canada and Spain's experiences confirm the role of legislature in improving social capital is crucial. After analyzing associating social capital with business environment and the effect of state institutions on social capital, this paper will provide legislative recommendations for promoting social capital in Iran.

Keywords: *Social Capital; Business Environment; State Institutions; Legislature; Legislative Recommendation*

Impact Analysis of Cash Payment Subsidies on Rural Family's Quality of life Improvement (Case Study Area: Shiring Rural District)

Hamdollah Sajasi Gheydari

Governments have been using varying methods for creating the social justice and social group gap reduction until now, that subsidies targeting and conducting some part of national capital toward lower social group is one of them. The main goal of this method is empowerment of weak social groups; target group, poor and rural people and helping them to changing the quality of their life especially in level of family. Therefore, this study has been trying to assess the cash pay subsidies effects on rural family's quality of life. This paper has used the methodology of Analytical- explanation and data gathered by questionnaire and its 14 designed indexes at 3 dimensions for quality of life assessment in rural family. For this purpose, 364 families were chosen in 15 points of Shiring rural district of Aliabad as a case study area. Data analyzing and getting result of quality of life comparison, before and after cash payment subsidies inception by Wilcox on examination in SPSS, show that from 47 studied items, 21 items with alpha coefficient lower than 0.05, has meaningful relation on quality of life and therefore, it proved that cash payment was effective on rural quality of life. Also, result of T-test examination show that cash payment subsidies was effective in 4 criteria of rural quality of life in case study rural area and other criteria's affecting were lower than median range.

Keywords: *Targeting; Cash Payment Subsidies; Quality of Life; Rural Family; Shiring Rural District*

The Impact of Economic and Social Conditions on Mental Health Across Provinces of Iran (1378-1391)

Nader Mehregan, Samineh Ghasemifar, Hossein Sohrabi Vafa and Khosro Rashid

Healthy Community is one of the significant factors in the development of any country. Community health has different and diverse dimensions. Mental health is determined as an important aspect of health. Promotion of mental health in each country leads to improved worker productivity and increased efficiency. In this study, mental health index was estimated using fuzzy logic system based on the data from 30 provinces of the country in years 1378-1391. In estimating the mental health, a questionnaire was developed according to the method of fuzzy logic and socio-individual factors affecting the mental health, and then was completed by 30 expert psychologists of the country. ,and finally. relationship between macroeconomic variables and mental health was estimated using on the basis panel data econometric methods (1378-1391). The results of the study also confirm desirable status the provinces of south and north Khorasan and undesirable status Fars, Tehran, and Isfahan, showed that the unemployment variable, Gini coefficient, inflation and Urbanization had a significant negative relationship with mental health, while percapita production and social capital was found to have a significant positive relationship with mental health. In other words, mental health indicator is not separate from macroeconomic variables, and each of these variables had a significant effect on the mental health indicator in 30 provinces. This emphasizes the need for further attention by policy makers, especially in the economic and health sectors.

Keywords: *Mental Health Index; Unemployment; Inflation; Gini Coefficient*

Introduction and Calculation of the Composite Index of Economic Justice Regarding Islamic Perspective in Iran

Seyed Mohammadreza Seyednourani and Seyed Ehsan Khandouzi

Assessment of ups and downs of justice or the impact of policies on improvement or deterioration of justice depends on introduction of an index for justice. Due to insufficiency of distributive justice indices (poverty and inequality) to represent the dimensions of economic justice in Islam, this paper aims to introduce a new composite index, which can help to monitor the strategic objectives of the Islamic Republic, for economic justice. For this reason, the theoretical basis of economic justice firstly and then the combined index methodology are introduced. Afterwards, based on an elite two-staged Delphi, weighting dimensions of index is identified, and for the first time combined index of economic justice is calculated during 2000 first decade, and validity of that is confirmed by W. Candle Test. The results show that the all index trend has declined with slight slope. In the final years of the mentioned period, the components of supporting property rights and adherence to the agreements and transactions declined. During the entire period, the components of the optimal utilization of resources and the right of future generations of natural resources have had an inconvenient situation.

Keywords: *Economic Justice; Islam; Iran's Economy; Index; Poverty; Inequality*

Government System's Institutional Implications

Hasan Vakilian

One of the main functions of a constitution is to organize political power within the various branches of government. They do this according to the different interpretations of the doctrine of the separation of powers which in turn create different system of governments i.e. parliamentary, presidential and hybrid systems. Yet, each of those systems has its own characteristics in a given county. One might ask regarding these differences and implications whether one type of government can be preferred to another. Is it the case that one type of government be better than another one? Main argument of the present paper is that none of them might be preferred to another one regardless of the expectations of their designers and the relative success of them to realization of the those aims and expectations.

Keywords: *Seperation of Power; System of Government; Parliamentay System; Presidential System; Implication*

The Lessons of the 16 Seasonal Evaluation of Business Environment in Iran During the Autumn of 1389 to the Summer of 1393

Seyed Amir Sayah

The results of 16 seasonally surveys about business environment in Iran shows that economic organizations nationwide have evaluated the 22 factors of the business environment in the studied period, worse than the middle (5.5 of 10) is 6.04. In the meantime, economic organizations, industry and mining sector are performing worse than other organizations (6.15) and economic organizations in the agricultural sector are relatively better than other organizations (5.95) when evaluating the components of business environment.

The quarterly survey of financial institutions across the country sought to evaluate the factors affecting the businesses in which almost run out of control firms, managers are present. The results of these 16 surveys show that the main problem of Iranian producers, other issues such as roads and electricity infrastructure, but also institutional issues and software development, such as the inefficiency of the banking system in financing the plans and the lack of guarantees of property rights.

Keywords: *Business Environment; Evaluation; Monitoring; Economy of Iran*

English Abstracts

Publisher: Majlis Research Center

Director in Charge: Jalali, K.

Editor-in-Chief: Sobhani, H.

Managing Editor: Sadrinia, H.

Editorial Board:

Beygzade, E. (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

Ghasemi Sheshdeh, M. (Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Masoudi Asl, I. (Assistant Professor, Majlis Research Center)

Naderan, E. (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Pourseyed, S. B. (Assistant Professor, Majlis Research Center)

Seyednourani, S. M. R. (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Sobhani, H. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Sohrabbour, S. (Professor, Faculty of Mechanical Engineering, Sharif University of Technology)

Tari, F. (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Yousefi, M. Gh. (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Editorial Advisory Board:

Abdoli, Gh.; Aliahmadi Jashfaghani, A. R.; Arabmazar, A.; Bahremand, H.; Bakhshi, L.; Bonianian, H.; Deyhim, H.; Ebadi, J.; Elham, G. H. H.; Eyvazloo, H.; Ghasemi Sheshdeh, M.; Javadi Arjomand, M. J.; Khalili Araghi, M.; Markaz Malmiri, A.; Mehrara, M.; Mortazavai, M.; Nasiri Aghdam, A.; Nayebe, H.; Pourhossein, R.; Pourseyed, S. B.; Sadeghi Shahdani, M.; Salimi, H.; Seyednourani, S. M. R.; Sobhani, H.; Solhchi, M. A.; Souri, A.; Tae, H.; Vizheh, M. R.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

Majlis Research Center,

No. 131, After Shadab Crossroad, Sepahbod
Gharani Ave., Tehran, Iran

Publication: +9821-83357158

Fax: +9821-83357157

Subscription: +9821-83357742

www.nashr.majlis.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

Editor: Amin Eskandari, Sh.

English Editor: Asghar Dindari, V.

Lay Out: Sanavi, N.

Designer: Ashourzade, A.

Site: Sanavi, N. & Atarodi, N.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.